از آستارا تا استارباد

مجلّد ششم

شامل اسناد تاریخی گرگان

گردآوری

مسیح ذبیحی
منوچهر ستوده

بنام خداوند جان آفرین

پس از سپاس بی اندازه بدرگاه آفریننده جهان و درود نامحدود بر واپسین پیمبران حضرت محمّد مصطفی (ص) در پرتو عنایات کریمانه ذات خجسته شهریاری اعلیحضرت همایون محمّدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر مجلّد ششم کتاب «از آستارا تا استاراباد» شامل اسناد تاریخی گوناگون مربوط به سرزمین گرگان (۱) به معرض انتشار و استفاده علاقه مندان گذارده میشود.

گفتگو درباره اهمیت اسناد تاریخی سخن تازه ای نیست در آغاز کتاب «مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی» (۲) شمّه ای از آنچه مناسب می آمد در این زمینه مرقوم گشته و در سرآغاز همان کتاب نیز توضیحاتی بیشتر و بهتر مذکور افتاده است و برای آگاهی بیشتر نسبت به چنین امر مهم توجّه خوانندگان و علاقه مندان باین بخش از آثار تاریخی و اسناد ملّی ایران را به آنچه در کتاب

---

(۱) ـ توضیح درباره چندگونه بودن اسناد مورد ذکر در صفحه ۴ مقدمه کتاب داده شده است.

(۲) ـ نشریّه شماره (۸۴) انجمن آثار ملّی تالیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی ـ شهریور ماه ۱۳۵۰

نامبرده نگارش یافته است جلب مینماید .

خوشبختانه همزمان با چاپ سلسلهٔ مجلدات «از آستارا تا استاراباد» که دو مجلد آن پیش از این انتشار یافته (۱) و چاپ مجلد سوم (مربوط به بخشی از آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی مازندران) هم در شرف پایان است ، دانشمند گرامی آقای ایرج افشار (طی نامهٔ ۱۸/۶/۱۳۵۱)- وجود مجموعهٔ بزرگی از اسناد و مدارک و فرمانها و قباله ها و وقفنامه ها از دوران قره قوینلوها (قرن نهم هجری) ببعد مربوط به سرزمین گرگان را که به کوشش و همت آقای مسیح ذبیحی از دانشمندان گرگان طی سالیان دراز گردآوری شده است به اطلاع انجمن آثار ملی رسانیدند و بنا بر پیشنهاد ایشان و موافقت انجمن آثار ملی آقای دکتر منوچهر ستوده مؤلف ارجمند کتابهای «از آستارا تا استاراباد» باتفاق گردآورنده و صاحب محترم مجموعهٔ اسناد نامبرده نسبت به چاپ آن همت گماردند و حاصل چنین کوشش و پژوهش مشترک بصورت دو کتاب درآمد که مجلد حاضر نخستین آن بشمار میرود و دومین مجلد آن نیز بعنوان مجلد هفتم کتاب « از آستارا تا استاراباد » مقارن با همین کتاب انتشار می یابد و چون هر دو مجلد بشرحی که گذشت از هر جهت به سرزمین گرگان ارتباط دارد و مجلد مربوط به آثار و بناهای تاریخی گرگان (با توجه باینکه دو مجلد اول و دوم مربوط به گیلان و مجلدهای سوم و چهارم مربوط به مازندران است) پنجمین مجلد این سلسله مجلدات

---

(۱) ـ نشریهٔ شماره (۷۰) انجمن آثار ملی تیرماه ۱۳۴۹ و نشریهٔ شماره (۸۹) انجمن آثار ملی تیرماه ۱۳۵۱

خواهد بود، دو مجلّد حاوی اسناد مورد ذکر در دنباله مجلّد پنجم منظور و بعنوان مجلّدهای ششم و هفتم بشمار آمده است .

انجمن آثار ملّی ضمن اظهار خورسندی از چاپ دو کتاب اخیرالذکر مناسب میداند از دانشمندان گرامی که ذکر خیرشان گذشت صمیمانه سپاسگزاری کند و از درگاه پروردگار بزرگ توفیق همهٔ فرزندان عزیز ایران را در ادای حق هرچه بهتر و بیشتر مفاخر ملّی و یادگارها و اسناد تاریخی میهن گرامی مسئلت نماید .

بمنّه و کرمه

انجمن آثار ملّی

فهرست مطالب

مقدمه

بخش یکم : فرمان ـ حکم ـ امر ـ تعلیقه ـ عرضه‌داشت ۱

۱ـ فرمان سلطان یعقوب بن اوزون‌حسن مورخ ۸۹۱ هـ . ق. ۳

۲ـ فرمان شاه‌اسماعیل اول مورخ ۹۲۸ هـ. ق. ۵

۳ـ فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۵۰ هـ . ق. ۷

۴ـ فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۳۸ هـ . ق. ۸

۵ـ فرمان شاه‌طهماسب اول ۹

۶ـ فرمان شاه‌طهماسب اول ۱۰

۷ـ فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۵۱ هـ . ق. ۱۱

۸ـ فرمان شاه طهماسب اول مورخ ۹۵۲ هـ . ق. ۱۲

۹ـ فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۵۴ هـ . ق . ۱۳

۱۰ـ فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۵۵ هـ . ق. ۱۴

۱۱ـ سواد فرمان شاه‌عباس اول مورخ ۹۹۶ هـ . ق. ۱۵

۱۲ـ فرمان شاه‌عباس اول مورخ ۱۰۰۰ هـ . ق. ۱۷

۱۳ـ فرمان شاه‌عباس اول مورخ ۱۰۰۷ هـ . ق . ۱۹

۱۴ـ فرمان شاه‌عباس اول مورخ ۱۰۱۸ هـ . ق.	۲۰
۱۵ـ مثال صدرالدین محمودموسوی حسینی مورخ ۱۰۲۷ هـ . ق.	۲۱
۱۶ـ فرمان شاه‌عباس اول مورخ ۱۰۳۶ هـ . ق.	۲۲
۱۷ـ فرمان شاه‌صفی مورخ ۱۰۴۲ هـ . ق.	۲۴
۱۸ـ فرمان شاه‌عباس ثانی مورخ ۱۰۶۹ هـ . ق.	۲۵
۱۹ـ فرمان شاه‌عباس ثانی مورخ ۱۰۷۱ هـ . ق.	۲۹
۲۰ـ سواد فرمان شاه‌عباس ثانی مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق.	۳۱
۲۱ـ فرمان شاه‌عباس ثانی مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق.	۳۷
۲۲ـ فرمان شاه‌عباس ثانی مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق.	۳۹
۲۳ـ سواد فرمان شاه‌سلیمان اول مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق.	۴۱
۲۴ـ سواد فرمان شاه‌سلیمان اول مورخ ۱۰۷۹ هـ . ق .	۴۲
۲۵ـ فرمان شاه سلیمان اول مورخ ۱۰۸۴ هـ . ق .	۴۴
۲۶ـ حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۸۶ هـ . ق .	۴۵
۲۷ـ حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۸۷ هـ . ق.	۴۸
۲۸ـ فرمان شاه سلیمان اول مورخ ۱۰۸۹ هـ . ق.	۴۹
۲۹ـ حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۹۱ هـ . ق.	۵۰
۳۰ـ حکم‌شاه سلیمان اول مورخ ۱۱۰۲هـ. ق.	۵۲
۳۱ـ سواد حکم لطفعلی‌خان مورخ ۱۱۰۳ هـ. ق.	۵۳
۳۲ـ فرمان‌شاه‌سلطان‌حسین مورخ ۱۱۰۸هـ . ق.	۵۵
۳۳ـ فرمانی از شاه سلطان‌حسین	۵۹
۳۴ـ حکم شاه سلطان‌حسین مورخ ۱۱۱۱ هـ . ق.	۶۱
۳۵ـ حکم شاه سلطان‌حسین مورخ ۱۱۱۶ هـ . ق.	۶۲

۳۶ــ سواد فرمان شاه سلطان‌حسین مورخ ۱۱۱۷ ه . ق. ۶۴

۳۷ــ فرمان شاه سلطان‌حسین مورخ ۱۱۱۷ ه . ق. ۶۹

۳۸ــ سواد حکم شاه سلطان‌حسین مورخ ۱۱۲۳ ه . ق. ۸۱

۳۹ــ سواد فرمان شاه سلطان‌حسین مورخ ۱۱۲۸ ه . ق. ۸۲

۴۰ــ نامه‌ای‌که شاه طهماسب ثانی نوشته است . ۸۸

۴۱ــ حکم شاه طهماسب ثانی مورخ ۱۱۳۷ ه . ق. ۸۹

۴۲ــ حکم شاه طهماسب ثانی مورخ ۱۱۳۸ ه . ق. ۹۱

۴۳ــ عرضه‌داشت میرمحمدمفید موسوی استرابادی ۹۳

۴۴ــ حکم شاه طهماسب دوم مورخ ۱۱۴۰ ه . ق. ۹۵

۴۵ــ عرضه‌داشت درویش حسین ... ۹۸

۴۶ــ عرضه‌داشت درویش‌حسین ... ۹۹

۴۷ــ حکمی با مهر باباخان که‌برای امامقلی‌خان قاجار ... ۱۰۰

۴۸ــ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۱۲ ه . ق. ۱۰۲

۴۹ــ دستور فتحعلی‌شاه به‌آقا سید احمد ... ۱۰۳

۵۰ــ عرضه‌داشت مظفر و حسن متولیان ... ۱۰۴

۵۱ــ عرضه داشت محمدقلی‌قاجار ... ۱۰۵

۵۲ــ حکم‌محمدقلی‌میرزا پسرفتحعلی‌شاه قاجار مورخ۱۲۲۵ ه . ق. ۱۰۷

۵۳ــ فرمان‌فتحعلی‌شاه‌به‌عنوان بدیع‌الزمان‌میرزا مورخ ۱۲۲۶ ه . ق. ۱۰۸

۵۴ــ حکم محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۲۶ ه . ق. ۱۱۰

۵۵ــ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۲۹ ه . ق. ۱۱۱

۵۶ــ حکم محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۲۹ ه . ق. ۱۱۳

۵۷ــ حکم محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۲۹ ه . ق. ۱۱۴

۵۸ـ حکم فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۳۰ هـ . ق. ۱۱۶

۵۹ـ عرضه‌داشت میرمحسن موسوی متولی شرعی ... ۱۱۷

۶۰ـ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۳۶ هـ . ق. ۱۲۰

۶۱ـ حکم محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۳۶ هـ . ق . ۱۲۱

۶۲ـ حکم فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۳۹ هـ . ق. ۱۲۲

۶۳ـ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۴۰ هـ . ق . ۱۲۳

۶۴ـ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۴۱ هـ . ق. ۱۲۴

۶۵ـ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۴۱ هـ . ق. ۱۲۵

۶۶ـ حکم محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۴۴ هـ . ق. ۱۲۶

۶۷ـ حکم‌محمدقلی‌میرزا مورخ ۱۲۴۵ هـ . ق. ۱۲۷

۶۸ـ فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۴۷ هـ . ق. ۱۲۸

۶۹ـ حکم حاکم برای‌آقامیرتقی استرابادی مورخ ۱۲۴۷ هـ . ق . ۱۳۱

۷۰ـ عرضه‌داشت محمدحسن‌قاجار ۱۳۲

۷۱ـ عرضه‌داشت سید مفید استرابادی ۱۳۳

۷۲ـ سواد فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ۱۲۵۰ هـ . ق. ۱۳۶

۷۳ـ فرمان فتحعلی شاه مورخ ۱۲۵۰ هـ . ق. ۱۳۷

۷۴ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۰ هـ . ق. ۱۴۰

۷۵ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق . ۱۴۱

۷۶ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق. ۱۴۲

۷۷ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق. ۱۴۳

۷۸ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق. ۱۴۴

۷۹ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق. ۱۴۵

۸۰ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق. ۱۴۷
۸۱ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۵۲ هـ .ق. ۱۴۹
۸۲ـ فرمان حاکم استراباد مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق. ۱۵۰
۸۳ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق. ۱۵۱
۸۴ـ فرمان محمدشاه قاجارمورخ ۱۲۵۲ هـ . ق . ۱۵۳
۸۵ـ حکمی برای علی‌اصغرخان مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق. ۱۵۴
۸۶ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۳ هـ . ق. ۱۵۵
۸۷ـ فهرست سید فضل‌الله مجتهد استرابادی ۱۵۶
۸۸ـ حکم خان‌خانان مورخ ۱۲۵۵ هـ . ق. ۱۵۸
۸۹ـ حکم محمدناصر خان مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق. ۱۵۹
۹۰ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق. ۱۶۰
۹۱ـ حکم محمدناصرخان مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق. ۱۶۱
۹۲ـ حکم محمدناصرخان مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق. ۱۶۲
۹۳ـ حکم حاکم‌استراباد ۱۶۳
۹۴ـ حکم محمدناصرخان مورخ۱۲۵۶ هـ . ق. ۱۶۴
۹۵ـ سواد فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۶۳ هـ . ق. ۱۶۵
۹۶ـ فرمان محمدشاه قاجار ۱۶۶
۹۷ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق. ۱۶۸
۹۸ـ دستور خان‌خانان ۱۶۹
۹۹ـ حکم سلیمان‌خان خان‌خانان مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق. ۱۷۰
۱۰۰ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق. ۱۷۱
۱۰۱ـ عرضه‌داشت یکی ازسادات ... ۱۷۳

۱۰۲ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق. ۱۷۶

۱۰۳ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۲۶۵ هـ . ق. ۱۷۷

۱۰۴ـ حکم محمدولی‌میرزا مورخ ۱۲۶۷ هـ . ق. ۱۷۸

۱۰۵ـ حکم حاکم‌شرع مورخ ۱۲۶۷ هـ . ق. ۱۷۹

۱۰۶ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق. ۱۸۰

۱۰۷ـ حکم شاهزاده ملك‌آرا مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق. ۱۸۱

۱۰۸ـ دستور شاهزاده ملك‌آرا مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق. ۱۸۲

۱۰۹ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق. ۱۸۳

۱۱۰ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۲۸۵ هـ . ق. ۱۸۴

۱۱۱ـ حکم سلیمان‌خان‌یوزباشی مورخ ۱۲۸۸ هـ . ق. ۱۸۵

۱۱۲ـ حکم سلیمان‌خان یوزباشی مورخ ۱۲۸۸ هـ . ق. ۱۸۶

۱۱۳ـ حکم سلیمان‌خان یوزباشی مورخ ۱۲۸۹ هـ . ق. ۱۸۷

۱۱۴ـ فرمان ناصرالدین‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۹۰ هـ . ق. ۱۸۸

۱۱۵ـ حکم حاکم‌استراباد مورخ‌۱۲۹۶ هـ . ق . ۱۸۹

۱۱۶ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۲۹۶ هـ . ق. ۱۹۰

۱۱۷ـ حکمی برای محمدابراهیم‌خان مورخ ۱۲۹۷ هـ . ق. ۱۹۱

۱۱۸ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۳۰۰ هـ . ق. ۱۹۲

۱۱۹ـ حکم حاکم‌استراباد مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق. ۱۹۲

۱۲۰ـ حکم حاکم‌استراباد مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق. ۱۹۳

۱۲۱ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۷۰۸ هـ . ق. ۱۹۴

۱۲۲ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۳۰۹ هـ . ق. ۱۹۵

۱۲۳ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق. ۱۹۶

۱۲۴ـ حکم عمیدالدوله مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق. ۱۹۷
۱۲۵ـ حکم عمیدالدوله مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق. ۱۹۸
۱۲۶ـ فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق. ۱۹۹
۱۲۷ـ حکم‌حاکم‌استراباد مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق. ۲۰۰
۱۲۸ـ حکم حاکم شرع برای ملاعبدالرحیم مورخ ۱۳۱۴ هـ . ق. ۲۰۱
۱۲۹ـ فرمان مظفرالدین‌شاه قاجار مورخ ۱۳۱۷ هـ . ق. ۲۰۲
۱۳۰ـ حکم حاکم‌استراباد مورخ ۱۳۱۹ هـ . ق. ۲۰۳
۱۳۱ـ فرمان مظفرالدین‌شاه قاجارمورخ ۱۳۱۹ هـ . ق. ۲۰۴
۱۳۲ـ حکم حاکم‌استراباد مورخ ۱۳۲۳ هـ . ق . ۲۰۵
۱۳۳ـ فرمان محمدعلی‌شاه قاجار مورخ ۱۳۲۶ هـ . ق. ۲۰۶
۱۳۴ـ فرمان محمدعلی‌شاه قاجار مورخ ۱۳۲۶ هـ . ق. ۲۰۷
۱۳۵ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۳۳۰ هـ . ق. ۲۰۸
۱۳۶ـ حکم حاکم استراباد مورخ ۱۳۳۱ هـ . ق. ۲۰۹

بخش دوم : احکام شرعی حکام شرع استراباد ۲۱۱

۱ـ سواد حکم شرعی آقا محمدمهدی مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق. ۲۱۳
۲ـ سواد حکم شرعی آقا محمدمهدی مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق. ۲۱۵
۳ـ تأیید حکم شرعی حاجی ملا رضا مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق. ۲۱۹
۴ـ حکم شرعی مورخ ۱۲۸۰ هـ . ق. ۲۲۰
۵ـ تأیید حکم شرعی حاجی ملارضااسترابادی مورخ ۱۲۸۰ هـ . ق. ۲۲۱
۶ـ تأیید حکم شرعی حاجی ملارضااسترابادی مورخ ۱۲۸۰ هـ . ق. ۲۲۳
۷ـ تأیید حکم شرعی حاجی ملارضااسترابادی مورخ ۱۲۸۰ هـ . ق. ۲۲۶

۸ـ حکم شرعی مورخ ۱۲۸۴ هـ . ق. ۲۲۷
۹ـ حکم شرعی مورخ ۱۲۸۴ هـ . ق. ۲۲۸
۱۰ـ سواد حکم‌شرعی آقا محمدمهدی اصفهانی‌مورخ ۱۲۸۶ هـ . ق. ۲۳۰
۱۱ـ تقاضای صدور حکم‌شرعی مورخ ۱۲۸۹ هـ . ق. ۲۳۳
۱۲ـ حکم‌شرعی آقا محمدصادق عقیلی مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق. ۲۳۶
۱۳ـ حکم‌شرعی مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق. ۲۳۷
۱۴ـ سواد حکم‌شرعی‌حاجی‌آقا سیدصادق مورخ ۱۲۹۲ هـ . ق. ۲۳۹
۱۵ـ حکم‌شرعی مورخ ۱۲۹۴ هـ . ق. ۲۴۳
۱۶ـ حکم‌شرعی سه تن‌از حکام شرع مورخ ۱۳۰۸ هـ . ق. ۲۴۴
۱۷ حکم حکام‌شرع مورخ ۱۳۳۱ هـ . ق. ۲۴۵
۱۸ـ حکم حکام‌شرع مورخ ۱۳۳۱ هـ . ق. ۲۴۷
۱۹ـ فتوی شرعی مورخ ۱۳۴۶ هـ . ق. ۲۵۳
۲۰ـ حکم حاکم شرع درباب خانهٔ آقامیرموسی ۲۵۵
۲۱ـ تقاضای صدور حکم‌شرعی ۲۵۶
۲۲ـ حکم‌شرعی بدون مهرو امضا ۲۵۷

بخش سوم : وقفنامه‌ها ۲۵۹

۱ـ وقفنامهٔ یساقی مورخ ذیحجةالحرام سنهٔ ۹۰۳ هـ . ق. ۲۶۱
۲ـ وقفنامهٔ خواجه مظفر بتکچی مورخ ۹۱۹ هـ . ق. ۲۶۸
۳ـ وقفنامهٔ خواجه مظفر بتکچی مورخ ۹۲۰ هـ . ق. ۲۹۲
۴ـ وقفنامهٔ دنگلان مورخ ۹۲۳ هـ . ق. ۳۰۱
۵ـ وقفنامهٔ سدن و فوجرد وآلوکلاته مورخ ۹۴۰ هـ . ق. ۳۰۸

۶ـ وقفنامهٔ شهرآشوب وکلاته‌نصری مورخ ۹۵۰ ه . ق. ۳۱۲
۷ـ سواد وقفنامهٔ آقامیرروح‌الله حسینی مورخ ۹۵۲ ه . ق . ۳۱۷
۸ـ سواد وقفنامهٔ سادات شیرنگی مورخ ۹۸۹ ه . ق. ۳۲۳
۹ـ وقفنامهٔ شیخ عزالدین محمد انصاری مورخ ۱۰۱۷ ه . ق. ۳۳۲
۱۰ـ وقفنامهٔ خواجه مرشد مورخ ۱۰۴۸ ه . ق. ۳۳۷
۱۱ـ سواد وقفنامهٔ آقا میر روح‌الله حسینی مورخ ۱۰۵۲ ه . ق. ۳۴۴
۱۲ـ سواد وقفنامهٔ آقا میرروح‌الله‌حسینی مورخ ۱۰۶۰ ه . ق. ۳۵۰
۱۳ـ وقفنامهٔ امیرعلی‌المفضل‌الخادم‌الحسینی مورخ ۱۰۹۰ ه . ق. ۳۵۴
۱۴ـ سواد وقفنامهٔ‌میرزا بیگ مورخ ۱۰۹۲ ه . ق. ۳۶۲
۱۵ـ تصدیق دیوان صدارت مورخ ۱۰۹۷ ه . ق. ۳۷۹
۱۶ـ سواد وقفنامهٔ حاجی قاسمعلی‌الوفنی مورخ ۱۱۱۹ ه . ق. ۳۸۱
۱۷ـ وقفنامهٔ حاج اسفندیار کتولی مورخ ۱۱۳۲ ه . ق. ۳۸۷
۱۸ـ وقفنامهٔ مورخ ۱۱۳۹ ه . ق. ۳۸۹
۱۹ـ سواد وقفنامهٔ حاجی فولاد مورخ ۱۱۴۸ ه . ق . ۳۹۸
۲۰ـ سواد وقفنامهٔ آقا عبدالله مورخ ۱۱۹۰ه . ق. ۴۰۱
۲۱ـ سواد وقفنامهٔ علی‌محمدآقا مورخ ۱۲۰۴ ه . ق. ۴۰۵
۲۲ـ وقفنامهٔ آقا محمدخان قاجار مورخ ۱۲۰۶ ه . ق. ۴۰۷
۲۳ـ وقفنامهٔ کربلائی محمدشفیع مورخ ۱۳۰۵ ه . ق. ۴۱۰
۲۴ـ وقفنامهٔ آقا میرزانقی‌خان فندرسکی مورخ ۱۳۰۵ ه . ق. ۴۱۴
۲۵ـ وقفنامهٔ میرسعدالله‌خان ایلخانی مورخ ۱۳۲۱ ه . ق . ۴۱۸

بخش چهارم : اسناد اجاره و استجاره **۴۲۳**
۱ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۰۲۵ ه . ق . ۴۲۵
۲ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۰۵۰ ه . ق . ۴۲۶
۳ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۶۱ ه . ق . ۴۲۹
۴ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۴۱ ه . ق . ۴۳۲
۵ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۷۶ ه . ق . ۴۳۴
۶ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۰۹ ه . ق . ۴۳۶
۷ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۴۲ ه . ق . ۴۳۸
۸ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ ه . ق . ۴۴۱
۹ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ ه . ق . ۴۴۲
۱۰ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ ه . ق . ۴۴۳
۱۱ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ ه . ق . ۴۴۴
۱۲ـ اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ ه . ق . ۴۴۶
۱۳ـ سند توریهٔ اجاره یا استجارهٔ قریهٔ چوبلانی مورخ ۱۲۹۱ ه . ق. ۴۴۷

دستور تحریر رقمها و احکام انتصاب . . . **۴۵۱**
رقم خلافت سیادت‌پناه سید میرك ۴۵۳
رقم وزیر ۴۵۴
رقم استیفا ۴۵۵
رقم لشکرنویس ۴۵۶
رقم صاحب‌توجیه ۴۵۷
رقم اوارجه‌نویس ۴۵۸

رقم ناظر ۴۵۹
رقم انشاء ۴۶۰
رقم طبیب ۴۶۱
رقم مهتر و مهردار ۴۶۲
رقم سفره‌چی ۴۶۳
رقم اشراف ۴۶۳
رقم صاحبجمعی صندقخانه ۴۶۴
رقم توشمال ۴۶۵
رقم امیرآخورباشی ۴۶۵
رقم امیرشکارباشی ۴۶۶
رقم علمدار ۶۶۷
رقم قورچی تیروکمان ۴۶۸
رقم قورچی ترکش ۴۶۹
رقم قورچی تفنگ ۴۷۰
رقم قورچی زره ۴۷۰
رقم قورچی سپر ۴۷۱
رقم قورچی شمشیر ۴۷۲
رقم قورچی نیزه ۴۷۲
رقم قوریساول باشی ۴۷۳
رقم صحبت یساول ۴۷۳
رقم ایشیك‌آقاسی ۴۷۴
رقم کشیکچی‌باشی ۴۷۵

رقم قراسوران	۴۷۷
کتابت	۴۷۹
کتابت	۴۷۹
کتابت	۴۸۰
کتابت	۴۸۱
کتابت	۴۸۲
کتابت	۴۸۲
کتابت	۴۷۳
کتابت	۴۸۴
[کتابت]	۴۸۵
کتابت	۴۸۶
کتابت	۴۸۶
عریضه	۴۸۷
حکم	۴۸۸
عریضه	۴۸۸
کتابت	۴۸۸
کتابت	۴۸۹
عریضه	۴۹۰
کتابت	۴۹۱
فرمان برقراری مبلغ ...	۴۹۲
[حکم انتصاب محمدزمان ...]	۴۹۳
[حکم انتصاب مشهدقلی بیگ...]	۴۹۴

[دستور تحریرحکم انتصاب تحویلدار مالومنال] ۴۹۴
[عرضه‌داشت میرزین‌العابدین ...] ۴۹۵
[حکم انتصاب ارس‌بیگ زیادلو...] ۴۹۶
[دستور تحریراسناد مبایعهٔ‌شرعی] ۴۹۷
[دستورتحریر سند اجاره] ۴۹۸
[دستور تحریر سندبیع سلم] ۴۹۸
[دستورتحریر سند وکالت] ۴۹۸
[دستور تحریر بیع بات] ۴۹۹
[دستور تحریر سند واگذاری...] ۵۰۰
[دستور تحریرقبول اجارهٔ شارع نردبان] ۵۰۱
[تعیین وظیفه برای شیخ محمداءانصاری استرابادی] ۵۰۱
[حکم داروغگی محل فندرسك ...] ۵۰۲
[قسمتی از دستوری‌که به جعفرقلی‌آقا ... ۵۰۵
[فرمان انتصاب فتحعلی‌خان ...] ۵۰۸

اسنادی که در تابستان ۱۳۵۲ به‌دست‌آمد ۵۱۱
فرمان ـ حکم ـ امر ـ تعلیقه ـ عرضه‌داشت ۵۱۳
۱ــ فرمان سلطان محمدبن‌شاه‌طهماسب مورخ ۹۹۰ ه . ق. ۵۱۳
۲ــ سند مبایعهٔ مورخ ۹۹۲ ه . ق. ۵۱۶
۳ــ فرمان شاه‌عباس اول مورخ ۹۹۶ ه . ق. ۵۱۹
۴ــ فرمان شاه‌سلیمان‌اول مورخ ۱۰۷۷ ه . ق. ۵۲۱
۵ــ حکم باباخان مورخ ۱۱۹۰ ه . ق . ۵۲۴

۶ـ عرضه‌داشت رعایای آهنگرمحله و ... مورخ ۱۲۱۸ هـ . ق. ۵۲۵

۷ـ فرمان فتحعلی‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۲۸ هـ . ق. ۵۲۷

۸ـ عرضداشت محمدقلی دولو مورخ ۱۲۳۰ هـ . ق . ۵۲۸

۹ـ فرمان فتحعلی‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق. ۵۳۰

۱۰ـ فرمان فتحعلی‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق . ۵۳۲

۱۱ـ فرمان فتحعلی‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق. ۵۳۳

۱۲ـ فرمان فتحعلی‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۳۶ هـ . ق. ۵۳۵

۱۳ـ حکم بدیع‌الزمان‌میرزا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق. ۵۴۳

۱۴ـ حکم ملك‌آرا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق . ۵۴۶

۱۵ـ حکم بدیع‌الزمان‌میرزا مورخ ۱۲۴۴ هـ . ق. ۵۴۸

۱۶ـ حکم حاکم مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق . ۵۴۹

۱۷ـ فرمان محمدشاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق. ۵۵۰

۱۸ـ حکمی با مهری ناشناخته مورخ ۱۲۵۴ هـ . ق. ۵۵۱

۱۹ـ تعلیقهٔ محمدناصرخان مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق . ۵۵۲

۲۰ـ حکم ناصرالدین‌شاه‌قاجار مورخ ۱۲۸۲ هـ . ق. ۵۵۳

۲۱ـ فرمان شاهی مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق. ۵۵۵

۲۲ـ دستورالعمل مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق . ۵۵۷

احکام شرعی حکام شرع استراباد ۵۵۸

۱ـ تقاضای صدور حکم شرعی ۵۵۸

۲ـ تقاضای تأیید حکم شرعی حاجی ملا محمدرضا ۵۶۰

وقفنامه‌ها ۵۶۲

۱ـ سواد وقفنامهٔ مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق. ۵۶۲

۲ـ وقفنامهٔ مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق . ۵۶۶

۳ـ وقفنامهٔ مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق . ۵۶۹

۴ـ وقفنامچهٔ مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق . ۵۷۲

۵ـ وقفنامهٔ مورخ ۱۳۲۶ هـ . ق . ۵۷۷

اسناد اجاره و استجاره ۵۸۰

۱ـ قبول اجارهٔ مورخ ۱۲۵۹ هـ . ق . ۵۸۰

۲ـ سواد قبول اجارهٔ مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق . ۵۸۱

اسناد مبایعه و بیع شرط ۵۸۳

۱ـ سواد مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۱۷۳ هـ . ق. ۵۸۳

۲ـ مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق. ۵۸۵

۳ـ مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق. ۵۸۸

۴ـ مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق. ۵۹۱

۵ـ مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۸ هـ . ق. ۵۹۴

هبه‌نامه و مصالحه‌نامچه ۵۹۷

۱ـ قبول مصالحهٔ مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق . ۵۹۷

تعلیقات و تصحیحات ۶۰۱

نمونه‌هایی از اسناد مختلف ۶۰۹

فهرست عمومی ۶۷۳

ای نام تو بهترین سرآغاز

مقدمه

تاریخ کشوری تنها شرح احوال سلاطین و امرا و بیان اعمال عمّال و کارگزاران ایشان نیست. تاریخ باید ناظر براحوال‌مردمی باشدکه زیر دست این سلاطین و امرا روزگار گذرانیده‌اند.

البته شخص سلطان و روش حکومت او، در زندگی روزمرّه مردم مؤثر بوده و هست ولی این تأثیر، از زوایای مختلف، در میان‌مردم، باید مورد بررسی و مطالعهٔ دقیق قرارگیرد.

آسایش و رفاه مردم هرزمان‌را باید درکشت وکار و بهره‌برداری ازخاك، در داد و ستد وتجارت، در رفت‌وآمد و امنیت راهها وشهرها ودر عدالت اجتماعی ایشان جستجو کرد. اگر جامعهٔ پــر درآمدی که در عین آسایش ورفاه است، به‌نامهای: علفه، علوفه، الام، الاغ، شکار، بیگار، طرح، دست‌انداز، قنلغا، نوروزی و سلامانه و پیشکش وعیدی و سایــر عوارضات،کارکرد خودرا به دولت وقت بپردازد، مسلماً مردم این جامعه پایه و مایه‌ای نخواهند یافت وبرپای خود نتوانند ایستاد. سلطان وقت‌است که‌باید این‌قبیل عوارضات را «مسدودةالابواب» بخواند و از آنهـا چشم

بپوشد تا اضافه درآمد ایشان صرف آبادی و آبادانی محیط زیست ایشان شود. کشت و کار و دادو ستد و رفت وآمد، درسایهٔ امنیت است. اگر امن و امان حکمفرما نباشد، هیچگونه حرکتی درجهت ترقی و تعالی دیده نخواهدشد. اگر سلطانی نتواند امنیت را در کشوری یا ایالت و ولایتی برقرار کند، بی‌شك وضع مادی و روحی مردمان ساکن آنجا استواری و پایداری پیدا نمی‌کند.

سلاطین و امرا هرچه‌کرده‌اند، کم و بیش، به‌دستور ایشان، در کتب تواریخ ما ضبط شده است. مؤلفان این‌گونه‌کتب، سلطان‌را درمنتهای شوکت و قدرت نشان داده و عدالت اجتماعی و امنیت دوران اورا به جایی رسانده‌اندکه گرگ‌ومیش ازیك‌آبشخورآب می‌خورند وصعوه وشاهین بریك شاخسار می‌نشینند. دشمنان ملك و ملت از سطوت این سلطان، فرسنگها از سرحدات برکنار رفته‌اند و عموم برایا در ظل‌آسایش او بی‌دغدغهٔ‌خیال، آسوده و راحت غنوده‌اند. ظل‌الله است و امر او امر خداست. از مؤلفات این‌گونه مؤلفان‌مطالب‌زیادی‌که به‌کارتاریخ‌نویسی امروزآید، نتوان‌یافت. مورّخ نکته سنجی‌بایدکه ازگوشه وکنار این دسته‌کتب وضع‌عمومی‌مردم‌را بتواند دریابد و به‌رشتهٔ تحریرکشد.

اکنون‌که منابع و مآخذ تاریخی ما ـ غیر از چند مجلد ـ اغلب به‌دستور سلاطین زورمند یا به‌قلم وزرای ایشان نوشته شده ودرآنهامطالبی از زندگانی اجتماعی مردم نیامده است، چگونه باید به زندگی حقیقی مردم در هر دوره و عهدی پی‌برد و روابط اجتماعی ایشان‌را به‌چه‌سان‌باید شناخت؟

ظاهراً اسناد تاریخی است که می‌تواند بـا زبانی گویـا، جمیع

گوشه‌های زندگی مردم جامعه‌ای‌را برای ما بیان کند و روابط سیاسی و تجاری و اجتماعی و اداری ایشان‌را نشان‌دهد. اسنادی که‌در این‌کتاب آمده است ، مربوط به‌بخشی ازکشورماست که به نام«گرگان» خوانده می‌شده و می‌شود .

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

سرزمین کهنسال گرگان، یکی از بخشهای شمال‌شرقی ایران است که ازقدیمترین ایام‌تا اواخر دوران قاجاری، ازصدمات ایلات‌تورانی‌و ترك و ترکمان رنجهای فراوان برده است . نکته‌ای که درخاك‌گرگان بیش از هرجای ایران باید مورد توجه قرارگیرد، ناامنی وآشفتگی‌این خاك‌در ادوار مختلف است .

اوایل حکومت سلسلهٔ ساسانی و شاید کمی قبل از آن دیواری عظیم از آجرهای قالب بزرگ از « گمیشان » ـ در کنار دریای خزر ـ تا «پیش‌کمر» ـ در دامنهٔ کوههای بجنورد کشیدند تا این ایلات نتوانند از دشت شرقی دریای خزر، به طرف حاشیهٔ جنوب شرقی و جنوبی پیش بیایند. پس ازاینکه این دیوارعظیم رو به‌خرابی‌رفت ودر اواخرزمان این سلسله قدرت تعمیر و مرمت آن نبود ، دیواری تازه، در حوالی کردمحله (کردکوی امروزی)کشیدند و دشت‌گرگان و شهرها و دهکده‌های آن را برای تاخت وتاز این‌طوایف‌صحرانشین بازگذاشتند. دراوایل‌زمان‌صفویان آق‌قلعه (پهلوی‌دژ) را درکنارگرگان‌رود ساختند و امنیتی تازه درشهرها و دهکده‌های‌گرگان پیدا شد. اما کریم‌خان زند، خاك‌گرگان‌را یکسره‌برای تاخت و تاز این ایلات آزاد گذاشت و نزدیك‌کلباد، جری (خندقی)کندکه به«جرکلباد» نامیده شد. البته این‌خندق نیز دوامی نیافت و سراسر خاك

گرگان و مازندران زیر سم اسبهای ترکمن‌خوردشد. سرکشیها و تجاوزات این طوایف صحراگردرا نیز می‌توان از این اسناد دانست و از آنهاست‌که تاریخچه‌ای برای این ناامنیها می‌توان نوشت .

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

در این کتاب اسناد تاریخی گرگان‌را بـه ترتیب زیر بـه چاپ رسانده‌ایم :

۱ـ فرمان، حکم، امر، تعلیقه، عرضه داشت .

۲ـ احکام شرعی حکام شرع، مثالهای صدور، استفتاها ، تقاضای تأیید و ابرام حکمی شرعی .

۳ـ وقفنامه‌ها .

۴ـ اسناد اجاره واستجاره .

۵ـ دستور تحریر رقمها و احکام انتصاب .

در تابستان ۱۳۵۲ اسنادی تازه به‌دست افتادکه آنهارا از ص۵۱۳ به‌بعد به‌ترتیب بالا چاپ‌کردیم .

در چاپ فرمانها ، احکام ، تعلیقه‌ها و عرضه‌داشتها ، متن آنهارا چنانکه بودآوردیم و دراسلوب نگارش کلمات و جدا نوشتن یا چسباندن آنها هیچگونه تغییری ندادیم . مهرهای سلاطین و حکمرانان‌راتاجاییکه مقدور بود خوانده و سجع‌آنهارا در زیرنویس نوشته‌ایم.

چنانکـه مرسوم دوران صفویان است ، برای حفظ احترام ، نام خدا و ائمهٔ‌اطهار و امامزادگان وسلاطین صفوی‌سابق‌را خارج متن ، قسمت بالا سمت راست می‌نوشتند و در متن نمی‌آوردند . برای اینکه محل این نامها در متن روشن باشد، علامتی به شکل سه نقطه جای هر نام‌گذاشته‌ایم.

این تنها تغییری است که در متن این نوع اسناد داده شده‌است.[۱]

شکل ظاهری این اسنادبا یکدیگر مختلف‌است . نوع کاغذفرمانها در ادوار مختلف فرق می‌کند ، سمت راست و بالای بعضی ازفرمانهاحاشیه‌بندی دارد . در بعض فرمانها دور مهرشاه‌را جدول‌بندی کرده‌اند . خطوط این‌فرمانها نیز در ادوار مختلف تغییرات فاحشی پیدا کرده است . اندازهٔ اوراق وقفنامه‌ها نیز متفاوت و نسبت به نوع وقف و تعداد رقبات درازا و پهنای آنها نیز تغییر می‌کند.

وقفنامهٔ خواجه مظفر بتکچی‌بن فخرالدین بتکچی مورخ ۹۱۹ ه . ق. (ص ۲۶۸ـ۲۹۲) به درازای ۹۱۸سانتیمتر و وقفنامهٔ مورخ ۹۲۰ او (ص۲۹۲ـ۳۰۱)به درازای ۴۷۸سانتیمتراست.سایراوراق‌وقفنامه‌ها واحکام شرعی و اسناد اجاره استجاره به شکلها و اندازه‌های مختلف است .

از اسناد تاریخی چه برمی‌آید ؟

۱ـ حدود حکمروایی شاهان و درجهٔ تسلط و قدرت ایشان .

۲ـ رابطهٔ شاه باکارگزاران و مقدار مواجب و امتیازات هریك از ایشان .

۳ـ حدود قدرت و تسلط صدور و نقبا و حکام و مراجع شرع .

۴ـ روابط تجاری و زراعی و اجتماعی مردم و نوع مرافعات و اختلافات **ایشان.**

۵ـ قیمت مال و منال و وضع زندگی مادی و سطح زندگانـی مردمان در ادوار مختلف .

---

۱ ـ صفحات: ۵، ۶، ۱۳، ۲۲، ۲۵،۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۴۱، ۴۲و غیره .

۶ـ مطالبی در بارهٔ «جغرافیای تاریخی ناحیه‌ای» که این‌گونه مطالب در هیچیک از کتب جغرافیای عمومی نیست .

۷ـ وضع آبادانی زمینهای زراعی دهکده یا دهکده‌ها با حفر قناتها و کشیدن نهرهای تازه .

۸ـ تشکیلات لشکری ناحیه‌ای و مشاهره وامتیازات درجات‌مختلف‌ایشان.

۹ـ گذشت و ایثار مردم از مال و منال برای رفاه اجتماعی.

۱۰ـ خلوص و صفای مردم نسبت به سنن‌دینی و حفظ آنها .

۱۱ـ آشنایی باسنن وآداب دینی و ملی درقباله‌های مناکحه .

۱۲ـ شناسایی نامهای مردمان وخاندانهای‌قدیمی وایلات و طوایف ونحوهٔ نامگذاری ایشان .

۱۳ـ شناسایی طبقات مختلف مردم و قشرهای اجتماعی .

۱۴ـ آشنایی با اصطلاحات زراعی و دامداری .

۱۵ـ انواع مختلف وقف به منظور آسایش بیشتر اجتماع .

۱۶ـ نوع رقبات وقف و تغییراتی‌که درآنها درطول زمان داده شده است و آشنایی به نوع مصارف رقبات .

۱۷ـ آشنایی با استخوان‌بندی اسناد مختلف و شکل و وضع آنها و ثبت و ضبط آنها در دفاتر مختلف .

۱۸ـ آشنایی با نامهای‌حکام و بیگلر بیگیان و سرحدداران و مستوفیان و امیرتومانان و صاحب اختیاران که نامهای ایشان در اغلب کتب تواریخ عمومی نیست .

۱۹ـ شناسایی اوزان و مقادیر واکیال وشکلهای مختلف داد و ستد.

۲۰ـ شناسایی سکه‌ها و نامها و ارزش‌آنها در ادوار مختلف .

اینها مطالبی‌است که از دیدگاه‌تاریخ‌نویسی امروز موردنیازاست‌و مورخ متتبع نمی‌تواند ازآنها چشم بپوشد. اگر مورخی‌بادید تازه به‌جامعهٔ ایرانی ننگرد و این‌گونه اسناد و نظایر آنهارا از زیر نظر نگذراند ، مسلماً اثری ماندگار و پایدار به‌وجود نخواهدآورد .

******

فرمانی نیست که در آن نکتـه‌ای تاریخی یا اجتماعی یاد نشده باشد و همین نکات است که درگردآوری تاریخ دقیق و صحیح ایران‌به‌کار می‌آید . گذشته از نکات تاریخی و اجتماعی، اصطلاحات ادبی و اداری و حسابداری فراوانی دراین فرمانهاست که پاره‌ای ازآنهارا دراینجافهرست کرده‌ایم :

آینده و رونده ص ۱۹ .

احداث ص ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ .

احشامات ص ۳۵ و ۳۶ .

احکام ص ۸ .

احکام معافی ص ۳۲ .

اخراجات ص ۶ و۱۱ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۴ و۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و۳۵ و۴۳و ۴۶ و۴۷ و ۴۹ .

اخراجات اتفاقی ص ۳۳ .

اخراجات استصوابی ص ۳۳ .

اخراجات حکمی ص ۹ و ۱۳ و ۳۰ و۳۱ و ۳۳ .

اخراجات دیوانی ص ۳۳ .

اخراجات غیراتفاقی ص ۳۳ .

اخراجات‌غیرحکمی = اخراجات خلاف‌حکم‌ص۹و۱۳و۱۹و۳۰و۳۱ و۳۳.
اخراجات ممنوعه ص ۴۱ .
اخراج نمودن ص ۳۳ .
ارباب ص ۵ و ۱۶ و۲۴ و ۳۳ و ۳۵.
از شائبهٔ استرداد و انسداد مصون دانستن ص ۹.
از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون شناختن ص ۶ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۱ و ۳۵ و۳۶و ۳۸ و ۴۰ .
از فرموده درگذشتن ص ۲۰ .
استصوابیات دیوانی ص ۲۳ و ۳۰ .
اصول ص ۴ و ۸ و ۱۷ .
اطلاقات مملکتی ص ۲۳ و ۳۱ .
اطلاق نمودن ص ۱۶ و ۱۹ و ۲۸ و ۳۱ و ۳۳ و ۴۶ .
اعتباری : معتبر ص ۴۷ .
اعیان ص ۴ و ۸ و۱۷ .
الاغ ص ۹ و ۲۳ و ۳۰ و ۴۹۳ و ۵۲۲ .
الاغ‌گرفتن ص ۵ و ۶ .
الام ص ۹ و ۲۳ و ۳۰ و ۴۹۳ و۵۲۲ .
امداد به‌تقدیم رسانیدن ص ۲۰ و۲۵ و ۴۳ و۵۰ .
امراء ص ۳ .
امضاء دادن ص ۲۷ .
امنا ص ۳۴ و ۴۷ .
انعام ص ۹ و ۱۳ .

اوارجه‌نویس ص ۲۶ و ۲۰۸ و ۴۹۵ .

ایلات والوسات و احشامات ص ۴۵۴ .

ایلچیان ص ۵ .

باج ص ۵ .

باجداران ص ۴ .

بجمیع قیودها ص ۹ .

بخلاف حق و حساب ص ۲۴ .

برات ص ۴۵۵ .

براتدار ص ۲۸ .

براتی ص ۲۶ و ۲۷ .

براتی بودن ص ۲۶ .

بلاقصور وانکسار ص ۲۸ و۳۸ و ۴۰ و ۴۴ .

به‌توجیه درآوردن ص ۴۷ .

به‌خلاف شرع و حساب ص ۴۲ و ۴۹ .

به‌ضبط کسی مقرر بودن ص ۳۸ و ۴۰ و ۴۴ .

بیگار (از اخراجات مسدودة الابواب) ص ۹ و۲۳ و۳۰ و۳۳ و ۴۱ و ۴۳ و ۵۰ و ۴۹۳ و۵۲۳ .

بیگلربیگی ص ۳۵ و۳۶ و ۳۸ و ۴۳ و ۴۴ و ۵۰ .

پروانجات ص ۸ .

پروانچه ص ۹ و۲۳ و۲۵ و۲۶ و ۲۷ و۲۹ و۳۰ و۳۶ و۳۸ و۴۲ و۴۳ و۴۹ و ۵۰ .

پیشکش (از اخراجات مسدودة الابواب) ص ۹ و۱۱ و ۲۸ و ۳۳ و۴۹۳ و ۵۲۲ .

تابین ص ۵۰۱ .

تخته‌باشی ص ۵ .

تخفیف ص ۴۸ .

ترخانه ص ۳۳ .

تصدق ص ۴۸ .

تصرف و دخل نمودن ص ۴۲ و ۴۹ .

تغییر و تبدیل به قواعد فرمانی راه ندادن ص ۱۰ و۱۳ .

تفاوت برآورد ص ۲۹ .

تفاوت عمل ص ۳۷ .

تکالیف ص ۴۹ .

تکالیف خلاف حکم و حساب ص ۴۲ .

تکالیف دیوانی ص ۵ و ۶ و۲۳ و ۲۸ و ۳۱ .

تکالیف مسدودةالابواب ص ۴۳ و ۵۰ .

تکالیف ممنوعه ص ۴۱ .

تکلیف امضاگرفتن کردن ص ۵ .

تکلیف سندگرفتن کردن ص ۵.

تکلیف ملاقات امراکردن ص ۵ .

تمسّك ص ۵۰۱ .

تمغا ص ۵ .

تمغاچیان ص ۴ .

تنخواه ص ۲۶ .

تنخواه شدن ص ۲۶ .

تنخواه نمودن ص ۶ .

توجهات ص ۲۴ .

توجهات استصوابی ص ۱۶ .

توجهات حکمی ص ۱۶ .

توجهات غیرحکمی ص ۱۶ .

توجیه ص ۳۳ .

توقیع ص ۵ و ۳۶ .

تومان تبریزی ص ۶ و۱۴ و۳۸ و۴۰ و۴۴ .

تیول ص ۶ و۸ و۲۶ ۳۸ و ۴۰ .

تیولدار و تیولداران ص ۶ و ۱۱ و ۱۳ و۱۶ و ۲۰ و۲۳ و ۲۴ و ۲۸ و۳۰ و ۳۳ و۴۹۲ .

تیولدارکل ص ۲۸ .

تیولداری ص ۲۹ .

جریمهٔ روغنگیری ص ۳۴ .

جزو ص ۳۱ .

جزو ترخان ص ۳۳ .

جمع ص ۳۳ .

جمع دفتر ص ۳۳ .

جمع قانونی ص ۲۴ .

جهات ص ۵ و ۶ و ۲۲ و ۲۴ .

چاقرانه = طلبانه ص ۳۴ .
چوپان بیگی ص ۴۴ .
چهارپای به الاغ گرفتن ص ۵ و ۶.
چهارده یك (که ارباب ولایت برمحترفهٔ شهر و بلوکات رسد می‌رسانند) ص ۳۳ .
حاصل احداث ص ۳۵ .
حاکم ص ۵ .
حسابی : طبق حساب ، موافق حساب ص ۴۳ .
حسب‌الضمن ص ۲۳ و ۳۰ .
حشو ص ۶ .
حشو تیول ص ۲۶ و ۲۷ .
حشو نتیجه ص ۲۸ .
حق‌الاحتساب ص ۳۳ .
حق‌الانشاء ص ۳۳ .
حق‌الاوارجه ص ۳۳ .
حق‌التولیه ص ۲۱ و ۲۲ .
حق‌النقابه ص ۳۳ .
حق‌الوکاله ص ۳۳ .
حقوق دیوانی ص ۱۰ و ۲۳ و ۲۴ .
حکام ص ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۷ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۸ و ۴۲ و ۴۴ و ۴۹ .
حکمی ص ۴۳ .

حوالچی عمال ص ۹ .
حواله‌شدن ص ۳۱ .
حواله‌کردن (نمودن) ص ۶ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۱ و ۴۳ و ۴۶.
خارجیات مسدودةالابواب ص ۱۱.
خانه سازی ص ۳۳ .
خانه شمار ص ۴۱ و ۴۳ و ۵۰ .
خرج ص ۳۸ .
خرج بارو و قلعه ص ۱۱ .
خرج بره ص ۱۱ .
خرج کاه ص ۱۱ .
خرج گوسفند ص ۱۱.
خرج مرغ ص ۱۱ .
خرج هیمه ص ۱۱ .
خلیفه ص ۴۵۴ .
داخل داشتن ص ۶ .
داخل نتیجه‌کردن ص ۹ .
داروغه ص ۳۴ و ۳۵ و ۴۱ .
داروغگان ص ۳ و ۵ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۳۰ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۸ و ۴۹.
داروغگی ص ۶ و ۱۱ .
در دفاتر عمل نمودن ص ۱۳ و ۴۶ و ۴۸ .
درمنزل کسی نزول کردن ص ۶ .
دست انداز (از اخراجات مسدودةالابواب) ص ۹ و ۱۱ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۰ و ۴۱

و۴۳ و ۵۰ و۴۹۳ و۵۲۲ .

دستورالعمل ص ۲۴ .

دفاتر خلود ص ۹ و ۱۶ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و۳۵ و ۳۸ و۴۰.

دفاتر دیوان اعلی ص ۱۲ .

دفتر صاحب توجیه ص ۴۵۴ .

دو دانگه : پولی‌که از صاحب اسب وگاو گم شده می‌گرفته‌اند . ص ۳۵ .

دوشلك مستوفی ص ۳۳ .

دوشلك وزیر ص ۳۳ .

دوشلك وکیل ص ۳۳ .

ده نیم ص ۹ .

ده نیم حق‌السعی ص ۲۶۴ .

ده یك ص ۹ .

دینار تبریزی ص ۶ و۸ و۱۲ و ۲۸ .

دینار رایج خراسان ص ۲۲ و۲۹ و ۳۰ و ۴۸ .

دینار عراقی ص ۲۶ .

دیوان اعلی ص ۳۶ .

دیوان حاکم ص ۲۳ و ۳۰ .

دیوان‌الصداره ص ۲۲ .

دیوانی ص ۴۳ .

دیوانیان ص ۳۸ و ۴۴ .

راهداری ص ۵ و ۹ .

رسد ص ۲۴ و ۳۰ و۳۵ و۴۷ .
رسد رساندن ص ۳۱ و ۳۳ .
رسد رمضان ص ۲۸ و۳۰ .
رسد سیورغال ص ۲۶ و۲۸.
رسد ملکی ص ۲۴ .
رسم داروغگی ص ۳۳ .
رسم راهداری ص ۳۳ .
رسم‌الصداره ص ۲۶۴ .
رسم کلانتری جزو ص ۳۳ .
رسم کلانتری کل ص ۳۳ .
رسم میرشبی ص ۳۳ .
رسم‌الوزاره ص ۹ و ۳۳ .
رسوم ص ۴۵۵ .
رقبات ص ۱۲ .
رقبه ص ۱۳ و۲۷ .
رقم ص ۳۱ و۳۶ و ۳۸ و ۴۰ و۴۶ و ۴۸.
رقم نمودن ص ۱۱ .
روزنامجات جمع و خرج ص ۴۶۴ .
زر باره ص ۳۳ .
زر تفنگچی ص ۳۰ و ۳۱ .
زر دوران سك ص ۳۳ .

زر عسس ص ۳۳ .

زر قلعه ص ۳۳ .

زر کوچه ص ۱۹ و ۳۳ .

زرمحله ص ۱۹ .

زرمرد باره ص ۱۹ .

زر مشعلدار ص ۳۳ .

زر میرشب ص ۳۲ .

سادات ص ۸و ۱۷ و ۱۹ .

ساوری (از اخراجات مسدودةالابواب) ۹ و ۲۸ و ۳۳ و ۵۲۲ .

سجلّ ص ۱۷ .

سرانه (= یکصد دینار) ص ۳۵ .

سرانهٔ الاغی که گندم وروغن و اجناس و میوه بارداشته باشد ص ۳۴ .

سرانهٔ مترددین ص ۳۴ .

سرشمار ص ۳۵ و ۴۱ و ۴۳ و ۵۰ .

سلامانه (از اخراجات مسدودةالابواب) ۵ و۲۸ و ۴۹۳ و ۵۲۲ .

سلامی ص ۱۱ .

سوغاتی ص ۵ .

سیاه‌پوشان ص ۱۱ .

سیورغال ص ۸ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و۲۷ و۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و۴۸ .

سیورغالات ۹ و۱۲ و ۱۳ .

سیورغال مؤبد (= ابدی) ص ۶ و ۸.

شجره : حکمی که برای صدور می‌نوشته‌اند ص ۴۵۴ .

شرطنا مجات ص۴۵۵ .
شرطنامچهٔ دیوانی ص ۴۷ و۴۸ .
شکار=شیکار (از اخراجات مسدودةالابواب) ص ۲۳ و ۳۰ و ۳۳ و ۴۱ و ۴۳ و ۵۰ و ۴۹۳ و ۵۲۲ .
شکر وشکایت کسی‌را مؤثر شمردن ص ۶ و۱۱ .
شلتاقات ص ۴۹ .
شلتاقات خلاف حکم و حساب ص۴۲ و ۴۳ .
شلتاق الاغ‌گیری ص ۳۴ .
شلتاق ودست‌انداز ص ۵۲۴ .
صاحب سیورغال ص ۱۶ و۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ .
صدور (جمع صدر) ص ۱۷ و ۳۸ و ۴۰ و۴۴ .
طرح (ازاخراجات مسدودةالابواب) ص ۹ و۲۳ و ۳۰ و ۴۱ و ۴۳ و ۵۰ و ۴۹۳ و ۵۲۲ .
طرح ابریشم ص ۳۳ .
طرح پنبه ص ۳۳ .
طلب‌کردن (نمودن) ص ۱۰ و۱۱ و ۳۴ و ۴۳ و۵۰ .
طومار سرشمار ص ۳۵ .
عطیه (جمع عطایا) ص ۱۶ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۱ و ۳۶ و ۳۸ و ۴۰ .
علفه (از اخراجـات مسدودةالابواب) ص ۹ و۱۱ و۱۹ و۲۳ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۳ و۴۳ و ۵۰ و ۴۹۳ .
عمال ص ۵ و۸ و۹ و۱۳ و ۱۸ و۱۹ و ۲۳ و ۲۸و۴۲ و ۴۳ و۴۶ و۴۷ و ۴۹.
عمال جزو ص ۳۱ و ۳۳ .

عمال دیوانی ص ۱۶ و۳۰ .

عمال کل ص ۳۳ .

عمل سیورغال ص ۲۹ .

عوارضات ص ۶ و۱۴ و ۱۹ و ۲۳ و۲۸ و۳۰ و ۳۳ و۴۱ .

عوارضات خلاف حکم ص ۱۹ .

عوارضات مملکتی ص ۲۸ .

عوارضات ممنوعه ص ۴۳ و۵۰ .

عیدی (از اخراجات مسدودة‌الابواب) ص ۱۱ و۲۳ و۲۸ و۳۰ و۳۴ و ۴۹۳و ۵۲۲ .

غازیان ص ۱۹ .

غیرحکمی ص ۴۳ .

فردثبت ص ۲۶ .

فرمان ص ۶ .

فلوس ص ۴۶ و۴۸ .

قابضانه ص ۳۳ .

قاضی ولایت ص ۵ .

قبالچهٔ شرعیه ص ۲۴ .

قبض بازیافت نمودن ص ۳۸ و ۴۴ .

قرار یافتن ص ۶ .

قراسورن (که جهت احشامات تعیین می‌شود) ص ۳۵ .

قضاة ص ۸ و ۱۷ و ۱۸ .

قلم و قدم کوتاه و کشیده داشتن ص ۶ و ۱۰ و ۱۱ و ۲۳ و ۲۸ .

قنلغا ص ۱۱ و ۲۳ و ۳۰ .

قولارآقاسی ص ۴۹۵ .

کتّاب ص ۴۶ و ۴۷ .

کتّاب سرکارعالی ص ۴۸ .

کدخدایان ص ۱۶ و۱۹ و۲۰ و۲۴ و۲۸ و ۳۳ و ۳۴ و۳۵ و٤۱ و۴۲ و٤۳ و ۴۶ و ۴۷ و۴۹ .

کسان به‌الاغ‌گرفتن ص ۵ .

کسر ص ۳۵ .

کشتی‌بانان ص ۴ .

کشیك قلعه ص ۱۹ .

کلانتر ص ۳۴ و ۴۶ و ۴۷ .

کلانتران ص ۵ و۸ و۱۱ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴ و۲۸ و۳۰ .

کوتوالان قلاع ص ۴ .

مؤدیان ص ۴۸ .

مال ص۲۲ و۲۴ .

مال دیوانی ص ۲۳ .

مال‌سیورغال ص۱۴ .

مالواخراجات استصوابی ص ۵۱۵ .

مالواخراجات حکمی ص ۵۱۵ .

مالوجهات ص ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۶ و۲۴ و ۲۵ و۳۳ و ۳۸ و۴۰ و۴۴ .

مالوجهات واخراجات وسیورسات ص ۴۳۵ .

مالوحقوق ص ۱۶ و ۳۰ .

مالیهٔ رمضان ص ۲۸ .

مباشران ص ۱۱.

مباشران اعمال‌سلطانی ص ۴ و ۸ .

مباشران مهمات دیوانی ص ۲۳ و۳۰.

مباشران ولایت ص ۹ .

متصدیان امور (مهمات) دیوانی ص ۱۱ و ۱۸ .

متصدیان اشغال سلطانی ص ۱۶.

متصدیان شرعیات ص ۱۸ .

متوجهات دیوانی ص ۱۰ و۱۲ و۳۳ .

محال ضمن استراباد ص ۴۹۲ .

محصصان ص ۱۱ .

محل‌براتی ص ۲۷ .

محل مرجوالوصول ص ۶ .

محلی درتحت جمع‌کسی بودن ص۱۲ .

مددخرج ص ۳۳.

مرفوع‌القلم ص ۵ و ۲۸ و۳۳ .

مستثنی‌بودن ص ۲۸ .

مستثنی‌داشتن ص ۹ .

مستثنی‌دانستن ص ۳۰ و ۳۱ .

مستحفظان طرق ص۴ .

مستوفی ص ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ .

مستوفیان ص ۱۱ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۶ و ۳۸ و ۴۰ .

مستوفیان دیوان اعلی ص ۹ و ۱۳ و ۱۶

مستوفیان سرکارخاصه ص ۹.

مسلّم ص ۵ و ۳۳ .

مسلمیّات ص۱۳ .

مشایخ ص ۸.

مطالبات ص ۴۲ .

معاف ص ۵ و۳۳ .

معافی ص ۳۳ .

مقاولان سبل ص ۴ .

مقرر شدن ص ۳۰ .

مقطع (بضم میم وسکون قاف وکسر طاء) ص۳۴ .

مقطعی ص ۳۴ و ۳۵ و ۴۸ .

مقطوع گشتن (شدن) ص ۲۳ و ۳۰ .

ملازمان حکام ص ۱۹ .

ممضی ومنفذ دانستن ص ۹ و۴۳ و۴۷ و ۵۰ .

منال ص۱۳ .

منال سیورغال ص ۱۴ .

منالانه ص ۹ .

منکسر شاهی ص ۳۳ .

منکسر فلوس ص۳۳ .

مواجب ص ۲۶ و۴۵۵ .

موافق جمع ص ۲۴ .

موافق معمول سنوات سابقه ص ۴۸ .

موالی ص ۸ .

موجبانه ص ۱۱ .

موضوع : وضع‌شده ، ازحساب خارج شده ص ۲۸ و ۳۰ .

موضوع دانستن ص ۳۱ .

موقوف داشتن ص ۱۶ و۲۳ و ۲۹ و ۳۰ و۳۴ و۳۸ .

مهمسازی نمودن ص ۴۷ .

میرشبی ص ۱۹ .

میهمانی ص ۱۹ و ۳۳ .

ناظرانه ص ۳۳ .

ناظمان اشغال دیوانی ص ۴ .

نتیجهٔ اخراجات حکمی ص ۳۰ و۳۱ .

نتیجهٔ حواله ص ۲۴ .

نتیجهٔ ولایت ص ۳۳ .

نسخهٔ جمع وخرج ص۲۶۴ .

نشان ص ۵ و ۶ و ۹ .

نقیب ص ۴۸ .

نوروزی (از اخراجات مسدودةالابواب) ص ۱۱ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۰ و۳۴ و ۴۹۳و۵۲۲ .

واصل ساختن ص ۱۶ و۲۳ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۸ و۴۴ .

وجوهات ص ۶ و ۱۶ و۲۴ و۳۳ .

وجوهات اصناف ص ۳۳ .

وجوهات تیول ص ۴۶۴ .
وجوهات محترفه ص۳۳ .
وجوهات همه‌ساله ص ۴۶۴ .
وجوه چوپان‌بیگی ص ۳۸ و ۴۰ و۴۴ .
وجوه ضبطی ص ۳۸ و۴۰ .
وجوه فسیله ص ۱۱ .
وجه سیورغال ص ۲۸ :
وجه واجبی فلوس ص ۴۶ .
وزرا ص ۳ و۳۳ .
وضع نمودن ص ۶ .
وظیفه ص ۴۴.
وظیفهٔ همه ساله ص ۳۸ و۴۰ .
وکلاء ص ۹ و ۱۶ و۲۲ و ۴۱ .
وکلای تیولدار ص ۲۶ .
وکلای حکام ص ۱۸ و ۲۸ .
هرساله حکم مجدد نطلبند ص ۱۲ و۱۳ و۱۴ و ۱۶ و ۱۹ و۲۳ و ۲۹ و ۳۱ و۳۶ و ۳۸ و۴۰ و ۴۱ و۴۳ و۴۴ .
همه‌ساله ص ۳۸ و۴۰ .
همه‌ساله‌دار ص ۴۹۲ .
یامچیان ص ۵ .
یرغوچیگری ص ۹ .

*****

از احکام شرعی حکام شرع استراباد ومثالهای صدور واستفتاها و تقاضاهای تأیید و ابرام حکمی شرعی که قسمت دوم کتاب است ، روابط مردم با مراجع شرع و حدود اختیارات این مراجع و نحوهٔ دخـول آنان در مرافعات و حضور بعضی از ایشان برسر ملکی که مورد نزاع و اختلاف است وگاهی حقی‌را ناحق و ناحقی‌را حق‌کردن و زورگوییهای زورمندان و ستمگریهای حکام و مأموران دیوانی وبالاخره قسمتی از روابط اجتماعی طبقات مختلف مردم بایکدیگر روشن می‌شود .

*****

ازقسمت سوم کتاب‌که وقفنامه‌هاست ،پایه ومایهٔ گذشت مردم‌برای رفاه اجتماع وکم وکیف معتقدات دینی ایشان ظاهر و اشکار است . تعداد موقوفات عام هردوره دال‌بردرك انسانیت و احساس همدردی‌آن دوره‌است. از این وقفنامه‌ها ، انواع وقف در ازمنهٔ مختلفه و رقبات‌آنها را می‌توان دانست . همچنین تحول معتقدات دینی مردم و تغییر شکل آنها در ادوار مختلف روشن می‌شود . نوع دوستی ودیگرخواهی هرعصررابطهٔ مستقیم با تعداد موقوفات عام‌المنفعهٔ‌آن عصردارد و خودخواهی ساکنان هرناحیه رابا تعـداد موقوفاتی که موقوف‌علیهم‌آنها فرزندان واقف‌اند می‌توان دانست . متن وقفنامه‌ها پراست ازنامهای جغرافیایی قدیمی با حدود ومشخصات‌آنها که در هیچیك ازکتب تاریخی وجغرافیایی یادی از آنها نیست . این نامها برای‌نوشتن جغرافیای تاریخی هرمنطقه به‌کار می‌آید .

*****

اسناد اجاره واستجاره قسمت چهارم کتاب است که از آنها پوشش زراعی دهکده‌های مورد اجاره ودر نتیجه انواع زراعت یك ناحیه رامی توان دانست از مقدار جنسی یا مبلغ نقدی اجارهٔ دهکده‌ای ، آبادی یا خرابی آن دهکده بر ما روشن می‌شود و از همین آبادی و خرابی دهکده‌ها وضع زراعت و توجه مردم به آن کارپیداست . اصطلاحات زراعی زیر در این اسناد به‌نظر رسید :

آب‌حصه ص ۴۲۵ و۴۲۶ .

آبدنگ ص ۴۰۱ و۴۳۰ و ۵۶۷ و۵۸۶ و ۵۸۸ .

آسیا = طاحونه ص ۵۶۷ و۵۸۶ و ۵۸۸ .

آمش‌دنگ ص ۵۸۶ و ۵۸۸ .

ابریشمی ص ۴۲۵ .

اراضی آبکام ص ۴۳۴ .

اراضی چشمه‌سار ص۴۳۴ .

اراضی خوشکام ص۴۳۴ .

اراضی شالی ص ۴۳۴ .

اراضی غلکی ص ۴۳۴ .

اراضی وبوم ص ۴۳۸ .

بوم ص ۴۳۸ .

بوم‌حصه ص ۴۲۵ و۴۲۶ .

پشت و پیشان ص۴۹۹ .

توتستان ص ۴۲۵ و۴۳۰ و ۵۶۷ و۵۸۴ و۵۸۶ .

جریبی ص ۴۲۵ .

جنگل‌تراشی ص ۳۹۹ .

چشمه‌سار ص ۵۶۷ .

حقابه ص ۴۳۰

خانقاهه (= خانه‌گاهه) ص ۳۹۰ و۵۶۷ .

خشکه‌کار ص ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۴۱ و۵۸۶ و ۵۸۸ .

درك : نهر بزرگی‌که ازرودخانه جداکنند ص ۵۴ .

دودانگه (نوعی قرارحفرقنات) ص ۴۳۰ و ۴۳۵.

رودآب ص ۵۸۶ .

زهابی ص ۳۹۰ .

شالی‌خوب سیراب ص ۴۳۲ .

شالی دهقان‌پسند ص ۵۹۷ .

شالی سرکردهٔ دهقان‌پسند ص ۴۴۶ .

شالی سرکردهٔ رزازپسند ص ۵۸۰ .

شالی سردهٔ رزازپسند مسلّم‌بی‌عیب ص ۵۸۲ .

شلتوك سرکردهٔ خوب دهقان‌پسند ص ۴۴۵ .

شلتوك‌کار ص ۵۸۶ و۵۸۸ .

شوارات = شیوار = شیوارات ص ۴۳۰ و۴۳۲ و ۵۶۷ .

******

ازرساله‌ای‌که مابه‌نام « دستور تحریر رقمها واحکام انتصاب‌طبقات

مختلف دیوانی»[۱] خوانده‌ایم مقامات وشغلهای دیوانی ومراتب آنها وحقوق و مواجب سالیانهٔ هر مقام و صاحب‌منصبان زمان صفویان را می‌توان به شرح زیر دانست:

ارقام	نام صاحب‌منصبان دراستراباد	مواجب‌حکمی سالانه ورسومات‌مقرر و معمول منصب
رقم خلافت (ص ۴۵۳)	سیدمیرك	مواجب معینی درمتن رقم‌نیامده است
رقم وزیر (ص ۴۵۴)	میرزا محمدرفیع	یکصدو هفتاد ویك‌تومان وهشت‌هزار و سیصد دینار خراسان (ص ۴۵۵)
رقم استیفا (ص۴۵۵)	میرمحمدمؤمن حسینی	پنجاه‌تومان خراسان (ص ۴۵۵)
رقم‌لشکر نویس (ص۴۵۶)	میرعبدالعالی	بیست‌تومان رایج خراسان (ص ۴۵۶)
رقم صاحب‌توجیه (ص۴۵۷)	میرزا محمدشفیع	پانزده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۵۷)
رقم‌اوارجه‌نویس (ص۴۵۸)	میرزا محمدمقیم استرابادی	پانزده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۵۹)
رقم‌ناظر (ص ۴۵۹)	امامقلی بیگ	سی‌تومان خراسان (ص ۴۶۰)
رقم‌انشاء (ص ۴۶۰)	میرزا محمد طبیب‌بن‌میرزا محمدطاهروزیر	سی‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۱)
رقم‌طبیب (ص ۴۶۱)	حکیم‌محمدقاسم بن‌حکیم ابراهیم استرابادی	سی‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۱)
رقم‌مهتر ومهردار (ص۴۶۲)	محمدباقر بیگ‌غلام‌قدیمی	سی‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۲)
رقم‌سفره‌چی (ص ۴۶۳)	اللهوردی بیگ‌غلام	دوازده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۳)
رقم‌اشراف‌بیوتات واصطبل وشترخان (ص ۴۶۳)	نجف‌خان‌مشهدی و محمد محسن	هجده‌تومان‌رایج‌خراسان‌بالسویه(ص۴۶۳)
رقم‌صاحبجمعی صندوقخانه (ص ۴۶۴)	او ... بك‌غلام‌قدیمی	ده‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۴)
رقم‌توشمال (ص ۴۶۵)	محمدیوسف‌بیگ‌غلام	هشت‌تومان رایج خراسان (ص ۴۶۵)
رقم‌میر آخورباشی (ص ۴۶۵)	شیخ‌محمدبیگ‌رایض‌عرب	دوازده‌تومان رایج خراسان (ص۴۶۶)
رقم امیرشکارباشی (ص ۴۶۶)	بدرخان‌بیگ‌بن‌شاهوار بیگ‌قراموسی‌لو	دوازده‌تومان رایج خراسان (ص۴۶۷)

۱ــ این رساله در بنیاد خاورشناسی فرهنگستان لنینگراد به شمارهٔ B . 2280 موجود است.

ارقام	نام صاحب‌منصبان در استراباد	مواجب حکمی سالانه ورسومات مقرر و معمول منصب
رقم علمدار (ص ۴۶۷)	نوروز بیگ ینگچری	دوازده تومان رایج خراسان (ص۴۶۸)
رقم قورچی تیر و کمان (ص ۴۶۸)	ارس بیگ زیادلوی قاجار	ده تومان رایج خراسان (ص ۴۶۹)
رقم قورچی ترکش (ص ۴۶۹)	مصطفی بیگ بن برجعلی بیگ روملو	ده تومان رایج خراسان (ص ۴۶۹)
رقم قورچی تفنگ (ص ۴۷۰)	فریدون بیگ غلام	دوازده تومان رایج خراسان (ص ۴۷۰)
رقم قورچی زره (ص ۴۷۰)	قلیچ بیگ بن یوسف بیگ زنگنه	نه تومان رایج خراسان (ص ۴۷۱)
رقم قورچی سپر (ص ۴۷۱)	صفی قلی بیگ قیناق	ده تومان رایج خراسان (ص ۴۷۱)
رقم قورچی شمشیر (ص ۴۷۳)	محمدزمان بیگ ولد گرگین بیگ غلام	ده تومان خراسانی (ص ۴۷۲)
رقم قورچی نیزه (ص ۴۷۳)	الغخان بیگ ولد طاهر بیگ سپانلو ینگی قاجار	نه تومان رایج خراسان (ص ۴۷۳)
رقم قوریساول باشی (ص ۴۷۳)	درویش محمد بیگ ولد حسین قلی احمد فقهلو	هشت تومان رایج خراسان (ص ۴۷۳)
رقم صحبت یساول (ص ۴۷۳)	زینل بیگ ولد امامقلی بیگ	دوازده تومان رایج خراسان (ص ۴۷۴)
رقم ایشیک آقاسی (ص ۴۷۴)	اسلمش بیگ ترکمان	دوازده تومان رایج خراسان (ص ۴۷۵)
رقم کشیکچی باشی (ص ۴۷۵)	قلیجان بیگ ولد محمد آقا قوانلو ینگی قاجار	هشت تومان رایج خراسان (ص ۴۷۷)
رقم قراسوران (ص ۴۷۷)	میرزا محمد بیگ قاجار قورچی باشی	مواجب معینی ندارد واز جریمه استفاده می کنند

☆☆☆☆☆

اسنادی در تابستان ۱۳۵۲ به‌دست آمد . آنهارا درفصلی درآخر کتاب به‌چاپ رساندیم . تنظیم و ترتیب آنها نیز طبق فصولی است که در قسمت اول کتاب آمده است . ممکن بود این قسمت از کتاب‌را در مجلد هفتم به‌چاپ برسانیم ولی‌احتمال‌آن می‌رفت‌که قسمتی از این اسناد درطول زمان از دسترس ما خارج شوند ، از اینرو آنهارا درهمین‌مجلدگنجاندیم.

مجموعهٔ ایـن اسنادرا دوست ارجـمند آقـای مسیح ذبیحی از خاندانهای قدیمی ساکن استراباد(گرگان) به‌دست آورده‌اند . نگارنده که عکس‌آنهارا در دست داشت ، ابتدا آنهارا طبقه‌بندی کرد و سپس یکایک آنها را خواند و خلاصه‌ای ازمطالب هر یك بر بالای هر سند نوشت و متن اسناد را یکی پس‌از دیگری رونویس کرد و برای چاپ آماده نمود . با پیشنهاد دوست دیرین آقای ایرج‌افشار قرار شد این اسناد جزوکتب‌انجمن آثار ملی به‌چاپ برسد. قراردادآن به امضاء ریاست هیأت مدیره ـ تیمسار سپهبد فرج‌الله‌آقاولی ـ رسید . متأسفانه هنگامی چاپ این کتاب به‌پایان می‌رسدکه اورخت به‌سرای‌جاویدان‌برده است.[1] بااینکه رادمردان‌آمرزیده هستند ، طلب مغفرت و آمرزش اورا از خدای متعال برخود فرض می‌داند. جای او در قلب ماست و مهربانیها و انسانیت او فراموش نشدنی است .

دیگر از اعضای انجمن که در ضمن چاپ این‌کتاب روی درنقاب خاك آورد . همکار صمیمی وپرکار انجمن آقای حسن‌سمندراست.[2] خدایش

۱ـ تیمسار آقاولی سحرگـاه دوشنبهٔ سیزدهم‌آبـان ۱۳۵۳ خرقه تهی کردند. ۲ـ حسن‌سمندر ۲۵ دقیقه گذشته از نیمه‌شب یکشنبهٔ چهادم اسفند ۱۳۵۳ فوت شدند .

بیامرزاد و قرین رحمت کناد .

ازعموم اعضاء هیئت‌مؤسسین انجمن‌آثارملی خصوصاً هیئت مدیرهٔ آن بسیار سپاسگزار است . گذشتها و گشاده‌روییهای ایشان کار سنگین چاپ این‌کتاب‌را بردوش این بنده سبك کرد .

بسیار بجاست که از سروران گرامی و آقایان محترمی که این اسنادرا در اختیار ما گذاشته‌اند ، سپاسگزاری نماییم . اگر لطف وگذشت آقایان نبود ، بی‌شك این دسته از اسناد همانند بسیاری دیگر ، در گوشهٔ صندوقها می‌پوسید و یك‌رشته از تاریخ مملکت ما پوشیده وپنهان می‌ماند.

۱ـ حجةالاسلام حاج‌آقامحمدرضا میبدی و آقای آقا سید حسین برومند، اسناد سادات درازگیسو .

۲ـ حجةالاسلام حاج‌آقاحسین نبوی،اسناد سادات نبوی .

۳ـ حاج آقانصرالله قدس مفیدی، اسناد سادات مفیدی .

۴ـ آقای ابوالحسن‌خان میرفندرسکی،اسناد سادات میرفندرسکی .

۵ـ آقای علی‌اکبرطاهری،اسناد سادات طاهری .

۶ـ حاج‌آقا محمدرضا شیرنگی، اسناد سادات شیرنگی .

۷ـ آقای سید محمود هاشمی، اسناد سادات هاشمی .

۸ـ آقای ... افضلی، اسناد سادات‌افضلی .

۹ـ آقای یحیی قره‌داغی، اسناد خاندان مقصودلو .

۱۰ـ آقای عبدالحسین ملك ، اسناد خاندان ملك .

۱۱ـ آقای علی‌اکبر رهبر، اسناد مربوط به قاجارگرگان .

۱۲ـ آقای عابدین‌پور،اسناد مربوط به‌امامزادهٔ عبدالله زیارت .

۱۳ـ آقای علی‌اکبر مفیدی، اسناد مربوط به امامزادهٔ روشن‌آباد ویساقی .

۱۴ـ با همکاری آقای زیادلو ـ بایگان ادارهٔ اوقاف ـ سند مربوط به‌آب شهر و وقفنامه‌های فراوان دیگر .

۱۵ـ از آقایان ابوالقاسم امیر لطیفی وعلی‌اصغر کشاورز که‌اسناد مختلفی‌را به دست ما سپردند و همچنین از مسؤولان بایگـانی دادگستری گرگان و سایر آقایان که‌در این راه قدمی برداشته‌اند کمال‌تشکر و امتنان‌را داریم .

از دوستان فاضل که در خواندن پاره‌ای از کلمـات واشکالات متن حقیر را یاری کـردند چون آقایان محمدتقی دانش‌پژوه و حسین محبوبی اردکانی ومحمد شیروانی و عبدالله‌نورانی ممنون و متشکرم .

از همکار ودوست ارجمند آقای مسعودگلزاری که‌کارچاپ کتاب‌را به‌عهده داشتند صمیمانه تشکر می‌نماید.

تهران ـ بیست وپنجم مردادماه هزار و سیصد وپنجاه و چهار

منوچهر ستوده

بخش یکم

فرمان ـ حکم ـ امر ـ تعلیقه ـ عرضه‌داشت

فرمان سلطان یعقوب بن اوزون حسن (۸۹۶-۸۸۴) دربارهٔ معاف و مسلم شناختن سید عزالدین محمود و سید کمال‌الدین محمود از جمیع تکالیف دیوانی .

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت
و یطهرکم تطهیراً
قال النبی صلی‌الله علیه و سلم
مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیها نجی
و من خلف عنها غرق و هوی
هوالغنی
الحکم لله

ابوالمظفر یعقوب بهادر سیوزومیز

[جای مهر][1]

فرزندان سعادتیار و برادران کامکار و امراء نامدار
و وزراء رفیع مقدار و حکام و داروغگان و مباشران

۱- مهر گرد سلطان یعقوب، در دایرهٔ کوچك وسط : «یعقوب بن حسن» و کلمات حاشیهٔ آن را افقی حك کرده‌اند و این شعر فارسی را گنجانده‌اند :
«هر آنکه جانب اهل خدا نگه دارد   خداش در همه حال از بلا نگه‌دارد»

اعمال سلطانی و ناظمان اشغال دیوانی و اصول و اعیان و تمغاچیان و باجداران و مستحفظان طرق و مقاولان سبل و کشتی بانان و کوتوالان قلاع و ساکنان و متوطنان ممالك محروسه عموماً و عراقین و فارس و کرمان و آذربیجان و دیار بکر و گیلانات و مازندرانات احسن‌الله احوالهم بدانند که تا درگاه گیتی‌پناه ما قبلهٔ مقبلان امم و مقبل‌شفاه بنی‌آدم شده و ذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء پیوسته بمقتضی و احسن کما احسن‌الله الیك عمل نموده تشنه‌لبان بادیهٔ تظلم را از زمزم کرم سیراب ساخته‌ایم و از مضمون فحوای و تعاونوا علی‌البّر و التّقوی تجاوز نفرموده‌ایم و منشور عقیدهٔ صافی‌طویّت را بطغرای غرّای محبّت و مودّت و اعظام سادات عظام که درازی اصداف رسالت و ذراری معدن امامت‌اند و خلعت اعزازشان بطراز قل لااسألکم علیه اجراً الّاالمودة فی‌القربی محلّی است موشّح گردانیده‌ایم والحمدالله الذی هدینا لهذا وماکنّا لنهتدی لولاان هدیناالله نتیجهٔ این مقدمات آنك در این وقت عالیجنابین هدایت مقامین مرتضی‌ممالك‌الاسلام عمدتی‌العلماء فی‌الانام زبدتی اعاظم السادات والنقباء قدوتی اکارم الفضلاء والنجباء جامعی المعقول والمنقول حاویی الفروع والاصول امیر سیدعزالدین مسعود و امیر سید کمال‌الدین محمود اعلی‌الله تعالی شأن‌السیادة والهدایة بمیامن برکاتهما که بجلالت حسب و شرافت نسب از اقران ممتازاند اقبال صفت ببارگاه سپهر اشتباه ما آمدند و بعزّ مجالست و شرف مؤانست استسعاد یافتند و بانواع تعظیم و تکریم ملحوظ شده به‌لواحظ انعامات و تشریفات محظوظ گشتند بنا برعنایت پادشاهانه و عاطفت خسروانه که در بارهٔ ایشان حاصل بود این حکم جهان مطاع لازم‌الاتّباع شرف نفاذ یافت تا آثار عواطف سلطانی درشأن ایشان برخواص و عوام ظاهر گردد باید که هرجاکه مقدم شریف ایشان رسد و نزول نمایند حکام و اعیان آنجا اکرام و احترام و رعایت و مراقبت ایشان بواجبی بجای آورند بنوعی که آثار شکر آن بظهور رسد و مهمات ایشان بکفایت مقرون گردانند و داروغگان و عمّال و تمغاچیان و باجداران ممالك محروسه ازجهات

ایشان تمغا و باج و راهداری و سوغاتی و تخته‌باشی و سلامانه وغیرذلك طلب‌ندارندو جهات ایشان را از جمیع تکالیف دیوانی معاف و مسلم ومرفوع‌القلم دانند وپیرامون بارهای ایشان نگردند و هرگاه متوجه ممالك محروسه شوند درآمدن و رفتن بدین دستور عمل نمایند و از منازل مخوفه بسلامت بگذرانند و ایشان را تکلیف ملاقات امرا و سند و امضاشان‌گرفتن نکنند و سواد این نشان چون بمهر حاکم یاقاضی‌ولایت باشد معتبر دانند و هر ساله حکم و پروانچهٔ مجدد طلب ندارند ایلچیان و یامچیان‌و آینده و رونده چهارپایان ایشان وکسان ایشان را الاغ نگیرند و از فرموده عدول نجویند وشکرایشان راعظیم مؤثر شناسند وازشکایت‌محترزباشند وچون بتوقیع رفیع اشرف‌اعلی موشّح و موضّح ومزّین و محلّی گردد اعتماد نمایند کتب بالامرالعالی اعلاه ∴ و خلّدنفاذه ولازال مطاعاً متبعاً .

فی‌عشرین ذوالقعدةالحرام سنة احدی وتسعین وثمانمائه .

ختم‌بالخیر بدارالسلطنهٔ تبریز

۲

فرمان شاه اسماعیل اول (۹۳۰ـ۹۰۷) دربارهٔ واگذاری دهکدهٔ چوپالانی به عنوان سیورغال به نظام‌الدین احمدالحسینی .

واهب العطیات

الحکم لله ابوالنصر سام

اسمعیل بهادر سیوزومیز

حکام و داروغگان وعمّال و ارباب وکلانتران و جمهور سکنه و عموم متوطنهٔ بلدة‌ـ المؤمنین استراباد احسن‌الله تعالی عواقب امورهما بدانندکه بر مقتضی‌کریمهٔ قل لااسئلکم علیه اجراً الّاالمودة فی‌القربی رعایت جانب سادات عظام کرام خصوصاً

کسی‌که شجرهٔ طیبهٔ ذات بابرکاتش بزینت علم وکمال و رتبت فضل وافضال مزین بوده در طریق ورع و تقوی مرتاض باشد لازم ومتحتّم می‌نماید لهذا عنایت و مرحمت در بارهٔ سیادت و نقابت پناهی فضائل و معالی دستگاهی‌ذی‌الحسب‌الظاهر والنسب‌الطاهر سیّد نظاماً لدین احمدالحسینی‌که من‌المهد الی‌العهد قواعد علم وعمل‌را مطمح نظر داشته اوقات خود را بطاعات و عبادات حضرت ∴ مصروف‌گردانیده[1] مبلغ دوتومان و پنجهزار دینـار تبریزی که حسب‌الفرمان قضاجریـان نـواب اعلی‌همیون در وجـه سیورغال مؤبد[2] برای او مقرر است ازابتدای یونت‌ئیل بهمان دستور مقرر نمودیم‌که رسد مالوجهات و وجوهات وسایرجهات وداروغگی قریهٔ امیناباد را ازبلوك‌استراباد- رستاق‌که ازراه ملکیت تعلق به سیادت‌مآب مشاراليه دارد ومشهور است به‌چوپالانی‌و در سنهٔ مذکوره بمبلغ دو تومان و دوهزار و هفتصد و نود ودو دینار تبریزی قـرار یافته بموجب ضمن از آنجمله حساب نموده تتمه را از محل مرجوّالوصول تنخـواه نمایند و بدستوری‌که در فرمان‌جهانمطاع مسطور است ازاخراجات وعوارضات‌وسایر تکالیف دیوانی برمبلغ مذکور حوالتی نکنند و ازحشوتیول تیولداران آن مملکـت وضع نموده داخل ندانند و قلم و قدم کوتـاه وکشیده داشته از شائبهٔ تغییر و تبدیـل مصون و محروس شناسند وهر ساله نشان مجدد نطلبند و چهارپایان اوراالاغ نگیرندو در منازل او نزول ننمایند وشکروشکایت او را مؤثرشمرند در این باب‌توجه‌نمایند .

[مـوضع مهر گـرد و کلاهك‌دار شاه اسماعیل]
غرّه‌شهر رجب‌المرجب‌سنهٔ‌ثمان وعشرین وتسعمایه

۱ـ بالای‌کلمهٔ «گردانیده» با قلم متن با خط ریزتر « فرموده » نوشته شده است .
۲ـ در درست خواندن این‌کلمه شك داریم .

۳

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰) دربارهٔ تصدی و تکفل امیر کمال‌الدین محسن استرابادی برای رساندن نان تصدق شاه را به مستحقان.

الملک‌لله

[مهر گرد شاه طهماسب][1]

فرمان همیون شد آنکه بنابر ظهور امانت و صلاح ودیانت وراستی سیادتمآب تقوی شعاری امیر کمال‌الدین محسن استرابادی از ابتداء لوی‌ئیل اورا متصدی و متکفل نان تصدق فرق مبارك که در بلدةالمؤمنین استراباد مقرر است گردانیدیم و دانسته بدو تفویض فرمودیم تا بواجبی بامر مذکور قیام نموده دقیقهٔ نامرعی نگذارد و وجه مذکور را بمستحقین واصل سازد دراین باب قدغن عظیم لازم دانسته هرساله بحکم مجدد محتاج ندانند بعهدهٔ حکام دارالمؤمنین مذکور که درین باب امداد نموده رعایت و مراقبت سیادتمآب مومی‌الیه از لوازم دانند.

تحریراً شهر ذی‌حجةالحرام سنه ۹۵۰.

۱ــ مهر گرد شاه‌طهماسب، دروسط: «بندهٔ شاه ولایت طهماسب» ودرحاشیه باخطی که‌دور چرخیده است: «محمد المصطفی علی‌المرتضی حسن‌الرضا حسین‌الشهید علی‌زین‌العابدین محمدالباقر جعفرالصادق موسی‌الکاظم علی‌بن‌موسی‌الرضا محمدالتقی علی‌النقی حسن‌ـ العسکری محمدالمهدی».

٤

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ ـ ۹۳۰) برای واگذاری وجه سیورغال امیر نظام‌الدین احمد به اولاد او .

ابوالمظفر بهادر سیوزومیز[۱]

حکّام کرام و سادات عظام و قضاة اسلام و موالی فخام و مشایخ ذوی‌الاحترام واصول و اعیان و کلانتران و عمّال و مباشران امور و اشغال دیوانی و متصدیان و متکفّلان اعمال سلطانی بلدةالمؤمنین استراباد[۲] بدانندکه‌چون همگی همّت علیا نهمت‌همیون بترفیه احوال سادات رفیع‌الدرّجات که ثمرهٔ شجرهٔ نبوّت و فرع دوحهٔ امامت‌اند مصروف و معطوفست شمهٔ از عواطف و عنایات شاهی شامل حال وکافل آمال اولاد امجاد سیادت‌پناه مرحوم امیر نظاماًلدّین احمد مقلاسخانی فرموده مبلغ بیست و پنجهزار دینار تبریزی‌که ازمالوجهات آنولایت در وجه سیورغال والد ایشان مقررّو مجری و مستمرّ بوده بهمانقاعده و دستور از هر محل‌که مجری میشده و تعیین‌گشته در وجه سیورغال ابدی و احسان سرمدی اولاد او ارزانی داشتیم و مبلغ پانزده هزار دینار تبریزی‌که ازآنجمله داخل تیول امیر اعظم درویش‌بیگ‌روملو شده بود دانسته از ابتداء لوی‌ئیل باطل‌گردانیدیم و بسادات مشارالیهم منقول نمودیم بایدکه مبلغ بیست وپنجهزار دینار مزبور را باسم اولاد مشارالیه برقرار دانسته احکام وپروانجات

۱ـ در توقیع فواصلی سفید به چشم می‌خوردکه ظاهراً در این فواصل نام‌شاه با آب طلا نوشته شده بوده است. ۲ـ تا اینجا متن فرمان را نویسنده در دو سطر جا داده‌و این دو سطر را از وسط‌کاغذ فرمان نوشته است و در قسمت خالی دست راست، مهر شاه طهماسب‌با این‌شرح دیده می‌شود . در دایرهٔ وسط : «طهماسب بن‌اسمعیل» و درکلاهك‌مهر: «الله محمد علی» و درحاشیه با خطی‌که دورچرخیده‌است :

«گر کند بدرقهٔ لطف تو همراهی‌ما چرخ بر دوش کشد غاشیهٔ شاهی ما»

که دراین باب باسم والد ایشان شرف صدوریافته باشد باسم ایشان من‌اوّلها الی‌آخرها بجمیع قیودها ممضی و منفذ دانند و تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند و از شائبهٔ استرداد و انسداد مصون و محروس شمرند مستوفیان دیوان اعلی و عمّال و مباشران ولایت مذکور مضمون مسطور را در دفاتر خلود مثبت و مرقوم گردانند واگر احیاناً در باب تغییر سیورغالات اینولایت حکمی صادر شود مبلغ مزبور را مستثنی دارند و بعلّت مالوجهات و اخراجات‌حکمی و غیرحکمی ازساوری وپیشکش وده‌یك ونیم و منالانه و حوالچی عمّال و رسم‌الوزاره و علفه وعلوفه و الاغ و الام و بیگار و طرح و دست‌انداز و راهداری و یرغوچیگری و غیر ذلك بهراسم ورسم‌که باشد از محل سیورغال ایشان طلبی ننمایند و داخل‌نتیجه نکنند و رعایت وهمراهی بتقدیم‌رسانندو مجال مخالفت احدی ندهند و هر ساله نشان و پروانچهٔ مجدّد نطلبند .

فی‌شهر شوال ۹۳۸ .

۵

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰) برای واگذاری قریهٔ علوی‌کلاتهٔ استرابادرستاق به انعام سیدکمال‌الدین محمود.

هو

شاه بابام

امر عالی شد آنکه چون حسب‌الفرمان واجب الاذعان بندگان نوّاب کامیاب اعلی همایونی قریهٔ علوی‌کلاته استرابادرستاق ملکاً و مالاً و منالاً بانعام سیادت‌پناه نقابت‌دستگاه معالی انتباه افاضت‌شعار افادت‌آثارکمالاً للسیادة والافادة والافاضة والدین محمودا از ابتدای لوی‌ئیل مقرر است وکلاء عظام و مستوفیان‌کرام سرکار خاصه بهماندستور مقرر دانسته از مضمون حکم جهانمطاع آفتاب ارتفاع که درین باب عزّ

اصدار یافته عدول و انحراف نورزند و آنچه در سنهٔ مذکوره بعلّت مالوجهات وسایر متوجهات دیوانی از قریهٔ مذکوره گرفته باشند بدو باز گردانیده من‌بعد پیرامون نگردند و قلم و قدم‌کوتاه و کشیده داشته طمع وتوقعی ندارند وتغییر و تبدیل‌بقواعد آن راه ندهند.

تحریراً فی‌غرّه شهر رمضان ...[۱]

[جای‌مهر][۲]

۹

فرمان‌شاه‌طهماسب برای محمدخان آسایش‌اغلی‌که از یونس‌ترك چیزی بابت متوجهات قریهٔ انجیره‌بنی نگیرند.

[جای مهر شاه طهماسب][۳]

فرمان همیون شد آنکه چون معروض شدکه یونس ترك قریب چهل‌سال است‌که در قریهٔ چوپالانی ساکن است و در قریهٔ انجیره‌بنی چیزی که حقوق دیوانی برآن لازم‌آید ندارد و متوجهات او در تحت موضع چوپالانی جمع است و در این باب اسناد حکام و وزراء استراباد خصوصاً مرحومی خواجه مظفر پتکچی‌که مالك قریهٔ انجیره‌بنی بوده ابراز کردند بنابراین هیچ آفریده بعلّت رعیّتی موضع مذکور مزاحمت بحال یونس مزبور نرساند و طلبی نکنند بعهدهٔ ایالت‌پناه حکومت دستگاه

۱ـ تاریخ زیر مهر رفته است. ۲ـ مهر گرد شاه طهماسب باسجع: «الواثق بعون رب جلیل طهماسب بن‌شاه اسمعیل». ۳ـ مهر گرد شاه طهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۸۴)، دردایرهٔ وسط: «بندهٔ شاه ولایت طهماسب ۹۵۰» و در حاشیه باخطی که‌دور چرخیده است: «محمدالمصطفی علی‌المرتضی حسن‌الرضا حسین‌الشهید علی‌زین‌العابدین محمدالباقر جعفرالصادق موسی‌الکاظم علی‌بن‌موسی‌الرضا محمدالتقی علی‌النقی حسن‌العسکری محمدالمهدی».

شمساً للایالة محمدخان آسایش‌اغلی که مجال مخالفت احدی نداده‌کس تعیین نماید که او را بموضع چوپالانی برند و اگر جماعت سیاه‌پوشان چیزی از اوگرفته باشند بازگرفته بدو عایدگردانند در این باب قدغن دانسته تخلّف نورزد.

تحریراً فی...[۱]

۷

فرمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ـ۹۳۰) برای معاف و مسلم دانستن امیر کمال‌الدین‌محمود از جمیع تکالیف دیوانی.

الملک‌لله

[جای مهر شاه طهماسب][۲]

فرمان همیون شد آنکه حکام و تیولداران و داروغگان وعمال وکلانتران و متصدیان امور دیوانی و مباشران و مستوفیان و محصلان دارالمؤمنین‌استراباد مطلقاً بعلت اخراجات و خارجیات مسدودة الابواب سیّما علفه و علوفه و قنلغا و طرح و دست‌انداز و پیشکش و سلامی و عیدی و نوروزی و داروغگی و موجبانه و وجوه‌فسیله وخرج بارو وقلعه و خرج بره ومرغ وگوسفند وکاه و هیمه و سایر تکالیف دیوانی بهر اسمو رسم‌که باشد برسرکار سیادت‌پناه نقابت وافادت‌دستگاه عمدة‌السادات العظام امیرکمالا للسیادة والنقابة محمودا حوالتی ننمایند و قلم و قدم‌کوتاه وکشیده داشته اعزاز و اکرام بتقدیم رسانند و بخلاف حکم و حساب بربرزیگران وکارکنان سیادت‌پناه مشارالیه رقمی ننمایند وطلبی نکنند وشکر و شکایت‌آن سیادت و نقابت‌

۱ــ چون هیچگونه تاریخی در ذیل فرمان نیست ، ظاهراً تاریخ مهر تاریخ‌صدور فرمان است یا تاریخ از متن عکس‌بیرون‌افتاده است .

۲ــ مهر گرد شاه طهماسب‌با مشخصاتی که در حاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۶ آوردیم .

پناه را عظیم مؤثر شناسند و از تخلف‌که موجب خطاب وعتاب[شاهانه] است اندیشه نموده هرساله حکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی‌شهر جمادی‌الاول سنه ۹۵۱ .

۸

فرمان شاه‌طهماسب برای‌واگذاری‌متوجهات قریهٔ‌روستائی‌محله به مبلغ دوازده‌هزار دینار تبریزی به‌سید کمال‌الدین‌محمود .

الملك‌لله

[محل مهر شاه طهماسب][1]

فرمان همیون شد آنکه چون سیورغالات و رقبات اولاد سیادت‌پناه مرحوم جمالا ــ محمدا در دفاتر دیوان اعلی مجمل است و تفصیل ندارد و چنان بعرض رسیدکه موضع روستایی محلهٔ بلوك استراباد رستاق ولایت استراباد در تحت جمع و سیورغال اولاد مذکور است و معروض شدکه موضع مذکور از ایشان بملکیت‌کمالا للسیادة و النقابة والدین محمودا متعلق‌گشته و متوجهات موضع مزبور را بمبلغ دوازده هزار دینار تبریزی با او قرار داده سند خود داده‌اند بنابراین بهمان دستور با مشاراليه عمل نموده از مضمون سند و نوشتهٔ خود در نگذرند درین باب قدغن دانسته تخلف نورزند و هر ساله سند وحکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی‌شهر رجب ۹۵۲.

۱ــ مهر گرد شاه طهماسب‌اول (۹۸۴ ــ ۹۳۰) با مشخصاتی که‌درحاشیهٔ فرمان‌شمارهٔ۶ آوردیم .

۹

فرمان شاه طهماسب‌اول برای عمادالدین‌مسعود و امیرابراهیم برادران امیر کمال‌الدین محمودکه انعامات و مسلمیات و سیورغالات برادرمتوفی را به‌آنان واگذارند.

الملک‌لله

ایزدی   [جای مهر شاه‌طهماسب][1]

فرمان‌همیون‌شد آنکه چون بموقف عرض‌رسیدکه سیادتمآب امیرکمال‌الدین‌محمود استرابادی بجوار رحمت ∴ پیوسته بنابر وفور عنایت بیغایت شاهی در بارهٔ برادران او عماداً للسیادة والدین مسعود و امیرابراهیم انعامات و مسلّمیات و سیورغالات که در وجه مرحوم مشارالیه مقرر بود بتخصیص قریـهٔ علوی‌کلاته استرابادرستاق کـه منال آن بانعام و رقبهٔ آن بملکیت بدوشفقت شده بود و مالوجهات آن بسیورغال او مقرر بود از ابتداء قوی‌ئیل بدستور بدیشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم حکام و عمال و تیولداران و داروغگان ومتصدیان مهمات بلدةالمؤمنین استراباد تغییر وتبدیل بقواعد آن راه ندهند و بموجبی‌که احکام جهانمطاع باسم مرحوم مومی‌الیه صادرگشته عمل نموده احدی را درآن مدخل ندهند و بعلت اخراجات حکمی و غیرحکمی بهراسمو رسم‌که باشد یکدینار برموضع مذکور حواله ندارند و از حشوتیول تیولداران وضع نموده داخل نتیجه نسازند و اعزاز واحترام مشارالیهما واجب شناسند مستوفیان‌کرام دیوان اعلی برین موجب دردفاتر عمل نموده تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند از جوانب برین‌جمله روند وهرساله حکم مجدد نطلبند.

تحریراً فی۲۰ شهر ربیع‌الثانی سنه ۹۵۴.

۱ــ مهر گردشاه طهماسب‌اول بامشخصاتی‌که درذیل فرمان شمارهٔ ۶ نوشته شده است.

۱۰

فرمان شاه‌طهماسب‌اول برای شاه علی‌سلطان استاجلو که تفاوت موضع علوی‌کلاته را از امیرعمادالدین مسعود و امیرابراهیم طلب نکنند و مبلغ یک تومان تبریزی که دروجه‌سیورغال ایشان مقرر بوده است به ایشان برسانند .

الملك‌لله

[جای مهرشاه طهماسب][1]

فرمان‌همیون شد آنکه زیناً للایالة شاه‌علی‌سلطان‌استاجلو چون موضع علوی‌کلاته استراباد عن‌مال ومنال سیورغال وانعام ورقبهٔ آن بملکیت‌سیادتمآ بین امیرعمادالدین‌ـ مسعود و امیرابراهیم مقرر است اولاً بعلت مال و منال و اخراجات بعرض رساند و از مضمون پروانچهٔ همیون که قبل ازین درین باب صادر شده تجاوز ننماید و چون تفاوت موضع مذکور بتیول او مقرر نشده و نیست بدانعلت طلبی ننماید و آنچه بهر جهت ستده باشد بازگرداند و مبلغ یکتومان تبریزی‌که از مملکت در وجه سیورغال ایشان مقرر بوده و درلوی‌ئیل ازموضع روستایی محله‌که ملك مشارالیهماست تنخواه شده بود و درثانی‌الحال موضع مزبور حسب‌الجمع داخل سیورغال اولاد مرحوم‌جمالا محمدا شده مبلغ مزبور را از سنوات گذشته وحال از مملکت درانند ؟ محال‌بدیشان واصل گردانیده چیزی موقوف ندارد و رعایت و اعزاز و احترام مشارالیهما و مردم ایشان از لوازم دانسته شکر و شکایت ایشان را مؤثر شناسد درین ابواب قدغن لازم شناخته هرساله حکم مجدد نطلبد. تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۹۵۵ .

۱ـ مهر گرد شاه‌طهماسب‌اول (۹۸۴ ـ ۹۳۰) بامشخصاتی که درذیل فرمان شمارهٔ۶ آورده‌ایم .

۱۱

سواد فرمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۸۹) برای میرزا بیک فندرسکی و بر قراری مبلغی از بابت مالوجهات و وجوهات بلوك فندرسك و رامیان و برزمهین و اشتاق به‌احسان سرمدی او.

[جای مهر شاه‌عباس]

ابوالمظفر عباس الصفوی الموسوی الحسینی المؤید من‌عندالله[۱]

چون از دیوان کرامت نشان ان الارض‌لله یورثها من یشاء وایوان عاطفت و احسان والله یوتی ملکه من یشاء نشان واجب‌الاذعان خلافت جهـان و سلطنت جهانیـان را بنـام نامی و اسم سامی نواب همیون ما انشا فرموده‌اند و خطبهٔ جهـانداری و بختیاری را بمودّی قل اللهم مالك‌الملك تؤتی‌الملك من تشاء برای ما ایفا نموده وازمآثر اینمعانی زمام مهام‌کل انام و عنان حصول مرام خواص و عوام بکف اختیار مـا داده‌اند لاجرم ما نیز بشکرانهٔ این مواهب سنیّه و مراتب بهیّه برحسب‌کـریمهٔ الشکّـر تدوم‌النعـم پیوسته مکنون خاطر خطیر و مخزون‌ضمیر منیر فیض‌پذیر آنست‌کـه در ایام دولـت روزافزون و زمان خلافت ابد مقرون بنوعی متوجه تربیت ورعـایت جمعی‌که نسبت نسب ایشان بسلسلهٔ نبوت و امامت و خاندان رسالـت و هـدایت که بمودّی حقیقت انتماء قل‌لااسئلکم علیه اجراً الاّ المودة فی‌القربـی موالات ایشان باعث تصاعـد برمدارج سروری بمقتضای مثل اهل‌بیتی‌کمثل سفینة نوح من رکب‌فیها نجـی توسل بذیل والای ایشان موجب تضاعف‌اسباب تفوق و برتریست لهذادراین اوقات فرخنده‌ـ ساعات خجسته‌که سیادت و نقابت پناه رفعت و معالی دستگاه عمدة‌السادات والاشراف جلالا میرزا بیکا فندرسکیا طریق و آئین اخلاص و جـانسپاری مسلوك داشته بدرگاه

۱ــ این توقیع برسمت راست یکی دو سطر اول فرمان است.

فلك اشتباه‌آمده تجدید مراسم دولتخواهی آبا و اجداد نموده در مضمار یکجهتی گوی تفوق و رجحان از اکفاء و اقران و سایر ابنای زمان ربوده بنابر توجه خاطر بانتظام احوال و انجاح امانی و آمال سیادت و نقابت پناه مومی‌الیه گردانیده از ابتداء ششماههٔ سیچقان‌ئیل مبلغ...[1] ازبابت مالوجهات ووجوهات بلوك فندرسك ورامیان و برزمیهن واشتاق من اعمال دارالمؤمنین استراباد...[2] احسان‌سرمدی‌سیادت و نقابت‌پناه مشارالیه مرحمت فرموده ارزانی داشتیم مستوفیان عظام دیوان اعلی رقم این عطیه را در بارهٔ سیادت و نقابت‌پناه مومی‌الیه انعام مخلد و اکرام مؤبد شمرده در دفاتر خلود ثبت نموده از شوائب تغییر وتبدیل مصون و محروس شناسند ارباب و کدخدایان و رعایای بلوك فندرسك ورامیان و ابر نقابت پناه مومی‌الیه [را صاحب سیورغال] خود دانسته سال بسال مالو حقوق دیوانی خود را حسب‌الظهر بدوو وکلاء او واصل ساخته چیزی موقوف ندارند و نهایت اطاعت و متابعت بجای آورند حکام و تیولداران و کلانتران و عمال دیوانی و متصدیان اشغال سلطانی ولایت‌استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته مطلقاً در محال سیادت و نقابت‌پناه مومی‌الیه مدخل ننموده بعلت اخراجات و عوارضات و توجهات حکمی و غیر حکمی و استصوابی و مملکتی بهراسم ورسم‌که باشد اطلاق ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند ودر این باب قدغن دانسته از فرموده درنگذرند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون بتوقیع رفیع اشرف اعلی مزین و محلی‌گردد اعتماد نمایند .

شهر ذی‌قعدة الحرام سیچقان‌ئیل ست وتسعین و تسعمائه .

۱ــ يك‌كلمه خوانده نشد .　　۲ــ دو سه‌کلمه خوانده نشد .

۱۲

فرمان شاه عباس اول (۱۰۳۸ــ ۹۸۹) در تأیید وقفیت قراء علوی‌کلاته وچوپالانی و ابطال مبایعهٔ علیاربیگ‌ایمور دو قریهٔ مزبور را .

الملک‌لله

[جای مهر شاه عباس][1]

فرمان همیون شد آنکه چون ازمضمون تذکرهٔ‌که بخط و مهرجمعی‌کثیر از سادات عظام‌وقضاة وارباب واهالی واصول‌واعیان‌دارالمؤمنین استراباد رسیده‌معلوم ومستفادشد که‌سیادت‌پناه مرحوم میرروح‌الله استرابادی قریهٔ علوی‌کلاته و قریهٔ چوپالانی راکه‌در بلوك استرابادرستاق دارالمؤمنین مذکور واقع است و از راه ملکیت بمرحوم مـزبور متعلق بوده درحال‌صحت نفس وثبات عقل وقف‌نموده براولاد خود بطناً بعد بطن وعقباً بعدعقب چنانچه وقفنامچهٔ معتبرهٔ مسجله بسجل‌صدورعظام وقضاةاسلام برآن دال‌استو بیع وشری در وقف جائز نیست و علیاربیگ ایمور بعنف و تعدی ارادهٔ خـریداری املاك مذکور نموده ومبایعهٔ غیرمشروعه واقع‌شده واین معنی خلاف شرع شریف است بناءً علی‌الوقوع مقررفرمودیم‌که‌هیچ‌آفریده بغیرحق وخلاف‌شرع‌انورمدخل درمحال مذکوره وقفی ننموده بحسب شرط‌واقف باولاد واولاد اولاد متعلق دانند وبیع وشری‌که واقع شده باشدچون‌خالی ازصحت شرعی است قضاة اسلام بدان مستند اعتماد نکنندو ازجادهٔ شریعت غرّا تجاوز ننمایند ورثهٔ علیاربیگ ایمور حسب‌المسطور مقرردانسته

۱ــ مهر گردبزرگ‌شاه‌عباس، در دایرهٔ وسط : «بندهٔ شاه‌ولایت‌عباس ۹۹۹» و اطراف با خطی که دور می‌چرخد« اللهم‌صلی‌علی‌النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والزکی والمهدی».

بمجرد مبایعهٔ خلاف‌شرع‌پیرامون املاك وقفی مذکوره نگردند واگردراین باب‌حکایت شرعی داشته باشند بقضاة اسلام ومتصدیان شرعیات آنجا رفع نمایند که حکم عدالت مرتب‌گردد وکلاءحاکم وعمال ومتصدیان مهمات دیوانی دارالمؤمنین استراباد مدخل دروقف مـذکور ننموده پیرامون نگردند و داخل امـلاك علیاربیگ نسازند ایالت‌و حکومت‌پناه شوکت و حشمت دستـگاه عالیجاهی حسین خان مصاحب قاجار حـاکم دارالمؤمنین مذکور بموجب‌مسطورعمل‌نموده امداد واعانت اولاد واقف مذکور بتقدیم رساند ومجال تمرّد وتخلف غیرمشروع احدی‌ندهد ونگذاردکه‌احدی‌ازعمال‌دیوانی‌و غیرذلك بخلاف شرع پیرامون وقف مذکورگردند در این باب قدغن داند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی سنه الف .

[درحاشیهٔ سمت راست همین فرمان :]

مقرراست‌که چون بنابرآنکه وقفیت واکراه واجبارعلی یاربیگ به بیع باخباروا‌شهاد قضاة اسلام و عدول مسلمین دارالمؤمنین استراباد تحقیق پذیرفته ورثهٔ علی یاربیگ در موضع مذکور دخل ننمایند واگر چیزی بورثهٔ میر مرتضی داده باشند چون وارث شرعی میرابراهیم است بعد از ادم[کذا] شرعاً ازو بازیافت‌نمایند.

[جای مهر شاه‌عباس][1]

۱ـ مهر گرد شاه‌عباس‌که به دو نیم دایرهٔ بالا و پایین قسمت شده است . در نیم دایرهٔ بالا: «بندهٔ شاه ولایت عباس» و در نیم دایرهٔ پایین: «مهر مسودات دیوانی» .

۱۴

فرمان شاه‌عباس‌اول(۱۰۳۸-۹۸۹) برای منع غازیان وملازمان از نزول به خانهٔ‌امیر کمال‌الدین سرخ استرابادی و منع اطلاق‌و حوالتی بدو به هر اسم ورسم‌که بوده باشد .

الملك‌لله

[جای مهر شاه‌عباس] ۱

فرمان همیون شد آنکه درینوقت بنا برمراعات جانب سادات‌عظام ورفاهیت‌احوال ایشان مقرر فرمودیم‌که‌هیچ آفریده از غازیان‌عظام وملازمان حکام و آینده‌و رونده و غیرذلك در خانهٔ سیادت‌پناه امیر کمال‌الدین‌سرخ استرابادی نزول ننموده پیرامون نگردند وبدانعلت مزاحمت بحال مشاراليه نرسانند داروغگان وعمال وکدخدایان بلدةالمؤمنین استراباد خانهاء سیادت‌پناه مومی‌الیه‌را بنزول ندهند وبعلت اخراجات‌و عوارضات خلاف حکم‌اشرف ازعلفه وعلوفه وزرکوچه ومحله ومردباره وکشیك قلعه‌و میرشبی‌ومیهمانی وغیرذلك‌بهراسم‌ورسم‌که بوده‌باشد اطلاق‌وحوالتی‌ننموده‌بهیچ وجه من‌الوجوه متعرض احوال سیادت‌پناه مومی‌الیه نگردند دراین‌باب قدغن دانند بعهدهٔ حاکم دارالمؤمنین استرابادکه دراین باب امداد بتقدیم‌رسانند واعزاز واحترام سیادت‌پناه مشاراليه لازم دانند و هر ساله حکم مجدد نطلبد .

تحریرا فی شهرجمیدی‌الاول‌سنه‌سبع والف من‌الهجرة.

۱ــ مهر گرد‌بزرگ شاه‌عباس، در دایرهٔ وسط: «بندهٔ شاه‌ولایت عباس ۹۹۹» و اطراف این دایره با خطی‌که دور می‌چرخد، صلوات برچهارده معصوم چنانکه در حاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۱۲ آمده است. پشت این فرمان دو مهردیگراست: یکی هشت ضلعی باسجع :« هست از جان‌غلام شاه‌صفی ۱۰۰۴» ودیگری گلابی شکل وسجع‌آن : «بندهٔ شاه‌ولایت‌حاتم۹۸۹».

۱٤

فرمان‌شاه‌عباس‌اول(۱۰۳۸-۹۸۹) برای رفع مزاحمت از رعایای قراءکشته‌وگلبن‌و رساندن حقابهٔ قریهٔ میرومحله به‌رعایای آنجا.

الملك‌لله

[جای مهر شاه‌عباس] [1]

فرمان‌همیون‌شد آنکه چون‌رعایاء قریهٔ‌کشته وگلبن من‌اعمال دارالمؤمنین‌استراباد ازروی امیدواری تمام درهرجاوهرمقام ونزد هرکس بوده باشند بجا ومقام اصلی خود آمده بزراعت وعمارت ودرویشی ودعاگویی دوام دولت همیون[2] اشتغال نمایند احدی ازحکام کرام وداروغگان وتیولداران وکلانتران وکدخدایان هرمحل بغیرحق وخلاف حساب مانع ومزاحم جماعت مذکور نشده‌گذارندکه بجا ومقام اصلی خود روند ...[3] وچون بعرض رسید که جمعی بغیر حق و خلاف حساب مانع حقابهٔ قریهٔ میرومحلهٔ دارالمؤمنین مذکورشده‌نمیگذارندکه رعایا حقابهٔ خود را بزراعات وباغات‌خودبرده شرب نمایند بنابرین می‌بایدکه هیچ آفریده بغیرحق وخلاف قانون قدیم مدخل در حقابهٔ قریهٔ مزبور ننموده پیرامون نگردند گذارند که رعایاء قریهٔ مزبور بزراعات‌و باغات خود برده شرب نمایند در این باب قدغن دانسته از فرموده در نگذرند بعهدهٔ حاکم آنجاکه دراین باب امداد بتقدیم رساند ودرعهده داند .

تحریرا فی شهرربیع‌الاول سنه ۱۰۱۸ .

۱ـ مهر گردکوچك شاه‌عباس، دردایرهٔ وسط : «بندهٔ شاه ولایت‌عباس ۹۹۹» واطراف آن با خطی‌که دور می‌گردد صلوات برچهارده‌معصوم که‌شرح‌آن درحاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۱۲ آمده است . ۲ ـ در درست خواندن این کلمه شك داریم . ۳ ـ یکی دو کلمه خوانده نشد .

۱۵

حکم شرعی صدرالدین محمدالموسوی‌الحسینی برای میرحسن از اولاد میرسید رضی‌الدین حسینی که او را متولی شرعی تمامی مجرای سرچشمهٔ روشن‌آباد شناسند.

یامن‌هو کاظم

امامزاده عبدالله الکاظم

والفضل الکاظم علیهما السلم

صدرالدین محمدالموسوی‌الحسینی [۱]

چون معروض‌شد که سیادت‌پناه مرحوم میرسید رضی‌الدین‌حسینی قاضی استرابادی تمامی مجری سرچشمهٔ روشن‌آباد توابع بلوك سدن‌رستاق دارالمؤمنین استراباد که مالك شرعی‌آن‌بوده‌وقف‌نموده برمزارفایض‌الانوارامامزاده‌های واجبی‌التعظیم‌والتکریم ∴ وتولیت شرعی‌آن‌را باولاد خودتفویض نموده نسلاً بعدنسل وعقباً بعد عقب والحال نوبت تولیت آن منتهی شده بسیادت‌پناه میرحسن که ازاولاد واقف مذکوراست بنابر وقوع مقررشد که چون سید رضی‌الدین مذکور مجری‌آب مذکوررا وقف نموده باشد برمزارفایض‌الانوارامام‌زاده‌هاء مذکور وتولیت شرعی‌آن را باولاد خود تفویض نموده باشد نسلاً بعد نسل وعقباً بعد عقب ونوبت تولیت‌آن الحال منتهی‌شده‌است بمیرحسن مذکور احدی بخلاف‌شرع‌شریف درتولیت‌شرعی‌آن مدخل‌ننمایند وتولیت شرعی‌آن‌را مخصوص اودانسته وگذاردکه مومی‌الیه درامرتولیت و لوازم‌آن قیام‌نماید وحق‌التولیه که شرعاً بموجب نص واقف جهت متولی معین گشته باشد حسب‌الشرع‌الاقدس تصرف نماید سیادتمآب میرکلان استرابادی‌حسب‌المسطورمقرردانسته مادام‌که حقیقت‌تولیت

۱ــ این نام به‌شکل توقیع در سمت راست وبالای دوسطر اول متن است.

خود را در دیوان الصدارةالعلیةالعالیه ظاهر نسازد بادعای تولیت درحق‌التولیه آن بخلاف شرع شریف وشرط واقف مدخل نسازد ولوازم‌امر تولیت را مخصوص مشارالیه داند واگردرین باب شکایت شرعی داشته‌باشد بقضاة اسلام‌آنجا رفع نماید بعهدهٔوکلاء حاکم آنجا که دراین باب امداد شرعی بتقدیم رساند .

تحریرا شهرربیع‌الآخرسنه ۱۰۲۷ .

۱۶

فرمان‌شاه‌عباس‌اول(۱۰۳۸-۹۸۹) برای اولاد شیخ‌مؤمن‌که مبلغ چهارده هزار دینار رایج خراسان سیورغال سابق را به ایشان بپردازند و ایشان را از تکالیف دیوانی معاف بدانند .

شاه‌بابام انارالله برهانه

[جای مهر شاه‌عباس][1]

فرمان همیون‌شد آنکه درین وقت بنابر عنایت بیغایت شاهانه وشفقت و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه در بارهٔ اولاد امجاد سیادت و افادت‌پناه حقایق و معارف آگاه شمساًللسیادة والافادة و...[2] امیر محمد باقرا طالبان استرابادی از ابتداء سیچقان‌ئیل مبلغ هفده هزار دینار رایج خراسان از بابت مال وجهات مزرعهٔ نارمکی من‌اعمال دارالمؤمنین استراباد از جمله مبلغ سه تومان و پنجهزار دینارکه رایج خراسان در زمان اعلیحضرت جمجاه جنت‌مکان علیین‌آشیانی ∴ به‌سیورغال‌آبا واجداد شیخ مؤمن مقرر بوده و درمعاملهٔ ایت‌ئیل‌فتح‌خراسان مبلغ چهارده‌هزاردینارر ایج‌خراسان ازبابت

۱- مهر گرد کوچك شاه‌عباس با مشخصاتی که در فرمان شماره ۱۲ یاد کردیم .
۲- یك کلمه‌خوانده نشد .

مزرعهٔ مذکور و غیره بسیورغال اولاد شیخ مؤمن سیّما شیخ محمد صالـح مقرر شده بوده و بعد از فـوت مشارالیه‌کـه سیورغال جمـاعت متوفی را سیادت و صدارت‌پناه هدایت و نقابت دستگاه اسلام و اسلامیان ملاذ عالیجاهی میـرزا رفیعالدین‌محمـدا معروض داشت‌کـه بوارثان شفقت شود سیورغـال اولاد مذکور دانسته مقطـوع‌گشته بسیورغال ابدی واحسان سرمدی اولاد امجادسیادت وافادت‌پناه مومی‌الیه‌حسب‌الضمن شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم رعایاء مزرعهٔ مذکور از ابتـداء سنهٔ مزبوره اولاد مذکوره را صاحب سیورغال مبلغ مذکور دانسته سال بسال مال و حقوق دیوانی خود را بموجبی‌که در ظهر مقرر شده واصل ساخته چیزی موقـوف ندارند حکام و تیولداران وداروغگان وکلانتر وعمال ومباشران مهمات دیوانی دارالمؤمنین مذکور مدخل در محل سیورغال‌ایشان نکرده پیرامون نگردند وبعلت اخراجات‌وعوارضات‌و استصوابیات دیوانی خصوصاً علفه و علوفه و قنلقا و الاغ و الام وبیگار و شکاروطرح‌و دست‌انداز و عیدی و نوروزی و سایر تکالیف‌دیوانی بهراسم ورسم‌که از دیوان‌حاکم حواله شود و اطلاقات مملکتی خلاف حکم اطلاق و حوالتی ننموده قلم وقدم‌کوتاه و کشیده دارند و نوعی نمایندکه رعایا و مزارعان مزرعهٔ مذکور بفراغ بال بزراعت و عمارت و درویشی خود مشغول بوده دعای خیر جهت نواب همایون ما حاصل نمایند مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبهٔ تغییر و تبدیـل مصون ومحروس شناسند درین باب قدغن دانسته و هر ساله‌حکم مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند .

تحریراً فی رمضان‌المبارك سنه ۱۰۳۶ .

۱۷

فرمان شاه‌صفی(۱۰۵۲ ـ ۱۰۳۸) بـرای ملك حسن و میـرزا محمد وولی‌بیگ ناتلی که تیولداران وکلانتران وکدخدایان بخلاف حق و حساب چیزی از ایشان نخواهند .

الملك‌لله

[جای مهر شاه صفی] [1]

فرمان همیون شد آنکه چون ملك حسن و میرزا محمـد و ولی‌بیگ ناتلی‌بعرض رسانیدنـد که مزرعـهٔ در سوتـه‌سرا بلوك کبـود جامه دارنـد که بموجب قبالچهٔ شرعیه ملك متصرف‌فیـه ایشان است واز عهدهٔ حقوق دیوانی‌آن از قرار دستورالعمل موافق جمع بیرون می‌آیند و تیولدار آنجا بجمـع قانونی مایل نشده زیاده‌ازمال و جهات و وجوهـات و حقـوق دیوانی طلب نمـوده بخـلاف حق و حساب مزاحمت میرسانند وکلانتران وکدخدایان بلوك مذکور اخراجات وتوجهات زیاده از رسدواقعی برمومی‌الیه حواله میدارند و این معنی ستم وخلافحساب است بنابرین مقررفرمودیم که تیولداران محل مذکور را که مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی رسد ملکی مشارالیهما باشد موافق‌جمع قانونی از قرار دستورالعمل طلب نمـوده زیاده مزاحمت نرسانند و آنچه زیاده گرفته باشند بازداده کلانتر و ارباب بلوك‌کبودجامه اخراجات رسدملکی ایشان راموافق حصه ورسد ونتیجهٔ حواله دانسته یکدینار زیاده‌نخواسته‌و

۱ـ مهر گرد بزرگ شاه‌صفی‌که سجع وسط‌آن : «هست ازجان غلام شاه صفی ۱۰۳۸» و در اطراف با خطی که دور می‌چرخد ، صلوات بر چهارده معصوم به این ترتیب : « اللهم صلی علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والعسکری والمهدی » و این صلوات از نود درجهٔ دوم نیـم دایرهٔ دست راست شروع می‌شود .

شکایت ایشان را درین باب مؤثر دانسته ازجوانب برینجمله روند بعهدهٔ بیگلربیگی استراباد که درین باب امداد حسابی بتقدیم رسانیده مجال تمرد احدی ندهند وچون پروانچه بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند.

تحریرا فی شهر ذیحجةالحرام سنه ۱۰۴۲.

۱۸

فرمان شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) برای برقراری مبلغ چهارتومان و پنجهزار دینار خراسانی سیورغال مرحوم امیر صدرالدین سماکی را برای برادر زادهٔ او، امیر امین ـ الدین حسین.

شاه طهماسب اسکنه فی فرادیس الجنان

جد بزرگوارم طاب‌ثراه

[جای مهر شاه عباس ثانی][1]

فرمان همیون شد آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام معلوم و مستفاد شد که از قرار ثبت حکم نواب‌گیتی‌ستان فردوس‌مکان ∴ که بتاریخ شهر جمادی‌الاول سنهٔ ۱۰۰۷ صادرگشته مبلغ چهارتومان وپنجهزار دینار خراسانی از بابت مالوجهات قریهٔ‌کرپان نواحی و غیره محال مزبورهٔ ضمن من اعمال دارالمؤمنین استراباد عن آنچه درزمان نواب شاه جنت‌مکان علیین‌آشیانی ∴ بسیورغال مرحوم امیرصدرالدین سماکی وغیره مقرر بود بنابرظهور استحقاق از ابتدای ایت‌ایــل بسیورغال امیــرامین‌الدین حسین

۱ــ مهر گرد شاه‌عباس ثانی، در دایرهٔ وسط : «بندهٔ شاه ولایت عباس ثانی» و درحاشیه با کلماتی که دور می‌چــرخند : « اللهم صل علی النبی والوصی والبــتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضاو التقی والنقی والحسن والمهدی ».

برادرزادهٔ او مقرر شده و در ثبت مزبور بخط مرحوم آقاعزیزالله قید است که درزمان نواب شاه جنت‌مکان ∴ براتی بوده و از بابت محال‌مزبوره‌که می‌نماید ملك مشارالیه است تنخواه میشود مقرر آنکه وکلای تیولدار بزیاده وکم رجوع نمایند وحکم بمهر نواب گیتی‌ستان فردوس‌مکان ∴ که نزد ورثهٔ امیرامین‌الدین مزبورملاحظه شد وبتاریخ شهرجمیدالثانی سنهٔ ۱۰۰۷ صادر شده شرحی‌که آقا عزیزالله در باب براتی درفردثبت نوشته دراصل حکم نیست و تتمهٔ شرح و تفصیل موافق ثبت دفتراست‌که بتاریخ مزبور صادرگشته ومبلغ مزبور ازحشوتیول خسروخان ازبابت مالوجهات‌کرپان وغیره‌موافق جمع وضعست واوارجه‌نویس سابق از بابت رسد سیورغال مزبوربعلت اینکه صاحب سیورغال فوت شده ازقرارثبت احکام که بنظررسید مبلغ نوزده تومان و یکهزار و یکصدودوازده دینارعراقی برینموجب تنخواه مواجب‌تفنگچیان نموده درتوشقان‌ئیل زمان نواب :

اسمعیــــــــــــــــل

ولد حسن‌تفنگچی‌باشی سابق‌فرامرز عن مواجب پیچی‌ئیل وتخاقوی‌ئیل ازقرار پروانچه بتاریخ ذیقعده سنه ۱۰۳۰

پنج تومان وسه هزار وهفتصد و پنجاه و دو دینار .

محمــــــــــــــــد

ولد حسین بشرح ایضاً

پنج تومان وچهارهزارودویست‌وهفتادو هفت‌دینار.

حــــــــــــــــن

ولد ابراهیم تفنگچی شهمرزادی بشرح ایضاً

پنج تومان و سه هزار و چهار صد و دوازده دینار .

بهمــــــــــــــــن

ولد افراسیاب تفنگچی‌باشی دودامیری عن‌مواجب‌پیچی‌ئیل‌وتخاقوی‌ئیل ازقرار پروانچه‌بتاریخ رجب ۱۰۳۱

سیزده هزارو نودوهشت دینار .

شاهنظــــــــــــــــــــر

وغیره غلامـان قوشچی‌باشی‌امام قلی آقا

عن‌مواجب تخاقوی‌ئیل ازقرار پروانچه

بتـاریخ شهـر رجـب ۱۰۳۱

نه تومان و پنجهزار دینار .

حیات صاحب سیورغال بعلت تفاوت عمل رقبه‌الی براتی ازبابت محال مزبوره چیزی ضبط و حواله نموده باشد و رقم بمهر نواب‌گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی ؞ درجواب فصول که استحقاق ورثهٔ مزبوره و سایر جماعت ارباب سیورغال استراباد عرض و مقرر شده که امضا داده شود نزد ورثهٔ مزبورملاحظه شدورثهٔ مزبوراستدعای امضای همیون ماو سیادت و صدارت پناه هدایت و نجابت دستگاه حقایق و معارف‌آگاه عالیجاه علامی فهامی‌اسلامیان ملاذی وجیها للسیادة والصدارة والنجابة میرزا محمدمهدی‌صدرممالك محروسه بنا برظهور استحقاق ورثهٔ مزبوره تجویز نموده‌که از تاریخی‌که امضا صادر نشده در وجه ورثهٔ مزبوره مقرر شود بنا برشفقت شاهانه دربارهٔ ورثهٔ مشارالیه چون حواله‌کـه برسیورغـال مزبور نموده‌اند جهت تشخیص وارث بوده واز دفتربشرح‌فوق تصدیق نموده‌اندکه سیورغال مزبور در زمان شاه جنت‌مکانی علیین‌آشیانی ؞ بلاتعیین محل براتی بوده و در زمان نواب گیتی‌ستانی مرحوم‌آقاعزیزالله از بابت کرپان‌وغیره باسم محل‌تعیین وازحشوتیول حکام استراباد باسم محال وضع نموده‌اند وبنظر نمی‌رسد که درایام حیات صاحبان سیورغال بعلت تفاوت عمل رقبـه الی براتی از بابت محال مزبوره چیزی‌حواله نموده‌باشند وبعدازفوت اومبلغی جهت تشخیص ورثه حواله‌شده‌و از کیفیت دفتـر و رقمی‌کـه درجـواب فصول مزبـور صادر شده خـلاف استمـرار سیورغال مزبور و صدور حکمی بنقیض آن ظاهر نمیشود بدستوراز تاریخی‌که امضا

صادر نشده الی توشقان‌ئیل ۱۰۲۴ بمبلغ چهـارتومان وپنجهزار دینار تبریـزی واز توشقان‌ئیل که رسد مالیهٔ رمضان بتخفیف مقررشده بعدازوضع رسد رمضان مبلغ چهار تومان و یکهزار ودویست وپنجاه دینارحسب‌المسطور ازبابت‌کرپان وغیره بسیورغال ورثهٔ مرحوم مزبور شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم‌کدخدایان ورعایای محال مزبورهٔ ضمن مشارالیهم را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال وجه سیورغال‌ورثهٔ مزبور را بلاقصور و انکسار واصل سازند وکلاء حکام تیولـداران وعمال وکلانتران دارالمؤمنین مزبور حسب‌المسطور مقرر دانسته مدخل در رسد سیورغال ورثهٔ مزبوره ننمائید و چون از حشونتیجهٔ تیولدار کل موضوع و مستثنی است بعلت اخـراجات و عوارضات مملکتی از علفه وعلوفه وساوری وپیشکش وسلامانه و عیـدی ونوروزی و دست‌انداز وسایرتکالیف دیوانی بهراسم و رسم‌که بوده باشداطلاق وحوالتی ننمایندو قلم و قدم کوتاه وکشیده دارند و بهمه‌جهتی مرفوع‌القلم دانند مستوفیان عظام رقم‌این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده ازشائبهٔ تغییروتبدیل مصون ومحروس شناسندمقرر آنکه مبلغی‌کـه برین‌موجب حوالـه شده چهل‌وچهار تومـان وهفت‌هـزار هشتصد و پانزده دینار

عن‌آنچه از قرار ثبت احکام که ملاحظه شده اوارجه‌نـویس سابق حوالـه نموده بود بموجب فوق نوزده تومان ویك هزارو صـد و سیزده دینار

عن آنچه بعد از حوالهٔاوارجه‌نویس‌سابق‌بجهت تشخیص وجود وعدم ورثه حواله شده بموجب فوق بیست‌وپنج‌تومان وشش‌هزار وهفتصد و سی‌دینار

وورثه نمودندکه ازمحل‌ستانده‌اند عوض ازدیوان‌بصاحب سیورغال و براتدار بدهند و رعایاء محـال سیورغال وجه حوالهٔ مزبـور را از بابت سنواتی‌که حواله شده موافق

برآوردعمل تیولداری که هرگاه سیورغال ضبط شود ازآن قرار بازیافت میشود حساب نموده بعلت تفاوت برآورد مزبورالی عمل سیورغال که موافق عمل زمان شاه جنت مکان ∴ معمولست از بابت سنواتی کـه حواله نشده چیزی از طلب صاحبان سیورغال موقوف ندارند درین باب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند .

تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۶۹ .

۱۹

فرمـان شاه عباس ثـانی (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲) برای ورثهٔ مرحوم میر محمدباقر طالبان که طبق اسنادی که در دست دارند از سال جلوسش مبلغ شش هزاروچهارصدو شانزده دینارو چهاردانگ خراسانی به سیورغال ایشان داده شود.

شاه طهماسب نورالله مرقده

جد بزرگوارم طاب ثـراه [جای مهر شاه عباس ثانی][1]

شاه باباام انارالله برهانه

فرمان همیون شد آنکه چون درینولا سیادت پناه میرابوجعفر وسایر ورثهٔ مرحـوم مغفور میر محمدباقر طالبان اصل حکم بمهر نواب گیتی ستان فردوس مکانی ∴ که بتاریخ شهر رمضان المبارك سنهٔ ۱۰۳۶ ثبتی[2] عز اصدار یافته و مبلغ هفتهزار دینار خراسانی بابت مالوجهات مزرعهٔ نارمك من اعمال دارالمؤمنین استراباد ازجمله آنچه درزمان شاه جنت مکان ∴ علیین آشیانی بسیورغال اولاد شیخ مؤمن مقرر بوده و درزمان نواب

۱ــ مهر گرد شاه عباس ثانی با کلاهکی دندانه دار. سجع مهر دردایرهٔ وسط: «بندهٔ شاه ولایت عباسی ثانی» ودر کلاهك مهر: «سبحان الله مالك الملك» دراطراف سجع باخطی که دورمی چرخد: «صلوات برچهارده معصوم» . ۲ــ دردرست خواندن این کلمه شك داریم .

گیتی‌ستان فردوس مکانی .·. مقطوع شده بسیورغال اولاد امجاد امیرمحمدباقر طالبان استرابادی مقرر شده بوده و برحاشیهٔ پروانچهٔ مـزبور که بمهر مبـارك نواب خاقان رضوان مکانی .·. رسیده نوشته شده‌که از تاریخ فوت مرحوم میرمحمدباقرطالبان در وجه اولاد بدستورمتن مقررفرموديم مستوفيان عظام در دفاترخلود ثبت نموده ازنتيجهٔ اخراجات حكمى و غيرحكمى من‌جميع‌الوجـوه موضوع و مستثنى دانند عمال جزو دارالمؤمنين استراباد درجزو ازنتيجهٔ اخراجات موضوع ومستثنى دانسته بهيچ‌وجه‌من‌الوجوه از زر تفنگچى و غيره رسد بمحل سيورغال اولاد مزبـور نرسانند ابراز و استدعاء امضاء اشرف باسم خودنمودند ومستوفيان عظام تصديق نمودندكه مبلغ‌مزبور بعد ازوضع رسدرمضان‌المبارك بمبلغ شش‌هزار وچهارصدوشانزده دينار وچهاردانگ بسيورغال اولاد مذكور مستمر است و شرح حاشيهٔ پروانچـه بـه ثبت دفتر نرسيده و سيادت و صدارت‌پنـاه هدايت ونجابت دستگاه حقايق و معارف‌آگاه عـلامى فهّامـى اسلام واسلاميان ملاذى وجيهاً للسيادة والصدارة والهداية والنجابة ميرزامحمدمهدى صدرممالك محروسه تجويز نموده‌كه از تاريخ جلوس ميمنت مأنوس سيورغال مزبور بدستور در وجه اولاد مرحوم‌ميرمحمدباقرمذكور مقرر شود بنابرين مبلغ شش‌هزارو چهارصد و شانزده دينار وچهاردانگ خراسانى مزبور را حسب‌الضمن ازتاريخ‌جلوس ميمنت مأنوس بسيورغال اولاد مرحوم مزبور شفقت و مرحمت فرموده ارزانى داشتيم رعاياء مزرعهٔ مزبوره‌اولادمرحوم‌مزبور را صاحب‌سيورغال مبلغ‌مزبوردانسته‌سال‌بسال مالوحقوق ديوانى خود را بموجبى كه در ظهر مشخـص شده واصـل ساخته چـيزى موقوف ندارند حكام و تيولداران و داروغگان و كلانتر و عمال و مباشران مهمـات ديوانى دارالمؤمنين مذكور مدخل در محل سيورغال اولاد مزبور نكـرده پيرامون نگردند و بعلت اخراجات و عوارضات و استصوابيات ديوانى خصوصاً علفه و علوفه و قنلقا و الام و الاغ و بيگار و شكار و طرح و دست‌انداز و عيدى و نـوروزى و ساير

تکالیف دیوانی بهر اسم ورسم که ازدیوان حاکم حواله شود واطلاقات مملکتی خلاف حکم اطلاق و حوالتی ننموده قلم و قدم کوتاه وکشیده دارند و نوعی نمایندکه رعایاو مزارعان مزرعهٔ مزبوره بفراغبال بزراعت و عمارت و درویشی خود مشغول بوده دعای خیر جهت نواب همیون ما حاصل نمایند مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و بمضمون شرح حاشیه که بمهرمبارك نواب خاقان رضوان مکان ∴ رسیده از نتیجهٔ اخراجات حکمی و غیرحکمی من جمیع الوجوه موضوع و مستثنی دانند عمال جزو استراباد در جزو از نتیجهٔ اخراجات موضوع دانسته بهیچ وجه من الوجوه اززرتفنگچی و غیره رسد بمحل سیورغال اولاد مذکور نرسانند درین باب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف رسد اعتماد نمایند .

تحریرا محرم الحرام سنه ۱۰۷۱ .

۲۰

سواد فرمان شاه عباس ثانی (۱۰۷۷-۱۰۵۲) که در آن ارباب حرفت و صناعت استراباد را از اخراجات حکمی و غیرحکمی و اتفاقی و غیراتفاقی واستصوابی وسایرعوارضات ومطالبات معاف ومسلم و جزء ترخان و مرفوع القلم دانسته است .

[جای مهر ثانی شاه عباس ثانی]

فرمان همیون شد چون بعنایت داورجهان دار وعاطفت حضرت نورالانوار جل شان قدسه که کریمهٔ الله نور السموات والارض که کنایه ازرواق عظمت وعظیمهٔ مثل نوره کمشکوه شمهٔ ازپیشطاق صمدیت اوست پرتو خورشید آیت طلعت عظمی و سلطنت کبری مصداق فیها مصباح المصباح ظلمت نشینان ظلم را صباح روح و ارتیاح و فروغ چراغ دولت خداداد وملکت ابد بنیاد و بمنطوق فی زجاجة الزجاجة تاریك نشینان جور و جفا را

شمع شبستان نجات و نجاح است درهر دیارکه بکردارکأنها کوکب درّی کوکبهٔ عدل و احسان نمایان و باطـوار یوقدمن شجرة مبارکة آن شعلهٔ ایمن امن و امان تابان گشته هایمان بیدای وحشت و تایهان فضای حیرت راید و بیضای مرحمت وعطای نورعمرانی و غولان راه راحت و رهزنان کوی استراحت تیغ عدوفکار ظلم‌شکار ثعبانی کرده بقوّت قاهرهٔ قاآنی وسطوت باهرهٔ سلطانی بنحوی بیخ جوروبیداد بر بادوداد عدل‌وداد داده‌ایم که الحمدلله کشور معمور نمونهٔ التی لم‌یخلق مثلها فی‌البلاد گردیده بیاری دادارجهان ممالك‌فصیح‌المسالك‌ایران‌مرکزدایرهٔ‌مرادونشانهٔ بلدة طیبة وربّ غفوراست ودراینوقت که اشهب سبك‌خـرام عزیمت و سمند خوش‌لگام نهمت به پرتو نعل قمرنژاد ساحت دارالمؤمنین استراباد رازینت خلدبرین داده و ساکنان آن بقعهٔ بهشت‌آئین ومتوطنان آن روضهٔ ارم تزئین که بادای صدق انتمای و کانواشیعاً کلّ حـزب بمالدیهم فرحون درتشیع‌وولای‌اهل‌بیت نبوت و امامت و بنیان‌حقیقت بینان مخلصین‌له‌الدین حنفاء در اخلاص وتولاء این‌خانهوادهٔ ولایت‌وکرامت‌گوی سبقت و استقامت از سکنهٔ سایربلاد ربوده‌اندبدانجهت‌پیوسته‌درظلال مراحم‌آبا واجداد جنت‌مهاد نواب کامیاب همیون ما غنوده مشمول عواطف‌بلیغ ومورد عوارف بی‌دریغ بوده‌اند سعـادت خدمت والا بتثلیم رکاب‌گردون‌سا یافته بنابرلوازم پاسبانی وشرایط شبانی بعد از تفحص احوال آن قوم فرخنده فال وظهورمبتدعات حکام سابق آن دیارکه حکام‌این ایام میمنت فرجام نیزاز رهگذار استمرار تتبع‌آن اطوار مینموده‌اند و ملاحظهٔ احکام سلاطین جنت‌مکین‌این دودمان ولایت‌نشان عرق حمیت شاهی و آتش سطوت‌پادشاهی‌هایج ولامع وانوارعنایت بیغایت و مرحمت بی‌نهایت بران جمع پاك اعتقاد نیکو نهـاد ساطع گشته برینموجب درباب احکام معافی اصناف ومحترفهٔ مذکوره ضمن‌آنولایت وبحکم

---

۱ معافی‌مالوجهات ووجوهات ومتوجهات‌اصناف ومحترفهٔ‌مذکوره‌ازاهل بازار ودکاکین‌و

غیرذلك بلــده و بلوكات دارالمؤمنین مزبوره‌که حسب‌الحکم نواب جنت مکان علیّین آشیانی بتاریخ سنهٔ ۹۶۱ از ابتــداء بارس‌ئیل وامضاء نواب‌سکندرنشانی بتاریخ شهر رمضان المبارك یونت‌ئیل سنهٔ ۹۹۰ وحکم نواب‌گیتی‌ستان فردوس‌مکان و امضاء نواب خاقان‌رضوان‌مکانی بتاریخ شهرصفرسنهٔ۱۰۴۵که‌بتاریخ‌شهرربیع‌الاول‌سنهٔ۱۰۵۷ بامضاء نواب‌کامیاب همیون مقرون‌گشته بمعافی ایشان مقرر شده مقرر آنکه ارباب حرفت و صناعت مزبوره را معاف و مسلم و جزو ترخان ومرفوع‌القلم دانسته هیچ‌آفریده‌بعلت مالوجهات و اخراجات دیوانی از ایشان طلب و توقعی ننمایند حکام و تیولداران و وزرا و عمال کل و جزو وکـدخدایان بلدةالمؤمنین مـزبوره و توابع مالوجهات و وجوهات و متوجهات اصناف را از جمع نتیجهٔ ولایت مسفوره موضوع دانسته اصلاً بعلت‌اخراجات حکمی وغیرحکمی واتفاقی وغیراتفاقی‌و استصوابی وسایر عوارضات‌و مطالبات‌سوای احداث بهر اسم ورسم‌که بوده باشد خصوصاً رسم‌الوزاره وحق‌الوکاله و حق‌الانشا و حق‌الاوارجه وساوری وپیش‌کش و رسوم داروغگی وکلانتری جزو وکل‌و حق‌النقابة و حق الاحتساب‌و دوشلك وزیر و وکیل ومستوفی و زرقلعه وباره‌و بیگارو شیکار و خـانه‌سازی و مهمانی و طرح پنبه و ابریشم ومنکسر فلوس و شاهی و غیرــ ذلك و علفه و علوفه و توجیه و مـددخرج وقابضانه وناظرانه و زرکوچه و میرشب و عسس و چهـارده‌یکی‌کـه ارباب ولایت بـر محترفهٔ شهر و بلوکات رسد میرسانند و زر دوران سك و مشعلدار و غیره عن‌بلده و بلوکات و نواحی‌طلب و توقعی ننمایند و جماعت مزبوره را معاف و مسلم دانسته یکدینار و یکمن بار حواله و اطلاق ننموده مالوجهات ووجوهات اصناف‌ومتحرفهٔ بلده وبلوکات‌آنجارا ازجمع دفتراخراج نمایند

که بموجب‌حکم مذکور فوق زمان نواب اسکندرشان درباب رعایا و بلده و بلوکات مقررگشته مقرر آنکه بعلت ترخانه و رسوم میرشبی و راهـداری‌که عبارت از سرانهٔ

مترددین و الاغی‌که گندم وروغن و اجناس ومیوه‌بـار داشته باشد و ابـواب مجموع مذکورات بموجب فـرمان نواب‌جنت‌مکان مسدود است طلبی‌ننمایند و بصرفه‌وصلاح مردم و رعایاء آنجا فلوس مسکوك‌نساخته مادام‌که ایشانرا ضرورت و احتیاج نشود و استدعاءآن‌نکنند بعمل نیاورند عملهٔ دارالضرب حسب‌المسطور مقرر دانسته تخلف ننمایند و داروغهٔ‌که در شهر تعیین میشود جهت اقامت سه روزهٔ او زیاده از پنجهزار دینارکه هر ساله یکدفعه معمول بوده طلب نکنند و بعلت عیدی و نوروزی در شهرو ولایت از رعایا مطالبه ننمایند و ملازمان بیگلربیگی و داروغه بعلت چاقرانه[1] که عبارت از طلبانه باشد و شلتاق الاغ‌گیری توقعی نکنند و از رعایاء روغن‌خانه بعلت جریمهٔ روغنگری‌که در زمان حکومت محمد خلیفه ذوالقدر روغن کم فروخته بوده چیزی بازیافت ننمایند

| که دراینوقت‌که باستراباد نزول اجلال واقع‌شد از ابتدای‌یونت‌ئیل در باب‌سایرامور بسکنه و متوطنین آنجا برطبق عرض ایشان شفقت و مرحمت فرموده مقرر داشته‌ایم چون رعایا بعرض رسانیدندکه درزمان نواب جنت‌مکانی‌که سفر قندهار روی داده و داروغگان بلوکات را بسفر مقرر نموده بوده‌اند رعـایا در هر محـل وجه احداث را با داروغه بمبلغی مقطع و بتوجیه مهمسازی او نموده روانهٔ سفر مذکورکرده‌اند وبعد ازآن حکام مقطع مزبور را داخل نسخهٔ مـداخل خود نموده برعایـا حوالـه داشته میگرفته‌اند و داروغه نیز درهر بلوك تعیین‌کرده پرسش‌احداث مینموده‌اند واین‌معنی الی الآن استمرار یافته بنابرین مقررفرمودیم‌که بیگلربیگـی استراباد اخذ مقطعی مزبور را موقوف و برطرف دانسته بدانعلت عوض ازدیوان‌اعلی طلب‌ننمایند وهرسال بدستوری‌که مقرربوده داروغگان‌تعیین نمایندکه درحضورکلانتر وکدخدایان‌وامنای

۱ ــ بالای این‌کلمه، حروف دیگری به شکل «غرا» باخطی ریزتر نوشته شده است.

هرمحل پرسش احداث نموده بعد از اثبات گناه جریمهٔ فراخور جرم وقدر استطاعت مجرم بازیافت کنند وسررشتهٔ منقح بمهر جماعت مسفوره بران نگاه داشته درآخر سال اگرحاصل احداث موافق وجه مقطعی مذکور شده باشد فبها والا بعلت کسر آن ازرعایا طلبی ننمایند واگر زیاده از وجه مقطعی بعمل آمده باشد وجه زیاده را بسال آینده حساب نموده در محلی داروغهٔ متعدد تعیین ننمایند و معروض داشتندکه بجهة آنکه اکثر رعایاء غریبه ازمحلی بمحلی رفته ساکن میشوند و اخراجاتکه واقع شود در هر محل که باشند هرکسی ازعهدهٔ رسد خودبیرون آید ودرهرچندسال یکمرتبه برضای ارباب ورعایا در بلوکات سرشمار مینمودهاند و در زمان مرحومین فریدونخان و خسروخان که سرشمار میکردهاند بقرار نفری یکصد دینار بعلت سرانه میگرفتهاند و درین ایام...[1] که داخل طومارسرشمارمینمایند بقرارنفری چهارصد دینار وازغریبه آنچه داخل طومار نمیکنند نفری یکهزار و چهارصد دینار بازیافت مینمایند مقرر داشتیم که در هر چند سال یکمرتبه برضای ارباب و رعایا موافق معمول قدیم سرشمار نموده و در وقت سرشمارکردن بقرار نفری یکصد دینارگرفته زیاده طلب و توقعی ننمایند وعرض نمودندکه قراسورن که جهة احشامات تعیینمیشود بهبلوکات نیز رفته در هر محل مبلغی از رعایا میگیرند مقرر شدکهمنبعد قراسورنمذکور دراحشامات دخیل بوده به بلوکات دخل ننمایند و عرضه داشتندکه در هرمحل ازبلوکات اسب و گاو بیصاحب که بهمرسد ارباب وکدخدایان بسرکاربیگلربیگی میسپارند اگرصاحب پیدا شود دو دانگهگرفته بصاحب مال تسلیم مینمایند والا بجهة خود ضبط میکنند و الحال بیگلربیگی علیحده شخصی جهة ضبط آن در هر محل تعیین نموده خواددر آن محل اسب و گاویرا صاحب باشد و خواه نباشد مبلغی ازرعایا میگیرد بناءً علیه مقرر نمودیم که مطلقاً جهة امرمزبورکس تعیین ننموده مزاحم احوال رعایا نشوند و

۱ــ یک کلمه محوشده وخوانده نمیشود .

معروض شدکه احشامات غریبه در ملك اربابی سکنی نموده مانع بزراعت میشوند و حیوانات ایشان خرابی بزراعت میرسانند حکم فرمودیم که آنجماعت بدون رضای ملاك در محل ملکی احدی نزول ننمایند بعهدهٔ بیگلربیگی دارالمؤمنین مزبورکه نگذارد احدی بی‌اذن‌مالك درمحل ملکی ارباب نزول نماید اگر نزول نموده‌خسارت رسانند او راکوچانیده غرامت خرابی ونقصانی‌که رسانیده باشد گرفته بصاحب ملك عاید سازد لهم‌مایشاؤن فیها ولدینا مزید در باب سایر امور بسکنه‌و متوطنین آندیار حکم خاقانی از ممکن‌الطاف صاحبقرانی شفقت و مرحمت فرمودیم مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطایا را در دفاتر خلود ثبت نموده از شوایب تغییروتبدیل مصون و محروس شناسند ایالت و جلالت‌پناه ابهت و شوکت دستگاه عالیجاه امیر-الامرائی قواماً للایالة والشوکة والاقبال جعفرقلیخان بیگلربیگی دارالمؤمنین‌مزبوره از مضامین مسطوره تخلف و تخطی‌ننموده بموجبی‌که در هر باب مقررفرموده‌ایم بعمل آورد و اگر ظاهر گرددکه یکدینار ازآن ایالت و شوکت‌پناه برعایا زیادتی و خلافی بی‌واقع شده و از مضامین مسفوره تجاوز نموده باشد مورد غضب پادشاهی‌که نمونهٔ سخط الهی است‌گشته او را سیاستی فرمائیم‌که عبرت. . . . .[1] و حکام و بیگلربیگیان که بعد از عالیجاه مشارالیه درانولایت تعیین شوند حسب-المسطور عمل نموده ازبازخواست عظیم اندیشه نمایند درین‌باب قدغن‌دانسته‌هرساله حکم مجدد طلب ندارند و درعهده شناسند و چون پروانچه بتوقیع رفیع وقیع منیع اشرف اقدس ارفع همیون اعلی‌مزّین و محلّی‌گردد اعتبار و اعتماد نمایند.

تحریرا فی شهر محرم‌الحرام سنه سبع وسبعین والف.[2]

۱ــ در حدودشش‌کلمه محو شده و قابل خواندن نیست. ۲ــ شاه‌عباس دوم در نزدیك دامغان در ۲۶ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۷۷ فوت شده است. این فرمان در ماههای آخر سلطنت او نوشته شده است، زیرا شاه سلیمان‌اول(صفی دوم)درسوم‌ربیع‌الثانی ۱۰۷۷ه. ق. به تخت‌سلطنت نشسته است.

۲۱

فرمان شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷-۱۰۵۲) برای برقراری سی تومان تبریزی‌در وجه همه سالهٔ میرابوجعفر ولدمرحوم میرمحمد-باقر طالبان.

[جای مهر شاه‌عباس ثانی][1]

فرمان همیون شد آنکه چون ازبدو ظهور فوایدکرم‌الهی وآغاز وفورنعم نامتناهی بحکم ولینفق ذوسعة من سعته در ادیم زمین و بساط بسیط ارضین خوان‌یغما نهاده و صلای عام داده‌ایم وهمگی ارباب نیاز وگرسنه چشمان آز ازتاب‌آفتاب تعب ذلک باتّهم لایصیبهم ظمأ ولانصب بظل شادروان رأفت وآستان این خاندان ولایت‌نشان شتافته و از برکات انتشار مواهب بیکران هرکس فراخور نصیب نصاب عنایت و احسان یافته المنة بیمن اشاعهٔ اطوار جود وکرم و اذاعهٔ آثار ایادی ونعم روزگار نمونهٔ جنّات‌النعیم و جهان مصدوقهٔ لهم‌فیها نعیم مقیم گشته ودرین اوان‌سعادت‌اقتران که چترآسمان‌سای ابهت و رایت فیروزی‌آیت عظمت پیرایه سایهٔ همای آسا بساکنان ولایت استراباد و متوطّنان آن بقعهٔ صلاح ورشاد بخشید سادات سامی مکان که بکریمهٔ قل لااسألکم‌علیه اجراً الا المودّة فی‌القربی سمت اعزاز واصحاب‌علم‌و ایمان‌که بعزیمهٔ یرفع‌الله‌الذین‌آمنوا‌والذین اوتوا العلم‌درجات‌نسبت‌امتیازدارندازروی صدق واخلاص سعادت خدمت‌کیمیا خواص وشرف تقبیل آستان‌گردون مناص یافته هرکدام درخورمرتبه ومقام بهره‌مند انعام تمام وانجاح مقاصد ومرام‌گشتند ازآنجمله سیادت و هدایت پناه نقابت و کمالات دستگاه نتیجة‌السادات والفضلاء‌العظام قواماً

---

[1] ۱ــ مهر گرد شاه‌عباس‌ثانی باکلاهکی دندانه‌دار. سجع مهر دردایرهٔ وسط: «بندهٔ‌شاه ولایت‌عباس‌ثانی» و دراطراف سجع باخطی‌که دورمی‌چرخد: «صلوات برچهارده‌معصوم» ودر کلاهک‌مهر: «سبحان‌الله مالک‌الملک».

للسّیادة والنجابة میرابوجعفرولد مرحوم میرمحمدباقرطالبان رامشمول عنایت شاهانه فرموده‌از ابتداء یونت ئیل مبلغ سی‌تومـان تبریزی از بابت مالوجهات محال رعیّتی دارالمؤمنین استراباد عوض‌آنچه ازبابت موقوفات سرکارحضرات‌عالیات سدره مرتبات در وجه او مقرّر بوده بتغییر تیول و همه سالهٔ بیگلربیگی آنجا در وجه وظیفهٔ همه سالهٔ مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم ایالت و شوکت‌پنـاه حشمت و جلالت‌دستگاه عالیجـاه امیرالامرایی‌قواماً للایالـة والشوکـة والاقبال جعفرقلیخان بیگلربیگی‌آنجا حسب‌المسطور مقرّردانسته سال بسال وجه مزبور را نقداً بلاقصورو کسور اگر ممکن باشد بالتّمام در اوّل هرسال والّا نصف در ششمـاههٔ اوّل ونصف در ششماههٔ ثانی واصل ساخته موقوف ندارد و قبض باز یافت و نوعی نماید که مومی‌الیه جهت وصول آن تعب نکشد وعوض آنرا ازبابت‌وجوه چوپان‌بیگی سبزوار واسفراین که بضبط آنعالیجاه مقرّر است متصرّف گردد و چون مشارالیه متوفی شود اگـر او را وارثی باشد که استحقاق اخذ وظیفهٔ مسفوره داشته باشد عرض نمایدکه بوارث او والّا بشخص دیگرکه بصفت‌صلاح واستحقاق متّصف بوده باشد شفقت شود دیوانیان عظام‌و صدور کرام وجه مذکور را خود بدون عرض اشرف داد وستد ننمایند مستوفیان عظام رقم این عطیّه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و از تاریخ مزبور سال بسال عوض وجه مذکوررا از بابت‌وجوه چوپان‌بیگی سبزواروواسفراین‌بخرج‌وجوه ضبطی‌عالیجاه مومی‌الیه‌مجری نمایندحکام‌وبیگلربیگیان که بعداز عالیجاه مشارالیه در دارالمؤمنین مزبوره تعیین شوند حسب‌المسطور مقرّر دانسته بعمل آورند درین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدّد طلب ندارند و چون پروانچه بمهر مهرآثار اشرف رسد اعتبار واعتماد نمایند.

تحریرا فی‌شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۰۷۷.

۲۲

فرمان شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) برای برقــراری دوازده تومان تبریزی به عنوان وجه وظیفهٔ همه سالهٔ سیدمحمد از ابتدای یونت ئیل .

[جای مهر شاه‌عباس ثانی][1]

فرمان همیون شد آنکه چون از بدوظهور فوایدکرم الهی وآغاز وفور نعم نامتناهی بحکم ولینفق ذوسعةٍ من سعته در ادیم زمین و بساط وبسیط ارضین خوان‌یغما نهاده‌و صلای عام داده‌ایم و همگی ارباب نیاز و گرسنه چشمان آز از تاب آفتاب تعب ذلك بانّهم لایصیبهم ظمأ ولانصب بظلّ شادروان رأفت وآستان این خاندان ولایت‌نشان شتافته و ازبرکات انتشار مواهب بیکران هرکس فراخورنصیب نصاب عنایت واحسان یافته المنّة بیمن اشاعهٔ اطوارجودوکرم واذاعهٔ‌آثار ایادی ونعم روزگارنمونهٔ جنات‌ـ النعیم و جهان مصدوقهٔ لهم فیها نعیم مقیم‌گشته و دربن اوان سعادت اقتران کــه چتر آسمان‌سای ابهّت ورایت فیروزی آیت‌عظمت پیرایه سایهٔ همای‌آسا بساکنان ولایت استراباد ومتوطّنان‌آن بقعهٔ صلاح ورشاد بخشید سادات سامی‌مکان‌کــه بکریمــهٔ قل لااسألکم علیه اجراً الا المودّة فی القربی سمت اعزازواصحاب علم و ایمان‌که بعزیمهٔ یرفع الله الذّین آمنوا منکم والذین اوتواالعلم درجاتٍ نسبت امتــیاز دارند از روی صدق‌واخلاص‌سعادت خدمت‌کیمیا خواص وشرف تقبــیل آستان‌گردون منــاص یافته هرکدام درخورمرتبه ومقام بهره‌مندانعام‌تمام‌وانجاح مقاصدومرام‌گشتندازآنجمله‌شمهٔ از مراحم بیکران شاهانه وشرذمهٔ ازمکارم بی‌پایان پادشاهانه شامل‌حال سیادت ونقابت پناه فضایل وکمالات دستگاه نتیجةالسادات والعلماء صدراً للسّیادة محمّدا فرموده از

۱ـ مهرشاه‌عباس ثانی با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۲۱ یادکردیم .

ابتداء یونت‌ئیل مبلغ‌دوازده تومان‌تبریزی از بابت‌مالوجهات محال‌رعیّتی‌دارالمؤمنین استرابادبتغییر تیول وهمه سالهٔ بیگلربیگی آنجا در وجه وظیفهٔ همه‌سالهٔ مشارالیه شفقت‌ومرحمت‌فرموده ارزانی داشتیم‌ایالت وشوکت‌پناه‌حشمت‌وجلالت‌دستگاه‌عالیجاه امیرالامرایبی قواماً للایالة والشّوکة والاقبال جعفرقلیخان بیگلربیگی‌آنجا حسب‌ـ المسطور مقرر دانسته سال‌بسال وجه مزبوررا نقداً بلاقصور وکسوراگر ممکـن باشد بالتّمام در اوّل هرسال والّا نصف درششماههٔ اوّل و نصف در ششماههٔ ثانی واصل‌ساخته موقوف ندارد و قبـض باز یافت و نوعی نماید که مـومی‌الیه جهـة وصول آن تعب نکشد و عـوض آنـرا از بـابت وجـوه چـوپـان‌بیگـی سبـزوار و اسفـرایـن که بضبط آن‌عالیجاه مقرّر است متصرف‌گردد و چون مشارالیه متوفی شود اگر او را وارثی‌باشدکه استحقاق اخذ وظیفه مسفوره داشته باشد عرض نمایدکه بوارث او والّا بشخص دیگر کـه بصفت صلاح و استحقاق متّصف بوده باشد شفقت شود دیوانیـان عظام و صدورکرام وجه مزبور را خود بدون عرض اشرف دادوستد ننمایند مستوفیان عظام رقم این عطیّه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شائبهٔ تغییر و تبـدیل مصون و محروس شناسند واز تاریخ مزبورسال‌بسال عوض‌وجه مذکور را ازبابت وجوه‌چوپان‌ـ بیگی سبزوار واسفراین بخرج وجوه ضبطی عالیجاه مشارالیه مجری نمایند حکّام و بیگلربیگیان که بعـد از عالیجاه مشارالیـه در دارالمؤمنین مسفوره تعیین شونـد حسب‌المسطور مقرّر دانسته بعمل آورند درین‌باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدّد طلب ندارند وچون پروانچه بمهر مهرآثار اشرف رسد اعتبار واعتماد نمایند .

تحریرا فی‌شهر...[۱] سنه ۱۰۷۷ .

۱ـ نام‌ماه دراصل فرمان محوشده است وظاهراً بایـد ماه «صفر» یا «ربیع‌الاول» باشد زیرا فرمان پیش نیز از شاه‌عباس ثانی و مورخ ماه محرم ۱۰۷۷ است و این سلطان در سوم ربیع‌الثانی ۱۰۷۷ برتخت نبوده است .

۲۳

سوادفرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم)، (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷) برای درویش‌الله‌داد و درویش حسین‌رقاب که خدمهٔ امامزاده عبدالله درخواسته‌رود هستند که ایشان را از اخراجات و تکالیف ممنوعه وعوارضات، مرفوع‌القلم بدانند.

الملک‌لله

امامزاده عبدالله علیه ولآبائه السلام والتحیّة

[جای مهر شاه‌سلیمان اول][1]

فرمان‌همیون‌شد آنکه‌چون درینولا درویش الله‌داد واولاد درویش‌حسین‌واولاد رقاب بعرض‌رسانیدند که ازجملهٔ خدمهٔ آستانهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم ∴ واقعهٔ در قریهٔ خواسته‌رود من اعمال‌استراباد و داروغه‌ومستأجران‌ولایت‌مزبور وکدخدایان‌قریهٔ‌مزبور بعلت بیگاروشکار و خانه‌شمار و طرح ودست‌انداز و سایراخراجات ممنوعه مزاحمت بحال جماعت مزبور میرسانند بنابراین مقررفرمودیم‌که احدی ازداروغه وغیره بعلت بیگاروشکار و طرح و دست‌انداز وسایرتکالیف ممنوعه بهر اسم و رسم‌که بوده باشد و سرشمار و خانه‌شمار و غیره عوارضات طلبی از ایشان ننمایند بعهدهٔ وکلاء عالیجاه بیگلربیگی استرابادکه امداد حسابی خدمهٔ آستانهٔ مزبور بتقدیم رسانند و نگذارند که ازاحدی ستمی برایشان‌واقع‌شوددراین باب‌قدغن دانسته‌هرساله حکم‌مجددنطلبند.

[تحریرافی] شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۰۷۷.[2]

۱ـ مهر گرد شاه سلیمان در دایرهٔ وسط سجع مهر: «بندهٔ شاه دین سلیمان است» و اطراف آن با خطی که دور می‌چرخد: «اللهم صل علی النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والحسن والمهدی».

۲ـ شاه سلیمان اول درسوم ربیع‌الثانی ۱۰۷۷هـ. ق. برتخت نشست.

۲۴

سواد فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم) ،(۱۱۰۵-۱۰۷۷) برای اولاد درویش‌حسین و اولاد درویش‌الله‌داد رقاب، خدمهٔ آستانهٔ امامزاده‌عبدالله که‌از ایشان خلاف‌حکم وحساب‌چیزی‌نخواهندو اراضی و نیم سنگ آب وقف آستانه را به ایشان واگذارند .

الملک‌لله

امامزاده عبدالله علیه ولآبائه‌التحیّة‌والسلام

شاه باباام انارالله‌برهانه

[جای مهرشاه سلیمان اول]

فرمان همیون شد آنکه چون درینولا اولاد درویش حسین و اولاد درویش الله‌داد رقاب بدرگاه معلی‌آمده پروانچهٔ نواب خاقان خلد آشیان صاحبقرانی ماضی :. که بتاریخ شهر صفر سنهٔ ۱۰۷۷ عزّ صدور یافته بود خلاصه مضمون آنکه چون درویش حسین‌ودرویش الله‌داد رقاب واولاد بدیوان‌آمده بعرض رسانیدندکه بدستور قدیم بامر خدمت وجاروبکشی آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم :. واقعه درقریهٔ خواسته‌رود دارالمؤمنین استراباد قیام واقدام مینمایند وعمال و داروغگان‌و کدخدایان‌آنولایت در جزو مطالبات وشلتاقات وتکالیف خلاف حکم وحساب بایشان مینمایند وقلیلی اراضی و نیم‌سنگ‌آب وقف آستانهٔ مزبوره که از قدیم‌الایام بسرکار آستانهٔ مزبوره‌متعلق‌است‌جمعی بخلافشرع وحساب‌تصرف‌ودخل‌مینمایندومتعرض‌احوال خدمه وعملهٔ آستانهٔ مزبوره میشوند ومزاحمت خلاف‌حکم وحساب میرسانند ودراین باب استدعاء حکم‌اشرف‌نمودندبنا براین‌مقررفرمودیم‌که‌حکام‌کرام وعمال‌وداروغگان‌و کدخدایان‌آنولایت اصلاً و مطلقاً و بخلاف حکم وحساب پیرامون‌اراضی وآب وقف

آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران و جاروبکشان آنجا نرسانند و بعلت اخراجات وشلتاقات خلاف حکم وحساب و عوارضات ممنوعه خصوصاً علفه و علوفه و بیگاروشکارو طرح ودستانداز وسرشمار وخانه‌شمارغیرحکمی ودیوانی وسایر تکالیف مسدودةالابواب بهراسم ورسم که اخذ وبازیافت آن حکمی وحسابی نبوده باشد طلب و توقعی از ایشان ننمایند ورعایت و مراقبت احوال مجاوران آستانهٔ مزبوره لازم شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلر بیگی دارالمؤمنین مزبور که امداد حسابی مجاوران مزبوران بتقدیم رساند و نوعی نماید که مرفه‌الحال و فارغ‌البال در آستانهٔ مزبوره بدعای دوام دولت روزافزون قیام نمایند و دراین باب اصرار واستدعاء امضاء اشرف نمودند بنابرین مقرر فرمودیم که عمال وداروغگان وکدخدایان آنولایت پروانچهٔ نواب خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ∴ را بامضاء نواب همایون ماممضی ومنفذ دانسته رعایت ومراقبت احوال مجاوران آستانهٔ متبرکهٔ مزبوره را از لوازم دانسته نوعی نمایند که ستمی برایشان واقع نشود بعهدهٔ عالیجاه بیگلر بیگی دارالمؤمنین مزبور که امداد حسابی مجاوران مزبوران بتقدیم رسانند چنانکند که دعای خیرجهت ذات مقدس نواب اشرف حاصل گردد دراین باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد نطلبند .

[تحریرا فی] ذیحجه سنه ۱۰۷۹ .

۲۵

فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم)، (۱۱۰۵-۱۰۷۷) دربارهٔ تأییدو برقراری مبلغ سی تومان تبریزی از اول یونت‌ئیل به عنوان وظیفه برای میرابوجعفر ولد میرمحمدباقر طالبان .

[جای مهر شاه‌سلیمان][1]

فرمان همیون شد آنکه چون حسب‌الحکم خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ازابتداء یونت‌ئیل مبلغ سی‌تومان تبریزی از بابت مالوجهات محال رعیتی دارالمؤمنین استراباد در وجه وظیفهٔ سیادت و هدایت‌پناه نتیجةالسادات قواماً للسیادة والهدایة میرابوجعفر ولد میرمحمدباقرطالبان مقررشده بودبقیداینکه‌جعفرقلیخان‌بیگلربیگی آنجا سال بسال وجه مزبور را نقداً بلاقصور وکسور اگر ممکن شد بالتّمام در اول هرسال والاّ نصف در ششماههٔ اول و نصف در ششماههٔ ثانی واصل ساخته قبض‌بازیافت نماید و عوض آنرا از بابت وجوه چوپان‌بیگی سبزوار و اسفراین‌که بضبط اوست متصرف شود و چون مشارالیه متوفی شود اگر او را وارثی باشد که استحقاق اخذ وظیفهٔ مسفوره داشته باشد عرض نمایندکه بوارث او والاّ بشخص دیگرکه بصفت صلاح و استحقاق متّصف بوده باشد شفقت شود و درینولا سیادت‌پناه مشارالیه‌استدعاء امضاء همیون ما نمود بنابرشفقت شاهانه دربارهٔ مومی‌الیه مبلغ مزبور را بدستور بوظیفهٔ مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم دیوانیان عظام و صدورکرام موافق حکم خاقان خلدآرامگاه عمل نموده وجه مزبور را خود بدون عرض‌اشرف داد وستد ننمایند حکام و بیگلربیگیان دارالمؤمنین مزبورحسب‌المسطورمقرردانسته بعمل‌آورند و هرساله حکم مجدد طلب‌ندارند و در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهرربیع‌الاول سنه ۱۰۸۴ .

۱ـ مهر گرد شاه‌سلیمان با مشخصاتی که در فرمان شمارهٔ ۲۳ یادکردیم .

۲۶

حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۸۶ در بارهٔ تعمیر و مـرمت حصار بلدهٔ استراباد با پولی‌که شاه‌سلیمان هر ساله می‌پردازد .

ولی‌نعمت عالم و عالمیان شاه‌سلیمان ...[۱]

مقرراست که چون از روزی‌که‌کارکنان قضا و قدر ومصلحت‌بینان امـور خیر اثـر رنگ طرح اعمال خجسته را ریخته‌اند وکاخ وجود افعال موجودات را برافراخته‌اند غرض‌کلی استرضای جناب مالك‌الملکیست‌که در تمامی دارالضرب‌ممالك‌وجودپشیزی نتوان یافت‌که سکهٔ جودش نقش چنین نکرده باشد و از ماه تا مـاهی عوالم غیبت و شهود فلسی نتوان یافت‌که دست قدرتش بجهت روایی بازارکارگـذاری عباد صـورت تزیین نداده باشد و مطلب اصلی تحصیل دعای خیر بجهت ذات‌کامل‌الصفات ∴ کـه نقد کان بیمن نقش نام نامیش بمرتبهٔ عـزیزی رسیده وجـوهر دریا از فیـض سحاب مکرمتش‌کسب‌آبرو نموده وجه مبرّات را مصرفی واجب‌تر اراقتناء دعای‌خیر بجهـت ذات بیهمالش فرض نشده ومعاملهٔ‌حسنات را سرمایهٔ بهتر از مسئلت بقای عمرودولتش حاصل نگشته بنابرین درینوقت‌که سکنه و رعایای بلدةالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة والفساد در باب تعمیر و مرمت حصار بلدهٔ مزبوره‌که قبل ازین بنیروی‌اقبال بیزوال ابدی الاتصال صورت انجام و اتمام بهمرسانیده عرض واستدعا نمودندکه‌چون بیمن مراحم دولت‌ابد مدت منزل راحت و حصار عافیت بجهـت ساکنین بلدهٔ مسفوره که بپایمردی سعی و دستیاری اهتمام‌آن دولتخواه و بندهٔ با اخلاص درگاه جهان‌پناه مهیا وساخته شده و از رهگذر تعاقب و توالی امطار رخنه‌های بسیارکه هر رخنه از آن مستلزم شکست دلهای مساکین و تزلزل خـاطرهای ساکنین آنست بهم[۲] بتصدّق

۱ و۲ـ یکی دوکلمه خوانده نشد .

فرق مبارك اشرف اقدس قدری مشخص و وجهی معین بجهت اخراجات مرمت حصار مزبور مقررگردد که سال بسال صرف آن شده اهل آن بلده پشت بدیوارامنیت وجمعیت دهند می‌توانند بود لاجرم ایجاباً لمسئلتهم از ابتداء سیچقان‌ئیل وجه واجبی فلوس که مصرفی واجب‌تر ازین امر نداشت بجهت مرمت حصار بلدة المؤمنین مزبور مقرر شد که هرساله وجه مزبور را بدستور ضمن صرف اخراجات حصار مزبورنموده نگذارند که رخنه در حصار مزبور بهمرسد کتّاب سرکارعالی بنحوی‌که مقرر شد دردفتر عمل نموده من‌بعد بعلت وجه مزبوره حواله و اطلاق ننمایند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۰۸۶ .

[در قسمت بالای این‌حکم عبارات زیر با اقلام مختلف نوشته شده است :]

مقرر شدکه مستوفی وکتّاب سرکار عالی بنحوی‌که سمت تحریر یافته رقم مزبور را ممضی دانسته‌کلانتر و عمّال و کدخدایان بلدهٔ مزبور بشرح مسفورعمل نمایند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهرشعبان ۱۰۸۶ .

[مهری‌کوچك و چهارگوشه و لایقرء]

بنحوی که بیگلربیگیان سابق مقرر داشته‌اند و ممضی دانسته مستوفی وکتّاب سرکار عالی و کلانتر و عمال وکدخدایان بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته عمل نمایند .

تحریرا فی‌شهر ...

[مهری‌کوچك وچهارگوشه ولایقرء]

بموجبی‌که بیگلربیگیان سابق مقرر داشته‌اند عالیحضرت مستوفی وکتّاب سرکارعالی ممضی دانسته از آنقرار در دفاتر عمل و کدخدایان بلدةالمؤمنین ... مزبوره را

حسب‌المقرر سال بسال بتوجیه درآورده جهة صرف اخراجات حصار مذکورمهمسازی نمایند و در عهده دانند .

تحریرا فی۶ شهر رمضان سنه ۱۱۰۳ .

[مهـری بیضی وکوچك و لایقـرء]

بموجبی‌که بیگلربیگیان سابق مقرر داشته‌اند وممضی دانسته مستوفی و کتّاب سرکار عالی وکلانتر و عمال وکدخدایان بلدةالمؤمنین استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته عمل‌نمایند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی .

[سنه و مهـر لایقرء است]

[در پشت این فرمان دستورالعمل زیر با خطی ریز نوشته شده است:]

دستورات‌العمل

ضمن‌آنکه‌کدخدایان بلدهٔ مذکوره حسب‌الصّلاح امناء دو نفـر بنّای صاحب وقـوف اعتباری‌تعیین نمایندکه مبلغ مزبور ضمن بالمساوات در وجه ایشان مقرر بوده‌بتعمیر حصار و ساختن رخنه‌ها و خرابی‌که بهمرسد قیام داشته عمله وفعله و قیمـت مصالح بعهدهٔ استادان‌مزبور بالمناصفه بوده باشد وظیفهٔ استادان مزبور آنکه هـر یك رسد واقعی خود راازقرار رسد وتقسیم‌امناء وکدخدایان بلدهٔ مزبوره محافظة وخبرداری‌و تعمیر ضروری که لازم و متعلق بهریك بوده باشد روز بروز نموده بتقصیری از خود راضی نشوند مقررآنکه‌کدخدایان و امناء مزبوره بعد ازتعیین و تشخیص دو نفربناء اعتباری صاحب وقوف و بازیافت شرطنامچهٔ معتبره بقیود مقـرره از استادان مزبور خود نیز نوشته بقیدآنکه بعد از شروع بخدمت مزبوره سه ماه بسه‌ماه رسد هریك را

از مؤدیان مصارفه فلـوس مستخـلص و تسلیم ایشان نمایند داده[1] اسامی بنّایـان و شرطنامچهٔ دیوانی خود را بنظر رسانندکه کتّاب سرکار دردفاتر عمل نمایندوهمچنین هرگاه‌که احدی از بنّایان مزبور بجهتی از جهات تغییر و تبدیـل داده شود در روز دیگری را بدستور مقرّر بجای او تعیین نمایندکه بامر مزبور قیام داشته باشد .

۲۷

حکم فتحعلی‌خان مورخ۱۰۸۷دربارهٔ برقراری‌مبلغ یك‌تومان‌و هشت‌هزاروچهارصد وهشتاددینارخراسانی به‌عنوان تخفیف و تصدق به‌میر محمداشرف نقیب استراباد .

مقرر شد که چون‌درینوقت سیادت و نجابت‌پناه نقابت و هدایت دستگاه میرمحمد اشرف نقیب‌استراباد بعرض رسانیدکه قریهٔ عبدآباد من‌بلوك نواحی بسیورغـال مقرر است و در سنوات داروغگان مـدخل نمینموده‌اند و بـرطبق عرض خود رقم مرحوم محمدخان ابراز و استدعای امضاء عالی نموده بنابرین مقـرر شد که مستوفی وکتّاب سرکار عالی مبلغ یك‌تومان و هشت‌هزار وچهارصـد و هشتاد دینار خراسانی مقطعـی محلمزبور را موافق معمول سنوات سابقه بتخفیف و تصدق مقرر دانسته در دفاترعمل نمایند و داروغگان بلوك نواحی مدخل درمحلمزبور نکـرده از مخـالفت محترز و مجتنب باشند مقرراًنکه قضایای سانحه را بدیوان عالی رفع وچون رقم بمهرعالی و ثبت دفاتر رسد اعتماد نمایند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۰۸۷ .

[جای‌مهـر][2].

---

۱ ـ در درست خواندن این کلمـه شك داریم .

۲ ـ مهر چهـار گوشهٔ کوچك باسجع :«بندهٔ شاه‌نجف فتحعلی» .

۲۸

فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی دوم) ، (۱۱۰۵-۱۰۷۷) دربارهٔ معاف و مسلم شدن اولاد درویش حسین و اولاد درویش‌الله‌داد ـخدمهٔ‌امامزاده‌عبدالله‌ـ از جمیع تکالیف دیوانی و واگذاری نیم‌سنگ آب وقفی رابـه ایشان .

الملک‌لله

امامزاده عبدالله علیه وآبائه التحیة والسلم

شاه باباام انارالله برهانه

[جای مهر شاه سلیمان][1]

فرمان همیون شد آنکه چون درین ولا اولاد درویش‌حسین واولاد درویش اللّه‌داد بدرگاه معلّی آمده پروانچهٔ نوّاب‌خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ⁖ که بیاض بتاریخ‌شهر صفرسنهٔ ۱۰۷۷ عزّصدور یافته بودخلاصهٔ مضمون‌آنکه چون درویش حسین ودرویش اللّه‌داد رقاب و اولاد بدیوان آمده بعرض رسانیدنـدکه بدستـور قدیم بامرخـدمت و جاروب‌کشی آستانهٔ متبرّکهٔ‌منوره امامزادهٔ واجب التعظیم والتکریم ⁖ واقعه در قریهٔ خواسرود دارالمؤمنین‌استراباد قیام واقدام مینمایند وعمّال و داروغگان وکدخدایان آن ولایت شلتاقات و تکالیف بایشان مینمایند واراضی و نیم سنگ آب وقفی آستانهٔ مزبوره را جمعی بخلاف شرع تصرّف و دخل مینمایند و متعرّض احوال خدمه وعملهٔ آستانهٔ مزبوره میشوند بنابرین مقرّر فرمودیم که حکّام‌کرام وعمّـال و داروغگان و کدخدایان‌آن ولایت اصلاً ومطلقاً پیرامون اراضی وآب وقفی آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران و جاروب‌کشان آنجا نرسانند و بعلّت اخراجات وشلتاقات و

۱ــ مهر گرد شاه‌سلیمان با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۲۳ یاد کردیم .

عوارضات ممنوعه خصوصاً بعلّت علفه و علوفه و بیگاروشکار وطرح ودست‌انداز وسر-شمار وخانه‌شمار و سایر تکالیف مسدودة الابواب بهراسم و رسم که بوده باشد طلبی و توقّعی از ایشان ننمایند و رعایت و مراقبت احوال مجاوران آستانهٔ مذکوره را لازم شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین مزبوره که امـداد حسابی مجاوران مزبوره بتقدیم رساند ابراز و استدعاء امضاء اشرف نمودند بنابرین مقررفرمـودیم‌که پروانچهٔ مزبوره را دربارهٔ اولاد مزبورکه ازخدمهٔ‌آستانهٔ مزبوره‌اند من‌اوّله‌الی‌آخره ممضی‌ومنفذ دانسته از مضمون و مدلول آن عدول و انحراف نورزند بعهدهٔ عـالیجاه بیگلربیگی استربادکه امداد حسابی ایشان نموده نگذارد که احدی مزاحمت بحال ایشان رساند و نوعی نمایدکه بفراغ بال بدعاگویی دوام دولت قاهره اشتغال نمایندو درین‌باب قدغن دانسته درعهده شناسند .

تحریراً فی شهر ذیحجّه سنه ۱۰۸۹ .

۲۹

حکم فتحعلی‌خان مورخ ۱۰۹۱ برای برقراری مبلغ سه‌تومان و ششهزار و نود و نه دینار خراسانی که وظیفـه وتکلف میـر عبدالقادر حسنی‌استرابادی بوده در وجه وظیفهٔ همه سالهٔ میر سید محمدموسوی استرابادی .

ولی‌نعمت عالم وعالمیان شاه‌سلیمان ....

مقرّر شد که بنا برظهور صلاحیّت واهلیّت سیادت ونجابت‌پناه صلاحیّت وهدایت دستگاه‌نتیجةالسّادت‌الکرام شمساً للسّیادة والنّجابة میرسیّد محمّدالموسوی‌الاسترابادی از ابتداء سه‌ماههٔ قوی‌ئیل مبلغ سه‌تومان و ششهزارو نودو نه دینار خراسانی از بابت مالوجهات ومقطعی محال مزبورهٔ استرابادکه قبل ازین برینموجب بوظیفه :

وظیفه		تکلف	
از بابت مالوجهات و وجوهات محال مزبوره بیست و دوهزار و سیصد و نود و نه دینار.		سیزده هزار و هفتصد دینار.	
قریه	مزرعه	از بابت مالوجهات	از بابت وجوه مقطعی
تیموری محله استرابادرستاق هجده‌هزاروسیصدو نود و نه دینار	میر قنبر نواحی چهار هزار دینار	طاحونهٔ واقعه در نواحی که از راه ملکیت تعلق بورثهٔ مرحوم مزبور دارد شش ریال[1]	قریهٔ کرپان نواحی و قریهٔ تورق استراباد ـ رستاق از راه ملکیت تعلق بورثهٔ مرحوم مزبور دارد هفت‌هزارو هفتصد دینار

و بتکلّف مرحمت وغفران‌پناه میرعبدالقادرالحسنی‌الاسترابادی مقرّر بود همه سالهٔ سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه مقرّر شدکه سال بسال بازیافت و صرف معیشت نموده مرفّدالحال دوام دولت بیزوال ابدی الاتّصال بندگان ∴ که جان جهانیان فدای نام مبارکش باد اشتغال نماید مستوفی وکتّاب سرکارعالی حسب‌المسطور مقرّر دانسته رقم مزبور را در دفاتر ثبت نموده سال بسال وجه‌مزبوررا ازقرارقبض سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه بخرج محال مزبوه مجری داشته هرساله موقوف برقم‌مجدّدندارند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر جمیدی‌الاولی ۱۰۹۱.

[جای مهر][2]

---

۱ ـ درکنار این رقم سه کلمه دیگر خوانده می‌شود دربالا بصورت «عراقی» دروسط رقم «پنجهزار» و در پایین کلمه‌ای بصورت «خراسانی». ۲ ـ مهری چهار گوشهٔ کوچك با سجع: «بندهٔ شاه نجف‌فتحعلی».

۳۰

حکم شاه‌سلیمان اول (صفی دوم) ، (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷) دربارهٔ دلجویی از جماعت گوکلان ورسیدگی به‌حال ایشان .

شاه‌طهماسب نوّرالله مرقده

[جای مهر شاه سلیمان][1]

حکم جهان مطاع شد آنکه ایالت وشوکت‌پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه نظاماً للایالة والجلالة والشوکة والاقبال پسندخان بیگلربیگی دارالمؤمنین‌استراباد بشفقت شاهانه مستمال بوده بداندکه درینوقت اسمعیل‌گوکلان بدرگاه جهان‌پناه‌آمده بعرض رسانیـدکه از زمان نواب جنت‌مکان‌علیین‌آشیان .:. الی‌الآن جماعت گوکلان در یورتی که‌حسب‌الفرمان‌سلاطین‌ماضیه‌نشیمن‌داشته‌بخدمات‌قیام‌مینموده‌اند‌بیگلربیگیان استراباد پیوسته مراقب احوال‌ایشان بوده بعلّت توقعات مزاحم حال‌ایشان‌نمی‌شده‌اندو در این وقت آن ایالت‌پنـاه بهمه جهت یکهزارو پانصد تومان بمحصّلی محمّـدآقای قاجار و غیره ازیشان بازیافت نمود و جماعت یموت را بااسب و یراق و زره تقـویت کرده‌که ایشان‌گوکلان را تاخت نمایند وجماعت مزبوره بعداز تاخت‌وتاراج‌گوکلان از بیم تلافی ایل مزبور روانهٔ الکای بخارا شده‌اند چون برمضمون رقم اشرف مطلع گردد حقیقت واقعی مقدمات مزبوره‌را عرض نمایدکه بچه جهت‌جماعتی راکه‌چندین سال خدمت آنسرحـد نمـوده هرگز ازیشان بدستور سایر جماعت ترکمـان خلاف فرمانبـرداری بظهور نرسیده باشد و پیوسته مشمـول نوازشات واحسان حکام سابقـه بوده‌اندآ نعالیجاه تغییر سلوك نموده متفرّق ساخته ومردمی‌که سوء عقیدت وخبث‌طینت

۱- مهر کوچك چهارگوشهٔ شاه‌سلیمان با سجع : « سلیمان بندهٔ شاه ولایت ۱۰۷۷ » ودرکلاهك مدور این مهر : « بسم الله » .

ایشان ظاهر است بر آنجماعت مسلط ساخته و از طریقهٔ سرحدّداری که عمدهٔ آن حسن سلوك با ایلات و احشامات است عدول نمــوده و موجب وحشت و اضطراب جمــاعت مزبوره شده میباید که اگر آنچه بعرض رسیده واقعــی بوده باشد من بعــد بدستــور بیگلربیگیان سابقه درصدد تألیف قلوب ایشان بوده چنان ننمایدکه باعث شوریدگی و تفرقهٔ ایل مزبور شود و حقیقت قضیّهٔ یموت را کــه با وجود عــدم خلوص عقیــدت تقویت ایشان بچه جهت نموده و رفتن ایشان واقعی است یانه واگر واقعی باشدبه‌چه سبب ارتکاب این امر نموده‌اند مشروحاً عرض نماید ومن بعد درصدد استرضاء خواطر جمعی که نظام امور سرحد منوط باتفاق ایشان بوده باشد بوده چنان ننمایدکه‌موجب تفرقه و تشویش آن‌گروه بهایم طبیعت شود و به‌توجّــهات پادشاهانه مباهی باشد .

تحریرا فی شهرشعبان المعظم۱۱۰۲ .

۳۱

سواد حکم لطف علی‌خان دربارهٔ سدس آب رودخانهٔ تلوکلاته که مختص میرومحله دانسته است .

مقرّرشد که چون قبل ازین فیما بین ملاك قریهٔ موسومهٔ میرومحله من‌بلوك‌استراباد۔ رستاق مستأجران و متصّدیان و غیره مباشرین قریهٔ ترنك و گرمابه‌سرای خالصه در باب‌آب رودخانهٔ‌تلوکلاته‌وتقسیم آن گفتگو وبرطبق‌عرض وادّعای‌ایشان ومجلهٔ‌که‌دراین باب دردست داشته وبشهادت‌شهود رسیده وبرطبق‌آن‌تعلیقه‌عالیحضر[ة] وزیرومستوفی سابق ایّام مرحوم پسندخان بقید؟ حسب الامر العالی نوشته شده و قلمی داشته‌اندکه چون قبل ازین ناصرمسیح‌و جمعی از ملازمان مجلهٔ نوشته‌در دست داشته بودندکه‌از رودترنك مشهور به‌رودتلوکلاته‌بقدرشش‌قسمت‌حقّابهٔ میرومحله‌است‌وحسب الرّقم‌مقرر شده‌بودکه ساکنان میرومحلّه زیاده برنسق شش‌قسمت‌ازرود مزبور آب نبرند ودراین

وقت مجله و صورت شهادت شهودی که در دست میرومحلّه [است] نزد نائب‌الصدارة قاضی بلده حاضر ساخته بودند بنظر رسانیدند و چنان ظاهر شدکه سد بستن و شش قسمت بردن هیچیك موافق واقع و حساب نبوده و نیست و جمعی از سادات و اعزّهٔ ولایت هم تصدیق مینمودند بنابرین بعنوان مصالحه و اسکات اربابان و مباشرین مالیات دیوانی و تحصیل دعای خیر جهت ذات کامل‌الصفات بندگان ولینعمت عالمیان بموجب صلحنامچهٔ مزبور که در دفترخانهٔ عالی ضبط است سدس آب رود مزبور که عبارت از یکدانگ بوده باشد مختص میرومحله دانسته بزواید مزاحمت نرسانند و مباشرین ضبط و اجارهٔ خالصجات حسب‌المسطور سدس آب را بموجب درك که کشیده شود [باختیار] میرومحله گذارند ومستمسك برقمی که قبل‌ازین شده نگردند بناءً علی تلك‌المراتب مقرر شد که ملاّك میرومحله و مباشرین خالصجات مزبوره بنحوی که بعد ازین بشرح فوق در ایام بیگلربیگی سابق مقرّر گشته یك سدس آب رود مزبور رابموجب درکی که جهت تقسیم آب آن کشیده شودمخصوص میرومحله‌دانسته مزاحمت نرسانند عالیحضرت مستوفی وکتّاب سرکار عالی حسب‌المسطور مقرّر دانسته در دفاتر عمل و چون رقم بمهر و ثبت دفاتر رسد معتبر شناسند واز تغییر و تبدیل آن محترز باشند و در عهده دانند.

تحریرا فی ۲۲ شهررجب‌المرجّب ۱۱۰۳.

[محل مهر مرحوم لطفعلی‌خان]

[برحاشیهٔ‌راست این سواد حکم شهادات زیر دیده می‌شود:]

سواد مطابق اصل است واصل نزد اینجانب است محمدجعفرالحسینی شیرنگی عفی عنه. [جای مهر]

ذامع اصله سیّان سیّان بعینه اقل الخلیفه محمدقاسم بن عیسی الحسینی اوتی کتابها بیمینها. [جای مهر]

سواد مطابق اصل است وخلافی ندارد بعینه الخ غیاث‌الدین مسعود الحسینی عفی‌عنه.
[جای مهر]
ذا مع اصله مطابق کنت الخاطی . [جای مهر]
هوالسواد مطابق لاصله وکنت الخاطی . [جای مهر]

۴۲

فرمان شاه سلطان‌حسین(۱۱۳۵-۱۱۰۵) برای امیر ابوالفوارس از اولادمیرزین‌العابدین‌و ورثهٔ میرمحمد نجفی‌که مبلغ‌هفت‌هزار و پانصد دینار ازبابت‌مالوجهات لله‌دوین رابعداز وضع رسد شهر رمضان به‌سیورغال ایشان دهند .

الملک‌لله

شاه‌طهماسب نوّرالله مرقده
جدبزرگوارم طاب‌ثراه
شاه بابام انارالله‌برهانه

[جای‌مهر شاه‌سلطان‌حسین][1]

فرمان همیون‌شد آنکه چون سیادت ونجابت و افادت‌پناهان نتایج‌السادات العظام سیدمرتضی و سیدمفید و سیدفضل‌الله اولاد میراابوطالب[2] استرابادی و ورثهٔ میراابوالفوارس‌نجفی بعرض رسانیدندکه میراابوالفوارس‌نجفی در استراباد میبوده و قدری از مالوجهات بلدهٔ مذکوره بسیورغال مشارالیه مقرّر و مدتی شدکه مومی‌الیه

۱ـ مهر گرد شاه سلطان حسین ، سجع دایرهٔ وسط: « وارث‌ملك سلیمان‌جهان‌سلطان حسین» و درحاشیه باحروفی‌که دور می‌چرخد: « اللهم‌صل‌علی‌محمدالمصطفی وعلی‌المرتضی وبتول‌فاطمه والسبطین‌الحسن‌والحسین وعلی‌و محمد وجعفروموسی وعلی‌ومحمد وعلی‌وحسن‌و صاحب‌الزمان علیهم‌السلام » . ۲ـ نام « ابوطالب » را بقرینه افزوده‌ایم .

متوفی شد و وارثی بغیر از ایشان ندارد و درین اوقات خواجه‌صالح نام شخص‌ساوری عرض نموده درباب سیورغال ابدی مشارالیه پروانچه باسم خـود گذرانیده و برطبق مدعای خود مجلّه بمهر جمعی ابراز و استدعا نمودندکه حکم اشرف درباب‌سیورغال مزبور ازتاریخ فوت مرحوم مشارالیه صادر و وجه مزبوربسیورغال ایشان‌شفقت شود و از سرکار اوارجهٔ خراسان تصدیق نموده‌اندکه مبلغ دوتومان وپنجهزاردینارخراسانی از بابت مالوجهات محال‌استرابادکه در زمان شاه‌جنت‌مکان‌علیّین‌آشیانی ∴ بسیورغال اولاد سیدمحمدنجفی سیّماامیرظهیرالدین‌ابراهیم وامیرنظام‌الدین محمدباقرمقرربوده در این سی‌سال فتح خراسان در وجه اولاد امیر ظهیرالدین ابراهیم و امیرنظام‌الدین محمدباقر خصوصاً امیرزین‌العابدین و میرمحمد نجفی شفقت شده بود و بعد از فوت میرزین‌العـابدین و میرمحمدشریف ولدمیرزاابراهیم واعـظ عرض نمـوده بـودکه از میرزین‌العابدین و میرمحمد وارثی نمـانده و مبلغ هفتهزار وپـانصددینار ازبابت مالوجهات لله‌دوین‌که بسیورغال متوفیان مزبوران مقرر بوده بسیورغال‌مشارالیه‌مقرر شده و در ثانی‌الحال امیرابوالفوارس بدرگاه معلّی‌آمده دردیوان الصدارةالعلیّةالعالیه ثابت نموده‌که از اولادمیرزین‌العابدین است وازمیرمحمدنجفی عم مشارالیه‌نیزوارث هست و میرمحمد شریف ولد امیرابراهیم خلاف‌عرض نموده و بدستورکل‌مبلغ مزبور بعد از وضع‌رسدشهررمضان‌برینموجب بسیورغال امیرابوالفوارس‌ولدمیرزین‌العابدین‌و ورثهٔ میرمحمد نجفی مقرر شده و بعد ازآن‌که امیرابوالفوارس واولاد .

دوتومان وپانصد دینار منهای

رسد رمضان‌المبارك دوهزاروهشتاد و سه دینار (نقد)

الباقی دوتومان‌ودوهزار ونهصد دینار

قریه ــــــــــــ کلاتچه شاهجان ۱۳۷۵۰ دینار

قریه ــــــــــــ اسکنه ایضاً ۲۲۹۴ دینار

قریه ــــــــــــ للەدوین سدن رستاق مشهور به رودی که میرمحمد شریف خلاف عرض نموده ودر ثانی‌ـ الحال مقرر شده که از تاریخ فوت میرزین العابدین بدستور بسیورغال ورثه مقرر باشد ۶۸۷۵ دینار

میر محمد مزبور استدعاء امضا نموده بودند بموجب پروانچهٔ نواب خاقان خلدآشیان صاحبقرانی ∴ صادر بتاریخ شهر شوال ۱۰۵۷ حسب التجویز مرحوم میرزا حبیب الله صدر سابق سابق بسیورغال ایشان شفقت شده و بعد از آن که شیخ محمد صالح ساکن استراباد نوشتهٔ مرحمت پناه میرزا ابوطالب صدر سابق خاصهٔ شریفه را که قبل ازین برطبق عریضهٔ مشارالیه در باب سیورغال میرابوالفوارس و میرمحمدنجفی بوده وتجویز نموده بوده که چون جمعی بموجب محضر ملصق قلمی نموده‌اند که وراثت میرابوالفوارس واولاد میرمحمدنجفی منحصر است درمشارالیه از تاریخ فوت مومی الیهم سیورغال مزبور که از دفتر تصدیق براستمرار آن نموده‌اند دروجه مشارالیه مقرر شود و برطبق تجویز مزبور مرحوم اعتمادالدولهٔ سابق رقم نموده که هرگاه سیورغال مزبور مستمر و برقرار بوده تغییری بقواعد آن راه نیافته و اولاد مزبور منحصر باشد در مشارالیه بموجب تجویز بلامانع حسابی حکم اشرف بقیود لازمه مسوده نمایند ابراز و استدعا نمودکه مقرر شودکه پروانچهٔ امضای سیورغال برطبق تجویز و رقم مزبور صادر گردد بعد از آنکه کیفیت دفتری برقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی رسیده که حکم امضاداده شودپروانچهٔ نواب خاقان طوبی آشیان قدس مکان ∴ بتاریخ سنهٔ ۱۱۰۵ صادر و مبلغ مزبور بنحوی که قبل ازین برطبق تجویز صدرسابق خاصهٔ شریفه بشرح فوق برقم مرحمت پناه وزیر

سابق دیوان اعلی رسیده از تاریخ فوت مشارالیهم بعد از وضع وجه دوازده یك رسد شهر رمضان از بابت محال مزبوره بدستور سابق بسیورغال مشارالیه عنایت شده و بتجویز سیادت وصدارت و اقبال پناه فضیلت ونجابت و اجلال دستگاه حقایق ومعارف آگاه عالیجاه اسلام و اسلامیان ملاشمس للسیادة والصّدارة والنجابة والفضیلة والاقبال میرزا محمد باقر صدر خاصهٔ شریفه و نائب صدر ممالك محروسه رسیده که چون جمعی بموجب مجلّهٔ علیحده عرض نموده‌اند که از مرحوم میرابوالفوارس اولادی نمانده وشیخ محمد صالح خلاف عرض نموده است بنابرین رسد سیورغال مزبور بتغییر سیورغال مشارالیه بسیورغال سیادت ونجابت پناهان مشارالیهم که از اقربای مرحوم مزبوراند مقرر وقید شودکه هرگاه در سنوات سابقه از بابت سیورغال مزبور چیزی در آن محال باقی بوده باشد مخصوص مشارالیهم بوده باشد بنابرین رسد سیورغال امیرابوالفوارس مزبور را موافق آنچه درجزو معمول باشد از جملهٔ مالوجهات محال مزبورهٔ ضمن بدستور سنوات سابقه بسیورغال سیادت و نجابت پناهان مشارالیهم عنایت ومرحمت فرموده ارزانی داشتیم رعایای محال مزبوره مشارالیهم را صاحب سیورغالات مزبور دانسته سال بسال موافق عملکرد سیورغال واصل ساخته موقوف ندارند حکام وعمّال ولایت استراباد بهیچوجه من الوجوه بخلاف حکم وحساب مدخل دررسد سیورغال مشارالیهم ننمایند وهرساله حکم مجدّد نطلبند و چون پروانچه بتوقیع وقیع رفیع منیع اشرف ارفع امجد اعلی مزّین ومحلّی گردد اعتبار و اعتماد نمایند و درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۱۰۸ .

۴۴

فرمانی از شاه سلطان‌حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵) که پس ازشکایت میرزا ابوطالب موسوی فندرسکی صادر شده و شاه دستور داده تا اراضی واقعه در طرف شرقی رودخانهٔ دهنهٔ‌نردبان را بالتمام داخل قیصراباد بدانند.

فرمان همیون شد آنکه سیادت ونجابت و فضیلت‌پناه هدایت و نقابت‌دستگاه عمدة السّادات والنجباء العظام زبدة النقباءالکرام نظاماً للسّیادة والنجابة والفضیلة میرزا ابوطالب‌الموسوی الفندرسکی بعرض رسانید که ملکی دارد موسوم بقیصردال و قیصراباد هم می‌گویندکه در یك طرف‌آن رودخانهٔ دهنهٔ‌نردبان واقع است ودرطرف دیگر رودخانهٔ کافردوین‌علی‌آباد ملك...[1] است و در زمان دولت مرحوم محمّدخان بعضی از مردم کافردوین‌بتحریك بعضی از مردم صاحب غرض چند قطعه زمین سمت قیصراباد و رودخانه را ادّعا نموده‌اند که داخل کافردوین است و مرحوم محمّدخان جمعی‌کثیر از ارباب و اهالی وکدخدایان محال خالصجات و محال اربابی حوالی و حواشی و غیرهم را برفاقت قاضی ومحمّدبیگ‌سرکشیك ایل‌نوا فرستاده و بحقیقت رسیده‌اند و خلاف سخن مردم کافردوین ظاهر شده و درین‌باب مجله درست‌گشته و جماعت کافردوین‌را مجاب ساخته‌وبرطبق عرض خود مجلّه بمهرجمعی درباب‌تشخیص حدود قریهٔ کافردوین و قیصرابادکه بمهر مرحوم محمدخان رسیده ابراز نمود مشعر برآنکه سامان محال فخرعمادالدّین خالصه واربابی ومحال فندرسك رودخانهٔ دهنهٔ‌ـ نردبان که از سمت جنوب از کوه نردبان جاری شده بسیاه‌جو داخل می‌شود و سمت غربی آن رودخانه محال فخرعمادالدین است الی قریهٔ سیاوستان وامیرآبادکه بسببی

۱ـ نام مالك راعمداً پاك کرده‌اند.

از اسباب منتقل بملاك فندرسك شده و سمت شرقی رودخانه محال اربابی فندرسك است و حدود کافردوین و قیصراباد هم از قدیم‌الایّام تا حال از اینقرار بوده بهامش اهل کافردوین در سمت شرقی رودخانه که مواضع قیصراباد است قریب بده دوازده قسمت زمین است که غلّه زراعت مینموده و مینمایند و همچنین اهل قیصراباد قریب بده‌قسمت زمین در سمت غربی رودخانه است که بوستان و زراعت غلّه میکرده و مالیات آنها را ارباب قیصراباد میداده و میدهند و زمین طرفی متّصل برودخانه‌است و امّا آنچه کافردوینیان از آقادوین‌بنه و پل‌سفید و یورت سیّد میرزاعلی و غیرها ادّعا نموده‌بوده‌اند که دروسط‌اراضی مزروعهٔ متصرّف فیهاء اهل قیصراباداست وکافردوینیان نیزتصدیق واعتراف نموده‌اند که هرگز در مواضع مزبوره تصرّف و زراعت ننموده‌اند همیشه درزراعت وتصرّف اهل‌قیصراباد بوده وهست واگرمواضع مزبوره‌که‌کافردوینیان ادّعا نموده‌اند داخل کافردوین بوده باشد قریهٔ قیصراباد را درخارج بجزاسم ماصدق نخواهد بود و مرحوم محمّدخان بر عنوان محضر مزبور نوشته که چون از شهادت جمعی و صورت تقریر میرزامحمّدبیگ سرکشیك غازیان و حاجی قربانعلی وغیرهم‌و از نوشتجات حکام سابقه مطابقهٔ صورت مزبوره با واقع و نفس‌الامر ظاهروظاهر شدکه سمت‌شرقی رودخانهٔ مزبور بالتّمام داخل قیصراباد و ملك‌سیادت ونجابت و فضیلت‌پناه میرزاابوطالب است ومواضع آقادوین‌بنه وپل‌سفید و ولی‌بیگ‌بنه و یورت سیدمیرزا علی و غیره همگی داخل قریهٔ قیصراباد است و آنچه در تحت غربی رودخانهٔ مزبور واقع شده متعلّق به‌کافردوین است ارباب ومستوفیان وکدخدایان و زارعین قریهٔ کافردوین رودخانهٔ مزبور را حدّوسامان دانسته اراضی واقعه در تحت شرقی آنرا بالتّمام از قیصراباد و اراضی واقعه در تحت غربی آنرا بالتّمام از کافردوین دانسته هیچیك درمقام دست‌اندازنبوده دخل درمحل هم ننمایند ونوشتهٔ مرحوم فتحعلی‌خان را نیز ابراز نمود که مقرّر داشته که سرکاران و مستأجران و رعایاء کافردوین وقریهٔ

قیصراباد بنحوی که در مجلّهٔ مسطوره حدّوسامان اراضی و صحاری قریتین مزبورتین تحدید و تشخیص یافته محل اعتماد دانسته هیچیك از حدّوسامان خود تخلّف ننموده مدخل در محل یکدیگر ننمایند وازسرکار اوارجهٔ خراسان تصدیق نموده‌اندکه قریهٔ کافردوین بلوك فخرعمادالدّین وقریهٔ فندرسك بـلوك بذر مهین رستاق‌استراباد هر یك علیحدّه‌ا بوابجمع شده وتفصیل محال فندرسك مشخص نیست‌بنا براین مقرّرفرمودیم‌که سرکاران و مستأجران و رعایاء محلّین‌مزبورین‌موافق نوشتجات سابقه‌را نموده اراضی واقعه در طرف شرقی رودخانهٔ دهنهٔ‌زردبان را بالتمام داخل قیصراباد دانسته پیرامون آن نگردند بعهدهٔ عالیجاه بیگلر بیگی‌استراباد که درین‌باب مجال تمرّد احدی‌ندهدو در عهده شناسند .

تحریراً فی شهر . . . [1]

۳٤

حکم شاه‌سلطان‌حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵) برای محمدجعفر بیگ یساول‌صحبت که‌به‌گیلان‌بیه‌پیش‌رفته‌و مبلغ پانصدتومان تبریزی به‌عنوان ترجمان ازاهالی آنجا بازیافت نماید .

[جای مهرشاه‌سلطان‌حسین][2]

حکم‌جهانمطاع‌شد   آنکه‌رفعت‌وعزّت‌پناه ومعالی‌و عوالی‌دستگاه‌مقرّب‌الحضرةالعلیّه العالیه نظاماًللرفعة والمعالی محمدجعفر بیگ‌یساول‌صحبت مجالس‌بهشت‌آئین بشفقت

۱ـ تاریخ این فرمان محوشده بود ، از شکل ظاهر و وجدول‌بندی اطراف آن جزء فرمانهای شاه‌سلطان حسین گذاشتیم .

۲ـ مهر چهارگوشهٔ شاه باسجع : « بندهٔ فرمان برمولی‌حق‌سلطان‌حسین»واطراف این مهررا بامربع مستطیلی که کلاهك دارد تزیین کرده‌اند . داخل و خارج این مربع‌مستطیل نیز گل و بوته و تزیین است .

شاهانه سرافرازگشته بدانند که قبل‌ازین کدخدایان و رعایای گیلان بیه‌پیش مرتکب حرکات ناشایست نسبت بوزیر آنجا گردیده بودند و آن مقرب‌الحضرة را بجهة تشخیص مقدمهٔ مزبوره روانهٔ آن حدود فرمودیم هرچند که‌از وزیر مزبور تعدیات نسبت بایشان واقع شده حق بجانب ایشان باشد امّا چون جماعت مزبوره پیش از آنکه روانهٔ درگاه جهان‌پناه گردیده مطالب‌ومدعیات‌خودرا بعرض دیوانیان عظام رسانند خودسر مرتکب این‌قسم‌حرکات‌گردیده‌اند میباید‌که بعداز‌اطّلاع برمضمون رقم مطاع مبلغ‌پانصدتومان تبریزی بعنوان ترجمان ازایشان بازیافت وایفاد درگاه معلّی و نوعی نمایند که وجه مزبور از جمعی‌که مقصّر باشند بازیافت شده بخلاف‌حساب متعرّض دیگران نگردد و درین باب قدغن دانسته درعهده شناسد.

تحریراً فی‌صفرختم بالخیروالظفر سنه ۱۱۱۱.

۳۵

حکم شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ – ۱۱۰۵) برای اولاد درویش حسین ودرویش‌الله‌داد که از خدمهٔ امامزاده عبدالله‌خواسرود هستند و معاف ومسلم دانستن ایشان از تکالیف دیوانی.

امامزاده‌عبدالله علیه‌التحیة

جد بزرگوارم طاب‌ثراه

شاه‌بابام انارالله برهانه

[جای مهرشاه‌سلطان حسین][1]

حکم‌جهانمطاع‌شد آنکه‌چون‌قبل‌ازین‌پروانچهٔ نوّاب‌خاقان خلدآشیان‌صاحبقرانی:.

[1] مهرچهار گوشهٔ شاه‌سلطان‌حسین باسجع: «بندهٔ شاه ولایت سلطان‌حسین۱۱۱۵» و درکلاهك بالا که دندانه‌داراست: «بسم‌الله».

بتاریخ شهر صفر سنهٔ ۱۰۷۷ بر طبق عرض درویش‌حسین و درویش اللّهداد باین شرح شرف‌صدور یافته که چون درویش‌حسین ودرویش اللّهداد وفات واولاد مزبوران آمده بعرض رسانیدند که بدستور قدیم بامر خدمت جاروب‌کشی آستانهٔ منورهٔ امامزاده واجب‌التعظیم ∴ واقعه در قریهٔ خواسرود دارالمؤمنین استراباد قیام واقدام مینمایندو عمّال وداروغگان و کدخدایان آنولایت شلتاقات وتکالیف بایشان مینمایند واراضیو نیم‌سنگ آب وقفی آستانهٔ مزبوره را جمعی بخلاف شرع و حساب تصّرف و دخل مینمایند ومتعرّض احوال خدمه و عملهٔ آستانهٔ مزبوره میشوند بنابرین مقرّرفرمودیم که حکّام‌کرام وعمّال‌وداروغگان وکدخدایان‌آنولایت اصلاً ومطلقاً پیرامون اراضیو آب وقفی‌آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران وجاروب‌کشان‌آنجانرسانندو بعلّت اخراجات و شلتاقات و عوارضات ممنوعه خصوصاً بعلت علفه و علوفه و بیگار و شکار و طرح و دست‌انداز و سرشمار و خانه‌شمار و یابوی چاپار و تکالیف مسدودة ــ الابواب بهراسم و رسم که بوده باشد طلبی و توقعی از ایشان ننمایند و رعایت و مراقبت احوال مجاوران‌آستانهٔ مزبور را لازم شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین مزبور که امداد حسابی مجاوران مزبور بتقدیم رساند و بامضاء نوّاب خاقان‌طوبی‌آشیان قدس‌مکانی ∴ رسیده ودراینوقت ملاّعمادالدّین وملاّعبدالجبّار اولاد درویش‌حسین و درویش‌اللّهداد بدیوان‌اعلی آمده عرض واستدعای امضاء نوّاب همیون ما نمودندبنابرین مقرّرفرمودیم‌که حکم‌مزبوره‌را دربارهٔ اولادذکورکه ازخدمهٔ‌آستانهٔ مزبوره‌اند من اوّله الی‌آخره ممضی دانسته‌ازمضمون مدلول‌آن‌عدول وانحراف‌نورزند بعهدهٔ عالیجاه‌بیگلربیگی استرابادکه امداد حسابی نموده‌نگذاردکه احدی مزاحمت بحال ایشان برساند و نوعی‌نمایدکه بفراغبال بدعاگویی دوام‌دولت قاهره‌اشتغالنمایدو درین‌باب قدغن دانسته در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر شوال ۱۱۱۶.

۳۶

سواد فرمان شاه‌سلطان حسین (۱۱۳۵ - ۱۱۰۵) برای اولاد میرروح‌الامین و اولاد میرکمال‌الدین محمود و میر میران که مبلغ شش تومان خراسانی که سیورغال پدران ایشان بوده به سیورغال ایشان مقرر شود.

[جای مهر شاه سلطان حسین]

شاه بابام انارالله برهانه

فرمان همیون شد آنکه چون درینولا سیادت و نجابت و فضیلت‌پناه میرروح‌الامین و سایر اولاد میرکمال‌الدین محمود و میرمیران استرابادی بعرض رسانیدند که حسب‌الاحکام مطاعه مبلغی از بابت محال استراباد سیورغال میرکمال‌الدین محمود و میرمیران مزبور مقرر بوده و بعداز فوت ایشان از میرکمال‌الدین محمود دو پسر موسوم بمیرمحمد صالح و میر غیاث‌الدین مسعود و ازمیرمیران یك پسر موسوم بمیرزاشاهی بیگ مخلّف و سیورغال مزبور درجزو در تصرف ایشان بوده و بعداز فوت میرزاشاهی بیگ اولاد او منقرض و سیورغال وورائت او منتقل باولاد میرمحمد صالح و میرغیاث‌الدین مزبوران شده وحال اولاد میرمحمدصالح منحصر در میرمحمدصالح نوادهٔ او و اولاد میرغیاث‌الدین منحصر در میرروح‌الامین عارض و میرغیاث‌الدین مسعود برادر اوست و در آن باب استدعاء پروانچهٔ امضاء اشرف باسم خود و از سرکار اوارجهٔ خراسان و توجیه دیوان اعلی و سرخط تصدیق نمودند که مبلغ شش تومان خراسانی برین موجب از بابت محال استراباد بسیورغال میرکمال‌الدین محمود و

از بـابت محـال مذکـوره پنج تومـان	براتی که باسم بیگلر بیگی آنجا مقرر
قریـــــه قریـــــه	بوده سوی آنچه گذشته از بابت قریهٔ
چـوپالانـی علـوی کـلاتـه	نوچمن بقید رفته دروجه ایشان مقرر
دوتـومـان سه تـومـان	شده بود
قریـــــه	هشت هزار دینار
نـوچمـن	
دوهـزار دینار	

میرمیران وسایرورثهٔ امیرعمادالدین مسعود ومیرا براهیم استرابادی مقرر بوده و بعداز آن بموجب پروانچهٔ امضاء خاقان رضوان‌مکان ∴ بتاریخ شهررجب سنهٔ ۱۰۴۴ بعداز وضع دوازده‌یك شهررمضان‌المبارك مبلغ پنج تومان و پنجهزار وششصدو شصت وشش دینار بسیورغال ورثهٔ ایشان مقررشده ودرثانی‌الحال که میرزا نورالدین صبیه‌زادهٔ میرزاابراهیم قسمت نامچهٔ بمهرجمعی درباب اینکه سیورغال مزبور برینموجب فیمابین ورثه قسمت شده ابرازواستدعا نموده بودکه رسد او بجهت دیوان ضبط وعوض

نورالدین محمد صبیه‌زادهٔ میرابراهیم و	شاهی بیگ علی میرمیـران
امیرعمادالدین مسعود	۱۸۶۶۶ دینـار
۱۸۶۶۶ دینـار	

قریـــــه	قریـــــه	قریـــــه	قریـــــه
علـوی کـلاتـه	نـوچمـن	علـوی کـلاتـه	نـوچمـن
۱۳۷۵۰ دینـار	۹۱۶ دینـار	۱۳۷۵۰ دینـار	۹۱۶دینار

از بابت براتی که حاکم تنخواه میدهد
۴۶۰۰ دینـــار

از بابت براتی که حاکم تنخواه میدهد
۴۶۰۰ دینـــار

محمدصــالح ومیرغیاث‌الــدین‌محمد ولــدان میــر
کمال‌الدین‌محموداز بابت قریهٔ چوپالانی دوتومــان
منهای ۱۶۵۶ دینار دوازده‌یك الباقی۱۸۳۳۳ دینار[1]

ازمحال اصفهان بمشارالیــه داده شود پروانچهٔ مطاعهٔ خاقان‌خلــدآشیان صاحبقرانی بتاریخ شهرمحرم سنهٔ۱۰۵۷ صادرورسداوکه مبلغ یکتومان وهشتهزاروششصدوشصت‌و شش‌دینارمی‌شده بجهةدیوان‌ضبط وعوض‌ازبابت‌محال اصفهان بمشارالیه داده‌شده‌بودو درباب رسدسایرورثه ازسنوات تاحال‌حکم امضا باسم احدی صادرنشده وحسب‌الامر-الاعلی از قرارنوشتهٔ عالیجاه وزیردیوان‌اعلی مقررشده‌که پروانچــهٔ امضا داده شود و سیادت‌و صدارت‌و نجابت‌پناه فضیلت و هدایت و نقابت‌دستگاه افاضت و حقانیت انتباه حقایق‌و معارف‌آگاه عالیجاه اسلام واسلامیان ملاذشمساً للسیادة والصدارة والنجابت و الفضیلةو الهدایة والاقبال میرزامحمدباقرصدرخاصهٔشریفه ونائب صدرممالك‌محروسه تجویزنموده‌که رسدسیورغال‌میرزاشاهی‌بیگ‌ولدمیرمیران‌ومیرمحمدصالح‌ومیرغیاث-الدین ولدان میرکمال‌الدین‌محمودکه ورثهٔمزبوره‌عرض‌نموده‌اندکه میرزاشاهی‌بیگ منقطع‌النسل‌است و اولاد میرغیاث‌الدین منحصر است در سیادت‌و نجابت‌پناهان میر روح‌الامین ومیرغیاث‌الدین‌مسعود نوادهای مومی‌الیه واولاد میرمحمــدصالح منحصر است درسیادت‌و نجابت‌پناه میرمحمدصالح نوادهٔاو دروجه مشارالیهم مقــررشود بقید آنکه هرگاه سوی‌ایشان اولادی‌از میرزاشاهی‌بیگ ومیرمحمــدصالح‌ومیرغیاث‌الدین

[1] ــ تفریق تطبیق نمی‌کند .

صاحبان سیورغال‌مزبور بوده باشدبقدرالحصه درسیورغال‌مزبورشریك و سهیم باشند بنابرین بموجب تجـویزمبلغ سه‌تـومان و هفت‌هزار دینار از بابت مالوجهات محال استرابادکه بتفصیل‌ضمن بسیورغال‌ورثـهٔ میرمیران و میرکمال‌الدین‌محمود مقرربوده بسیورغال‌اولادمذکورهٔ فوق‌ایشان مقررفرمودیم‌که هرگاه سوی‌ایشان اولادی از میرزا شاهی بیگ ولدمیرمیران‌ومیرمحمدصالح ومیرغیاث‌الدین‌ولدان میرکمال‌الدین‌محمود باشد بقدرالحصه درسیورغال‌مزبورشریك باشند حکام وداروغگان وعمّال ومتصـدیان مهمات دیوانی‌دارالمـؤمنین‌استراباد مبلغ مزبوررا بسیورغال اولادمزبـورمقررداسته بهیچوجه مدخل دررسد سیورغال‌ایشان ننمایند وبعلت اخراجات وعوارضات خـلاف حکم‌وحساب ازبیگارو شکارو طرح‌و دست‌اندازو سلامانه‌و عیدی‌و نوروزی‌و غیرذلك بهراسم‌ورسم‌که بوده‌باشد حواله‌و اطلاقی برمحل‌سیورغال ایشان‌ننموده قلم‌وقدم‌کوتاه‌و کشیده دارند مقررآنکه‌آنچه ازدیوان‌اعلی بعلت اخراجات حوالـه‌شود ازعهدهٔ رسد واقعی بیرون آمده بعلت سرشمار وخانه‌شمارخلاف حکم‌که در جزو واقع شود طلبی ننمایندودرین‌باب‌قدغن‌دانسته هرساله‌حکم مجددنطلبند وچون‌پروانچه بمهرمهراظهر اشرف‌رسد اعتبارواعتمادنمایند ودرعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهررمضان‌المبارك سنه ۱۱۱۷ .

[مطالبی که‌درظهرورقه نوشته‌شده‌است:]

هو

۶۶۶ دینـار	رسدتخفیف شهررمضان محال‌رقبه

۴۳۳۳ دینار

پنج تـومـان

۵۶۶۶ دینار	رسد میرزانورالدین‌محمد که قبلزین‌گذشته

۱۸۶۶۶ دینار	عوض از محال‌اصفهان‌گذرانیده

عن رسد میرزا شاهی بیگ و میر محمد صالح و
میر غیاث الدین محمد ۳۷۰۰۰ دینار

رقبه از بابت محال مزبوره
۳۳۰۰ دینار

براتی که سال بسال حاکم و عمال استراباد
.... در عوض قریهٔ نوچمن رقبهٔ
ملکی خود گذاشته بوده‌اند
۸ هزار دینار

قریه
علوی کلاته که در
تقسیم نامچهٔ رسد
میرزا شاهی بیگ
ولد میر میران
مشخص شده بوده
۱۳۷۵۰ دینار

قریه
نوچمن بدستور
۹۱۶ دینار

۴۶۰۰ دینار رسد میرزا نورالدین محمد
صبیه زادهٔ میرابراهیم و امیر غیاث الدین
محمود گذاشته عوض از بابت محال اصفهان
گذرانیده

قریه
چو پالانی که در تقسیم نامچهٔ رسد میر
محمد صالح و میر غیاث الدین ولدان
میر کمال الدین محمود مشخص شده بود
۱۸۳۳۳ دینار

یك قریه در تقسیم نامچهٔ رسد میر شاهی بیگ
رسد میر میران مشخص شده بود
۴۶۰۰ دینار

۳۷

فرمان شاه‌سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵) برای اولاد میرزا ابوطالب فندرسکی که سی تومان از بابت مالوجهات و سایر وجوهات محال متعلقهٔ مرحوم پدرشان را به‌سیورغال ابدی ایشان برقرار دارند.[۱]

[قل لااسئالکم علیه اجراً الاالمودة فی‌القربی]

آنکه چون در اینولا اولاد مرحوم میرزاابوطالب فندرسکی بعرض‌رسانیدندکه مبلغ سی تومان ازبابت مالوجهات و سایر وجوهات محال متعلقهٔ بمرحوم مزبور بسیورغال ابدی و احسان سرمدی او مقرربوده استدعا نمودندکه پروانچهٔ امضای اشرف در باب سیورغال مزبور و سیورغال قدیمی ایشان‌که ثلث‌آن برسد اولاد مزبور است صادر و مقرر شودکه موافق قبولی احکام مطاعه بنحوی‌که درایام مرحوم مزبور استمرارداشته عمال استراباد بهیچوجه دخل در محال سیورغال مزبورننمایند ازسرکار اوارجهٔ خراسان تصدیق نمودندکه درباب سیورغال مزبور و سیورغال قدیمی ایشان بموجب تفصیل ذیل احکام مطاعه صادر و

مبلغ سی‌تومان عراقی از بابت مالوجهات

نتیجه ——————————————————— ۸ [۲]

[فرمان]مطاعه بتاریخ شهر صفر سنه ۱۰۷۸ مضمون آنکه چون همواره مطمح نظر خورشید اثر نواب‌کامیاب همیون و مطرح اشعهٔ ضمیر منیراکسیر تأثیر معدلت مقرون‌که انوار معدلت واحسان وآثار برّ ومکرمت و امتنان‌مانندآفتاب

---

۱ ــ قسمت بالای فرمان ازمیان رفته است . ۲ ــ این‌کلمه به خط سیاق است و نتیجه و بنیچه هر دو خوانده می‌شود.

جهان‌تاب برساحت وجود جمیع طوایف امم و قاطبهٔ طبقات بنی‌آدم گسترانیده آنست که در عهد و سلطنت ابد مدت‌عظمی و زمان‌خلافت ودوران عدّت‌کبری که بهارادوار و منتخب لیل‌و نهاراست جمعی راکه بسبب‌شرف انتساب بسلسلهٔ نبوّت وخاندان‌رسالت و کرامت خلعت‌عزتشان بزیورگرانبهای ∴ مزین ومحلّی گشته بمزید عواطف‌بیکران و الطاف بی‌پایان مفتخر و سرافراز و معزّز وممتاز فرمائیم علی‌الخصوص‌جمعی‌که ازین زمرهٔ شریفه و طبقهٔ علیّه راکه اباًعن‌جد قدیم‌الایام الی‌الآن در مضمارحسن‌اخلاص و دولتخواهی و دعــاگویــی قصب‌السبق از امثال و اقران ربوده باشند بنوعی مشمــول الطاف‌واعطاف بیدریغ ∴ [1]گردانیم‌که مزیدی‌برآن متصور نباشد و دراینوقت‌سیادت‌و نجابت‌پناه نقابت و هدایت دستگاه فضائل وکمالات اکتناه عمدةالسادات والنجباء ــ العظام زبدةالنقباءالکرام جلالاً للسیادةوالنجابة والفضیلة میرزا ابوطالب[2] ولدمرحوم میرزا بیگ فندرسکی بعرض‌رسانیدکه حسب‌الحکم نواب خاقان خلد آرامگاه مبلغ سی‌تومان عراقی ازبابت مــالوجهات و وجوهات املاك مــوروثی و اجدادی مشارالیه به تغییر تیول حاکم استراباد ازبابت قریهٔ کلامو و غیره بسیورغال مرحوم میرزا بیگ مشارالیه مقرر بوده و استدعا نمودکه چون مالوجهات و وجوهات‌کل‌محالمزبوره که مبلغ سی‌تومان عراقی بسیورغال والد مشارالیه مقررشده بود وفا بمبلغ‌مزبور نمی‌کند قریهٔ‌کلامو و قریهٔ نوده واجیك[3] که به‌تیول حاکم مقرر است تبدیل و باسایر محال‌که بسیورغال والد مشارالیه‌مقرربوده بسیورغال‌مومی‌الیه مقررشودکه‌آنچه‌بعنوان‌ملکیت دخل در محال مزبوره داشته باشد ازبابت مالوجهات و وجوهات ملکی خود وبقیه از بابت رسد سایر شرکا سال بسال موافق معمول مأخوذ و بازیافت نمایند و از تصــدیق

۱ ــ ظاهــراً در بالای فرمــان بــاید «همیون شاهــانــه» باشدکــه افتــاده است .

۲ ــ میرزاابوطالب که حملهٔ حیدری باذل‌خراسانی را به‌اتمام رسانید . (فرهنگ سخنوران خیام‌پور ص۱۹) .

۳ــ این کلمه درمتن بی‌نقطه است .

مستوفیان عظام کرام و مباشران معلوم و مستفاد شدکه حسب‌الحکم نواب خاقان خلد-آرامگاه که بتاریخ شهر رجب ۱۰۷۶ شرف‌صدور یافته از ابتداء بارس‌ئیل مبلغ سی تومان رایج عراقی از بابت مالوجهات و وجوهات محال ملکی میرزا بیگ فندرسکی از جمله آنچه بسیورغال جد مشارالیه مقرر بوده مقطوع گشته بتیول تیولدار کل استراباد مقررشده بوده ازقرار تفصیلی که‌مشارالیه برمحال‌ملکی‌خود نموده بتغییر تیول برینموجب سوی سیورغال سابق بسیورغال مومی‌الیه مقررشده بود وقریهٔ‌نوده و اجیك سی تومان

قریه

حاجی‌کلاته را که سیادت‌پناه مشارالیه تفصیل نموده بوده‌که ملك اوست و در تحت مواضع کمالا احمدا اولاد امیررفیع باچند محل دیگر بمبلغ و تفصیل‌حشو مجمل ابوابجمع است ورسد هریك در دفتر مشخص نیست

پنجاه‌تومان منهای رسد تخفیف رمضان

چهار تومان و یك‌هزار وششصدو شصت وشش دینار

چهل و پنج‌تومان‌وهشت‌هزار وسیصد وسی‌وسه‌دینار

قریه	قریه	قریه	قریه	قریه	قریه
حاجی‌کلاته‌و ترنگ	فندرسك	خرجك و زواره	حکم‌آباد		عشقی‌محله
قریه	قریه	قریه	قریه	قریه	قریه
بابائی محله	شهرمحله‌و نرادین	شیخی‌وترخانك	ولده		اجیك وسرکی
قریه	قریه	قریه	قریه	قریه	
نوده	تامیالو	خسروآباد	ولنداب		

مقرراً عن محالمذکوره‌که بعداً ملکی بقلم داده

قریـــــــــــه

حاجی کلاته کــه باقریــهٔ ترنگ مجمل تعیین شده

قریـــــــــــه

عشقــی محــلــه

قریـــــــــــه

کلامو که دردفتر ولده کلاته جمعست ودر تفصیلی که سیادت‌پناه مشارالیه نوشته قید است که دوقریهٔ کلامو توابع ولده کلاته است

قریـــــــــــه

قنوزات ایضاً که‌در تحت قریهٔ بن‌دوین ایضاً جمعست

قریـــــــــــه

قنوزات که باقریهٔ سورمی مجمل برینموجب شانزده‌تومان [منها می‌شود] تخفیف رمضان سیزده‌هزار وسیصد و سه‌سی ودینار ابوابجمع است‌ورسد هریك مشخص نیست

قریـــــــــــه

حکــم آبــاد

قریـــــــــــه

شهرمحله که بــا قــریهٔ نرادیــن مجمل تعیین شده

قریـــــــــــه

ماروستاکه نه تومان جمع وبعداز وضع رسد رمضان مبلغ ۸ تومان و دوهزاروپانصد دینارمیشود

چهارده تومان‌وشش هزار ششصدو شصت‌وشش‌دینار

مزبور ازجمله محالی است که در دفتر مجمل در تحت مواضع کمالا احمدا بتفصیل‌فوق ابوابجمع و سابقاً بسیورغال جد مشارالیه مقرر بوده و مقطوع و بتیول‌حاکم‌استراباد مقرر است ومیرزا ابوطالب الرضوی صدرخاصه تجویز نموده که سیورغالاتی کــه در وجه والد مشارالیه مقرربوده ازتاریخ فوت باسم اولاد مشارالیه امضا داده شود بنابــر شفقت در بارهٔ اولاد مذکور از تاریخ فوت مومی‌الیه مبلغ مزبور از باب مالوجهات و

وجوهات محال مزبورهٔ ضمن با آنچه ازجمله مبلغ چهارهزار و سیصددینارکه بموجب ثبت پروانچهٔ خاقان رضوانمکانی بتاریخ محرم سنهٔ ۱۰۴۱ برین موجب ازبابت محال استراباد بسیورغال

————	ایضاً بابت
رسدتخفیف رمضان عن‌رسد مال نه‌هزار وهشتاد و سه دینار	سیزده تومان وهشت‌هزار و نهصد وهفده دینار

ازباب مالوجهات محال‌مزبوره که جمع مشخص دردفتر دار دومحالی است که داخل سیورغال بوده والحال می نمایند بورثهٔ میرزا بیگ متعلق است وبدستور چهارده تومان مقرر شد تیولدار می باید دخل ننماید چهارهزاروسیصد دینار

قریه ———— ه	مزرعه ———— ه
والفتح که ازبابت محال بتکچی بوده ومنال	اسبو باغ ایضاً
آن در زمان شاه‌جنت‌مکان علیین آشیانی	نه تومان وچهارهزار و سیصد دینار
برطرف‌شده وازحشو جمع استراباد وضع	مزرعه ———— ه
است وداخل تیول وسیورغال احدی نشده	اسب و باغ
علی‌ای‌حال که بسیورغال مرحوم میرزا بیك	هشت تومان و چهارهزار وسیصد دینار
مقرر بوده ومنال چون برطرف است ازحشوا	مزرعه ———— ه
سیورغال مشارالیه وضع شده بیست و	و دارمو ایضاً
پنج هزار دینار	پنج تومان

ازبابت مزرعهٔ نامیالو که می نماید تعلق بدیشان دارد وچون مزرعهٔ مذکور در تحت

مواضع کمالا احمدا که با مواضع دیگر مجملاً بمبلغ پنجاه دینار جمع است که بسیورغال میرزا بیگ مقرر بوده و چون جمع محل بمحل مشخص نمی‌شود بمبلغ از قرار تقریر ورثهٔ تعیین‌شدکه تیولدار در جزو جمع مزرعهٔمزبور را مشخص‌نموده‌اگر جمع آن موافق مبلغی باشدکه بباقی‌آمده بعوض تتمهٔ وجه سیورغال مزبور گذاشته مدخل درآن ننمایند و اگر زیاده از مبلغ مزبوره باشد مساوی وجه‌تتمهٔ سیورغال‌باز گذاشته زیاده را متصرف شود بیست‌وپنجهزار دینار

میرزاصالح ولدمیرزابیگ‌واولاد میرزاشرف و میرزاطهماسب ولدان‌میزابیگ مزبور مقرر بوده رسد والد میرزاابوطالب مزبوربوده باشد بسیورغال ابدی و احسان سرمدی اولاد مزبور خصوصاًمیرزا ابوطالب مزبور شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم که حسب‌الاستدعاء مشارالیه مساوی‌مبلغ مزبورآنچه بعلت ملکی در محال مزبوره دخل داشته‌باشدازبابت مالوجهات ملکی خود و تتمه را از سایر شرکاء محال مزبوره سال بسال‌موافق‌معمول و مأخوذ بازیافت نمایند مستوفیان‌عظام‌رقم این‌عطیه‌را در بارهٔ مشارالیه و سایراولاد انعام مخلّد بردوام دانسته در دفاتر خلود مثبت‌ومرقوم و ازشوائب تغییر وتبدیل مصون و محروس شناخته تیولدار وحاکم ولایت مزبور وجه مزبور را بتفصیل ضمن از تیول خود برطرف دانسته بدانعلت طلب ودر محال ملکی‌و سیورغال مشارالیه بهیچوجه مدخل ننمایند حکام وکلانتران وعمّال ولایت‌استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته مطلقاً در محال ملکی و سیورغالی مزبور مدخل ننموده بعلت علفه وعلوفه وقنلقا والام والاغ و طرح ودست‌انداز وبیگار و شکار و اخراجات حکمی وغیرحکمی مزاحمت‌بحال‌گماشته و رعایاء محال ملکی و سیورغالی مشارالیه نرسانیده قلم و قدم‌کوتاه و کشیده دارند و از فرموده تخلف نورزند و تفصیل ضمن پروانچهٔ مزبور بموجب ذیل است

سی تومان

قــر ــ ه

حاجی کلاته ایضاً که سابقاً بعلة ملکی بسیورغال مرحوم میرزا بیگ مقرر شده بود

قر ــــــــــــــــــــ ه

حاجی کلاته ایضاً کــه در تحت مواضع کمالا احمدا بتفصیل متن پروانچه مجمل جمعست

قر ــــــــــــــــــــ ه

قنوزات ایضاً که در تحت قریهٔ بن دوین ایضاً جمــع است

قر ــــــــــــ ه

حاجی کلاته که با قریهٔ ترنگ مجمل نوشته شده

قر ــــــــــــ ه

حکیــم آبــاد

قر ــــــــــــ ه

... که با قریهٔ سورچی مجمل برینمــوجبا بــوابجمــع است

۱۶۰۰۰۰ دینار

۱۳۳۳۳ دینار تخفیف رمضان

الباقــی ۱۴۶۶۶ دینار

قر ــــــــ ه

عشقــی محلــه

قر ــــــــــــ ه

شهر محله که باقریهٔ نرادین مجمل نــوشته شده

ورسد هــریك مشخص نیست

قر ــــــــــــــــــــ ه

ماروستاق که نه تومان جمع و بعد از وضع رسد رمضان مبلغ ۸۲۵۰۰ دینار میشود

قــر ــ ه

نوده واجیك که بشرح قریهٔ حاجی کلاته ایضاً در تحت مواضع کمالا احمدا مجمل جمع است و حسب الاستدعاء عمــدة السادات والنجبــا العظام میرزا ابوطالب مزبور بشرح متن پروانچهٔ همیون در عوض قریهٔ کلامووکسر سیورغال مزبور مقرر شده که مساوی

مبلغ سی‌تومان آنچه از محال مذکورهٔ حاجی‌کلاته ایضاً کسر نمایند از نوده واجیك بازیافت نمایند

قر ـــــــــــــ ه قر ـــــــــــــ ه

نـــوده اجیـــك که بـــا سرکی‌مجمل نوشتـــه شده

نتیجـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ ه

[فرمان] مطاعه بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنهٔ ۱۰۴۱ مضمون آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام دیوان اعلی معلوم و مستفاد شد کـه مبلغ چهارده تومان وچهـارهزار و هشتصد دینار از جمله مبلغ ۹۸۵۱۱ دینار سیورغال مرحوم میرزا بیگ فندرسکی از حشو تیولنامچهٔ خسروخـان حـاکم استراباد بصیغهٔ سیورغال اولاد وضع نموده تتمه را به‌تیول تیولدار عهده کرده است و در پروانچه که بتاریخ شهر شوال ۱۰۳۴ عزّ اصدار یافته و برسر ورق فرد تیولنامچه ثبت است قیداست که مبلغ مزبور حسب‌الرقم صرف در وجه سیورغال اولا مقرر شده و رقم مزبور در دست اولاد نیست که مشخص شود که بچه قید مقرر شده و بدستور قید است که چون ورثهٔ میرزا بیـگ یـکدیگر را بقتل رسانیده‌اند مبلغ مزبور را از قرار معمول برآورد نموده .....[1] و نسخهٔ بقـایا نموده‌اند و ورثهٔ مزبور بعضی‌محال را بتفصیل ضمن بقلم داده‌اند که وجه سیورغال‌را از محال مذکور بازیافت میکرده‌اند ودر تصرف ورثهٔ مزبوراست وجمع بعضی‌از آنمحال در دفتر مشخص‌است‌و بعضی مشخص نیست و دراین وقت که ولدان میرزا بیـگ مقتول شده‌اند و حکم امضا باسم سایر اولاد عزّاصدار نیافته تیولدار ولایت استراباد از آنمحـال که بسیورغال مقرر بوده ودخلی بتیولـداران استراباد نداشته بدستورمدخل ننمایند و آنچه محلی است که جمع آن مشخص است نزد ملاّك و رعایا مرقوف دارند کـه اگر بسیورغال ورثه مقرر شود بدستور سنوات ازمحل خود بازیافت نمایند واگر بدیوان متعلق‌شود

۱ــ دو کلمه خوانده نشد .

مستوفیان بر آن محل حوالد دارند و آنچه محلی است که جمع آن بامحال دیگر مجملاً جمع است رسد محل به‌محل مشخص نمی‌شود وازقرارتقریرورثه تنخواه مبلغ‌مذکور شده اگر در جزوجمع آن بمبلغی که ورثه قبول نموده‌اند و تنخواه سیورغال وضع‌شده بوده باشد مدخل ننموده در عوض وجه تتمهٔ سیورغال گذاردکه بنوعی که مقـررشود بعهده‌آید واگر زیاد بوده باشد مساوی وجه تتمه موقوف داشته زیاده را خودبازیافت نمایند بهیچوجه‌من‌الوجوه‌درمحالی که درعوض‌مبلغ چهارده‌تومان وچهارهزاروسیصد دینار بموجب‌ضمن‌بسیورغال اولادبوده‌مدخل ننمایند واولادمرحوم میرزا بیگ‌بدرگاه جهان‌پناه‌آمده‌استدعاء حکم‌همایون درباب‌سیورغال‌مزبورنمودند بنابرشفقت‌ومرحمت دربارهٔ اولاد مزبور مبلغ چهارده تومان وچهارهزار وسیصددینار که ازحشوتیولنامچه بشرح فوق وضع است در تاریخ فوت والد بسیورغال اولاد سیادت ونجابت‌پناه میرزا صالح ولد میرزا بیگ واولاد میرزاشرف ومیـرزا طهماسب ولد میرزا بیگ مشارالیه عنایت فرموده ارزانی داشتیم مستوفیان عظام دیوان‌اعلی آنچه از بابت سنوات حواله نمـوده‌اند تا ورود حکم صرف براتداران از ایشان بوصول رسانیده باشند بمواجب آن جماعت حساب نمـوده عوض بصاحب سیورغال ندهند و [از] صاحب سیورغال نطلبند و آنچه براتدار تا ورود پروانچهٔ صرف بوصول نرسانیـده باشد از محل طلب نداشته راجع داند و بدیوان آمده عوض بازیافت نماید کدخدایان و رعایاء محـال مذکورهٔ ضمن جماعت مذکور را صاحب سیورغال خود دانسته سال بسال مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی خودرا بدیشان جواب‌گویند وکلاء تیولدار در باب محلی که بامحال دیگر مجملاً جمع است [و] جمع هریك ازدفتر مشخص نمیشود و از قرار تقریر ورثه نوشته شده بموجبی که قبلزین حکم گذشته کـه اگر مساوی تتمهٔ سیورغال باشد مدخل ننمایند واگرزیاده باشد زیاده را خود متصرف شود با صاحبان سیورغال عهـده نموده بزوایـدمزاحمت بحال صاحبان سیورغـال نرسانیـده مدخل

درمحال‌سیورغال ننمایند براتداران محال‌سیورغال‌حسب‌المسطور مقرّر دانسته آنچه تا غایت از جملهٔ وجه برات خود وصول‌نموده باشند از جملهٔ طلب خود حساب نموده آنچه وصول نکرده باشند تن بدیوان آورده عوض بازیافت نمایند دراین باب قدغن دانسته ازفرموده تخلف نورزند هرساله حکم مجددطلب ندارند و از جوانب برین جمله روند وتفصیل ضمن پروانچهٔ مزبور بنحوی‌است که‌درذیل پروانچهٔ فوق مشروحاً نوشته شده :

رایج خراسان چهارده تومان وچهارهزار وششصد دینار

رسد تخفیف رمضان‌عن‌رسد سال ۹۰۸۳ دینار

الباقی صدوسی وچهارهزار و نهصدوهیفده دینار

و وجوهات قریهٔ حاجی‌کلاته وغیره محال استراباد بتفصیل ضمن که سابقاً بسیورغال میرزا بیگ‌فندرسکی بوده و متوفی شده از تاریخ فوت او مبلغ‌مزبور با آنچه ازجمله مبلغ چهارده تومان وچهارهزاردینار[1] که از قرار حکم بتاریخ شهر محرم سنهٔ ۱۰۴۱ از بابت محال استراباد بتفصیل فوق بسیورغال میرزاصالح ولد میرزا بیگ‌واولادمیرزا شرف‌ومیرزاطهماسب ولدان میرزا بیگ مزبورمقرر بوده رسد والد مرحوم مزبوربوده باشد بسیورغال ابدی واحسان‌سرمدی اولاد مزبور خصوصاً میرزاابوطالب مزبورشفقت شد که آنچه بعلت ملکی درمحال مزبوره دخل داشته باشد ازبابت مالوجهات ملکی خود و تتمه را از سایر شرکا موافق معمول ومأخوذ بازیافت نمایند واز سرکار توجیه دیوان‌اعلی‌وسرخط‌تصدیق‌برصدورپروانچهٔ‌مزبور نموده‌اندسیادت‌وصدارت و نجابت‌پناه هدایت ونقابت وفضیلت‌دستگاه افادت و افاضت و حقانیت انتباه‌حقایق و معارف‌آگاه

---

۱ ــ بالای مبلغ مذکور که با حروف نوشته شده است بعدد سیاق چهارده تومان و چهارهزار و ششصد دینار است و ظاهراً متن دستخوردگی دارد .

عالیجاه اسلام و اسلامیان ملاذ نظاماً للسیادة والصدارة والنجابة والهـدایة والنقابة میرزامحمدباقرصدر خاصهٔ شریفه ونایب صدرممالك محروسه تجویز نموده که آنچه در وجه مرحوم میرزاابوطالب ازسیورغال مزبـور مقرر ومستمر بوده باشد بسیورغال اولاد اوکه نمودند که منحصر درجماعت مزبوره ذیل‌اند هذا

ـــــــــ	ـــــــــ
شرفخان‌محمد	ابوصالح
ـــــــــ	ـــــــــ
اسمعیل	بیگ
ـــــــــ	ـــــــــ
عبدالعلی	ابوالعالم
ـــــــــ	ـــــــــ
ابراهیم	سیدعلی
ـــــــــ	ـــــــــ
جعفرسلطان	صنع‌الله
ـــــــــ	ـــــــــ
علی‌نقی	زین‌العابدین
مـــــــــماة	مـــــــــماة
فخرالنسا خانـم	حامده خانم
مـــــــــماة	مـــــــــماة
حلیمـه خـانم	معصومه خانم

علی‌الوقوع مقرر شود بنابرین مبلغ سی‌تومان عراقی از بابت مالوجهات ووجـوهات محال‌مزبوره ضمن باآنچه‌ازجمله‌مبلغ‌چهارده‌تومان‌وچهارهزاردینارخراسانی که‌بشرح

مسطورفوق بسیورغال اولاد میرزاصالح وغیره مقرر بوده رسد مرحوم مزبور بوده باشد از تاریخ فوت مرحوم مزبور بسیورغال ابدی واحسان‌سرمدی اولاد مشارالیـه مقرر فرمودیم‌که بدستورسابق‌مساوی مبلغ سی‌تومان عراقی آنچه بعلت ملکی‌درمحالمزبوره داخل داشته باشند ازبابت مالوجهات ملکی خود وتتمه را ازسایرشرکای محال‌مزبوره سال بسال موافق معمول ومأخوذ باز یافت نمایند مستوفیان‌عظام رقم این عطیه را در بارۀ اولاد مزبوره انعام مخلدبردوام دانسته در دفاتر خلود مثبت ومرقوم گردانیده از شوائب تغییر وتبدیل مصون ومحروس شناسند حکام وکلانتران وعمال ولایت استراباد حسب‌المسطور مقرر دانسته مطلقا در محال ملکی و سیورغال مزبور مدخل ننموده بعلت علفه وعلوفه وقنلغا و الام و الاغ و طرح و دست‌انداز وبیگارو شکارواخراجات حکمی وغیرحکمی مزاحمت بحال‌گماشته ورعایاء محال ملکی وسیورغالی مشارالیه نرسانیده قلم وقدم کوتاه و کشیده دارند ودرین‌باب قدغن دانسته از مضمون و مدلول حکم‌مطاع تخلف ننمایند و هرساله حکم مجدد نطلبند وچون پروانچه بمهرمهرآثار اشرف ارفع اقدس‌اعلی مزین ومحلّی‌گردد اعتباراعتماد نمایند و درعهده شناسند.

تحریراً فی‌شهرذی‌حجه سنه ۱۱۱۷.

۳۸

سواد حکم شاه سلطان‌حسین (۱۱۳۵ ــ ۱۱۰۵) در برقراری سیورغالات سادات را در وجه اولاد ایشان و مسلم شناختن ایشان از رسد سنوات والحال.

[جای مهر شاه سلطان‌حسین]

حکم جهانمطاع شد آنکه ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت‌دستگاه عالیجاه امیرالامراءالعظام بنده‌زادهٔ دیرین آستان امامت‌نشان شجاعاً للأیالة والشوکة والجلالة والحشمة والاقبال رستم محمدخان سعدلو بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد و حاکم رانکوه بشفقت شاهانه سرافراز گشته بدانند که عریضهٔ که درینوقت بدرگاه جهان‌پناه فرستاده عرض نموده بود که قبل ازین حسب‌الرقم اشرف مقرر شده بود که آنعالیجاه سیورغال سادات دارالمؤمنین مزبور را که وارث مستحق داشته باشند برقرار دانسته اسم باسم مشخص و عرضنماید که امضای اشرف بگذرد وجمعی‌که ازاستحقاق بیرون رفته سیورغال ایشان ازاستمرار افتاده باشد بدستورعرضنمایدکه ضبط شود وازقراری که آنعالیجاه تحقیق احوال سادات صاحب‌سیورغال الکای مزبور را نموده همگی مستحق وپریشان و مستهلکند و در میان ایشان غیر مستحق‌که سیورغال او ازاستمرار افتاده باشد نیست و بنابرعدم استطاعت قادر برگذرانیدن امضا نیستند واستدعا نموده بودکه سیورغال ایشان ممضی گردد بنظر آفتاب‌اثر رسید آنعالیجاه سیورغالات‌جماعت مزبوره را ممضی دانسته من‌بعد بدانعلت اعم از آنکه رسدسنوات والحال باشد چیزی مطالبه وبازیافت ننماید مستوفیان‌عظام حسب‌المسطور مقرر وسیورغالات معروضه را در وجه وراث صاحبان سیورغال برقرار و ممضی دانسته محتاج بگذرانیدن هریك امضای علیحده ندانند و در عهده شناسند.

تحریراً فی‌شهر شوال ۱۱۲۳.

۳۹

سواد فرمان‌شاه‌سلطان‌حسین(۱۱۳۵-۱۱۰۵) برای ملاعبدالخالق و باقی ورثهٔ شیخ‌عبدالمؤمن استرابادی که بیگلربیگی استراباد وجه سیورغال ایشان را بقرار دیناری یك دینار بازیافت نمایند.

. . . . . .[۱]

شاه سلطان محمد برّدالله مضجعه

[جای مهر شاه سلطان‌حسین]

فرمان همیون شد آنکه چون درینوقت فضیلت‌پناه ملاعبدالخالق و باقی ورثهٔ شیخ عبدالمؤمن استرابادی بعرض رسانیدندکه قریهٔ جلاین وغیره من‌اعمال دارالمؤمنین مزبور ملك مشارالیهم و سایر جماعت و مالوجهات آنها سابقاً بدستور اجدادبسیورغال اولاد امیر مفضّل و غیره استرابادی مقرر بوده وهرساله ازقرار معمول‌جزوسیورغالات الکاء مزبور بقرار دیناری دینار مهمسازی ایشان نموده‌اند و قبل ازین سیادت‌پناه میرزا ابراهیم و غیره اولاد ایشان در لباس عرض ورقم اشرف حاصل نموده‌اندکه وجه سیورغال را بدستورمحال تیول بقرار دیناری سه دینار بازیافت نمایند واز آنقرار دو سه سال وجه سیورغال را بعنف و تعدی بقرار دیناری سه دینار بازیافت نموده وبعد ازآن رقم اشرف دیگر بدستور در لباس‌گذرانیده‌اند که‌چون اقوام‌ایشان املاك در استراباد دارند عالیجاه بیگلربیگی وجه سیورغال مزبور راضبط وعوض‌از مالوجهات املاك مزبور تنخواه دهد وبدانجهت عالیجاه‌بیگلربیگی هرساله‌مالوجهات محال سیورغال مزبور را موافق عملکردتیول‌بقرار دیناری سه‌دینارمطالبه‌می‌نماید و

۱- چندین کلمه محوشده است وقابل خواندن‌نیست .

استدعا نموده که حکم‌اشرف صادر و مقرر گردد که تبدیل مزبور منظور نبوده صاحبان سیورغال وجه سیورغال خود را از محلی‌که در وجه ایشان مقرر است موافق معمول‌و دستور جزوکل سیورغالات الکاء استراباد بقرار دیناری دینار بازیافت‌نموده مستند بارقامی‌که در لباس در باب دیناری سه دینار و تبدیل محال مزبوره گذرانیده‌اند نگردند و از سررشتهٔ ارقام نوشته‌اند که درباب بازیافت سیورغال مزبور بقرار دیناری سه‌دینار و تبدیل آن با سایرمحال برینموجب ارقام بشرح رقم اشرف بتاریخ شهر جمادی‌الثانیه سنهٔ ۱۱۱۹ آنکه چون درینوقت میرزا محمدابراهیم المفضل الحسینی...[1] نایب‌الخدمه نواب‌کامیاب‌همایون ما بعرض‌رسانیدکه مبلغ ....[2] از بابت مالوجهات محال دارالمؤمنین استراباد سیورغال مشارالیه و سایر اولاد امیر مفضل و امیر جلال‌الدین ابناء امیرعلی‌مفضل متولی جداعلای ایشان مقرر است و بموجب پروانچهٔ امضای فرمان‌نواب خاقان طوبی‌آشیان قدسیمکان :. مقرر شدکه مال و حقوق دیوانی محال سیورغال را رعایاء محال مذکوره تسلیم ایشان نمایند و موافق معمول دیوان بایدکه دیناری سه دینار مهمسازی نمایند و مشارالیه قبل‌ازین‌مراتب‌معروضه را عرض و مقررشدکه از تاریخ پروانچهٔ امضا موافق عملکرد جزو مهمسازی‌نمایندو رسومات عملکرد جزونامشخص وباقی‌سنوات ملغی میشود وبازیافت‌آن باعث بددعایی است و استدعا نمودکه صریح مقرر گرددکه از تاریخ صدور رقمی‌که در باب عملکرد جزو شرف صدور یافته ومن‌بعد هرساله وجه سیورغال ایشان‌را موافق عملکرد دیوان بقرار دیناری سه دینار مهمسازی نموده موقوف‌ندارند ووجه تفاوت سنوات قبل‌ازرقم مزبور بجهت تحصیل دعای خیر بتخفیف مقرر گردد بنابرشفقت شاهانه و عنایت پادشاهانه در بارهٔ سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه و سایر اولاد مرحوم مذکور و حقوق خدمات آبا واجداد او مقرر فرمودیم که رعایا ومتصرفین محال سیورغال وجه

۱ـ یك کلمه خوانده نشد .	۲ـ به‌سیاق : نه‌تومان‌و چهارهزارو ششصد دینار .

سیورغال ایشان را از تاریخ صدور رقم عملکرد جزو ومن بعد هرساله از قراردیناری سه دینار موافق معمول دیوان مهمسازی مشارالیهم نموده موقوف ندارند ووجه‌تفاوت سنوات قبل از رقم مزبور رابتخفیف وتصدق مقرر دانند عالیجاه بیگلربیگی و تیولداران الکاء مذکورحسب‌المسطور مقرر وحکم سیورغال مزبور رابامضای‌همایون ممضی دانسته در هر باب بشرح ارقام و احکام سابق ایشان عمل نموده اصلاً ومطلقاً دخل در محال سیورغال مشارالیهم ننموده و بعلت علفه و علوفه و سایر اخراجات و عوارضات بهراسم و رسم‌که بوده باشد مزاحمت باحوال رعایاء محال مزبوره نرسانند در جمیع ابواب آنچه لازمهٔ امداد و اعانت بوده و اولاد مشارالیهم را درباب بازیافت وجه‌سیورغال ضرور و درکارباشدبعمل‌آورده مسامحه ننمایند واعزاز واحترام‌وتوقیر و اکرام ایشان را بجای آورده شکوه وشکایت‌ایشان را مؤثردانند رعایای‌محال‌سیورغال حسب‌المسطور مقرر و شرح ارقام سیورغال و تفصیل ضمن‌آنها را ممضی دانسته سال بسال وجه سیورغال‌را از قرار معمول دیوان دیناری سه دینار واصل ایشان نمایند و درین‌باب قدغن دانسته هرساله رقم مجدد طلب ندارند مستوفیان عظام‌کرام‌دیوان‌اعلی بنهج مقرر در دفاتر خلود عمل نمایند رقم بتاریخ‌شهر رمضان سنهٔ ۱۱۲۱ آنکه‌چون درینوقت‌اولاد مرحومی‌میرمفضل و میرجلال‌الدین نوادهای مرحوم میرعلی‌مفضل‌متولی آستانهٔ مقدسهٔ متبرکهٔ سدره مرتبهٔ عرش درجه بعرض رسانیدندکه‌حسب‌الارقام واحکام مطاعه مبلغ نه‌تومان[۱] از بابت مالوجهات محال دارالمؤمنین استراباد بسیورغال اولاد ایشان مقرر و مستمر وبرقراراست وارقام‌و احکام مزبوره بامضای اشرف رسیده ومقرر شدکه بقرار معمول دیوان هرساله مهمسازی نمایند و ایشان در مشهدمقدس معلی سکنی و اقوام‌ایشان در استراباد املاك دارند و استدعا نمودند که بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی استراباد مقررگرددکه آنچه از سیورغال ایشان از مالوجهات املاك و

۱ـ این مبلغ به‌سیاق نوشته شده است .

رقبات ایشان واقوام ایشان مقرر نباشد وازسایر محال مهمسازی مینموده باشند آنرا ضبط و مساوی آن عوض از مالوجهات املاك ورقبات اقوام ایشان ننموده.. [1] نگذارد که احدی دخل درمحال سیورغال ایشان نماید بنا برین مقرر فرمودیم که عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد آنچه از وجه سیورغال مزبور ازغیر املاك و رقبات اقوام ایشان مقرر باشد بنهج استدعا آن را ضبط و مساوی آن عوض از املاك ورقبات ایشان مهمسازی نماید که بازیافت وصرف معیشت خود نموده مرفه الحال بدعاگوئی دوام دولت بی‌زوال اشتغال نمایند و بنهجی که حسب الارقام مقرر است در محال سیورغال ایشان بهیچوجه دخل ننموده نگذارد که احدی نیز مدخل درآنها نموده مزاحمت برسانند و دراین باب قدغن دانسته در عهده شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و تاریخی که در تحت هر یك تعیین شد عزّ صدور یافته و از سرکار اوارجهٔ خراسان و توجیه وتمیز خط تصدیق نمودند که مبلغ ده تومان و سه هزار و دویست دینار از بابت مال وجهات قریهٔ جلاین وغیره محال دارالمؤمنین استراباد عن قدیمی زمان جنت مکان وجدیدی زمان نواب سکندرشأن سیورغال امیرعلی مفضل و امیرجلال الدین استرابادی مقرر بوده و بعد ازآن ازقرار پروانچهٔ امضا اشرف که بتاریخ شهرجمادالاولی سنهٔ ۱۱۱۴ صادرشده برینموجب بعد از وضع   نه تومان وچهار هزار دینار

قدیم	جدید				
	قریه	قریه	قریه	قریه	قریه
از بابت قریهٔ تومل	نرساباد	کلو	تومل	علیاباد	آدم محله
۱۸۳۳۳ دینار	۲۸۹۵ دینار	۱۳۷۵۰ دینار	۱۸۳۳ دینار	۵۲۲۵ دینار	۲۷۵۰ دینار

۱ــ یك کلمه محو شده و نمی‌توان خواند .

قریـــه

جلاین

هفت‌تومان و پنج‌هزار وهشتصد و سی‌دینار

دوازده یك که بتخفیف مقرر شده در وجه اولاد ایشان مقرر گردیده و مستمراست و قبل از اینکه محمدشریف وحاجی شیخ عبدالمؤمن استرابادی مالکان قریهٔ جلایـن عرض نموده بودند که‌مبلغی از بابت مالوجهات قریهٔ مزبوره وغیره استرابادبسیورغال اولاد امیرمفضل مقرراست و وجه سیورغال را لغایت پنج شش سال قبل ازیـن بدستور سایرصاحبان سیورغالات‌استراباددیناری‌یك‌دینار بازیافت نموده قبوض داده‌بودند ودر سنهٔ‌ایت‌ئیل که‌رایات جاه‌وجلال وارد مشهد مقدس معلی‌گردیده بود سیادت‌پناه میرزا ابراهیم درلباس عرض‌و رقم اشرف حاصل نموده که وجه مزبوره را از قراربـرآورد بقرار دیناری سه دینار بازیافت نماید وبدانجهت از آن تاریخ تاحال بعنف و تعدی بقرار دیناری سه دینار بازیافت نموده و درباب دستور عملکـرد جـزو سیورغالات استراباد بقرار دیناری دینار مجله ممهور بمهرجمعی‌از معتمرین ابراز واستدعاءحکم اشرف‌نموده بودند بعداز عرض حـقیقت دفتری و تصدیق عالـیجاه مستوفـی‌الممالك بالارث والاستحقاق‌که نوشته بودکه محضری‌که عارضون مزبوره درست‌نموده دردست دارند که هرساله وجه سیورغـال را از قرار دیناری یـکدینار مهمسازی مینموده‌اند ممهور بمهر جماعت معروف ومناط اعتبار است و میبایدکه صاحبان سیورغال‌از قرار عملکردجزوکه‌دیناری‌دیناراست‌بازیافت‌نمایند پروانچهٔ‌اشرف بتاریخ شهرربیع‌الاولی سنهٔ ۱۱۲۷ صادرگشته که چون‌از دفترصریحاً تصدیق‌نموده‌اندکه ازقدیم‌الایام‌الی‌الآن دستور سیورغالات دارالمؤمنین مذکور دیناری دیناربوده وهیچیك‌از ارباب‌سیورغال آنجا زیاده برین عمل ننموده‌اند درین صورت اگر میرزا ابراهیم مشارالیه درین‌باب رقمی بخلاف این‌معنی حاصل نموده باشد لباس خواهدبود مقرر فرمودیم‌که مشارالیه

ازدستور و معمول قدیم تجاوز ننموده دیناری زیاده از آنچه حسب‌الاحکام مطاعهٔ لازم‌الاطاعه مقرر است طلب ننماید و برقم لباس که درینباب حاصل نموده باشد مستند نگردد و آنچه درین سنوات گرفته باشد به سنوات بعد حساب نماید بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی الکاء مزبور که درین باب امداد حسابی بتقدیم رساند و چنانچه مقدمه بنحو دیگر بوده باشد حقیقت عرض نماید و عالیجاه مستوفی‌الممالك بالارث والاستحقاق تصدیق نموده که عملکرد سیورغال مزبور موافق آنچه درپروانچهٔ اشرف صادره بتاریخ شهرربیع‌الاولی سنهٔ ۱۱۲۷ تشخیص یافته دیناری یکدینار بوده وهستو رقمی که درباب تبدیل آن با محال ملکی اقوام که بتیول عالیجاه بیگلربیگی مقرر است حاصل نموده‌اند محض تدلیس است که وجه سیورغال خود را از محال تیول بیگلربیگی که عملکرد جزو آن دیناری سه دینار است بازیافت نموده بیگلربیگی نیزوجه تیول خود را از محال سیورغال ایشان دیناری سه دینار نگیرد واین معنی باعث ظلم و زیادتی بر ملاك و رعایاست هرگاه مقرر شود که عالیجاه بیگلربیگی استراباد تبدیل مزبور را منظور نداشته وجه تیول خود را ازمحالی که سابقاًمیگرفته بازیافت نماید وقریهٔ جلاین‌وغیره بدستور سنوات بسیورغال معمول باشد که از باب سیورغال از قرار عملکرد جزو بقرار دیناری یکدینار بازیافت نموده زیادتی‌واقع نگردد مقرون بحساب و موجب تحصیل دعای‌خیر خواهد بود بنابرین چون ارقامی که ورثهٔ میرمفضل و غیره مذکور در باب دیناری سه دینار و تبدیل محال سیورغال مزبور بامحال تیول عالیجاه بیگلربیگی‌صادر گردانیده‌اند بدون‌کیفیت‌دفتری بوده و خلافحساب [و] محض تدلیس است بشرحی که عالیجاه مستوفی‌الممالك بالارث والاستحقاق تصدیق نموده مقرر فرمودیم‌که عالیجاه‌بیگلربیگی دارالمؤمنین مذکور تبدیل مزبور را منظور نداشته وجه تیول خود را ازمحلی‌که تیول‌بیگلربیگیان‌مقرر است بازیافت و محال سیورغال را بدستور سابق بصاحب سیورغال گذارد که از قرار

عملکردی که قبل ازاین درپروانچهٔ اشرف مشخص گردیده بقرار دیناری یکدینار سال بسال گرفته زیادتی ننمایند و چنانچه تعلیقی و رقم نقیضی من بعد میرزا ابراهیم مزبور و غیره صاحبان سیورغال صادر گردانند مستوفیان عظام‌معمول‌و منظور ندارندو در عهده شناسند .

تحریراً شعبان‌المعظم‌سنه ۱۱۲۸.[1]

٤٠

نامه‌ای که شاه‌طهماسب‌ثانی (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) در جواب عریضهٔ میرسید مفید موسوی استرابادی نوشته و خبر وصول کتاب اعتقادات ابن‌بابویه را داده است .

[جای مهرشاه‌طهماسب ثانی][2]

سیادت وافادت‌پناه افاضت و کمالات‌دستگاه نظاماً للسیادة و الافاضه میر سید مفیدالموسوی استرابادی بمراحم‌خدیوانه ومکارم خسروانه مستبشرومستمال‌بوده‌بداند که عریضهٔ که درین وقت بدربار عظمت‌مدار سلطانی ارسال نموده بایك جلد کتاب اعتقادات مرحوم شیخ‌ابن‌بابویه راکه جهت نواب‌همایون ما فرستاده بود در محلی که رایات فیروزی‌آیات حرکت‌بجانب عراق می‌نمود بنظر آفتاب‌اثر رسید چون دعای سادات عظام وعلمای اعلام جهت نکونساری اعلام مخاصمان نکبت‌فرجام ضروروﻻزم است می‌بایدکه نواب همایون مارا درمظان استجابت دعا ازدعای خیرفراموش‌نساخته فتح‌ونصرت کارکنان این دولت ابدمدت وقلع‌وقمع مخاصمان و اعادی این سلطنت را

۱ ـ در ذیل سواد تاریخ ۱۱۱۸ بود . از آنجاکه در متن اشاره به‌اسنادی می‌کندکه میان سالهای ۱۱۱۹الی۱۱۲۷نوشته شده‌اند ، این تاریخ رابه سال ۱۱۲۸ تبدیل کردیم .
۲ ـ مهرچهارگوشهٔ شاه طهماسب باسجع : « بندهٔ شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۷ » ودر کلاهك بالای آن : « بسم‌الله » . اطراف مهر حاشیه‌ای سیاه و بالای کلاهك‌تزیین‌است .

از درگاه قادر لایزال سایل بوده مطالب و مدعیاتی که داشته باشد بعرض عاکفان سدهٔ والا رساند و بتوجهات پادشاهانه مستوثق ومستمال باشد

۴۱

حکم شاه طهماسب ثانی (۱۱۴۴ - ۱۱۳۵) برای میرزاسیدمفید استرابادی که عساکر منصوره و غازیان و صوفیان را برای حرکت به عراق ترغیب و تحریض کند .

الله تعالی

الهی جل شأنه

ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

[جای مهر شاه طهماسب ثانی][1]

حکم جهانمطاع شد آنکه سیادت و نجابت پناه هدایت و نقابت دستگاه نظاماً للسیادة والنجابةوالهدایةوالنقابه میرزا سیدمفید ساکن استراباد بشفقت موفور شاهانه ومرحمت غیرمحصور پادشاهانه سرافراز گشته بداند که درینوقت که از فضل جناب اقدس ∴ و امدادبواطن قدسیهٔ حضرات ∴ عبدالله پاشای حاکم وان را که باچهل پنجاه هزار رومی برسردارالسلطنهٔ تبریز آمده بود شکستهای فاحش داده تنبیه و گوشمال فرمودیم عازم عراق گردیده ایم که ان شاء ∴ اعادی آنحدود را نیز بتوفیقات شامله ∴ بجزای خود رسانیده دفع ورفع فرمائیم وان شاء ∴ عنقریب ساحت ولایت عراق مضرب خیام عساکر نصرت فرجام خواهد شد و ایالت وشوکت پناه حشمت وجلالت دستگاه عالیجاه مقرب الخاقانی

---

۱ ــ مهر چهارگوشهٔ شاه طهماسب ثانی باسجع : « بندهٔ شاه ولایت طهماسب ثانی ۱۱۳۷ » وسطر اول بالای سجع مهر : « الرحمن الرحیم » ودر کلاهك بالای مهر « بسم الله » حك شده است .

غلامزادهٔ قدیمی ما فخرالایالةوالشوکةوالجلالةوالحشمة والاقبال احمدخان تفنگچی آقاسی ونایب قوللرآقاسیو حاکم رانکوه وتنکابن را روانهٔ الکای‌استراباد وآنحدود فرمودیم‌که عالیجاه بیگلربیگی الکاء مزبور را با عساکرمنصوره وغازیان‌وصوفیان و اخلاص‌کیشان این دودمان ولایت نشان سکنهٔ آنولایت برداشته در عراق بموکب همایون حاضر سازد که در راه دین‌و دولت خدمت و جانفشانی نموده هریك فراخور حال ومرتبه مورد نوازشات خدیوانه و اصطناعات بیدریغ خسروانه گردند می‌باید آن سیادت و نجابت‌پناه که از زمرهٔ مخلصان و دعاگویان این دودمان ولایت‌نشان است در ترغیب و تحریض غازیان‌و صوفیان ومردم آنولایت و جمعیت وآمدن باتفاق عالیجاه مشارالیه برکاب ظفرانتساب جهة دفع‌ورفع اعادی دین‌مبین لوازم اهتمام بعمل آورده ایشانرا سرگرم دفع مخالفین سازد و آنچه لازمهٔ جدوجهد است دریـن باب بتقدیم رسانیده حسن سعی خود را ظاهر سازد و بتوجهات پادشاهانه مستظهر و امیدوار بوده باشد .

تحریرا فی‌شهر صفرالمظفرسنه ۱۱۳۷ .

۴۲

حکم شاه طهماسب ثانی (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) برای عمال و داروغگان و کدخدایان استراباد که شهسوار و محمدکاظم و باقی اولاد درویش‌حسین و درویش‌الله‌داد که خدمهٔ امامزاده‌عبداله هستند بعلت اخراجات بخلاف حکم و حساب طلب و توقعی از ایشان ننمایند.

امامزاده عبدالله علیه وآبائه السلم

شاه عباس الثانی خلدالله فی الخلد مقامه

جدبزرگوارم طاب ثراه

شاه بابا ام ایده‌الله تعالی بلطفه الخفیه

[جای مهر شاه طهماسب ثانی][1]

حکم جهان مطاع شد آنکه چون درینوقت شهسوار و محمدکاظم و باقی اولاد درویش حسین ودرویش الله‌داد رقاب پروانجات زمان نواب خاقان خلدآشیان طوبی‌مکان ؞ و صاحبقرانی ؞ و رقم نواب کامیاب مالك رقاب سپهر رکاب ؞ که بتاریخ سنهٔ ۱۱۱۶ صادر شده ابراز خلاصه مضمون آنکه چون درویش حسین ودرویش‌الله‌داد بعرض رسانیدند که بدستور قدیم بامر خدمت جاروب‌کشی آستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم ؞ واقعه در قریهٔ خواسترود دارالمؤمنین استراباد قیام و اقدام می‌نمایند و عمال و داروغگان وکدخدایان آنولایت درجزو مطالبات و شلتاقات وتکالیف خلاف‌حکم و حساب بایشان مینمایند وقلیلی اراضی ونیم‌سنگ آب وقفی‌آستانهٔ مزبوره را که از

۱ ـ مهر چهارگوشهٔ کوچك کلاهك‌دار شاه‌طهماسب در کلاهك : « بسم‌الله » و در قسمت مربع : « بندهٔ شاه‌ولایت طهماسب ۱۱۳۷ » .

قدیم‌الایام بسرکار آستانهٔ مقدسهٔ مزبوره متعلق است جمعی بخلاف حساب تصرف و دخل‌مینمایند و متعرض‌احوال خدمه وعملهٔ آستانهٔ مزبوره می‌شوند ومزاحمت خلاف حکم وحساب میرسانند واستدعای صدور رقم امضای همایون ما نمودند بنابرین پروانجات مطاعه را من‌اوله‌الی‌آخره دربارهٔ ایشان بامضای همایون ممضی ومنفذ و مقرر فرمودیم که حکام‌و عمال و داروغگان و کدخدایان‌آنولایت اصلاً و مطلقاً بخلاف حکم و حساب پیرامون اراضی وآب وقف آستانهٔ مزبوره نگشته مزاحمت بحال مجاوران وجاروب‌کشان آنجا نرسانند وبعلت اخراجات خلاف حکم وحساب و عوارضات ممنوعه خصوصاً علفه و علوفه و شکار و بیگار و طرح و دست‌انداز و سرشمار و خانه‌شمار غیرحکمی‌و دیوانی وسایر تکالیف مسدوةالابواب بهراسم‌و رسم که بوده باشد طلب و توقعی از ایشان ننمایند و رعایت و مراقبت احوال مجاوران آستانهٔ مزبوره را لازم شمرند بعهدهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد که امداد حسابی بمجاوران مزبورین بتقدیم رساند و نوعی نماید که مرفه‌الحال و فارغ‌البال در آستانهٔ مزبوره بدعاگوئی دوام دولت روزافزون قیام نمایندو درین‌باب اهتمام تمام لازم دانند و هرساله رقم مجدد طلب ندارند ودرعهده‌شناسند مقرر آنکه از عهدهٔ هریك بیرون آیند .

تحریراً فی‌شهر محرم‌الحرام سنه ۱۱۳۸ .

۴۳

عرضه داشت میرمحمدمفید موسوی استرابادی به‌درگاه شاه طهماسب‌ثانی (۱۱۴۴-۱۱۳۵) که وظیفه و سیورغال قدیمی که قطع کرده‌اند دوباره برای‌او و برادرزاده‌هایش برقرار دارند.[1]

صاحب‌الامرعلیه‌السلام[2]

عرضه داشت داعی دوام دولت قاهره بذروهٔ عرض ایستادگان پایهٔ سریراعلی‌میرساند که این بنده محمد مفیدالموسوی الاسترابادی مراسم عبودیت و فدویت دعای بقای عمر و دولت لایزال و خلود سلطنت ابداتصال را وظیفهٔ دایمی وراتبهٔ شبانروزی خود ساخته درگاه و بیگاه علو پایه‌تخت فیروزبخت سلطانی وقوام قوایم سریر معدلت‌ـ نصیر خاقانی را از درگاه سبحانی مستدعی است امید که ایام جهانبانی و جهانداری بظهور حضرت ∴ متصل و اعادی دین و دولت ابد قرین همواره مخذول و مستأصل بوده سایهٔ مرحمت آن قبلهٔ جهانیان از فرق فرق عباد به تخصیص این بلاد کم نگردد بحرمةالنبی والوصی چون براین ذرهٔ ضعیف که پیوسته بعد از فضل و مرحمت‌ربانی از تابش انوار آفتاب مهر و عنایت ولینعمت حقیقی ظلمت‌زدای تیره‌روزیهای ایام زندگیست عرض بعضی امورکه مستلزم حصول دعای خیر بجهت ذات اقدس بوده باشد لازم میباشد لهذا قدم بربساط جرأت گذاشته بعرض اینمطلب جسارت مینماید که بعضی از سادات و عجزهٔ دارالمؤمنین استراباد از قدیم‌الایام حسب‌الاحکام مطاعهٔ سلاطین جنت‌مکین که بامضاء همایون رسیده و بموجب ارقام مبارک که قبلهٔ‌حقیقی بقلیلی ازوجوهات‌اینجا مؤظف وصاحب‌سیورغال بوده‌اند ازآنجمله

۱ـ در نوشتن‌عرضه‌داشتها رسم‌چنین است که یك سوم بالای‌آن راسفید می‌گذارندتا دستورات لازم به‌وسیلهٔ مسؤولان امرنوشته و امضاشود .

۲ـ این‌عبارات بربالای‌عرضه‌ـ داشت طرف راست نوشته شده است و فاصلهٔ‌آن بامتن درحدود یك‌سوم درازای‌کاغذ است .

این بندهٔ حقیر و برادرزادهای کمترین‌اند که حال سیورغال مزبوره مجدداً قطع و با وظایف بضبط مقررشده ومدارگزار اکثری از سادات منحصر بهمین قلیل وظیفه و سیورغال و آنجماعت اباًعنجد راتبه‌دار خوان نوال این دودمان مروت‌نشان وبندهٔ دعاگوی قبلهٔ عالمیان و قطع آنها باعث ناامیدی وحرمان و استمرارآنها موجب‌دعای خیر است هرگاه بتصدق فرق فرقدانسای اشرف رقم برقراری وظایف و سیورغالات عموماً شرف صدور یابد باعث مزید دعاگوئی و امیدواری اهل این ولایت‌است دیگر امر از قبلهٔ حقیقی است .

[برقسمت بالای عرضه‌داشت ، رقم دیوان ، با خطی که کرسی‌آن باکرسی نوشتهٔ متن چهل و پنج درجه اختلاف دارد چنین‌آمده است :]

حسب‌الامر الاعلی‌آنچه بهرجهت‌بصیغهٔ سیورغال و وظیفه و مددمعاش قدیمی‌وجدیدی حسب‌الارقام و احکام مطاع لازم‌الاطاعه در وجه سلالةالسادات والنجباء العظام علاّمی فهّامی میر سید مفید و اولاد و برادرزادهای مشارالیه مقرر است کماکان در وجه ایشان مقرر و برقرارگردیدکه قطع دربارهٔ ایشان منظور نباشد گماشتهٔ عالیجاه بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد ومحصلان ضبطوظایف وغیره حسب‌المسطور مقرر دانسته بهیچوجه من‌الوجوه دخل در محال سیورغالات مدد معاش و وظایف محلی قدیمی و جدیدی مشارالیهم ننموده قدم و قلم کوتاه وکشیده دارند و دراینباب اهتمام تمام دانسته در عهده شناسند باسناد نقیضه مستند نگردند .

تحریراً فی‌شهر محرم‌الحرام سنه ۱۱۴۰.

[جای مهر][1]

۱ــ مهر بیضی باسجع : «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» به‌خط ثلث ودرسمت راست‌آن بالای میم «رحیم»سنهٔ ۱۱۳۹ خوانده می‌شود .

۴۴

حکم شاه طهماسب دوم (۱۱۴۴ ـ ۱۱۳۵) برای غـازیان قاجار استراباد و شماتت و سرزنش ایشان بدان سبب که خـود را از لباس سپاهیگری عاری ساخته‌اند.

[جای مهرشاه طهماسب دوم][1]

الله تعالی

حکم جهانمطاع شد آنکه غازیان قاجار استراباد بهمهٔ ابـواب بتوجهات خاطـر خطیر خاقانی امیدوار بوده بدانندکه عریضهٔ که درباب احوالات آنحدود واخلاصمندی خود بدرگاه جهان‌پناه فرستاده بودند بنظر آفتاب‌اثـر رسید و مضامین آن معلوم رای جهان آرا گـردید سلوك آن غازیان و افعال ایشان منافی روّیهٔ اخلاصمنـدی است درینمدتی که نواب همایون ما متوجه احوال ایشان شدیم و ایشانرا برتمامی ایـلات رجحان دادیم منظور آن بود که باعانت‌الهی و حسن سعی و اهتمام و نیکو خدمتی و خادمی ایشان همت والانهمت را بمحافظت و انتظام مملکت ودفع مخالفـین مصروف فرمائیم که وسعتی درمملکت بهمرسیده باعث رفاه خلق‌الله وآرامش عبادالله و عجزه و مساکین‌و استحکام مبانی‌دین مبین شود ایشان بی‌حمیتی‌و بی‌غیرتی‌را شعار خودساخته نتوانستند که بقدرپنجشش ماه دررکاب ظفـرانتساب بوده خـدمت نمایند جمعی بـه جمعیت مال و منال و تجارت و بعضی به سرانجام اسباب خودآرایی و نخوت و برخی بتحصیل آب و ملك ومواضع زراعت و فوجی بگاوچرانی و جمعی بشبانی‌مشغول‌شده خود را از لباس سپاهیگری عاری ساخته مدار بکاسبی و رعیتی قرارداده‌اند وهریك

---

۱ ـ مهر مربع کوچك‌شاه طهماسب دوم باسجع: «بندهٔ شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۹»و درکلاهك بالای آن: «بسم‌الله».

بتقریبی اوقات خودرا صرف شغلهای پوچ مینمایند چه‌گونه بخود گوارا کرده‌اند که نواب همایون مارا در خراسان گذاشته خود رفته در خانهای‌خودبصحبت زنان وعیش اوقات‌گذرانند و هرچند روز عریضه نوشته باردوی معلّی میفرستند‌که‌مضامین آن‌سراپا اظهار اخلاص و بندگیست که هیچیك مبنی براصل نیست و همه محض حیله وخدعه است و حاکمی که بآنولایت تعیین نموده میفرستیم با او در مقام عدم اطاعت بوده هیچکدام از حکام را تمکینی‌نمیدهند و بهیچ‌چیز راضی نمیشوند ازمگس ضعیف‌تر حیوانی نمیباشد خانه وآشیانی که جهة خود بنا میکنند که در آنجا عسل ترتیب دهند هرگاه از خارج مگس بیگانه خواهدکه داخل آن شود جهة دفع او جمعیت نموده بزرگ خود را آگاه و در خدمت اوکوشش ودفع‌غیر مینمایند امروز کاربراهل ایران تنگ‌شده و روزبروز از اطراف دشمنان قوی‌گردیده خداناخواسته شرّ اعادی بربقیه‌که مانده سرایت خواهد نمود وبالمآل ازتغافل وکناره‌گردی مثل اهل اصفهان مال‌وحال همگی بتاراج حوادث رفته جمعیت ایشان پراکنده شده خداناخواسته‌باعث آن میشود که عصمت ایشان نیز باسیری افتاده جان‌هم در معرض تلف باشد چرا مآل کار خود را ملاحظه نمینمایندتا چند درمقام تغافل میباشند دربنمدت باقرب ایشان بدشمن‌که فاصلهٔ‌آن‌یکمنزل هم نیست باوجود آنکه‌از ملاعین‌مخالفین‌مکرر بفیروز-کوه وسمنان وبلکه نزدیکتر آمده مال‌واسیرو غنیمت مسلمانان‌را برده‌اند ایشان‌مطلق استمدادی بعجزه و مساکین نکرده بازبعضی از رعایا بخود هموار نکرده تعاقب آنجماعت بیعاقبت نموده مال واسیر خود را برگردانیده‌اند با وجود اینمراتب باز از اخلاصمندی و غیرت‌و حمیت دم میزنند مقام حیرت‌و تعجب‌است‌که سپاه‌جنیبتی‌درآن حدود بوده اینهمه تعدیات دشمن را برأی‌العین ملاحظه نموده ساکت باشند و این مشخص است که قرنها است‌که تمامی اهل ایران راچشم در خوان احسان سلسلهٔ علیهٔ عالیهٔ صفویه بوده است خصوصاً غازیان قاجار را که در مدت سلطنت این سلسلهٔ علیه

چشم امید برخوان غیر ندوخته گمان آن نیست که خدمتگذاری‌غیر را برخودگوارا نموده باشند در اینصورت شیوهٔ اخلاصمندی آن نبود که نواب همایون مارا آورده در خراسان گذاشته و خود رفته بتحصیل‌و جمع‌کردن زر ودر زیرخاك‌دفن‌نمودن‌آن پردازند حاصل این امورچه خواهد بودو این صفات خود حالت مردان نیست تاچند اوقات صرف تحصیل‌مال‌و دفن نمودن آن میشود و مآل این کارچه خواهد بود آیا از اینقرارمال‌وحال به احدی خواهد ماند وازاین مال چه طرف خواهند بست ان‌شاء ∴ جناب اقدس مرحمتی باحوال شیعیان امیرالمؤمنین علیه‌السلم فرماید که بـقیه کـه مانده‌اند از دست‌انداز مخالفین در امان باشند نواب همایون مـا را منظور آن‌کـه بخدمتگذاری‌آن مخلصان بعون∴ تصرف‌ممالك ایران‌وبلکه از بلاد مخالف نیز بقبضهٔ تصرف در آورده‌آبروی تازه تحصیل فرمائیم‌که تدارك‌آنچه واقع شده ان‌شاء ∴ باسهل وجهی میسرگردد و از قراری که ملاحظه میفرمائیم مشکل است‌کـه غیرت‌و حمیت ایشان منشأ اثری تواند شد در چنین‌وقتی که مال و حال از دشمنان توان گرفت که درآن ضمن‌هریك صاحب مراتب عظیمه و آبرو وباعث تقویت ملك‌و ملت‌شده‌آثارآن تا انقراض عالم باقی خواهد ماند پس‌فطرتی‌وکم نفسی را پیش‌نهاد خود ساخته‌بشغل و کسب رعیتی خود را راضی نموده‌اند نمیدانیم که نواب‌همایون مارا چه بایدکرد که ایشان راضی باشند در مراتب مزبوره تفکر نموده بتوجهات شاهانه مستظهر باشند .

تحریرا فی‌شهرصفر ختم‌بالخیر والظفر سنه۱۱۴۰ .

٤٥

عرضه داشت درویش‌حسین ودرویش زین‌العابدین‌خدمتکاران امامزادهٔ قریهٔ خواسته‌رودوحکم محمدحسن‌بن فتحعلی‌خان در بالای آن .

عرضه داشت کمترین بندگان بذروهٔ عرض نـواب

درویش حسین و درویش‌زین‌العابدین ساکنان قریهٔ خواسته‌رود[۱]

مستطاب فلکجناب مستغنی‌الالقاب عالی میرساند که کمترینان‌ازآباواجدادقدیم‌الایام خدمت‌کار معصوم‌زادهٔ قریهٔ خواسته‌رودبودند و نیم‌سنگ‌آب ازرودخانهٔ قریهٔ مزبوره نیزوقف معصوم‌زاده میباشد که اختیار آن هم با فقیران بوده سوخت‌چراغ معصوم‌زادهٔ مذکور صرف میشد و برصدق این مدعا ارقام‌ازحکام‌و خوانین سابق در دست[است] استدعا آنکه بتصدق فرق اقدس اشرف ارفع وبحرمت‌ائمهٔ‌اطهار سایه دستی‌شفقـت و مرحمت فرمایند که حال نیز خدمت امامزادهٔ مذکوره و اختیار نیم‌سنگ‌آب مزبوره با کمترینان بوده که‌بامر خدمتگاری اشتغال داشته هرقدر حـاصل‌که از آب مزبور بعمل آیدبکار معصوم‌زاده صرف شود یقینکه عندالله و عندالرسول ضایع نخـواهد شد امرکم مطاع .

[حکم محمدحسن‌خان بن فتحعلی‌خان (۱۱۹۳ ـ ۱۱۶۲) در حاشیهٔ بالای همین عرضه‌داشت :]

هو

حکم‌عالی‌شد آنکه صاحبانعریضه بحصول اطلاع برمضمون رقم عالی‌بدستور سنواة سابق خود راخادم‌معصوم‌زادهٔ منوره دانسته زراعت واختیار نیمسنگ‌آب‌رانیز بنحوی

---

۱ ـ این سطر درمتن عرضه‌داشت دست‌خوردگی‌دارد . ظاهراً متن عرضه‌داشت رااهل قلم می‌نوشته‌اند و صاحبان عرضه‌داشت نام خود رابه‌خط خود می‌نوشته‌اند بدان می‌افزودند.

که متوجه بودند متوجه بوده حسب‌الواقع در خدمتگذاری معصوم‌زاده علیه‌التحیة والسلام لازمهٔ اهتمام نموده .

تحریراً فی‌شهرربیع‌الثانی سنه ۱۱۶۵ .
[محل مهـر][1]

٤٦

عرضه‌داشت اولاد درویش حسین و اولاد درویش‌الله‌داد خدمهٔ آستانهٔ خواسته‌رود با حکمی در حاشیهٔ بالای آن .

عرضه داشت کمترین بندگان بذروهٔ عرض

اولاد درویش‌الله‌داد وسایر خدمهٔ آستانهٔ عرش‌درجهٔ امامزادهٔ خواسته‌رود[2] ایستادگان محفل‌اقدس والا میرسانندکه این‌کمترینان ازقدیم الایام مشغول‌بخدمت و جـاروبکشی امامزادهٔ واجب‌التـعظیم خواسته‌رود بوده و می‌باشیم و کمترینان ملقب بطایفهٔ رقاب و ازقدیم‌الایام از سایر رعایاء خواسته‌رود مستثناوخارج‌بوده ودرتکالیف دیوانی داخل ایشان نبوده وارقامات پادشاهان‌سلف ورقم معدلت‌شیم مرحمت و غفران پناهان رضوان جایگاهان سردار وحسین‌قلیخان در دست‌کمترینان می‌باشد ودر عصر هر صاحب حـــکمی کمـــترینان معـاف و مسلم بوده بـامر خدمت‌گـذاری امـامزادهٔ واجب‌التعظیم مشغول التماس‌و استدعا از کرم‌عمیم بندگان والاآنکه رقم‌معـدلت‌شیم شفقت و مرحمت فرمایند که احدی بعلت تـکالیف دیوانی مزاحمت‌باحوال کمترینان نرسانیده گذارندکه برفاه حال‌وفراغ بال بـامر دعاگوئی بنـدگان والا و جاروبکشی امامزادهٔ واجب‌التعظیم اشتعال نمائیم کـه هراینه باعث ازدیاد دولـت و مزید جاه و

۱ـ مهر مستطیل باسجع : « محمدحسن‌بن فتحعلی » . ۲ـ نام خدمه و عبارات پس ازآنها دست‌خوردگی دارد و با قلم متن سازش‌ندارد .

منزلت بندگان والا خواهد بود و عندالله وعندالرسول ضایع نخواهد شد امرکم‌العالی مطاع .

[در حاشیهٔ بالای این عرضه‌داشت با خطی خوش تحریر شده است:]

هو

حکم‌عالی‌شد آنکه چون عارضین بشرح متن عرض و استدعا نمـوده‌اند و ارقام و احکام سلاطین سلف نیز در دست ایشان میباشد وکلاء عالی هم پنج‌خانوار ازعارضین را از تکالیف عوارض و سرشماری بالمرّه معاف و مرفوع‌القلم فرموده که بخاطرـ جمعی متوجه خدمت مقرره باشند حکام‌و عمال استراباد بنحو مقررو معمولداشته در در عهده دانند .

تحریراً فی شهرربیع‌الثانی سنه۱۱۹۶.

[محل‌مهر][1]

٤۷

حکمی با مهر باباخان که برای امامقلی‌خان قاجار بیـگلربیگی استراباد نوشته شده است و به او دستـور داده شده است کـه آقامیر زین‌العابدین وسایر سادات را از عوارضـات دیوانی و اخراجات ولایتی معاف بدانند .

حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه ایالت و شوکت واقبال‌پناه ابهت‌و مناعت‌و فخامت اکتناه اخلاص و ارادت‌آگاه امیرالامراءالعظام امامقلی‌خان‌قاجار بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد باشفاق شاهانه مفتخرو سرافرازبوده بداند که چون حسب‌الرقم

---

۱ ـ مهری چهارگوشه که این عبارات درآن دیده می‌شود : « الله محمد علی افوض امری الی‌الله » .

خاقان خلدآشیان علیین‌مکان نوراللهمرقده قرای مفصله ملکی عالیجناب مقدس‌القاب حقایق‌ومعارف‌اکتساب عزت و سعادت‌انتساب سلالةالسادات‌العظام آقامیرزین‌العابدین

قریه	قریه	قریه	قریه	قریه	قریه
نوچمن	گرجی‌محله	روشن‌آباد	سرخل	علیاباد	

وسایر سادات عالی درجات این سلسلهٔ علیه از عوارضات دیوانی‌و اخراجات ولایتی معاف بودند بغیر از نوکر رسدی خودشان را که همه ساله میدادند درینوقت بعرض مقربان حضورباهرالنور رسید که تکالیف و عوارض از آنها مطالبه مینمایند لهذا بآنعالیجاه امرو مقررمیشودکه بعداز حصول اطلاع برمضمون فرمان‌مبارک‌مطاع قرای مفصلهٔ سادات را از عوارضات و استصوابیات و اخراجات ولایتی و تکالیف‌شاقه وسایر مواد معاف و مسلم داشته که همان ملازمهای رسدی خودشان و اخراجات آنها را داده زیاده از ایشان مطالبه ننموده مزاحم نشود و درهرباب عزت [و]مراعات‌جانب سادات عالی درجات مزبور را منظورداشته مطالب خود را از روی امیدواری‌عرض و مقرون بانجاح داند.

تحریراً فی‌شهرجمادی‌الثانی سنه ۱۲۱۲.

[جای مهر][۱]

۱ــ مهری مربع‌مستطیل باسجعی که دوسه کلمهٔ آن از این قرار است : «عبده باباخان».

٤٨

فرمان فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای میرزین‌العابدین و آقا سیداحمداسترابادی که‌مبلغ یکصدتومان تبریزی راکه مصحوب ملاعبدالکریم به استراباد فرستاده است فیمابین فقرا و ارباب استحقاق و محتاجان تقسیم کنند و قبض رسیدگی از ایشان حاصل کنند و به‌دربار بفرستند.

بسم‌الله شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم‌همیون‌شد آنکه عالیجنابان مقدس القابان حقایق ومعارف اکتسابان فضایل و کمالات انتسابان افادت و افاضت مآبان عمدتی الفضلاءالعظام آقامیرزین‌العابدین و آقا سیداحمد استرابادی بمزید توجهات سلطانی امیدواری حاصل نموده بدانند که درینوقت مبلغ یکصد تومان تبریزی وجه‌حلال‌مصحوب عالیجناب مقدس القاب ملاعبدالکریم ارسال فرموده‌ایم باید آنعالیجنابان بعداز حصول‌آگاهی واطلاع برمضمون فرمان مطاع وجه مزبور را بصلاح یکدیگرفیمابین فقرا وارباب استحقاق و محتاجان دارالمؤمنین استراباد تقسیم وسویت نموده قبض رسیدگی از ایشان حاصل و ارسال دربارگیتی‌مدارسلطانی نمایند درین باب قدغن لازم دانسته وجه مزبور را مهمسازی مستحقین وفقرای آنجا نموده دعای خیربجهت ذات اقدس ووجود مقدس حاصل سازند و الطاف بیغایت پادشاهی‌را شامل حال خود دانسته پیوسته مطالبات ومدعیات‌خود را عرض ومقرون بانجاح دانندرعهده‌شناسند.

تحریراً فی شهر ذی‌قعدةالحرام سنه۱۲۱۲.

---

۱ ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه با سجع :
«گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی»
و در کلاهك بالای آن : « العزةلله » .

۴۹

دستور فتحعلی شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) به آقاسید احمد که مبلغ ششصد تومان تبریزی ارسالی را به دست خود میان فقرا و مساکین تقسیم کند و ازهریك قبض بازیافت نماید.

[جای مهر فتحعلی‌شاه] [۱]

عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات‌اکتساب عوارف‌ومعارف‌انتساب افادت وافاضت مآب افضل‌الفضلاءالعظام سلالةالاطیاب‌الکرام آقـاسید احمد سلمه‌الله‌تعالی ازمشکوة عنایات بهیّهٔ حضرت سبحانی اقتبـاس انوار فیوضات متوافـره واز قبسات‌مکارم جلیهٔ خسروانی استضائهٔ اعطاف متکاثره نموده بروسادهٔ عزت و سعادت مـتمکن باشد بعداز ترسیم‌مراسم محبت مشهود رای مصادقت‌آیت مـیدارد که چون همواره جانب فقراو ضعفا و اهالی و ملهوفین دارالمؤمنین استراباد منظور نظـر مرحمت بنیاد ومکـنون خاطرخطیر عدالت نهاداست دراینوقت مبلغ ششصدتومان تبریزی وجه حلال‌از خزانهٔ مکرمت و اجلال ارسال‌و از اینکه آنعالیجناب از اجلهٔ سادات عظام ودعاگوی خلص ایندولت ابدفرجام میباشدمرقوم خامهٔمحبت و ملاطفت میگرددکه‌وجه‌مزبور رابفقراو مساکین‌وضعفا و ملهوفین و اهالی‌آنولایت تقسیم ورسد رسانیده بهریك از آنها حصهٔ داده دعای خیر بجهة ذات‌با برکات نواب‌همیون ما حاصل سازند بایدکـه بهمهٔبلوکات که درطومار علیحده تفصیل‌یافته است رفته وبدست خودتنخواه هریك‌ازاهالی‌آنجارا کارسازی و قبض‌بازیافت نماید وهمواره در مظان استجابت دعوات دعای ذات سعادت برات رافاتحهٔاذکار وصلوات داشته دایم‌الاوقـات بارسال نـوشتجات مشعره برگذارش حالات پرداخته هرگونه مقاصد ومسئولات خود را نگاشتهٔ کلك‌بلاغت سازند کـه از نهایت‌رأفت وعطوفت پذیرای پیرایهٔ انجاح وقبول‌خواهد بود   باقی ایام [بکام‌باد].

۱ ــ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که درفرمان شمارهٔ۴۸یاد کردیم.

۵۰

عرضه‌داشت مظفر وحسن متولیان امامزاده عبدالله به درگاه فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) که ایشان را کمافی‌السابق از جمیع عوارض و تکالیف‌دیوانی معاف و مرفوع‌القلم بدانند.

عرضه‌داشت کمترین بندگان بموقف عرض واقفان‌حضور فیض گنجور

مظفر وحسن

بندگان سکندرشأن دارا دربان قیصرپاسبان اقدس‌ارفع‌اعلی روحی‌فداه میرساند که کمترینان متولی امامزادهٔ واجب‌التعظیم امامزاده عبدالله وحسب‌الفرمان قضاجریان خاقان طاب‌ثراه پنج‌خانوارما از جمیع عوارض و تکالیف دیوانی‌معاف ومرفوع‌القلم بوده‌ایم و حال اهالی خواسته‌رود فرمان خاقان‌مغفور را ممضی نمیدارند و ازما مطالبهٔ عوارض و تکالیف دیوانی وولایتی مینمایند استدعا آنکه سایه‌دستی‌مرحمت‌و عنایت فرمایندکه کماکان پنج‌خانوار کمترینان از حوالهو اطلاق دیوانی و ولایتی موضوع و مرفوع‌القلم بوده درکمال امیدواری وخاطرجمعی متوجه‌شغل‌جاروب‌کشی‌و خدمات آستانهٔ متبرکه و بدعای دوام دولت جاوید مدت مشغول باشیم چون‌مراتب مزبور از جملهٔ لوازم بود جسارت بعرض‌اینمطلب ورزید

[برحاشیهٔ بالای این عرضه داشت رقمی به شرح زیر نوشته شده‌است:]

بسم‌الله‌شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی شاه] [1]

الملک‌لله‌تعالی حکم‌همیون‌شد آنکه چون صاحبان‌عریضه بشرح متن‌عرض واستدعا نموده و فرمان خاقان خلد آشیان جنت‌مکان را نیز دردست دارد لهذا عالیجاه رفیع

---

۱ - مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۴۸ ازآن یادکردیم.

جایگاه دولت و اقبال‌پناه عزت‌وجلالت‌دستگاه اخلاص‌و ارادت‌آگاه‌امیرالامراءالعظام امامقلی‌خان قاجار بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد وکدخداو مباشرین قریهٔمزبوره از قرار فرمان خاقان علیین مکان پنج خانوار را ازتکالیف و عوارض دیوانی معاف‌و مسلم داشته و بطریق‌سنوات یکجفت گاورا نیز واگذاشته که باحصول اطمینان و امیدواری بامر جاروب‌کشی و خدمتگذاری‌آستانهٔ منوره و دعای دولت ابدمدت علیه اشتغال نمایند و مزاحمت باحوال صاحبان عریضه نرسانده شلتاق‌و بیحساب نکنند و در اینخصوص قدغن‌لازم دانسته درعهده شناسند.

تحریراً شهرصفرالمظفر سنه۱۲۱۸ .

۵۱

عرضه داشت محمدقلی قاجار و اسماعیل‌آقا قاجار به‌درگاه فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ـ ۱۲۱۲) وکسب اجازه‌برای سکونت اسیران خریداری شدهٔ ترکمان در قریهٔ سرخون‌کلاه .

عرضه داشت کمترین ...[۱] غبارآستان آسمان

فدوی جا[ن]نثار محمدقلی‌قاجارشام‌بیات‌لو واسمعیل‌آقا قاجار

بنیان راکحل‌الجواهرچشم ارادت وعین‌روشنائی دیدهٔ عبودیت دانسته بشرف عرض محرمان حضور ساطع‌النور مرحمت بحور معدلت دستور اعلیحضرت قدرقدرت دارا درایت سکندر شوکت جمشید حشمت اقدس امجد والا ارفع اشرف اعلی‌میرساند که قربان‌خاکپای توتیاآسای مبارکت شوم‌چون‌این فدوی جا[ن]نثار غلام‌قدیمی‌ورحیب واقعی[۲]است که مطالب خود را عرضه داشت به‌سریر جلالت مصیراقدس اعلی مینماید سی‌چهار نفر اسیر قبل‌ازاین ازجماعت‌ترکمانیه ضلالت‌شعار خریده‌ایم‌آمده در مزرعهٔ

۱ـ یك کلمه خوانده نشد. ۲ـ در درست خواندن این دوکلمه شك داریم .

سرخون کلاه وطن ساخته‌اند استدعا والتماس این فدوی جا[ن]نثار غلام‌زادهٔ قدیمی چنین‌است‌که رقم قضاشیم‌قدر توأم آفتاب‌شعاع از مصدرجاه‌و جلال‌امرو مقرر فرمایند که احدی مزاحم احوال ایشان نشده بگذارند فارغ‌البال ومرفه‌الحال‌بدعاگوئی دوام دولت ومزیدجاه و منزلت‌سلطانی مشغول که هرآینه باعث سرافرازی کمترین غلام و خوشنودی خداورسول وائمهٔ طاهرین خواهد بود چون مراتب معروضه‌از جملهٔ لوازم دانسته جرأت وجسارت نموده عرض‌شد امرکم‌مطاع .

[برحاشیهٔ بالای این عرضه داشت فرمان شاهی باسطوری‌که‌کرسی‌آن باکرسی سطور متن‌چهل‌وپنج درجه اختلاف‌دارد چنین‌آمده است :]

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد آنکه چون عالیشأن معلی‌مکان عریضه‌بشرح متن عرض واستدعا نموده است لهذا عالیجاه مقرب‌جایگاه دولت‌و اقبال‌پناه جلالت‌و نبالت دستگاه شهامت و بسالت‌انتباه اخلاص وارادت آگاه امیرالامراءالعظام امامقلی‌خان قاجار بیگلر بیگی دارالمؤمنین استراباد از اینکه سی‌نفر آدم را...[2] میشناسندقدغن کرده که احدی مزاحمت‌باحوال آنها نرسانده وشلتاق‌و بیحسابی نکرده که‌در قریهٔ مسطوره نشسته از عهدهٔ حقوقات وحواله‌جات دیوانی‌اعلی برآمده‌آنچه برسد حسابی ایشان است ازحواله‌جات دیوانی بازیافت‌و بعلت زیادتی و بیحسابی متعرض نشده در عهده شناسند .

تحریراً شهرربیع‌الاول سنهٔ۱۲۱۸ .

۱ـ مهر چهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۴۸ از آن یاد شده است . ۲ ـ دوکلمه خوانده نشد .

۵۲

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسر فتحعلی شاه‌قاجار ـ که بنابر فرمان پدر مباشران شاهکوه کربلائی احمد و ولدان آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام دارالمؤمنین استراباد را از جمیع‌الجهات معاف و مسلم و مرفوع‌القلم بدانند.

هوالله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمد قلی‌میرزا][1] حکم والاشد آنکه چون ازقرار فرمان قضاجریان اعلی‌حضرت قدرقدرت ظل‌الهی لازالت‌ایام‌شوکته برعنوان عریضهٔ عالیجناب مقدس‌القاب عوارف ومعارف‌اکتساب مجدت ومحمدت‌مآب عزت وشوکت‌انتساب عمدة‌السادات‌العظام آقا محمد محسن شیخ‌الاسلام دارالمؤمنین استراباد امرو مقرر گردانیده از اینکه اباًعنجد از دعاگویان قدیم این‌شوکت ابدنشان ومراعات جانب اودرهر باب منظور نظر مرحمت اقتران میباشدنواب‌مستطاب مالك رقاب والاحکم ومقرر بفرمائیدکه مباشرین شاهکوه سفلی‌متعرض‌کربلائی‌احمدنام و ولدان مومی‌الیه‌نشده‌گذارندکماکان درنهایت فراغت واطمینان بامر خدمتگذاری عالیجناب مشارالیه مشغول بوده‌باشد لهذا بنابر امتثال فرمان مهرمثال حضرت پادشاهی ولی‌النعمی حکم قضا نظام بشرف نفاذ مقرون می‌بایدکه مباشرین شاهکوه سفلی‌بنحو مقرر معمول ومرتب دانسته متعرض ومزاحم کربلائی احمد و ولدان او نشده گذارندکمافی‌السابق مشغول خدمتگذاری عالیجناب مقدس‌القاب مشارالیه‌بوده درنهایت‌فراغت بتقدیم خدمات مشارالیه‌پرداخته درجمیع‌الجهات او را معاف و مسلم دانسته مرفوع‌القلم دانندکه عالیجناب مشارالیه با کمال خاطرجمعی بدعای دولت‌پادشاهی که وظیفهٔ شبانه‌روزی ایشان‌است‌پرداخته مومی‌الیه

۱ ـ مهر محمدقلی‌میرزا که تقریباً مربع شکل‌است باسجع :
«خلف فتحعلی‌شاه محمدقلی است برجهان سروران شدکه غلام‌علی است».

بشغل خدمتگذاری ایشان پردازد درینخصوص قدغن لازم دانسته مومی الیه را ازجمیع حواله واطلاق و دست انداز و شلتاق معاف دانند تخلف از حکم محکم والا را مورد مؤاخذۀ کلی دانند در عهده شناسند.

تحریرا فی ۲ شهرمحرم الحرام سنه ۱۲۲۵.

۵۳

فرمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) به عنوان بدیع الزمان میرزا بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد و جرجان و صاحب اختیار سرحدات قبچاق که انتظام و انتساق محال فندرسک ورامیان و خاندوز ووطن و نظم مهام نوکران حدود را به میرزا سعدالله خان واگذارد.

[جای مهر فتحعلی شاه][1]

الملك لله تعالی حکم همیون شد که فرزندی بدیع الزمان میرزا بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد وجرجان وصاحب اختیار سرحدات قبچاق باعطاف بیضا اتصاف خاطر شهریاری معزز و مباهی بوده بدانند که چون قبلزین بنا بر وفور عنایت ورأفت دربارۀ عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت آگاه سلالة السادة الفخام نتیجة الخوانین العظام میرزا سعدالله خان و ظهور شایستگی وسزائی او انتظام و انتساق محال فندرسك ورامیان و خاندوز ووطن و نظم مهام نوکر آنحدود را که بموجب تفصیل ذیل است بعهدۀ کفایت واهتمام عالیجاه مشارالیه

---

۱ ـ مهر چهار گوشۀ فتحعلی شاه باسجع:

« گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی »

و در کلاهك بالای آن: « الملك لله السلطان صاحبقران ».

۱۸۸

فندرسکی	خاندوزی	قلیچی	حاجیلر(ساکنین۸۳)نوده‌میرزااسمعیل‌خان	
۱۰۴	۱۶	۵۵	۱۳	

مفوّض وموکول فرموده بودیم درینوقت نیز از روی کمال مرحمت این همایون‌فرمان مطاع شرف‌صدور یافته بآنفرزند مسعود امرومقرر میشود که نظم و نسق‌محال و نوکر مزبور را کمافی‌السابق درعهدهٔ فراست و کیاست وکاردانی مشارالیه محول و مقرر داند و درهرحال رعایت جانب او وکسان ومتعلقان اورامنظور و درپیشرفت‌امورات و مهمات متعلقه‌بعالیجاه مشارالیه‌التفاتی کامل مبذول دارد که بهیچوجه منقصتی‌در امر رعیت‌و نوکر آنجا راه نیابدونیز مقرر میشودکه مالیات قراء مزبوره‌را از قراراحکام مطاعهٔ سابقهٔ هرساله عوض مواجب نوکر ابوابجمعی مشارالیه حواله نموده و قریهٔ خاندوز را که ازقرار احکام‌مطاعه وثبت سررشتجات دفترخانهٔ مبارکه بتیول او مقرر بود بنحو سابق به‌تیول مشارالیه برقرار و بکارگذاران خود غدغن دارد که خلاف حساب چیزی مطالبه ننمایند ومقرر آنکه عالیشانان صداقت‌ارکانان کدخدیان محال مسطوره و ریش‌سفیدان ملازم‌مرقومه عالیجاه مشارالیه را بطریق سابق مختار و ناظم امورات خود دانسته اوامر و نواهی او را مطیع و منقاد بوده بهیچوجه ازصلاح و صوابدید او انحراف جایز ندانسته و تجاوز ازمدلول حکم‌محکم را موجب مؤاخذه و سیاست قهرمانی دانسته در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر ربیع الاول۱۲۲۶ .

۵٤

حکم محمدقلی میرزا برای ساکنان قریهٔ زیارت خواسته‌رود که از ابتدای سنهٔ قوی‌ئیل از جملهٔ عوارضات و تحمیلات و تکلیفات و صادریات معاف و مسلم باشند و مثل سابق فقط متوجه خدمات عمارات شاهی دارالمؤمنین استراباد گردند و دستور اجرای این حکم را به عهدهٔ فرزند خود بدیع الزمان میرزا گذاشته است.

[جای مهر محمدقلی میرزا][1] حکم والاشد آنکه چون همگی همت بلند و جملگی نیت ارجمند مصروف و معطوف آنست که جمهور رعایا و عموم برایا در این دولت ابدمدت بکمال اطمینان و خاطرجمعی بکاسبی وفقیری و بیچارگی خود اشتغال داشته حصول دعای خیر جهت ذات اقدس و وجود مقدس قبلهٔ عالم و عالمیان و پادشاه اسلام پناه کشورستان نموده در مرتع خصب عدل غنوده و در کنف رحیب رحمت آسوده باشند لهذا مرآت اینمقال عکس نمای چهرهٔ شاهد احوال رعایا و برایای قریهٔ زیارت خواسته‌رود است که از ابتدای معاملهٔ هذه السنه قوی‌ئیل سعادت دلیل میمنت تحویل و ما بعدها نواب ـ کامیاب مستطاب جوزا رکاب مشتری خطاب اشرف والا بالطاف ابدی و احسان سرمدی ایشانرا ازجملهٔ عوارضات و تحمیلات و تکلیفات و صادریات معاف و مسلم و مرفه الحال فرمودند که همان از قرار قرارداد سابق متوجه خدمات عمارات شاهی دارالمؤمنین استراباد بوده ازسایر تکالیف مرقومه معاف بوده باشند مقرر آنکه فرزند ارجمند کامکار و نور دیدهٔ سعادتمند نامدار بدیع الزمان میرزا بنهج مقرر معمول و مرتب داشته ضبط قریهٔ مزبوره را مختص بخود دانسته رعایای آنجا را ازجمله تکالیف غیر استثنا مستثنی

---

۱ ـ مهر محمدقلی میرزا که تقریباً مربع شکل است باسجع:
«خلف فتحعلی‌شاه محمد قلی است   برجهان سروران شد که غلام‌علی‌است».

شمرده بکارگذاران خود قدغن دارد که درحین صدور صادریات وعوارضات بهیچوجه متعرض و مزاحم احوال رعایای مزبوره نشده گذارندکه بدعای دولت ابدمدت مشغول بوده بکاسبی خود اشتغال نمایند در این موارد لازمهٔ قدغن و اهتمام جایز داشته ظهور تخلف از فرمودهٔ اشرف را مورد مؤاخذه دانسته درعهده شناسند .

تحریراً فی شهررجب المرجب سنه ۱۲۲۶ .

۵۵

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای آقاسید مفید که مبلغ هشت تومان تبریزی وظیفهٔ پدرش ـ آقا سیداحمد ـ و مبلغ هفت تومان وظیفهٔ خود راکه مجموعاً پانزده تومان می‌شود از بابت مالیات استراباد به رسم وظیفه دریافت دارد .

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که بنا برشمول نهایت رأفت و غایت عاطفت دربارهٔ عالیجناب مقدس‌القاب سیادت و سعادت‌مآب فضایل و کمالات انتساب سلالة‌السادات العظام عمدة‌الفضلاء‌الفخام آقاسیدمفید و برطبق تمنای عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و فواضل‌مآب حقایق و معارف انتساب سیادت و سعادت‌نصاب خلاصة السادات‌العظام افضل‌الفضلاء‌الفخام آقاسیداحمد والد مشارالیه در هذة‌السنة ایت‌ائیل خجسته دلیل و مابعدها مبلغ هشت‌تومان تبریزی وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد مشارالیه را علاوه‌بر هفت‌تومان وظیفه‌که در وجه خود مشارالیه مستمر و برقرار بوده فرمودیم‌که هرساله

۱ــ مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه باسجع :

«گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی »

درکلاهك بالای آن : «العزة‌لله».

مبلغ پانزده تومان‌مزبور را ازبابت مالیات استراباد برسم وظیفه بدینموجب بازیافت و صرف معاش خود ساخته

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیدمفید مشارالیه که در سابق در وجه او مقرر بوده
هفت تومان

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد والد مشارالیه‌که حسب‌التمنای‌او در وجه عالیجناب آقاسیدمفید درهذةالسنه مقرر شده
هشت تومان

بدعاگوئی دوام دولت‌ابدمدّت اشتغال نماید مقرر آنکه فروزان‌کوکب‌آسمان‌خلافت و اقتدار خجسته فرزند ارجمند نامدارمحمدقلی‌میرزا صاحب اختیار ولایات‌استراباد و مازندران برحسب مقرر معمول داشته قدغن نمایدکه هر ساله مبلغ‌مزبور را در وجه عالیجناب مشارالیه برسانند ومطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند المقرر عالیجاهان رفیعجایگاهان عزت و جلالت دستگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ثبت و از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون دانسته در عهده شناسند

تحریرا فی‌شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۲۲۹ .

۵۶

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسر فتحعلی‌شاه ـ برای سیدمفید که اضافه برهفت تومان وظیفهٔ خود او، مبلغ هشت تومان وظیفهٔ سیداحمد را ازبابت مالیات استراباد به‌او بدهند.

[جای مهرمحمدقلی‌میرزا] حکم والاشد آنکه چون توقیع رفیع شاهانه ویرلیغ بلیغ خسروانه از مصدر خلافت‌کسری وسلطنت عظمی شرف‌صدوریافته‌که بنابرشمول نهایت رأفت و غایت عاطفت در بارهٔ عالیجناب مقدس القاب سیادت وسعادت‌مآب فضایل وکمالات انتساب سلالةالساداة العظام عمدةالفضلاء الفخام آقاسیدمفید و برطبق تمنای عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و فواضل‌مآب حقایق ومعارف‌انتساب سیادت و سعادت نصاب خلاصة الساداةالعظام افضل‌الفضلاءالفخام آقاسیداحمد والد مشارالیه در هذه‌السنه ایت‌ئیل خجسته دلیل و مابعدها مبلغ هشت‌تومان تبریزی وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد مشارالیه را علاوه هفت‌تومان وظیفه که در وجه خود مشارالیه مستمر و برقرار بوده فرمودیم‌که هر ساله مبلغ پانزده تومان مزبوررا از بابت مالیات استراباد برسم وظیفه بدینموجب باز یافت و صرف معاش خود ساخته امتثالاً لأمره نواب

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیدمفید مشارالیه در سابق در وجه او مقرر و برقرار بود

۷ تومان

وظیفهٔ عالیجناب آقاسیداحمد والدمشارالیه‌که حسب‌التمنای او در وجه عالیجناب آقاسید مفید درهذه‌السنه برقرار شد

۸ تومان

مستطاب گردون جناب مالک‌رقاب‌والا نیز درهذه‌السنه ایت‌ئیل سعادت‌دلیل و مابعدها مبلغ هشت تومان‌تبریزی وظیفهٔ‌عالیجناب مقدس‌القاب فضایل ومعارف‌اکتساب‌حقایق‌و دقایق انتساب عمدة‌الساداة‌العظام و فریدة‌الفضلاء‌الفخام آقاسیداحمد را علاوه بر هفت تومان وظیفهٔ عالیجناب فضایل و فواضل انتساب مسالك و مدارك‌مآب سلالة‌الساداة ـ العظام وافضل‌الفضلاء‌الفخام آقاسیدمفید مستمر وبرقرار فرمودیم‌که‌هرساله مبلغ‌پانزده تومان مزبور را از بابت مالیات استراباد از قرار تفصیل‌فوق بازیافت و صرف معـاش خود ساخته بدعاگوئی دوام دولت‌ابدمدت گردون‌عدت اعلیحضرت پادشاهی و نـوّاب مستطاب همیون‌صفات ما را قیام و اقدام نمایند کتّاب خیریت‌انتساب عطاردااکتساب دفترخانهٔ مبارکه شرح رقم قضاآئین رادردفاتر خلود و دوام ثبت ودرج نموده ازشائبهٔ ریب و تغییر مصون دارند تخلف از مدلول حکم قضا شمول را مورد مؤاخذه دانسته در عهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر رمضان‌المبارك ۱۲۲۹.

۵۷

حکم محمد علی‌میرزا ـ پسر فتحعلی‌شاه ـ برای محمدحسن‌آقا قاجارکه چون نامبرده از ایل قاجار وخدمتگزار دولت‌جاوید‌ـ مدار است از قرار رقم سلاطین ماضی و فرمان پادشاهی ملك موروثی او را ازجمیع تکالیف دیوانی وصادریات وعوارضات معاف و مسلم دانند.

هوالله‌تعالی‌شأنه

[جای‌مهرمحمدقلی‌میرزا][1] حکم والا شد آنکه‌چون فرمان‌قضا جریان قدرتوأمان

۱ـ مهرچهارگوشهٔ محمدقلی‌میرزا پسرفتحعلی‌شاه باسجع :

« خلف فتحعلـی شاه محمدقلـی است برجهان‌سرور ازان‌شدکه‌غلام‌علی‌است».

پادشاهی برعنوانعریضهٔ عالیشان عزت و سعادت نشان محمدحسن آقا شرف صدور یافته که از اینکه عالیشان مشارالیه از ایل جلیل قاجار و من جمله خدمتگذاران دولت جاویدمدار ومراعات جانب او منظور نظر مهرآثار است و ازقرار رقم خاقان علیین ـ آشیان مغفور و حکم محکم قضا دستور ملك موروثی صاحب عریضه از جمیع تکالیف دیوانی و صادریات و عوارضات معاف و مسلم بوده است بمباشرین مهام دیوانی استراباد قدغن شود که بنهج ازمنهٔ سالفه معمول داشته ملك او را بطریق سنواتی ماضیه ازجمیع عوارض و صادریات و مالیات وغیره حوالجات دیوانی معاف و مرفوع القلم دانسته گذارند که منافع املاك موروثی خود را صرف معیشت ومدارحیات خودنماید امتثالاً لامره الاشرف الاعلی امرلازم الاذعان نفاذ اقتران میباید که کدخدایان و مباشرین مهام دیوانی نیز برحسب مقرر معمول ومرتب دانسته املاك مقرره را بدستور اعوام سالفه از عوارض و تحمیلات وصادریات وغیره حوالجات دیوانی معاف و مسلّم دانسته گذارند که عالیشان مشارالیه محصول ومنافع ملك موروثی خود را متصرف وصرف مدارگذار خود ساخته باحصول...[1] بامر خدمتگذاری وجان نثاری قیام و اقدام نماید و در اینخصوص قدغن دانسته خلاف نورزند و البته ظهور خلاف ...[2] درمعرض مؤاخذه...[3] ودرعهده شناسند .

تحریرا فی ذی قعدة الحرام سنهٔ ۱۲۲۹.[4]

۱ و ۲ـ سه کلمه خوانده نشد.   ۳ـ یك کلمه خوانده نشد .   ۴ـ دردرست خواندن تاریخ شك داریم .

۵۸

حکم فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای انتصاب میرزا محمدبیگ به‌سرکردگی و ریش‌سفیدی طایفهٔ مقصودلو و قراردادن بیست نفر از طایفهٔ فخرعمادالدین را جزء ابوابجمع او و واگذاری چهاردانگ قریهٔ سرخان‌کلاته را بالمشارکه به او و محمدخان مقصودلو .

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که چون مجاری خدمتگزاری وشایستگی عالیشان رفیع‌مکان اخلاص وارادت نشان میرزا محمدبیگ مقصودلو برپیشگاه حضور اقدس شهریاری ظاهر و آشکار وشمول عنایات‌کامله خاطر انور را مستوجب و سزاوار افتاده بودلهذا در معاملهٔ هذاالسنه تنگوز ئیل‌خیریت‌دلیل لمعهٔ از لمعات عنایات شاهانه‌را ساحت‌افروز حال او داشته اورا بسرکردگی وریش‌سفیدی دسته وطایفهٔ مزبوره‌که سابقاً بعهدهٔ عالیشان محمدخان‌بیگ محول بوده معزّز وسرافراز و بیست‌نفر از طایفهٔ فخرعمادالدین را نیز ابوابجمع او داشتیم‌که درنهایت دقت و اهتمام بانتظام امورات آنها پرداخته حسن خدمتگزاری خود را مشهودپیشگاه‌حضوراقدس‌داردوچهاردانگ سرخان‌کلاته که سابقاً از قرار سررشته‌جات دفتری درمیانه سرکردهٔ سابق و عالیجاه محمدخان مقصودلو غلام پیشخدمت سرکار اقدس مشترك بوده حال نیزرسد سرکردهٔ سابق را بضبط عالیشان مشارالیه مفوّض داشتیم‌که او وعالیجاه محمدخان بالمشارکه داشته هر ساله وجوهات دیوانی‌آنرا کارسازی نمایند مقرر آنکه اعیان وریش‌سفیدان

۱ـ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه باسجع :

«گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی — قراردرکف شاه‌زمانه فتحعلی»

و درکلاهك بالای‌آن : «العزة‌لله».

طایفه و یوزباشیان ورئیس[۱] دستهٔ مزبوره عالیشان مشارالیه را سرکـرده و ریش‌سفید بالاستقال والانفراد خود دانسته درانجام خدمات‌شاهانه اطاعت و انقیاد اورالازم‌دانند عالیجاه رفیع جایگاه مجدت ونجدت وفخامت همراه جلالت و نبالت وشهامت‌اکتنـا امیرالامراءالعظام مهدیقلی‌خان قاجار بیگلربیگی ولایت استراباد و مضافات برحسب مدلول امرانور عالیشان مشارالیه را سرکرده وریش‌سفید دسته و طایفهٔ مزبوره‌دانسته اورا در امر خود مستقل سازد وقریهٔ مزبوره را بضبط او وعالیجاه مشارالیه بازگذارد که هر ساله وجوهات دیوانی آنـراکارسازی نمـاید عالیشانان‌کتّاب خیریت اکتساب دفترخانهٔ مزبوره شرح فرمان اقدس را در دفاتر خلود ثبت و ضبط و ازشوائب تبدیل مصون و محروس دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۳۰ .

۵۹

عرضه‌داشت میرمحسن موسوی متولی‌شرعی سه‌دانگ‌ویک‌ربع قریهٔ بهـادرکلاته واقع در بلوك انزان استراباد به درگـاه فتحعلی‌شاه‌که دست حضرات قراموسی‌لوی قاجار را که شرکای قریهٔ مزبور هستند وبنا را بر تغلب واحجاف گذاشته‌اند ازاین سه دانگ و یك‌ربع وقفی‌کوتاه کنند .

عرضه‌داشت‌اقل دعاگویان‌قدیمی تراب‌آستان مروت‌ارکان

میرمحسن‌موسوی

عدالت‌بنیان راکحل‌الجـواهر دیـدهٔ امیدواری ساخته بموقف‌عـرض واقفان حضور ساطع‌النور شاهنشاهی میرساندکه سه دانگ و یکربع‌قریهٔ موسومهٔ بهادرکلاته واقع

۱ــ در درست‌خواندن این کلمه شك‌داریم .

در بلوك انزان من‌اعمال دارالمـؤمنین استراباد وقـف مدرسهٔ مرحوم سیدمفید جـدّ کمترین‌دعاگـو است‌که مرحوم مغفور در وقفنامچهٔ‌که بخط خود تفصیل موقوفـات و مصارف آنرا نوشته قلمی نموده و اکثر از اعیان و اشراف و عدول مؤمنین ولایت از کیفیت مطلعند چون شرکای‌قریهٔ مزبوره جمعی‌ازحضرات قراموسی‌لوی قاجارمیباشند اکثر اوقات بنا را بتغلب واجحاف وستمشریکی گذاشته در ادای حق‌طلاب مماطله و مساهله مینمایند در ایام‌تولیت مرحوم آقاسیداحمد کـه حسب‌الشرع نوبت تـولیت مدرسهٔ مزبوره بمرحوم مذکور رسید از تغلب حضـرات مشارالیهم بنواب مستطـاب مالك‌رقاب شاهزادهٔ اعظم عرض و بروفق شریعت مقدسه شاهزادهٔ اعظم ملك موقوفه را انتزاع و بتصرف متولّی شرعی داده مادام‌الحیوة آقاسید احمد مزبور ملك مذکور را متصرف و منافع را صرف طلاب و مدرسه می‌نمود در این دوسال‌که آقـاسید احمـد برحمت ایزدی واصل حضرات تغلب را مجدد واعاده نموده در ادای مداخل موقـوفه تکاهل مینمایند التماس از مراحم قبلهٔ عالم وعـالمیان آن است‌کـه محضاًلله قدغن و مقرر فرموده‌که بندگان بیگلربیگی ... ملك موقوفه را از یدتغلب و تسلـط ایشان انتزاع و بتصرف اقل دعاگویان‌که بالفعل متولی شرعی میباشد داده‌که صرف‌مدرسه و طلاب نموده باشد چنانچه آنها را حرفی مقرون بحساب باشد بعهدهٔ یکنفر از کسان خود ... به محکمهٔ شرعمطاع نموده عذرهای ناموجه‌آنهاکه بعتبات‌عالیات بامرشرع بردیم و بآن میانه ملك وقف را مداخلیت نمایند منع فرموده در همان بلدهٔ استراباد قطع وفصل نمایندکه باعث خوشنودی خدا خواهد بود امرکم‌مطاع

[درحاشیهٔ این عرضه داشت دستور فتحعلی‌شاه در سطوری‌که کرسی‌آن باسطور متن در حـدودپنجاه درجه اختلاف دارد ، بدین شرح نوشته شده است :]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون‌شد که چون عالیجناب مقدس‌القاب معارف و شرایع انتساب مجدت و سعادت‌اکتساب سلالةالاطیاب عمدةالعلماءالعظام عارض بشرح متن عرض‌و استدعا نموده‌است لهذا عالیجاه رفیعجایگاه نبالت‌و فخامت‌اکتناه‌امیرالامراء العظام مهدیقلی‌خان بیگلربیگی استراباد ازاینکه ایجاب مسئول ومطالب عالیجناب عارض منظور نظرانور و احقاق حقوق عموم عباد بتخصیص سادات و طلاب سعادت‌نهاد ملحوظ ضمیر معدلت بنیاد است باید قدغن کرده از قرار سنواتی بطریقی که در ایام تولیت مرحوم آقاسیداحمد متصرف بود و مداخل و منافع را بمصرف‌موقوف علیهم میرسانید حال نیز قدغن‌کرده‌که احدی بخلاف حق وحساب مداخلتی در ملك مزبور نکرده متولی شرعی داد وستدکرده مداخل ومنافع را بمصرف موقوف‌علیهم برساند و چنانچه‌کسی را در اینخصوص‌گفتگوئی بوده باشد قرار داده‌که‌طرفین‌بخود عالیجناب مقدس‌القاب حقایق ومعارف اکتساب عمدةالفضلاءالکرام خیرالحاج‌العظام حاجی ملارضا بمرافعه رفته از قرار حکم شرعی حق را بمن‌له‌الحق عاید ساخته و قدغن کرده‌که از این‌پس احدی دخل و تصرف بخلاف حساب در آن ننماید و دراینخصوص حسب‌المقرر معمول و در عهده دارند .

تحریراً فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۳۵.

۱ــ مهرچهارگوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) ، باسجع :
«گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار درکف شاه زمانه فتحعلی »
و درکلاهك بالای‌آن : «العزةلله».

۶۰

فرمان فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای میرزا محمدبیگ مقصودلو که یکصد خروار شالی از بابت متوجهی چهاردانگ سرخان‌کلاته به تخفیف هرسالهٔ جماعت مقصودلو بدهند و اگر اختلافی از بابت چهاردانگ آب این قریه با شرفی‌خان دارند، محمدحسن میرزا - صاحب‌اختیار ولایات مازندران و استراباد -رسیدگی کند.

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که فروزان کوکب آسمان خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهرسلطنت وجهانداری فرزند ارجمند مسعود محمدحسن‌میرزا صاحب‌اختیار ولایات مازندران و استراباد بتوجهات پادشاهی معزز بوده بداندکه درینوقت عالیشان عزت‌نشان اخلاص‌توأمان میرزامحمدبیگ مقصودلو در چمن لوشان که محل نزول موکب جهانگشای پادشاهی بود شرف‌امر در حضور اقدس پادشاهی کردند و استدعای تخفیفی از دیوان همایون نمود حسب‌الاستدعای مشارالیه مقدار یکصد خروار شالی بوزن بلده از بابت متوجهی‌چهاردانک سرخان‌کلاته هذه‌السنه‌قوی‌ئیل‌و مابعدها بتخفیف جماعت مقصودلو هرساله مرحمت و تصدق فرمودیم بامرآنفرزند نیز هرساله مقدار مزبور را تخفیف مقررداند و مطالبهٔ آنرا قدغن نمایدکه‌ننمایند نیزاز بابت چهاردانک‌آب سرخنکلاته‌که میانهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عمدةالخوانین شرفی خان و طایفهٔ مقصودلو گفتگوئی می‌باشد بآن فرزند مقرر میفرمائیم‌که خود بحقیقت مراتب معروضه رسیدگی قراری فیمابین مشارالیهما دهدکه‌من‌بعدبهیچوجه‌گفتگوئی در میان‌آنها واقع نشود بایدآنفرزند برحسب مقرر عمل دارد مقررآنکه عالیجاهان

---

[1] ۱- مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه بامشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۵۹ یادکرده‌ایم.

رفیع جایگاهان عزت و شهامت همراهان مقربی‌الخاقان مستوفی‌دیوان قضا نظام‌شرح فرمان مبارك ثبت وهرساله مقدار مزبور را تحویل طایفهٔ مقصودلو مقرردانند و تخلف جایز ندانسته درعهده شناسند.

تحریراً فی‌شهرجمادی‌الاول ۱۲۳۶.

۶۱

حکم محمدقلی‌میرزا ـ پسرفتحعلی‌شاه ـ برای میرزامحمدبیگ سرکردهٔ ملازم مقصودلو تا مستوفیان او تخفیفی راکه پدرش داده است معمول دارند.

[جای‌مهر][1] حکم والا شد که فرمان قضانشان شهریاری و منشور فصاحت دستور شاهنشاهی شرف‌صدور پذیرفت‌که درینوقت عالیشان رفیع‌مکان عـزت وسعـادت نشان اخلاص و ارادت توامان میرزا محمدبیگ سرکردهٔ ملازم مقصودلو درچمن‌لوشان‌که محل نزول موکب جهانگشای پادشاهی بود شرف‌اندوز حضوراقدس پادشاهی‌گردید و استدعای تخفیفی از دیوان همایون نمود حسب‌الاستدعـای مشارالیه موازی و مقدار یکصدخروار بوزن بلـده از بابت چهاردانگ سرخانکلاته در هذه‌السنه لوی‌ئیل و مابعدها بتخفیف جماعت مقصود[لو] هرساله مرحمت فرمودیم باید هر ساله مقـدار مزبور را بتخفیف مقرر دانسته مطالبهٔ حکم مجدد ننمایند بنابرامتثال‌حکم قضامثال شاهنشاهی نواب‌والا نیز مقدار مقرره را در وجه جماعت مقصودلـو بتخفیف مقـرر داشتیم مقررآنکه عالیجاهان مستوفیان سرکاری حسب‌المقرر عمل و مقدار مقرره را بتخفیف معمول و شرح رقم را دفتری نموده درعهده شناسند.

تحریراً فی‌شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۳۶.

۱ــ مهر چهارگوشهٔ محمدقلی‌میرزا باسجع:

«خلف فتحعلـی‌شاه محمـدقلی‌است برجهان سروراز‌ان‌شد که‌غلام‌علی‌است».

۶۲

حکم فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰- ۱۲۱۲) برای فرزندش ظل‌السلطان علی‌خان که محل سکنای محمدخان غلام پیشخدمت مقصودلو را جزء خانه‌های حکمی دیوانی نداند و به‌صاحبانش بازگذارد .

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون‌شد که مرجع‌معظمات مهام دربار پادشاهی ومهبط‌انوار تلطفات انظار ظل‌اللهی مباهی بخطاب مستطاب‌سایهٔ‌شاهنشاهی فرمان‌روای دارالخلافة الباهره فرزند ارجمند نامدار ظل‌السلطان علیخان بعواطف مترادف پادشاهی مباهی بوده بداندکه سابقاً معروض افتاده بودکه خانهٔ محل‌سکنای عالیجاه عزّت و شهامت همراه اخلاص و ارادت‌آگاه محمدخان غلام پیشخدمت مقصودلو جزء خانهای حکمی دیوانی نیست و فرمان مبارك صادرگردیده بود که خانهٔ مزبور را بصاحبانش بازگذارند چون دربنوقت مجدداً بعرض رسیدکه خانهٔ مزبور از خانهای حکمی دیوانی و عالیجاه مشارالیه نیز مبالغی در اندرونی و بیرونی‌آنجا خرج و تعمیر نموده واز مالك نیز اجارهٔ شرعیه نموده است بآنفرزند امرو مقرر میشودکه قدغن نمایدکه بهمان وضع‌که بتصرف مشارالیه بوده از اندرونی و بیرونی‌کماکان‌بوده احدی تعرض نرساند و دخل و تصرفی ننماید و بتصرف عالیجاه مشارالیه بوده تخلف جایز ندارند و در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۳۹ .

۱ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه با سجع :

« گرفت خاتم‌شاهی زقدرت ازلی قرار درکف شاه زمانه فتحعلی»

و درکلاهك بالای آن : «العزةلله» .

۶۴

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲) برای میرزا محمدبیگ غلام پیشخدمت خاصه و سرکردهٔ ملازم مقصودلو - که از پیچی‌ئیل به خطاب خانی خوانده شود و عالیجاهی‌را به ذیل القابش بیفزایند و ده‌تومان برچهل‌تومان مواجب‌سابق‌او اضافه‌کنند.

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که بنا برظهورشایستگی و خدمتکاری عالیشان رفیع‌مکان عزّت و شهامت‌نشان اخلاص و ارادت توأمان مقرب‌الحضرت العلیه میرزا محمدبیگ غلام پیشخدمت خاصه و سرکردهٔ ملازم مقصودلو پرتوی ازآفتاب مراحم شهریاری ساحت‌افروزاحوال مشارالیه آمده درهذه‌السنه پیچی‌ئیل خجسته‌دلیل او را بخطاب بلندخانی مباهی و ذیل‌القابش رامطرّز بطراز عالیجاهی فرمودیم و مبلغ ده تومان برچهل‌تومان مواجب سابق او افزودیم‌که ظهورعنایات پادشاهی را سرمایهٔ افتخار و باعث مزید اعتبار خود دانسته با نهایت اهتمام وکمال‌استظهارمشغول‌خدمات مرجوعهٔ بخودگردد و حسن خدمت و جوهر استعداد خود را بیش ازپیش مشهود رأی ملك‌آرای شاهانه سازد مقررآنکه‌عالیجاهان رفیع‌جایگاهان عزت‌وجلالت‌دستگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان عظام و لشکرنویسان دیوان قضانظام ازاین‌پس عالیجاه‌میرزا محمدخان مشارالیه را در احکام و بروات و مکاتبات ومخاطبات بدین خطاب والقاب مخاطب و ملقب دارند و شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ثبت نموده از شوائب تغییر و تبدیل محروس دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۴۰ .

۱ـ مهر فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶۲ یادکردیم .

٦٤

فرمان فتحعلی‌شاه(۱۲۵۰-۱۲۱۲)برای فرزندش محمدقلی‌میرزا ملک‌آرای دارالمرز طبرستان ومضافات که ده و یك قراء تیول عباس‌خان و حاجی رضاخان را بر سبیل استمرار حق‌الارض آقا میرتقی استرابادی وآقا سیدموسی دانسته و بدیشان کار- سازی نمایند.

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که فروزان‌کوکب سپهرخلافت و شهریاری و تابان پرتو مهرسلطنت و جهانداری فرزندارجمندکامکار محمدقلی‌میرزا ملك‌آرای‌دارالمرز طبرستان و مضافات بعواطف‌کاملهٔ پادشاهی مفتخر و مباهی بوده بدانند که درینوقت از قراریکه بعرض اقدس شهریاری رسید پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحله و چهار دانگ از قریهٔ آبسرکان و شش‌دانگ ازقریهٔ چوپلانی استرابادرستاق‌که بتیول‌عالیجاهان رفیع- جایگاهان عزت و سعادت همراهان نتیجتی‌الخوانین‌العظام عباس‌خان وحاجی‌رضاخان مقرر است موافق وقف‌نامجات معتبـر واحکام علما املاك اربابی موقوفی عالیجنابان سعادت و سیادت انتسابان آقاسیدموسی وآقامیرتقی استرابادی میباشد از آنجـاکـه رعایت جانب‌سادات عالیدرجات منظورنظر مرحمت‌آیات‌است لهذا بآنفرزند ارجمند امرو مقرر می‌شودکه‌بعد ازحصول آگاهی برمدلول فرمان مبارك بعالیجاهان‌مشارالیهما قدغن نموده‌که از هذه‌السنه تخاقوی‌ئیل و مابعدها هرساله برسبیل استمرارحق‌الارض سادات عالیدرجات را از قرار ده و یك موافق جمع دیوانی‌کارسازی‌آنها نموده کمال رعایت را از سادات منظور دارند ودرعهده شناسند.

تحریراً شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۲۴۰.

۱ـ مهرفتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶۲ یادکردیم.

۶۵

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) برای میرزا اسماعیل‌خان داروغهٔ گوکلان ومیرزا سعدالله‌خان سرکردهٔ دستهٔ کبودجامه که به ترتیب بیست خانوار وده خانوار رعیت به میرزاعلینقی خان بدهند.

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که عالیجاهان رفیجایگاهان عزت وشهامت همراهان صداقت وارادت آگاهان سلالتی السادات والخوانین میرزا اسمعیل‌خان داروغهٔ گوکلان و ضابط چناشك کهسار و میرزا سعدالله‌خان سرکردهٔ دستهٔ کبودجامه وضابط فندرسك و غیره بتوجهات خاطر شاهنشاهی معزّز و مباهی بوده بدانندکه چون درینوقت عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص وارادت آگاه سلالة السادات العظام مقرب‌الخاقان میرزاعلینقی‌خان مزرعهٔ سوخته‌سرا من‌محال خاندوز را بحوزهٔ ملکیت خودآورده درصددآبادی آنجا میباشد بآنعالیجاهان امر و مقرر میشود که بعد از وصول فرمان قضاجریان پادشاهی و حصول آگاهی ومضمون آن از قرار قرارداد عالیجاه مشارالیه و بنحوی که بآنعالیجاهان

عالیجاه میرزا سعدالله‌خان	عالیجاه میرزا اسمعیل‌خان
ده خانوار	بیست خانوار

نگاشته است موازی سی‌خانوار رعیت دربلوك و دهات متعلق بخودبموجب تفصیل فوق تسلیم‌گماشتهٔ مشارالیه نمایندکه برده در مزرعهٔ مذکوره سکنی داده بنوعی‌که شاید مزرعهٔ مزبوره را بحلیهٔ‌آبادی درآورد باید حسب‌المقرر معمول و تخلف و عدول از

[1] ـ مهر فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۶۲ یادکردیم.

مدلول حکم نافذ شهریاری جایز ندانند و درعهده شناسند.

تحریراً فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۴۱.

۶۹

حکم محمدقلی میرزای ملک‌آرا در برگذاری یك دانگ و ربع قریهٔ یالورا به حاجی سید مفید واو را از تکالیف دیوانی معاف دانستن.

[جای مهر][1] حکم عالی شد آنکه چون یکدانك وربع[2] یالوحق طلق عالیجناب مقدس‌القاب حقایق ومعارف‌مآب فضایل و کمالات انتساب زبدةالسادات والاطیاب کهف الحاج والمعتمرین حاجی‌سیدمفیداست وخدابخش نام هزارجریبی باحسنعلی و آقابابای هزارجریبی سکنهٔ قریهٔ یالو متوجه خدمات و مهمات او میباشند از سرکار مرحمت‌آثار حضرت سپهر منزلت نواب اشرف والای ولی‌النعمی‌ملك‌آرا مستدعی آن شده که احدی دخل و تصرف در یکدانگ و ربع ملکی او ننمایند و خود معظم‌الیه به‌پردازد و ازبرای خود زرع نمایند و سه نفر مزبور هم باو واگذار شود که بکشت‌و زرع ملك مشارالیه مشغول واز رعیتی و تکالیف دیوانی معاف و مسلم بوده باخاطر جمعی تمام‌مشغول‌انجام مهام‌او باشند نواب اشرف والاولی‌النعمی‌نیزازراه وفورشفقت‌و مرحمت مسئلت و مدعای او را بدرجهٔ قبول مقبول یکدانگ وربع قریهٔ مزبور را مفوض باو فرموده که خود به‌پردازد و حاصل و محصول‌آن راجمع‌آوری نماید و سه نفر مذکور هم متوجه کشت و زرع آنجا باشند و مهمات او را بانجام رسانند واز رعیتی وتکالیف دیوانی معاف باشند و بنواب ما مقررداشته‌اند که از قرار فرموده

۱ـ مهر چهارگوشهٔ محمدقلی‌میرزا باسجع :
«خلف فتحعلی‌شاه محمدقلی است برجهان‌سرور ازان‌شد که‌غلام‌علی‌است».

۲ـ کلمات «یك‌دانگ وربع»دراین‌مورد ودر موارد دیگردرمتن‌فرمان دست‌خوردگی دارد.

عمل ومراقب احوال مشارالیه باشیم بنا بر امتثال امر قدرقدرت ولی النعمی نواب عالی یکدانگ وربع قریهٔ یالو را بجناب مشارالیه با سه نفر مزبور واگذار فرموده‌ایم که او بـه پردازد واحدی درآن دخل و تصرف ننماید وخدابخش و حسنعلی وآقابابای هزارجریبی نیز مشغول انجام مهمات اوباشند و از رعیتی وتکالیف دیوانی معاف و احدی را بایشان رجوعی نباشد مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان مالکان ملك یالو و مباشرین هزارجریب حسب‌الامر معمول و تخلف جایز ندارند در عهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۴۴ .

۶۷

حکم محمدقلی میرزای ملك‌آرا برای فرزندش بدیع‌الزمان میرزا ـ صاحب‌اختیار مملکت‌استراباد ـ که‌اجارهٔ سه دانگ قریهٔ ساورکلاته موقوفه را از کلبعلی‌خان وصول کنند و به موجر برسانند .

[جای‌مهر][1] حکم‌والاشد که خجسته فرزند ارجمندنامدار و قرةالعین‌سعادت‌مند کامکاربدیع‌الزمان میرزاصاحب‌اختیار مملکت استراباد بزواید الطاف واعطاف خاطر مرحمت اثر اشرف ملك‌آرا معزز و مباهی بوده بدانند که از قرار اجاره‌نامچهٔ شرعیهٔ معتبرهٔ ممهوره بامهار سادات عظام وفضلا و علمای ذوی‌العزوالاحترام دارالمؤمنین استرابادکه بتوسط‌کارگذاران سرکاری ملحوظ نظر معدلت‌گستر اشرف والاگشت سه دانگ از ششدانگ قریهٔ ساورکلاته موقوفه را عالیجاه کلبعلی‌خان از طرف حسین‌بیگ‌کتول ازعالیجناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب حقایق ومعارف‌انتساب

۱ـ مهرچهارگوشهٔ ملك‌آرا با سجع :
« مهین پور شهنشاه فلك‌جاه   بملك‌آرا ملقب آمدازشاه ».

حاجی...[1] سه سال بمقداری معین اجاره‌کرده‌است واز قراریکه معروض افتاده الی‌ـ حال‌واصل عالیجناب مشارالیه نکرده است چـون رعایت جانب عالیجناب مشارالیـه منظور نظر مرحمت‌گستر است طبق احکام شرعیه ...[2] بعالیجناب‌مشارالیه و غیره‌سهام است لهذابآ نفرزند ارجمند مقرر میشودکه عالیشان حسین بیگ وکلبعلی‌خان‌راقدغن داشته‌که مال‌الاجارهٔ هذه‌السنه اودئیل راکارسازی عالیجناب مشارالیه نموده سه‌دانگ قریهٔ مزبوره را از حشوجمع املاك‌آن مرحوم موضوع ومتعلق بعالیجناب مشارالیه و غیره سهام داننده‌آ نفرزندارجمندکمال رعایت وجانبداری ازعالیجناب مشارالیه‌منظور داشته قدغن و حکم صریح نمایدکه حکماً و حتمـاً از عهدهٔ مـال‌الاجـاره بموجب اجاره‌نامچه برآمده‌کارسازی‌او نمایند وازحکم مطاع‌لازم‌الاتباع تخلف نورزند...[3] ودر عهده شناسند.

تحریراً فی‌شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۵.

٦٨

فرمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) برای انتصاب میرزاسعد-الله‌خان به سرکردگی ششصد و بیست نفر به ترتیبی‌که در متن فرمان آمده است.

بسم‌اله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای‌مهر فتحعلی‌شاه][3]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که نظر بشمول‌کمال مرحمت و عنایتی‌که در بارهٔ

---

۱ و۲ و ۳ـ چندکلمه‌ای در اصل فرمان محوشده است.

۳ـ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه باسجع:

«گرفت خاتم شاهی‌زقدرت ازلی قرار درکف شاه زمـانه فتحعلی»

وکلاهك بالای‌آن‌خوانده‌نشده.

عالیجاه رفیع جایگاه شهامت وبسالت همراه اخلاص و ارادت آگاه زبدةالسادات والخوانین‌العظام میرزا سعدالله‌خان مبذول است و مراسم شایستگی واستعدادی که از مشارالیه مشهود انظار مهرآثار همایون افتاده و از خانه‌زادان دولت ابدارکان‌میباشد در هذه‌السنهٔ توشقان‌ئیل خجسته‌دلیل ومابعدها خدمت سرکردگی شش‌صدو بیست نفر دستجات مفصله را

۶۲۰

جمعی میرزا سعدالله‌خان ازقرار سنهٔ ماضیه
۱۸۸ نفر

ابوابجمعی حسین‌خان فیرنگی که در هذه‌السنه کما فی‌السابق ابوابجمع میرزا سعدالله‌خان شده
۷۳۲ نفر[۱]

رامیانی	خاندوزی	فیرنگی	فرسناکی
۱۰۴ نفر	۱۶ نفر	۷۰ نفر	۱۰۰ نفر
قلیچی	حاجیلر	دورینی	قانچی
۵۵ نفر	۱۳ نفر	۸۱ نفر	۴۰ نفر

۱ـ سرجمع اشتباه است.

چناشکی	حاجیلر
۷۱ نفر	۷۰ نفر
ویراحمدبیگ	ویرمحمدشریف‌بیگ
۳۸ نفر	۳۳ نفر

بعهدهٔ‌اهتمام مشارالیه مفوض وموکول‌داشتیم‌که بنحوی‌که باید وازمراسم خدمتکاری و کاردانی اوسزد وآید در ملزومات خدمت مقرر اقدام و حسن‌آگاهی وکاردانی خودرا زیاده مشهود رای مهرارتسام دارد مقررآنکه سلاطین[1] وریش‌سفیدان و اعیان وعموم دستجات مفصلهٔ فوق عالیجاه مشارالیه را سرکردهٔ بالاستقلال والانفراد خود دانسته از سخن و صلاح او تجاوز جایز ندانند المقررعالیجاهان رفیعجایگاهان عزت و جلالت دستگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان عظام ولشکرنویسان دیوان‌قضانظام شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ودوام ثبت و از شوایب تغییر وتبدیل مصون ومحروس‌دانند در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۷.

[در حاشیهٔ سمت‌راست این‌فرمان :]

مقررآنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و شهامت همراه اخلاص و ارادت‌آگاه زبدة‌ـ السادات والخوانین‌العظام میرزا سعدالله‌خان بوفور اشفاق خاطر شاهی مباهی بوده بداندکه درینوقت ازروی‌کمال مراحم نمایان و شمول‌مکارم بی‌پایان دربارهٔ‌آنعالیجاه

۱ـ درددرست خواندن این‌کلمه شك داریم.

معادل یکثوب قبای پولکی مخصوص بخلعت آنعالیجاه ایفاد شد باید خلعت مزبور را زیور پیکر افتخار وزینت آئین[۱] اعزاز واعتبار خود ساخته باکمال امیدواری واستظهار بمراسم خدمات محوله ولوازم مهمات مرجوعه پرداخته تلاش خدمتکاری خود را بیش در پیشگاه همایون جلوهٔ ظهور دهد و درعهده شناسد.

تحریرا فی التاریخ متن .

۶۹

حکم حاکم برای آقا میرتقی استرابادی و برقراری دو تومان وجه رایج تبریزی به‌صیغهٔ وظیفهٔ مستمر او تا هرساله از بابت مالیات استراباد بازیافت نماید .

[جای مهر][۲] حکم عالی شد آنکه چون عالیجناب ستوده آداب سیادت و نجابت مآب آقامیرتقی استرابادی بحلیهٔ تقوی و پرهیزکاری آراسته است لهذا درابتدای هذه السنهٔ میمونهٔ خیریت تحویل مبلغ دوتومان وجه رایج تبریزی بصیغهٔ وظیفه در وجه او مستمر و برقرار فرمودیم که هرساله از قرار براة بمهرمهرآثار از بابت مالیات دارالمؤمنین استراباد بازیافت وصرف مدارگذارخودساخته بدعاگوئی دوام عمرومزید جاه وسلطنت خدیوگیتی ستان ظل اللهی اشتغال داشته باشد مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان مستوفیان و عالیشانان رفیع مکانان کتّاب خیریت اکتساب دفترخانه حسب المقرر عمل نموده و مبلغ مزبوررا در وجه عالیجناب مذکور مستمر و برقراردانسته هرساله ازقرار براة علیحده از بابت مالیات دارالمؤمنین استرابادکارسازی مشارالیه نموده که صرف معیشت خود ساخته بدعاگوئی قیام و اقدام نماید و شرح رقم مبارك مطاع را دردفاتر

۱ـ در درست خواندن این کلمه شك داریم . ۲ـ مهری چهارگوشه که کلماتی نظیر: «تجلی ومظنون وامت وشه» برآن خوانده می‌شود .

خلود ثبت و درج نموده و از شایبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهرشوال‌المکرم سنه ۱۲۴۷ .

۷۰

عرضه‌داشت محمدحسن‌قاجار دربارهٔ اینکه ملك موروثی او را در سرخانکلاه از جمیع حواله‌جات معاف و مسلم دارند .

عرضه داشت کمترین بندگان جان‌نثار بذروهٔ عرض مقربان بارگاه

کمترین جان‌نثار محمدحسن قاجار

خلافت‌وشهریاری میرساندکه قربان خاك‌پای مبارکت گردم کمترین بندگان ملکی موروثی در سرخانکلاه جمع‌استراباد مالك میباشد و در زمان شاه مرحوم از جمیع حواله‌جات معاف و مسلم و فرمان مطاع نیز در دست داریم و در آن اوقات که محمدزمان‌خان‌حاکم استراباد شد املاك‌این کمترین را خراب‌کرد و بقدر پنجخروار شلتوك هم ازملك کمترین‌گرفته استدعا اینکه فرمان مطاع قضاجریان صادر گرددکه بطریق سابق‌که بندگان نواب اشرف‌ارفع در بارهٔ املاك کمترین سلوك ورفتار نموده درسال‌های لاحقه حواله ننمایند چون واجب بود عرض شد امرکم مطاع مطاع .

[بر قسمت بالای عرضه‌داشت فرمانی ازفتحعلی‌شاه بدین‌ترتیب نوشته شده است:]

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همایون شد که فروزان‌کوکب سپهر خلافت قاهره و تابان پرتو

۱ــ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه بامشخصاتی که ذیل‌فرمان شمارهٔ ۶۸ یاد کردیم.

مهر سلطنت باهره فرزند نامدار محمدقلی‌میرزا صاحب‌اختیار استراباد ومازندران از اینکه عالیشان عزت و سعادت نشان صاحبعریضه از ایل جلیل قاجار و من‌جمله خدمتکاران دولت جاویدقرار بوده ومراعات جانب او منظورنظرخورشیدآثار است و از قرار رقم خاقان علیین‌آشیان مغفور و حکم محکم قضادستور قنوات ملک‌موروثی صاحبعریضه از جمیع تکالیف دیوانی و صادرات و عوارضات و مالیات معاف و مسلم بوده است لهذا بآنفرزند نامدار حکم ومقرر میشود که بمباشیرین مهام دیوانی استراباد قدغن نمایندکه بنهج‌ازمنهٔ‌سالفه‌معمولداشته‌قنوات ملک‌عالیشان‌صاحبعریضه را بطریق سنوات ماضیه از جمیع عوارضات وصادرات ومالیات وغیره حوالجات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم داشته گذارندکه منافع و مداخل ملک موروثی خود را صرف معیشت خود ساخته بلوازم خدمتگذاری قیام و اقدام نماید و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر شعبان‌المعظم سنه ۱۲۴۹

۷۱

عرضه‌داشت سید مفید استرابادی به‌دربارفتحعلی‌شاه‌که فرمانی برای مطلب‌خان بنویسند و عواید حصهٔ وقفی حاجیه بی‌بی را از قریهٔ چهارده که وقف عتبات عالیات است در اختیار سید مفیدکه متولی تعیین شده است برساند.

عرضه داشت اقل دعاگویان قدیمی   بموقف عرض مستظلان ظل مرحمت و

سیدمفید الاسترابادی

شرف‌اندوزان شادروان عظمت‌اعلی حضرت قدر قدرت سلیمان حشمت دارا دربان قیصر پاسبان خاقان انجم احتشام بندگان اقدس ارفع اشرف اعلی میرساندکه کمترین دعاگوکه دعاگوئی این دولت قویم‌البنیان را اباًعنجد ارث دارد پیوسته فتح و نصرت

امنای دولت ابد مدت قاهرهٔ سلطانی را از درگاه مالک‌رقاب‌حقیقی‌مسئلت نموده امید که شاه‌باز رایت عقاب‌پیکر خصم‌افکنی و دشمن شکاری تیزچنگال و لنگر سفینهٔ عزوجلال پایدار بوده سایهٔ بلندپایهٔ قاآنی بر مفارق عموم قاطنین ممالك محروسه مخلد و برقرارباد چون از آنجائیکه پیش‌نهاد خاطر حقانیت مظاهر قبلهٔ عالم و عالمیان دادرس دعاگویان وضعفا وملهوفین‌بوده وهست بخاکپای مهرآسای فرقدان‌سا عرض میشودکه چند سال قبل بخصوص حصهو رسدی مرحومهٔ مغفورهٔ زائرهٔ بیت‌الله ـ الحرام نواب علیهٔ عالیه عمهٔ محترمه حاجیه بی‌بی از قریهٔ چهارده که وقف عتبات عالیات عرش‌درجات نموده تولیت را باقل دعاگویان داده است بخاکپای‌مبارك عرض و قبلهٔ عالم و عالمیان تصدق فرموده فرمان قضا جریان باسم عالیشان میرکریم‌که درآن اوان متصدی امور دیوان بود شفقت فرمودند که حصهٔ موقوفه ...[1] که همه‌ساله چهار خروارگندم میشد تسلیم اقل دعاگویان بنماید حال‌که امور چهارده تعلق بعالیجاه مطلب‌خان‌گرفته دراداء مال‌وقف مماطله ومطالبهٔ فرمان‌جدا باسم خودمینماید استدعاو التماس از الطاف خسروانهٔ قبلهٔعالم و عالمیان آنستکه فرمان قضا توأمان قدرنشان از مصدر عزّوشان بافتخارآنعالیجاه صدور یافته‌که او هم بطریق سابق‌گندم مزبور را تسلیم نموده باشدکه هرآینه موجب خوشنودی خدا و ائمهٔ هدی و مزید دولت روز‌ـ افزون و پایه‌داری سرادق عظمت ابدنمون قبلهٔ عالم و عالمیان خواهد بود چون مراتب معروضه از لوازم بود بعرض آن جرأت نمود باقی‌امرهالاشرف‌الاعلی مطاع .

[در بالای این عرضه داشت دستور فتحعلی‌شاه به مطلب‌خان ـ حاکم ولایت دامغان ـ چنین‌آمده است :]

۱ـ یك‌کلمه خوانده نشد .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی شاه][۱]

الملك‌لله حکم همیون‌شد آنکه چون تولیت حصهٔ معینهٔ معلومهٔ موقوفهٔ ...[۲] مرحومهٔ مبروره حاجیه بی‌بی از قریهٔ چهارده دامغان بعالیجناب‌مقدس‌القاب افاضل وافادت‌مآب نخبةالعلماء والسادات‌الفخام عمدةالفضلاء والنجباءالکرام آقاسید مفیدعارض‌مفوض و موکول است‌که از قرار شرط واقفهٔ مرحومه بمصارف موقوف علیهم برساندلهذا فرمان جهانمطاع همایون بشرف‌صدور و نفاذ مقرون میگرددکه عالیجاه رفیعجایگاه‌شهامت‌و بسالت اکتناه عزت و نبالت همراه اخلاص و ارادت آگاه مطلب‌خان حاکم ولایت دامغان حصهٔ وقفی مرحومهٔ مشارالیها را از قریهٔ چهارده بنحویکه سابق‌برین نیز فرمان همایون شرف صدور یافته بتصرف عالیجناب متولی داده که بموجب قرارداد واقفهٔ مرحومه بمصارف مقرره برساند و درینخصوص قدغن لازم دانسته در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی سنه ...[۳]

۱ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که ذیل فرمان شمارهٔ ۶۸ یاد کردیم. ۲ــ یك‌کلمه محو شده است . ۳ــ درمتن‌فرمان رقم‌سنه محوشده است .

۷۲

سواد فرمـان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) بـرای عباس خان ـبیگلر بیگی استراباد ـ که شصت خروار غله از بابت میرمحلهٔ استراباد و بیست و پنج خروار از بـابت الوکلاته که مستمری سیدفضل‌الله مجتهد استرابادی بوده بامستمری سنوات سابق که به‌او نرسیده تمام و کمال به‌او برسانند .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

هو

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

[الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد] کـه عالیجاه رفیع جایگاه مجـدت و نجـدت اکتناه فخامت و مناعت انتباه عزت و سعادت دستگاه امیـرالامـراء العظـام مقرب‌ـ الخاقان عباس‌خان قاجار بیگلربیگی استراباد بمراحم همـایون مفتخر و مباهی بوده بدانـد درباب حق‌الارض املاك وقفـی عالیجناب فضایل انتساب فـواضل وکمالات اکتساب زبدةالفضلاء العظام سلالةالسادات‌الکرام آقـاسید فضل‌الله مجتهد استرابادی از قرار فرمان خاقان جنت‌مکان شصت خروار غله از بابت میرمحلهٔ استراباد ومطابق حکم جداگانهٔ حضرت اقدس اعلی بیست و پنجخروار از بابت الوکلاته[2] بعـالیجناب معزی‌الیه برقرار بود که بایست همه ساله باو برسد از قراریکه بعرض خاکپای اقدس

۱ـ رونویس‌کننده ظاهراً نتوانسته است سجع مهر فتحعلی‌شاه را بخواند وبه جای آن نـوشته است «محل مهرشهنشاه محمدشاه غازی خلدالله ملکه و اقبـاله » ایـن فرمان در روز جمعهٔ ۹ ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۲۵۰ صادرشده و فتحعلی‌شاه درنوزدهم جمادی‌الثانیه ۱۲۵۰ فوت شده است یعنی فتحعلی‌شاه دوماهو ده روز پس‌از صدور این فرمان برتخت بوده است .

۲ـ همان دهکدهٔ علوی‌کلاته است .

اعلی رسید چند سال است حبّهٔ باو نرسیده است علی‌هذا این فرمان قضا جریان بسر ـ افرازی آنعالیجاه شرف صدور یافته مقرر می‌فرمائیم اولاً آنعالیجاه محاسبه کند هر قدر از مستمری مزبور درسنوات سابقه باو نرسیده است تمام و کمال باو برساند ثانیاً درهذه‌السنهٔ تنگوزئیل ومابعدها هشتاد و پنجخروار شلتوك را از میرمحله و الوکلاته مقطوع نموده از بابت مالیات اوزینه و بلوك استرابادرستاق بـاو برسانند مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت نموده درعهده شناسند .

حرر فی یوم‌الجمعه ۹ ربیع‌الثانی سنه ۱۲۵۰.

۷۴

فرمـان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) بـرای ملامیرزا محمود ـ قاضی ناظم‌مهام‌شرعیات دارالمؤمنین استراباد ـ که علاوه بر منصب قضاوت،موقوفات ولایت استراباد را نیزعهده‌دارشودو برطبق استدعای او اهل بلده و بازار وکل قرای اربابی را از جمیع عوارضات معاف و مسلم بشناسند و بـه نامبرده واگذار نمایند .

[جای‌مهر فتحعلی‌شاه][1]

[الملك‌لله حکم همیون شد] نظر بمراحم گونـاگون خسروانه و خـاطر خطیر عنایت پادشاهانه در بـارهٔ عالیجناب مقدس‌القـاب دقایق‌مآب عزت و سعادت نصـاب امانت و دیانت‌پناه شریعت‌دستگاه سلاله‌الاشراف والاعیان قاضی‌القضاةالعظام و زبدة‌ـ الفضلاءالکرام ملا میرزا محمود قاضی ناظم مهام شرعیات دارالمؤمنین استراباد کـه از اجلهٔ دولت‌خواهان ودعاگویان دولت قوی‌بنیان وابأعن‌جد سالك مسالك اخلاص‌ـ کیشی و از خیرخواهـان این دولت قاهـره و از اولاد مرحوم سلطان محمد میرزای

۱ـ مهرفتحعلی‌شاه قاجاربا مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۶۸ یادکردیم .

نجفی‌استرابادی که از زمرهٔ قدمـای اهل استراباد و از قرار فرمان شاه‌مغفور شاه ـ سلطان‌حسین من‌جمله پادشاهان صفویه اعلی‌الله مقامهم ناظرموقوفات بودند ودر زمان شاه‌شهید اعلی‌الله مقامـه فی‌الجنان در آن سرحد و ثغور خدمات کلی بحضور اقدس شهریاری نموده بودند که جان و مال خود را نثار دولت قاهره می‌نمودند که به نظر اقدس پادشاهی ظاهر آمده نظر بخدمات و ثبات واهتمام جناب قاضی مشارالیه وآباء و اجـداد او لمعهٔ از لمعات آفتاب عنایات پـادشاهانه شامل حال وپرتوافکن کاشانـهٔ آمال او ساختیم کـه نسلاً بعد نسل و عقباً بعدالعقب از ایـن خوان نعمت خداونـد فیض‌مآب در کمال فارغ‌البالی بدعـاگوئی ذات اقدس شهریاری مشغول و بیش از پیش در مجاری مناصب مقرره و خیرخواهی دولت قاهره ساعی و جاهد شود از آنکه‌قرای اربابی استراباد حمع دیوانی ندارد و اهالی استراباد سرشماری ندارند جهت آنکه اهل ثغورند و سرحدداری مینمایند و همیشه با طایفهٔ ترکمانیه جان‌بازی مینماینـد محض مرحمت پادشاهانـه دربارهٔ جناب قاضی مشارالیه وبـرطبق عرض و استدعـای جناب مشارالیه اهل بلده و بازار . . .[1] کل قرای اربابی واقعه در ولایت استرابادرا از عوارضات و ایلجاری بلده و بنیچه بهراسم و رسم باشد از طایفهٔ شهری وتاجیکه و شاهکوئی و ساوری و هزارجریبی سکنهٔ استرابـاد معـاف و مسلم مفوض وواگـذار بجناب قاضی مشارالیه فرمودیم از قلم و قدم کوتاه و کشیده داشتیم و همچنین پنجاه و دو سهم آب از مجری المیاه ازرودخانهٔ خاسته‌رود وقف است بر اهل بلدهٔ استراباد و فاضل‌آبش وقف براهل مدرسهٔ دارالشفاست که در ملك عراقی موقوفهٔ مدرسهٔ مزبوره باید زرع شود از قراریکه جناب قاضی مشارالیه معروض داشت مباشرین خالصجات آب موقوفه را بمزارع خالصجات میبرند این یك نوع ظلم است که بما اهل ثغور و سرحد مینمایند لهذا این حرکات منافی رای اقدس پادشاهی است و از آنکه . . .[2]

۱ و ۲ـ یکی دوکلمه محو شده‌است.

برپیشگاه همایون پادشاهی ظاهر و حقیقت کماهی معلوم و مشهود رای مهر مظاهر آمده لهذا درهذهالسنهٔ خجستهدلیل و مابعدها علاوه بر منصب جلیل قضاوت موقوفات ولایت استراباد مرجوعهٔ مشارالیــه مفوض و موکول فرمودیم میرزا صاحب اختیار در این مورد . . . . [1] نورزند و کــلانتران و مباشرین حال و استقبال و عموم افــاضل و سادات و مجتهدین و موقوفعلیهم و اهــالی ولایت استراباد عالیجناب مشارالیــه را علاوه بر منصب جلیل قضاوت نــاظر بالاستقلال . . . . [2] دانسته از سخن و صلاح و صوابدید مهام مرجوعه بجناب قاضی مشارالیه تخلف و انحراف نورزند قلم و قدمرا از اهل بلده و بازار بجزمال دیوان اعلی بهراسم و رسم باشد کوتاه و کشیده دارنــد همان مال دیوان‌اعلی را از قرار جمع دفترخانهٔ مبارکه ازخالصجات ولایت استراباد دریافت‌نمایند و بایدباطلاع جناب‌قاضی‌مشارالیه‌رفع تعدی‌ازموقوف‌علیهم‌اهل‌استراباد و از اهل بلدهٔ بلوکات و از اهالی مدارس و مساجد غیرهم نماید مسجّلات و نوشتجات او را مناط اعتبار دانند بایستی اعزازو احترام اورا لازم شمارند و از مدلول احکام قضانظام پادشاهی‌تخلف و تجاوز ننمایند وانحراف ازمدلول احکام قضانظام پادشاهی‌را مورد سیاست و مؤاخــذه دانند و مطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند لعنت خــدا و رسول و ائمهٔ طاهرین صلوات‌الله علیهم اجمعین برکارگذاران ولایت استراباد باشد که اگرآب موقوفهٔ بلده و فاضل‌آب آنجا را به خالصجات برند یا آنکه عوارضات بهراسمو رسم باشد حواله به اهل بلده و بازار و قرای اربابی استرابــاد دهند کــه بخرج دیــوان همایون پادشاهی نیاید لعنهم‌الله الی یوم‌القیامه عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مقربو‌ـ الحضرت الخاقــان مستوفیان‌عظام شرح فرمان مبارك را در دفاتــر خلود ثبت و ضبط

۱ و ۲ ــ یکی دوکلمه محو شده است .

نمایند و درعهده شناسند.[1]

فی شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۵۰.

[برحاشیهٔ این فرمان مطالب زیر نوشته شده است:]

درحضور آقایان رؤسای دوایر دولتی در استراباد قرائت گردید

محل امضاء حکومت نظامی استراباد عباس.	محل امضاء رئیس نظمیه سعیدالسلطان.
محل مهر کارگذار مهام خارجهٔ استراباد اعتصام‌الممالك.	محل امضاء رئیس مالیات غیرمستقیم استراباد حسن‌مالك
محل مهر پیشکارمالیه و خالصجات عبدالله‌الحسنی.	محل مهر رئیس تلگرافخانهٔ مرکزی استراباد مبشرهمایون.
محل امضاء رئیس کابینه محمدعلی.	محل مهر کفیل‌قشونی احمد.
محل‌مهر محمدحسین نمایندهٔ استراباد.	سوادمطابق سواداست محمداالحسینی.

۷٤

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای حاجی‌میرزا محمدخان مقصودلو و انتصاب او به‌سرکردگی و کلانتری طایفهٔ مقصودلو.

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][2]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که نظر بوفور مراحم پادشاهی در بارهٔ عالیجاه

۱ــ عبارات این فرمان رونویس است و پراکنده و مغشوش به‌نظر می‌رسد.

۲ـ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار محمدشاه قاجار با سجع:

«محمدشاه‌غازی صاحب تاج ونگین آمد شکوه‌ملك وملت رونق آئین و دین آمد»

و درکلاهك دندانه‌دار آن «الملك‌لله».

رفیعجایگاه عزت و سعادت‌انتباه خیرالحاج حاجی میرزا محمدخان مقصودلو وظهور خدمات او در هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل فرخنده تحویل و مابعدها اورا بمنصب سرکردگی و کلانتری طایفهٔ مقصودلو مفتخر و سرافراز فرمودیم که از وقوع این نوع مرحمتهای خسروانه مباهات حاصل نموده بمراتب‌خدمتگذاری خود افزاید ومقرر آنکه رؤسا و ریش‌سفیدان وجمیع اهالـی مقصودلو عالیجاه مشارالیـه را سرکرده و کلانتر خـود دانند و در عهده شناسند .

حرّر فی شهر ذی‌حجة‌الحرام سنه ۱۲۵۰ .

۷۵

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای حاجی‌میرزامحمد خان مقصودلو ـ سرکردهٔ طایفهٔ‌مقصودلو ـ که همراه اردشیر میرزا برای دفع مفسدین و تنبیه متمردین برود .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد که عالیجاه‌شهامت و بسالت‌همراه اخلاص وارادت‌آگاه کهف‌الحاج والمعتمرین‌حاجی میرزامحمدخان سرکردهٔ دستهٔ مقصودلو بتوجهات خاطرپادشاهی مباهی بوده بداندکه ولایت استراباد موطـن اصلی اروغ میمون‌مـا و اهالی آنجا همه نوکر و خدمتکار و محل اعتماد هستند آنعالیجاه در حقیقت ایـل سرکار جهانمدار وابأعن‌جد خدمتگذار و جان‌نثار بوده و در هر باب محرم و محل اعتماد است ما نیز رعایت خدمتگذاران آنولایت و پرستاری ایل آنجا را باتحدی ملزوم همت قضاآیت داشته‌ایم‌که صالدات روس را از اقصی بلاد شمال صدوپنجاه‌منزل

۱ـ مهر محمدشاه قاجار با مشخصاتی که در ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ ذکر کردیم .

راه آورده‌ایم و با سواران طالش و شکی و قراباغی که ولایت ایشان را با دارالمرز مشابهت است و بکوه و دشت و جنگل و بیشه معتادند برای دفع دشمنان مردم آنجا و رفع اختلال وطن اصلی سرکار سلطنت‌مدار تعیین فرموده‌ایم و یقین داریم که خدمتکاران آنجا خود هم درین کار لازمهٔ اقدام و اهتمام خواهند نمود و درین اوقات که فصل حاصل گرگان است درالتزام موکب برادر کامکار اردشیر میرزا روانه و در دفع مفسدین و تنبیه متمردین و قلع مادهٔ فساد ایشان از آن سرزمین اهتمامات لازمه معمول خواهند داشت باید آنعالیجاه دراین باب اهتمام نماید و حسن جلادت و خدمتکاری خود را بیش از پیش مشهود رای همایون دارد و خود را زیاده منظور نظر شاهانه آورد و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۵۱.

۷۶

فرمان محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای سید فضل‌الله استرابادی که بابت چهاردانگ و نیم قریهٔ الوکلاتهٔ استراباد- رستاق که درگذشته از املاک وقفی اجداد سید نامبرده بوده و در تاریخ صدور فرمان جزء خالصهٔ دیوان شده است، بیست و پنج خروار شلتوک بوقر استراباد به رسم وظیفه و حق‌الارض به ایشان بدهند.

بسم‌الله تعالی شانهٔ‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار] [1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که چون از قرار فرامین سلاطین سلف انارالله برهانهم و شرح نوشتجات علما ومجتهدین استراباد و غیره چهار دانگ و نیم ازقریهٔ

۱- مهر محمد شاه قاجار با مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یادآور شدیم.

الوکالتهٔ استرابادرستاق کـه بخالصهٔدیوان معمول است در قدیم‌الایام از املاك وقفی اجـداد عالیجناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات اکتساب سیـادت و سعـادت انتساب عوارف و معارف آداب آقـا سید فضل‌الله استرابادی پیشنماز مسجد جامع استرابـاد بوده و مراتب اهلیّت و استحقاق و مراسم سیادت و فضیلت عـالیجناب مشارالیه نیـز ظاهر و هویداست لهذا در هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها مقـدار بیست و پنجخروار شلتوك بوقراسترا باد از بابت مالیات قریهٔ مزبوره برسم وظیفه وحق‌الارض در وجه مشارالیه مستمرو برقرار فرمودیم‌که همه ساله بازیافت و صرف مخارج خود ساخته بتحصیل علوم و دعاگوئی دولت ابدملزوم مشغول بوده مقـرر آنکه حکام و عمال استراباد هرساله مبلغمزبور را در وجه عـالیجناب مشارالیه مهمسازی و بخرج استراباد ممضی دانسته مطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند عالیجاهان رفیعجایـگاهان عزت و جلالت دستگاهـان فخامت و مناعت اکتناهان مقربوالخاقان مستوفیان عظـام شرح فرمان مبارك را ثبت و از شوایب تغییر مصون دانسته و در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی ۱۲۵۱ .

۷۷

فـرمـان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) بـرای عبـاس‌خان ـبیگلر بیگی استراباد ـ که ده‌یك شلتوك پنج‌دانگ میرمحله و شش‌دانگ چوپالانی‌را که موقوفهٔ سادات است‌به‌آقاسیدموسی‌و آقاسید تقی به حق‌الارض هرساله مهمسازی نماید .

[بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز]

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد کـه عالیجاه رفیع‌جـایگاه عزت و شهـامت‌همراه

۱ــ مهرمحمدشاه‌قاجار بامشخصاتی‌که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یادکردیم .

فخامت و مناعت اکتناه مجدت و نجدت دستگاه اخلاص و ارادت آگاه نتیجة‌الامراء‌ـ العظام مقرب‌الخاقان عباس‌خان بیگلر بیگی استراباد بعواطف مترادف شاهانه قرین مفاخرت بیکرانه بوده بداند که چون از قرار خاقان جنت‌مکان و موافق وقفـ نامجات و احکام علماء پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ از قریهٔ چوپلانی استرابادرستاق موافق فرامین‌سلاطین رضوان مکین از موقوفات سادات بوده و حسب‌الفرمان خاقان مغفور مقرر شده بود که دهیك محصول آن دروجه عالیجنابان سعادت و سیادت انتسابان آقاسید موسی و آقاسیدتقی بحق‌الارض هرساله مهمسازی شود لهذا مقرر میشود که بعداز آگاهی برحکم همایون از جمع دیوانی‌آنجا هرقدر شود عشرآن شلتوك را از بابت حق‌الارض هرساله مهمسازی سادات مشارالیهم نموده که بمصارف موقوفات رسانیده دعای خیر بجهت دوام دولت حاصل سازند البته حسب‌المقرر معمول و درعهده شناسد .

تحریرا فی شهرجمادی‌الثانی سنه ۱۲۵۱ .

۷۸

فرمان‌محمدشاه‌قاجار(۱۲۶۴ـ۱۲۵۰)برای‌عباس‌خان‌ـ بیگلر بیگی استراباد‌ـ که علاوه برپنجاه تومان‌تبریزی نقد به‌صیغهٔ مواجب که در وجه حاجی میرزامحمدخان مقصودلو برقرار بوده مقدار دویست خروار شلتوك از بابت چهاردانگ قریهٔ سرخانکلاته در وجه ایشان برقرار شود .

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نجدت اکتناه خلوص عقیدت‌آگاه امیرالامراءالعظام عباس‌خان بیگلر بیگی

۱ـ مهر چهارگوشهٔ محمدشاه قاجار با مشخصاتی‌که ذیل فرمان شمارهٔ۷۴ یادکردیم .

استراباد بعنایات خاطرشاهانه قرین مفاخرت بیکرانه بوده بدانند که سابقاً مبلغ پنجاه تومان تبریزی نقد بصیغهٔ مواجب ازدیوان همایون اعلی دروجه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه اخلاص وارادت‌آگاه عمدة‌الخوانین حاجی میرزا محمدخان مقصودلو برقرار بوده بنابرظهور خدمات شایان از مشارالیه و وفور مراحم خاطر خورشید لمعان دربارهٔ او از هذه‌السنهٔ میمونهٔ قوی‌ئیل خیریت تحویل و ما بعدها علاوه برمبلغ مزبور مقدار دویست‌خروار بوقر استراباد شلتوك از بابت چهاردانگ از قریهٔ سرخانکلاته را که محل سکنای طایفهٔ مقصودلو میباشد در وجه او برقرار داشتیم که هرساله بازیافت وصرف مخارج لازمهٔ خود نموده مشغول خدمتگذاری و جان‌نثاری باشد باید آنعالیجاه مقدار مزبور متوجهی قریهٔ مرقومه را از مشارالیه مطالبه ننموده در عوض نانخانهٔ او مقرر دارد و تخلف و عدول از مدلول حکم مطاع جایز نشمرد عالیجاهان رفیعجایگاهان مقربی‌الخاقان مستوفیان‌عظام و عالیجاهان رفیع‌مکانان کتّاب خیریت‌اکتساب دفاتر خلود شرح فرمان قضانشان مبارکرا در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده از شوایب تغییرات محروس دارند و درعهده شناسند .

تحریراً فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۵۱ .

۷۹

حکم حاکم استراباد که حسب‌الفرمان محمدشاه قاجار دویست خروار بلده شلتوك جمع دیوانی چهار دانگ قریهٔ سرخان‌کلاته را از سنهٔ قوی‌ئیل و بعداز آن از بابت عوض مواجب و نانخانهٔ میرزا محمدخان مقصودلو مرحمت و برقرار دارند .

حکم‌عالی‌شد آنکه چون حسب‌الفرمان قدرنشان قضاتوأمان سرکار اقدس شهریاری چهاردانگ قریهٔ سرخانکلاته خالصهٔ دیوان‌اعلی‌که دویست خروار بلده شلتوك جمع

دیوانـی آنجا میباشد در معاملهٔ هذه‌السنهٔ میمونهٔ قوی‌ئیل و مابعدهـا از بابت عوض مواجب ونانخانهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت وسعادت‌همراه خیرالحاج والفخام عمدة‌الخوانین‌العظام حاجی میرزامحمدخان مقصودلو مرحمت وبرقرارگردیده که عالیجاه خیرالحاج معظم‌الیه ازاین‌بعد قریهٔ مذکوره را مختص‌خود دانسته نهایت سعی‌واهتمام در توفیر و تکثیر زراعت آنجا بعمل آورده کلاً و طراً را صرف معیشت و مدارخود نموده درکمال آسودگی و مرفه‌الاحوالی بخدمت‌گـذاری و جان‌نثاری سرکار اقـدس شهریاری مشغول گردد لهذا مباشرین وعاملین امور دیوانی استراباد و استرابادرستاق قریهٔ مذکوره را مختص عالیجاه معظم‌الیه دانسته از حشو جمع خالصـه موضوع و از هرجهت درتکالیف دیوانی قلم وقدم را از قریهٔ مذکورکوتاه وکشیده داشته بهیچوجه من‌الوجوه رجوعی بقریهٔ مذکوره وساکنین آنجا نداشته و ششدانگ قریهٔ مذکوره را مختص عالیجاه معظم‌الیه دانسته در اینخصوص قدغن لازم داشته درعهده شناسند .

تحریرا شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۵۲.

[جای مهر][1]

۱ــ مهرچهارگوشه با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده عباس » .

۸۰

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) برای عباس خان ـبیگلر بیگی استراباد ـ که سرکردگی دستهٔ مقصودلو را پس از شهادت حاجی میرزا محمدخان مقصودلو به پسرش عبدالصمد خان مفوض کنند ومواجب وسایر مزایای پدرش را بدودهند.

[بسم‌الله تعالی شأنه العزیز]

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملک‌لله‌تعالی حکم همیون شد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نجدت اکتناه اخلاص وارادت‌آگاه امیرالامراءالعظام عباس‌خان بیگلربیگی استراباد بوفور مراحم خاطر خطیر پادشاهی مباهی بوده بداند که درینوقت بعرض اقدس‌شهریاری رسیدکه حاجی‌میرزامحمدخان مقصودلو شربت شهادت چشیده‌برحمت ایزدی پیوست و از اینکه مرحوم مزبور از جمله خدمتکاران صداقت آیین و جان‌ـ نثاران ارادت قرین بوده در راه دولت جان خود را نثار نموده منظور انظار همیون و پیشنهاد خاطرعنایت مقرون آنست که هرگونه مرحمت و مکرمت دربارهٔ بازماندگان او مبذول داریم و انظار تربیت و عنایت برساحت احوالشان گماریم در هذه‌السنهٔ پیچی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها منصب سرکردگی دستهٔ مقصودلو را که بعهدهٔ مرحوم مزبور بود بعهدهٔ عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه صداقت و ارادت‌آگاه نتیجةالخوانین عبدالصمدخان ولد اوکه نوکر خدمتکار و جان‌نثار دولت پایدار میباشد مفوض و موکول فرمودیم و بدینموجب مواجب وغیره‌که دروجه مرحوم میرزا محمدخان مقرر بوده در وجه مشارالیه عنایت فرمودیم که همه ساله بازیافت

۱ــ مهرچهارگوشهٔ محمدشاه قاجار با مشخصاتی که درذیل فرمان ۷۴ یادکردیم .

از بابت مواجب	توفیر استراباد از بابت قریهٔ سرخانکلاته بعوض
۵۰ تومان	نان‌خانه موافق فرمان عالی چهار دانگ
	۲۳۰ دینار

و صرف مخارج نموده بلوازم خدمت مزبوره قیام واقدام نماید وحسن خدمت وجوهر کاردانی خود را در پیشگاه شهود شاهانه وضوحی مالاکلام دهد باید آن عالیجاه مشارالیه را سرکردهٔ دستهٔ مزبور دانسته او را درکار خود مستقل نماید و مواجب و تیول مرقومه را در وجه او مقرر دانسته حسب‌الامر مرتب دارد و رعایت جانب او را زیاده منظور نماید مقرر آنکه عموم دستهٔ مقصودلو عالیجاه مشارالیه را سرکردهٔ بالاستقلال خود دانسته از سخن و صلاح او تجاوز ننمایند المقرر آنکه عالیشانان کتّاب دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاترخلود ثبت و ضبط نموده درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۵۲ .

[بربالای حاشیهٔ دست راست مطالب زیر باخطی غیر از متن نوشته شده است :]

مقرر آنکه چون مراتب صدق بندگی وخدمتگزاری عالیشان عزت‌نشان امیرعلی بیگ نیز در نظر اولیای دولت قاهره ظهور دارد لهذا او را هم بنیابت عالیجاه مجدت‌همراه عبدالصمدخان برقرار و سرافراز فرمودیم که منصب نیابت سرکردگی دستهٔ مسطوره با عالیشان مشارالیه بوده لوازم خدمت محوله را بانجام رساند ودرعهده شناسد .

رقم فی‌التاریخ .

۸۱

حکم حاکم استراباد برای کربلائی نورمحمد که مبلغ شانزده تومان طلب‌حاجی‌سیدمفید را از ابراهیم‌خان چاردهی وصول نموده تسلیم حاجی نماید و مقدار چهارخروار غلهٔ وظیفهٔ حاجی را به‌کسان حاجی داده قبض رسیدگی حاصل سازد .

[جای مهر][1] حکم‌والاشد آنکه عالیشان عزت و سعادت‌نشان اخلاص و ارادت‌بنیان کربلائی نورمحمد بداند که از قراریکه معروض افتاد جناب فضیلت مآب فخرالحاج حاجی سید مفید مبلغ شانزده تومان وجه رایج از عالیجاه ابراهیم‌خان چاردهی موافق تمسك طلب دارد و مشارالیه در ادای آن اهمالی دارد لهذا بآن عالیشان مقرر می‌شودکه تنخواهرا از عالیجاه ابراهیم‌خان گرفته تسلیم کسان حاجی نماید چنانچه عالیجاه ابراهیم‌خان بسفر رفته باشد از اقوام و کسان مشارالیه حکماً تنخواه را گرفته بکسان حاجی بدهد ومقدار چهار خروار غله از بابت وظیفهٔ حاجی که مستوفیان سرکاری از بابت سنهٔ ماضیه بخرج ابوابجمعی آن عالیشان ممضی داشته‌اند از قرار معروض بجناب حاجی نرسیده است غلهٔ مزبور رابکسان جناب حاجی داده قبض رسیدگی حاصل سازد و از بابت هذه‌السنهٔ پیچی‌ئیل هم مقدار چهار خروار غله‌کارسازی‌کسان جناب‌حاجی‌نموده وقبض‌الواصل‌حاصل‌نموده وهمان قبض‌را آورده در دفترخانهٔ [2] مبارکه براة صادر نماید البته از قراریکه مقرر گشت معمول داشته کوتاهی و اهمال جایز ندانسته درعهده شناسند .

تحریرا شهر ربیع‌الاول ۱۲۵۲ .

۱ــ مهر چهارگوشه با سجع : « بهاءالدوله » در سطر بالا و کلماتی در سطر بالا و پایین که‌خوانده نمی‌شود ۲ــ اصل: دفتر خانه خانهٔ مبارکه .

۸۲

فرمان حاکم استراباد برای سید فضل‌الله استرابادی که از قوی‌ئیل و مابعدها مقدار بیست و پنج خروار شلتوک به وزن استراباد بابت چهاردانگ و نیم قریهٔ الوکلاته که در قدیم از املاك وقفی اجداد ایشان بوده و فعلا به خالصهٔ دیوان معمول است به‌رسم وظیفه و حق‌الارض مستمراً دریافت نماید.

حکم عالی شد که چون از قرار فرمان قضاجریان سرکارپادشاه جم‌اقتدارروحنافداه چهاردانگ‌نیم ازقریهٔ الوکلاته استرابادرستاق که بخالصهٔ دیوان معمول‌است وقدیم‌الایام از املاك وقفی اجداد عالیجناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب معارف‌آداب آقاسیدفضل‌الله استرابادی بوده لهذا در معاملهٔ هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها مقدار بیست‌و پنج‌خروار شلتوك بوقر معمول استراباد از بابت مالیات مزبور برسم‌وظیفهٔ حق‌الارض‌دروجه مشارالیه مستمروبرقرار فرمودند که همه‌ساله بازیافت و صرف مخارج خود ساخته برکار باشد ازقرار فرمان مبارك برقرار داشتیم‌که همه‌ساله شالی مزبور را بازیافت کرده مایهٔ معاش‌نموده بدعاگوئی دوام دولت جاویدآیت شهنشاه عالم پناه مشغول باشد عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مستوفیان دفترخانه شرح تعلیقه را در دفتر ثبت و ضبط نموده و از شوائب تغییر مصون دانسته درعهده شناسند.

شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۵۲ .

[جای مهر][1]

۱ــ مهرچهارگوشه باسجع : « افوض امری‌الی‌الله عبده عباس » .

۸۴

فرمان‌محمدشاه‌قاجار(۱۲۶۴ـ۱۲۵۰) برای‌عباس‌خان‌ـ بیگلر بیگی استراباد ـ که مبلغ پنجاه‌تومان نقد و مقدار سیصد و پنجاه خروار شلتوك محال مذکور در متن را به‌تخفیف مقرر داند و میرزا سعدالله‌خان تخفیف مزبور را فراخور خرابی‌وشکستگی رعایای ابوابجمعی خود قسمت‌کند.

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهرمحمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که چون منظور نظر عدالت‌گستر شهریاری درآبادی بلاد وترفیه احوال جمیع رعایا وعباد ممالك محروسهٔ ایران است لهذا نظر بخرابی‌و شکستگی محال فندرسنك من اعمال استراباد در معاملهٔ هذه‌السنهٔ میمونهٔ پیچی‌ئیل خجسته‌دلیل و مابعدها مبلغ پنجاه تومان نقد و مقدار سیصدو پنجاه خروار شلتوك بوقر استراباد از بابت متوجهات دیوانی محال مزبور ودهات مفصلهٔ

قریهٔ نوده بزرگ وکوچك	قریهٔ وطن	قریهٔ محله‌میر	قریهٔ‌مسله‌وار (؟)

خانـدوز بی‌آنچه در ثانی مقررشدکه عالیجاه میرسعدالله‌خان تقسیم نماید

بلوك فندرسك کـه عالیجاه میرزا سعدالله‌خـان	قـریهٔ قانچی	
بهر یك از دهـات کـه خرابـی بهمرسیده است	نقـــد	جنـــس
موافق حصه تقسیم نماید	۱۵ تـومـان	۱۰ خـــروار

۱ـ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دارمحمدشاه‌بامشخصاتی که ذیل‌فرمان شمارهٔ ۷۴ یادکردیم.

نقـــــــــــــد	جنـــــــــــــس
از بـابت وجـه شلتوك	از بـابت غله و شلتوك
۳۵ تـومـان	۳۴۰ خـروار

بتخفیف مقرر فرمودیم که درهذهالسنهٔ مزبوره و مابعدها مباشرین امور دیوانی مبلغ و مقدار مزبور را از مالیات خود موضوع داشته بـاقی را از رعایا بازیافت دارند کـه جمیع رعایای محال مزبور مرفهالاحوال مشغول دعاگویی دوام دولت جاوید فرجـام بـاشند مقرر آنکه عالیجاه رفیعجـایگاه مجدت و نجدتهمـراه فخامت و مناعت انتباه جلالت و جلادت دستگاه امیرالامراءالعظام عباسخان بیگربیگی استراباد در معاملهٔ هذهالسنه ومابعدها مبلغ و مقدار مزبور را ازبابت مالیات محال مزبور بتخفیف مقرر دانسته بموجب همین فرمان مبارك بخرج ابوابجمعی خود مجری دانند عالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادتآگاه میرزا سعداللهخان تخفیف مزبور را فراخورخرابی و شکستگی رعایای ابوابجمعی خود سویّت و قسمت کنـد المقرر عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مقربوالخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را دردفاتر خلود و دوام ثبت نموده از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند .

حرّر فی شهرشعبانالمعظم سنه ۱۲۵۲ .

۸۴

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای میرزا عباس فندرسکی که موافق قرارداد ولیعهد مغفور مقدار پنجاه‌خروار شلتوك‌از بابت‌بلوك فندرسك به‌عنوان مستمری‌ازبیگلر بیگی استراباد و ضابط بلوك مزبور بازیافت نماید.

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد آنکه چون عالیشان رفیع‌مکان سعادت و سیادت‌نشان اخلاص و ارادت ارکان مجدالاماثل و الاعیان میرزا عباس فندرسکی که از جملهٔ اعاظم واعیان فندرسك و خدمتگزاری و جان‌نثاری او درالسنه مکرر ومشهودو معلوم رای عاطفت اقتضای خدیوانه گردیده و نواب غفران‌مآب ولیعهد مغفور مبرور البسه‌الله حلل‌النورواسکنه‌الله فی‌دارالسرورخدمات اورا مقبول و مستحسن داشته‌اند لهذا محض مرحمت و عنایت خاطر خطیراقدس دربارهٔ مشارالیه موافق قرارداد ولیعهد مغفور مقدار پنجاه خروار شلتوك از بابت بلوك فندرسك دروجه اومستمرو مقرر داشتیم که درهذه‌السنهٔ میمونهٔ پیچی‌ئیل سعادت‌دلیل و مابعدها مقدار مزبوره‌را از قرار حکم جهانمطاع بازیافت داشته صرف مخارج خودکند و زیاده برسابق بخدمت‌گزاری و جان‌نثاری مشغول شود مقررآنکه عالیجاه بیگلر بیگی استراباد و ضابط بلوك مزبور همه‌ساله ازقرار فرمان خدیوانه معمول داشته مطالبهٔ فرمان مجدد ننمایند المقرر کتّاب سعادت‌اکتساب دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان همیون رادردفاتر خلود ثبت وضبط نمایند درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۵۲ .

---

[1] ــ مهر محمدشاه با مشخصاتی که ذیل فرمان شمارهٔ ۷۴ یادآور شدیم.

[برحاشیهٔ دست راست قسمت بالا:]

بمهر مبارك برسد .

[برحاشیهٔ دست راست قسمت وسط:]

مقدار پنجاه خروار شلتوك از قرار فرمان مبارك شاهنشاه مبرورالبسه‌الله حلل‌النور در وجه مرحوم میرزا عباس‌فندرسکی کتوج استرابادی‌آمد حال از قرار کتابچهٔ مبارکه در وجه عالیجاهان میرزا عبدالله‌خان و میرزا هدایت‌الله و میرزا فضل‌الله مقرراست و در هذه‌السنهٔ اودئیل بخرج استراباد منظور میشود .

۸۵

حکمی برای علی‌اصغرخان که دوازده خروار شالی آقاسید فضل‌الله و آقامیر تقی را از بابت باقی سنهٔ ماضیه که محمدحسین بیگ داشته‌است به‌ایشان مهمسازی نمایند .

حکم عالی شد که عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه علی‌اصغرخان بداند که از قرار نوشتهٔ سرکار بدیع‌الزمان میرزا بآنعالیجاه که موازی دوازده خروار شالی در وجه عالیجاهان آقاسید فضل‌الله و آقا میرتقی میباید کارسازی نمائید لهذا بعداز حصول اطلاع وآگاهی بر مضمون تعلیقهٔ رفیعهٔ عالی موازی دوازده خروار شالی را از بابت باقی سنهٔ ماضیهٔ قوی‌ئیل که عالیشان محمدحسین بیگ از بابت سلطان باقی داشت ازآن باقی دوازده خروار رابعالیجناب آقاسیدتقی‌مهمسازی نمائید ازقراریکه مقرر داشته‌ایم ازآن قرار معمولداشته تخلف نورزند درعهده شناسند .

شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۵۲ .

[جای مهری چهارگوشه ولایقرء]

۸۶
فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای عبدالصمدخان و اعطاء منصب غلام پیشخدمتی از ابتدای سنهٔ تخاقوی‌ئیل به او .

[بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز]

[جای مهر محمدشاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که چون عالیجاه رفیع‌جایگاه عـزت وسعـادت‌ـ همراه اخلاص و ارادت‌آگاه عبدالصمدخان در مراحل خدمتکاری و صداقت و مدارج بندگی و ارادت مراتب قـابلیت خود را ظاهر ساخته ظهور مکرمتی نسبت باو ملزوم همت والانهمت ملوکانه افتاد لهذا در هذه‌السنهٔ تخاقوی‌ئیل سعادت‌دلیل اورا در سلك غلام پیشخدمتان منسلك و او را از اعطاء این منصب بین‌الامـاثل والاقران سربلند و ممتاز داشتیم کـه از بذل این عنایت برمراسم خدمتگزاری خود افزاید مقرر آنکه عالیجاهان رفیع‌جایگاهان مجدت و نجدت‌همراهان عنایت و مناعت‌اکتناهان نبالت و بسالت انتبـاهان اخلاص و ارادت آگاهان مقربو الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان جهانمطاع را در دفاتر خلود ثبت و ضبط‌نمایند و از شوائب‌تغییر وتبدیل مصون و محروس دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی ۱۲۵۳ .

۱ــ مهرچهارگوشهٔ کلاهك‌دارمحمدشاه قاجار با مشخصاتی‌که ذیل فرمان شمارهٔ۷۴ نقل کردیم .

۸۷

فهرست سیدفضل‌الله مجتهد استرابادی و تقاضای تغییر محل دریافت مستمری و برقراری مستمری شخص متوفی‌ازنزدیکان خود را برای بازماندگانش .

فهرست اقل‌ساداة ودعاگوسیدفضل‌الله مجتهداسترابادی بتاریخ‌شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۵۵

سابقاً بخصوص مستمری‌که موجب مزید دعاگوئی است و ازینکار شاهنشاه عالم‌پناه و خاقان رضوان‌جایگاه فرامین مطاع در دست است مقدار هشتاد خروار شلتوك که از حشو جمع‌موضوع و ضرری بدیوان اعلی ندارد در وجه جمعی از سادات برقرار است وعاید دعاگویان نمی‌شود قبلزین مقربی‌الخاقان ایشیك آقاسی‌باشی و منشی ـ الممالك بخاکپای مبارك عرض کرده بودند استدعا آن‌است حکم جهان‌مطاع شرف صدور یابدکه از قریهٔ اوزینه یا بلوك‌سدن رستاق برقرارشود .

در باب یکصد تومان مستمری که قبل ازین عرضه داشت شده است و درآن فهرست حکم فرموده که از بابت متوفی بگذرد و آن فهرست اکنون ضبط است استدعا آن است که باین تفصیل وظایف متوفی

ورثهٔ مرحوم میرزاحسین منجم‌اصفهانی
۴۰ تومان

میرزاعبدالله‌ولدمرحوم‌میرزاعبدالواسع
۴۰ تومان

مرحوم میرزا عبدالوهاب طبیب
۴۶ تومان

مرحوم سید ابوالقاسم
۲۰ تومان

که در دست است دروجه این داعی دوام دولت قاهره وسه‌نفردعاگوی دیگرمرحمت و عنایت شود .

داعی دوام‌دولت قاهره	سید مهدی استرابادی
۹۰تومان	۱۶تومان

سید محمد و سید ابوالقاسم و سیدحسین‌کاشانی

۳تومان ۱۳تومان‌و سه‌هزار دینار[1]

که باعث دعاگوئی[و]ازدیاد عمر و دولت و سلطنت قاهره خواهد بود و یادر اصفهان از بابت مستمری مرحوم میرزا جواد که بلاعقب است مقرر فرمائید که جمعی از بنی‌فاطمه مرفه‌الحال دعاگویانند امره‌الاشرف الاعلی مطاع .

[درحاشیهٔ سمت راست این فهرست مطالب زیراز دیوان اعلی نوشته شده است :]

چون میرمحلهٔ استراباد تیول عباس‌خان بیگلربیگی بوده وبر جنابان مغفور معلوم شد که وقف سادات است موافق فرمان‌حکم شد که هرسال عشرمحصول‌آنجارا حق‌الارض عاید سادات عالیدرجات نمایند و عشر از قرار جمع دیوانی شصت خروار و کسری است الوکلاته هم که من‌جمله املاك وقفی است قبلهٔ عالم روحنافداه بقرار ملاحظهٔ سجلات و نوشتجات وقف‌نامه موافق فرمان مبارك حکم شد سالی بیست و پنجخروار حق‌الارض بسادات موقوف‌علیهم بدهند این دو فرمان از دفترخانهٔ مبارکه‌گذشته است و این کیفیت که به خاكپای مبارك عرض شد که مقرر داشته‌که باید از قرار فرمانها حق‌الارض را بدهند و استدعای جناب آقا سید فضل‌الله شده بودکه تبدیل بمحل دیگر شود که به اهالی خیرعاید شود

۱ـ سرجمع نمی‌خواند .

[ظاهراً باقی این مطالب برحاشیهٔ سمت چپ به‌این ترتیب آمده است :]
این فقره در حضور مبارك باتفاق منشی‌الممالك عرض شد مقرر فرمودند که از قرار فرمان خاقان‌مغفور مرحمت شود و استدعای تبدیل را که دیگر دارند . . .

۸۸

حکم خان‌خانان ـ حاکم استراباد ـ برای عمال و مباشرین و کلانتران بلوك استراباد که پنج دانگ میرمحله و شش دانگ مزرعهٔ چوپلانی را به‌آقا سیدفضل‌الله وآقاسیدمهدی واخوان ایشان متعلق بدانند و درآنها دخل و تصرفی نکنند .

حکم حاکم شد که از قرار صدور فرمان قضاجریان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع‌حضرت همایون شهریاری روحی‌فداه‌پنجدانگ قریهٔ میرمحله وشش‌دانگ مزرعهٔ‌چوپلانی که متعلق بقریهٔ میرمحله میباشد ملك واقف و تولیت آنجـا متعلق بعالیجنابان سیادت و نجابت‌انتسابان فضایل‌اکتسابان مجتهدالعصری آقا سید فضل‌الله وآقاسید مهدی و سایر اخوان ایشان میباشد لهذا بنابر امضی حکم جهانمطاع مقرر میداریم‌کـه عالیجاهان رفیعجایگاهان عمال و مباشرین وکلانتران بلوك استرابادرستاق یازده دانگ مفصلهٔ قریه و مزرعهٔ مزبور را متعلق بعالیجاهان سابق‌القاب دانسته دخل و تصرف ننمایندو بدست ایشان واگذارند و در عهده شناسند .

حرره فی‌شهرربیع‌الثانی ۱۲۵۵ .

[برحاشیهٔ دست راست از بالا به پایین درفاصلهٔ میان سطر اول و دوم:]
المقرر آنکه شرح مرقومهٔ متن را معمولداشته انحراف نورزند .

فی‌سنهٔ[۱] مزبور [جای مهر خان‌خانان][۲]

۱ـ این دوکلمه زیاد روشن نیست . ۲ـ مهرچهارگوشهٔ خان‌خانان که در وسط آن‌نام « خان‌خانان » به خط نستعلیق نقر شده و اطراف آن حاشیه‌ای گل و بوته‌داراست .

۸۹

حکم محمدناصرخان ـ حاکم استراباد ـ که‌ازابتدای‌سیچقان‌ئیل جماعت مقصودلو ساکن قریهٔ سرخانکلاته به‌جای دو نفر غلام تفنگچی یك نفر به‌طریق استمرار هنگام ضرورت‌کارسازی کنند .

حکم عالی شد که چون مکنون خاطر سرکار رفع تعدی و اجحاف از تمامی قراء و مزارع ولایت که در تحمیلات ستمشریکی فیمابین اهالی ولایت واقع نشده باشد از آنجاکه جمعیت وسکنهٔ قریهٔ سرخانکلاتهٔ مقصودلو با وجود ملازم دیوانی و صدمات اتفاقی قابل برقراری دونفر غلام تفنگچی مستمری ولایتی نبود در معاملهٔ هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل سعادت تحویل یکنفر غلام تفنگچی قریهٔ مزبوره را بتخفیف برقرارکه پس از این یکنفر غلام تفنگچی بطریق استمرار هنگام ضرورت و احضارکارسازی کنند مقرر آنکه عالیجاهان مستوفیان و عالیجاهان معلی‌مکانان کلانتر و مباشرین بلوك استرابادرستاق در حواله‌جات یکنفر غلام‌تفنگچی قریهٔ سرخانکلاته رابتخفیف دائمی برقرار دانسته و یکنفر را مطالبه و حواله دارند و در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۵۶ .

[جای مهر][۱]

۱ــ مهر چهارگوشهٔ محمدناصرکه در وسط «عبده محمدناصر» و در حاشیه « بسمله و سورهٔ اخلاص» نقر شده است .

۹۰

فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰) برای محمدناصر خان -حاکم استراباد - که دوقریهٔ میرومحله و چوپلانی راکه سید فضل‌الله مجتهد می‌گوید از موقوفات اجدادی اوست ودیگران بخلاف حساب تصرف کرده‌اند بگیرد و به‌تصرف ایشان بدهد تا حق‌التولیه و مداخل موقوفهٔ دهات مذکور را صرف معیشت خود نماید.

[جای مهر] [1]

مطاع [2] روز چهارشنبه بیست‌و پنجم شهر رجب‌المرجب مطابق‌سیچقان‌ئیل خیریت تحویل‌جناب مقدس‌القاب فضایل‌و کمالات‌اکتساب سیادت‌وسعادت‌انتساب آقاسیدفضل‌الله مجتهد بدیوانخانهٔ مبارکه عرض‌کردکه قریتین میرومحله وچوپلانی واقعه دراستراباد از موقوفات اجدادی ماست و از قرار استشهاد بمهر علما و فضلا و فرامین سلاطین صفویه و میرمحمدباقرداماد و جناب حجةالاسلام حاجی سیدمحمدباقر تولیت قریتین مذکورتین بما میرسد و دیگران بخلاف حساب دخل تصرف‌کرده بما نمیدهند لهذا حکم از دیوانخانهٔ مبارکه صادر شد که عالیجاه رفیع‌جایگاه مقرب‌الخاقان محمد-ناصرخان بحقیقت مراتب معروضه رسیده از قرار فرامین و نوشتجاتی‌که در دست عارضین است قریتین مذکورتین را در صورتیکه خالصه نباشد ازکسانیکه بخلاف حساب تصرف‌کرده‌اندگرفته بتصرف آنها داده‌که حق‌التولیه ومداخل موقوفهٔ دهات مذکوره را صرف معیشت خود نمایند بدعاگویی دوام‌دولت جاویدعزت اشتغال دارندو

۱- مهری چهارگوشهٔ کوچك کلاهك‌دار که نقش وسط آن شیری شمشیر به‌دست با خورشیدی بر پشت‌او ودرکلاهك نیم دایرهٔ بالای آن تاج‌کوچکی است.

۲- این‌کلمه به‌شکل توقیع نوشته شده است.

ودرین باب اهتمام کامل معمول داشته و در عهده شناسند.

فی شهر مذکور سنه ۱۲۵۶ .

[برحاشیهٔ دست راست در مقابل دو سطر اول فرمان:]

مقرر آنکه اگرکسی را در باب قریتین مرقومتین در مقابل حرف شرعی بوده باشد طرفین را بمحضر احدی از امنای شرع انور که مرضی الطرفین باشد فرستاده که بمرافعهٔ شرعیه اقدام و آنچه شرعاً لازم آید معمول دارند و در عهده شناسند .

۹۱

حکم محمدناصر - حاکم استراباد - برای مباشرین قریهٔ سلطان‌آباد که سالی دوازده خروار شالی به آقا سیدفضل‌الله و ورثهٔ مرحوم آقا میرتقی طبق قرار ملک‌آرا وصاحب‌اختیار بدهند.

حکم عالی شد که مباشرین قریهٔ سلطان‌آباد بدانند از قراریکه نواب ملک‌آرا و صاحب‌اختیار برقرار ساخته‌اند سالی دوازده خروار شالی میباید بجناب آقاسید فضل‌الله مجتهد وورثهٔ مرحوم آقامیرتقی عایدشده باشد این اوقات نیز مجدداً نوشته‌جاتی داده‌اندکه همه ساله بایشان واصل شده باشد لهذا مقرر میداریم که برحسب نوشته‌جات لاحقه و قرارداد سابقه دوازده خروار شالی ساداة معزی‌الیهما راکارسازی نمایند و در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر رمضان‌المبارك سنه ۱۲۵۶.

[جای مهر] [1]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع: «عبده محمد ناصر» وبرحاشیه باخط ثلثی که کرسی آن به طرف داخل مهر است ، « بسم‌الله‌الرحمن الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم یلدولم یولد ولم‌یکن له‌کفواً احد » .

۹۲

حکم محمدناصر - حاکم‌استراباد - برای قربانعلی‌آقـای قاجار که دو قریهٔ میرمحله و چوپلانی کـه وقفی هستند به تصـرف آقاسید فضل‌الله مجتهد که تولیت آن دو قـریه به عهدهٔ اوست بدهند.

حکم‌عالی‌شد که چون‌ازقرارفرمان‌قضاجریان‌مبارک‌مطاع آفتاب‌شعاع‌که ازدیوانخانهٔ مبارکه صادر و نافذگشته است قریتین میرمحله وچوپلانی واقعه در استراباد از جمله موقوفات و تولیت قریتین مذکورتین با جناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات اکتساب سیادت و سعادت‌انتساب خلاصة‌الساداة‌الاطیاب آقاسیدفضل‌الله مجتهد است لهذا برحسب امضای قضامضای منشور عطوفت دستور مقررمیداریم که متصرفی قریتین مـذکورتین قراء مزبوره را به‌جناب معزی‌الیه واگذار که حق‌التولیة ومداخل موقوفه رامتصرف‌و صرف مخارج خویش نماید چنانچه احدی را در مقابل گفتگوی شرعی بـاشد آمده عن‌وجه شرع شریف اقدام نمایند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهررمضان‌المبارك سنه ۱۲۵۶ .

[جای مهر][1]

[بر حاشیهٔ دست راست:]

مقررآنکه عالیشان قربانعلی‌آقای قاجار بطریقی‌که درمتن مرقوم ومقرراست رفته املاك‌مزبوره رابتصرف‌گماشتهٔ جناب معزی‌الیه داده هرگاه احدی را درمقابل‌گفتگویی است برداشته بحضور سرکارآورندکه وارسی شده طی‌مایقال بعمل‌آید.

[جای مهر][2]

۱ و۲ ـ مهری چهارگوشه باسجع : «عبده محمدناصر» وسایرمشخصاتی‌که در فرمان شمارهٔ ۹۱ ذکر کردیم.

۹۳

حکم حاکم استراباد که از ابتدای سنهٔ سیچقان‌ئیل سنهٔ ۱۲۵۶ پنج خانوار از سادات خدمتگزار امامزاده عبدالله را در قریهٔ خواسته‌رود از جمیع عوارض دیوانی معاف و مسلم بدانند .

چون از قرارفرامین پادشاهان صفویه انارالله برهانهم ومناشیر شهریاران سلسلهٔعلیه ابّدالله دولتیهم چندخانوار ازخدمتگذاران و خدّام مزارکثیرالانوار امامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم امامزاده‌عبدالله واقعه درقریهٔ خواسته‌رود ازقدیم‌الایام الی‌یومناًهذا از جمیع عوارض دیوانی معاف و مسلم بودند و بخدمات مزار و مرقد مطهر امامزادهٔ مسطور مشغول بودند لهذا در معاملهٔ هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت‌دلیل سنهٔ هزار و دویست و پنجاه وشش هجری‌النبوی علی‌هاجرها آلاف‌التحیة والثناء ومابعدها بندهٔ درگاه خلایق امیدگاه و چاکر بارگاه سپهر اشتباه پنج خانوار از ایشان را بطریق سنوات سابقه از تکالیف دیوانی معاف و مرفوع‌القلم‌داشته مرقوم می‌نمایدکه‌عالیشانان کلانتران و مباشرین مهام بلوك استرابادرستاق و ضباط قریهٔ خواسته‌رود شیخ زین‌العابدین و چهارخانوار دیگر ایشان‌راکماکان معاف دانسته مزاحم احوال‌ایشان نگردیده‌گذارندکه فارغ‌البال بدعای دولت ابدااتّصال پادشاه‌جمجاه روحی‌فداه اشتغال ورزیده بخدمتگذاری سرکار امامزادهٔ واجب‌التعظیم مشغول باشد باقی‌زیاده است .

۹٤

حکم محمدناصرخان ـ حاکم‌استراباد ـ که طبق فرمان محمدشاه قاجارهشتاد و پنج‌خروار شلتوك به‌وزن بلده از بابت مستمری دیوانی و حق‌الارض قریهٔ الوکلاته در وجه آقا سیدفضل‌الله مستمر و برقرار دارند .

حکم عالی‌شد که‌چون از قرار فرامین قضاتضمین سرکار عدالت‌مدار اقدس‌شاهنشاه جمجاه عالمیان‌پناه روحی و روح‌العالمین‌فداه ازقرارهشتادوپنجخروار[1] شلتوك بوزن بلده از بابت مستمری دیوانی وحق‌الارض قریهٔالوکلاته

هشتادو پنج‌خروار

مستمری دیوانی از بابت میرمحله ... از بابت حق‌الارض الوکلاتـه

شصت خروار بیست وپنج‌خروار

در وجه جنـاب قدسی‌القاب قدوسی‌انتساب حقایق و معارف نصاب فضایل و فـواضل اکتساب خلاصة‌السادات‌الاطیاب مجتهدالشانی آقاسیدفضل‌الله مدفضله مستمـر و برقرار است لهـذا در معاملهٔ هذاالسنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت‌تحویل بامضای قضامضای فرامین مبارك مطاع شهریاری مقرر می‌شودکه عالیجاهان مستوفیان مقدار مزبـور راکماکان بموجب صدور براة سرکاری مهمسازی و از شائبهٔ تغییر مصون و مبرّا دانند و درعهده شناسند .

تحریرا فی شهر شوال سنه ۱۲۵۶ .

[جای مهر][2]

۱ـ کلمهٔ «خروار» درمتن فرمان مکرر نوشته شده است . ۲ـ مهر چهارگوشهٔ محمدناصرخان باسجع : «عبده‌محمدناصر» ودر حاشیه‌ای « بسمله و سورهٔ اخلاص» .

۹۵

سواد فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ـ۱۲۵۰) برای سلیمان‌خان خان‌خانان ـ حاکم استراباد ـ که مقدار سی خروار شلتوك مستمری آقاسید فضل‌الله استرابادی و آقاسیدمهدی و آقاسیدمحمدعلی و آقاسید ابراهیم دو سال است نرسیده است . مستمری ایشان را به ایشان برسانند ودو مزرعهٔ وقفی چوپلانی ومیرمحله را بـه تولیت آقا سیدفضل‌الله واگذارند .

عالیجاها رفیعجایگاها مجدت و نجدت‌پناه امیرالامراءالعظام مقرب‌الخاقان سلیمان‌خان خان‌خانان حاکم استراباد بدانند ازقراریکه بعرض اولیای دولت قاهره رسید مستمری جناب فضائل و کمالات اکتساب عمدة‌العلماءالعظام آقاسید فضل‌الله استرابادی ومستمری عالیجنابان سیادت انتسابان آقا سیدمهدی و آقاسید محمدعلی وآقا سیدابراهیم که از قرار فرمـان مبارك دروجـه آنهـا برقرار است دوسال است کـه نرسیده است وبعهدهٔ تأخیر افتاده است لهذا بـآن عالیجاه امر و مقـرر میداریم کـه بعداز زیارت ملفوفهٔ فرمان همایون مستمری جناب معزی‌الیه را با مستمری سایرسادات که مقدار سی‌خروار شلتوك است مـوافق فرمـان مبارك تمام وکمال کارسازی نموده تا بفراغت بدعاگوئی دوام دولت قاهره پردازند دیگر دو مزرعهٔ وقفی که چوپلانی و میرمحله است تولیت آنهـا با جناب قدوة‌العلماء آقاسید فضل‌الله میباشد باید آنعالیجاه ازقرار احکام جناب سید اعلی[الله] مقامه و امضای حکم مرحوم حاجی محمدابراهیم وسایر علما چنانچه در زمان حکومت عـالیجاه محمدناصرخان مـزرعتین مزبـورتین در تصـرف جناب معزی‌الیه بود بازکماکان تولیت آنهارا بااو واگذارکرده قدغن دارد احدی بهیچوجه دخل و تصرف نکنند تـا مداخـل آنها را گرفته صرف تعزیه‌داری جنـاب سیدالشهدا

علیه‌السلام نماید عالیجاه [مأمور] وصول‌است‌که هم مستمری سادات را وصول وعاید دارد وهم منافع املاك مزرعتین مسطورتین‌را اخذ اقصر نموده باو برساند حسب‌الامر مرتب داشته درعهده شناسند.

فی شهرجمادی‌الثانی ۱۲۶۳.[۱]

۹۶

فـرمان محمدشاه قاجـار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) بـرای سلیمان‌خان ـ حاکم استراباد ـ که یکصد و پانزده خروار شلتوك مستمری آقا سیدمهدی و آقا سیدمحمدعلی و آقاسیدابراهیم را که در جزو وظایف استرابـاد به خرج شما آمده است به عهدهٔ تعویق گذاشته‌اند لهذا حاجی آقابیگ یوزباشی رابرای‌وصول وایصال مبلغ مزبور روانه می‌داریم ودر بارهٔ قراء وقفی چوپلانـی و میرومحله اگر کسی حرف حساب دارد به حـاکم شرع رجـوع کند

[illegible]

مقرّب الخاقانا فرزندا جناب فضایل‌مآب قدوةالعلماء و المجتهدین آقـاسید فضل‌الله استرابادی که همواره مورد الطاف غیر متناهی

۱ـ مطالب این فرمان کم وبیش بافرمان مورخ ۱۲۶۴ یکی است. درحاشیهٔ این سواد یکی دوگواهی است به این شرح: «سواد مطابق‌للاصل حرره اقل‌الطلبه (مهرناخوانا). سواد مطابق اصل است محمدلواسانی مهر«اللهم صل‌علی محمدوآل محمد». السواد مطابق للاصل حرره اقل‌العبد(مهرناخوانا).

از قرار تصدیق عالیجاه حاجی میرزا
مقیم که محاسب شما است مستمری
جناب سید یحیی شما آمده است
خبر دادند او آخرت شما این است
که جناب سید عالم فاضل
کامل مقدس را معطل نفرمائید

حضرت‌شاهنشاهی روحنافداه بوده و میباشد از قرار فرمان جهانمطاع مقدار یکصد و پنجاه خروار شلتوك وظیفهٔ مستمری درحق

دروجه عالیجناب‌معزّی‌الیه	در وجه سایر ارباب	مستوفی میرمحمدرضا
هشتادوپنج خروار	ششصدوده خروار	سی‌خروار

ایشان وعالیجنابان آقاسیدمهدی وآقا سیدمحمدعلی وآقاسید ابراهیم برقرار است‌که در جزو وظایف استرابادبجمع شماآمده است از قراریکه مسموع شد ومکرر نوشته شد حال دو سال است‌که ندادهاند وبعهدهٔ تعویق گذاردهاند ظهور اینگونه‌اعمال‌خلاف رأی معدلت آرای اقدس‌شهریاری‌است لهذاعالی‌شان حاجی‌آقابیگ‌یوزباشی فراشخانهٔ مبارکه برای وصول وایصال مبلغ مزبور روانه داشت تا به ورود مشارالیه بدون معطلی مقدار مزبور را کارسازی نموده که مقضی‌المرام معاودت کنند و بایشان برسانند و همچنین در باب بعضی از املاك وقفی نظر باحکام علمای عصر و حکم همایون پادشاهی چندسال است‌که درتصرف جناب معزی‌الیه میباشد برمیآید کماکان در تصرف ایشان باشد این املاك دوقریهٔ چوپلانی و میرومحله است هر گاه احدی را

حرف حسابی باشد قدغـن نموده در خدمت سرکار حاجی مـلا محمدتقی قره‌بیگی[۱] از اهالی شرعمطاع طی گفتگو نمایند باوجود اطلاع آنفرزند چرا بایست در امورات معزی‌الیه اختلال رخ دهد البته بقرار اظهارات معمول دارد زیاده . . .[۲]

۹۷

حکم حاکم استراباد برای حاجی آقابیگ یوزباشی که ازطرف دیوان محصل است کـه دو قریهٔ وقفی چوپلانی و میر محله را از تصرف غیر درآورد و به تصرف آقا سیدفضل‌الله استرابادی بدهد .

حکم‌حاکم شد که ازقرار زیارت ملفوفهٔ فرمان‌مهر لمعان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع و دستخط جناب‌آقائی سلمه‌الله‌تعالی دو مزرعه وقریهٔ وقفی‌چوپلانی ومیرمحله تولیت‌آن متعلق بجناب فضایل وکمالات انتساب محامد و معارف‌مآب‌آقاسید فضل‌الله استرابادی میباشد و باید احدی سوای جناب مـومی‌الیه در آنجا مداخله ننماید و نیز عـالیجاه عزت‌شان صداقت‌ارکان حاجی‌آقابیگ یوزباشی‌که از دیوان همایونی محصل است که قراءمزبوره را ازتصرف‌غیردرآورده بتصرف‌کسان جناب‌معزی‌الیه‌بدهدبناءً علی‌هذ[ا] امتثالاً لامرهالاعلی باید اهالـی و رعایا و ریش‌سفیدان قریهٔ میرمحلـه و چوپلانـی از قـرار حکم‌همایونی وصدور فرمان مهرلمعان آنجـا را متعلق بجناب معزی‌الیـه دانسته واگذار باو دانسته و از قرار مأموریت عالیشان مشارالیه قراء مرقـومه را در تصرف کسان جناب معزی‌الیه بدانند و تخلف از صدور فرمان مبارك مطاع ننمایند در عهده شناسند .

تحریرا فی شهرربیع‌الثانی سنة ۱۲۶۴.

۱ــ در درست‌خواندن این‌کلمه شك داریم . ۲ــ یك‌کلمه خوانده نشد .

[برحاشیهٔ سمت راست این فرمان عبارات زیر نوشته شده است:]

مقرر آنکه شرح مرقومهٔ متن را معمولداشته انحراف نورزند .

فی شهر مزبور ۱۲۶۴ .

[جای مهر][1]

۹۸

دستور خان‌خانـان ــ حکمران استراباد ــ در باب ملك قــریـهٔ میرمحله ومزرعهٔ چوپلانی واختلاف سیدفضل‌الله‌استرابادی و عباس‌خان بیگلربیگی .

در باب ملـك قـریهٔ میرمحله و مـزرعهٔ چوپلانی جناب عمدة‌العلماء آقاسیدفضل‌الله استرابـادی بسرکار عباس‌خان بیگلربیگی گفتگوئی داشت وسابقاً حکم دیوانخانـهٔ مبارکه صادر شده بود که درمحضر شرع جناب ملامحمدعلی شرعی نمایند و از قرار عریضهٔ سرکاربیگلربیگی ووکیل‌معزی‌الیه حاجی‌میرزاخانجان درحضور امنای دولت قاهره و رضا واستدعای طرفین نزاع ملکی میرمحله ومزرعهٔ چوپلانی درخدمت‌جناب خیرالحاج مجتهدالزمانی حاجی ملامحمدتقی بوکالت شرعی طرفین قطع گفتگـوی نمایند هر یك تخلف نمایند دخل و تصرف در ملك ننمایند که مـورد سیاست ابنای دولت باشند .

[جای مهر][2]

۱ـ مهرچهارگوشهٔ سلیمان‌خان‌بااین مشخصات‌است: حاشیهٔ‌بالا «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله احد. . . الخ» ودرمتن مهر«انه من‌سلیمان» .

۲ـ مهر چهارگوشهٔ‌کوچك با سجع : «عبده خان خانان» .

[برحاشیهٔ این فرمان عبارات زیر نوشته شده است :]

هوالله تعالی‌شأنه‌العزیز

در باب قرارداد مرافعهٔ میرمحله با جناب قبله‌گاهی آقا سیدفضل‌الله مقرب‌الخاقان قبله‌گاهی بیگلربیگی کاغذ علاهده که نوشته‌ام برضای طرفین وکلای ایشان در محضر جناب حاجی‌ملامحمدتقی استرابادی مرافعه بکنند آن کاغذ در نزد بندهٔ درگاه رحیم پیشخدمت ضبط است فی‌شهر جمادی‌الاول ۱۲۶۴ .

[جای مهر][1]

۹۹

حکم سلیمان‌خان‌خان‌خانان ـ حاکم استراباد ـ برای حاجی‌بیگ یوزباشی‌فراشخانهٔ مبارکه به‌عنوان‌محصل دومزرعهٔ چوپلانی‌و میرمحله را از تصرف غیر بیرون آورده و به تصرف آقاسید فضل‌الله استرابادی بدهد .

هو

حکم‌حاکم‌شد که عالیشان رفیع‌مکان‌عزت‌وسعادت‌شان صداقت‌ارکان فراشباشی...[2] مباهی بوده بداند ازقرارزیارت ملفوفهٔ فرمان مبارك مطاع وتعلیقهٔ رفیعهٔ جناب‌حاجی سلمه‌الله تعالی‌دومزرعهٔ چوپلانی ومیرمحله وقف‌وتولیت آنجا راکه برآنجناب سیادت‌و نجابت انتساب زبدةالفضلاء العظام آقاسید فضل‌الله است‌که باید همه ساله حاصل‌آنجا را دریافت ومنافع آن را بخرج جناب سیدالشهدا علیه‌الاف‌التحیه والثنا برسانید و نیز حسب‌الامر مقرر است که حاصل زمان گذشته تصرف غیرکسان جناب معظم‌الیدرا گرفته وتحویل‌کسان ایشان نمایدبناءً علی‌هذاامتثالاً لامره‌الاعلی بایدباتفاق عالیشان

۱ـ مهر چهارگوشهٔ کوچك با نام: «رحیم» .   ۲ـ یك‌کلمه خوانده نشد.

عزت و سعادت‌نشان صداقت و ارادت ارکان حاجی‌بیگ یوزباشی فراشخانهٔ مبارکه‌که محصل انجام این امر است رفته مزرعتین مزبورتین راتصرف و حاصل‌سنواةگذشته را از عالیشان رفیع‌جایگاه ملك‌کاظم که تصرف داشته تمام وکمال دریافت وتحویل و تسلیم‌کسان جناب سابق‌القاب نماید البته از قرارمرقوم معمول و مرتب داشته‌انحراف نورزیده در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاولی ۱۲۶۴ .[۱]

[بر حاشیهٔ سمت راست این حکم درمقابل سطر اول مطالب زیر خوانده می‌شود :]

مقرر آنکه شرح مرقومهٔ متن را معمولداشته انحراف نورزند .

فی‌شهر جمادی‌الاولی ۱۲۶۳ .

[جای مهر][۲]

۱۰۰

فرمان محمدشاه‌قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰) برای سلیمان‌خان ـ حاکم استراباد ـ که مقدار سی‌خروار شلتوك مستمری آقاسیدمهدی و آقاسید محمدعلی و آقاسیدابراهیم را از قرار عمل دفترخانهٔ مبارکه به ایشان‌برساند و دو مزرعهٔ وقفی چوپلانی ومیرمحله را به تولیت آقا سیدفضل‌الله استرابادی واگذارد .

[محل مهرمحمدشاه قاجار][۳]

عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه مقرب‌الخاقان سلیمانخان خان خانان و

۱ـ تاریخ مغشوش است .

۲ـ مهرسلیمانخان باسجع : « انه من‌سلیمان » و در حاشیهٔ آن: «بسمله‌وقل‌هوالله . . . الخ » .

۳ـ مهرچهار گوشهٔ کلاهك‌دار محمدشاه‌قاجار باسجع : « السلطان‌بن‌السلطان محمدشاه‌غازی » و درکلاهك‌آن « هوا . . .»اطراف مهر با اسلیمیهای رنگین تزیین شده است و متن فرمان مجدول است و درحاشیهٔ سمت راست فرمان این عبارات خوانده می‌شود : «هو بمهرمبارك برسد » .

حاکم استراباد بداندکه از قرار فرمان مبارك و ثبت دستورالعمل مقدار سی خروار شلتوك برسم مستمری در وجه عالیجنابان سیادت انتسابان آقا اسیدمهدی و آقا اسید محمدعلی وآقاسید ابراهیم برقرار است باید هر ساله بآنها برسد و بایدآنعالیجاه از قرارعمل دفترخانهٔ مبارکه مستمری مشارالیهم را داده تابفراغت وآسودگی بدعاگویی دوام دولت قاهره بپردازند و دیگر دو مزرعهٔ وقفی که چوپلانی ومیرمحله است و تولیت آنها با جناب فضایل‌مآب قدسی‌انتساب زبدةالفضلاءالعظام آقا سید فضل‌الله استرابادی میباشد باید آنعالیجاه از قرار احکام جناب سیداعلی‌الله مقامه و حاجی محمدابراهیم رحمه‌الله و سایرعلما چنانچه درزمان حکومت عالیجاه محمدناصرخان مزرعتین مزبورتین در تصرف او بود باز کمافی‌السابق تولیت آنها رابجناب آقا اسید فضل‌الله واگذار داشته قدغن دارد احدی بهیچوجه دخل و تصرف نکند تا منافع و مداخل آنها را اخذ نموده صرف تعزیه‌داری جناب سیدالشهداعلیه‌التحیه والثنا نماید عالیشان حاجی‌آقابیگ یوزباشی مأمور است‌که هم مستمری سادات را وصول وایصال دارد وهم منافع مزرعتین مسطورتین رابجناب معظم‌الیه عاید دارد میباید حسب‌الامر مرتب داشته درعهده شناسند.

فی‌شهر جمادی‌الثانی ۱۲۶۴ .

۱۰۱

عرضه داشت یکی‌از سادات در بارهٔ وقفیت دو قریهٔ میرمحله و مزرعهٔ چوپلانی و تصرفات دیگران در آن دو قریه و تقاضای فرمان شاهنشاه در این‌باره و دستورالعملی که دیوان‌اعلی در بالای آن نوشته است .

عرض میشود بدیوانخانهٔ مبارکه واولیای دولت قاهره که درسابق نظر بده‌حکم

احقراساداة و خادم‌الشریعه

مجتهدین و اعیان از علما خصوص دو امضای حکم از دوثقةالاسلام مرحوم جنت‌مکان حاجی سیدباقر و مرحوم حاجی‌ابراهیم‌کرباسی اعلی‌الله درجتها حکم محکم اقدس شهریاری روحنافداه صادر شده بروقفیت دو ملك قریهٔ میرمحله و مزرعهٔ چوپلانی واقعان در استراباد و بمقتضای آن احکام فدوی دعاگویان و بنی‌اعمام‌تصرف نموده در شهر رجب‌المرجب سنهٔ ۱۲۴۳ عریضه از عالیجاه عباس‌خان بیگلربیگی بخاکپای همایون رسیدکه در ثانی باید در خدمت جناب ملا محمدعلی اشرفی در استراباد شرعی نموده و پس از شرفیابی حضور مبارك و رضا و استدعای وکیل‌العالیجاه التزام مذبور بخامهٔ مبارکه سپردند که طی‌سخن واتمام حرف شرعی در استراباد درنزدجناب شامخ‌الالقاب مزبور شود چون‌مدت هشت‌ماه‌عالیجاه‌عباس‌خان جرجان‌مدار شدبالشکر عظیم در استراباد بوده آنچه سعی نمود از جناب ملامحمدعلی‌حکمی برخواست خود بگیرد نتوانست ولهذا باز عریضه در شهر جمادی‌الاولی سنهٔ۱۲۶۴ رقمه‌ای‌ازعالیجاه مقرب‌الخاقان بخاکپای اقدس همایون رسید واستدعا حکم‌محکمی نمودکه طی‌سخن‌و حرف شرعی در باب دوملك در نزدجناب فضائل‌مآب مجتهدالزمانی حاجی‌ملامحمدتقی استرابادی شود و حکم آنرا حکم ابتر دانند و آن عریضه در نزد مقرب‌الخاقان

آقامیرزا رحیم پیشخدمت ضبط است وپس ازاحضار فدوی و وکیل عالیجاه‌عباس‌خان و عریضه و استدعای خود سرکارخان طرفین نظر بحکم شفاهی و رضـا و استدعا راضی شدندکه در محضرآ نجناب در استراباد دعوی را تمام نموده و غوررسی شود طی‌سخن نمایند و حکم صادره ازآن مجتهد را سرکارخان حکم‌الله دانند وهریـك از طرفین تخلف نمایند در محضر آ نجناب بخودنه وکیل خود حاضر نشود بایدمن‌بعد درآن‌دو ملك تصرف نکنند و بهمین‌نحو در حضور اقدس شاهنشاه عالم‌پناه روح‌العالمین فداه گذشت و حکم شرف‌صدور یافت‌که از دیوانخانهٔ مبارکه فرمان صادر شود تـا محصل عالیشان‌آقابیگ محصل سابق‌که‌کسی تخلف جائز ندارد حال قریب یکماه‌است استدعا از اولیای‌دولت و دیوانخانهٔ‌مبارکه شده است بطریقی‌که‌عرض شد و عریضه سرکارخان نوشتند فرمان مرحمت فرمایند جمعی از ساداة اولاد پیغمبر وعلی‌رشیدخان آسوده و دعاگوی باشند

باقی امرکم مطاع .

[بربالای این عرضه‌داشت با سطوری‌که کرسی آن باکرسی سطـور متن نود درجـه اختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده است :]

[جای مهر][1]

که چون در سال قبل عالیجناب سعادت و فضیلت‌مآب عارض با عالیشان حاجی میرزاخانجان‌برحسب‌حکم شفاهی‌اقدس همایون اعلی برضایت یکدیگر دردیوانخانهٔ مبارکه التزام ونسختین نوشتهٔ ممهور داشتندکه در باب ملکین مسطوریـن خدمـت جناب معالی‌القاب مجتهدان آقاملاعلی‌محمد اشرفی بمرافعهٔ شرعی طی‌گفتگو شود و

۱ــمهری چهارگوشهٔ‌کوچك‌کلاهك‌دار که‌نقش‌وسط‌آن شیری‌شمشیر به‌دست باخورشیدی برپشت او ودرکلاهك‌نیم دایرهٔ بالای‌آن تاج‌کوچکی است .

برطبق آن نیز درعنوان هریك شرحی در دیوانخانهٔ مبارکه مرقـوم افتـاده و درعشر آخر شهر ربیع‌الاول سنهٔ ماضیه عریضه ازعالیجاه مقرب‌الخاقان عباس‌خـان بخاکپای جهان‌آسای مبارك همایون‌آمدکه از زمان التزام الی حال هشت ماه است میگذرد و جناب ملتزم یا وکیل او هیچکدام بمرافعهٔ ملتزمه قیام ننموده و حسب‌الامر تعلیقه از دیوانخانهٔ مبارکه صادرشد که‌ملکین‌مزبورین در تصرف گماشتگان عالیجاه عباس‌خان بوده هرزمانی‌که جناب سید یا وکیل او بمرافعه حاضر و حکم برحقیقت او صادر شد احقاق حق شود وجناب سید ازکیفیت مطلع‌شده بشرف‌حضور مبارك حاضرشد معروض داشت‌که عرض عالیجاه عباس‌خان خلاف بوده بـا اینکه من دراین باب تعلیقه هم از جناب اجل اعظم افخم ملجاءالامم گرفته وکیل مـن بـا محصل بـرای تقدیم بتـرافع باسترا باد رفت عالیجاه مشارالیه‌اقدام بمرافعه نکرده و در ثانی تعلیقه برتنسیخ تعلیقهٔ عالیجاه عباس‌خان صادر شده و جناب سید برصدق عرض‌خود نقض نوشتجات‌هم ابراز داشته حکم همایون شرف‌نفاذ یافت که مجدداً از دیوانخانهٔ مبارکه حکمی‌براقدام و انجام مرافعهٔ ملتزمه صادر شود و شرحی مؤکد در انجام‌آن حسب‌الامراشعار شد وپس از وقوع مراتب مسطوره با عالیجاه عباس‌خان بعریضه‌بخاکپای مبارك عارض ومستدعی گرددکه مرافعهٔ مشارالیهمارا بمحضر جناب مجتهدالعصر حاجی‌ملامحمدتقی‌استرابادی موکول دارند و سیدمعزی‌الیه پس ازاطلاع این فقره راضی به تبدیل مرافعه درحضور مبارك اقدس همایون شده عریضهٔ مقرب‌الخاقان عباس‌خـان در نـزد عالیجاه مقرب ــ الخاقان میرزا رحیم پیشخدمت خاصهٔ شریعه ضبط افتاده نظربرضای طرفین مقررآید که مشارالیهما یا خود و یا وکیل ایشان در محضر جناب فضـایل وکمـالات اکتساب شرایع ومحامد اداب‌کهف‌الحاج والکرام حاجی ملامحمدتقی امررا تمام نمایند لهذا در عشر ثالث شهر جمادی‌الثانیهٔ سنهٔ ۱۲۶۴ هجری مطـابق پیچی‌ئیل ترکی حکم از دیوانخانهٔمبارکه‌صادرشدکه‌عالیشان‌حاجی‌آقابیگ‌یوزباشی برحسب‌حکم‌محکم‌شفاهی

اقدس همایون طرفین و یا وکیل مشارالیهما را بمحضر جناب سابق‌الالقاب حاجی‌ملا محمدتقی حاضر و پس از ترافع آنچه حکم شرعی از آنجناب‌صادرگردیدقبول ومعمول داشته و تخلف و نکول نکرده حق‌بمن‌له‌الحق موصول‌گردد و چنانچه در ایندفعه هر کدام از طرفین بنای تسامح و تعلل و طفره راگذاشته بمحضر جناب معزی‌الیه‌بمرافعه حضور بهم نرسانیده امر را درعهدهٔ تعلل‌گذارند مالکین مزبورین بلانزاع‌آن‌دیگری متصرف شود و متمرد مـورد مؤاخذه و سیاست اولیاء دولت جـاهی گردد و در عهده شناسند .

تحریرا فی‌عشرآخرشهرجمادی‌الثانی‌سنه ۱۲۶۴ .

۱۰۲

حکم‌حاکم‌استراباد برای سررشته‌داران و مباشران‌اموردیوانی که مقدار سی‌خروار توفیر استرابادکه از بابت‌مستمری دیوانی در وجه سادات مستمر و برقـرار بوده در معاملهٔ یونت‌ئیل و مابعدها نیز مستمر و برقرار دارند .

حکم‌عالی‌شد کـه چون از قرار فرمـان قضاجریان شاهنشاه عـالمیان پناه روحی و روح‌العالمین‌فداه و ثبت‌دستورالعمل مقدار سی‌خروار توفیر استراباد از بابت‌مستمری دیوانی در وجه ساداةعظام‌که در ذیل تفصیل داده شده

جناب آقای سیدمهدی	جناب آقای‌سیدمحمدعلی	جناب‌آقای سیداسدالله
ده‌خروار	ده‌خروار	ده‌خروار

مستمر و برقرار است لهذا در معاملهٔ یونت‌ئیل‌خیریت‌دلیل و مابعدها به‌امضای‌فرمان قضـاجریان مبارك شهریاری روحی‌فداه مقررمی‌شود که سررشته‌داران ومباشرین‌امور

دیوانی کماکان بموجب صدور پروانهٔ سرکاری از بابت آقایان مهمسازی نمایند و از شائبهٔ تغییر و تبدیل مصون و مبرّا دانسته در عهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر جمیدی‌الثانی سنه ۱۲۶۴. [1]

[جای مهر] [2]

۱۰۳

فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴) برای عبدالصمدخان سرکردهٔ دستهٔ مقصودلو که کمافی‌السابق عهده‌دار این منصب باشد و مواجب و مقرری خود را طبق سنوات سابق دریافت دارد.

[جای مهر ناصرالدین‌شاه‌قاجار] [3]

الملك‌لله‌تعالی حکم همیون شد که چون برحسب فرمان شاهنشاه مبرورطاب‌الله‌ثراه منصب سرکردگی دستهٔ مقصودلو [4] بعهدهٔ کفایت وجلادت عالیجاه مجدت و نجدت‌اکتناه عزت وارادت همراه نتیجة‌الخوانین عبدالصمدخان ولد مرحوم حاجی میرزامحمد مقصودلو مفوض و برینموجب مواجب و مقرری

۱ــ در درست‌خواندن این‌تاریخ‌شك‌داریم. ۲ــ مهرچهارگوشه‌باسجع: «الواثق‌بالله‌الغنی شاه‌رخ‌بن ابراهیم‌بن‌مهدی‌قلی». ۳ــ مهر بزرگ چهارگوشهٔ کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه‌قاجار باسجع:

«تاکه دست ناصرالدین خاتم‌شاهی گرفت صیت‌داد و معدلت ازماه تا ماهی گرفت»

و درکلاهك بالای‌آن «الملك‌لله تعالی». ۴ــ دربالای نام «مقصودلو» که آخرسطر اول فرمان است، کلمات «صحیح‌است» ظاهراً به خط ناصرالدین‌شاه دیده می‌شود.

. . . . . از قرار . . . دریافت مینماید . . . . . مبارك حاضر می‌شوند بـووه میگیرند راجع به استراباد ...	توفیر استراباد از بابت‌قریهٔ سرخانکلاته چهاردانگ عوض نانخانه موافق‌فرمان سابق
پنجاه تومان	۲۳۰ دینار

از بابت استراباد درحق او مقرر بود ما نیز محض قابلیت و استعداد عالیجاه مشارالیه در اواخر هذه‌السنهٔ مبارکهٔ پیچی‌ئیل و مابعدها او را بمنصب سرکردگی نوکر مزبور سرافراز و مواجب و مقرری فوق را در بارهٔ او مرحمت و برقرار فرمودیم‌که همه‌ساله موافق همین‌فرمان مبارك از بابت مقرره دریافت نموده بامیدواری‌مشغول‌خدمتگزاری گردد مقرر آنکه عالیجاه مقرب‌الخاقان امیرالامراءالعظام عباس‌خان بیگلـربیگی و حاکم استراباد بنحو مقرر مرتب داشته بمباشرین دیوانی استراباد قـدغن نماید کـه متعرض مقرری مشارالیه نشوند و مواجب او را بـرسانند محرران دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمانرا ثبت نموده درعهده شناسند .

تحریرا فی ۲۲ محرم‌الحرام ۱۲۶۵ .

۱۰٤

حکم محمد ولی‌میرزا برای علی‌محمد ساکن کتول که درمعاملهٔ ایت‌ئیل و مابعدها نامبرده را از عوارضات حکومتی معاف و مسلم شناسند .

چون جهة ازدیاد عمر و دولت حضرت اقدس شهریاری روحـی و روح‌العـالمین‌فداه در معاملهٔ هذه‌السنه ایت‌ئیل مسرت‌دلیل و مابعدها عالیقدر علی‌محمد ساکن کتول را از عوارضات حکومتی معاف و مسلم نمودیم‌که[با]نهایت‌آسوده خاطری بامر زراعت‌و

فلاحت خود مشغول باشد عالیجاه رفیع‌جایگاه اخلاص و ارادت‌آگاه آقاخان کلانتر بلوك کتول علی‌محمد اسیرشده وپریشان احوال است ازو مطالبهٔ صادریات وعوارضات نکنید ازقراریکه مرقوم رفت کوتاهی جایز ندارد درعهده شناسند.

شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۷ .

[جای‌مهر] [۱]

۱۰۵

حکم حاکم شرع ـ محمدتقی ـ در باب دهکده‌های چوپلانی و میرمحله که آنچه مرحوم مغفور حاجی‌ملارضا در بارهٔ این دو دهکده حکم کرده‌اند صحیح و نافذ است .

مخفی نماند که‌مرحوم مغفورحاجی ملارضااعلی‌الله مقامه در باب چوپلانی ومیرمحله حکمی بمرحوم مغفور آقامیرموسی و اخویشان داده بود درایام حیات خود وآن‌حکم را حضرات در دست دارند مرحوم حاجی‌اعلی‌الله مقامه مجتهد نافذالحکم بودند و احکام ایشان معمول ... بود و از اهل حکم و فتوی بودند و احکام ایشان را نقص و مخالفت جایز نیست باید بمقتضای آن عمل شود ، مخالف عاصی و اثم است .

حرره الاقل ۱۲۶۷ .

[جای مهر][۲]

۱ـ مهر چهارگوشهٔ محمدولی‌میرزا با سجع : «اتوکل‌علی‌الله عبده محمدولی» .

۲ـ مهر مستطیل شکل که این کلمات بر آن خوانده می‌شود : «محمدالتقی امامی ..»

۱۰۶

حکم حاکم استراباد در بارهٔمعاف ومسلم داشتن قریهٔروشن‌آباد از محال استراباد از بلـوك سدن‌رستاق از جمیع عـوارض و صوادر دیوانی محض احترام سادات عالیدرجات بنی‌مفید .

چون همـواره منظورنظـر چـاکران دولت جـاویدآیت‌علیـه و مکنون‌خـاطـر جان‌نثاران حضرت‌گردون‌بسطت‌سنیه رفاه‌حال وفراغ‌بال عامه رعایا وکافه‌برایا بوده‌و میباشد بتخصیص در بارهٔ علمای اعلام و سادات عالیدرجات والامقام‌که زیاده برزیاده منظور رعایت و جانبداری در حال و هرجهت بایـدنمودکه باعث ازدیاد دعـاگویان دولـت قوی‌شوکت قاهره و بقای وجود اقدس همیون اعلیحضرت قدرقـدرت شاهنشاه جمجاه دین‌پناه خلدالله ملکه و سلطانه خواهد لهذا مطابق احکام حکام سابق استراباد محض احترام سادات عالیدرجات بنی‌مفیدکثرالله امثالهم قریهٔ روشن‌آباد مـن‌محـال استراباد از بلوك سدن‌رستاق راکه از املاك معزی‌الیهم میباشد درهـذه‌السنهٔ لوی‌ئیل سعادت‌دلیل و مابعدها قریهٔ مزبوره را از جمیع عوارض و صوادر دیوانی قلماً و قدماً معاف و مسلم داش[تیم]که بعدهذاکمافی‌السابق بفراغت و آسودگی مشغول دعاگوئـی باشند مقرر[آ]نکه میربلوك سدن‌رستاق ازقرارمرقوم معمول داشته تخلف وانحراف جایز ندارد از قرار مرقوم مرتب دارد.

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الاول مطابق ۱۲۷۳ .

۱۰۷

حکم شاهزاده ملك آرا ـ حکمران مازندران واستراباد ـ دربارهٔ وقف شناختن شش دانگ قریهٔ چوپلانی واقع دراسترابادرستاق و از جزو جمع خالصه‌جات استراباد موضوع کردن و واگذاشتن آن به سادات تا محصول آنجا را بطریق وقف صرف معاش خود نمایند.

[جای مهر] [۱] حکم والا شد که چون ازقرارفرمان قضا نظام مبارك سرکاراعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه که برامضای فرامین قدرآئین خاقان مغفور و شاهنشاه مبرورالبسهماالله حلل النور شرف اصدار یافته زیارت‌شد ومطابق نوشتجات واحکام علماء اعلام و برطبق وقف‌نامه‌جات معتبره شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی واقعه در استرابادرستاق از املاك موقوفهٔ سادات عالیدرجات است موافق دستورالعمل دیوانی هذه‌السنهٔ استراباد همیشهٔ اوقات از جزوجمع خالصه‌جات‌استراباد موضوع بوده بوقفیت عمل میشد لهذا محض ملاحظه رعایت جانب سادات عالیدرجات و حصول دعاگوئی بجهة دولت ابدآیت سرکاراعلیحضرت قدرقدرت اقدس شهریاری روحنافداه این رقم عتاب‌شیم برامضای فرامین قدرآئین مبارك و اجرای احکام شریعت طاهره در هذه‌السنهٔ پیچی‌ئیل خیریت‌دلیل صادر شده مقرر می‌فرمائیم که عالیجاهان مجدت همراهان احمدعلی‌خان وکلانتران حال و استقبال بلوك استرابادرستاق بمدلول فرمان شاهنشاه جمجاه روحنافداه و بموجب انتصاب مستطاب در قریهٔ چوپلانی بهیچوجه مداخله ننموده قدغن نمایند احدی‌مزاحم احوال سادات عالیدرجات نشده کمافی‌السابق درتصرف ایشان بوده متوجه زراعت وفلاحت خود بوده محصول آنجا را بطریق وقف و

۱ـ مهر چهارگوشهٔ ملك آرا که این کلمات باخط خوش نستعلیق برآن خوانده‌می‌شود: «شاهزاده ملك آرا حکمران مازندران و استراباد».

شروط واقف همه ساله معمول‌داشته صرف معاش خودنمایند بهیچ اسم ورسم دیناری‌از ایشان مطالبه و دریافت نکرده تا بفراعت بدعاگوئی ذات مقدس اعلیحضرت ظل‌اللهی مشغول باشند حسب‌الامر مرتب و معمول داشته در عهده شناسند .

فی‌شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۷۶ .

۱۰۸

دستور شاهزاده ملك‌آرا به‌محمدصادق‌خان که رعایای کلاجان یك‌نفر نوکردارند و خانواری او را هم می‌دهند . خانواری نوکر مفقودالاثر قزانچائی که دو خروار است و از ایشان خواسته‌اند نباید بدهند .

[جای‌مهر] [1] عالیجاه صداقت آثار محمدصادق‌خان از قراریکه رعایای کلاجان از طایفهٔ مازندرانی مشهور مذکور یك‌نفر نوکر دارند خانواری او را هم می‌دهند آنعالیجاه خانواری نوکر مفقودالاثر طایفهٔ قزانچائی را هم‌که دو خروار است ازآنها مطالبه مینمایند اینظلم را چرا باید بآنها روا دارید هرگاه طایفهٔ قزان‌چائی مفقودالاثر شده نوکرش را عوض‌گرفته‌اید در هرجا عوض‌گرفته‌شد ازعهدهٔ خانواری برآید و اگر سایر اهالی این ده خانواری را ندهند غیر ازطایفهٔ ...[2] خود را بانوکر خودشان داده‌اند ساکنین‌آن قریه دو خروار خانواری نوکرراکه مفقودشده درعوض‌گرفته‌اند بایدبدهند والا خود نوکر هم ازآنها مطالبه می‌شود طایفه مار ...[3] یك‌نفر نوکر حق دارند با دو خروار خانواری او زیاده مطالبه نشود از قرار مرقوم معمول داشته در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر جمیدی‌الثانیه[4] سنه ۱۲۷۶ .

۱ـ مهر چهارگوشهٔ‌کوچك ملك‌آراکه برآن فقط «ملك‌آرا» نقر شده است .

۲ و۳ـ یك‌کلمه خوانده نشد . ۴ـ در درست خواندن نام ماه شك داریم .

۱۰۹

فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ ـ ۱۲۶۴) درمورد قریهٔ چوپلانی واقع در استرابادرستاق که شش‌دانگ این قریه از املاک موقوفهٔ سادات است از جزو جمع خالصجات استراباد موضوع کنند و به وقفیت عمل نمایند .

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

[الملک‌لله تعالی حکم همیون شد] که چون از قرار فرامین خاقان مغفور شاهنشاه مبرور البسهماالله تعالی حلل‌النور ومطابق نوشتجات واحکام علماء اعلام برطبق وقف‌نامجات معتبره شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی واقعه در استرابادرستاق از املاک موقوفهٔ سادات عالیدرجات است و همیشه از جزو جمع خالصجات استراباد موضوع بوده بوقفیت عمل میشد لهذا محض عطوفت و مرحمت درحق سادات عظام مقرر میفرمائیم که از ابتداء هذه‌السنهٔ قوی‌ئیل خیریت‌دلیل و مابعدهاکمافی‌السابق معمول بوده قریهٔ مزبوره را بتصرف حضرات سادات عالیدرجات واگذار نمایند بهیچوجه من‌الوجوه احدی درآنجا مداخله ننمایدکه سادات عظام‌خودمتوجه زراعت وفلاحت‌آنجا بوده و در مقام معموری وآبادی قریهٔ مزبوره برآیند و محصول آنجا رابطریق وقف وشروط واقف معمول داشته صرف نمایند و آسوده خاطر و فارغ‌البال بدعای دوام دولت ابد-مدت قیام و اقدام دارند المقررآنکه حکام و مباشرین حال و استقبال دارالمؤمنین استراباد قدغن کامل نموده‌که حسب‌المقرر معمولداشته احدی مزاحم و متعرض‌احوال آنها نشده بهیچوجه من‌الوجوه مداخله در قریهٔ مزبوره ننمایند و از همه جهت قلم و قدم‌کوتاه دارند و انحراف ازحکم همایون شهریاری جائز ندارند عالیجاهان کتّاب

---

۱ ـ مهر چهارگوشهٔ بزرگ کلاهک‌دار ناصرالدین‌شاه با مشخصاتی‌که درحاشیهٔ‌فرمان شمارهٔ ۱۰۳ ذکرکردیم .

سعادت انتسابان دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاترخلود و دوام ثبت و ضبط نموده از شوائب تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند وگذارند که با فراغت و آسودگی مشغول دعاگوئی ذات خجسته‌صفات مقدس بوده در عهده شناسند.

تحریرا شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۷۶.

۱۱۰

فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) برای عبدالصمدخان سرکرده که ریاست ودارائی طایفهٔ اغورجلی را ازسنهٔلوی‌ئیل و مابعدها به عهده بگیرد و مالیات را وصول کند و در حضور حکام در عوض مواجب نوکر مقصودلو و فخرعمادالدین و استرابادرستاقی کارسازی دارد.

[محل توقیعی به‌شکل مهر][1]

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][2]

الملك‌لله حکم همیون شد اعلیحضرت اقدس اشرف‌همایون ما ملاحظهٔ خدمات و صداقت عالیجاه عبدالصمدخان سرکرده را نموده ریاست و دارائی طایفهٔ اغورجلی را از هذه‌السنهٔ لوی‌ئیل و مابعدها درعهدهٔکفایت او مفوض فرمودیم‌که مالیات را وصول نموده در حضور حکام درعوض مواجب نوکر مقصودلو و فخرعمادالدین واسترابادـ رستاقی‌کارسازی داشته قبض‌حاصل نماید و مبلغ یکصدتومان ازبابت منافع اغورجلی

۱ـ مهری با حواشی تزیینی‌که در وسط آن : «الملك‌لله فرمان همیون ۱۱۸۵» با مرکب سیاه خوانده می‌شود و نشان می‌دهدکه این کلمات حك شده‌اند و نقر نبوده‌اند.
۲ـ مهرچهار گوشهٔ‌کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه با مشخصاتی‌که در حاشیهٔ فرمان شمارهٔ ۱۰۳ یادکردیم.

که در هذه‌السنه علاوه برمالیات شده است بصیغهٔ اضافه مواجب درحـق او مرحمـت فرمودیم مقرر آنکه حکام حال و استقبال ولایت استراباد حسب‌المقـرر معمول دارند المقرر مقربوالخاقان مستوفیان عظام شرح فرمـان همایون را ثبت دفاتر خلود نموده در عهده دانند .

شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۸۵ .

۱۱۱

حکم سلیمان‌خان یوزباشی و کـلانتر بلـوك فخرعمادالدین بـه ولی‌خان‌که کاه‌وکلش دهکدهٔ چوپلانی را داخل حواله ننمایـد چنانکه سال قبل هم داخل حواله نبوده است .

هو

عالیجاه مجدت همراه ولیخان را مرقوم میدارد که در باب حوالهٔ کاه وکلش‌که بـه چوبلانی‌آدم فرستاده‌اید اولاً چوبلانی داخل در بلوك فخرعمادالدین نبوده و ثـانی این دهکده متعلق به آقایان سادات و نواب والانظام‌العلماء میباشد باید در این باب او را داخل حواله ننمائید همچنانکه پارساله‌هم داخل‌نبوده است البته متعرض شوید حسب‌المرقوم معمول دارید .

۱۸ شهرجمادی‌الاول ۱۲۸۸ .

[جای مهر] [1]

۱ـ مهر بزرگ بیضی سلیمان‌خـان با سجع : «عبده‌الراجی سلیمان» .

۱۱۲

حکم سلیمان‌خان یوزباشی وکلانتر بلوك فخرعمادالدین برای مباشران امور دیوانی استرابادکه محمدکاظم و احمد راکه از احفاد درویش حسین و درویش الله‌داد هستند متولی امامزاده عبدالله بدانند و موقوفات آنجا را با هفت خروار مال‌الاجارهٔ آب وقفی به‌ایشان واگذارند.

هوالله تعالی شأنه

عالیجاهان مجدت و نجدت همراهان مباشرین امور دیوانی استراباد را عموماً و بلوك استرابادرستاقرا خصوصاً قلمی و مرقوم میشود که چون از قرار فرامین‌قضاآئین ملوك نامدار و پادشاهان تاجدار و سلاطین باعز و تمکین و جواقین جنت‌بـسکینی از زمان سلطان حسین‌بایقرا وصفویه اناراله برهانهم تاعصرخاقان مغفور البسه‌الله من‌حلل‌النور تا اینزمان امر تولیت و خدمت آستانهٔ مقدسهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم شاهزاده عبدالله واقعه درخواسترود با درویش حسین ودرویش اللّه‌داد و اولاد و احفاد ایشان بوده‌لهذا بمتابعت فرامین مطالمه از هذه‌السنهٔ میمونهٔ قوی‌ئیل خیریت‌تحویل ومابعدها کماکان تولیت‌آستانهٔ‌متبرکه رابعالیجاهان محمدکاظم واحمد واگزار نمودیم میباید مشارالیهم را متولی‌آستانهٔ مقدسه دانسته موقوفات آنجا را با هفت‌خروار مال‌الاجارهٔ آب وقفی که از دیوان همیون اعلی در جزو دستورالعمل مرحمت میشود واگزار و عاید سازند که آسوده خاطر بخدمت آستانهٔ مقدسه و دعـای دوام دولت‌ابدمدت اشتغال نمایند و تخلف جایز ندارند.

فی‌پنجشنبه‌یازدهم شهرشعبان‌المعظم سنه ۱۲۸۸ .

[جای‌مهر][1]

۱ــ مهر بیضی‌بزرگ سلیمان‌خان باسجع :«عبده‌الراجی سلیمان ».

۱۱۳

حکم سلیمان‌خان یوزباشی و کلانتر بلوك فخرعمادالدین برای محمدرحیم یوزباشی که به‌دهکدهٔ چوپلانی رفته و رسیدگی کند اگر اربابان مرزنکلائی نهر جدیدی در اراضی آن احداث کرده‌اند آن‌را پر کنند و مزاحم و متعرض اهالی آنجا نشوند .

هو

عالیجاه‌عزت همراه ارجمندی محمدرحیم‌آقای یوزباشی‌را قلمی می‌شود ازقراریکه عالیجناب سلالة‌الاطیاب آقا میرمحمدعلی مذکورنمود اربابان مرزنکلائی و غیره در ملك چوبلانی عالیجناب معزی‌الیه نهر جدیدی در هذه‌السنه احداث‌کرده‌اند لهذا بآنعالیجاه قلمی میشود که خود رامأمور دانسته بقریهٔ چوبلانی‌رفته تحقیق ورسیدگی نموده هرگاه واقعاً نهرجدیدی‌کنده شده است از قرار همین تعلیقه نهر مزبور را پر نموده و قدغن نمائیدکه بعدالیوم مزاحم و متعرض نشوند البته از قراریکه قلمی شده است تخلف نکرده حسب‌المرقوم معمولداشته .

فی شهر ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ .

[جای مهر][1]

۱ـ مهر بیضی‌بزرگ سلیمان‌خان‌با سجع «عبده‌الراجی سلیمان».

۱۱٤

فرمان ناصرالدین‌شاه‌قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴) برای حاکم‌استراباد که یکصد خروارخانواری دیوانی عبدالصمدخان مقصودلو را جنسی و مابقی را از قرار خرواری یك‌تومان نقدی بدهند .

هو

عمدةالامراء العظاما برادرمهربانا شرحی ازمراتب جان‌نثاری عالیجاه‌عبدالصمدخان مقصودلو بعرض اولیای دولت قاهره رسانیده استدعا نمودید که خانواری دیوانی مشارالیه که موافق معمول‌کلیه از قرار خرواری یك تومان مسعّر است جنسی داده شود برحسب امر قدر قدرت همایون مقررگردیدکه‌یك‌صدخروارآن جنسی‌مرحمت و مابقی‌کمافی‌السابق از قرارخرواری یك‌تومان نقدی داده شود لهذا مرقوم می‌شود که ازهمین قرارمعمول داشته بخرج محاسبهٔ خود مجری دانید ومشارالیه را ازظهوراین مرحمت مطلع سازیدکه باکمال امیدواری مشغول تقدیم خدمات دیوانی و جان‌نثاری بوده باشد .

فی شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۹۰ .

۱۱۵

حکم حاکم استرابادکه طبق فرمان ناصرالدین‌شاه قراء گرجی‌محله و یساقی و کلاجان از محال سدن رستاق بغیر از بدهی نوکر که موافق معمول باید بدهند از عوارض و صادریات دیوان همایون معاف و مرفوع‌القلم باشند .

از قرار رعایت فرمان جهانمطاع شاهانه سرکار اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همیون شاهنشاه جمجاه خسرو صاحبقران ولی‌نعمت کل روح‌العالمین‌فداه و فرامین دیگر از خاقان خلدآشیان مبرورالبسه[۱] حلل‌النور قراء گرجی‌محله و یساقی و کلاجان من‌محال سد[ن]رستاق بغیر از بدهی نوکرکه موافق معمول باید بدهند ازعوارض و صادریات دیوان همیون اعلی معاف ومرفوع‌القلم میباشد مانیزامتثالاً لامرالاعلی قراء مزبور را از صادریات و عوارض سوای بدهی نوکر معاف و مسلم داشتیم و مقرر میداریم عالیجاهان‌کلانتران‌حال واستقبال‌بلوك‌سد[ن]رستاق قراء مزبور ازعوارضات دیوانی معفو دانسته حسب‌المرقوم از مدلول رقم تخلف نورزیده در عهده شناسند .

تحریرا فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۹۶ .

۱ــ ظاهراً کلمه «الله» در بالای فرمان بوده و در عکس نیامده است .

۱۱۶

فرمان ناصر الدین‌شاه‌قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) بـرای سلیمان‌خان - یوزباشی و کلانتر بلوك فخرعمادالدین - که قریهٔ چوپلانی‌را کمافی‌السابق ازصادرات وعوارضات و تحمیلات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم بدانند .

عالیجاه عزت همراه سلیمانخان یوزباشی وکلانتر بلوك فخرعمادالدین را قلمی‌مرقوم میشود که چون از قرار فرامین سلاطین با عزتمکین و احکام حکام سابق استراباد قریهٔ چوبلانی که‌متعلق بآقایان‌سادات‌عالیدرجات‌است‌ازصادرات وعوارضات و تحمیلات دیوانی‌معاف ومرفوع‌القلم بوده‌است‌وجه ودیناری‌از صادرات‌دیوانی و حکومتی بقریهٔ مزبورحواله‌نمیشد لذامینویسد که قریهٔ مذکوره راکماکان ازجمیع صادرات‌دیوانی و حکومتی معـاف و مسلم داشتیم میباید در وقت صادر و عوارض و تحمیلات مزاحم و متعرض قریهٔ مزبوره نشده بگذاریدکه فارغ‌البال مشغول‌دعاگوئی وجود مبارك سرکار اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شاهنشاه‌جمجاه روحی و روح‌العالمین باشند و از مدلول این حکم تخلف نورزیده تمرد را مورد مؤاخذه دانند .

فی‌شهر شعبان‌المعظم توشقان‌ئیل خیرت‌تحویل ۱۲۹۶ .

۱۱۷

حکمی برای محمدابراهیم خان وسلیمان خان یوزباشی که آب قنات وشیوارسادات‌چوبلانی را کمافی‌السابق بایشان واگذارند و کمافی‌السابق که می‌بردند ، اکنون‌هم ببرند .

عالیجاها[ن] عزت‌همراهــان محمدابراهیــم خان وسلیمــان خان یوزباشی را قلمی میشود ازقراریکه آقایــان سادات چوبلانی اظهار داشتند آب قناة وشیوار متصرفی آنها را میبردند وموافق احکامات شرع وعرفی‌که دردست دارند شیوار وقناة متصرفی آنهاکمافی‌السابق‌که میبردنــد اکنون‌هم‌ببرند لهــذا مینویسدکــه بموجب این حکم بقنات وشیوار آنهــا رجوع نداشته واینهــا ازسادات اجله و خانوادهٔ بزرگی هستند رعایت‌آنها برهرکسی لازم‌است البته ازقرارمرقوم تخلف نکنید .

تحریرا فی‌شهررجب‌المرجب سنه۱۲۹۷.

[برحاشیهٔ سمت راست این‌حکم با قلم دیگر این مطالب نوشته شده‌است :]

عالیجاهان

قطع دارم شما دونفرمرتکب اینگونه‌کارها نمی‌شوید بعضی‌ها ازشماها شاید بی‌قاعده رفتارنمایند ازقرارنوشتهٔ مرحوم‌مغفورآقاملامحمدرضای . . . .[۱] طاب‌الله‌ثراه وحکم امیرالامراءالعظام صاحب‌اختیارمثل‌سنوات‌سابق متعرض‌آب سادات عظام[نشده]قدغن نمائید نسبةً بآب چوبلانی ابداً مداخله‌کسی نکنند.

فی ۸ شهر رجب ۹۷ .

---

۱ ـ یك‌کلمه خوانده نشد .

۱۱۸

حکم حاکم‌استراباد برای سلیمان‌خان یوزباشی و کلانتر بلوک فخرعمادالدین که‌برحسب فرامین واحکام‌حکام قریهٔ‌چوپلانی که متعلق به‌سادات است ازسنهٔ قوی‌ئیل ومابعدها از صادریات و عوارض دیوانی معاف‌ومرفوع‌القلم بداند.

برحسب فرامین‌مطاع‌و احکام حکام قریهٔ چوبلانی که متعلق بحضرات آقایان‌سادات‌عظام است ازصادریات‌دیوانی‌وتحمیلات معاف‌بوده‌اندا‌ین‌جانب‌هم‌رعایتاً لهم در هـذاالسنهٔ قوی‌ئیل خیرت‌دلیل ومابعـدها قریهٔ مزبوره را ازصادریات وعوارض دیوانی معاف و مرفوع‌القلم نموده وبعالیجاه مجدت‌همراه سلیمـان‌خان یوزباشی وکلانتربلوك فخر عمادالدین مرقوم می‌شودکه حسب‌المقررمعمولدارد .

تحریرا شهررجب‌المرجب سنه ۱۳۰۰ .

۱۱۹

حکم حاکم استراباد برای کلانتران بلوك استرابادرستاق کـه قریهٔ دودانگه راکه متعلق به سادات است ازصادریات وعوارض دیوانی معاف و مرفوع‌القلم بدانند .

چون برحسب احکام حکام سابق استراباد که ملاحظه شد قریهٔ دودانگه که جزو بلوك استرابـادرستاق و متعلق بسادات عظام میباشد از کلیـهٔ صادریات و عوارض معاف و مرفوع‌القلم بوده است‌لهذااینجانب‌هم محض رعایت حال سادات عالیدرجات ورعایای قریهٔ مزبوره و اشتغال بدعاگوئی ذات‌ملکوتی صفات بندگان‌اعلیحضرت اقدس‌همایون شهریـاری ارواحنافداه قریـهٔ دودانگه را معاف داشته مرقوم میدارد که عالیجاهان

کلانتران حال و استقبال بلوك استرابادرستاق قریهٔ مزبوره را معاف و مسلم دانسته صادر و عوارض تحمیل آنها ننمایند .

فی شهر ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ .

۱۲۰

حکم حاکم استراباد برای کلانتران بلوك سدن‌رستاق که دهکده‌های یساقی و گرجی‌محله و کلاجان را که متعلق به حاجی آقامحمدحسن است ازجملهٔ صادریات وعوارضات‌دیوانی معاف و مسلم دانند .

ازقرار تعلیقجات و احکام حکام سابق استراباد که ملاحظه شد قراء یساقی وگرجی‌محله وکلاجان‌که متعلق بجناب‌مستطاب‌سلالة‌السادات‌الاطیاب حاجی‌آقامحمدحسن‌از جملهٔ صادریات و عوارضات معاف و مسلم میباشند لهذا این‌جانب هم محض مزید دعاگوئی ذات مقدس‌صفات بندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه دهات فوق را از جملهٔ عوارضات وصادریات معاف داشته مرقوم میدارد که عالیجاهان مجدت‌همراهان کلانتران حال و استقبال بلوك سدن‌رستاق سه قریهٔ مزبوره را معاف داشته متعرض نشوند و اهالی‌آنجا را آسوده بگذارند .

فی شهر ربیع‌الثانیه ۱۳۰۷ .

[درقسمت‌پایین حکم طرف راست، باسطوری‌که باکرسی سطورمتن تقریباً نود درجه اختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده است :]

انشاءالله از قراریکه مرقوم شد همیشه معمول باشد تا بدعاگوئی ذات‌خجسته صفات اقدس‌همایون شاهنشاه ارواحنافداه اشتغال ورزند .

بتاریخ دوم جمادی‌الاول ۱۳۰۸ نصرالسلطنة .

۱۲۱

فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) برای میرزا فتح‌الله‌خان لشکرنویس که قریهٔ آزادمحله من‌بلوک سدن‌رستاق استراباد را که از قراء خالصه بوده بدو واگذارند که از ابتدای توشقان‌ئیل و مابعدها همه‌قسم تصرفات مالکانه در قریهٔمز بور بنماید و جمع دیوانی آنجا را نیز بپردازد.

[بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز]

[محل مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون‌شد از آنجائیکه خاطر خطیرملوکانه متوجه آبادی و تعمیر اماکن مسکونه واراضی بائره است به‌تمهید اسباب آبادانی[2] ورعایت رعایا رأی حکمت‌آرای‌خسروانه چنین علاقه و اقتضا داردکه هریك از قراء خالصه را هریك‌از خدمت‌گذاران وچاکران دولت‌علیه استدعا نمایند جمع دیوانی آنرا بدون کسرو نقصان بدهند بآنها مرحمت و واگذار فرمائیم لهذا محض شمول مرحمت و عنایت در بارهٔ مقرب‌الخاقان میرزافتح‌الله‌خان‌لشکر نویس قریهٔ‌آزادمحله من‌بلوك سدن‌رستاق‌استراباد را بموجب این فرمان مهر لمعان مرحمت‌نشان به‌ملکیت به مقرب‌الخاقان مشارالیه مرحمت‌و واگذارفرمودیم‌که ازابتدای‌هذاالسنهٔ‌توشقان‌ئیل خیرت‌تحویل ومابعدهاهمه قسم‌تصرفات مالکانه‌ازنقل وانتقال و هبه وحبس و بیع‌وشری کیف‌شاء مثل‌املاك‌اربابی و ابتیاعی مجاز ومأذون باشد و جمع‌دیوانی‌آنجا را نیزبپردازد مقرر آنکه حکام‌حال‌و استقبال استرابادقریهٔ مذکوره راملك‌مشارالیه دانسته قلم وقدم راکوتاه دارند المقرر

۱ــ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه قاجاربا مشخصاتی که در ذیل فرمان شمارهٔ ۱۰۳ یاد کردیم.

۲ــ جای صحهٔ ناصرالدین‌شاه.

مقربوالخاقــان مستوفیان عظـام شرح فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده در عهــده شناسند .

تحریرا فی شهررمضان المبارك ۱۳۰۸ .[۱]

۱۲۲

فرمان ناصرالدین‌شاه‌قاجار(۱۳۱۳ـ۱۲۶۴) برای واگذاری قریهٔ للهدوین به‌ملکیت حاجی سیدمحمدطاهر بنا به‌تقاضـای نصرـ السلطنه امیرتومان و حکمران استراباد .

[جای‌مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][۲]

ازآنجاکه ترویج شریعت‌غرای اسلام بمساعی مشکورات علمای اعلام مربوط واعلای اعلام‌دین‌مبین‌حضرت خیرالانام علیه واله‌الصلوات‌والسلام بمحاسن اهتمامات مشایخ و مجتهدین‌کرام زادالله‌توفیقاتهم منوط میباشد رای‌آفتاب‌ضیای ملوکانه وهمت‌والا بهمت خسروانه‌که در موجبات تشویق و ترقی عالمان عامل و در لوازم‌احترامات وآسودگی فضلای‌کامل مصروف است در هذه‌السنهٔ مسعودهٔ توشقان‌ئیل خجسته‌دلیل ومابعدهاقریهٔ للهفین[۳] واقع دراستراباد را بموجب عرض واستدعای امیرالامراءالعظام معتمد دربار سپهراحتشام نصرالسلطنه امیرتومان و حکمران استراباد به‌ملکیت‌جناب شریعتمآب فضایل و فواضل‌انتساب زبدة‌العلماءالمحققین و عمدة‌الفضلا المدققین وحیــد عصره و

۱ــ در ذیل سطر سوم متن فرمان چند قلم سیاق است‌که در سوادی که بعداً از ایــن فرمان نوشته شده بدین ترتیب‌آمده است : « مالیات نقدی و جنسی قریهٔ آزادمحله من‌محال استراباد موافق جزو جمع معمولی دفتر خانهٔ مبارکه مبلغ بیست و یکتومــان‌و شش‌هزار و پانصد و نود و دو دینار نقد ومقدار یکصد وبیست‌وپنج خروار وسی‌وهشت‌من شلتوك است.»

۲ــ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه قاجار با مشخصاتی‌که در ذیل فرمان شمارهٔ ۱۰۳ ذکرکردیم. ۳ــ ظاهراً : للهدوین‌صحیح است.

فرید دهره حاجی سیدمحمدطاهر مرحمت و عنایت فرمودیم‌که قریهٔ مزبوره را ملك طلق خود دانسته و هرگونه تصرفاتی درآبادی وخرابی‌آن نماید ازبیع وهبه و نقل و انتقال و غیره مجاز و مأذون بوده هشتاد و چهار تومان منال دیوانی را به قرار سایر املاك‌اربابی اداء ومهمسازی دارد مقررآنکه حکام حال واستقبال استرابادبنحومقرر مرتب و معمول داشته مقربوالخاقان مستوفیان‌عظام وکتبهٔ‌کرام شرح‌توقیع‌رفیع‌همیونی را ثبت وضبط نموده درعهده شناسند.

فی‌شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۰۹.

۱۲۳

حکم حاکم استراباد برای عمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق که قراء یساقی وگرجی‌محله و انجیراب ملکی‌حاجی‌آقا محمد-حسن‌مفیدی و بستگان اورا ازجمع‌صادروعوارض‌و قیمت‌کاه‌و کلش معاف ومسلم بدانند.

حکم عالی‌شد چون بموجب فرمان جهانمطاع همایونی و احکام‌حکام بااحتشام‌سابق استراباد قراء یساقـی و گرجی‌محله و انجیراب ملکی جناب مستطاب سلالة‌الاطیاب حاجی‌آقا محمدحسن مفیدی سلمه‌الله و بستگان ایشان میباشد و از صادر وعوارض و دادن قیمهٔ‌کاه وکلش معاف و مسلم بوده‌اند لهذا بامضاء فرمان قدرتوأمان مبارك ومزید دعاگوئی وجود مسعودبندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقدس‌همیون صاحبقرانی ارواح-العالمین له‌الفدا بعمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق در طی این حکم مرقوم گردیده قدغن میشود که قراء مرقومه را از جمیع صادرات و عوارضات دیوانی مرفوع‌القلم داشته اهالی‌آنجا آسوده‌حال دعاگوی دوام دولت ابدمدت قاهره بوده مرفه باشند البته

از قراریکه مرقوم گشته تخلف نخواهندکرد .

شهر جمیدی‌الاولی ۱۳۱۰ .

[جای مهر][۱]

۱۲٤

حکم عمیدالدوله ـ حکمران استراباد ـ به عمال ومباشرین بلوك سدن‌رستاق که قراء انجراب و کلاجان ملکی آقـا محمـدزمان مفیدی‌از جمیع عوارضات و صادرات و دادن قیمت‌کاه‌و کلش معاف ومرفوع‌القلم بدانند.

[جای‌مهر][۲] چون ازقراراحکام‌حکام سلف‌قراء انجراب وکلاجان ملکی‌جناب‌مستطاب سلالة‌السادات‌العظام‌آقا محمدزمان‌مفیدی رحمه‌الله تعالی‌همیشه‌ازعوارضات وصادرات‌و دادن قیمةکاه وکلش معاف و مسلم بوده است لهذا محض امضای آن احکام و ازدیـاد دعاگوئی وجود مبارك‌اعلیحضرت اقدس‌شهریاری ارواح‌العالمین فداه بعمال ومباشرین بلوك سدن‌رستاق مرقوم‌میفرمائیم‌که قراء مرقومه ازجمیع عوارضات‌دیوانی‌مرفوع‌القلم فرمودیم‌که درکمال‌آسوده‌گی مشغول بدعاگوئی دوام دولت قاهره باشند .

فی شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۳۱۱ .

۱ـ مهرمربع شکل با سجع : «عبدالله‌بن‌محمد» .

۲ـ مهر چهارگوشه با نـام «عمیدالدوله» .

۱۲۵

حکم عمیدالدوله ـ حکمران استراباد ـ برای‌عمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق که قراء یساقی و گرجی‌محله را که ملکی آقای حاجی‌آقای مفیدی است، از قرار احکام حکام سابق از جمیع عوارضات دیوانی مرفوع‌القلم بدانند.

[جای‌مهر][1] چون از قرار احکام حکام سابق قراء یساقی وگرجی‌محله ملکی جناب مستطاب سلالةالاطیاب آقای حاجی‌آقای مفیدی سلمه‌الله تعالی ابن مرحوم حاجی‌آقا محمدحسن‌مفیدی رحمةالله‌علیه همیشه ازصادرات و دادن قیمة‌کاه وکلش معاف ومسلم بوده است لهذا محض امضای‌آن احکام و مزید دعاگوئی وجود مبارك‌اعلیحضرت‌اقدس صاحبقرانی ارواح العالمین‌فداه بعمال و مباشرین بلوك سدن‌رستاق مرقوم میفرمائیم که قراء مرقومه از جمیع عوارضات‌دیوانی مرفوع‌القلم داشته که بدعاگوئی دوام دولت‌قاهره اشتغال ورزند البته حسب‌المسطور معمول دارند و درعهده شناسند.

فی شهر ذی‌قعدةالحرام ۱۳۱۱.

۱ـ مهرچهارگوشه بانام «عمیدالدوله».

۱۲۶

فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) بـرای برقراری بیست و پنج‌خروار شلتوك مستمری میرزا ولی راکه فوت‌شده است در حق سیدآقا بزرگ‌که برادرزادهٔ اوست .

[جای مهر ناصرالدین‌شاه قاجار][1]

الملك‌لله تعالی حکم‌همیون شد آنکه چون میرزاولی وسیدآقا بزرگ ورثـهٔ میرزا عباس فندرسکی جزو استراباد مقدار پنجاه خروار شلتوك[2] مستمری آنها منظور است میرزا ولی این‌اوقات برحمت ایزدی پیوسته برعایت احوال‌سیادت‌نصاب سیدآقابزرگ که از اجلهٔ سادات استراباد وعلاوه برشرافت‌نسب همواره درسرحدات‌مشغول‌خدمت و جان‌فشانی است لهذا مقدار بیست وپنجخروار شلتوك سهم میرزا ولی عموی او را در حق مشارالیه مرحمت و برقرار فرمودیم‌که همه ساله مقدار پنجاه خروار را از محل سابق خودشان اخذ و دریافت داشته مشغول خدمت و دعاگوئی باشد مقرر آنکه حکام حال و استقبال

شلتوك ۵۰ خروار

از بابت مستمری‌مرحوم میرزاولی‌عموی مشارالیه	از بابت اختصاصی
۲۵ خروار	۲۵ خروار

۱ ــ مهـر چهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار ناصرالدین‌شاه قاجار با مشخصاتی‌که درذیل فرمـان شمارهٔ ۱۰۳ یادکردیم . ۲ــ محل صحهٔ ناصرالدین‌شاه .

استراباد مستمری مشارالیه ....[۱] وفرمان مهرلمعان را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند .

شهر ذی‌قعدةالحرام سنه ۱۳۱۲ .[۲]

۱۲۷

حکم حاکم استراباد که مبلغ هشتاد و سه‌تومان مالیات قریهٔ للّه‌دوین راکه متعلق به جناب آقای حاجی‌سیدطاهراست برحسب امر اعلیحضرت اقدس از ابتدای سنهٔ قوی‌ئیل و مابعدها به تخفیف ابدی بدیشان واگذارند .

ازآنجاکه حفظ مقامات شرع‌اطهر وپاس‌آسایش‌خاطر علمای اعلام همواره منظورنظر عنایت‌گستر خدیوانهٔ ارواحنا فداه میباشد علیهذا محض‌رفاه حال و فراغت‌خاطر جناب مستطاب شریعتمدار سیدالعلماءالعظام آقای حاجی‌سیدطاهر سلمه‌الله مبلغ هشتاد وسه تومان مالیات قریهٔ‌للّه‌فن[۳] راکه متعلق بجناب‌معزی‌الیه است برحسب امر قدر قدر بندگان‌اعلیحضرت قویشوکت اقدس‌همایونی ارواحنافداه از هذه‌السنهٔ مسعودهٔ قوی ــ ئیل ومابعدها به‌تخفیف ابدی واگذار نمودکه از این تاریخ به‌بعد تمام حکام بااحتشام استراباد خلف‌بعدسلف مبلغ مزبور راکه اصل و فرع مالیات قریهٔ‌للّه‌فن[۴] است محض سلامتی وجود مقدس بندگان اقدس اعلی ارواحنافداه و اجرای امرقدر قدر به‌تخفیف مقرر داشته بهیچ اسم ورسم مطالبه نداشته‌که اسباب‌آسودگی مالك و رعیت‌شده بطور

۱ــ چندکلمه محوشده است. ۲ــ این فرمان‌مجدول وحاشیه‌بندی‌است واطراف مهر حاشیه و تزیین دارد . ۳ و ۴ــ ظاهراً : للّه‌دوین صحیح است .

شایسته جناب معزی الیه ازعهدهٔ آبادی آنجا برآمده و بدعاگوئی دولت جاوید آیت قاهره مشغول باشد .

شهر شعبان ۱۳۱۳ .

۱۲۸

حکم حاکم شرع برای ملا عبدالرحیم ومالکین قریهٔ للهدوین که پس از وصول این نوشته خـود را ممنوع از حفر قنات بدانند و تا ثبوت نزد حاکم شرع یا ابرازسند معتبرحق حفرو زرع ندارند .

هو

عالیجناب ملاعبدالرحیم ومالکین قریهٔ للهدوین را اظهارآنکه درباب حفرقناة جدید که مدعی شدیدکه مقر این قناة در ملك للهدوین است بدون ثبوت و اثبات نزد حاکم شرع شرعی در مقام حفر برآمدید و بدفعات عدیده جناب مستطاب حاجی آقاسیدطاهر سلمه‌الله تعالی شماها را منع در حفرکرده و شماها ممنوع نشدید و بحضرت مستطـاب اجل اکرم افخم اشرف والا آقای سردار معظم دام اقباله العالی اطلاع داده اند و مـأمور داده اند وفرمودند مادامیکه مرافعه نکرده وسند شرع در دست نگرفته اید حق حفر و تعمیر ندارید و بعداز تشریف بردن ایشان بطهران عمدة الامراءالعظام حاجی عبدالصمد خان امیرپنجه نائب الحکومة حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم اشرف والاآقای امیر ـ تومان دام اجلاله العالی دوسه دفعه مأمورداده اند اطاعت نکردید حضرت مستطاب حاجی آقاسلمه‌الله تعالی محفورهٔ شماها را طمّ نموده اندازقرارمذکور بازاین روزها دست تعدی دراز نمودید و در مقام حفر برآمدید البته بوصول همین نوشته خودرا ممنوع ازحفر دانسته وپس از ثبوت نزد حاکم شرع شرعی که مقر این قناة واقع درملك للهدوین است

آن وقت حق حفر وزرع دارید تا مادامیکه معلـوم نکـردهاید یا سند معتبر ابـراز نکردهاید حق حفر و زرع ندارید و باید خود را ممنوع بدانید .

فی ذی‌الحجةالحرام ۱۳۱۴ .

وبمضمون همین مراسلهٔ خطابیه که حکم شرع است بایدعمل نمائید تخلف خلاف و حرام و غیر جائز است .

فی ذی‌الحجةالحرام ۱۳۱۴ .

۱۲۹

فرمان مظفرالدین‌شاه قاجار (۱۳۲۴-۱۳۱۳) برای ساعدالدوله سردار ــ حکمران استراباد و یموت و گوکلان ــ که هشتاد و سه تومان تخفیفی راکه بابت‌قریهٔ للهدوین‌می‌داده‌اندکمافی‌السابق عین آن تخفیف را به‌حاجی سیدطاهر که مالك آن قریـه است نیز بدهند .

[جای مهر مظفرالدین‌شاه قاجار][1]

جناب‌جلالتمآب امیرالامراءالعظام فدوی‌دولت ابد ارتسام ساعدالدوله‌سردارحکمران استراباد[و]یموت وگوکلان بمراحم‌خاطرخطیرهمایونی مستظهر ومباهی‌بوده بدانند[2] ازقراری‌که بعرض رسید قریهٔ للهفن[3] ملکی‌جناب‌مستطاب سیدالعلماء حاجی‌سیدطاهر که از اعاظم علمای استراباد و دعاگویان دولت جـاویدآیت است بواسطهٔ خرابـی و شکستگی از عهدهٔ منال دیوانی‌آنجا نمیتوانـد برآید و همه‌ساله هشتاد و سه تومان

۱ــ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهک‌دارکوچك‌مظفرالدین‌شاه با سجع: «مظفرالدین‌شاه‌قاجار» و درکلاهك بالای‌آن «العزةلله».

۲ــ صحهٔ مظفرالدین‌شاه در انتهای سطر اول فرمان .

۳ــ ظاهراً : للهدوین صحیح است .

مالیات قریهٔ مرقومه را محض رعایت آسایش خاطر معزی الیه ازخودشان حکام استراباد بهتخفیف واگذار نموده و در مقام مطالبه برنمی آمدند چون بهملاحظهٔ حفظ مقامات شرع اطهر و پاس آسایش علمای اعلام باعلی درجه منظور نظـر عدالت گستر است به صدور این منشور قضادستور مبارك بفدوی دولتخواه نیز امـر ومقرر میفرمائیم که در این خصوص تأسی بحکام سلف نموده هشتاد و سه تومان تخفیفی را که از بابت مالیات قریهٔ مرقومه میداده‌اند عاید داشته و حـکام باستقلال استراباد نیز از همین قرارکـه معمول بوده است باید مدلول قضا شمول این ملفوفهٔ فرمان مبارك مجری داشته تخلف ننمایند و در عهده شناسند .

شهر رجب ۱۳۱۷ .

۱۳۰

حکم حاکم استراباد برای مباشرین استرابادرستاق ومأمورانی که برای فرستادن‌کاه به شهر رفته‌اندکه مزاحم اهالـی قریـهٔ چوبلانی که متعلق به‌سادات است نشوند.

مباشرین استرابادرستاق و مأمورینی‌که برای فرستادن کاه بشهر برای فروش بنوکر و سوار رفته‌اند ابداًبقریهٔ چوبلانی‌که متعلق بهآقایان سادات ذوی‌العزوالاحترام‌میباشد مزاحم‌نشوید و تعرض ننمائید بلکه بهیچ اسم و رسم عـوارضات ازآنها احدی نباید مطالبه‌کند و مأمورین هرکه باشد بدون زحمت مراجعت نماید .

شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۹ .

۱۳۱

فرمان مظفرالدین‌شاه قاجار (۱۳۲۴-۱۳۱۳) برای حاجی‌محمد ـ طاهر که از ابتدای سنهٔ اودئیل مقدارسی‌خروارشلتوك به‌صیغهٔ تخفیف از محل استراباد در حق مشارالیه برقراردارند .

[جای‌مهر مظفرالدین‌شاه‌قاجار][1]

آنکه چون رعایت ترفیه حال و توسعهٔ معاش عموم سلسلهٔ جلیلهٔ علماء اعلام وسادات ذوی‌الاحترام‌که از دعاگویان مخصوص دولت جاویدبنیان هستند همواره[2] منظور نظر عنایت‌گستر همایون ملوکانه است و مراتب زهد وتقوی و دعاگوئی خالصانهٔ جناب مستطاب قدسی‌نصاب قدوسی‌انتساب حاجی سید محمدطاهر استرابادی سلمه‌الله نسبت بدوام دولت جاویدمدت درپیشگاه مرحمت دستگاه حضور مهرظهور ملوکانه مشهود افتاد لهذا در هذه‌السنهٔ مسعودهٔ اودئیل مقدار سی‌خروار شلتوك بصیغهٔ تخفیف ازمحل استراباد درحق جناب مشارالیه‌مرحمت وبرقرارفرمودیم‌که همه ساله ازمحل‌استراباد اخذ و دریافت داشته مدد معاش خود نموده همت خودرا بترویج احکام شریعت‌حضرت ختمی مرتبت و دعاگوئی دوام دولت جاویدمدت مصروف نماید مقرر آنکه جنابان مستوفیان عظام شرح فرمانمبارك را ثبت وضبط نموده درعهده‌شناسند .

شهر جمیدی‌الاولی سنه ۱۳۱۹ .

۱ـ مهرچهارگوشهٔ‌کلاهك‌دار بزرگ مظفرالدین‌شاه باسجع :

«گرفت خاتم شاهی مظفرالدین‌شاه دمیدکوکب فتح و ظفر بعون‌الله»

و در کلاهك بالای‌آن «الملك‌لله» .

۲ـ جای صحهٔ‌مظفرالدین‌شاه در انتهای‌سطراول .

[در حاشیهٔ سمت راست فرمان درامتداد سطراول باسطوری‌که‌کرسی‌آن باکرسی‌متن نود درجه اختلاف دارد مطالب زیربا قلمی‌ریز نوشته شده است :]

فرمان وقتی زیارت شدکه بشرف صحهٔ همایونی ارواحنافداه موشح ومزین گردیده‌بود محل این سی‌خروارشلتوك‌که بتخفیف‌مرحمت‌شده ازاصل مالیات‌خواهد بود مستوفی و محاسبان‌استراباد فرمان مبارك را بازیافت و ثبت‌کرده ودر محاسبهٔ هذه‌السنهٔ‌اودئیل و دستورالعمل سنواةآتیه بخرج منظور دارند .

[و در زیر مطالب با همان‌کرسی وخط نویسندهٔ دیگر،مطالب زیرخوانده می‌شود:]

مقدار سی خروار شلتوك بتخفیف جناب حاجی سیدمحمدطاهر استرابادی که بموجب این فرمان جهانمطاع‌مبارك ازاصل مالیات مرحمت شده درمحاسبهٔ هذه‌السنهٔ‌اودئیل و بخرج دستورالعمل سنهٔ‌آتیه بارس‌ئیل استراباد منظورخواهدشد .

۱۳۲

حکم حاکم استراباد برای کـلانتران بلـوك استرابادرستاق و فخرعمادالدین‌که قریهٔ چوپلانی را طبق فرامین جهانمطاع و احکام‌حکام سلف ازصادر وعوارض و تحمیلات دیوانی‌معاف و مرفوع‌القلم بدانند .

چون قریهٔ چوپلانی‌که متعلق است بسادات درازگیسو و برحسب فرامین جهانمطاع مبارك و احکام حکام با احتشام سلف ازصادر و عوارض و تحمیلات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم‌اند لهذا محض‌رعایت حال‌ایشان وازدیاد دعاگوئی‌کلانتران حال واستقبال بلوك‌استرابادرستاق وفخرعمادالدین قریهٔ مزبوره را ازصادرات معاف دانسته ومتعرض آنجا نشوند حسب‌المرقوم معمول‌داشته تخلف نورزند.

شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۲۳ .

۱۳۳

فرمان محمدعلی‌شاه‌قاجار (۱۳۲۴-۱۳۲۷) برای علی‌اکبرخان پسر امیرالامرا اکرم‌الملك ایلخانی و اعطای لقب اکرم‌الملکی بدو .

[جای مهر محمدعلی‌شاه قاجار][1]

چون مراتب لیاقت و شایستگی و مدارج کفایت و خدمتگذاری عمدةالامراءالعظام علی‌اکبرخان پسرامیرالامراءالعظام[2] اکرم‌الملك‌ایلخانی بتوسط جناب مستطاب اجل اکرم سردارمفخم حکمران استراباد و غیره در پیشگاه آفتاب دستگاه اقدس همایون ملوکانه مشهود افتاده ومستوجب شمول‌مکارم وعواطف شاهانه‌گردیده است‌لهذا بموجب این ملفوفهٔ فرمان قضانشان مبارك و تصویب جناب مستطاب اجل اکرم امجد اشرف افخم مهین‌دستور معظم فدوی دولتخواه مشیرالسلطنه وزیر اعظم مشارالیه را بلقب اکرم‌الملك ملقب ومفتخر وبین‌الاماثل والاقران قرین‌افتخار و مباهاتش فرموده مقرر میداریم باکمال‌امیدواری بخدمتگذاری اشتغال ورزد .

رجب ۱۳۲۶ .

۱ـ مهر کوچك‌چهار گوشهٔ کلاهك‌دار محمدعلی‌شاه بانام « محمدعلی‌شاه‌قاجار» و در کلاهك‌آن کلمهٔ « هو » . ۲ـ جای صحهٔ محمدعلی‌شاه در قسمت پایین انتهای سطر اول فرمان .

۱۳٤

فرمان محمدعلی‌شاه‌قاجار (۱۳۲۷ـ۱۳۲۴) برای حاجی‌سیدمحمد طاهر مجتهداسترابادی که هشتادخروارشلتوك که سابقاً درحق مشارالیه برقرار بوده و برگشت کرده بود مقدار مزبور را از محلهای ضبطی در بارهٔ مشارالیه برقرار دارند .

[جای مهرمحمدعلی‌شاه قاجار][1]

چون مراتب دعاگوئی و دولت‌خواهی جناب‌مستطاب شریعتمدار حاج سیدطاهرمجتهد استرابادی‌که از دعاگویان[2] مخصوص است درحضور مهرظهور اقدس همایون ملوکانه سمت شهود یافته است لهذا بتصویب جناب مستطـاب اجـل اکرم اشرف امجدافخـم فدوی‌دولتخواه میرزااحمدخان صدراعظم درعوض هشتاد خروارشلتوك‌که سابقاًدرحق مشارالیه مرحمت شده و برگشت‌کرده بود مقدار مزبور را از محلهای ضبطی در بارهٔ جناب مشارالیه مرحمت فرموده مقرر میداریم همه ساله از استراباد دریـافت داشته بدعاگوئی اشتغال ورزد مقررآنکه جناب مستوفیان عظام شرح فرمان را ثبت نموده درعهده شناسند .

ذی‌قعده پیچی‌ئیل ۱۳۲۶.[3]

[درحاشیهٔ سمت‌راست این‌فرمان‌که مجدول است در جدولی جداگانه‌در امتداد سطر اول باسطوری‌که‌کرسی آن باکرسی متن‌نود درجه اختلاف‌دارد عبارات زیـر خوانده می‌شود :]

۱ـ مهرچهار گوشهٔ‌کلاهك‌داربزرگ محمدعلی‌شاه قاجار باسجع :

« محمدعلی خاتم پادشاهی   رقـم زد بعـون الهـی»

و درکلاهك بالای‌آن «الملك‌لله» .   ۲ـ صحهٔ محمدعلی‌شاه که اطراف‌آن مذهب‌ومجدول است .   ۳ـ متن این فرمان مجدول است و حاشیه‌بندی دارد و اطراف مهرمحمدعلی‌شاه نیز حاشیه و تزیین دارد .

فرمان جهانمطاع بعد از صحهٔ مبارك زیارت شد از دفتر بگذرد .

[درسمت راست این‌عبارات که‌کرسی سطور آن نود درجه باکرسی‌نوشتهٔ متن‌اختلاف دارد مطالب زیر باقلمی دیگر نوشته شده است :]

. . . . [1] مقدار هشتاد خروار شلتوك ازمحلهای ضبطی درحق‌جناب مستطاب حاج‌سیدطاهرمجتهداسترابادی مرحمت و برقرارگردیده و بموجب‌این‌فرمان جهانمطاع مبارك مقدار مزبوربخرج دستورالعمل استراباد منظور خواهد شد .

۱۴۵

حکم حاکم استراباد برای محمدعلی‌خان‌کلانتر که قریهٔ چوبلانی را ازجمیع صادر وعوارضات دیوانی‌معاف ومرفوع‌ـ القلم بداند .

مقرب‌الخاقان محمدعلیخان‌کلانتر را قلمی میشود برحسب فرامین قدیم و احکام حکام سلف قریهٔ چوبلانی از جمع صادر و عوارضات دیوانی معاف و مرفوع‌القلم است دراینصورت شما چرامتعرض قریهٔ مزبوره میشوید البته بهیچوجه متعرض‌نشوید که اهالی‌آنجا آسوده‌حال‌باشند.

فی شهر رجب ۱۳۳۰ .

۱ ـ چند کلمه محو شده است .

۱۳۶

حکم حاکم استراباد برای کلانتر استراباد‌درستاق که از سنهٔ سیچقان‌ئیل کسی متعرض سادات ساکن قریهٔ چوپلانی نشده و از ایشان مطالبهٔ‌صادر و عوارض ننمایند .

برحسب فرامین سلاطین سلف و احکام حکام سابق استراباد قریهٔ چوپلانی که متعلق بآقایان سادات‌عظام است و از تحمیلات و صوادر معاف و مسلم و بهیچ اسم و رسم چیزی از آنهامطالبه نمیشدهاست علیهذامینویسم که کلانتر استرابادرستاق درهذاالسنهٔ سیچقان‌ئیل‌خیریت‌تحویل قدغن نمایدکه‌کسی متعرض ساداة نشده و بهیچوجه از آنها مطالبهٔ‌صادر وعوارض ننمایند چنانکه سابقاً‌کاه وکلش از آن محل‌مطالبه نمیشدحالیه هم‌کمافی‌السابق باید مزاحمت ندهندکه‌جمعی از ساداة بفراغت‌بال وآسوده‌گی‌مشغول دعاگوئی‌ذات ملکوتی صفات همیونی باشند .

فی شهر رجب سنه ۱۳۳۱ .

[جای امضاء][1]

۱ـ امضایی که «صادق» خوانده می‌شود .

بخش دوم

احکام شرعی حکام شرع استراباد

۱

سواد حکم شرعی آقامحمدمهدی‌ولد شریعتمدارحاجی محمد- ابراهیم در باب وقفیت پنج‌دانگ قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی از بلوك استرابادرستاق .

بسم‌الله خیرالاسماء

براین خادم علمای محقق و ثابت شد بشهادت شهود معتبره و نوشته‌جات‌چندی از علمای‌که پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحلهٔ استرابادرستاق وشش‌دانگ‌چوپلانی‌معمول بوقفیت بوده و هست وآنکه موقوف‌علیه دراین‌عصرجنابان قدسی‌القابان سیادت‌مآبان آقا میرموسی وآقامیرمحمدتقی می‌باشند و تصرف غیرایشان درآن بغیر اذن ایشان غصب و عدوان وموجب سخط رحمن است وباید تخلیهٔ ید نماید یاآنکه تصرف‌نماید باذن من‌له‌الاذن شرعاً وکان ذالك‌فی‌الخامس والعشرین من‌شهر محرم‌الحرام من‌سنة ۱۲۵۱ [محل مهر سرکارآقائی مجتهدالعصر والزمانی آقامحمدمهدی ولد سرکار شریعةمدار ثقةالاسلام حجةالانام حاجی محمدابراهیم دام‌ظله‌العالی]

[بر بالای این حکم سطور و مطالب زیر نوشته‌شده است :]

بر قاطبه لازم است عمل بمقتضای این نوشته نموده باشند حرره خادم‌الشریعةفی‌ثالث شهرجمادی‌الثانیه سنه ۱۲۵۳. [محل مهر سرکار حجةالاسلام و قدوةالانام حاجی

سید محمدباقر دام‌ظلهٔ وزیدفضله و توفیقاته]

این دو نوشته مطابق با اصلند. [جای‌مهر][1]

هذا مطابق‌لاصله‌المخطوط بخط‌الشریف . [جای‌مهر][2]

تلك‌المقدمتان مع‌اصلهما سیّان حررهاالجانی. [جای مهر][3]

سواد مطابق با اصل است . [جای مهر][4]

تلك‌المقدمتان مع‌اصلهما سیّان بمقابلتی ایاهما وانا‌العبدالآثم. [جای مهر][5]

هذین‌السوادین مطابقان‌للأصل‌الممهوران بمهر همـاالشریفان و خطهماالشریفـان [جای مهر][6]

بسم‌الله تعالی‌شأنه نوشتهٔ‌که خط جناب شریعتمدار دام‌ظله وآقا محمـدمهدی است بنظر رسیده‌است واین‌سواد مطابق‌بآن‌است حررها. [جای‌مهر][7]

۱ـ مهرچهارگوشهٔ‌کوچك با نام : «محمدتقی» . ۲ـ مهرچهارگوشهٔ بزرگ‌با کلمات «الله محمدعلی‌کل‌عبده» که پراکنده خوانده می‌شود . ۳ـ مهر چهارگوشه با سجع:« عبده‌الراجی‌محمدالموسوی». ۴ـ مهرچهارگوشه باسجع:«عبده عباس علی» . ۵ـ مهربیضی باسجع : «عبده‌الراجی‌اسحق» . ۶ـ مهربیضی با حاشیهٔ تزیینی وسجع: «محمدبن‌آل‌احمد» . ۷ـ مهر بیضی‌که سجع‌آن خوانده نمی‌شود.

۲

سواد حکم شرعی آقامحمدمهدی در بارهٔ وقف بودن پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحلـه و ششدانـگ مـزرعهٔ چوپلانی واقعتان در استراباد و غـاصب بـودن عباس‌خان حاکم استراباد و تـأیید نصراللهالحسینی ومحمدجعفر بن محمدابراهیم حکم مذکوررا.

مخفی نماناد برعلمای اسلام و مجتهدین والامقام هرکه عالم است و یـا اقرار شنیده باشدکه این امضای حکم باین‌عبارت از سرکارثقةالاسلام قدوةالانام فخرالمجتهدیـن جناب حاجی محمدابراهیم اعلم‌عصر خود صادر شده درباب حکم جناب مهـدی‌الامة وحیدالزمان مجتهد بالحق آقا محمدمهدی ادام‌الله عمرهمـا بخصوص وقف بودن پنج دانگ از قریهٔ میرمحله و ششدانگ مزرعهٔ چوپلانی واقعتان در استرابـاد و غاصب بودن عباسخان حاکم استراباد اما صورت امضای‌حکم درجواب استدعاء بـاین عبارت است‌چه‌میفرمایند سرکار ثقةالاسلام‌قبلةالانام فخرالمجتهدین‌حکمی‌جناب‌عمدةالعلماء مهدی‌الامة وحیدالزمان‌آقامحمدمهدی‌ادام‌الله عمره و توفیقه درباب مزرعهٔ‌چوپلانی و میرمحله واقعه در استرابادرستاق مخصوص وقفیت وموقوف‌علیهم‌بودن‌جمعی‌ازسادات و غصب نمودن حاکم استراباد عباسخان سرکار سیدالمجتهدین مـرحوم جنت‌آرام‌گـاه امضای حکم سرکار ایشان را نمودند و ازشاهنشاه عالم‌پناه و دیوانیان احکام صادرشد موقوف‌علیهم سه چهار سال قبل تصرف مالکانه نمود و بطریق وقفیت عمل‌نمودند حال بعد از فوت و مرحوم شدن سرکار حجةالاسلام میخواهند بدون تـرافع تصرف درآن املاک‌کنند عباسخان اما سرکارشریعتمدار حجةالاسلام حکم ایشان‌را ممضی‌میدانندو از حکم و امضاء و تصرف اماتصرف بخواهد بکند عباسخان حاکم‌استرابادخلاف‌شرع انور است یا خیر وجناب مهدی‌الامة مجتهد بالحق جناب‌آقا محمدمهدی‌را سرکارت

مجتهد نافذالحکم میدانند یا خیر و هرگاه احکامات آنجناب و این حکم سرکار مهدی‌الامة در باب وقف پنجدانگ میرمحله و ششدانگ مزرعهٔ چوپلانی و غاصب بودن عباسخان قجر را واجب‌الاطاعه و امضای آن حکم را میفرمایند دوکلمه بخط مبارك و مهر شریف امضاء بفرمائید والسلام اما امضاء و صورت حکم صحیح صدرعنّی والله العالم .

بلی هرحکمی‌که صادر شود از نورچشمی محمدمهدی نافذ ولازم‌الاتباع است وتخلف از آن حرام است والرّادعلیه کالراد علی‌الله و هوفی‌حدالشرك بالله کماورد فی‌المقبول بین‌الطایفه ، بلکه مکرر گفته‌ام بعد از مرحوم سیدالفقها والمجتهدین اعلی‌الله مقامه مثل قرةالعینی محمدمهدی در فقه مطلع نمیباشم و او را از سایرین اعلم میدانم والله العالم [محل‌مهرجناب حجةالاسلام‌حاجی‌محمدابراهیم درسه‌جا مهرفرمودند]

اماصورت حکم جناب‌آقا محمدمهدی است :

بسم‌الله خیرالاسماء

برای خادم علمای دینیه محقق و ثابت شد بشهادت شهود معتبره و نوشتجات چندی از علمای که پنجدانگ از قریهٔ میرمحلهٔاسترابادرستاق و ششدانگ چوپلانی معمول بوقفیت بوده و هست وآنکه موقوف علیه در این‌عصرجنابان قدسی‌القابان سعادت‌مآبان آقامیرموسی و آقامیرمحمدتقی میباشند و تصرف غیرایشان بغیر اذن ایشان غصب وعدوان و موجب سخط رحمن است و باید تخلیهٔ ید نماید یاآنکه تصرف نمایدباذن من‌له‌الاذن‌شرعاً وکان‌ذلك فی‌الخامس والعشرین‌من‌شهر محرم‌الحرام فی‌سنه ۱۲۵۱. [محل مهر جناب قدوةالعلماء جناب آقا محمدمهدی دام توفیقه]

[برحاشیهٔ سمت راست ، سطور زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌خیرالاسماء

آنچه در ذیل ورقهٔ ثبت صورت خط عالیجناب فواضل و فضایل‌اکتساب

عمدة‌الفقهاء و زبدة‌الفضلاء مخدوم اجل آقا محمدمهدی است و آنچه درفوق سئوال محرر شده است صورت‌امضاء وحکم‌آنجناب است‌که والد ماجد ایشان سندالاسلام و حجة‌الانام والد ماجد ایشان نموده است نظر به شهادت اخوی اعزی عالیجناب فضایل‌اکتساب آقا شیخ‌جعفر و غیر ایشان و ظهورکون هذه‌العبارة صحیح صدر عنّی خط والدکرام ایشان چنانکه مکرراً دیده شده

حرره العبدالجانی فی یوم‌الثالث من‌شهر ذی‌قعدة‌الحرام سنه ۱۲۶۰ .

[جای‌مهر][1]

[در حاشیهٔ سمت راست ، پایین سطور بالا، عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله تعالی شأنه

حکمیکه درآخرصفحه قلمی شده ازجناب مجتهدالزمانی قبله‌گاهی آقامحمدمهدی اخوی صادر شده و اصل‌آن بخط و مهر ایشان است و این سواد هم مطابق است باآن اصل و از جناب‌مستطاب حجة‌الاسلام والمسلمین آیةالله فی‌العالمین سمی حضرت ـ الخلیل والوالدالجلیل ادام‌الله تعالی ظلاله امضای حکم مسطور درعصریوم جمعه ۱۶ شهر رجب‌المرجب سنهٔ ۱۲۶۰ صادر شد چنانچه سوادآن در این ورقه ثبت است و مطابق اصل است و چون اصل امضاء بخط مبارك خود ایشان نبود در فوق آن بجهة اطمینان اهل ایمان بخط مبارك خود قلمی فرمودند صحیح صدرعنّی والله‌العالم و تمام مزّین بخاتم مبارك ایشان است وصورت سؤال هم‌که امضاء فوق‌آن قلمی شده این

۱ـ مهر بیضی بانام : «نصرالله‌الحسینی».

سواد مطابق باآن است .

حرره الاقل الاحقر .

[جای مهر][۱]

[در پایین سطوربالا مطالب زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله والحمدلله

برداعی محقق و ظاهر شد از شهادت شهود و سایر قراین آنچه عـالیجناب فضائلمآب نورچشم معظم آقاشیخ جعفر حفظه‌الله‌تعالی قلمی فرموده‌اند.

حرره الداعی فی‌شهر شوال‌المکرم من‌شهورسنه ۱۲۶۰.

[جای مهر][۲]

والامر کمارقم زیدفضله فی‌الهامش‌حرره‌العبدالخاطی . [جای مهر][۳]

صورت حکم خط و مهرجناب فخرالمجتهدین وآیةالله فی‌العالمین آقـا محمود بـن آقامحمدعلی‌بن‌آقامحمدباقر رحمه‌الله است . [جای مهر][۴]

صورت حکم جناب آقامحمدمهدی است بااصل مطابق است. [جای دو مهر][۵]

۱ــ مهر بیضی باسجع:« عبده‌الراجی محمدجعفربن محمدابراهیم » . ۲ــ مهر بیضی با سجع : «عبده محمودبـن محمـد علـی» . ۳ــ مهر بیضی کوچك ناخوانا . ۴ــ مهر بیضی‌کوچك ناخوانا . ۵ــ مهرکوچك بیضی با تزیین و سجع: «یا محمد». مهر بیضی بزرگتر با نام : «یا عبدالله» .

۳

تأیید حکم شرعی حاجی ملارضا در باب وقفیت میرمحله و چوپلانی و غاصب‌بودن عباس‌خان بیگلربیگی استراباد .

عرض می‌شود چون در هفت‌ماه قبل عریضهٔ عالیجاه عباسخان بیگلربیگی بخاکپای مبارك اقدس همایون روح‌العالمین فداه نوشت‌که در بـاب وقفیت میرمحله وچوپلانی حرف وسخن شرعی دارم گوش بده حکم از اعیان علمای اسلام و دو امضای حکم دو ثقةالاسلام مرحوم سید و مرحوم حاجی‌محمدابراهیم کرباسی اعلی‌الله مقامها نمیدهم باید طی سخن در خدمت جناب شریعت‌آداب علاّم‌آخوند ملامحمد اشرفی‌دراستراباد شود با عدم تمکین در اقدام و حضورآن جناب خیال‌گرفتن حکم از این‌جناب دیگر متصور نمی‌شود در ماه جمادی‌الاولـی ۱۲۶۴ بـازجسارت نمـوده عریضه بخاکپای قبلهٔ عالم دام اقباله‌العـالی نوشتند و استدعـاء که طی سخن در نزد سرکارعالـی شود فرموده ونوشتهٔ‌جناب‌شریعت‌آداب‌را حکم‌الهی دانسته ممضی دارند ولهذا حکم‌شفاهی اقدس بردادن الزام و تعلیقه و قبول نمودن فرموده و ممضی دانستن حکم عالی‌را آیا سرکارخان مزبوراطاعت حکم خداوندقهار واطاعت حکم پادشاه رسمی اسلام احمد۔ مختار را نموده یاخیر و برسرکارت ظاهر شد و یقین شدکه حکم شرع‌الـزامی الهی بروقفیت میرمحله و چوپلانی از مجتهد نافذالحکم استرابـادی که خـود عباس‌خان البته هزار حکم‌آن‌را نفوذ داده مجتهد نافذالحکم میداند حاجی ملامحمدرضا حکم فرموده و نقض حکم‌آن حرام است آنچه محقق ویقین شد قلمی باشدکه حقوق‌جمعی از اولاد پیغمبر خود ضایع نشود والسلام .

[بر بالای این استدعای‌صدور حکم شرعی، مطالب زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله عزشأنه

بلی مرحوم جنت‌مکان حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه مجتهد جامع شرایط نافذالحکم در عصر خود بودند وثبوت وقفیت میرمحله و چوپلانی بنحو مسطور و حکم بآن از آنجناب صادر شده وآن حکم لازم‌الاتباع است و مخالف‌آثم است.

حرره الاقل بتاریخ بیستم جمادی‌الاخر ۱۲۶۴.

[مهری ناخوانا]

٤

حکم شرعی ممهور به مهر «عبده‌نصرالله» در تأیید حکم حاجی ملا محمدرضا وآقا محمدمهدی اصفهانی دربارهٔ وقفیت شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی بر ورثهٔ‌آقا میرموسی وآقامیرتقی.

واضح باشد شش‌دانگ قریهٔ معروفه بچوپلانی وقف برورثهٔ مرحمت مآبان‌آقامیر موسی وآقامیرتقی است اسلاف صالحین ایشان قریهٔ مزبوره را براولاد وقف نموده و این فقره نظر به اسناد معتبرهٔ کالشمس رادالضحی به ثبوت و وضوح پیوسته ومناقشهٔ بعضی ازآقایان در دلالت عبارهٔ صادره از بنان حضرت فردوس‌آشیان حاجی ملارضا عطرالله مضجعه باینکه‌کشف‌نمی‌کنداین‌عبارهٔ ازصدور حکم از ایشان فسادآن‌حاجت به‌بیان ندارد اگر خود این عبارهٔ را تعبیر می‌نمودند و دیگری چنین حمل می‌نمود البته برایشان‌گوارا نبود باآنکه در حکم صادره از شیخ‌الفقهاء آقا محمد مهدی کفایت است و قاطع عذر ورثهٔ مرحوم بگلربیگی است در دعوی صحهٔ تصرف و باآنکه مرحوم شریعت‌مدار اشرفی در بعضی از نوشته‌جات اخبار فرموده‌اند به‌صدور

حکم ازحاجی مرحوم و انفاذ فرموده‌اند حکم مرحوم راملخص آنکه قریهٔ مزبوره وقف بر آقایان مشارالیهم است ودعوی ورثهٔ عباس‌خان بگلربیگی مرحوم ملکیة قریهٔ مزبوره را فاسد است و اخلال کردن ایشان حرام است .

حررته لاربعته ایام بقیت من ربیع‌الاول ۱۲۸۰.

[جای مهر][1]

۵

حاجی ملامحمداشرفی حکم شرعی حاجی ملارضای استرابادی را در باب املاك وقفی سادات نافذ و ممضی و لازم‌الاتباع می‌داند .

معروض سرکار فیض‌آثار وحیدالایام قبلة‌الانام جناب‌آقای حجة‌الاسلام دام‌فضله‌العالی میداردکه در باب لزوم ردّ املاك موقوفهٔ سادات استرابادکه در استشهادنامهٔ علیحده تفصیل آن مسطور است مرحوم مبرور رضوانمکان حاجی ملا محمدرضای استرابادی اعلی‌الله مقامه عبارتی نوشتند هذه عبارته جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده‌اند و حکم شرع مطاع لازم‌الاتباع لزوم ردّ املاك مرقومه‌است بحضرات مرقومین اشهر آیا سرکار حجة‌الاسلام چنین رقم فرخنده‌شیم آن جناب مرحمت‌مآب را از احکام قاطعهٔ لازمهٔ ایشان میدانندکه عمل بآن لازم و تخلف ازآن حرام است یانه استدعا آنکه آنچه رای‌مبارك سرکار است درحاشیهٔ اینورقه بخط و ختم‌شریف‌مرقوم و مختوم فرمایندکه تکلیف شرع در این‌باب معلوم شده باشد...

[برحاشیهٔ بالای این استدعای صدور حکم ، مطالب‌زیر نوشته شده است :]

---

1. مهر کوچك بیضی باسجع : «عبده نصرالله».

بسم‌الله تعالی شأنه

عبارت مسطوره ظاهر درحکم است اگرچه محض‌کتب حکم نیست بلکه‌کتابت‌حاکی از صدور حکم میشود غرض این است‌که احتمال بودن این نوشته فتوی بعیداست‌ظاهر این است‌که این‌کلام نوشته شد بعد از اقامهٔ بینه وصدور حکم کیف‌کان مناط معلوم شدن صدور حکم است بنحو معتبر شرعی پس اگر از نوشته و نحو آن معلوم شود صدور حکم ازمرحوم رضوانمکان خلدآشیان حاجی ملا رضای معروف استرابادی قطعاً نافذ وممضی ولازم‌الاتباع‌است‌بلکه‌شأن‌ایشان اجل از آن است‌که‌اینگونه‌عبارتها در حق ایشان گفته شود یا نوشته شود زیراکه آن مرحوم از اعیان فقهاء امامیه و از اساطین و اساتید فرقهٔ محقه است در هر واقعه‌که بنحو معتبر شرعی معلوم شودصدور حکم قولی ازآن بزرگوار البته ردّآن درحد شرك و ردّ کننده مردود خداوند جهان و مبغوض امام زمان خواهد بود .

تحریرا فی‌ربیع‌الاول من‌سنه ۱۲۸۰ ولقد حررته بیدی‌الجانیه وانا‌الجانی‌الفانی

[برحاشیهٔ سمت راست این تقاضا، مطالب زیر نوشته شده است:]

آنچه درمتن وحامش مرقوم است سواد مطابق بااصل‌است وبدقت تمام‌مقابله‌شده‌است و حامش‌که جواب‌از سؤال متن است ممهور است به مهرحجةالاسلام و قبلةالانام آقا کهف‌الحاج حاجی ملامحمداشرفی سلمه‌الله حررته فی‌لیله رابع عشرشوال ۱۲۸۴ .

[جای مهر][1]

ازقراریکه مشاهده و مقابله نمودیم با اصل ازحامش و متن مرّةً بعد مرتین مطابق یافتیم با آن که از جناب حجةالاسلام و قبلةالانام سرکار فیض‌آثار کهف‌الحاج و

۱ــ مهری بیضی‌شکل با سجع : «عبده‌الراجی محمدحسین».

المعتمرین‌حاجی آقاحاجی ملامحمداشرفی‌صادرشده و بمهرخود درآن مزّین‌فرمودند.

۱۷ ذی‌قعدةالحرام ۱۲۸۴ .

[جای مهر][1]

تطابق‌السواد والاصل تحریراً ۱۷ ذی‌القعدة ۱۲۸۴ . [جای مهر][2]

۶

حکم شرعی سه تن از حاکمان شرع در تأیید حکم حاجی ملامحمدرضا در باب وقفیت پنجدانگ قریهٔ میرومحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی .

چه میفرمایند در باب آنچه مرحوم حاجی ملامحمدرضا طاب‌ثراه برلزوم ردّ املاك موقوفهٔ سادات بسادات عالیدرجات مرقوم فرموده‌اند و هذه عبارت جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده‌اند و حکم شرعمطاع لازم‌الاتباع برلزوم ردّ املاك مرقومه است بحضرات مرقومین آیا این‌رقم فرخنده شیم‌آن جناب مرحمت‌مآب از احکام قاطعهٔ‌لازمهٔ ایشان است یانه وتجدید مرافعه جایزاست‌یاحرام بینوا . . .

[بر حاشیهٔ سمت‌راست این تقاضای صدور حکم‌شرعی،مطالب زیر با قلم متن نوشته شده است:]

هو

توضیح این سؤال‌آنکه این حکم شریف از جناب حاجی مرحوم در باب وقفیت نیمدانگ قریهٔ میرومحله و وقفیت ششدانگ قریهٔ چوپلانی واقعتان دربلوك استرابادرستاق بلدةالمؤمنین‌استراباداست برسادات عالیدرجات ومنهم مرحمت‌مآبان

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع : «یاامام محمدتقی» . ۲ــ مهری‌بیضی‌کوچك با نام : «صفی‌الله» .

آقامیرموسی وآقامیرتقی و باولاد ایشان که اکنون در بلدهٔ مزبوره درعیشند و اسامی سامی آنها مستغنی ازتحریر است صورت حالرا بیان فرمایند .

[بربالای این تقاضا عبارات زیرنوشته‌شده است :]

بسم‌الله تعالی شأنه

ایـن عبارة مزبوره صورة حکم شرع شریف است و حکـم صادر ازجناب مستطـاب فخرالفقهاءالاقطاب عمدةالمجتهدین‌الاطناب‌مرحوم‌رضوان‌ایاب حاجی‌حاجی‌ملارضای استرابادی اعلی‌الله مقامه‌نافذ وممضی و درموضوعیکه محل حکم ایشان است مرافعه کردن جایز نیست و تخلف و انحراف از حکم ایشان تخلف ازحکم امام‌عصرعجل‌الله فرجه ومخرجه است فعلیه‌حسب‌الحکم‌الصادر املاك مزبورهٔ موقوفه برسادات‌مزبورین است و باید برهمین منوال مجری‌شود والله‌العالم .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این تقاضای حکم مطالب زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله تعالی‌شأنه

نظـر بحکم پنج‌نفـر از اهالـی شرعمطـاع لازم‌الاتبـاع که هـر یك قابل ولایقند من‌حیث‌العلم والعمل‌که متصدی امر شرع فتوی و حکومة وفصل‌الخصومات بموازین‌ـ القضاء در نزد ایشان بثبوت پیوسته شود پنجدانگ از قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ از قریهٔ چوپلانی واقعتان در بلوك‌استرابادرستاق دارالمؤمنین استراباد وقفست برسادات عالیدرجات‌که از جمله موقوف علیهم دراین عصر عالیجنابان آقـامیرزا ابوالقاسم و آقامیرزا محمدعلی وآقاسیداسمعیل میباشند واضح‌آنکه عبارت صادره ازخلدآشیان

۱ــ مهری بیضی‌باسجع : «عبده‌مصطفی‌العقیلی».

رضوان جایگاه حاجی ملارضا اعلی‌الله مقـامه کاشفه از حکم شرع است نه فتوی و شهادت .

فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۸۰ .

[جای مهر][۱]

قد صح‌مافی‌الفوق‌فی‌الربیع الثانی‌سنه ۱۲۸۰ . [جای مهر][۲]

[ودر آخرین‌قسمت بالای این تقاضا عبارات زیر نوشته شده‌است :]

بسم‌الله تعالی

عبارتیکه از مرحوم رضوان‌مکان حاجی ملارضا اعلی‌الله مقامه در ورقهٔ مصححه نقل شده است و بنظررسیده است این‌است جمعی ازموثقین شهادة بمراتب‌مزبورداده‌اند و حکم شرع مطاع لازم‌الاتباع لزوم رد املاك مرقومه است بحضرات مـرقومین و این کلام ظاهرکالصریح است در صدور حکم والزام از آن مرحوم بیان‌ذالك این است‌که حکـم بر دو معنی اطـلاق میشود الاول‌الالزام والایجاب والثانی‌اللـزوم والوجـوب الدین‌هواثرالالزام والایجاب والفرق‌بین‌المعینین‌اعتباری‌کالتأثیروالاثر اینجافرمودند که حکم شرع مطاع لزوم و وجوب‌ردّ است واین بی‌الزام وایجاب‌صورة نبندداز آنجا که تحقق اثر بی‌تأثیر غیرمعقول است علی‌ماتحکم به اوائل‌العقول فلم یجب‌ردالاملاك الموقوفه الی‌الموقوف علیهم الا بعدالزامـه وایجابه قد ... ردهاالیهم پس کلام مثل صریح و نص‌است در صدورحکم والزام ازایجاب فعلی هـذایجب‌اتباعه ویحرم‌نقضه .

حررته اقل‌الطلبه فی‌العشرالاخر من‌الشهرالثانی من۱۲۸۰ .

[جای مهر][۳]

---

۱ و۲ ـ مهری بیضی باسجع : «اللهم صل‌علی محمد وآل‌محمد». ۳ ـ مهـری بیضی باسجع : «عبده اسمعیل».

۷

تأیید حکم شرعی حاجی ملا محمدرضای استرابادی و آقا محمد مهدی اصفهانی به وسیلهٔ آقا محمدصادق عقیلی در بارهٔ وقف بودن پنجدانگ قریهٔ میرمحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی.

واضح باشد که بعد از شهادت شهود معتبره و موثقه و ملاحظهٔ احکام و نوشتجات جمعی از علمای اعلام و سادات ذوالعز والاحترام و ملاحظهٔ قراین واضحه و شواهد منضمه براحقر عبادالله اعتقاد علمی قطعی یقینی حاصل شد که مرحومان مبروران جنت‌مکانان سندالاسلام حاجی ملا محمدرضای استرابادی رحمه‌الله وثقةالاسلام آقا محمدمهدی اصفهانی قدس‌سره در خصوص پنجدانگ قریهٔ میرمحله وشش‌دانگ قریهٔ چوپلانی واقعتان در بلوك استرابادرستاق که وقفند و موقوف‌علیهم مرحومان آقا میرمحمدتقی وآقامیر موسی‌الحسینی‌الاسترابادی و اولادشان میباشند حکم‌شرع‌مطاع لازم‌الاتباع صادر فرمودند و حکم برد و تخلیهٔ ید مرحوم رضاخان قاجار و عباسخان بیگلربیگی و اولاد واحفاد ایشان نمودند واحکام ایشان‌لازم‌الاتباع‌است والرادعلیهما کالراد علی‌الله وهوعلی‌حدالشرك بالله وبعدمطالبة‌الامضا والانفاذ فقدامضیت‌وانفذت .

ولقدحررته بیدی فی شهرربیع‌الثانی ۱۲۸۰ .

[جای مهر][1]

[سوادی ازاین حکم‌شرعی مورخ ۱۲۸۰ه.ق. در دست است‌که برحواشی آن مطالب زیر نوشته شده‌است :]

این سواد مطابق اصل است که از جناب قبلةالانامی سرکار فیض‌آثار خیرالحاج والمعمترین حاجی‌آقاحاجی سیدصادق‌سلمه‌الله‌تعالی‌درباب‌شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی و

۱ــ مهر بیضی بزرگ با سجع : «عبده محمدصادق‌العقیلی» .

پنجدانگ قریهٔ میرمحله که وقف بر آقایان مشارالیهم می‌باشد صادر شده و بمهر خود در آن مزین فرموده‌اند .

۱۷ ذی‌قعده ۱۲۸۴ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این‌حکم سطور زیر نوشته شده است :]

این سواد مطابق اصل است و ممهور است بمهر جناب قدوةالمجتهدین و زبدةالفقهاء العاملین وافخرالحاج والمعتمرین حاجی سیدصادق سلمه‌الله تعالی و بدقت تمام‌مقابله شده است .

حررته فی‌لیلة سابع‌عشر ۱۲۸۴ من‌شهرذیقعده .

[جای مهر][2]

توافق‌السوادوالاصل   تحریراً شهرذی‌القعدة ۱۲۸۴ .   [جای مهر][3]

۸

حکم شرعی ممهور به مهر «محمدجعفر» در باب وقف نمودن نصف‌آب رودخانهٔ قوچانی را ولیخان خلف ملك‌کاظم برای سادات چوپلانی .

واضح باشد که در یوم دوشنبه هشتم نجومی شهر محرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۸۴ تقریباً قریب بدو ساعت از زوال‌گذشته بوده‌که اتفاقاً بمدرسهٔشفائیه‌رفتم عالیشأن‌عمدةالاقران ولیخان خلف مغفرت‌مآب ملك‌کاظم‌کراراً و مراراً درآنجا درآنوقت اعتراف نموده‌که

۱ـ مهرچهارگوشه با سجع : «یا امام‌محمدتقی ۱۲۷۸».   ۲ـ مهر بیضی با سجع : «عبده‌الراجی محمدحسین».   ۳ ـ مهر بیضی‌کوچك ناخوانا .

نصف‌آب رودخانهٔ قوچانی مـال مختص‌آقـایان سادات عالیدرجات چوپلانی است و باحدی دخل ندارد و اینمعنی را بعبارات‌مختلفه‌که هریك‌صریح در اقرار بوده تعبیر نموده مثل اینکه سه دانگ از آب قوچانی مال و ملك‌آقایان است و تنزیـه میکرد نفس خود را از ادّعای ملکیته و دعوی مـالکیته این سه دانگ کـه در فوق بنصف تعبیر شد .

فی نهم تقویمی شهرالمزبور من‌السنةالمسطوره .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالای این حکم عبارات زیر نوشته‌شده است :]

قدسمعت‌الاقرار من‌ولی‌خان خلف مرحوم‌المرقوم علی‌النهج‌المرقوم کراراً ومراراً .

وانا‌الاقل‌الاثم . [جای مهر][2]

۹

حکمی شرعی‌که استدعای صدورآن همراه آن نیست و ظاهراً در جواب نامه‌ای جداگانه که بـه حاکم شرع نوشته‌انـد صادر شده است . این حکم در باب وقفیت قریهٔ چوپلانی و ادعای ملکیت عباس‌خان بیگلر بیگی است و مهر و تاریخ‌ندارد .

هوالمستعان

عرض میشود که اولاً اینمطلب‌مخفی‌نماندکه‌داعی در فقرهٔ خوانین و سادات‌تاحین ۲۷ ماه ذی‌الحجة‌الحرام ازسنهٔ ۱۲۸۴ میباشد نه‌حکمی‌دادم و نه‌امضائی‌کردم لکن بعد از اینکه نوشتهای مرحوم‌آقای رئیس وآقای شریعتمدار وآقای حجة‌الاسلام رادیدم

۱ـ مهر بیضی بـا سجع : «عبده محـمد جعفر». ۲ـ ظاهراً مهری نظیر مهر اول است .

که در ید ورثهٔ مرحوم عباس‌خان بیگلربیکی بود هیچ‌گمان نکردم که در ید اینها نیز از آنها نوشتجات در بین باشد و خـودپارهٔ از مطـالب در خواطر داشتم و میدانستم راجح دانستم که آنچه را مطلع شدم بشما بنویسم مراسلهٔ عموماً نوشتم ملخص آن این است که در اینواقعه احقر انام حکم‌صادر ازمرحوم‌آقا محمدمهدی‌را معتبر نمیدانم اصل کیفیت‌رامیدانم و نوشتهٔمرحوم‌آقای حجةالاسلام را من گرفتم در اینکه‌آن‌حکم‌معتبر و قاطع نزاع نیست بنده ابداً تزلزل وتشکیك نخواهم‌نمود امرمنحصر شد بنوشتهٔمرحوم حاجی‌ملارضا اعلی‌الله مقامه واضح‌است‌که محض‌ظهور کتبی(؟)سند شرعی که‌بتواندرفع حکم ید معتبره‌کرد نمیشود باید صدور حکم معلوم شود ومفروض این است که‌مرحوم رئیس در اواخر بدست چپ‌بعد اززحمت زیاد نوشت‌که‌آن حکم معتبر نیست ومرحوم حاجی ملاتقی اعلی‌الله مقامه شرح مبسوطی نوشت‌که من فحص بسیار کردم واعتبارش معلوم نشد و ملك است و مرحوم شریعتمدار نوشتجات متعدده نوشت‌که‌آقاسیدفضل‌الله مستند تصرف او حکم مرحوم حجةالاسلام بوده و بس وآن بی‌اعتبارشد وصریح‌نوشت که چوبلانی ملك عباس‌خان است و از قدیم قبالجات متقنهٔمحکمهٔ مشتملهٔ برخطوط و خواتیم اعیان واکابر استراباد دربیع و شرا وایجار واستیجار دلخون اینقدر دارندکه انسان واله و حیران میشود بحق خدا بنظرم محال عادی‌آمدکه وقف با این تفصیلات ثابت و محقق شود ومسئلة هم نظرم همچه می‌آیدکه اگرصدور حکم نسبت به‌بعضی‌از ازمان سابقه معلوم شود ولکن وجه عمل نشدن معلوم نباشد . . . . برود که مانعی از نفوذ شرعاً داشت یا خلاف را معلوم‌کرده باشند یا مجوز بیع وقف بفتوای‌فقیه‌معتمدی موجود بود بااین احوال نمی‌توان‌حکم بوقف‌نمود اگربعد ازملاحظهٔ جمیع‌نوشتجات حضرات و التفات‌بجمیع مقدمات‌که‌ازجملهٔ‌آنها وجود جمع‌کثیری از معمرین‌معتبرین بود درآن ازمان و اعصار که دیگران میرسیدند بازمطمئن شدید جای سخنی باقـی نمیماند اولاً در همچه واقعه اصلاح اصلح است و همـان اصـلاحی‌که مرحوم رئیس

اعلی‌الله مقامه‌قرارداد زیادعلی‌الظاهر پیشرفت ندارد وبسیار دلم میخواست‌نصفی بکنم نه آقایان تمکین کردند نه‌آنهاگفتند آنها هم بعد از عاشورا با نوشتجات بیایند در شهر استراباد بفرصت نوشتجات طرفین را ملاحظه نمائید بعد از تأمل تام در آنچه نوشتیم آنچه یافتید خواهید فرمود از فقرهٔ حکم آقا محمدمهدی بگذرید آن قطعاً غیرمعتبر است بآن جمیع وجوه محتمل است جائز نباشد .

ادام‌الله‌افاداتکم والسلام .

اینقدر بدانیدکه‌داعی‌گرفتارم وچاره ندارم اگرگاهی‌گمان بتناقض برود یقیناً عمداً و اختیاراً نیست .

والسلام .

۱۰

سوادحکم شرعی‌آقامحمدمهدی‌اصفهانی دربارهٔ‌تعیین حدود و سامان مرزبانکلاته و چوپلانی و ملکیت آب قوچانی .

واضح‌باشد که‌چون‌درمابین‌سادات‌درازگیسو وسادات میرزاخانی شیرنگی‌درحدود و سامان مرزبانکلاته و چوپلانی و آب قوچانی منازعه بود بخواهش طرفین‌بدانجارفته با جمعی‌کثیر سادات درازگیسو ادعا نمودندکه حدود چوپلانی ومرزبانکلاتهٔ جنوبی از بند دوم قوچانی‌است که ازآنجا بزیرآب‌وملك مال‌ایشان ومتعلق بچوپلانی‌است و از جانب شمال‌که از جانب تحت مرزبانکلاته شصت‌نی‌دوازده ارش‌ازجرآنقریه‌بصوب شمال مال مرزبانکلاته والباقی مال‌ایشان و متعلق بچوپلانی است جمعی‌کثیروجمعی غفیرکه ادای شهادت حسیه وعلمیه و اصلیه و فرعیه وملکیه و تصرفه نمودندکه قریب به‌پنجاه نفر بودند اقامه نمودند براینکه حدود و سامان از قـرار مزبور است و آب قوچانی از زیر بنددوم آنچه زاینده شود مال ایشان و متعلق به‌چوپلانی است وچون

قلیلی از شهود از سفیددار که پائین شصت‌نی است شهادت داده‌اند لهذا محقق و واضح شد بر اقل عباد که سامان از طرف شمال سفیددار است و ازجانب جنوب بحسب‌ملك و آب از بندوم قوچانی است که از شهادت‌ثقه وغیر ثقه از استفاضه وشیاع‌حاصله‌اینقدر مشخص و معلوم و محقق است ازآن قرار اطراف نزاع محکومند شرعاً که معمول دارند و تخلف جایز نشمارند که حکم شرع این است .

حررته بیمنای‌القاصره فی‌شعبان ۱۲۸۶ .

اعلی‌اللّه‌مقامه [جای‌مهر][1]

[بربالای این حکم شرعی با سطوری که‌کرسی‌آن نود درجه باکرسی‌متن‌سواداختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده‌است:]

بسم‌اللّه تعالی‌شأنه

مافی‌المتن والحاشیةالدائـرتین سوادمطـابق‌لما فـی‌المتن‌والحـاشیتین الدائـرتین حرره‌الاقل فی‌ثانی اربعین من ۱۲۹۵. [جای مهر][2]

[بر سمت چپ این سطور مطالب‌زیر نوشته شده است :]

نظر باین سند متقن واسناد چندی‌ازآقایان‌عظام‌مضمون مسطورقابل انکار نیست البته طرفین بمقتضای‌آن‌عمل‌نمایند وتخلف و تمرد ننمایند. فی شوال‌المکرم‌من۱۲۹۰.

[جای مهر][3]

۱ـ مهری بزرگ‌بیضی‌باسجع : «عبده محمدصادق‌العقیلی ۱۲۷۱». ۲ـ مهری بیضی با سجع : «عبده مصطفی‌العقیلی». ۳ـ مهرودونـویس شده بـا سجـع: «الراجی محمدبن محمدمهدی ۱۲۰۹».

[در زیر مطالب بالا با خطی خوش سطور زیر نوشته شده است :]
السواد مطابق لاصله‌الاصیل‌المعتبرالمعتمد متناًوهامشاًمطابق‌النعل‌بالنعـل . حرره الاقل الاذل لاربعة ایام بقین من‌ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ . [جای مهر][1]
[برحاشیهٔ‌سمت راست این حکم باسطوری‌که‌کرسی‌آن‌باکرسی متن صدوهشتاد درجه اختلاف دارد مطالب زیر نوشته شده است :]
خطوط در این ورقه سواد خطوطی است‌که مرحتمآب حاج سیدصادق بیدخودش‌قلمی داشته بود و اختلافی در بین نیست و چهارسطر فوق هم مطابق است با اصله خود که آن اصل را سرکارآقای حجةالاسلام ادام‌الله بقائه قلمی داشته‌اند که بخط آن جناب است. حرره‌الاقل فی ۲۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۵. [جای مهر][2]
هذاسواد مطابق‌لاصله‌المعتمدالمختوم بخاتم‌المرحوم‌الحاج‌السیدصادق‌اعلی‌الله مقامه .
[جای مهر][3]
این سواد مطابق‌بااصل مرقوم بخط مرحوم افخرالحاج حاجی سیدصادق‌اعلی‌الله‌مقامه است و حکم بمضمون‌آن ازآن طاب‌ثراه جاری شد وتخلف ازآن جایزنیست و فوق آن خط جناب حجةالاسلام و موضع مهرآن بزرگواراست. حررته فی‌رابع‌عشرین ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ . [جای مهر][4]
هذاالسواد مطابق لاصله‌المعتبرالمعتمدالمرقوم المـختوم بخاتـم المرحـوم‌المبرور الحاجی‌الحرمین‌الشریفین حاجی سیدصادق اعلی‌الله مقامه وفوق‌آن نیز امضـا سرکار حجةالاسلام است. حررة الاقل‌فی‌اولی‌الجمادیین ۱۲۹۵. [جای مهر][5]

۱ـ مهرکوچك بیضی با نام «محمدهادی». ۲ـ مهربیضی با سجع:«محمدطاهر الحسینی ». ۳ـ مهر بیضی باسجع :«الهم‌اغفرصفی‌الله». ۴ـ مهر درست نگرفته است و دوکلمهٔ «محمدبن» روشن خوانده می‌شود . ۵ـ مهر چهارگوشهٔ ناخوانا .

۱۱

تقاضای صدور حکم شرعی از حاکم شرع در بارهٔ حدود و سامان‌ملک قریهٔ‌موقوفهٔ چوپلانی وقریهٔ‌مرزبانکلاته و حدود و سامان رودخانهٔ زایندهٔ قوچانی .

عرض واستدعا میشود درخصوص حدود وسامان ملک‌قریهٔ موقوفهٔ موسومه‌بچوپلانی‌و قریهٔ مرزبانکلاته و حدود و سامان رودخانهٔ زایندهٔ قوچانی‌که جناب مستطاب قبلة‌الانامی سلمه‌الله بهمراهی جناب‌مستطاب‌قبلة‌الانامی وشریعتمداری حاجی‌آقاسیدصادق سلمه‌الله تشریف‌آورده‌بودید درقریهٔ چوپلانی وسادات عظام مالکین قریهٔ‌مرزبانکلاته هم حاضربودند وبه مردان وریش‌سفیدان قرای متقارب قریهٔ مسطورهاکه اطلاع‌کامل داشتند در سرسامان جمع نمودیم وسرکارعالی‌تشریف داشتند وشهود هم خدمت‌سرکار عالی اقامهٔ‌شهادت‌خودنموده‌اندآنچه سرکارعالی دام‌اقباله‌معلوم شده‌درفوق‌عریضه‌مرقوم فرموده و بخاتم شریف مزین فرمایند که سند و اعیان و ذریهٔ حضرت‌رسول صلی‌الله علیه وآله بوده باشد انشاءالله مضایقه نخواهند فرمود و مشروحاً قلمی خواهندفرمود زیاده عرض و استدعائی ازآن قبلة‌الانامی ندارم باقی ایام عزت و افاضت مستدام باد برب‌العباد .

[بربالای این تقاضا و حاشیهٔ سمت راست‌آن مطالب زیرنوشته شده است :]

هوالمستعان

تفصیل واقعهٔ مرافعه‌وحقیقةرسی حدود قریهٔ چوپلائی[۱] با قریهٔ مرزبانکلاته ازشمال مرزبانکلاته و همچنین حقیقةرسی‌مجرای قوچانی این است‌که آقایان عظام مالکین چوپلائی‌که مشهورند‌بسادات‌درازگیسو باآقایان عظام مالکین مرزبانکلاته‌که‌مشهورند

۱ـمنظور همان دهکدهٔ چوپلانی است .

بسادات شیرنگی مدعی شدند باینکه سامان و حد جنوبی ملك چوپلائی متصل است بملك و قریهٔ مرزبانکلاته بعداز وضع شصت نی دوازده ذراعی از خندق قدیم مرزبان‌کلاته که در این زمان سمت جنوب مسجد قریهٔ مزبوره است بسمت شمال گذشته است که ملك قریهٔ مرزبانکلاته زیاده ازشصت نی بسمت شمال ملك ندارد و همچنین ادعا نمودند باینکه مجرای قوچانی که شمال آنرا خورد رودبار مینامندکه ازقدیم الی الآن زاینده‌است ملك‌چوپلائی‌است که مالکین مرزبانکلاته از فوق محاذی تپهٔابراهیم آباد بسمت‌شمال‌حقی ندارند انشاءمرافعه در محضر جناب مستطاب شریعتمدار کهف‌الحاج حاجی‌سیدصادق‌سلمه‌الله‌تعالی نمودند وجناب‌حاجی‌آقاسلمه‌الله قرارمرافعه واقامهٔشهود را در سرسامان‌قریهٔ مزبوره فرمودند اقل‌عباد درآن اثنا درقریهٔ‌جلین‌آمدند جناب مستطاب حاجی‌آقا تشریف‌آوردند درجلین وفرمودندکه شماهم بمصاحبت‌ما بیائیددر قریهٔ چوپلائی عبدهم اطاعت‌نموده بمصاحبت‌آن‌آقا... رفتم وآقایان‌عظام جمع‌کثیری از اهل بلوك من‌جمله‌همهٔ‌مردان‌میرمحله‌وسرجان‌کلاته وجلین و دودانگه وآهنگر‌محله را جمع نمودند و حاضر شدند سرسامان جنوبی چوپلائی انشاء سخن نمودند قریب شصت‌نفرشهادت دادند اصالةً بلاواسطه و مع‌الواسطه بعض باقرار بعض بتصرف باینکه شصت‌نی دوازده ذراعی ازخندق قدیم مرزبانکلاته که مرقوم شد بسمت شمال رسید ملك‌و متصرفی مالکین چوپلائیست‌که سمت غربی‌آن متصل میشود بخندق‌قدیم که حال‌آب‌جاریست و شرقی‌آن متصل میشود بمجرای داربك‌آب وقریهٔ‌مرزبانکلاته زیاده از شصت‌نی موصوف‌بسمت شمال ملك نـدارد ولکن سه‌چهار نفر از پیرمـردان شهادت‌دادند باینکه متصرفی‌چوپلائی از درخت سفیددار است‌که سمت‌شمالی‌شصت‌نی واقع‌است بوده‌است ولذاازباب قدریقین و احتیاط حکم شرع‌اطهر جاری شد باینکه حد جنوبی قریهٔ چوپلائی متصل است بآن درخت سفیددارکه ازمحاذی‌غربی‌آن‌بخط مستقیم متصل میشود بخندقی‌که مجرای‌آب دیوان است و شرقی‌آن نیز متصل میشود

بمجرای داربك‌آب و تصرف مالکین مرزبانکلاته در زیاده ازآن مقدار خلاف شرع مطاع لازم‌الاتباع است .

حررته بیدی فی‌رابع ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ .

[جای مهر][1]

و اماحدوسامان رودخانهٔ قوچانی بعداز اقامهٔ‌آقایان شهود خود را درسامان جنوبی؟ و اجرای حکم بمصاحبت حاجی‌آقاسلمه‌الله وپیرمردان رفتیم‌سر رودخانه درآنجا دوبند نشان دادند یکی ازآن درمحاذی فوق‌تپهٔ ابراهیم‌آباد واقع‌بود و دیگری در محاذی تپهٔ مزبوره‌که از بندثانی‌نهری محفور است بسمت غرب سادات عظام مالکین‌چوپلائی ادعا نمودندکه ازآن بندثانی وازآن نهر بسمت‌شمال ملك ومختص مااست‌که مالکین قریهٔ چوپلائی هستیم سادات عظام مالکین مرزبانکلاته منکرشدند مطالبهٔ ابینه از آقایان نمودند جمع‌کثیری از پیرمردان معتبرین و معتمدین شهادت برحقیقت‌آقایان مالکین چوپلانی دادند باینکه ازآن بند و نهر بسمت شمال در تصرف‌آقایان‌مالکین چوپلائی بوده و هست و این رودخانه از بند مزبور و نهر مزبور بسمت شمال ملك موقوفهٔ قریهٔ چوپلائی است از شهادت ایشان علم قطعی حاصل شد باینکه‌آن‌رودخانه از بند مزبور ملك چوپلائیست و همچنین ازآن نهربزیر ملك موقوفهٔ‌آقایان درازـ گیسو است بقسمیکه بهیچ‌وجه‌احتمال‌خلاف راه نداشت ولذا حکم شرع‌مطاع لازم‌ـ الاتباع جاری شد باینکه حد جنوبی قریهٔ چوپلائی ازسمت شرقی داربك‌آب متصل است بند مزبور و از بند مزبورکه محاذی نهر مزبور است ازآن رودخانهٔ زاینده بسمت شمال ملك چوپلائیست وآقایان‌شیرنگ زیاده ازآن بند ثانی‌که تقریباً‌محاذی

[1] ۱ــ مهر بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین».

تپهٔ مزبوره و نهر مـزبور است حقی و حظی ندارند چنانچه تصـرف زیاده از حدین مزبورین نمایند تصرف ایشان غصب و خلاف شرع‌مطاع لازم‌الاتباع خواهدبود .

ولقدحررته‌بیدی فی رابع شهرربیع‌الثانی ۱۲۸۹ .

[جای‌مهر][1]

۱۲

حکم شرعی آقا محمدصادق‌العقیلی در بارهٔ صلح شرطـی یك دانگ خانهٔ ابراهیم‌کربلایی نصیر در محلهٔ میدان استراباد .

عرض میشود سندی‌خیرالزائرین کربلائی‌علی پالان‌دوز داردکه مفادش این است‌که یك دانـگ خانه‌موجه‌ا براهیم‌کربلائی‌نصیرحسب‌صلح‌شرطی مال‌کربلائی‌علی‌است ویك سندی دارد بی‌بی‌زینب زوجهٔ موجه ابراهیم مذکورکه مفادش این است‌که یك‌دانگ خانهٔ مزبوره مال اوست حسب بیع شرطی و در هر دو سند خط و ختم سامی است و بایع‌و مصالح در هردوسند ابراهیم‌کربلائی‌نصیراست باری فعلاً هردوسند ارسال‌خدمت شد در تقدم و تأخر هریك ملاحظه‌کنید و در فوق همین سؤال نویسیدکه کدام معتبر است و تاریخ هم‌گذارید .

تحریراً فی ۱۳ شهررمضان‌سنه ۱۲۹۱ .

[بربالای وسمت چپ‌این‌حکم شرعی مطالب زیر نوشته شده است:]

بیعشرط‌الضعیفه مقدم است اگر هر دو خانه‌که در اسانید نوشته یکی باشد ابدالظاهر

۱ـ مهر بیضی باسجع : «عبده‌الراجی محمد حسین».

شرع به بیع‌شرط‌الضعیفه محکوم مقدم است در صورتیکه خانهٔ مسطورة در یـد بایع همیشه بوده والا اگر در ید مشترین متناوبـاً و مرتباً بـوده البته ذی‌الیداخیر قولش مقدم چون احتمال نقل و فسخ و نحو ذلك قائم است در یدکاتب است واما سند هردو خط داعی‌و معتبراست ولکن فسخ‌اول و وحدت‌خانه وکیفیت‌ابدی متعاقبه رانمیدانم و حکم آنستکه اجمالاً تحریر یافت .

حررته فی شهر رمضان ۱۲۹۱ .

[جای مهر][1]

۱۴

حکم شرعی آقایان محمدحسن موسوی و محمـدمهدی موسوی در بارهٔ یك دانگ خانهٔ ابراهیم کربلائی‌نصیر واقع در محلـهٔ میدان استراباد .

عرض میشود خیرالزائرین‌کربلائی‌علی‌پالان‌دوز یکطغری‌سندی ممهور بمهرجمعی از آقایان عظام دارد از جملهٔ ایشان است سرکارعالی و خط و ختم سرکار درآن‌سند است و مفادآن سند این استکه ابراهیم‌کربلائی‌نصیر یك‌دانگ خانهٔ خودراکه واقع است در محلهٔ میدان بصلح شرطی منتقل نمود بکربلائی‌مزبور و دختر ابراهیم‌مسطور که مسمات است به بی‌بی‌زینب نیزسندی دارداز ابراهیم مزبورکه والد اواست‌باینکه آن یك دانگ همان خانه ملك‌آن ضعیفه است و من‌باب بیع شرطی‌منتقل بـاو شده لکن تاریخ نوشته و سندآن ضعیفه پیش است ، غرض از زحمت این است که در فوق

۱ـ مهربیضی بزرگ با سجع : «عبده محمدصادق‌العقیلی» .

سؤال [بنویسید] که نوشتهٔ ضعیفه معتبر است و پیش چیزی نویسید و تاریخ هم گذارید.
فی ۱۴ رمضان ۱۲۹۱ .

[بر بالای این استدعای صدور حکم شرعی مطالب زیر نوشته شده است :]

تمسك کربلائی علی که یکدانگ خانهٔ خود را محمد ابراهیم خلف مرحوم کربلائی نصیر صلح شرطی بمشارالیه نموده صحیح ومعتبر و تمسك صبیهٔ محمدابراهیم مزبور مسماة به بی بی زینب که محمدابراهیم و زوجه‌اش سه‌دانگ خانهٔ بیع شرطی بمشارالیها نموده‌اند نیز معتبر و محل‌صلح و بیع همان خانهٔ مسکونهٔ محمد ابراهیم بوده شبهه نیست لهذا نظر بتقدم بیع شرط صبیه حسب‌ظاهر باید عمل باو نمود مادامیکه وجه صحیحی از جهت کربلائی‌علی معلوم نگردیده والله‌عالم بحقایق‌الامور.

حررته فی ۱۶ شهر رمضان ۱۲۹۱.

[جای مهر][1]

بلی خیرالزائرین کربلائی علی مذکور تمسکی دارد در باب یکدانگ خانهٔ ابراهیم و ابراهیم بصلح شرطی منتقل کرده است هکذا یك خانه را بکربلائی‌علی و در آن سند خط و خاتم احقر و معتبر است لکن سند عفت‌پناه بی‌بی‌زینب صبیهٔ ابراهیم که‌منتقل کرده است بقیهٔ خود سه دانگ از خانهٔ مسطوره را به بیع شرطی و معتبر هم هست بحسب تاریخ تقدم دارد برسندکربلائی‌علی لهذا سندکربلائی علی از درجهٔ اعتبار ساقط و هابط بملاحظهٔ تقدم تاریخ‌سند بی‌بی‌زینب و اعتبارش .

حررها الاقل والراجی فی ۱۵ شهر رمضان من‌شهور ۱۲۹۱ .

[جای مهر][2]

۱ــ مهربزرگ بیضی با سجع : «عبده‌الراجی سید محمدالموسوی» . ۲ــ مهر بیضی بـاسجع : «عبده‌الراجی محمدحسن‌الموسوی».

۱٤

سواد حکم شرعی حاجی آقا سیدصادق در باب حد و سامان ملك لله‌دوین و آزادمحله .

بسم‌الله خیرالاسماء

واضح باشد که ازقرارشرح‌شهادت‌جمعی‌کثیراز مؤمنین ازاهالی لله‌دوین و ورسن‌و تخشی‌محله و پیرمردان‌آنجاکه اسامی ایشان در ذیل ورقه مسطور است براحقرعباد معلوم ومحقق‌گردیدکه حد و سامان ملك‌لله‌دوین و آزادمحله از اول‌کتل‌دال است‌که ممتد میشود بطرف شرقی تپهٔ قنبران و ازآنجاگذشته متصل است بمیان‌دال‌کـه ممتد میشودبمرزی‌که فاصله است بین‌ملك‌آزادمحله ولله‌دوین وازآنجا ممتد است‌به‌پیشانی که مشهور است بلله‌پیشان و ازآن پیشان بخط مستقیم ممتد است بدارکلـه که اول صحرای دوستعلی‌کل است‌که سمت غربی حـدو سامان ملك مزبور مال مالکین ملك لله‌دوین است دخلی بملك‌آزادمحله ندارد برزارعین و مالکین ملك‌آزادمحله بحکم شرعمطاع لازم‌الاتباع واجب و لازم است‌که ازآن حدود تعدی و تجاوز ننمایندکـه تخطی ازآن حد و تصرف درآنملك بدون اذن و رضایت مالکین لله‌دویـن خـلاف شرع انور و حرام است و حکم شرع‌شریف از اقل عباد برمراتب مسطوره صادر شدکه تخلف و انحراف خلاف قانون و میزان شرع است

اسامی شهود : مشهدی‌آقابابا ــ کربلائی‌قربان ــ کربلائی‌صفی‌خان ــ ملاهاشم‌ــ محمد حسین ــ قربانعلی ــ مشهدی‌خدابخش ــ باقر ــ مشهدی‌رضا ــ مشهدی‌حیدرــ باباقلی‌ــ کربلائی محمدابراهیم‌آقاــ مشهدی شریف‌ــ کربلائی ملارضا ــ مشهدی علی ورسنی‌ــ مشهدی‌تقی‌ورسنی ــ غلام‌ورسنی‌ــ مشهدی امیرورسنی‌ــ حیدرعلی‌آقاورسنی‌ــ مشهدی صالح‌ورسنی ــ مشهدی‌نورمحمدتخشی‌محله ــ مشهدی‌جمال‌تخشی‌محله‌ــ مشهدی‌حیدر

تخشی‌محله ـ مشهدی قربانعلی‌ورسنی ـ ابراهیم‌ورسنی ـ کربلائی‌غلامرضا ورسنی ـ کربلائی محمد ورسنی ـ کربلائی‌رجبعلی‌ورسنی‌ـ‌مشهدی نجف‌ورسنی‌ـ‌آقاسیدحسین ورسنی ـ ملارحیم‌ورسنی ـ ملاابراهیم ورسنی ـ کربلائی حسین ورسنی ـ مشهدی حسن تخشی‌محله .

وکان ذالك محررا فی حادی عشر شهرربیع‌الاول من‌شهورالعربیه سنه ۱۲۹۲ .

[محل خاتم شریف حضرت حجةالاسلام خلدمکان آقاحاجی‌آقا سیدصادق عطرالله مرقده]

[بربالای این حکم مطالب زیرنوشته شده است :]

الامرکما زبروسطرفلیعمل بمقتضاه‌ولایتخلف عن‌مؤداه حررته فی‌الربیع‌الاول۱۲۹۲.

[محل خاتم‌شریف حضرت‌آقاشیخ عبدالرزاق رحمه‌الله‌تعالی]

جانب غربی حدّمسطور درمتن شرعاً محکوم‌است بملك ارباب للّه‌دوین و شرقی متعلق به‌آزادمحله است فصح‌مافیه ولیعمل بمقتضاه. حررته فی‌الربیع‌الاول ۱۲۹۲ .

[محل‌خاتم‌شریف حضرت‌مستطاب‌آقاحاجی‌آقا سیدصادق‌العقیلی اعلی‌الله مقامه]

هذالسواد مطابق‌لاصله المعتبر. حررته بیدی‌القاصره فی‌شهرجمیدی‌الاولی ۱۳۳۲.

[جای سه مهر] [1]

هذالسوادمطابق‌لاصله الصحیح‌المعتبر طابق‌النعل‌بالنعل. حرره‌الاقل. [جای مهر] [2]

۱ـ هرسه‌مهر بیضی‌است . مهراول باسجع :« عبده‌عباسعلی‌العقیلی» . مهردوم باسجع: «جمال‌الدین‌بن‌محمدصادق‌العقیلی» . مهرسوم باسجع : «سرالله‌العقیلی » .

۲ـ مهری بیضی بانام · «محمدابن‌محمدجعفر ۱۳۳۱» .

هذاالسواد بعدمقابلة مع اصله‌المعتبر المعتمد وجدتهما سیان فی ۷شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۲ . [جای مهر][1]

معتبر ومتبع است.

[محل‌خاتم شریف حضرت حجةالاسلام آقاشیخ‌صفی‌الله دامت برکاته]

سواد مطابق اصل است. [جای دومهر][2]

[سواد دیگری از این حکم‌در دست است‌که پاره‌ای ازمطالب حاشیهٔ آن، بااین‌سواد اختلاف دارد . این‌مطالب ازاین‌قرار است :]

این سواد مطابق بااصل است فی ۴ ج ا/۱۳۳۲. [جای مهر][3]

هــو قدقوبل هذاالسوادمع‌اصله‌الاصیل وجدتهماسیّن حررته فی‌پنجم‌جمادی‌الاولی ۱۳۳۲. [جای دومهر][4]

این سواد مطابق با اصل معتبراست شرعاً ترتیب‌آثار برمؤدای آن لازم‌است تحریرا فی‌جمیدی الاولی سنه ۱۳۳۲ . [جای‌مهر][5]

[سواد سومی ازاین حکم در دست‌است‌که برحاشیهٔ‌آن آقا شیخ‌صالح مطالب زیر را نوشته است :]

چون ملك‌آزادمحله راکه واقعه است در بلوك سدن‌رستاق مرحوم مبرور آقامیرزامقیم

۱ـ مهری بیضی با نام : «یعقوب الحسینی» ۲ ـ مهری بیضی کوچك بانام : «محمدوالی»ومهری بیضی بزرگتر بانام : «سالاراشرف۱۳۳۰». ۳ـ مهربیضی بانام: «نصرالله‌الحسینی۱۳۲۵». ۴ـ مهربیضی بانام:«یعقوب‌الحسینی» ومهربیضی‌دیگر بانام: «محمدباقر» . ۵ـ مهربیضی باسجع : «عبده‌رحمت‌الله» .

لشکر نویس دیوان اعلی رحمه‌الله درحال حیات خود متصرف بودند پس از وفات او وصی ثابت‌الوصیات ایشان که حضرت مستطاب اجل اکرم سردار امجد دام‌اقباله‌العالی میباشند منتقل فرمودند بعمدةالعلماء والمجتهدین العظام سلیل‌الاماجدالکرام افتخار الحاج والعمار آقاحاجی سید طاهر سلمه‌الله تعالی دارائی وتصرف آنجا متعلق بآنجناب سلمه‌الله تعالی شد مزرعهٔ موسومه بدوستعلی‌کل راکه درتصرف‌اربابان للەدوین همیشهٔ اوقات سابقاً بوده و میباشد مدعی شد جناب مستطاب حاجی آقا سلمه‌الله تعالی برایشان که متعلق بآزادمحله میباشد و با اینکه قرار داشتند باینکه درتصرف‌اربابان للەدوین بوده و میباشد در مقام تحقیق و غوررسی این فقره راقم اجابت دعوت نموده بدون شائبه و ملاحظه محض‌اعمال قواعد و موازین شرعیه برخی اززمان وکیل‌شرعی‌جناب مستطاب حاجی آقاسلمه‌الله با بعض از اربابان للەدوین و وکیل شرعی بعض‌دیگر اگرچه بعض دیگر حاضر نبودند درمقام‌تحقیق این‌مطلب برآمده حدود دوستعلی‌کل‌را که‌تحدید نموده‌اند بحدودی که از خارج در دست است ابراز نموده مطالبهٔ بینهٔ شرعیه‌از وکیل شرعی جناب‌مستطاب شرع‌مآب حاجی آقاسلمه‌الله شدکه از غیراهالی قلندرمحله و هاشم‌آباد بوده باشند ازآنجاکه بملاحظات خارجهٔ معلومه محل‌استماع شهادت‌آنها نبوده ازغیر آنجاها مطالبه شدتا این تاریخ در بوتهٔ تعویق مانده لذا قلمی میشودکه بمقتضای‌شرع انورمزرعهٔ دوستعلی‌کل بایدکماکان درتصرف اربابان‌للەدوین بوده باشد و مزاحمت ایشان نشود مگراینکه بمیزان شرع‌انورخلاف‌آن معلوم شود.

بتاریخ شهرشوال‌المکرم ۱۳۱۴ .

[محل مهر آقا شیخ صالح]

۱۵

حکم شرعی درباب سه‌خشت دیوار میان‌خانهٔ متقاضی صدور حکم وخانهٔ ورثهٔ حاج محمدمهدی .

عرض می‌شود دیواری که در خانهٔ جدیدالبناء حقیر واقع است یعنی خانهٔ حقیر و خانهٔ سرای ورثهٔ مرحوم حاج محمدمهدی‌که آخرآن دیوار وصل است باطاق بیرونی ورثهٔ مرحوم‌مزبور واول‌آن بکوچه‌ئی که عبورحقیرو ورثهٔ مرحوم مذکور درآن‌کوچه است‌که آن دیوار دیوار خانهٔ قدیم حقیر است‌که الآن آن خانه را برهم زدم و بنای جدیدکردم آیا تمامت‌آن‌که مقدار سه خشت بوده آیا مال حقیر می‌دانید یانه و ورثهٔ مرحوم حاج‌محمدمهدی‌لوفرضنا هرگاه بخواهند در مقام ممانعت برآیند تسلطدارند یانه آنچه نظر شریف‌شما رسیده و اطلاع دارید حکم شرع در فوق‌سؤال قلمی دارید نه غرض محض‌سؤال و جواب باشد بلکه مقصود بیان حکم شرع است.

فی ۸ذیقعده ۱۲۹۴ .

[دربالای این استدعای صدور حکم مطالب زیر نوشته شده‌است :]

حسب موازین و قواعد شرعیه آن دیوار مال‌جناب عالی است تالم‌یعلم‌الخلاف .
فی ذیعقدة من‌شهور ۱۲۹۴ . [جای مهر][1]

از قراریکه احقر خود ملاحظه نموده‌آثار تصرف شما را درآنجا دیده‌آن دیوارملك مختص شما است ونمیرسد احدی را منع شما تا اینکه خلاف معلوم شود. حرره اقل‌الطلبة‌لثمانیةایام خلت من ذیعقدةالحرام ۱۲۹۴. [جای‌مهر][2]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «اللهم‌اغفرصفی‌الله» . ۲ـ مهری بیضی بانام : « محمدهادی » .

۱۶

حکم شرعی سه تن از حکام شرع در باب آب رودخانهٔ هشن که معروف است به آب قرن آباد که اهالی مرزبان کلاته باید پس از زراعت شلتوك به قراء چوپلانی و شمس آباد برسانند تا آبدنگ و آسیابهای ایشان به گردش درآید .

هو

مسئلة عرض میشود آب رودخانهٔ هشن که معروف است بآب قرن آباد و آهنگر محله همیشهٔ اوقات رسم وقانون چنین بودکه هنگام زراعت شلتوك هرکس از اربابان و مالکین قراء فوق هرمقدارسهم وحصهٔ که دارند ازفوق دهنه میگیرند و زراعت خودرا آب می‌دهند ولی بعد از زراعت شلتوك که رفع محصول شلتوك است آب مذکور از دهات فوق می‌آید بتحت و هریك از اهالی قراء اکل شرب ایشان وگردش آبدنگ و آسیاء ایشان ازآب مذکور است و بهمین‌منوال از قدیم‌الایام الی‌زماننا بهمین طور معمول بوده است ولی در هذه‌السنه آقایان و مالکین قریهٔ مرزبانکلاته بجهة بعض گفتگوهای ملکی در مقام نزاع و انقلاب برآمده آبیکه همیشه اوقات ازفوق‌می‌آمد بمرزبانکلاته و از مرزبانکلاته می‌آمد بچوپلانی و از قریهٔ چوپلانی می‌آمد بقریهٔ شمس‌آباد آب‌مزبور را نمیگذارند بطرف چوپلانی وشمس‌آباد بیاید و آبدنگ و آسیاها را ازگردش‌انداخته‌اند در اینصورت معروضهٔ آقا سلطنت دارندکه ممانعت نمایند یاخیر .

[در حاشیهٔ بالای این استدعای صدور حکم مطالب زیر نوشته شده است:]

هو

ظاهر اینستکه سلطنت نداشته باشند ممانعت نمایند مگر خلاف آنرا معلوم نمایند

والله اعلم و لقدکتبه‌العبدالمعتدی‌الایثم فی ۷ جمادی‌الاخر سنه ۱۳۰۸. [جای مهر][1]

درصورتیکه آب رود از قراء فوق خارج میشود و اهالی قراء سفلی سفلی در مجاری خود یا مجاری قراء فوق آسیا و آبدنگ دارندکه ملك ایشان است مالکین قراء فوق مسلط بـر منع نیست‌اند لاضرر ولاضرار فی‌الاسلام باید بطریق سابق مستمر باشد .

[جای مهر][2]

با عدم بمعلومیت انحصار به قری فوق باید آب بیاید قری‌سفلی که قریهٔ چوپلانی و قریهٔ‌شمس‌آبادست مشروب شوند .

حرره‌الاقل ۱۳۰۸.

[جای مهر][3]

۱۷

حکم حکام شرع دربارهٔ واگذاری حق حاجی‌علی درحفرقنات چوپلانی ازقرارچهاردانگ ودودانگ به‌زارعین قریهٔ‌مذکور .

حضور مبارك قبلة‌الانامان بشرف عرض میرساند نظر بقراردادنامچهٔ موجوده که از لحـاظ انورتان میگذردکه آقایان سادات درازگیسو اجازه بحاجی‌علی ساکن قریـهٔ شمس‌آباد داده بودند در حفر قنات ازقرار چهاردانگ و دو دانگ و حاجی مذکور همان اجازه را در حفر قنات شرکت‌کردند با مرحوم‌آقـاسیداسمعیل درازگیسو و در قرارنامچه قلمی است مالوجه زارعین قریهٔ چوپلانی حاجی مـذکور حق‌ندارد زرع قنات را بزارع غیر از قریهٔ مذکوره واگذار نماید بااین قرارداد و بودن و میل‌داشتن

۱ـ مهرچهار گوشه‌ای که‌این کلمات‌درروی آن‌خوانده‌می‌شود: «الراجی‌عبدالله‌علی کریم؟ ۱۲۷۲ » . ۲ـ مهری بیضی‌باسجع : «عبده‌الراجی‌حسین بن‌محمد » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : «تمسکه‌علی‌صراطحق ۱۲۸۰ » .

زارعین قریهٔ مسطوره و سکنا نداشتن ورثهٔ مرحوم حاجی مذکور در قریهٔ مذکوره آیا میتوانند خود ورثه و یا بزارع غیراز این قریهٔ واگذار نمایند وزارعین قریهٔ مذکوره را ممانعت نمایند یاخیر و هم آقایان سادات و مالکین آن ملك حق ممانعت کردن از زارعین غیراز رعیت چوپلانی را دارند یا خیر شرعاً استدعااست که حکم اشد مرقوم و مزین فرمایند محل حاجت است .

[برحواشی این استدعای صدورحکم مطالب زیر نوشته شده است :]

هوالمستعان برحسب القرارنامه که ملاحظه شده نمی توانند بغیرزارعین چوپلانی بدهند فی شهر جمیدی الاولی ۱۳۳۱.

[امضا محمدعقیلی]

بسم‌الله الرحمن الرحیم قرارنامهٔ آقایان را دیدم نمیتوانند بغیرزارع چوپلانی دهند. حرره الاقل جامع اهل العلم والعمل ۱۸ ج ۱/ ۱۳۳۱. [جای مهر][1]

هو

قرارنامهٔ قنات مورد سئوال را دیدم در صورتیکه زارع ساکن قریهٔ چوپلانی که میل بزرع در رویهٔ قنات مزبوره داشته باشد بوده باشد حافرومن بحکمه حق دادن بغیررا ندارند. حرره الاحقر فی ۱۹ شهرالجمادی الاولی من شهور ۱۳۳۱. [جای مهر][2]

بحسب ملاحظهٔ قرارنامه درصورة مفروضه بغیرآن زارعین حاضر زرع نمیتوانند نمود. تحریراً فی التاسع من العشر الثانی من اول الجمادتین من شهور سنهٔ ۱۳۳۱. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محمدطاهر بن محمد» . ۲ـ مهر بیضی با سجع : «عبده الراجی براتعلی». ۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده کریم العقیلی» .

هو

خیرحق ندارند و آقایان حق منع را دارند. حرره‌الاقل. [جای‌مهر][1]

مطلب از قراری است‌که آقایان دامت برکاتهم مرقوم فرموده‌اند و ازهمین قرار باید رفتار و معمول داشت تخلف جائز نیست. حرره فی شهر جمیدی‌الاولی ۱۳۳۱. [جای مهر][2]

۱۸

حکم‌حکام‌شرع‌درباره وقفیت‌املاك ومزارع وقراء فندرسك و نافذ وممضی ولازم‌الاتباع دانستن احکام‌علما وفقهای سابق‌را.

مسئلت میشود از علماء اعلام و فقهاءکرام از بلدهٔ استراباد و بسطام در خصوص املاك ومزارع وقراء واقعهٔ درمعمورهٔ فندرسك که‌مرحوم‌مبرور جنت‌مکان آقامیرزا بیکا و هم‌سلیل جلیل ایشان قدوةالفقهاءالعظام وعمادالعلماءالاعلام المرحوم‌المبرور آقامیرزا ابوطالب الموسوی‌الفندرسکی قراء و مزارع چندی وقف براولاد خودشان فرموده بودند و سالهای عدیده و سنوات متعدده اولادآن بزرگواران و بطون متعدده تصرف در املاك مزبوره داشته‌اند و بعنوان اجاره و استیجار متصرف در آن املاك بوده‌اند مضافاً برصدور فرامین از سلاطین صفویه رحمهم‌الله تعالی و نوشته‌جات موجوده که‌داله بروقفیت این املاك می‌باشدکه‌آقایان ازعلماء حکم بروقفیت فرموده‌اند و مقصود از سؤال آنستکه اولاً آقایانیکه صدور احکام در این باب از ایشان شده واجاره‌نامچهٔ

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع: «عبده‌محمدحسن». ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌عباسعلی‌العقیلی».

املاك موقوفه ممهور و مزین فرموده‌اند چگونه اشخاصی بوده‌اند چون بعضی از آقایان داعی حق را لبیّك گفته و برحمت ایزدی واصل شده‌اند مستدعی آنکه معرفت خود را درحق آقایان دراینورقه مرقوم بفرمائید و بیان اسامی مبارکهٔ آقایان علماء شاهرود و بسطام و مضافات از قرار تفصیلی است که در ذیل ثبت و نگارش می‌شود .

عمدة العلماء الکرام و زبدة الفقهاء العظام الغریق فی بحار رحمة الله الحاج شیخ عبدالحسین بسطامی طاب ثراه .

اسوة المتبحرین و نخبة المروجین المرحوم المبرور الحاج علی اکبر شاهرودی نورالله مرقده .

زبدة العلماء و کهف الانام مرحمتمآب خلدنصاب الحاج شیخ الاسلام شاهرودی .

عماد العلماء الفخام و مبیّن الاحکام جنت‌مکان جناب مستطاب آخوند ملاّحسین مدّرس شاهرودی .

ثقة الاسلام و زبدة الفقهاء الکرام المبرور المغفور جناب آخوند ملامحمدعلی کرمنی رحمة الله علیه .

مبین الاحکام و ملاذالانام مرحوم بغفران قرین جناب آخوند ملاحاجی کرمنی .

اسماء محترمهٔ مبارکهٔ آقایان علماء و سادات بلدهٔ استراباد و معمورهٔ فندرسك حیّاً و میّتاً از قرار تفصیل ذیل است :

عماد العلماء الکرام و سداد السادة الفخام المرحوم المبرور الحاج سیدمصطفی العقیلی طاب الله ثراه .

حجة الاسلام والمسلمین و آیت‌الله فی الارضین آقای شریعتمدار آقاشیخ صفی‌الله مدّ ظله العالی .

ملاذالانام و مروج الاحکام و اسوة السادة الفخام حاجی آقا حاجی سیدطاهر دامت برکاته.

عمدةالعلماءالمحققین وزبدةالفقهاءالمدققین‌الخائض فی بحار رحمةالله‌المبرورالمغفور آخوند ملاّ محمدهادی عطرالله مضجعه .

عمدةالعلماء الراشدین و زبـدةالفقهاء المکرمین المرحـوم المبرور آقـای آقاشیخ محمدصالح .

مروج‌الاحکام و غوث‌الانام‌المرحوم‌المغفور جناب‌آخوند ملامیرزاحسین .

و ثانیاً بلحاظ نوشتجاتی‌که دربین‌است از وقفنامـه و اجاره‌نامچه و احکام صادره از آقایان‌آیا این‌املاك وقراء مسطورهٔ دراجاره‌نامچه را وقف براولادمرحومین‌مبرورین میدانیـد یا خیر و فعلاً یدغیرایشان چه عنوان دارد آیا محکوم به غصب و عدوان است یا خیر وصورت املاك و قراء و مزارع‌که در اجاره‌نامچه است از این قراراست یاخیر قریهٔ معینهٔ معروفه به شیرین‌آباد بالنصف مزرعهٔ معینهٔ معلومه به‌زرینگل و واکانو در فندرسك بالثلث قریهٔ معینهٔ موسومه بآتشباغ بالتمام قریهٔ معینهٔ معروفه بسیاه‌رودبـار بالتمام قریهٔ معینهٔ تلنار واقعه در فندرسك بالثلث قریهٔ مشهورهٔ بابر من‌محال بلدهٔ‌بسطام بالثلث قـریهٔ مدعوه بعشقی‌محله بالتمام قـریهٔ‌معینهٔ معـروفه بسهل‌محله بالتمام قریهٔ موسومه بحاجی‌کلاته بالتمام قریهٔ معروفه بتنارود بالثلث قریهٔ موسومه بتیرزان بالتمام قریهٔ معینهٔ معروفه بقنقرآباد بالتمام قـریهٔ مدعوه بحکیم‌آباد بالتمام قریهٔ معینهٔ موسومه بمازدستان بـا اراضـی علیا وسفلی بالتمـام قریهٔ معینهٔ معـروفه بسیاوستان مع‌ملحقات بقدرالحصه بالثلث قریهٔ معینهٔ معلـومه بطالب‌آباد بالتمام طاحونهٔ معروفه بطفاردائره بیك‌سنگ واقعه‌دراصل‌قصبهٔ فندرسك قریهٔ‌معلومهٔ معروفه بقریهٔ ولنگه بالتمام بلکه مطلب دیگرهم ازاجاره‌نامچه‌استفاده فرموده‌اند وآن این است‌که‌حتی مزرعهٔ چرچنگ وخیمه‌بن ومزرعهٔ برزمهین و بعضی

از مزارع دیگر نیز ملك متصرف فیه مرحوم مبرور میررحمةالله‌علیه بوده‌است.

[مطالبی‌که در حواشی این استدعای صدورحکم آمده‌است :]

هوالمستعان

. . . . [1] از آنکه امثال حقیر وجوب اتباع و امتثال و انفاذ بنویسم مسلم‌است تردید احکام امثال ایشان درحدود شرك است الاحقرمحمدمهدی‌الحسینی.
[جای‌مهر][2]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم آنچه براقلام مبارکهٔ حجج‌اسلام و هدات انام‌کثرالله امثالهم فی‌شریعت‌الاسلام مانند ملاذالاسلام مولنا حضرت آقاشیخ صفی‌الله وقبلةالانام سیدنا سرکارآقا حاج سیدطاهردام‌ظلهما وشریعتمداران مرحوم حاج شیخ‌عبدالحسین‌وسرکار حاجی‌شیخعلی‌اکبر قدس سرّهما و عمادالاعلام مرحوم آقاشیخ محمدصالح جاری‌گشته ازبیان مطالعهٔ اصل باسواد یا وقوع و صحت اجارهٔ این املاك‌بعنوان الوقفیه یا حکم بوقفیت‌آن اعیان منع‌لاترد. فی جمادیةالاولی ۱۳۳۱. [جای‌مهر][3]

هـو

امر موقوفـات و تصدیـق علمـاء اعلام بنحـوی است کـه مرقوم شده متبع . . .
[جای مهر][4]

هـو

مـاحرره الاعلام معتمد فی‌المقام. حـررته فی ۲۳ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۱ .
[جای دو مهر][5]

اتباع ماصدرعن هولاء الاعلام‌المذکورین فی‌الورقه من‌لوازم‌الایمان والـرادعلیهم‌رادّ

۱ـ در حدود ده دوازده کلمه از میان رفته است . ۲ـ مهری‌بیضی‌کوچك‌بانام: «محمدمهدی‌الحسینی». ۳ـ مهری بیضی و ناخوانا . ۴ـ مهری‌بیضی باسجـع: «عبده محمدحسن» . ۵ـ مهری بیضی بانام: «یعقوب‌الحسینی » و مهری دیگر بـا نام « محمدباقر» .

لحجةالعصر روحی‌فداه فهو فی‌حدالشرك بالله‌تعالی فیجب ... بمؤدّی ماصدرعنهم فی‌الوقف والقبض والاجاره والتصرف ولیس لاحدٍ مخالفة احکامهم‌الشریفه‌الساطعه زادهم‌الله شرفاً. حرره‌الاحقر فی ۲۳ شهرالجمادی‌الاولی ۱۳۳۱ . [جای مهر][1]

بسم‌الله تعالی

وقفیت املاك مرقومه بنحوی که در سواد وقف‌نامچه و صورت اجاره و استجارهٔ آنها بنابرآنچه‌بخطوط و خواتیم‌آقایان علماء عظام که هر یك در حقیقة ثقةالاسلام وملاذالانام بوده‌اند اظهرمن‌الشمس وابین من‌الامس‌است . حرره‌الاحقر.
[جای مهر][2]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هئولاءالعلماء الاعلام والفقهاءالعظام من بلدةالبسطام صانهاالله عن‌الانهدام رجال‌صدقوا ما عاهدوالله‌علیه لانهم‌اعلی‌الله‌مقامهم ورفع‌فی‌الخلداعلامهم‌من‌الذین‌قاربواعصرنا اوقضوانجهم فی زماننا‌وهم‌ثقاةعدول وکانوافی‌العلم والعمل‌فی‌عصرهم‌من‌الفحول ولعمری تعالی‌شأنهم‌العالی‌عن‌ان‌ینالهم‌ایدی‌مدح‌مثلی‌اوامثالی ولاریب ولاشبهة فی‌تصحیح‌مایصح عنهم‌عن‌حکم‌اوفتوی‌اوغیرهما و بعدمالاحظنااحکامهم‌المتعقبه‌فی‌هذاالباب اعنی حکمهم قدس سرهم بوقفیة القری والمزارع‌کمافصل فی‌الورقه مضافاً الی‌مااستفدنا من‌سواد الصحیح من ورقة تذکرة الوقف والفرامین‌الصادرة من‌السلاطین و اوراق تذکرة ـ الاجارات من‌اولادالواقف‌السعیدالمبرور والقرائن‌الخارجیة والداخلیه علمنا علماً قطعیاً بوقفیه الاملاك‌المزبوره علی اولادالمیرالمرحوم‌طاب‌ثراه و تصرف‌غیرهم‌بلااذنهم و رضاهم حرام‌بین . . . . التصرف فیها بلااجازتهم...المحوج الی‌ربه‌المتعالی‌الساکن فی‌کرمن من‌مضافات‌بسطام . [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی با سجع:«عبده‌الراجی‌برات العقیلی ». ۲ـ مهری‌بیضی‌کوچك با سجع: «یا علی» . ۳ـ مهری بیضی‌کوچك با‌نام : «محمدحسین».

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

ورقه مشتمل است بر سجلات وامهار اعلام علمای استراباد ازجمله مرحوم طوبی‌مقام آقای حاج شیخ‌محمدحسین استرابادی .... [جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بلی اسامی آقایان عظام‌که در متن ورقه مرقوم شده غالب ایشانرا احقر میشناختم که وحید عصر خودشان و مراتب ایشان اعلی‌الله‌مقامهم همان‌طور است‌که‌آقای‌شیخ‌محمد حسین‌دامت‌برکاته مرقوم‌فرموده‌اند. حرره الاحقرالفانی زین‌العابدین .

[جای مهر][2]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

لاریب فی‌علو مقامهم و تصحیح مایصح عنهم و لزوم‌الاتباع فیمـاجرت علیه اقلامهـم الشریفه فحکمهم بوقفیه‌القری المفصله فی‌الورقه والمزارع والاملاك المرقـومه فیها متبعة ولایجوزالتخلف عن مؤدیه. حرره‌الاحقر عبدالحسین‌الرامیانـی الاسترابادی فی‌العشرالثانی من‌جمادی‌الثانیه من‌سنه ۱۳۲۹. [جای‌مهر][3]

ذلك‌الكتاب لاریب فیه شهیر بآقا بزرگ. [جای مهر][4]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم تعـالی‌شأنه عظم‌شأنهم وعلومقامهم علماً و عملاً ولزوم اتباع ماجرت علیه اقلامهم الشریفه غنّی عن‌البینة والبیـان و اوضح مـن‌ان‌یفتقر الـی‌اقامة

۱ ـ مهری بیضی و ناخوانا . ۲ ـ مهری بیضی بـا نـام : « زین‌العابدین » .
۳ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «العاصی‌الراجی‌عبدالحسین». ۴ـ مهری‌بیضی بانام : «احمدالحسینی» .

البرهان. حرره‌الاحقر الجانی فی‌العشر الثالث‌من‌الربیع‌الثانی۱۳۲۹ . [جای‌مهر][1]

بنابر معرفت اغلب وفرمودهٔ حضرات علماء اعلام مدظلالهم علی‌رؤس‌الانام در علو مقام و عظم شأن‌الحجج اسلام طاب‌الله‌ثراهم محل شبهه نیست انجمن‌ولایتی شاهرود بسطام. [جای مهر][2]

هوالمستعان

اتباع ارقام حجج‌اسلام ومروجین شریعت حضرت خیرالانام صلوات‌الله علیه وآله از لوازم ایمان ومخالفت موجب‌غضب‌حق‌تعالی‌خواهد بود. حررته فی۲۳جمدی‌الاولی سنه ۱۳۳۱ . [جای دومهر][3]

۱۹

حکم (فتوی) شرع دربارهٔ اینکه متصرف وذوالید را نمی‌توان با ابرازقبالهٔ دویست سال قبل غیرمعلومة‌النسبة ، ذوالید را از تصرف منع نماید .

حجة‌الاسلاما چه میفرمائید دراین مسئلهٔ شرعیه زیدنامی ملکی‌را چندین‌سال است که متصرف و ذوالید است عمرونام یك قبالهٔ قدیمهٔ‌غیرمعلومه‌النسبة‌که تاریخ‌آن قباله دویست‌سال قبل است ابرازمیکند وبه‌همین قبالهٔ قدیمهٔ غیرمعلومه‌النسبة زید متصرف ذوالید را میخواهد از تصرف منع نماید آیا عمرو نام قبل از اثبات در محکمهٔ شرع حق دارد زید متصرف ذوالید رامنع از تصرف نمایدیا خیر مستدعی است آنچه‌حکم

۱ـ مهری‌بیضی‌باخط طغرا و سجع : «الراجی حبیب‌الحسینی ». ۲ـ مهری با نوشتهٔ «وانجمن‌ولایتی‌شاهرود بسطام» . ۳ـ دومهر بیضی‌کوچك ناخوانا.

شرع مطاع است در فوق عریضه مرقوم فرمایندکه محل حاجت‌است.

شهر رجب ۱۳۴۶ محمدهادی‌الحسینی‌طاهری.

[برحواشی این استدعای صدورفتوی مطالب زیر نوشته شده است :]

خیر نمی‌تواند او را منع از تصرف نماید مگر بعد از اثبات غصب. حرره الاحقر المسکین زاهدی‌فی ۶ شعبان ۱۳۴۶. [جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

متصرف‌کمافی‌السابق باید در ید او باشد وشرعاً‌احدی حق‌مزاحمت وممانعت‌متصرف‌را ندارد و اسناد قدیمهٔ دویست سال قبل فی‌حد ذاته جلوگیر ازتصرف فعلی شرعاً نمیشود و بر بیشتر آثار نباید بآن استناد داده شود و خارج ید باید بمیزان شرع‌دعوی خودرا اثبات نماید. والله‌العالم وهوالحاکم . [جای‌مهر][2]

هو

نوشتجات قدیمهٔ کهنه معارض باید و تصرف فعلی نیست بلکه مدعی غصب باید نزد حاکم‌شرعی غصبیت تصرف فعلی ذی‌الید را معلوم بنماید. والله‌العالم . [جای مهر][3]

آنملك بایدکماکان درتحت ید و تصرف مالك و متصرف فعلی باشد و مدعی خارج ید باید رجوع بمحکمهٔ شرعمطاع لازم‌الاتباع نماید تا دعوی او مطابق‌میزان شرع‌انور خاتمه پذیرد. حرره‌الاقل محمودالموسوی . [جای دومهر][4]

۱ـ مهری بیضی کوچك‌باسجع: «یا محمد والآل» . ۲ـ مهر کوچك بیضی با نام:«عبدالصمد» . ۳ـ مهری‌کوچك بیضی با سجع: «عبده‌الراجی برات‌العقیلی».

۴ـ مهر بیضی‌باسجع:«محمود الموسوی»ومهر بیضی بزرگتر باسجع:«محمدابن محمدجعفر».

هو

با تصرف فعلی نوشتجات قدیمی را فاضر بوهاعلی الجدار. حررته‌بیدی القاصره فی۶ شهر رجب‌المرجب ۱۳۴۶ . [جای مهر][1]

۲۰

حکم حاکم شرع در باب خانهٔ آقا میرموسی‌الحسینی ملقب به درازگیسو وقف براولاد است وموقوف‌علیهم در این وقت آقا میرموسی و میرمحمد تقی هستند و خانه من‌حیث‌الوقف اختصاص به مشارالیهما دارد .

بسم‌الله‌تعالی شأنه

غرض از ارتسام این ارقام شرعیة‌الانتظام آنستکه از شهادت عالیجنابان مقدس‌القابان فضایلمآبان قدسی‌انتسابان کهف‌الحاج حاجی‌سید فضل‌الله و آقامیرزین‌العابدین الموسوی الحسینی و جمعی‌غفیر از رجال و نسا و اقرار میرزا محمدعلی هروی بر وقفیت باغچه و خانهٔ مسکونهٔ عالیحضرت‌آقا میرموسی برداعی دوام دولت قاهره علم قطعی حاصل‌گردیدکه خانه و باغچهٔ مسکونهٔ عالیحضرت ستوده‌خصلت سیادت منقبت آقامیرموسی‌الحسینی الملقب بدرازگیسو وقف اولاد است والحال موقوف‌علیهم آقا میرموسی و میرمحمدتقی برادرش‌میباشند و خانه من‌حیث‌الوقف‌اختصاص بمشارالیهما دارد و احدی را درآنخانه دخلی نمیباشد بایدکه موقوف علیهم‌بوقفیت عمل‌نموده برهن ندهند و هبه ننمایند و بیع نکنند فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه العلم عندالله تعالی. [جای‌مهر][2]

۱ـ مهری بیضی بانام « سرالله‌العقیلی ». ۲ـ از این مهر کلمات « عبده‌محمد » خوانده می‌شود .

[بر حاشیهٔ سمت راست و چپ بالای این حکم مطالب زیر نوشته شده است:]

الحکم ماحکم والدی طاب ثراه وجعل الجنة مثواه العبدالجانی . [جای مهر][1]

هوالله تعالی شأنه نوشتهٔ مزبور رخط ومهر والد ماجدم طاب ثراه است. [جای مهر][2]

نوشتهٔ مزبوره ... ومهروالد ماجدم طاب ثراه است. [جای مهر][3]

۲۱

تقاضای صدور حکم شرعی که نوشته شده و به نظر حاکم شرع نرسیده است .

قبلة الانام قراء استرابادکه بعض فوق بعض واقع‌اند که آب قریهٔ فوق بـا آب غیر که داخل مجراء قریهٔ فوق می‌شود در غیر فصل زراعت آن آبها داخل مجراء قریهٔ تحت می‌شود و درآن قریه آسیا و آبدنگ است که ازآب مجراء فوق داخل در مجراء قریه می‌شود و داخل ده می‌شود و آسیا و آبدنگ آن گردش می‌کند و صاحب قریـهٔ فوق مجاری دیگر در ملك خود دارد و در فوق قریه دور ذیل آن‌که در فصل زراعت آب خود را درآنها جاری میکند بجهة زراعت آیا صاحب قریهٔ فوق می‌تواند درغیرفصل زراعت آبیکه ازقریهٔ آن خارج می‌شود و داخل در مجراء قـریهٔ ذیل می‌شودکه در آن مجراء و قریه آسیا و آبدنگ گردش میکرد بیندازد در مجراء دیگرخود ومانع شودکه داخل در ملك قریهٔ ذیل شودکه آسیا وآبدنگ قریهٔ تحت گردش نکنند باآنکه مالك قریهٔ تحت آن مجراء را متصرف است و مدعی ملکیت آن است یـا شرعاً مسلط

۱ــ مهـری چهـارگوشهٔ بزرگ بـا تزیین و سجـع: «المتوکل علی‌الله محمدحسین الموسوی».   ۲ ــ مهری چهارگوشه که کلمات: «علی‌الله محمدالموسوی » بر آن‌خوانده می‌شود .   ۳ــمهری چهارگوشه که کلمات: «الله‌محسن‌الموسوی» برآن خوانده‌می‌شود .

نیست باید بظاهر شرع آب از آن مجراء درغیر فصل زراعت برود تا غصبیت را مالك قریهٔ فوق معلوم‌کند حکم‌شرع‌را بیان فرمایند حق بمنزلة الحق انشاءالله برسد.
زیاده‌عرضی ندارد والسلام.

۲۲

حکم شرعی بدون مهر و امضا در باب وقفیت پنج‌دانگ میرمحله و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی.

مطاعاً سلمکم‌الله تعالی

آنچه براین‌اقل داعی‌سرکارمعلوم‌است درخصوص حکایة ومقامهٔ قریهٔ میرمحله و چوپلانی آنستکه بعد از مراجعت ازسفراصفهان و عتبات‌که بجهة تحصیل رفته بودم قریب به‌پنجاه‌سال میشودکه از مرحوم جنت‌مکان‌حاجی‌ملارضارضی‌الله‌عنه شنیدم‌چون از جهات متعدده زیاد خدمت ایشان مشرف میشدیم میفرمودند و حکم نمودند که پنج‌دانگ از قریهٔ میرمحله و چوپلانی شش‌دانگ از قدماء جناب مرحوم جنت‌مکان آقامیرموسی و جناب مرحوم‌آقا سیدمحمدتقی اخوی ایشان وقف نموده‌اند براعقاب خود از جمله جناب‌آقا مرحوم مذکور و اخوی ایشان و هکذا ماتوالدوا وتناسلوامن غیرها یا بهرنحو تحریر در . . . .
از...وصواب مقامهٔ مذکور بلکه جمعی از موثقین در این زمان نزد این احقر دعاگو هم شهادت دادند بر نحو مذکور لهذا در تمسّکات حضرات همچیزی نوشتم در حقانیت حق آقایان سادات‌که حامل ۱۱ نوشته هستند چون مستدعی شدند عرض‌شد.

باقی‌ایام بکام والسلام

بخش سوم

وقفنامه‌ها

۱

وقفنامۀ یساقی مورخ ذیحجةالحرام سنۀ ۹۰۳ ﻫ . ق .
در این وقفنامه‌سیدشهاب‌الدین فضل‌الله قاضی‌قرای‌روشناباد و زینل‌آباد و سیاه‌دارستان واقع در بلـوك سدن‌رستاق ولایت استراباد را با جمیع‌توابع ولواحق و مضافات و منسوبـات و حقوق داخله و خارجه وقف براولاد ذکور خود ماتوالدوا و تناسلوا بطناً بعد بطن‌کـرده است و شرایط وقف را درآخـر وقفنامه یادنموده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله‌الواقف علی‌السرائر والسلام علـی‌محمدٍ وآله‌قدوة ارباب‌البصائر اما بعدبرضمائر ارباب بصیرت واضح‌است که انسانرا چنانچه در این حیات فانی احتیاج بمؤنت و ضروریات هست بمقتضی‌آیۀکریمۀ خلق‌الانسان ضعیفاًدر آن حیات جاودانی‌که احتیاج ... بموجب فرمودۀ فلتنظر نفس ماقدمت لغـد و بحکم حدیث‌الدنیامزرعةالاخرةشك‌نیست‌که جمیع حوائج عالم‌آخرت را ازاینجامیفرستد و از مضمون قضیۀ قطعیۀ افضل‌مایبقی للانسان بعدفوته‌الصدقةالجاریه و خصوصاً اذاکانت علی ذوی‌القربی چنان مستفاد میشودکه صدقۀ جاریه برذوی‌القربی مرتبۀکمـال دارد در فضـل فلاجـرم جناب صاحب‌نفس‌قـدسیه جامع‌کمـالات انسیه فخـرآل‌ابوطالب ذخرالآباء فی . . . بنی‌غالب شمس فلك‌المعالی افتخارالاعاظم والاعالـی قطب‌السماء السیادةمرکز دایرةالسعادة حامل لواءالشریعةالمصطفویه سالك‌مسالك طریقةالمرتضویه سید شهاب‌الدین‌فضل‌الله‌القاضی‌ابن‌السیدالکبیر الماضی . . . عنایت‌الرحمة والمغفرة سیدرضی‌الدین ابن‌السیدالمرحوم المبرور الواصل‌الی رحمةالملك‌الغفور سیدفضل‌الله القاضی ادام‌الله ظلال اقبال‌الخلف و رحم احسان‌السلف فحوای مقدمات مذکور را از کمال بصیرت مـلاحظه فـرموده در وقتی‌که درحق اولاد و احفاد خود ... مساء ...

می‌فرمرد امور مصالح فرداء ایشانرا مزیّن میگردانید وخواست‌که طریق معاش‌ایشان مضبوط ماند وقف کرد و تصدق فرمود حال صحته و ثبات عقله و نفاذ جمیع تصرفاته من‌اشرف ضیاعاته و احسن عقاراته مما کان‌حقه ویملکه و فی‌یده و تصرفه‌الی حین هذاالوقف خالیاً عن حق‌الغیر و عمایمنع جوازالوقف و لزومه وآن همگی و تمامی بوم و جمله قریهٔ روشناباد وزینل‌آباد وسیاه‌دارستان است ازتوابع روشناباد مذکور و متصل جانب شرقی اوست واقع در بلوك سدن‌رستاق من‌اعمال ولایت‌استراباد و تمامی قریهٔ مذکوره مع‌تابع مذکورآن براین وجه محدود است شرقیها بعضی متصل قریهٔ سرکلاته که وقف اولاد واقف مشارالیه است و بعضی متصل قریهٔ جلاو که وقف واقف مشارالیه و شرکاست و بعضی متصل قریهٔ اشکنجه‌که در تصرف عالیجناب‌متعالی مرتبت مرتضوی انتساب امیرسیدعمادالدین اجل ابن‌المرحوم سیدجمال‌الدین ابن ـ المبرور امیرسید زین‌الدین علی‌اجل است وبعضی متصل قریهٔ سیره‌دوین‌که درتصرف عالیجناب سیادت‌مآب مشارالیه و اولاد امیرسیدعلینقی ابن امیر سیدبهاءالدین است واحد منهم امیرسیدعبدالله فاصلهٔ‌کاریز مشهور جناب سیادت‌مآب مرحوم امیرسید نظام‌الدین عبدالحق اشرف‌که داخل قریهٔ روشناباد مذکور است وازآنجامنتهی‌میشود بکنکرچی‌وال مشهور وبعضی متصل قریهٔ‌کسوان‌که درتصرف همان عالیجناب‌مشارالیه است فاصلهٔ کنکرچی‌وال مشهور مذکورکه ممتد میشود بجوی جرجان غربیها بعضی متصل قریهٔ نامن‌که در تصرف سیادت‌مآب مرتضی‌زادهٔ‌اعظم امیرسیدعبدالعزیزبن‌السید المرحوم امیرسیدعزیزبن امیرسیدعزّالدین‌کردچمنی و بعضی متصل قریهٔ شاده‌که‌در تصرف شرکاست واحد منهم ملك‌شهاب‌الدین ابن‌ملك‌محمدابن‌ملك شهاب‌الدین نوشیروانست و بعضی متصل قریهٔ ایمن‌آبادکه در تصرف امیر سیدنظام‌الدین عبدالحق ابن‌السیدالمرحوم امیرسیدکمال‌الدین اجل ابن امیرسید جمال مذکور است و بعضی متصل قریهٔ پیشین‌کلاته که‌در تصرف امیرسیدنظام‌الدین عبدالحق مشارالیه است و

بعضی متصل قریهٔ کلاته نصیری که در تصرف ورثهٔ سید امیر محمد بن امیر سید رضی الدین مشار الیه واحد منهم ابنه میر سید کمال حسین جنوبیها بعضی متصل قریهٔ جلاو مذکور دو بعضی قریهٔ شمشك که وقف اولاد سید زکی الدین محمد بن امیر سید عماد الدین است ودر تصرف اولاد مشار الیه است شمالیها متصل جوی جرجان که مشهور است باجمیع توابع و لواحق ومضافات و منسوبات و حقوق داخله و خارجه از قنوات و ینابیع و مواضع طواحین و هرچه از بوم محدود مذکور دارند و شمرند شرعاً و عرفاً سوی المقابر و المساجد والطرق والحیاض و حقوق السعی المعلومة المسلمین و سوی آب چشمهٔ مزار متبرك مشهور روشناباد که اگرچه حقابهٔ قریهٔ روشناباد مذکور بوده اما واقف مشار الیه تقبل الله منه قبل از این وقف کرده است برمزار متبرك مشهور روشناباد مذکور ومسجد سید مشار الیه که متصل گنبد مزار مذکور در جانب شمال ساخته براولاد ذکور خود و اولاد اولاد ذکور خود واولاد اولاد اولاد ذکور خود ما توالد واو تناسلوا بطناً بعد بطن و بعدهم العیاذ بالله بر اولاد اناث اولاد ذکور خود علی الترتیب المسطور للذکر ضعف الانثی و بعدهن براولاد اناث خود واولاد اولاد اناث خود علی الترتیب المذکور للذکر ضعف الانثی و بعدهن اقارب وعشایر خود ذکراً کان اوانثی که بینهم للذکر ضعف الانثی قسمت نمایند و بعد انقراض جمیعهم عوذاً بالله یکون وقفاً علی الفقراء المسلمین و محاویج المؤمنین الی ان یرث الله الارض و من علیها وهو خیر الوارثین وشرط کرد جناب واقف مشار الیه تقبل الله تعالی منه که وقف مذکور را بیع و هبه و استبدال نکنند و جمیع تصرفات که منافی وقفست اجماعاً اوعند البعض از وقف مذکور مرتفع شناسند و زیاده ازسه سال بیك کس اجارت ندهند لا بعقد واحد ولا بعقود متعدده و بمردم متقلبه و کسانیکه اخذ بدل اجارت از ایشان متعذر یا متعسر باشد باجارت ندهند ومتولی شرعی وقف مذکور جهت حق التولیهٔ خود عشر کامل ازمحصول وقف مذکور تصرف نماید و باقی را بموجبی که مشروحاً مذکور شده بعد عمارت ضروریه بموجب شرط واقف مذکور بمصارف

وجوب رسانـد و تولیت وقف مذکـور را جناب واقف مشارالیه بر نفس خـود مفوض گردانید مادام حیاته طال بقائه و بقصد تولیت مذکوره قبض شرعی کـرد و بعد خـود بر اصلح و اکفی و اکبر اولاد ذکور او علی الترتیب المذکور الاقرب یمنع الابعد و بعد از انقراض اولاده واقاربه و عشائره عوذاً بالله حاکم شرع بلدهٔ استراباد کسی را که صلاحیت این امر مذکور دانسته باشد متولی گرداند و ایضاً شرط کرد جناب واقف مشارالیـه تقبل الله تعـالی منه کـه از وقف مذکـور رسم الصـدارة نگیرنـد و ده و یـازده طلب ندارند و متولی عـام در وقف مذکـور مدخـل ننماید و نسخـهٔ جمـع وخـرج و ده نیم حـق السعی طلب ندارد و چـون واقف مذکـور بشرائط الشرعیه تمـام قضـاة اسلام این وقفیة بسجل شریف ایشان مکمل میشود در ضمن مرافعهٔ شرعیه و محاکمهٔ دینیه بشهادت شرعیه ثقات و عدول حکم کردند اولاً برصحت ثانیاً برلزوم وقف مذکور ثم حکموا علی وقفیة فی ضمن المرافعه العزّی ثم حکموا فی ضمن مرافعه اخری علـی ان هذالحکم حکماً شرعیاً علی کافة الناس فصار الوقف المذکور محکوماً بصحته و لـزومه علی الکافة فمن غیّر شرطاً من ذلك اوشطراً اوسطراً اوحرفاً وصرفاً غیر مصلح زللاً اودافعاً خللاً فقدباء بغضب من الله و حسبه جهنم و ساءت مصیراً.

وکان کل ذلك فی رابع عشر شهر ذی الحجة الحرام سنه ۹۰۳ ثلاث وتسعمائه.

[برحواشی وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

الحکم المذکور علی النهج المسطور صدر عنی بعدرعایة مایجب رعایته شرعاً علـی.

[محل مهر]

وانا العبدالفقیر... کمال الدین محمدشریف السنائی وفق الله خیرداریهما.

صدرالوقف المذکور بشرائط المسطور عنی وانا الواثق بفضل الله الغنی فضل الله الموسوی حامداً الی الله ومصلیاً علی نبیه. [محل مهر]

شهد بمضمونه شاهمیر بن حسن تیرگر.

شهد بمضمونه سلطانحسین سرّاج .

شهد بجمیع مافیه عبدالخالق ابن طاهر حسین القاضی . [محل مهر]

من الشاهدین بمضمونه . حرره العبد حسین بن حاجی فخر الدین سهام کلاته بهجانی .

من الشاهدین بمضمونه . حرره العبد علی بن زین العابدین اجل الحسینی . [محل مهر]

شهد بمضمونه حرره العبد کمال الدین محمود ابن محمد الحسینی احاط علمی بجمیع ما

فی المسطور وانا العبد الفقیر الی الله القوی زین العابدین ابن محمد بن نور الدین الحسینی

الرضوی بشهادة مولانا فخر الدین کفشگر .

من الشاهدین بمضمونه . حرره العبد علی المهیمن .

الواقف علی مضمون المسطور فی الصدر علی طبیب ابن حاجی حسین استرابادی .

[محل مهر]

بشهادة مولانا نظام الدین محب . [محل مهر]

شهد بمضمونه العبد الفقیر . [محل مهر]

شهد بمافیه . حرره العبد عبدالحق بن علی اصغر اجل الحسینی . [محل مهر]

بشهادة خواجه حاجی عماد الدین کمانگیر روشنابادی .

الواقف والشاهد بمضمونه . العبد الضعیف محمد الطبیب الفارسی ابن محمود .

[محل مهر]

بشهادة خواجه روح الله مازندرانی کتب بیده . [محل مهر]

شهد بمضمونه اسدالله .

علیحافظ الشاهد بمضمونه .

حرره العبد علی بن الحسن الحسینی شهد بمافیه .

حرره کاظم ابن زکی الدین الحسینی .

فشهد بمضمونه محمد بن شیخ داود امضیت الحکم المذکور بعد رعایت مایجب رعایتها

شرعاً عالماً بمحل الخلاف و انا الحقیر الفقیر الی الله الحامی مجدالدین بن قوام الـدین طارمی القاضی معسکر الکلیّه. [محل مهر]

بعدالتفکر فی مدلوله والتدبر فی منطوقه و ملاحظةالاتفاق والاختلاف اجریت الحکـم المذکور وامضیة علی النهج المزبور مستغنیاً من الله التوفیق فـی الامور و انا العبدالضعیف نظام بن حبیب الجرجانی. [محل مهر]

من المطلعین الشاهدین بمافیه فخرالدین تاج الدین درازگیسو الحسینی.

الواقف بمضمونه والشاهد بمدلوله عبدالرحیم بن محمدالحسینی.

شهدعلی اقرار الواقف المذکور بمافیه عزالدین حسنعلی الحسینی. [محل مهر]

احاط علمی بمضمون المسطور وشهد بمافیه. حرره العبدالخالق الفنی النجفی النیابة .(؟) [محل مهر]

شهدعلیه بالاعتراف ناصرالدین ابن علی. [محل مهر]

من المطلعین علی ذلك احمدبن تاج الدین. [محل مهر]

حسبی الله ونعم الوکیل. [محل مهر]

تأملت فی منطوقه و تدبرت فی مدلوله فوجدته موافقاً للشرع القویم والدین المستقیم و اجریت الحکم و امضیته مستمداً التوفیق من المهیمن العلیم وانا الفقیر علیمحمد ابورضـا استرابادی عفی الله عنهما. [محل مهر]

مضمون المسطور صحیح شرعی و انـا شاهد به کتبه الفقیر الـی الله الباری عبدالکریم بن عبدالمجیدانصاری غفرذنوبهما .

قد وقفت بمدلوله وانا الفقیر محمد النامنی. [محل مهر]

احاط علمـی بمضمون هذه الوثیقة الشرعیه و انـا العبدالمحتاج الـی رحمة ربـه الغنی حسین بن وطنابادی الغربی غفرذنوبهما . [محل مهر]

[نوشیروانست و بعضی متصل قـراء]ـ حسبی الله ونعم الـوکیل ـ جواب مسئلـه هست

ولی‌والله اعلم کتبه محمدبن ابراهیم‌القاضی شاهداً علیه سؤال بیان فرمائید ائمه دیـن رضی‌الله‌تعالی عنهم اجمعین‌که این وقف بشرائط مذکوره صحیح وشرعی هست بشرطه یانه و رسد اجنبی راکه موضع موقوفهٔ مذکوره راکه حکم برکافه شده بملکیت خود برمتولی وقف مذکور دعوی نماید یانی یتمنا بذکره الاعلی.[1] [محل مهر]

شهد حکم‌الحاکم علی‌النهج هذاالوقف و اناالعبدالحقیر الفقیر الخاطی ـ تیمناً بذکره الاعلی حسبی‌الله و نعم‌الوکیل . [محل مهر]

رونوشت برابراصل است دفترداد‌گستری‌گرگان

رونوشت برابر اصل است و اصل‌که بشمارهٔ $\frac{۵۲۴}{۴۳/۳/۳۰}$ ثبت دفتر رقبات وقف شده و نیز درصفحهٔ ۱۳۶۷ کتاب موقوفات اوقاف مرقوم شده در نزد اینجانب حـاج سید محمد مفیدی متصدی موقوفهٔ اولادی سادات یعنی مفیدی میباشد که هر موقع احتیاج باشد ادا نمایم .

امضاء سید محمد مفیدی

۱ـ مطالب بالا درهم ریخته وپراکنده است .

۲

وقفنامهٔ خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی مورخ۹۱۹ ه . ق . در این وقفنامه سیزده رقبه ملك در ناحیهٔ کبودجامهٔ استراباد و دو رقبه در ناحیهٔ برزمهین رستاق و دو رقبهٔ در ناحیهٔ فخرعمادی و هشت‌رقبه درناحیهٔ استرابادرستاق‌و پانزده رقبهٔ ملیارستان و تودستان در سه دانگ قریهٔ نوده و پنج رقبه در بلوك نواحی و سی و چهار رقبه در بلوك سدن‌رستاق و هشت رقبه در بلوك انزان و دو سنگ و دو دانگ سنگ آب خواسته‌رود را بر اولاد خود ذکوراً و اناثاً نسل بعدنسل و بطن بعدبطن‌وقف کرده‌است و تولیت‌آن‌باخود واقف‌تازمان حیات و پس از او با اکفی واصلح اولاد خود و پس از انقراض ایشان قاضی نافذالامر هرکسی راکه انتخاب کند متولی خواهدبود.

. . . .

. . . بکحل اعتبار در امور عالم فانی...مکحل‌گردانیده باشندبیشك بفکر صائب و نظر ثاقب دانندکه ذخائروحیوة دنیاء پرغرورکه محل زوال ...است و قرارگاهی که مکان ومحك‌عیار احوال نیکبختی‌جن‌وانس است...کماقال‌الله‌تبارك و تعالی‌انماالحیوة ـ الدنیا متاع و ان‌الاخرة هی‌دارالقرار و بحقیقت دانندکه تأئید نیك‌نامی جز بتقدیم نیکوکاری میسر نشود و استحقاق طرف الطاف‌حضرت حق سبحانه و حصول نعم مقیم یزدانی‌جز باجتهاد در تأسیس خیرات بالصدقه والامر بالمعروف والنهی عن‌المنکر متصور نمیگردد . . . .

چنانچه کلام مجید ناطق برآنست لن‌تنالوا البر حتی‌تنفقوا مماتحبون وماعندکم ینفذوماعندالله‌باق‌پس‌ازین‌کلمات صادقه چنان‌مستفادشدکه جمیع‌حوایج عالم‌آخرت‌را

از همین جا باید فرستاد ومضمون قضیهٔ قطعیه افضل مایبقی الانسان بعدموته الصدقة الجاریه وخصوصاً اذاکانت علی ذی القربی چنان مستفاد شده که صدقهٔ جاریه بر ذوی القربی درجهٔ کمال دارد مبنی برین مقدمات مذکوره که حروف او ظروف رحمت و رموز آن کنوز مغفرت است آنکه درین وقت و زمان بتوفیق الله المنان حضرت عالی جاه مملکت پناه معالی دستگاه حکومت شعار معدلت دثار محمدت آثار عضد الدولة السلطانی عمدة للمملکة الخاقانی ملاذ الاعاظم فی الافاق صاحب مسند العظمة بالاستحقاق کفیل مصالح السلاطین فی الدوران مؤتمن اسرار الخواقین فی الزمان مربی الفضلاء والصلحا ملاذ الاغنیاء والفقرا ناصب اعلام الجود والاحسان ماحی اقسام البدعة والطغیان ذوالشرف الظاهره والنسب الباهره والحسب الطاهره المظفر علی الاعداء بالسیف القاهره المخصوص بعنایات الملك الاکبر خواجه سیف الدین مظفر خلدت ظلال عظمته و شوکته و هو ابن عالیجناب رضوان مآب السعید الشهید الاعظم الاکرم المرحوم المبرور المغفور الواصل روحه الی جوار رحمة الله المستعان الاحد خواجه فخر الدین احمد بتکچی ادام الله اقبال الخلف الکرام و برّد مضاجع السلف العظام فحوی مقدمات مذکوره را ازکمال بصیرت ملاحظه فرمود درحال نفاذ تصرفات شرعیهٔ خود ... وقف کرد و تصدق فرمود حضرت مشارالیه تقبل الله تعالی منه آنچه در تحت تملك و قید تصرف او بود الی هذا الزمان و آن همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ مشهورهٔ شاه‌فسندست از تومان کبودجامهٔ[۱] استراباد من اعمال جرجان محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل رودخانهٔ مشهورهٔ مرمد بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نسی‌دیر که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه و بعضی متصل قریهٔ وندخانی که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه نظام الدین

۱ــ بر حاشیهٔ سمت راست : شاه‌پسند ، کبودجامه .

محمود بتکچی ولدخواجه‌فخرالدین احمدمذکوراست غربیاً پیوستهٔ موضع‌فیض‌آباد و سبلان که در تصرف عالیجناب دولتمآب سعادتایاب کمال‌الملة والدین خواجه درویش حسین بتکچی ولد خواجه فخرالدین احمد مذکور است شمالیاً متصل قریهٔ سعدآباد که در تصرف جمعیست منهم دولتمآبی خواجه علی‌شاه پسندی بعضی و بعضی متصل رودخانهٔ مذکوره جنوبیاً بعضی پیوستهٔ قریهٔ بلوسیانه که متروکهٔ جناب مرحومی مغفوری خواجه منصور بتکچی است و بعضی پیوستهٔ قریهٔ لنجاباد که در تصرف خواجه نظام‌الدین محمود مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ موسومهٔ بیونه است واقع درتومان کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوسته قریهٔ سینک که‌در تصرف‌حضرت واقف‌مشارالیه‌است ابدّت‌ظلال‌عظمته‌فاصله‌علامات‌معینه‌بعضی‌وبعضی‌متصل قریهٔ‌آسپادیکان که‌معروف ومعلوم‌است غربیاً پیوستهٔ‌قریهٔ‌ورنه‌که متروکهٔ جناب‌مرحومی مغفوری خواجه شمساالدین محمدبن‌الاعظم المرحوم خواجه عبدالحق بتکچی است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ‌معروفهٔ‌دشت‌پیشانی که‌در تصرف‌مخدرهٔ صالحهٔ‌عفیفه‌مسماة‌بی‌بیچه‌جان سلطان‌بنت المبرورخواجه محمودافلاطون است جنوبیاً پیوستهٔ‌کوه‌معینهٔ‌بلاماللک‌وایضاً همگی‌وجملگی‌سه‌دانگ ونیم‌کامل‌مشاع‌است‌ازمجموع‌شش‌دانگ‌قریهٔ‌مشهورهٔ معروفهٔ نورآباد واقع در تومان مذکوره محدودبرین وجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ دوین که‌متروکهٔ جناب فضائلمآب مرحومی مولاناشمساالدین علی‌منشی شاه‌فسندی است و بریك فاصله موضع سنگ‌سرو که معلوم‌و مشهوراست غربیاً‌متصل قریهٔ مشهورهٔ فتح‌آبادکه‌متعارف است بعضی وبعضی پیوستهٔ‌کوه ایاوه‌که مشهوراست شمالیاً پیوستهٔ‌درهٔ ایمن‌آبادکشیده تا رودخانهٔ ورشیر که متروکهٔ جناب مرحومی خواجه ناصرالدین محمد سیاوشکی است جنوبیاً بعضی پیوستهٔ موضع بلبان‌کشیده تا موضع پیش‌که داخل قریهٔ مذکوره

است و بعضی متصل سراگاه‌که این هردو موضع معروف و مشهورست و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ موسومهٔ کلاته بزرسکی است واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود به حدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ ساسفل که‌مشهورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دوده‌نیسك تموری که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است شمالیاً متصل نهر مشهور جرجان بعضی و بعضی پیوستهٔ رودخانهٔ‌مذکوره جنوبیاً پیوستهٔ بهی‌کلانه‌که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه ابوالقاسم‌بن‌الاعظم المرحوم خواجه درویش محمدافلاطون است... فاصله خندق معین‌که در جانب جنوب شهربند شاسفان‌است بعضی و بعضی متصل جادهٔ عام‌که ممتد است بجانب جنوب شهربند مذکور و ایضاً همگی و تمامی‌قریهٔ مشهورهٔ رودبارفاقس است واقع در تومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدوداربعه شرقیاً بعضی پیوستهٔ مزرعهٔ باغك‌که از توابع اسفاجی است و معروف و مشهوراست و بعضی پیوستهٔ مزرعهٔ روج وگنج که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ‌کوندی‌که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ سنگین‌بنهٔ کفترخان که از متروکات جناب مغفرت‌مآب خواجه شمساالدین‌محمد بتکچی مذکورست شمالیاً پیوستهٔ قلهٔ‌کوه مشهورهٔ سراگاه‌که موات بلامالك است بعضی و بعضی پیوستهٔ اراضی قریهٔ نسك و نسکران و نشان‌که در تصرف حضرت واقف مشارالیه و شرکاست مشاعاً جنوبیاً متصل قلهٔ‌کوه شاهملك که مشهورست‌کشیده تا دهنهٔ لاوه وایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورست بفیروزقند واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل تل‌آهنین که متروکهٔ امارت‌مآب مرحوم‌امیرابوالحسن دولینی است غربیاً پیوستهٔ‌قریهٔ مورجابادکه‌درتصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه شمالیاً متصل قریهٔ آق‌باری‌که در تصرف حضرت واقف مشارالیه‌است فاصله علامات معینه جنوبیاً بعضی پیوستهٔ‌پشتهٔ‌موات

بلامالك و بعضی متصل قریهٔ لیاواتی که در تصرف جمعیست منهم جناب نتیجةالاعاظم والاعیان شیخ‌طاهر بن‌الاعظم شیخ‌قاسم کلعلایی و ایضاً همگی و تمامی دو دانگ کامل مشاع است از مجموع شش‌دانگ قریهٔ مشهورهٔ مهرانجمن واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود برین وجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ کلعلاکه در تصرف جناب شیخزاد شیخ طاهر مذکورست و شریك غربیاً پیوستهٔ قریهٔ انفل که متروکهٔ خواجه زینل بن‌خواجه اسمعیل است فاصله النگ که مشهورست شمالیاً پیوستهٔ کوه مشهور خالدینی که موات بلامالك است بعضی و بعضی متصل کوه کومل کوکچه غزل ابدال که مشهور ومتعارف است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کلعلاکه مذکورشد وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ باکیابادست واقع‌در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدود بحدودار بعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ رس‌دوین که متروکهٔ جناب مرحومی خواجه مسیب افلاطونست بعضی و بعضی متصل قریهٔ فسرك که‌در تصرف حضرت واقف مشارالیه است فاصله علامات معینه غربیاً پیوستهٔ قریهٔ قانچی‌محله که مذکور میشود بعضی و بعضی پیوستهٔ قرانقاج که مشهور و معروف است جنوبیاً پیوستهٔ اراضی قریهٔ فسرك مذکوره بعضی و بعضی متصل قریهٔ وخلی‌کلاته که در تصرف حضرت واقف مشارالیه‌است فاصله علامات معینه شمالیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مشهورهٔ سبلان‌رود که مشهور و معروف است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ پنجور است واقع در تومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ فارسك که معروف و مشهورست غربیاً متصل قریهٔ برات‌که در تصرف عالیجناب دولتمآب‌سعادت‌ایاب‌خواجه غیاث‌الدین علی بتکچی است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ فارسك مذکور بعضی و بعضی‌متصل قریهٔ برمهین که مشهور ومعروف است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ برات مذکوربعضی و بعضی متصل قریهٔ کلاته‌میر که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ معروفهٔ قانچی‌محله است واقع در تومان

کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ باکیاباد مذکوره غربیاً پیوستهٔ موضع مشهور عمارت که متروکهٔ جناب مغفرت‌مآب خواجه‌درویش محمدبن‌خواجه‌کمال محمود افلاطون است جنوبیاً متصل قریهٔ قراقاچك که در تصرف حضرت واقف‌مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ علوی‌کلاته که ایضاً در تصرف حضرت مشارالیه است و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ موسومهٔ شنقان واقع در تومان کبودجامهٔ مذکوره محدودبرینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ بلاوشیان که در تصرف جناب دولتمآب فضائلمئاب‌خواجه محمدبن الاعظم المرحوم خواجه‌علی بتکچی است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دشت‌بیشانی که درتصرف حضرت واقف مشارالیه‌است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ ششك که ایضاًدر تصرف واقف‌مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ‌سرکلاته‌که‌ایضاًدر تصرف حضرت‌مشارالیه‌است وایضاًهمگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ آرنجور است واقع در تومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدود برینوجه غربیاً پیوستهٔ قریهٔ روشنه‌سر که متروکهٔ جناب دولتمآب سعادت‌ایاب المرحوم السعید خواجه قطب‌الدین احمد بتکچی است شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ ورنه که ایضاً متروکهٔ جناب مغفرت‌مآب مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ جواهان‌که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ‌قریهٔ برمهین‌که درتصرف‌عالیجناب‌دولتمآب خواجه درویش‌حسین بتکچی مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهوره در این است‌واقع در تومان‌کبودجامهٔ مذکوره محدودبرینوجه شرقیاً پیوستهٔ‌درّهٔ معینهٔ‌مشهورهٔ بتکین غربیاً پیوستهٔ‌درهٔ مشهورهٔ‌کوه ارقنو جنوبیاً پیوستهٔ‌کوه مشهورهٔ معروفهٔ‌کوه‌ارقنو شمالیاً پیوستهٔ‌کوه نورآباد وفنجام‌که معروف ومشهورست بین اهالیها وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ ولفیج است واقع ببلوك برزمهین‌رستاق من‌اعمال استراباد محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ رزانه‌که در تصرف عالیجناب سیادتمآب سعادت‌ایاب امیرسیدرفیع‌الدین‌حسین بن‌جناب سیادت‌پناهی مرحومی‌امیرسیدعمادالدین‌فندرسکی است غربیاً متصل قریهٔ سنگه‌دوین که درتصرف ملك‌حسین‌ابن‌المرحوم ملك‌فخرالدین

کوشکی است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ حکیماباد که در تصرف رفعت ایابی امیرسید رفیع‌الدین حسین مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ سیاوشیان که متروکهٔ جناب مغفرت‌مآب مولانا زین‌العابدین عبدالرحیم است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سورمی که در تصرف امیرسید رفیع‌الدین حسین مشارالیه است بعضی و بعضی متصل قریهٔ حاجی‌کلاته که در تصرف سیادتمآب امیرسید رفیع‌الدین مشارالیه است وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ علیاباداست واقع ببلوك مذکوره محدود بدینوجه شرقیاً متصل قریهٔ علیاباد ایمن آباد که در تصرف عالیجناب دولتمآب کمال‌الدین خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ اندرآباد که در تصرف جناب سیادت‌پناهی امیرسید فخرالدین بن‌السیدالکبیرالمرحوم امیر سیدباقر کیاوسری است و بعضی متصل قریهٔ قوسون‌اقاج که در تصرف امیرسید رفیع‌الدین حسین مذکورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ قرانقاج که در تصرف عالیجناب دولتمآب سعادت‌ایاب جلال‌الملة والدین خواجه آقامیر کفشگر است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ سوخته‌انگور که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ قزل‌النگ که معروف و مشهورست وایضاً همگی و تمامی قریهٔ حاجی‌پایدارست واقع ببلوك فخرعمادی من‌اعمال استراباد محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ‌مشهورهٔ هارونه‌رود بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ پیچاکی‌محله که در تصرف عالیجناب خواجه آقامیر مشارالیه است غربیاً متصل جوی‌قراق که در تصرف جناب‌دولتمآب‌خواجه‌محمد‌بن‌الاعظم‌المرحوم خواجه‌مظفر کفشگر است‌جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ اندیجاباد که در تصرف‌جناب دولتمآبی خواجه‌ناصرالدین‌محمد‌بن‌خواجه قاضی‌کفشگر است‌بعضی و بعضی‌متصل قریهٔ شرفیان‌که در تصرف‌خواجه‌سلطان‌محمود‌بن خواجه‌حاجی‌محمد‌بن‌خواجه‌حاجی‌علاءالدین‌مسعوداست‌و بعضی‌متصل‌قریهٔ‌الارمن که‌در تصرف جناب صاحب‌اعظم خواجه‌گستهم‌بن‌الاعظم المرحوم خواجه مسیب‌کفشگر است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ آلوستان‌که معروف ومشهوراست بعضی و بعضی پیوستهٔ‌قریهٔ قوزلق که

مشهور است وایضاً همگی وتمامی یکدانگ کامل مشاع است ازمجموع شش‌دانگ قریهٔ مرزانجوی که واقع است ببلوك فخرعمادی مذکور محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ موضع اوچ‌نوین که معروف و مشهورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ شیرنگ که در تصرف عالیجناب سیادت‌پناه فضیلت‌دستگاه امیرسیدجمال‌الدین بن السیدالکبیر المرحوم‌امیر سید عبدالله است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ آقمشهدکه در تصرف حضرت واقف‌مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ قزل‌النگ مذکور و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ مشهورهٔ گلپان است واقع ببلوك فخرعمادی‌مذکورمحدود برینوجه شرقیاً‌پیوستهٔ قریهٔسیاوشیان و عابدآباد وآیش‌باغ که در تصرف عالیجناب سیادتمآب کمالات‌انتساب امیرسیدجمال‌الدین بن السیدالکبیر امیرسید عبدالله مشارالیه است غربیاً متصل قریهٔ سروکلاته و کمال‌غریب که‌ایضاًدر تصرف‌حضرة سیادت‌پناه‌مشارالیه‌است شمالیاً‌پیوستهٔ‌قریهٔ‌آلوستان‌و مورجاباد‌مذکورکه مشهوراست جنوبیاً پیوستهٔ سرخان‌محله‌که معروف ومشهوراست و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ فوجرد است واقع ببلوك استراباد‌رستاق من‌اعمال استراباد محدود برینوجه شرقیاً بعضی متصل قریهٔ علوی‌کلاته‌که مذکور خواهد شد و بعضی متصل قریهٔ پستاهنگ‌که درتصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی مشارالیه است و شریك غربیاً پیوستهٔ قریهٔمشهدی‌محله‌که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ بالاندوین که در تصرف‌جناب‌دولتمآب سعادت‌ایاب جلال‌الملة والدین خواجه حاجی گرشاسف‌بن‌الاعظم‌المرحوم خواجه شرف‌الدین‌گرشاسف است جنوبیاً بعضی‌پیوستهٔ‌قریهٔ‌قاضی‌محله‌که ایضاً درتصرف‌خواجهٔ مشارالیه است و بعضی پیوستهٔ املاك متروکهٔ مرحومی خواجه شرف‌الدین علی‌بن المرحوم خواجه عزالدین‌گرشاسف و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوده که محدود و مذکور می‌گردد و بعضی پیوستهٔ نوده علوی‌کلاته‌که مذکور خواهد شد شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ قورقانوکه معروف و مشهورست وایضاً همگی وتمامی قریهٔ نوده سابق‌آباد است واقع

ببلوك استرابادرستاق مذکورمحدودبحدود اربعه شرقیاً بعضی‌متصل املاك‌قریهٔشیر نگ که در تصرف جناب‌دولتمآب سعادت‌ایاب مکرمت‌انتساب امیر نوزر بن‌الاعظم الاکرم المرحوم نظام‌الدین شیخ‌باباعلی است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ‌گرماوه‌سرا که مذکور میشود شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سلطان‌دوین‌که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ‌گرماوه‌سراء مذکور جنوبیاً بعضی پیوستهٔ قریهٔ بهشتی‌کلاته که مذکور می‌شود و بعضی پیوستهٔ سرخانکلاته‌که‌ایضاً مذکورخواهدشدغربیاً پیوستهٔ قریهٔ‌انجیره‌بنی‌که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ دیمسك که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش‌حسین بتکچی مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ سرخانکلاته است واقع ببلوك استرابادرستاق مذکور محدود برینوجه شرقیاً بعضی متصل قریهٔ سرتك مذکورو بعضی پیوستهٔ قریهٔ چوپالانی‌که مشهور و معروف است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دیمسك مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ‌کلخون‌که مذکور می‌شود و بعضی به‌بهشتی‌کلاته جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ اصفهانکلاته‌که در تصرف واقف مذکوراست بعضی و‌ّبعضی پیوستهٔ قریهٔ مرزبانکلاته‌که درتصرف جمعیست منهم‌ملك علی‌بن‌ملك‌محمد کیا شمالیاً‌پیوستهٔ بشارع‌عام و بعضی به نوده وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ بهشتی‌کلاته است واقع ببلوك استرابادرستاق‌مذکورمحدود برین‌وجه شرقیاً‌پیوستهٔ قریهٔ مرزبانکلاتهٔ مذکوره بعضی و‌بعضی متصل قریهٔ سرتك‌مذکورغربیاً‌پیوستهٔ قریهٔ دیمسك مذکورجنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ نوده که مذکورشد و ایضاً[1] همگی وتمامی‌قریهٔ‌مشهورهٔ اصفهانکلاتهٔ است واقع‌ببلوك استرابادرستاق مذکورمحدود بحدود اربعه شرقیاً‌پیوستهٔ قریهٔ مرزبانکلاته مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ کلخون که محدود خواهد شد بعضی و بعضی پیوستهٔ‌قریهٔ‌جلابن‌که درتصرف جناب‌دولتمآبی امیرنوزرمذکورست جنوبیاً‌بعضی

۱ــ کاتب پس‌ازکلمهٔ «ایضاً» با قلمی دیگر دربالا نوشته است : «سهواً نوشته شد» .

پیوستهٔ قریهٔ اندرابادکه در تصرف عالیجناب دولتمآب امیر بابا حسین بن نظـام‌الدیـن شیخ باباعلی مشارالیه است و بعضی پیوستهٔ قریهٔ امیرابادکه ایضاً در تصرف دولتمـآب مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سرخانکلاته وکلخون مذکوران و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفه است به کلخون واقع ببلوك استرابادرستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔقریهٔ اصفهانکلاتهٔ مذکوره وبعضی به‌سرجارکلام غربیاً پیوستهٔقریهٔجلابن مذکور شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ دیمسك مذکور جنوبیاً متصل قریهٔ جلابن مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔاصفهانکلاته و ایضاً همگـی و تمامی قریهٔرستم‌کلاته است واقـع ببلوك استرابادرستاق مذکورمحدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ دهمدابادکـه در تصرف جناب فضائلمآب مولاناعلی‌طبیب است بعضی وبعضی پیوستهٔ قریهٔ فلخـورجه‌که معروف و مشهورست غربیاً پیوستهٔ قریهٔ وکجابادکه در تصرف جناب دولتمآب سعادت‌ایاب شیخ باباخلیفه‌بن‌الاعظم المرحوم نظام‌الدین شیخ باباعلـی مشارالیه است و شرکا بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔکلو که درتصرف عالیجناب دولتمآب کمال‌الدین خواجـه درویش حسین‌بتکچی مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کلو مذکور بعضی و بعضـی متصل قریهٔ مفتوکلاته‌که درتصرف دولتمآبی شیخ باباخلیفه مشارالیه و شرکاست شمالیاً بعضی پیوستهٔقریهٔعلوی‌کلاته‌که مذکوره‌می‌گردد وبعضی متصل قریهٔ روستایی‌محله‌که در تصرف جمعیست منهم ملك‌ابرهیم‌بن ملك‌محمدرودیانی وبعضی پیوستهٔ قریهٔ فلخورجه که مشهوراست و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ علوی‌کلاته است واقع‌ببلوك‌استرابادرستاق مذکورمحدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ پستاهنگ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قـریهٔ فوجرد مذکور بعضی وبعضی متصل قریهٔ جلانی‌که مشهور بمتروکهٔ مرحـومی خواجه شرف‌الدین علی‌گرشاسف مذکورست و در تصرف جمعیست منهم جناب دولتمآب امیر باباحسین مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ رستم‌کلاتهٔ مذکوره بعضی و بعضی متصل قریهٔ نجفی‌کلاته‌که‌ازمتروکات‌خواجه‌شرف‌الدین‌علی‌مذکورست‌شمالیاً بعضی‌پیوستهٔ‌قریهٔ

فوجرد مذکور و بعضی پیوستهٔ قریهٔ پستاهنگ مذکور و ایضاً همگی و تمامی یکنصف کامل مشاع است ازمجموع قریهٔگرماوه‌سراکه واقع است ببلوك استرابادرستاق مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ حیدری‌محله که در تصرف دولتمآبی امیر-بابا نوزر مشارالیه است بعضی وبعضی پیوستهٔ قریهٔ سلطاندوین‌که مذکور شده جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ نوده‌سابق‌آباد مذکور شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ سلطاندوین مذکور وایضاً همگی و تمامی دو دانگ کامل مشاع است از مجموع شش‌دانگ قریهٔ سلطاندوین مذکور وبلاق پیوستهٔ یکدیگرند واقع ببلوك استرابادرستاق مذکور محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ واتیه‌که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ گرماوه‌سراء مذکور جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ نوده سابق‌آباد مذکور و بعضی بگرماوه‌سرا شمالیاً ...[۱] و ایضاً همگی وتمامی یکنصف‌کامل مشاع است از مجموع قریهٔ معروفهٔ نوده واقع ببلوك‌نواحی من‌اعمال استراباد محدودبرینوجه شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد که مذکور شد شرقیاً پیوستهٔ قاضی‌محله‌که مذکور می‌شود[۲] بعضی و بعضی‌متصل‌شارع-عام غربیاً متصل دارالسلام‌که در تصرف عالیجناب دولتمآب‌سعادت‌ایاب خواجه‌درویش حسین مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ ملیارستان مشهور درویش قبول که متعارف است بین‌الناس و ایضاً همگی و تمامی قطعات ملیارستان و تودستان است واقع در قریهٔ نوده مذکور اول یك قطعهٔ ملیارستان مشهور نورالدین زرگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قاضی‌محله‌که در تصرف دولتمآبی خواجه حاجی گرشاسف مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ املاك الیاس بن‌نظام‌بلاغ جنوبیاً پیوستهٔ ملیارستان مشهور فخرالدین‌زرگر که مذکور می‌شود شمالیاً پیوسته‌کالشرقی و دیگری مشهوراست بملیارستان‌فخرالدین زرگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قاضی‌محلهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ کاریز

۱ـ درمتن سفیداست. ۲ـ زیر کلمهٔ مذکور کلمهٔ «شد» نیز نوشته شده است .

الیاس بلاغ مذکور جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام شمالیاً پیوستهٔ باغ یوسف بن محمدزرگر و دیگری مشهور است بتودستان سه کوسه محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل ملیارستان متروکهٔ فخرالدین محمد زرگر غربیاً پیوستهٔ املاك محمدبن علی بلاغ جنوبیاً پیوستهٔ املاك الیاس بلاغ مذکور شمالیاً مثلی و دیگر دو قطعهٔ تودستان مشهور که موسوم است بیوسف زرگر و محمد زرگر پیوستهٔ یکدیگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ خانهٔ الیاس بلاغ مذکور غربیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ احمدبن حسن زرگر جنوبیاً پیوستهٔ رودخانهٔ معینه شمالیاً پیوستهٔ خانهٔ متروکهٔ حسن شامیرك شکی و دیگر دو قطعهٔ تودستان مشهور احمد زرگر پیوستهٔ یکدیگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ یوسف زرگر مذکور غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً متصل رودخانهٔ مذکوره شمالیاً پیوستهٔ زمین حسین بن حسن درزی و دیگر یکنصف شایع کامل از مجموع تودستان مشهور قوام‌الدین زرگر محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ زمین سادهٔ قریهٔ نوده مذکور شمالیاً پیوستهٔ کاریز که در تصرف حضرة واقف مشارالیه است و دیگر دو قطعهٔ تودستان مشهور علیجان دباغ و علی بابی پیوستهٔ یکدیگر محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد مذکور غربیاً پیوستهٔ املاك سلطانعلی بن احمدزرگر و جنوبیاً متصل املاك سلطانعلی مشارالیه شمالیاً پیوستهٔ املاك رستم بن حسن بنان و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور بی بی گزیده محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ املاك مشهور متروکهٔ شیخ حاجی که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است جنوبیاً پیوستهٔ املاك مشهور حسن شیرسوار که مذکور می‌گردد شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور حسن شیرسوار محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ شیخ حاجی مشارالیه جنوبیاً پیوستهٔ املاك حضرت واقف مشارالیه شمالیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ بی بی گزیده محدود می‌گردد و دیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور حسن آهنگر محدود

برینوجه شرقیاً پیوستهٔ املاك حضرت واقف مذکور غربیاً پیوستهٔ املاك حسن آهنگر که مذکورشد جنوبیاً پیوستهٔ کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره ودیگر یك قطعه تودستان مشهور ناصرالدین محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ زمین سادهٔ مشهور الیاس‌بلاغ که مذکور شد غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ املاك جناب سیادت‌پناهی امیرسیدزین‌العابدین صادق ودیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور بایزیدترك شرقیاً پیوستهٔ املاك حسن آهنگر مذکور غربیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره جنوبیاً پیوستهٔ املاك شیخ حسن مذکور ودیگر یکقطعهٔ تودستان مشهور محمدداود شرقیاً متصل رودخانهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ املاك حسن بن محمد باسیان جنوبیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره و کذاالشمالی و دیگر یکقطعهٔ تودستان‌مشهورعلی بلاغ شرقیاً پیوستهٔ املاك حسن باسیان مذکور غربیاً متصل املاك حسن بن شمس‌الدین زرگر جنوبیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مذکوره شمالیاً پیوسته کالشرقی و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ شملم‌محله است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل قریهٔ بالاندوین مذکور بعضی و بعضی متصل قریهٔ مشهدی‌محله که محدود می‌گردد و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوده مذکور غربیاً پیوستهٔ قریهٔ عراقی‌محله که مذکورمی‌شود جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ دارالسلام مذکور که در تصرف عالیجناب دولتمآب خواجه درویش حسین بتکچی‌مشارالیه است و شرکا وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ عراقی‌محله است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ شملم‌محلهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ اوجابن که‌در تصرف عالیجناب سیادت‌پناهی نقابت‌دستگاهی امیر سیدعزالدین حسن نجفی است بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ بهلول آباد که معروف و مشهور است شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ مشهدی‌محله که مذکور می‌شود وایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ مشهدی‌محله است واقع ببلوك نواحی‌مذکور محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ فوجرد که مذکورشد غربیاً پیوستهٔ قریهٔ اوجابن مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ شملم‌محله که مذکور شد جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ

عراقی محله که مذکور شد بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ شملم محلهٔ مذکوره شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ
جنیدآباد که در حوزهٔ دیوان است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ نقیب آباد ست
واقع ببلوك نواحی مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ باغ مشهور امیر قلدرویش
که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ بچهار باغ مشهور امیر
ولی بیگ که متعارف و معلوم است غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً املاك سید
علاءالدین بن سیدعبدالله سبزمشهدی بعضی و بعضی متصل خانقاه متروکهٔ امیر قدم
ترکمان شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ دارالسلام مذکور و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ خواسته‌رود
است واقع ببلوك نواحی مذکور محدود برینوجه شرقیاً متصل بکوه معین لامالك لها
غربیاً مثلی وکذا الجنوبی شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ پادشاه‌قیلجه که در تصرف عالیجناب
دولتمآب سعادت‌ایاب خواجه غیاث‌الدین علی بتکچی است بعضی و بعضی پیوستهٔ شعبانی ـ
کلاته که در تصرف حضرت واقف مشارالیه است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ تولی است
واقع ببلوك سدن‌رستاق من اعمال استراباد محدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ لله‌فن که
محدود میشود غربیاً پیوستهٔ قریهٔ لله‌دوین که در تصرف جناب نتیجهٔ اعاظم‌السادات امیر
سیدعلی بن السید المرحوم امیر سیدشمس‌الدین علی سعدالله است جنوبیاً پیوستهٔ بقریهٔ
لیمسك که در تصرف سیادتمآبی امیر سیدحسن بن السید المرحوم امیر سیدعلی نقی است و
شرکا شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ خیرآباد که در حوزهٔ دیوان اعلی است مع تمامی قطعات
ملیارستان و تراشمانی که درین قریهٔ محدوده واقع است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ
معروفهٔ لله‌فن است واقع ببلوك سدن‌رستاق مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً متصل
قریهٔ لامیلنگ که مذکور میشود بعضی و بعضی پیوستهٔ بقریهٔ تاجراب که در تصرف
عالیجناب سیادت‌پناهی امیر سیدعزالدین حسن مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ تولی
که مذکور شد جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ لیمسك مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ اویس آباد
که متروکهٔ خواجه شرف‌الدین علی گرشاسف مذکور ست شمالیاً پیوستهٔ قریهٔ خیرآباد که

مذکور شد و ایضاً همگی و تمامی یکنصف شایع از مجموع قریهٔ معروفهٔ یاجنواست واقع ببلوك سدن‌رستاق مذکور محدود برینوجه شرقیاً متصل قریـهٔ جلاجـن که در تصرف‌جناب‌دولتمآبی خواجه حاجی‌گرشاسف مشارالیه است بعضی و بعضی متصل قریهٔ سعدآباد که ایضاً درتصرف خواجه حاجی مشارالیه است‌فاصله پشتهٔ انار‌دوبن ومـرز معروف لانه‌چنـار غربیاً متصل قریهٔ‌کلوکه در تصرف عالیجناب دولتمآب کمال‌الدین خواجه درویش‌حسین بتکچی مشارالیه است جنوبیاً بعضی پیوستهٔ توکل‌باغ‌که ایضاً در تصرف عالیجناب مشارالیه است و بعضی پیوستهٔ موضع سلیمانی‌کلاته که در تصرف خواجه حاجی‌مشارالیه است شمالیاً پیوستهٔ مزرعهٔ حسن‌کیا سیاه‌بال‌که در تصرف امیر سیدحسن‌تقی مشارالیه است بعضی و بعضی پیوستهٔ موضع الوفن‌که درتصرف‌ملك‌ابرهیم ابن‌ملك‌قاسم نالینی وشرکاست وایضاً همگی وتمامی دودانگ‌کامل مشاعست‌ازمجموع شش‌دانگ قریهٔ زینل‌آباد واقع ببلوك سدن‌رستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً‌متصل قریهٔ توسرك‌که محدود میگردد غربیاً پیوستهٔ قریهٔ مشهورهٔ سرکلاته‌که معلوم ومتعارف است جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔ کفشگیری‌که مشهور و معروف است شمالیاً پیوستهٔ قـریـهٔ اسفیدداروکـه در تصرف جناب سیادت‌پناهی امیرسیدجمال‌الدین اجـل است وایضاً همگی‌وتمامی‌پنجدانگ شایع‌کامل‌مشاع است ازمجموع‌شش‌دانگ قریهٔ توسرك واقع ببلوك سدن‌رستاق مـذکور محدود بحـدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ رودخانهٔ معینه غربیاً پیوستهٔ قـریـهٔ زینل‌آبـاد مـذکـور جنـوبیاً پیوستهٔ قریـهٔ کفشگیری مـذکـوره شمالیاً پیوستهٔ قـریـهٔ اسفیدداروکـه مـذکـور شد و ایضاً همگی و تمـامی قطعات ملیارستان و تراشمانی است واقع در قریهٔ مشهورهٔ لامیلنگ‌ازبلوك سدن‌رستاق‌مذکور اول یکقطعهٔ تراشمانی مشهوررستم‌ابوالحسن محدودبرینوجه شرقیاً پیوستهٔ بشارع‌عام غربیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ رستم مذکور جنوبیاً و شمالیاً کالغربی و دیگـر یکقطعهٔ ملیارستان مشهور سیدشاهمیر شرقیاً پیوستهٔ امـلاك متروکهٔ عزالدیـن‌بن بایار غربیاً

پیوستهٔ املاك شیخ‌عزیز بن شیخ‌طاووس جنوبیاً پیوستهٔ اراضی قریهٔ مذکوره که‌در تصرف محمدبن‌شاه‌خواجه است شمالیاً پیوستهٔ املاك ملیارستان اسکندر بن‌جلال و دیگر یکقطعهٔ تراشمانی مشهور باملاك سیدرضی‌الدین شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ املاك یوسف بن‌بایار جنوبیاً کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ املاك حاجی‌محمد بن‌عبدالله‌مجاور و دیگر دو دانگ کامل مشاع از مجموع چهاردانگ مجاری میاه مشهور چاله‌کیاب شرقیاً پیوستهٔ املاك فخرالدین بن عبدالله ترك بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك صدرالدین ابن‌عبدالجبار ترك غربیاً پیوستهٔ اراضی سراجایگاه قوام‌الدین بن‌عبدالله ترك جنوبیاً پیوستهٔ سراجایگاه فخرالدین مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك جماعت یامچیان منهم شیخ‌درویش بن شیخ‌احمد یامچی و دیگر یکدانگ یکقطعهٔ تودستان مشهور حمزه غیاث شرقیاً پیوستهٔ اراضی حسین بن‌کمال غربیاً پیوستهٔ اراضی جمال‌الدین بن عبدالله‌کرم جنوبیاً پیوستهٔ اراضی‌سید شاهمیره‌مذکور شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام ودیگر یکدانگ تراشمانی مشهور املاك حسن‌نور شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً متصل املاك میراحمدبن عبدالخالق‌جنوبیاً کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ‌املاك حسین بن‌علی‌کوهی‌و دیگر یکدانگ یکقطعهٔ تودستان و ملیارستان موسوم باملاك حسین بن‌کمال پیوستهٔ یکدیگر شرقیاً پیوستهٔ‌املاك علاءالدین‌کرم مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك ابرهیم‌حسنان بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك مهترشاه‌بن علیشاه‌یامچی شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام ودیگر یکدانگ‌قطعهٔ‌تودستان مشهوراملاك خضر بن‌حسنان شرقیاً پیوستهٔ املاك بایزیدبن‌ترك غربیاً پیوستهٔ بشارع‌عام جنوبیاً کالغربی‌شمالیاً پیوستهٔ املاك یارعلی بن‌احمد‌یامچی‌ودیگر یکقطعهٔ تراشمانی مشهوراملاك‌سیدشاهمیر شرقیاً پیوستهٔ‌اراضی‌سادهٔ‌عمادالدین بن‌حسن عبا غربیاً پیوستهٔ‌اراضی‌سید‌نعمت‌الله‌بن سیدشمس‌الدین‌لامیلنگی جنوبیاً پیوستهٔ‌اراضی قاسم‌بن‌محمد سرخاب شمالیاً پیوستهٔ املاك سیدشاهمیرمذکور ودیگر همگی یکقطعهٔ تراشمانی مشهور سیدقاسم بن سیدزین‌العابدین شرقیاً پیوستهٔ املاك حسن بن‌علی بقرا

جنوبیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ حسین بن علی بقرا غربیاً پیوستهٔ اراضی امیرسید نعمت‌الله مذکور شمالیاً پیوستهٔ ملیارستان امیرسید نعمت‌الله مشارالیه و دیگر یکدانگ کامل مشاع از مجموع یکقطعهٔ تراشمانی مشهور املاك علی‌ترك شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ دره و سامان آلو باغ که مشهورست جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام شمالیاً پیوستهٔ املاك مولانا فخرالدین بن مولانا عبدالله بعضی و بعضی متصل اراضی سادهٔ محمد بن حسنان و دیگر یکدانگ یکقطعهٔ تودستان و ملیارستان مشهور حمیدحسنان شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ درهٔ معینه جنوبیاً متصل اراضی سیدمرتضی بن سیدمحمد شمالیاً پیوستهٔ املاك بایزیدبن موسی و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع یکقطعهٔ تراشمانی مشهور محمدشاه یامچی شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ کمال کرم مذکور غربیاً پیوستهٔ درهٔ چاله کیاب مذکور جنوبیاً پیوستهٔ چاله کیاب مذکور شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع یکقطعهٔ تراشمانی مشهور باملاك باباعلی یامچی شرقیاً پیوستهٔ املاك حمیدحسنان مذکور غربیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ امیرسید نعمت‌الله مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك مولاناالیاس بن حسنان شمالیاً پیوستهٔ اراضی امیرسیدنعمت‌الله مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك غلام‌علی بن جلال و دیگر یکدانگ تراشمانی مشهور سیدحسام‌الدین شرقیاً پیوستهٔ کاریز امیرسیدعلی بن امیرسیدشمس‌الدین سماکی غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ املاك سیدمیرعلی بن سید جمال‌الدین شمالیاً پیوستهٔ اراضی امیرسید شرف‌الدین بن سیدبدرالدین و دیگر یکقطعه املاك مشهور سیدحسام‌الدین شرقیاً پیوستهٔ بشارع عام غربیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ مشهور رنگرز که معلوم و متعارف است جنوبیاً کالشرقی شمالیاً پیوستهٔ املاك عبدالعلی بن عبدالله و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع تراشمانی معین شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ امیرسید قاسم مذکور غربیاً پیوستهٔ کاریز رنگرز مذکور جنوبیاً پیوستهٔ املاك سید شرف‌الدین سماکی مذکور شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام و دیگر یکدانگ مشاع از مجموع یکقطعه

املاك مشهور غلام‌علی جلال شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ قریهٔ مذکوره که در تصرف سید نعمت‌الله مشارالیه است غربیاً پیوستهٔ سراجایگاه شمس‌الدین بن خضر جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك‌مشهورشاه‌میرمذکور شمالیاً پیوستهٔ سراجایگاه امیرسید نعمت‌الله مشارالیه و دیگر همگی یکقطعهٔ ملیارستان مشهور قطعهٔ رنگرز غربیاً پیوستهٔ بشارع عام شرقیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ رنگرز که مشهورست جنوبیاً کالغربی شمالیاً متصل املاك غیاث‌الدین بن عبدالله و دیگر همگی و تمامی یکقطعه تودستان مشهور اسکندرجلال شرقیاً پیوستهٔ املاك متروکهٔ عمادالدین شهریار بعضی و بعضی پیوستهٔ املاك حسین بن اسفندیار غربیاً پیوستهٔ دره که‌مشهور است جنوبیاً پیوستهٔ اراضی‌سادهٔ‌محمددرزی بن‌علی شمالیاً پیوستهٔ‌املاك واراضی‌متروکهٔ مولانامحمدبن‌مولانا لطف‌الله ودیگر تمامی یکدانگ‌مشاع‌است ازمجموع یکقطعه‌املاك مشهورشمس‌الدین خضر شرقیاً پیوستهٔ املاك غلام‌علی بن جلال مذکور غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً کالغربی شمالیاً متصل املاك امیرسیدنعمت‌الله مذکور و دیگر تمامی یکدانگ مشاع از مجموع مجاری میاه یکدرکاریز که واقع ومشهورست بکاریز[ر]نگرز شرقیاً متصل شرقیاً پیوستهٔ[1] املاك امیرسیدقاسم‌سماکی مذکورغربیاً پیوستهٔ املاك‌سیدحسام‌الدین مذکور جنوبیاً پیوستهٔ گلباغ امیرسیدفخرالدین سماکی مذکور و دیگر یک سدس مشاع از مجموع یکقطعه املاك مشهور شیرزاد یامچی شرقیاً پیوستهٔ درهٔ چاله‌کباب مذکور غربیاً پیوستهٔ سراجایگاه بایزیدبن شیرزادیامچی‌جنوبیاً پیوستهٔ املاك بایزید مذکور شمالیاً پیوستهٔ املاك‌شمس‌الدین ترکمان ودیگر یکسدس‌مشاع‌ازمجموع یکقطعه تودستان مشهورجمال‌الدین‌طاقیه‌دوز شرقیاً متصل املاك سیدرضی‌الدین مذکور غربیاً پیوسته‌کالشرقی جنوبیاً املاك شمس‌الدین بن بایار شمالیاً کالغربی ودیگریك‌ثلث‌مشاع از مجموع یکدرکاریز مشهور سیدحسام‌الدین شرقیاً پیوستهٔ املاك امیر بابارزی بن

۱ـ کاتب تعیین سامان شرقی را تکرار کرده است .

عبدالحی غربیاً پیوستهٔ بشارع عام جنوبیاً پیوستهٔ اراضی سادهٔ امیربابارزی مذکور و ایضاً همگی وتمامی قریهٔ مشهورهٔ عادل‌آباداست واقع ببلوك سدن‌رستاق‌مذکورمحدود برین‌وجه شرقیاً پیوستهٔ موضع قراچه منکوش‌که در حوزهٔ دیـوان اعلـی‌است غربیاً متصل‌نیمردان‌که معلوم ومشهورست شمالیاً پیوستهٔ درياء قلزم جنوبیاً پیوستهٔ خیرآباد که مشهور است و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ آوه‌گودرز است واقـع ببلـوك سدن‌رستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ جینیان‌که در تصرف‌جناب سیادت‌ـ پناهی امیرسیدزین‌العابدین‌صادق است غربیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مشهوره جنوبیاً پیوستهٔ قریهٔآوه مشهورهٔ امیراجل‌که معلوم‌است شمالیاً کالغربی وایضاًهمگی وتمامی یکنصف قریهٔ مشهورهٔ روشناباد‌ست واقع‌ببلوك‌سدن‌رستاق مذکورمحدود برینوجه شرقیاً‌پیوستهٔ قریهٔ اسفیددارو و نودیچه‌که مشهور و معلوم‌اند غربیاً متصل قریهٔ‌پیشین‌کـلاته‌که در تصرف امیرسیدمحمدبن‌امیر سیدمحمد روشنابادی وشرکاست بعضی وبعضی پیوستهٔ‌قریهٔ ایمن‌آبادکه مشهورست جنوبیاً متصل قریهٔ چلاوسرکلاته‌که در تصرف جناب‌سیادت‌ـ پناهی فضیلت‌دستگاهی امیر سیدرضی‌الدین قاضی است وشرکا فاصله شارع‌عام ساری شمالیاً پیوستهٔ رودخانهٔ مشهورهٔ جرجان و ایضاً همگی و تمامی یکربـع کامل مشاع است از مجموع‌قریهٔ معروفهٔ سیاه‌جوی از بلوك انزان من‌اعمال استرابادمحدودبحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ خندق خرابهٔ شهرکه مشهور است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ سرطـاق‌که مشهور است فـاصله زرداب‌کیلـه جنوبیاً پیوستهٔ قـریهٔ‌کارکنده و بهـادرکلاتـه که مشهور است شمالیاً پیوستهٔ بساحل درياء قلزم و ایضاً همگی و تمامـی یك‌ثلث‌مشاع است از مجموع قریهٔ معروفهٔ‌نوکنده واقع ببلوك انزان مذکورمحدود برینوجه شرقیاً پیوستهٔ موضع جیپاکنده‌که محدود ومذکور می‌گردد غربیاً پیوستهٔ قریهٔ اوان معروف بدرودارگوران‌کشیده‌بخانهٔ محمدبن باباعلی وبخانهٔ فخرالدین پولکی وکیله‌جوین و تودستان لوده‌سرکیل تا بدرياء قلزم که معروف و مشهور است جنوبیاً پیوستهٔ بسامان

قریهٔ نوکنده که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ بسامان ابلیس‌کنده معروف بخاك انوشیروان تا پشتهٔ اوجا که معلوم و متعارف‌اند شمالیاً پیوستهٔ دریاء قلزم و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ معروفهٔ ده‌گاه است واقع ببلوك انزان مذکور محدود بحدود اربعه شرقیاً پیوستهٔ جیپاکندهٔ مذکوره غربیاً پیوستهٔ قریهٔ ابلیس‌کندهٔ مذکوره جنوبیاً بکوه مشهور انزان شمالیاً پیوستهٔ بشارع عام ساری و ایضاً همگی و تمامی یکنصف کامل مشاع است ازمجموع جملهٔ قطعات معینه‌که در قریهٔ نوکندهٔ مذکور واقع است‌و معلوم و مشهورست و ایضاً همگی و تمامی پنجدانگ و یک‌طسوج است از مجموع شش‌دانگ مشاع قریهٔ معروفهٔ جیپاکنده واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ دشتی‌کلاته‌که مشهور است غربیاً پیوستهٔ قریهٔ ده‌گاه مذکور بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوکندهٔ مذکوره جنوبیاً پیوستهٔ بشارع مذکور شمالیاً پیوستهٔ بدریاء مذکور و ایضاً همگی و تمامی سه‌ربع‌کامل مشاع است از مجموع قریهٔ معروفهٔ‌گز واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ قریهٔ جوجن‌نمرودی‌که مشهورست‌غربیاً پیوستهٔ قریهٔ دشتی‌کلاته که مذکورمی‌شودجنوبیاً پیوستهٔ‌بشارع‌عام‌شمالیاً پیوستهٔ‌دریاءقلزم وایضاً همگی وتمامی یکربع‌کامل مشاع است از مجموع قریهٔ دشتی‌کلاته واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ اراضی‌کهنه‌گز که‌مشهورست‌غربیاً پیوستهٔ قریهٔ جیپاکنده که مذکورشد جنوبیاً پیوستهٔ بشارع عام‌شمالیاً پیوستهٔ دریاءقلزم وایضاً همگی وتمامی‌قریهٔ‌مشهورهٔ‌خشمری است واقع ببلوك انزان مذکور شرقیاً پیوستهٔ موضع مشهور وله‌افرا که معروف است غربیاً‌پیوستهٔ قریهٔ‌گزمذکورجنوبیاً پیوستهٔ شارع عام‌مذکور شمالیاً‌پیوستهٔ دریاء قلزم و ایضاً همگی و تمامی مجری دو حجر و دو دانگ حجرآب است منشعب از رودخانهٔ مشهورهٔ خواسته‌رود ازبلوك نواحی مذکور و تمامی رودخانهٔ مذکوره بین‌الشرکامنقسم است از هیجده حجر و ببلوك مذکوره جاری و مزروع می‌گردد با جمیع ملحقات و مضافات و منسوبات این قری مذکوره از اراضی عامره و غیرعامره و میاه و عیون و

انهار و آبار و اشجار مورقه و غیرمورقه و مثمره و غیرمثمـره و قنوات و مواضع ـ الطواحین و هرچه ملکیت را شاید و در تحت تملك و قید تصرف درآید مما ذکرفیه اولم‌یذکرسوی‌المستثنیات‌الشرعیة‌من‌المساجد والمقابر والطرق والسکك وسوی‌حقوق سعی‌المسلمین وسوی‌بقاع‌الخیر والاملاك‌الغیرالمتعارف بین‌اهالیها ∴ براولادکرام خود و براولاد اولاد خود و بـراولاداولاداولاد خودماتوالدوا وتناسلـوا بطناً بعدبطن و قرناً بعدقرن از ذکور و اناث وبعد انقراضهم عوذاً بالله بر اقارب وعشایرخود الاقرب فالاقرب و بعدهم علی‌فقراء المسلمین و محاویج‌المؤمنین‌الی ان‌یـرث‌الله‌الارض و هو خیرالوارثین وقفاًصحیحاً وصدقة صریحة نافذة لازمة . . . مخلدة محبوسة‌لافسادفیها ولارجعةلها للواقف فی‌شیء منها لاعلی‌سبیل تخییر ولاعلی مواضعة بل‌خالصاً لوجه‌الله تعالی و طلباً لمرضاته‌لایباع ولایرهن ولایتلف قائمة علی‌اصولها و شرط کـرد حضرت واقف مشارالیـه تقبل‌الله تعـالی‌منه کـه حاصل وقف مـذکـور را بعد از عمـارات ضروریهٔ‌آن و مؤنات و تکالیف و اخراجات دیوانی براولاد مذکورون بشرح و طریـق مذکور للذکر مثل حظ‌الانثیین قسمت‌نمایند وجمیع تصرفات‌که منافی وقفست‌اجماعاً اوعندالبعض از وقف مذکور مرتفع شناسند و زیاده از سه سال باجارت ندهند لابعقد واحد ولابعقود متعدده و بمردم متغلبه وکسانی‌که اخذ بدل اجارت ازیشان متعذر و یـا متعسر باشد باجارت ندهند وتولیت وقف مذکور راحضرت واقف مشارالیه خلدت ظلال عظمته برنفس نفیس‌خود مفوض‌گردانید مادام حیوته طول‌الله‌تعالی‌عمره بالسعادة والاقبال و بعده براصلح واکفی اولاد خود وبعدهم والعیاذبالله براصلح واکفـی اقارب خودالاقرب فالاقرب وبعدانقراضهم عوذاًبالله قاضی نافذالامر استراباد هرکس‌راصلاح داند تعیین فرماید و حضرت واقف مشارالیه موقوفات محدودات مذکورات رابتولیت مذکوره متصرف شد فلماتم هذه‌الامور بکیفیة‌المزبـور قداتصـل‌بصحة هـذاالوقف و جوازه و لزومه حکم قاضی‌الاسلام علی‌کافة‌الانام بعدالتخاصم والترافع‌لدیه و وجـود

شرائط صحة الحكم و جواز القضاء عالماً بمحل الخلاف وترجيح الاقوال الذی ستوشح ذيل هذا المسطور بسجلة الشريف ادام الله ظلال معاليه فقدصار جميع مالك محكوماً بصحتها و لزومها فمن غيرشرطاً من ذالك اوشطراً اوسطراً بلاجهة شرعيه فقدباء بغضب من الله وحسبه جهنم وساب مصيرا .

وكان ذالك في شهر ربيع الاول سنه تسع عشر و تسعمائه.

[برحواشی وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع الوقف المذكور كماشرح من جناب المشار اليه طال بقاه لدی وحكمت بصحته حكماً صحيحاً وانا العبد بهرام بن شمس الدين عفی عنهم . [جای مهر]

من الشهود بمافيه الداعی محمد بن علاء الدين الحسينی المشهدی.

من الشاهدين الفقير الی الله الغنی هيبت الله بن فضل الله الملقب بخصال الحسينی ...

شهد بمافيه حرره العبد بهرام بن اسكندر الحسينی. [جای مهر]

من الشاهدين بمضمون المسطور فی الصدر وانا العبد عبدالقادر بن حكيم ... التوفی عفاه الله عنهما .

من الشاهدين. الفقير الی الله الهادی... محمد بن عز الدين الطالب الاسترابادی.

[جای مهر]

و ماشهدنا الا ماعلمنا. حرره العبد احمد سيفال .

الشاهد بمافی المسطور والواقف علی الوقف المذكور رفيع الدين حسن بن عمادی الحسينی.

[جای مهر]

وقفت بمضمونه . العبد افضل. . .

علی الوقف المزبور علی الوجه المسطور عبدالعلی نصير الدين.... [جای مهر]

وانا علی ذلك من الشاهدين. حرره الفقير سديد بن مجد الدين مولده كرده چمن .

شهد بمافیه کمال الدین حسن بن محمد الحسینی روشنابادی . [جای مهر]

ولا تکتم الشهاده . حرره العبد عبد المؤمن بن عبد المطلب بهرام .

شهد بمافیه. حرره العبد نوزر. [جای مهر]

وانا علی ذلک من الشاهدین. حرره الحاجی ملک حسن بن ابو الحسن السماك .

اشهد بما اعلم. حرره العبد شرف الدین علی الحسینی الاسترابادی .

شهد بمضمونه. حرره حاجی میری (؟)

من الشاهدین. حرره زین العابدین الحسینی الاسترابادی .

ذلک کذلک. حرره ولی الاسترابادی .

شهد بمضمونه. عبدالله الاسترابادی.

شهد بمافیه. کمال ... [جای مهر]

شهد بمافیه. محمد... [جای مهر]

الشاهد بمافی المسطور والواقف علی الوقف المذکور. حرره حسام الدین بابالوری .

شهد بمضمونه. یعقوب بن محمد .

الشاهد بمافیه المسطور . محمد بن علی العقیلی .

وانا علی ذلک من الشاهدین . محمد بن عبد المجید الاسترابادی.

شهد بمافیه . طاهر کلعلائی. [جای مهر]

شهد بمافیه. حسن بن علی نقی. [جای مهر]

شهد بمافیه شهمیر محمد ... [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره العبد محمد نظام فارسکی. [جای مهر]

انا علی ذالك من الشاهدین. نظام بن ابو تراب النیسابوری .

من الشاهدین . صدرالدین محمدبن حسین الحسینی .

من الشاهدین . قاسم ابن جمال الدین الاسترابادی .

اشهد بمضمونه. حبیب‌الله ابن حبیب الاسترابادی .

الشاهد به. عمادالدین حسن بهرام .

یشهد بمضمون المسطور. العبدعلی طبیب الاسترابادی .

شهد بمضمونه. العبد محمدباقر بن حاجی گرشاسف الاسترابادی .

شهدبمضمونه. العبدهیبت‌الله بن نعمت‌الله عزالدین استرابادی

شهد بمضمونه. حرره الفقیر جلال‌الدین محمود بن قاسم سبزواری .

من الواقفین العبد شمس‌الدین علی . . .

من الشاهدین. علی . . . فخرالدین الحسینی . [جای مهر]

شهدبمافیه. نظام‌الدین بن جمال‌الدین. [جای مهر]

شهد بمضمونه. حرره ابوطالب کمال صوفی . [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره العبد هیبت‌الله ساوری .

حرره العبدالفقیر محمدبن حسن الحسینی . [جای مهر]

شهدبمافیه مذکور مسطور . حرره العبدالفقیر محمدبن ملا نصر بن جعفرالحسینی .

هو

وقف مذکور بر نهج مسطور از من صادر شد والعبدالفقیر مظفر بن فخرالدین البتکچی غفر ذنوبه . [مهر خواجه مظفر که بر آن «ناد علیاً مظهر الخ...مظفر فخرالدین بتکچی» خوانده می‌شود] .

ماسطر فی‌هذه‌المسطور بیان واقع و وقف صحیح شرعی و انا علی ذلك من الشاهدین الصادقین العبد الداعی نظام‌الدین . [جای مهر]

مضمون المسطور حق و صدق و بیان واقع و انا العبد الفقیر الی الله الغنی قاسم بن علی ... النجفی عفی الله عنهما .

شهدت علی اقراره دام ظله العالی فی طاعة الله مادامت الایام واللیالی. حرره الحقیر الفقیر الی عفو مولاه المتکل علیه لا علی سواه علی بن محمد بن طی عفی عنهم و عن المؤمنین والحمدلله رب العالمین. [جای مهر]

۳

وقفنامهٔ خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی مورخ ۹۲۰ هـ. ق.

متن این وقفنامه که در هفتم ربیع‌الاول سنهٔ ۹۲۰ تنظیم شده با متن وقفنامهٔ مورخ ربیع‌الاول سنهٔ ۹۱۹ هـ. ق. از لحاظ عبارات اختلافاتی دارد ولی رقبات موقوفات تا آنجاکه مقابله کردیم یکسان است و واقف در وقفنامهٔ مورخ ۹۲۰ هـ. ق. تغییراتی در شرایط وقف داده است . اینك برای نشان دادن این اختلافات متن این وقفنامه را از جایی که رقبات بلوك انزان را شرح می‌دهد تا آخر در اینجا می‌آوریم تا با سنجش این‌دو موارد اختلاف روشن شود .

. . . .

. . . .

و ازآنجمله است محدوداتی که واقع است ببلوك انزان منها همگی و تمامی ربع شایع کامل از مجموع قریهٔ معروفهٔ سیاه‌جوی محدود بحدود اربعه حدشرقی آن متصل

خندق خرابهٔ شهر که مشهورست حدغربی آن متصل قریهٔ سرطاق که مشهورست فاصله زرداب کیله حدشمالی آن پیوستهٔ بساحل دریاء قلزم حدجنوبی آن پیوستهٔ قریهٔ کارکنده و بهادرکلاته که مشهورست و منها همگی و تمامی ثلث مشاع از مجمـوع قریهٔ معروفهٔ نوکنده محدود بحدودار بعه حدشرقی آن پیوستهٔ موضع جیپاکنده که محدود ومذکور میگردد حد غربی آن پیوستهٔ قریهٔ لوان معروف بدرودارکوران کشیده بخانهٔ محمدبن باباعلی و بخانهٔ فخرالدین پولکی و کیله جوبن و توتستان لوده‌سر کشیده تا بدریاء قلزم که معروف و مشهورست حد شمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حـد جنوبی آن پیوستهٔ بسامان قریهٔ نوکنده که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ بسامان ابلیس کنده معـروف بخاك انوشیروان تا پشتهٔ اوجاکه معلوم و متعارفند و منها همگی و تمامی قریهٔ معروفه بده‌گاه محدود بحدود اربعه حدشرقی آن پیوستهٔ موضع جیپاکندهٔ مذکوره حدغربی آن پیوستهٔ ابلیس کندهٔ مذکوره حدشمالی آن پیوستهٔ بشارع عام ساری حد جنوبی آن پیوستهٔ بکوه مشهور بابران ومنهاهمگی و تمامی پنجدانگ و یکطسوج ازمجموع شش سهم شایع قریهٔ معروفهٔ جیپاکنده واقع بموضع مذکور حدشرقی آن پیوستهٔ قریهٔ دشتی کلاته که مذکور میشود حدغربی آن پیوستهٔ قریهٔ دیزگاه که مشهورست بعضی و بعضی پیوستهٔ قریهٔ نوکنده که مذکورشد حد شمالی آن پیوستهٔ بدریاء مذکور حد جنوبی آن متصل بشارع عام و منها همگی و تمامی سه‌ربع شایع کامل ازمجموع قریهٔ معـروفهٔ گز حدشرقی آن پیوستهٔ قریهٔ جوحسن نمرودی که مشهورست حدغربی آن پیوستهٔ قریهٔ دشتی کلاته که مذکورمیشود حد شمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حدجنوبی آن پیوستهٔ بشارع‌عام و منها همگی و تمامی ربع شایع کامل از مجموع قریهٔ دشتی‌ـ کلاته حدشرقی آن پیوستهٔ قریهٔ گز که مذکورشد حدغربی آن پیوستهٔ قریهٔ جیپاکنده که مذکور شد حدشمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حدجنوبی آن پیوستهٔ بشارع‌عام و منها همگی و تمامی قریهٔ مشهورهٔ حسمری حدشرقی آن متصل موضع مشهور والدافرا

که معروفست حدغربی آن پیوستهٔقریهٔگز که مذکورشد حد شمالی آن پیوستهٔ دریاء قلزم حد جنوبی آن پیوستهٔ شارع عام و منها همگی و تمامی مجـری دو حجرو دو دانگ حجر آب منشعب از رودخانهٔ مشهورهٔ بخواسته‌رودکه از غایت شهرت ووضوع محتاج بتعریف و توصیف نیست و تمامی رودخانهٔ مذکورهٔ بین‌الشرکا از هجده حجر منقسم است با جمیع‌ملحقات و مضافات و منسوبات آن محدودات مذکورات ومواضع وقف مذکورازعامره وغیرعامره ومیاه وعیون و آبار وانهار واشجارمثمره وغیرمثمره و قنوات و طواحین دایـره و غیر دایره و آسیاخانها و باغات و محوطات و عمارات و حمامات و دکاکین و هرچه ملکیت را شاید و در قید تصرف درآید ذکرفیه‌اولم یذکر داخلاً فیهااوخارجاًعنهاسوی‌المستثنیات‌الشرعیه من‌المساجد والمقابر والطرق‌وبقاع‌ـ الخیر وغیرها و وقف‌کرد حضرت واقف‌مشارالیه آن مواضع‌مذکور موصوفه راکلاً او بعضاً چنانچه معین شده براولادکبارموجودین‌خودکه اسامی شریفهٔ ایشان سابقاًمذکور شد و بلفظ وقفت هذه‌المحدودات قربةالی‌الله تعالی علی‌الاولاد المذکورین علی‌الشرح المسطور ثم‌علی‌الفقراء المسلمین بلفظ نمود و حال آنکه عـالم بمعنی آن بود و آن اولاد مذکورون چون کبار بودند قبول فرمودند و این حضرت واقف مشارالیه آن موقوفات مذکورات را تخلیه‌کرد و بتصرف آن اولادکبار که طبقهٔ اول موقوف علیهم بودند بازگذاشت و ایشان قبض آن نمودند فصار هذالوقف وقفاً صحیحاً شرعیاً لازماً منجزاً مشتملاً علی‌الایجاب‌والقبول بالشرایط‌المعتبرة فلایباع ولایوهب ولایمهر ولاـ یرهن و لایملك بوجه من‌الوجوه و سبب‌من‌الاسباب وجعل‌حضرةالواقف آخرهذالوقف لفقراء المسلمین الی‌ان یرث‌الله‌الارض و من‌علیها وهوخیرالوارثین وشرط‌کرد حضرت واقف مشارالیه‌که متولی‌آن موقوفات خود باشد مادام‌حیوته و هرنوع تصرفی‌که‌خواهد از ازدیاد و نقصان کسی را بروی ولایت اعتراض نباشد و چون مدت حیوة او منقضی گردد هرکس از اولاد اوکه اصلح واکفی باشد متولی‌باشد واگر همه در صلاح‌وکفایت

برابر باشند هرکدام‌اسن باشد متولی باشد و اگرجمعی از اولاد درجمیع صفات‌مذکوره مساوی باشند همه متولی باشند و حق‌التولیه میان یکدیگرعلی‌السویه قسمت‌نمایندو اگر عیاذاً بالله تعالـی از اولادان واقف مذکور و اولاد اولاد او و اولاد اولاد اولاد او بطناً بعد بطن ذکراًکان اوانثی در هیچ بطن‌کسی نماند از اقارب او هرکدام اصلح و اکفی باشد متولی این وقف او باشد و اگر در صلاح برابر باشند همه متولی باشند و اگرعیاذاً بالله از اقارب حضرت واقف مذکور کسی نماند از اجانب هرکسی‌راکه‌قاضی نافذالامر بلدةالمؤمنین استراباد مصلحت‌داند و بجهة تولیت تعیین فرماید وی متولی باشد ومقررفرمودکه ازمحصولات‌موقوفات مذکورات‌ابتداکنند اولاً بمؤنات‌دیوانیّه و مطالبات سلطانیه و ثانیاً بعمارات این موقوفات و مرمت ثغورآن و اصلاح اخلال و فسادات‌که متوجه آن باشد و آنچه باقی ماند چون متولی خود باشد از بقیهٔ‌محصولات این موقوفات آنچه خواهد تصرف نماید و تتمه رامیان اولاد بهر نوع خواهد قسمت نماید و اگر متولی از اولاد باشد بعد از آنکه تکالیف دیوانیّه و عمارات ضروریه را مستخلص کرده باشد از بقیهٔ محصولات این موقوفات بجهة حق‌التولیه خمس گیرد و تتمه را میان خود و سایراولادللذکر مثل حظ‌الانثیین قسمت نماید و مقرر فرمود که هرکدام از اولادکه ودیعت‌حیوة بمتقاضی اجل‌سپرند اولاد او قائم‌مقام اوباشند وآنچه حصهٔ او بود میان یکدیگر للذکـر مثل حظ‌الانثیین قسمت نمایند واگر او را فرزند نباشد حصهٔ اورا سایر اولاد حضرت واقف میان یکدیگر بطریق‌مذکورقسمت نمایندو شرط فرمود حضرت واقف مشارالیه‌که‌اگرمتولی از اقارب باشد حق‌التولیه‌عشرگیرد و تتمه رابعد از مؤنات دیوانیّه وعمارات ضروریه میان یکدیگر بطریق مذکور قسمت نمایند واگر متولی از اجانب باشد بعد ازآنکه حقوق دیوانیّه را ادا نموده باشد و بعمارات ضروریهٔ‌آن موقوفات اقدام نموده باشد از بقیهٔ محصولات بجهة حق‌التولیه نصف‌عشرگیرد و تتمه را بوقوف حاکم شرع بلدةالمؤمنین استراباد بمسافران فقراکه

بزیارت مزارات ایمه معصومین علیهم الصلوة والسلم روند بنوعی که مصلحت باشد دهند و اگر بواسطهٔ فترات یاغیر آن کسی متوجه مزارات نباشد ثلثان محصولات این موقوفات را صرف سادات و فقرا و اهل صلاح فقرا که در استراباد باشند نمایند و ثلثی را صرف فقرا حفاظ کلام ملك علام و موالی که در مدارس استراباد باستفادهٔ علوم دینیه اشتغال داشته باشند نمایند و اگر میسر شود در ایام ولیالی متبرکه حفاظ مذکورین را در موضعی جمع کنند که از آیات قرآنیه آنچه توانند قراءت نمایند و نان وحلوا و آنچه میسر شود پزند و میان ایشان و فقرا که درمجلس باشند قسمت نمایند وفاتحه بروح واقف خوانند و شرط کرد حضرت واقف مشارالیه که آن محدودات موقوفات را بزیاده از سه سال باجارت ندهند نه بعقد واحد ونی بعقود مختلفه و بکسانی که استیفاء بدل اجارت از یشان متعذر یامتعسر باشد یا توهّم ادعای مالکیت باشد ندهند و شرط کرد حضرت واقف مذکور که صدور عظام و گماشتگان ایشان و هیچ یك از ارباب اقتدار درین محدودات موقوفات مدخل نکنند و نسخهٔ جمع و خرج از متولی آن نطلبند و از محصولات آن چیزی طمع نکنند و من غیر شیئاً مما ذکر او شرطاً مما سطر فقد باء بغضب من الله و حسبه جهنم وسارت مصیرا و بعد ذلك کله این اولاد امجاد مذکورون حضرت واقف مذکور آن محدودات موقوفات مذکورات را بتصرف حضرت واقف مذکور باز گذاشتند و آنحضرت من حیث التولیه تصرف نمود و حالا این محدودات مذکورات وقف صحیح شرعیست و بتصرف آن حضرت واقف بوقفیت است بنا بر تولیتی که شرعاً متعلق بایشان بود و بعداز حضرت واقف هر کس از اولاد ایشان وغیرهم متصرف این محدودات موقوفات شوند من حیث الوقفیّه والتولیه خواهد بود فمن بدّله بعدما سمعه فانّما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم .

وکان ذلك الوقف الصحیح الشرعی فی تاریخ سابع شهر ربیع الاول سنهٔ عشرین وتسعمایه من الهجرة الحضرة النبویه علیه الصلوة والسلام والتحیه.

[گذشته از نامهای دهکده‌ها و نواحی و بلوك و رقبات موقوفه که عین آنها در متن وقفنامه دیده می‌شود مطالب و عبارات زیردرحاشیهٔ سمت راست و ذیل طومار وقفنامه نوشته شده است :]

بسمه سبحانه

ماقول علماء المؤمنین ادام‌الله برکاتهم اندر آنچه این صورت امر وقف نامه صحیح وشرعی هست یا نی وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله المعصومین الثقة بالله تعالی وحده نسلی و هوسبحانه ...کتبه عبدالحی عبدالوهاب علی الحسینی عفی الله تعالی عنهم بمنّه وجوده .

اشهدنی حضرة الواقف المذکور ادام‌الله ظلاله العالی الی یوم الدین وانا العبد الفقیر المحتاج الی الله الغنی کانت هذه الوقفیه الصحیحه الشرعیه والتذکرة الدینیه محمدبن عبدالقادر بن عبدالوهاب بن حسن الهروی المدعو بنورالقاضی . [جای مهر برسمت راست این عبارات][1]

اشهدنی حضرة الواقف المذکور تقبل الله منه بمافیه المسطور وانا العبد الفقیر الی الله الغنی حسین بن سیف الدین محمد الاسفراینی جعل الله تعالی خیر یومیه غده . [جای مهر گرد در وسط عبارات بالا]

المطلع علی ذلك . معین بن خصال الدین الحسینی .

من المطلعین علی مضمون المسطور . الفقیر احمدبن خصال الدین الحسینی .

فمن له الوقوف علی مضمون هذا المسطور . العبد نسیم الدین بن محمدبن جمال الدین الحسینی . [جای امضاء]

۱ــ مهر گرد حاشیه‌دار باخط نسخ بسیارظریف درحاشیهٔ آن باکلماتی که‌دورمی‌چرخد: «نادعلیاً الخ» و در متن : «رب نورلناعلی السماالعبد محمدبن عبدالقادرالمدعو بنورقاضی و نایب ... القضا» .

من الواقفین علی مضمون ما ذکر فی هذه الصحیفة الشرعیه. العبد... اصباهانی .

الواقف بمضمون هذه المسطور. العبد نظاما الحسینی غفر عیوبه. [جای مهر]

من الواقفین علی مضمون ماذکر فی هذه الوقفیه الشرعیه. العبد الفقیر الی الله الغنی عطاالله بن فضل الله المشتهر بجمال الدین المحدث الحسینی عفاالله عنهما والفقیر الی الله الغنی خصال الدین فضل الله الحسینی . [جای امضاء]

این محدودات مذکورات را من وقف نمودم بشرحی که مذکور شده و شرایط مذکوره از من واقع شده . الفقیر الداعی مظفر بن فخر الدین البتکچی الاسترابادی عفی الله عنهما. [جای مهر گرد واقف]

شهادة العبد الداعی افضل الموسوی. [جای مهر][1]

وقف نمودم بر اولاد .... خود مجری دو حجر آب از رودخانهٔ فخام که مشهورست به چهل گزی .

اشهدنی الواقف علی مافی السطور وجعلنی من الواقفین علی الوقف المزبور. حرره الفقیر الحقیر . [مهر گرد ناخوانا]

یشهد بمافیه. حرره حاجی بن شرف الدین کرباسی . [جای مهر]

الشاهد بما فی المسطور والواقف علی الوقف المذکور. رفیع الدین حسن بن عماد الدین الحسینی. [جای مهر]

انا من الشاهدین. العبد الاقل محمدی پروانچی. [جای مهر]

هو من الشهود علی صحت اقل عباد الله عطاالله غفر الله ذنوبه وستر عیوبه [جای مهر

هو یشهد بمافیه. حرره العبد صنیع الله بن اویس الاردبیل اللطیفی عفی الله عنه.

[جای مهر]

۱ــ مهری گرد باسجع : «افضل الموسوی».

شهد بمضمونه . میر سمرقندی. [جای مهر]

شهد بمضمونه. حرره العبد فخرالدین ... [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره العبد بابانوزر. [جای مهر]

شهد بمضمونه. العبد طاهر کلعلائی. [جای مهر]

یشهد بما یعلم. حرره العبد شرف‌الدین علی الحسینی الاسترابادی.

من الشاهدین باقرار الواقف المذکور بمضمونها ذکر فی هذا المسطور. ابوالمعالی بن بدرالدین حسن الحسینی السماکی الاسترابادی .

من جملة الشاهدین حال اقرار الواقف المذکور بمضمون ماسطر. حرره العبد عمادالدین استرابادی .

من الشاهدین باقرار الواقف المذکور بمضمون ماذکر فی هذا المسطور . زین‌العابدین حمزة الحسینی السماکی الاسترابادی .

شهد بمضمونه . حرره ولی الاسترابادی .

الواقف علیه. حرره العبد داود بن محمد الاسترابادی .

شهد بمضمونه. محمد الامین بن ابرهیم الرضوی .

شهد علی ذلك. اسمعیل بن ابرهیم الاسترابادی .

وانا واحد من الواقفین سدید بن مجدالدین مولده کرده‌چمن .

ما شهدنا الا بما علمنا وانا. العبد الاحقر قاسم ... [جای مهر]

ما شهدنا الا بما علمنا. حرره حسام‌الدین بن حسن کاردگر بابالوری.

وانا واحد من الواقفین. محمد بن تاج‌الدین معلم الاسترابادی .

شهد بمضمونه . محمد بن عبدالمجید الاسترابادی .

شهد بمضمونه. العبد صدرالدین بن فخرالدین الحسینی. [جای مهر]

شهد بمضمونه. هیبت‌الله بن حبیب‌الاسترابادی.

شهد بمضمونه. العبد محمد بن علی العقیلی.

شهد بمضمونه. قاسم بن جمال‌الاسترابادی.

شهد بمضمونه. العبد قاسم‌علی باغبان. [جای مهر]

شهد بمضمونه. میرعلی بن سعدالدین لولی. [جای مهر]

شهد بمافیه. حرره ... [جای مهر]

شهد بمافیه. کمال‌الدین ... [جای مهر]

٤

وقفنامهٔ دنگلان مورخ ۹۲۳ ه. ق.

در این وقفنامه خواجه‌حسن‌خان‌بن مرحوم خواجه‌محمدشریف‌خان دنگلانی، کل شش‌دانگ قریهٔ دنگلان من‌بلوك سدن‌رستاق دارالمؤمنین‌استراباد رابا توابع ولواحق وصحاری واراضی و عیون و چشمه‌سار و جداول وانهار و اشجار واثمار وشرب و مشارب وکافهٔ متعلقات اسلامیه را وقف بر اولاد ذکور خود کرده است و پس از انقراض ایشان بر اولاد اناث و پس از انقراض ایشان برآستانهٔ مطهرهٔ رضویه، و شرایط وقف را در آخر وقفنامه آورده است .

هوالواقف

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی خفیات السرائر الذی وقف عباده لانشاء خیرات وهدیهم الی الاتیان بالمبرات والصلوة والسلام علی اشرف رسله محمدٍ صاحب لواء المعجزات وعلی آله واولاده خیرالبنین والبنات اما بعد بر ضمایر خجسته‌مآثر ذوی‌الآثار روشن و مبرهن است که این دنیای غدار ناپایدار جای اقامت و مقر استقامت نیست و هرفردی از افراد بنی‌آدم را شربت فنا چشیدنیست و انتقال از دارغرور دنیا بمقام سرور عقبی لابّد وضروری که انماالدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت انماالدنیا کبیتٍ نسجته العنکبوت پس هرکسی راکه استطاعت بوده باشد وقوّت و قدرت داشته باشد بایدکه بقدر وسع خودآنچه‌تواند ومیسر شود ازکشتزار دنیاکه الدنیا مزرعةالآخرة جهة راه

آخرة که طریق پر خطر است تصدق فرماید کما قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ارض القیامه نار ماخلا ظلّ‌المؤمن فانه فی‌ظل صدقته یوم‌القیامه و افضل واکمل صدقات صدقه‌ایست که براولی‌الارحام‌و ذوی‌القرابات باشد چنانچه در خبراست از حضرت سیدالبشر علیه‌الصلواةالله‌الملك‌الاکبر که الصدقه علی‌القرابة صدقة وصلة و هم از آن حضرت‌مروی است‌که الصدقة وصلةالرحم تزیدان الاعمار وتعمران‌الدنیا وکلام‌معجز نظام حضرت علیم‌علام قل‌لااسئلکم‌علیه اجراً الاالمودة فی‌القربی دلالة‌عام براحسان ذوی‌القربی و ذوی‌الارحام دارد بناءً علی هذا توفیق‌ربانی وتأییدسبحانی شامل‌حامل حضرت صلاحیت و تقوی شعار عزت و سعادت آثار خواجه‌حسن‌خان‌ابن‌المرحوم المغفور خواجه محمد شریف‌خان‌ابن‌المرحوم المبرورالمحتاج الی‌الله الغنی خواجه عبدالنبی دنگلانی شده ومضمون‌آیة وافی هدایة ماعندکم ینفذوماعندالله باق‌وحکم و انفقوا مما رزقکم‌الله ومنطوق وماتقدموا لانفسکم من‌خیرٍ تجدوه عندالله را پیش‌نهاد خاطر خود نموده وقف‌کرد و تصدق نمود خالصاً لوجه‌الله وابتغاءً لمرضاته و جزیل ثوابه درحال‌صحة نفس و کمال عقل‌آنچه از شوایب غیرعاری بود و در تحت تصرف مالکانهٔ خود داشت بلامانع و مزاحم وآن همگی و تمامی‌کل ششدانگ قریهٔ‌معروفهٔ مشهورهٔ موسومه به دنگلان‌که واقع است‌دردارالمؤمنین‌استراباد من‌بلوك سدن‌رستاق مستغنی از ذکر حد و وصف لغایةالشهرة و نهایةالمعرفة وانفرادالاسم محل‌الوقوع از توابع و لواحق و صحاری و اراضی و عیون و چشمه‌سار و جداول وانهار واشجار و اثمار و مشرب‌و مشارب وکافه متعلقات اسلامیه و موضع طواحن از یکدانگه و دو دانگهٔ قنوات قدیماً وجدیداً داخلاً و خارجاً سوی‌المستثنیات الشرعیه عن‌المساجدو المقابر والطرق والحیاض وحقوق‌سعی‌المعلومة للمسلمین‌آنچه که‌در تحت تصرف و یدتملك او بود برذکور اولاد خود و بعد ازآن بر ذکور اولاد اولاد خود وبعد ازآن برذکوراولاد اولاد اولاد خود هکذا ماتعاقبوا و تناسلوا نسلاً بعدنسل و بطناً بعدبطن و

عقباً بعدعقب و بعد ازانقراض ایشان براولاد اناث خود و بعد از ایشان براولادایشان و بعداز ایشان براولاد اولاد اولاد ایشان و هکذا ماتعاقبوا و تناسلوا نسلاً بعد نسل وعقباً بعد عقب الی‌أن‌یرث‌الله الارض و من‌علیها و هوخیرالوارثین و بعد ازآن براولاد اناث و اولاد اولاد وهکذا [واگر] منقرض شوند وقف باشد برآستانهٔ منورهٔ مطهرهٔ معطرهٔ مشرفهٔ مقدسهٔ صدر مرتبهٔ رضیهٔ رضویهٔ حضرت‌امام همام ثامن‌ضامن واجب‌الطاعة مفترض الاطاعة‌امام‌الجن‌والانس‌امام‌الغریب‌المهموم،الشهیدالمغموم‌المسموم‌بدرالنجوم شمس‌الشموس انیس‌النفوس‌المدفون بارض طوس و تولیت وقف مذکور را واقف مشارالیه بر نفس خود مفوض‌گردانید مادام حیوته و بعده‌براصلح و اکفی واتقی واکبر اولاد ذکور او باشد و بعد ازآن باولاد اولاد ذکور او و هکذا وچون از اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور او العیاذ بالله کسی نماند و منقرض شوند تولیت ازآن اصلح واتقی اولاد اناث او باشد ماتعاقبوا و تناسلوا وچون اولاد اناث و اولاد اولاد اناث هکذا منقرض شوند تولیت متعلق باشد بمتولی‌آن آستان ملایك پاسبان و در متن عقد وقف شرط نمود واقف مزبورکه متولی مذکوربعد از وضع‌مؤونات زراعت وخراج‌سلطانیه و حقوق دیوانیّه عشرحاصل مؤونات‌را بحق‌التولیه‌فراگیرد و در وجه معیشت‌خودصرف نماید و تتمهٔ حاصل را میانهٔ موقوف‌علیهم بالسویه قسمت نماید و اگر از اولاد کسی نمانده باشد تتمهٔ حاصل را در مصالح‌آستانهٔ مقدسه از اطعام فقراء ومساکین وفرش و روشنائی صرف نماید وهی صحیح شرعی‌که نفروشند و نبخشند وتملیك و تملك جائز ندانند و مطلقاً هبه ننمایند و رهن نگذارند و برمردم متقلبه وکسانیکه اخذ بدل‌الاجاره از ایشان متعذر یا متعسر باشد باجارت ندهند و زیاده ازسه‌سال باجارت ندهند و صیغهٔ شرعیهٔ وقف موافق قانون شریعت مقدسه جریان یافت هذا ماعندنا الیه والعهدة فی‌الدارین علیه فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم.

کتب ذلك فی‌شهر شوال ختم بـالخیر والاقبال من‌شهور سنه ثلاث وعشرین وتسعمـائه من‌الهجـرة النبویه‌المصطفویه .

[برحواشی وقفنامه عبارات زیر نوشته‌شده است :]

هذا السواد مطابق‌لاصله و قد قابلته . [محل خاتم مرحمت‌قرار حاجی سیدمحسن طاب‌ثراه]

بسم‌الله تعالی شأنه

بعدالمقابله وجدت‌السواد مطابقاً‌لاصله‌المعتبر . حرره اقل‌الطلبه[محل مهر سید‌الفقهاء مرحوم آقا محمدآقا قوام‌الدین]

قد وجدت بعدالمقابله مع‌الاصل الاصیل الممهور سیان‌الآثم . [محل خاتم شریف شریعتمدار آقا ملااسماعیل ستون رحمة‌الله علیه]

[ایضاً محل‌خاتم‌مرحوم‌مبرور آقا سیدمحمد موسوی خلف مرحوم آقاسید محمدباقر].

هو

قد قابلت هذاالسواد مع‌اصله‌الذی قراءت علی‌متن‌اثق‌به‌المعتبرغایته الموثوق به‌مئهاه(؟) الصحیح‌المصحح‌المستضح‌قصدیه‌المعمول‌مضمونه‌حسب‌السیره المعتبره مهذبه فوجدتهما سیین‌مطابقین‌غیـر متخالفین فهوفـی‌اعتباره‌کاصله‌الـذی‌وصفناه . حرره‌الاقل‌فی‌شهر شوال‌المکرم‌من‌شهور۱۲۸۵ . [محل‌خاتم‌شریف‌مرحمت‌قرار آقای آقاشیخ‌محمدصالح ابن‌آقای حاجی ملامحمدتقی عطرالله مرقده].

قد قابلت‌هذا مع اصله‌الاصیل و وجدتهماسیان‌والعمل فی‌هذاالزمان علی‌النهج‌المسطور فی‌الورقه حسب‌ماکان فی‌الازمان الماضیة بالنسبة الی‌الواقف والتولیه حررة فی ۶ شهر شوال ۱۲۸۵ . [محل مهر مرحمت‌قرار شریعتمدار آخوند ملاخلیل ایلواری نورالله مضجعه]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

هذاالسواد موافق‌لاصله و قدقابلته مع‌ثقه ولقدحررته [محل خاتم رضوان‌مکان فاضل میان‌آبادی] [محل خاتم جنت‌آرامگاه حاجی‌آقا سیدمحمد صادق‌مجتهد طاب تربته‌الشریف]

حررته‌بیدی‌شوال ۱۲۸۷. [محل خاتم فردوس‌مکان‌آقای ملا محمدباقر ستون]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

وقدقابلته‌مع‌اصله‌الاصیل‌وجدتهماسیان ومطابقاً لاصله من‌المبدءالی‌التاریخ ولقد حررته‌بیدی فی‌شوال ۱۲۸۵ و اناالاقل. [محل خاتم خلدمکین حاجی محمدکاظم حاجی‌آبادی]

هذاالسواد مطابق‌للاصل وقدشهدت عندالمقابلة والمطالعه واناالعقیلی. [محل‌خاتم مرحمت‌آیت سید حبیب‌الله واعظ]

وجدت‌بعدالمقابلة هذاالسوادمع‌الاصل سیان وقدحررت فی‌ثانی‌من‌شهرشوال‌المکرم من‌سنه ۱۲۸۵. [محل‌خاتم‌شریف حجة‌الاسلام آقا ملاآقامحمد مجتهد]

هذاالسواد مطابق‌لاصله فان... واضح باشد این ملك مزبور وقف است و عمل بوقفیت میشودوهذه فی ۳ شهر شوال‌المکرم ۱۲۸۵ . [محل خاتم مرحوم ملا محمدولی کردمحلی طاب‌ثراه]

بسم‌الله تعالی شأنه

اصل وقفنامه صحیح و معتبر واملاك مزبوره محکوم بوقفیت است و ایـن‌سواد بحسب آنچه خود مشاهده ومقابله نموده‌ام موافق و مطابق بااصل وقفنامه است حرره‌الاقل حفظةالشریعةالطاهره . [محل خاتم مرحوم مبرور مـروج‌الاحکام آقـای‌حاجی‌آقا سید مصطفی عطرالله مرقده‌الشریف]

هذاالسواد مطابق لاصله‌الذی لاحظته خطاً بخط و حرفاً بحرف بحیث‌لااحتمل‌الخطاء والسهو خفی‌فهذا مثله‌فـی‌الاعتبار والاعتماد ولقدا ثبته فی‌شهرشوال‌المکرم من‌شهور ۱۲۸۵ . [محل خاتم مرحوم شیخ‌الفقها آقا شیخ علی‌شمس‌العلماء و خلدمکین آقا سید احمدصدر]

بعد از ملاحظه و مقابلهٔ تام دراصل وقفنامچهٔ معتبره این سواد را فـرع مطابق لاصله الاصیل الذی وقف‌الواقف‌المرحوم‌القریة‌التی الـمسماة بدنگلان علی‌اولاد الـذکور نسلاً بعدنسل وهکذا بعدالانقراض باولاده‌الاناث و هـکذا ثم‌بعدالانقراض لامام‌الثامن حررته بیدالیمین. [محل خاتم‌مرحوم ملامحمدباقر مروی]

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

لایقری‌الشك‌والریب مع‌اتفاق هـولاءالنقباء من‌الفضلاء والامناء فی‌تطابق‌السوادمع ـ الاصل و حکم بعضهم بماحکموا حرره‌الاقل . [محل خاتم‌شریف و مهرمنیف حجةالاسلام ملا محمدنبی نوکندی]

السواد مطابق‌لاصله‌انشاءالله. [محل‌خاتم مرحوم‌آقاملا علی دنگلانی طاب‌ثراه]

و قدقابلته و وجدته مطابقاً لاصله‌الاصیل حرره الاقل. [محل خاتم‌مرحمت‌قرار آخوند ملا محمد نصرآبادی رحمةالله]

و قدعلمت ان السواد المنقوش فی هذه الورقه مطابقاً لاصله الاصیل وخال عن الارتیاب والتخیل و موافق بما استفیض فیه من عدم التغییر والتبدیل وكان فی ثالث شهر شوال المكرم ۱۲۸۵. [محل خاتم شریف مرحمت آیت آقا شیخ احمد علی کردمحلی] ، [محل مهر مرحوم ملاآقا باباپلنگ]

لایخفی علی المحسنین والاخوان السالكین الی الله . . . انی بعد ان قابلت السواد مع اصله الاصیل وجدتهما سیان ومثلان والعمل به فی هذه الازمنه یكون كما كان بلازیاده و نقصان و بعد حرره الراجی الی رحمة ربه الرحمن فی ثامن و عشرین شوال ۱۲۸۵ یا امام زین العابدین . [محل خاتم مرحوم آقاشیخ زین العابدین] عبده الراجی عبدالرزاق [محل خاتم حجةالاسلام آقا شیخ عبدالرزاق] یاعلی [محل مهر آقا علی خلف مرحوم حاجی آقابزرگ]

سواد مطابق سواد معتبر ممهور بمهر علماء اعلام سلف و خلف استراباد است كه فعلاً در ید بنده موجود است ۹ خورداد ۱۳۰۵ محمد دنگلانی .

هوالمستعان بعدالمقابلة وجدته مطابقاً لاصله الاصیل المعتمد حررته فی اربعة عشر مضین من شوال سنهٔ ۱۳۴۴ الاحقر الجانی . [جای مهر][1]

قدقابلت هذاالسواد مع الاصل وجدتهما سیان والعمل فی العین الموقوفه فی هذالزمان علی الطریق المسطور فی الورقه كماكان فی الازمنه الماضیه قد حررها حرره الاقل الراجی فی شهر شوال من شهور ۱۲۸۵ عبده الراجی محمدحسن الموسوی. [محل خاتم مرحوم حاجی آقا محمدحسن سفیری رحمه‌الله]

السواد مطابق لاصله الملحوظ ا ح م د . [محل خاتم مرحمت قرار آقاسیداحمد بنی كریمی]

۱ـ مهری با سجع : «غلامحسین».

قدقابلت هذا مع اصله الاصیل و وجدتهماسیان والعمل فی هذاالزمان علی النهج المسطور فی الورقه حسب ماکان فی الازمان الماضیه بالنسبة الی الوقف والتولیة حررته فی شهر شوال ۱۲۸۵. [محل مهر مرحوم ملامحمدهزارجریبی] [محل مهر ملامحمددنگلانی]

سواد مطابق باسواد است ۹خرداد ۱۳۰۵ اسدالله اسفندیاری .

[مهر ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد]

۹ خرداد ۱۳۰۵ تلو ۳۸. در دفتر اوقاف استراباد ثبت شد اسدالله اسفندیاری .

[مهر ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد]

در تاریخ ۲۴ دی تلو ۳۱ ثبت دفتر اوقاف شد . امین معارف واوقاف استراباد.

⊚

وقفنامهٔ سدن و فوجرد وآلوکلاته مورخ ۹۴۰ ه . ق.

در این وقفنامه امیرسید لطیف شاه‌الحسینی قریهٔ سیدکلاته مشهور به سدن از محال روستاق استراباد وهمگی قریهٔ فوجرد راباملحقات برزوار وابناءالسبیل زوار روضهٔ مقدسهٔ حضرت رسول‌اکرم وقف کرده است و همچنین دو دانگ از شش‌دانگ قریهٔ آلوکلاته(علوی کلاته) راباجمیع مایتعلق بهارا وقف برزوار وابناءالسبیل زوارمتبرکهٔ رضویه‌که اثنی‌عشری بوده باشندکرده است و شرایط وقف را درآخر وقفنامه ذکر کرده است .

هوالموفق تعالی شأنه

الحمدلله الواقف علی الضمائر المطلع علی السرائر الذی وفق عباده لانشاء الخیرات و هدیهم الی الاتیان بالمبرّات والصلوة والسلام علی اشرف رسله محمدصاحب لواءالمعجزات و

علی اولاده و ابناءه خیر البنین والبنات و بعد چون دنیا محل فوات وزوال و مقام فنا و ارتحال است لهذا وقف کرد خالصاً لله تعالی شأنه حضرت سیادت منقبت حامد نبی الخاتم و هاشم وعبدمناف زین السادات والعلماء والاشراف امیرسیدلطیف شاه الحسینی همگی و تمامی قریهٔ سیّدکلاته مشهوره بسدن من محال روستاق استراباد را باجمیع متعلقات آن از میاه رودخانهٔ شصت کلاته متعلقه بآن و قنوات وغیرها را و همگی قریهٔ فوجرد مع الملحقات المتعلقة بها که از جهت تفرّد اسم و شهرت از تحدید مستغنی است بر زوار و ابناءالسبیل زوار روضهٔ مقدسهٔ حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که اثناعشری بوده باشند و تمامی دو دانگ از ششدانگ علوی کلاته مشهور بهٔ آلوکلاته مع جمیع مایتعلق بهـا را بر زوار و ابناءالسبیل زوار آستانهٔ متبرکهٔ امام ثامن ضامن علی ابن موسی الرضا علیه الصلوة والسلام که اثنی عشری بوده باشند و شرط کرد واقف که زوار جهـة ازدیـاد عمر و دولت حضرت نواب پادشاه اسلام کـه اثناعشری بـوده و استیصال اعدای او دعا و زیارت نموده باشند و تولیت موقوفات را بحضرت امیرمحمد امین الشهیر به آقا ملا نوادهٔ خود مفوض داشته و بعد از او بارشد و اصلح اولاد واولاد اولاد او و بعدهم بارشد و اصلح اولاد اقرب قرار داد و حق التولیه را سدس از منافع مقرر نمود.

وکان ذلـک فـی شهـر رمضـان المـبارک سنة اربعین وتسعمائه من الهجرة النبویه سنهٔ ۹۴۰.

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

الفرع مع الاصل سیان ولقد حـررته فـی السابع مـن شهر رمضان المبارک ۱۲۸۹ .

[جای مهر][1]

۱ــ مهری بیضی با سجع : «محمدابراهیم».

بعدالمقابله وجدت هـذا سواد مطابقاً للاصل المعتبر حـررته فـی سابع والعشرین من محرم الحرام ۱۲۹۰. [جای مهر][1]

هوالمستعان لاشك ولاریب فی مطابقه هذاالسوادلاصله حررته فـی شهر شعبان من شهور ۱۳۲۹. [جای دومهر][2]

سواد السواد سواداصله الاصیل المعتبر وهماکؤس رهان ورضیعی لبان یتجاربان وانا العبد المعتدی الآثم عبدالکریم .

بسم‌الله تعـالی شأنه السواد مطابق لاصلـه و همـا معتبران فی اوانـنا هـذا ۱۲۹۲ . [جای مهر][3]

هذاالسواد مطابق لاصله. [جای مهر][4]

هذا السواد بعدماقابلته مـع اصل الاصیل المعتبر وجدته مطـابقاً له طابق النعل بالنعل محمد زکی .

هو لاشك فی مطابقة هذاالسوادلاصله المعتمد حررته فی شهرمحرم الحرام من شهور ۱۳۳۳ ابوتراب العقیلی . [جای مهر][5]

هو مطـابق لاصله الاصیل حـررته فـی شعبان ۱۳۲۹ محمـدمهدی الحسینی . [جای مهر][6]

السواد مطابق لاصله المعتبر حررته فی شعبان المعظم ۱۲۸۹. [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی با نام : «محمدحسین» . ۲ـ هر دومهر بیضی: مهر اول با نام: «عباس العقیلی». مهردوم با سجع: «سرالله العقیلی». ۳ـ مهری باسجع: «عبده محمدنبی».
۴ـ مهری با نام: «سیدجمال عقیلی». ۵ـ مهری بیضی بـاسجع: «ابوتراب العقیلی» .
۶ـ مهری بانام: «محمدمهدی الحسینی». ۷ـ مهری بیضی کوچك بانام : « محمدولی ».

بسم‌الله تعالی شأنه السواد والاصل متوافقان حررته بسبعة ایام مضین من رمضان فی السنه ۱۲۸۹ . [جای مهر][1]

بسم‌الله تعالی شأنه هذا السواد مطابق لاصله الاصیل المعتبر طابق النعل بالنعل حرره الاقل محمد ابن قوام الدین الحسینی .

السواد مطابق لاصله الشریف وقد حررته بید الجانی صراط علی حق نمسکه .

بسم‌الله تبارک و تعالی این سواد را با اصل معتبر مقابله کردم خلاف ندیدم حرره الاقل الطلبه الواثق الی الله الغنی عبده یا علی نقی .

سواد مطابق لاصله المعتبر الصحیح لاریب فیه. [جای مهر][2]

سواد مطابق لاصله کفرع من . . . و هما معتبران . . . عندی اقل حفظة الشریعة الطاهره مصطفی العقیلی .

السواد مطابق لاصله حررته فی شعبان ۱۲۸۹. [جای مهر][3]

هـذا السواد مطـابقاً لاصله وقد قـابلناه حـرره الاقل فی شهر ذی قعده ۱۲۹۲ . [جای مهر][4]

هذا السواد علی ما قابلته مع من اثق به مع اصله سیان متطابقان من غیر اختلاف بینهما والاصل معتبر متقن غایتها حرره الاقل فی شعبان ۱۲۸۹. [جای مهر][5]

السواد لاحظته و وزنته وقابلته و وجـدته مطابقاً و موافقاً للاصل حـررته فی ۲۸ شعبان ۱۲۸۹. [جای مهر][6]

۱ــ مهری با سجع : « اللهم اغفر صفی الله ». ۲ــ مهری بیضی با نام : «طاوس العقیلی».
۳ــ مهری بیضی با نام : « محمدصادق العقیلی» . ۴ــ مهری بیضی باسجع: «محمدطاهر الحسینی ». ۵ــ مهری بـا سجع : «یـا صالـح المبین». ۶ــ مهری با سجع : «علینقی الحسینی» .

سواد بااصل ملاحظه و مواجه شد مطابق و موافق بوده حرره الاقل الراجی فی‌سلخ شهر شعبان من شهور ۱۲۸۹. [جای مهر][1]
سواد مطابق اصل است. [مهر ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد]

۶

وقفنامهٔ شهرآشوب و کلاته‌نصری و نصف قریهٔ توشن[2] و تمامی ولاشکی و یك قطعهٔ ملیارستان مورخ ۹۵۰ ه. ق.

در این وقفنامه امیر سیدجلال‌الدین‌محمد ولدامیر سیدلطیف‌شاه همگی قریهٔ شهر آشوب واقع‌دربلوك نواحی و کلاته‌نصری واقع دربلوك استرابادرستاق را سوی‌مستثنیات شرعیه و نصف شایع از قریهٔ توشن و همگی و تمامی قریهٔ ولاشکی واقع در بلوك سدن‌رستاق و ایضاً بوم و عمله و اعیان قائمهٔ یك قطعهٔ ملیارستان واقع در بلوك استرابادرستاق معروف به باغ‌ملك علاءالدین گیلانی را وقف برزوار و ابناءالسبیل زوار ثامن‌الائمه نموده است و شرایط وقف را درآخر وقفنامه یاد کرده است.

هوالموفق

الحمدلله الواقف علی‌الضمائر المطلع علی‌السرائر الذی وفـق عباده لانشاءالخیرات و هدیهم الـی‌الاتیان بـالمبرات والصلوة والسلام علی‌اشرف رسله محمدٍ صاحب‌لواء ـ المعجزات وعلی اولاده و ابنائه خیرالبنین والبنات وبعد چون دار دنیا محل فوات و زوال و مقام فنا وارتحال‌است‌لهذا وقف‌کرد توفیق آثاری امیرسید جلال‌الملة والدین

۱ــ مهری‌باسجع: «محمدحسن‌الموسوی». ۲ــ بفتح تا وسکون واو وفتح‌شین.

محمدبن سیدالمرحوم‌امیرسیدلطیف‌شاه خالصاً مخلصاً لله تعالی وطلباً لمرضاته همگی و تمامی قریهٔ‌مشهورهٔ شهرآشوب‌راکه واقعست در بلوك نواحی وکلاته‌نصری واقعه‌در بلوك استراباد سوی‌المستثنیات‌الشرعیه و حقوق سعی‌المسلمین‌که از جهة تفرّد اسم و شهرت از تحدید مستغنی است با جمله و تمامی یك نصف شایع وکامل از قریهٔ توشن‌که واقعست در بلوك سدن‌رستاق از قراء ولایت مذکوره‌که ایضاً از تحدید بجهة شهرت مستغنی است سوی‌المستثنیات المذکوره و ایضاً همگی و تمامی قریهٔ ولاشکی را که واقعست در بلوك سدن‌رستاق مذکور ازولایت مذکوره سوی المستثنیات‌المذکوره‌که ایضاً آن از تحدید مستغنی است و ایضاً بوم و عمله و اعیان قائمهٔ یك‌قطعهٔ ملیارستان را که واقع است در بلوك استرابادرستاق از اعمال ولایت مذکوره‌که مشهوراست‌بباغ ملك علاءالدین‌گیلانی و لهذا مستغنی است ازتحدید برزوار و ابناءالسبیل زوار امام الجن والانس ثامن‌الائمه‌الاطهارالذی قال‌النبی صلی‌الله‌علیه وآله وسلم فی‌حقه من‌زار ولدی بطوس وجبت‌له‌الجنة‌الامام‌الهام علی‌ابن موسی‌بن‌جعفر علیهم صلوات‌الله الملك‌الاکبر و شرط‌کرد واقف مذکورکه زوار مذکوره درروضهٔ متبرکهٔ علیهٔ عالیهٔ زاکیهٔ مذکوره جهة ازدیاد عمر و دولت و جاه و حشمت حضرت‌نواب‌کامیاب واستیصال‌اعداء آن حضرت دعا نموده از معتکفان آن آستان عالیشأن استمداد فاتحهٔ فایحه نمایند و تولیت موقوفات مذکورات را بحضرت‌نتیجة‌المشایخ‌الکرام قدوة‌الاتقیاء العظام شیخ نورالدین عبدالصمدابن‌الشیخ العالم‌الفاضل الکامل الشیخ کمال‌الدین عبدالعلی نور تفویض نمود و لازم و متحتم‌گردانید و بعد از او برارشد و اصلح اولاد ذکور او و بعدهم بر ارشد واصلح اولاد اقرب باو وبعدانقراضهم العوذبالله هرکس متولی‌موقوفات روضهٔ متبرکهٔ مذکوره باشد بدین امر قیام نماید و شرط‌کرد واقف مذکورکه متولی مذکور یکدانگ ازشش‌دانگ محصولات موقوفات مذکوره را بجهة حق‌التولیة خود تصرف نموده تتمهٔ‌آن را بمستحقین زوارمذکوره بشرط مذکور قسمت نماید و متولی

مذکور قبول تولیت مذکور علی‌النهج‌المذکور نمود .

وکان ذلك فی‌غرهٔ شهر رمضان‌المبارك سنهٔ خمسین و تسعمائة‌الهجریة النبویة .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

قدصح‌السواد حسب‌المرقوم حررت فی‌الرجب سنهٔ ۱۲۹۰. [جای دومهر][1]

هوالمستعان

این سواد صحیح و مترتب‌الاثر است فی‌رابع عشرشهرشوال ۱۳۳۰. [جای‌مهر][2]

السوادمطابق لاصله‌وقدقابلته مع‌اصله وجدتهماسیان حرره الاقل الراجی فی ۹ شهر رجب‌من‌شهور ۱۲۰۹. [جای‌مهر][3]

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

السواد و مافیه من‌الکتب والمداد مطابق للاصل والمراد حرره‌الاقل خادم‌اهل‌العلم والعمل فی شعبان‌المعظم ۱۳۲۹. [جای مهر][4]

هو

هذاالسوادقطعی‌المطابقه لاصله‌حسب‌ماز بر فی‌فوقه‌وذیله‌فیجب‌العمل بتمام‌فقراته‌وفصله. حرره الاحقر فی‌۲۲ شهر شعبان‌المعظم ۱۳۲۹. [جای چهارمهر][5]

السواد مطابق لاصلـه‌المعتبر‌المعتمد بحذافیـره وعلیه‌العمل حرره فی شهر شعبان من‌شهور ۱۳۲۹. [جای‌مهر][6]

۱ـ مهراول بیضی با سجع : «اللهم‌صل‌علی‌محمد وآل‌محمد». مهردوم‌باسجع :«محمد اسمعیل». ۲ـ مهری بیضی بزرگ باسجع : «جمال‌الدین‌بن محمـدصـادق‌العقیلی » . ۳ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسن‌الموسوی». ۴ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده محمدطاهر بن‌محمد». ۵ـ سه‌مهر بیضی‌با سجع:«عبده‌الراجی‌ابو تراب‌العقیلی». مهرچهارم بیضی باسجع:«یعقوب‌الحسینی». ۶ـ مهری بیضی باسجع : «عبده عباس‌علی العقیلی» .

لاشك ولاريب فی مطابقة هذا السواد باصله المعتبر المعتمد بحذافيره و عليه العمل حررته فی شهر شعبان ۱۳۲۹. [جای مهر][1]

لقد قابلت السواد مع اصله وجدتهما سيين بحيث ما وجدت التفاوت علی قدر شعير ما فی البين فی رجب ۱۲۹۰. [جای مهر][2]

السواد مطابق لاصله المطابق للعمل بعد المقابلة مع العادل بل الاعدل و قد حررته بيدی وانا العاصی الجانی .... فی رجب ۱۲۹۰. [جای مهر][3]

السواد مطابق لاصله المعتبر و قد قابلته بحذافيره فی احدی و عشرين من رجب سنة ۱۲۹۰ . [جای مهر][4]

سواد مطابق لاصله وقد قابلته مع العدل حررته فی شهر رجب ۱۲۹۰.

[جای دو مهر][5]

هو

قابلت السواد مع اصله الاصيل المعتبر المعمول به الموثق المعول عليه فوجدتهما سيين متطابقة غير مختلفين تحريراً فی منتصف شهر رجب ۱۲۹۰ الاثم .

[جای دو مهر][6]

۱ـ مهری بيضی باسجع: «سرالله العقيلی». ۲ـ مهری بيضی باسجع: «عبده الراجی عبدالرزاق». ۳ـ مهری بيضی بزرگ با سجع : «صراط علی حق نمسكه». ۴ـ مهری باسجع : «عبده الراجی طاوس العقيلی» . ۵ـ مهر اول بيضی بزرگ باسجع: «عبده محمد صادق العقيلی». مهر دوم بيضی با نام: «قوام الدين محمد الحسينی». ۶ـ هر دو مهر بيضی کوچك است ، مهر اول با سجع : « يا صالح المؤمنين» مهر دوم با سجع: « عبده نصرالله » .

بسم‌الله تعالی شأنه

فرع من‌اصله فی‌بابه وفصله‌کوالد و نسله حررته بیمناه‌القاصر اقل حفظة‌الشریعه الطاهره فی‌رجب ۱۲۹۰ . [جای مهر][1]

هوالمستعان

هذا السواد مطابق لاصله المعتبر ولقد حررته فی ربیع‌الاخر ۱۲۹۲ . [جای مهر][2]

السواد مطابق لاصله‌المعتبر و لقد حررته فی‌ربیع‌الثانی ۱۲۹۲ . [جای مهر][3]

قدقابلت‌السواد مع‌اصله الاصیل‌المعتبروجدتها‌مطابقاً له کطابق‌النعل بالنعل حررته بیدی فی ۱۹ شهررجب‌المرجب ۱۲۹۰. [جای دومهر][4]

هذا السواد بعد ماقابلته‌من‌البدوالی‌الختم وجدته‌مطابقاً لاصله‌الاصیل المعتبرالمعمول فی نوزدهم جمادی‌الاخر ۱۲۹۲ . [جای دومهر][5]

بسم‌الله تعالی شأنه

هذا السواد مطابق للاصل الممهوربالامهار المعتبرة الکثیره حرره الاقل فی‌السنة ۱۲۹۲. [جای مهر][6]

یجب‌العمل بمؤدیه ولایجوزالتخلف عنه حسب ماحرره الاساطین‌الاجله حررته فی‌شهر شعبان المعظم من‌شهور سنه ۱۳۲۹. [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « عبده مصطفی‌العقیلی » . ۲ـ مهری بیضی با نام : « محمد طاهر الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « محمدحسن الموسوی » .
۴ـ مهر اول بیضی باسجع : « قوام‌الدین محمدالحسینی » . مهردوم چهارگوشه باسجع : « یا امام محمد تقی ۱۲۷۸ » . ۵ـ مهراول بیضی کوچك باسجع : « محمد زکی » . مهر دوم بیضی باسجع: « عبده محمدبن محمد علی » . ۶ـ مهری‌بیضی کوچك باسجع: « عبده محمد » . ۷ـ مهری‌بیضی کوچك بانام : « محمدمهدی الحسینی» .

هذا السواد بحسب تصرف المتولی فی‌الاصل المسطوره فی‌هذاالورقه صحیح معتبر معتمد یجب‌العمل بمؤداه و لایجوزالتخلف عن مقتضاه حررته بسبع خلون من‌شهر رجب الاصم ۱۳۳۰. [جای‌دومهر][1]

رونوشت برابراصل است . [مهر ادارهٔ اوقاف‌گرگان]

۷

سواد وقفنامهٔ آقا میرروح‌اللهالحسینی الاسترابادی مورخ ۹۵۲ هـ . ق .

در این وقفنامه آقا میرروح‌الله حسینی استرابادی خلف امیر کمال‌الدین محمود یك باب خانه و اوطاق سفالپوش‌و دوباغچهٔ کوچك و بزرگ واقع در محلهٔ پای‌سرو استراباد و پنجدانگ از قریهٔ میرومحله از قرای بلوك استراباد‌رستاق وششدانگ قریهٔ چوپلانی و چهاردانگ نسرکان متصل به قریهٔ مزبوره را براولاد ذکور و اولاد ایشان‌بطناً بعدبطن و درصورت‌انقراض ایشان به‌ذکور اولاد اناث و پس‌از انقراض‌ایشان به طلبهٔ علوم دینیه وقف‌کرده و تولیت را به خود و اولاد خود وبعداز انقراض به علما و فضلا وصلحای شهر استراباد مفوض کرده و شرایط وقف را درآخر یادکرده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌نستعین

الحمدلله الواقف علی‌الضمایر والمطلع‌علی‌الخفایا والسرایر والصلوة والسلم علی‌محمد صلی‌الله‌علیه وآله‌وسلم‌افضل‌القبائل والعشایر و علی‌آله واصحابه‌الذین هم ائمة‌الصغائر

۱ـ مهر اول بیضی باتزیین و سجع : « عبده محمد طاهربن محمد » . مهر دوم بیضی با سجع : « سلام‌علی ابراهیم الحسینی » .

والکبائر و بعدالحمد والصلوة والسلم برارباب بهیه و حجی واصحاب فطنت و ذکاء مخفی و مستور نخواهد بودکه هرکه حظی و نصیبی از عقل و ادراک و اندک بهرهٔ از شعور و دریافت دارد نظر بمضمون‌صدق مشحون‌الدنیا مزرعةالاخرة واجب و لازمست که درینجهان فانی تخم عملی‌که مثمر ثمرحصول باحوال‌آن جهان باقی شودکشته و چون نظر بمفاد حدیث شریف اذامات ابن‌آدم انقطع عمله‌الحدیث معلوم می‌شودکه بهترین‌اعمال‌صدقهٔ جاریه‌خواهد بود لهذاعالیجناب سیادت‌انتساب معلی‌القاب‌افادت و افاضت اکتساب عمدةالمحققین واسوةالمدققین خلاصةالساداتالکرام ونخبةالفضلا-العظام آقا میرروح‌الله‌الحسینی‌الاسترابادی مدظله‌العالی خلف مرحمت و غفران‌پناه جنت‌آرامگاه رضوانجایگاه امیرکمال‌الدین شمساً للفضیلة والسیادة والنقابة محمود طاب‌ثراه بتوفیقات یزدانی موفق و بتأئیدات سبحانی مؤید شده باکمال رغبت و رضا طلباً لمرضات‌الله تعالی یک‌باب‌خانه واوطاق‌سفالپوش با دوباغچهٔ کوچک وبزرگ واقع در محلهٔ پای‌سرو بلدهٔدارالمؤمنین‌استراباد‌که‌هرچهار متصل‌بهم ومحدودبحدود ذیلند

شرقیاً ———— جنوبیاً ————

خانهٔ حاجی حسین‌مشهور بدراز و خانهٔ اوستاد محمدعلی آهنگر | خانهٔ حاجی ضیاءالدین و کوچهٔ خانهٔ او و کوچهٔ عام

غربیاً ———— شمالیاً ————

خانهٔ عالیجاه معلی جایگاه محمد-حسین‌خان قاجار بیگلربیگی | اوطاق عالیجاه مومی‌الیه

و تمامی پنجدانگ از اراضی رطبه و یا بسه دایره و بائرهٔ عامره و غامرهٔ قریهٔ میرو-محله من‌قرای بلوک استراباد رستاق و ششدانگ قریهٔ چوپلانی وچهاردانگ نسرکان متصل قریهٔ مرقومه‌که از غایت شهرت مستغنی از تحدید و توصیفاند باآنچه تعلق باملاک مسطوره دارد از انهار و اشجار مثمره وغیرمثمره و عیون و قنوات و حقابهٔ

رودخانهٔ ترنگ خلاصه آنچه ملکیت را سزد و شاید و نفعی ازو حاصل شود بهراسم و رسم که بوده باشد ذکر ام لم یذکر سمی ام لم یسم را براولاد ذکور و اولاد ایشان بطناً بعدبطن و عقباً بعدعقب و بعدانقراضهم بذکور اولاد اناث نسلاً بعدنسل هلم جرّا و بعدانقراضهم بطلبهٔ علوم دارالمؤمنین استراباد مرقوم خواه اهل آنجا باشند و خواه غربائی که در آنولا بتحصیل علوم دینیه مشغول باشند باشد وقف صحیح مؤبد و حبس صریح مخلد نموده و تولیت آنرا مادام‌الحیوة بخود و بعد مماته باعلم واصلح اولاد ذکور اگر نباشند باکبرو ارشد ایشان و بعدانقراضهم باعلم و اصلح ذکور اولاد اناث اگر نباشند باکبر و ارشد ایشان و بعدانقراض‌السلسلتین‌العیاذبالله بفقیه جامع‌الشرایط فتوی اگر نباشد بعلما و فضلا و صلحای بلد مزبور مفوض طریق رفتار آنکه مادامی که واقف خود متولی‌است بعد ازجمع منافع مستغلات یکعشر آنراصرف معیشت‌خودو نه عشر دیگر را بعد از وضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك موقوفه در میان اولاد ذکور بالسویه تقسیم و اگر متولی از دو سلسلهٔ اولی بترتیب مسطور الاول فالاول باشند بعد از جمع منافع یك عشر را بعنوان حق‌التولیة صرف معیشت خود و باقی را بعداز وضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك و بعد ازآنکه هرساله ده تومان آنرادرتعزیهٔ جناب‌اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام صرف اطعام مؤمنین نموده و دوازده‌تومان آنراباشخاصی‌داده که در عتبات‌عالیات نائب‌الزیارة واقف شوند میان موقوف‌علیهم‌که یکی‌هم خودش‌است‌بالسویه تقسیم واگرفقیه جامع شرایط فتوی متولی باشد بعد ازجمع منافع یکعشر رامدد معاش خود و بعد ازوضع عوارضات واخراجات مزبورین ثلث باقی راکتب فقهیهٔ استدلالیه واصول و تفسیر و حدیث خریده و بطلبه داده‌که بکار برند واز ایشان قبض‌گرفته‌که‌کتاب گم نشود و دو ثلث دیگر رامیان طلبه بالسویه تقسیم و اگر متولی از علماء و فضلاء غیرفقیه باشند بعد ازعشر حصهٔ خود و وضع عوارضات و اخراجات آنچه بماند کل را میان طلبهٔ علوم دینیه بالسویه تقسیم

نماید مقرر آنکه اگرشوهرهای اولاد اناث فقیر باشند متولی دو سلسلهٔ اول ایشان را داخل موقوف‌علیهم و بطریق للذکرمثل حظ‌الانثیین بایشان حصه بدهند ودرصورتیکه فقیه یا علما متولی باشند اناث را باطلبه مساویاً حصه بدهند وثانیاً آنکه اگر خانه و اوطاق بحادثه خراب شوند متولی‌چنانچه هست ازمال وقف بلکه به ازآن ساخته اگر خود احتیاج داشته بنشیندوگرنه واضح است‌که‌کرایه ووجه‌اجارهٔ‌آن داخل‌منافع‌املاك موقوفه خواهد بود وثانیاً آنکه‌اگرمتولی‌خود نتواند متوجه زراعت وغیره‌بشود‌بهرکه اجاره میدهد زیاده ازسه سال ندهد وصیغةالوقف‌کمارقمت اجریت تغییر دهنده بلعنت خدا و نفرین رسول‌گرفتار شود .

تحریراً فی غرهٔ محرم‌الحرام سنهٔ ۹۵۲ .

[محل مهر واقف موفق رحمه‌الله تعالی وزید درجاته]

[بربالا وسمت راست این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

قد وقع‌الوقف المزبور کمارقم فیه‌لدی‌نمقه‌خاطی . [محل مهر مرحمت‌پناهان سید مفید و سیدمرتضی‌الموسوی]

اقربمافیه‌لدی وانا‌الخاطی . [محل مهرملاآقابابا پیشنماز]

هذا السواد مطابق لاصله الاصیل الخاطی. [جای‌مهر][1]

السواد مطابق‌لاصله . [جای‌مهر][2]

ذا واصله بعدالمقابله سیان اناالعبدالجانی. [جای‌مهر][3]

ذا واصله سیان نمقه‌العبدالجانی. [جای‌مهر][4]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « المتوکـل علی‌الله عبده عیسی » . ۲ـ مهری بیضی باسجع : « جمال‌الدین‌بن علی الرضوی » . ۳ـ مهری چهارگوشه بـاسجع : « الهی بحق‌نبی [و] ولـی ببخشا گناهـان عبـاس‌علی » . ۴ـ دو مهر بیضی بـاسجعهای : « عبده‌الراجی محمدحسین » و « عبده‌الراجی محمدرضا » .

قدوقع الوقف مع جميع ماشرط فيه عندی حرّره العبدالعاصی .

[جای مهر شیخ لطف الله قاضی]

بسم الله عزّ عزّه

ذاواصلة الاصیل سیّان و کتب الحقیر الضریر. [جای مهر][1]

وقع الوقف کما ذبرفیه لدی. [جای مهر ملامحمد مؤمن پیشنماز]

قدوقع الوقف مع جمیع ماشرط فیه لـدی نمقه الجانی .

[جای مهر آقامیر زین العابدین پیشنماز]

ذاواصلة بعدالمقابلة سیّان انا العبدالجانی الخاطی. [جای مهر][2]

ذاواصلة سیان نمقه الجانی . [جای مهر][3]

ذاواصلة الاصیل سیان حرره الاقل الجانی. [جای مهر][4]

ذاواصلة الاصیل سیان حرره الاقل الجانی . [جای مهر][5]

السواد مطابق للاصل. [جای مهر][6]

و هذه السواد مطابق للاصل . [جای مهر][7]

بعداز ملاحظهٔ اصل السواد مطابق للاصل نمقه... [جای مهر][8]

السواد مطابق للاصل العبدالجانی الخاسر. [جای مهر][9]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « عبده مفیدالموسوی » . ۲ـ مهری بیضی باسجع : « عبده محمد صادق الموسوی » . ۳ـ مهری چهارگوشه باسجع: « عبده الراجی محمد نصیر موسوی» . ۴ـ مهری چهارگوشه باسجع : « عبده الراجی محمدزکی الموسوی».
۵ـ مهـری چهارگوشه و مهری بیضی هر دو بـا سجع : « عبده محمدهـادی مـوسوی » .
۶ـ مهری بیضی با سجع : «بود نور چشم محمـد حسن». ۷ـ مهری بیضی ناخوانا .
۸ـ مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمدهادی». ۹ـ مهری بیضی باسجع: «محمدابن محمدابراهیم».

السواد مطابق‌للاصل   اقل‌عبادکربلائی محمد ولدمرحوم باباعزیز شهری نعلبندانی .
[جای مهر][1]

ذاواصلة الاصیل سیان   نمقه‌الجانی الداعی الخاطی زین‌العابدین‌الحسینی .

[جای دومهر][2]

ذاواصلة میلان .   [جای مهر][3]

هوالله تعالی شأنه

سوادالمزبور مطابق وموافق لاصله‌الاصیل   محمدبن عباسعلی بن رضی‌الله.

السواد مطابق للاصل.   [جای مهر][4]

السواد مطابق للاصل .   [جای مهر][5]

بسم‌الله خیرالاسما   ذاواصلة الاصیل‌سیان   نمقه‌الجانی .   [جای دومهر][6]

السواد مطابق‌لاصله   نمقه‌الجانی.   [جای‌مهر][7]

۱ــ مهری بیضی با سجع :«شاه سریر انبیا محمد (؟) ».   ۲ــ مهری‌چهارگوشه با سجع : «عبده زین‌العابدین‌الحسینی» و مهری‌چهارگوشهٔ دیگری‌باسجع:«عبده‌محمدمهدی الحسینی».   ۳ــ مهری بیضی‌کوچك باسجع: «عبده‌هادی».   ۴ــ مهری‌بیضی‌بانام: «محمدعلی» .   ۵ــ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی نصیرالحسینی» .   ۶ــ دو مهر بیضی ناخوانا.   ۷ــ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجی رحیم‌الحسینی».

۸

سواد وقفنامهٔ سادات شیرنگی مورخ ۹۸۹ هـ. ق.

در این وقفنامه تقی‌الدین‌محمد در محضر کمال‌الدین حسین‌بن غیاث‌الدین علی‌بهرام بعضی ازقراء استرابادرستاق راکه‌شامل: دابوکلاته، مجیب‌آباد،روشنائی‌محله، مرزبانکلاته، تلوکلاته، رباطو، امیرده، گشته، فریچمن، نصف‌قریهٔ‌گرمابه‌سرا، کناره، نفطو، ولاش باغ و پاره‌ای از قراء بلوك فخرعمادی را که شامل: شیرنگ، گاوانی‌محله، طوا، دوقبران، اشتاباد، پیچاکی‌محله، چهاردانگ قریهٔ کرائی‌محله. دو دانگ قریهٔ اندیج‌آباد، اندشیرآباد، اکره، الوستان، زرگران، سنگدوین، جلا، قراقاج، قراکول، گلین، ثورکلاته، بوانه، کمال‌غریب، حاجی‌پادار، سنگ‌چشمه را وقف براولاد ذکور خود بطناً بعدبطن کرده‌است وشرایط وقف‌را درآخروقفنامه‌آورده‌است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

صدرالوقف‌المزبور من‌حضرت‌الواقف‌المسطور بوجه یعتدبه شرعاً لدی وانا‌العبد کمال‌الدین‌حسین بن‌غیاث‌الدین علی‌بهرام.

[جای مهری‌لایقرء]

الواقف

عالیحضرت‌سیادت و نقابت‌منقبت هدایت وولایت‌مرتبت‌علامة‌العلمائی‌فخامة‌الحکمائی والاسلام ملاذ اکابرمعان جامع‌المعقول‌والمنقول حاوی‌الفروع والاصول‌السیدالسند الحسیب‌النسیب‌المستغنی ذاته‌الشریف عن‌الاطناب فی‌الالقاب تقیاً للسیادة و النقابة

والدنیا والدین محمدا ادام‌الله تعالی ظلاله فی‌العیش السعید والعمرالرغیب.

الموقوف‌علیهم

اولاده‌الذکورالموجودون و من سیوجدثم‌الاولاد اولاد من‌الاولاد الذکور و هکذا بطناً بعدبطن ثم‌الاقرب بالاقرب‌الموجود فی‌انقطاعهم یولدمن‌الواقف المذکور و اولادهم ماتعاقبوا وتناسلوا.

الموقوف‌الاملاك‌المفصّلة

فی‌بلوك استراباد رستاق

همگی و تمامی قریهٔ دابوکلاته همگی قریهٔ مجیب‌آباد همگی وتمامی قریهٔ روشنائی‌محله همگی قریهٔ مرزبانکلاته‌همگی وتمامی قریهٔ تلوکلاته همگی و تمامی قریهٔ رباطو همگی قریهٔ امیرده وگشته همگی قریهٔ فریچمن همگی‌نصف قریهٔ گرمابه‌سرا همگی قریهٔ‌کناره همگی وتمامی قریهٔ نفطو و ولاش‌باغ حدجنوبی قریهٔ نفطو متصل است بقریهٔ امیرده و رباطو وحدغربی قریهٔ رباطو متصل‌است بقریهٔ مرزبانکلاته و حدشمالی قریهٔ‌گشته متصل است با مشتنك قطب‌الدین و حدشرقی قریهٔ فریچمن متصل‌است بقریهٔ نفطو باجمیع متعلقات چون ولاش‌آباد وغیره .

فی‌بلوك فخرعمادی

همگی وتمامی‌قریهٔ‌شیرنك همگی و تمامی‌گاوانی‌محله همگی‌قریهٔ‌طوا همگی‌و تمامی قریهٔ دوقبران همگی و تمامی قریهٔ اشتاباذ همگی قریهٔ‌پیچاکی‌محله چهار دانك قریهٔ‌کرائی‌محله دو دانك قریهٔ اندیج‌آباد همگی‌اندشیرآباد همگی قریهٔ اکره همگی قریهٔ الوستان همگی‌قریهٔ زرگران همگی قریهٔ‌سنگدوین همگی قریهٔ جلا همگی قریهٔ قراقاج همگی قریهٔ قراکول همگی قریهٔ گلبن همگی

قریهٔ ثورکلاته همگی قریهٔ بوانه همگی قریهٔ کمال‌غریب همگی قریهٔ حاجی‌پادار و مزارع و توابع آن همگی قریهٔ سنگ‌چشمه .

الشروط

ان لایوجر اکثر من ثلث سنین اصلا لا بعقدٍ واحدٍ ولا بازید وایضاً شرط نمود عالیحضرت واقف مشارالیه بعض القابه که بجماعتی که قاصد تملّك و تصرف درامور ند اصلا اجاره ندهند و تولیت موقوفات مذکوره را بر نفس نفیس خود تفویض فرمود وازمحصولات رقبات موقوفهٔ مذکوره نیمدانگ و نیم را بجهت حق‌التولیهٔ خود مقرر نمود وبعد تولیت را متعلق باقرب اقرباء واولاد اولاد اولاد ایشان ساخت وسدس محصولات را حق‌التولیه قرارداد و پنج سدس باقی در میانهٔ تتمهٔ موقوف علیهم علی مافرض الله منقسم گردد وهکذا فی جمیع المراتب وبعد انقطاعهم العیاذ بالله وقف باشد براولاد اناث و اولاد اولاد اناث و هکذا و بعد فنائهم نعوذ بالله وقف باشد برعلماء امامیه و بعدهم برفقراء امامیه الی ان یرث الله الارض و هو خیر الوارثین وقفاً صحیحاً صریحاً شرعیاً قطعیاً بحیث لایباع ولایوهب ولایرهن ولایملك علی الخصوص ولایبدل بوجه من الوجوه فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و بذلك کله وقع الاشهاد .

تحریراً فی العشر الثانی من ذی‌قعدة الحرام سنة تسع وثمانین و تسعمائه .

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

حرره شاهداً علی صدور الوقف منه ادام الله ظلال بقائه عبده محمد اشرف الحسینی .

[محل مهری لایقرء]

وقفت الاملاك المذکور علیهم وشرطت الشروط المسطوره وانا المفتقر الی الرب الغنی تقی‌الدین محمد الحسینی. [محل مهری لایقرء]

شهد بمافیه العبدزین‌الدین‌علی.

من‌المطلعین علی‌صحة مضمون هذه‌الصحیفه العبدالاقـل‌عبدالغنی الحسینی المنصب الحلاعامله‌الله تعالی بلفظه‌الخطر(؟)

هـو قدصدرالوقف المزبورعلی‌النهج‌المسطور بمحضری نمقه عزالدین انصاری.

[محل مهری‌لایقرء]

شهد بمضمون‌المسطورالخ الاقل‌تقی‌الدین‌الحسینی‌السماکی. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین بمضمون‌المسطور عبدال‌محمداحمد جبرئیل. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین علی‌صدورالـوقف‌المـذکور حـرره العبدالاقـل نظام‌الدین علی.

[جای مهر][1]

وقف مذکـور علـی نهج‌المزبور واقـع شد بحضور العبدمحمدبن عبدالله‌الحسینی درب نظامی. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین علی‌صدورالوقف‌المشروح حرره‌العبدالاقل‌اجل بن‌میرزا بیگ‌الحسینی عفی عنهما. [محل‌مهری‌لایقرء]

قد صدرالوقف من عالیحضرت‌الواقف المشاراليه مدظله‌العالی بمـافیه‌لدی حرره العبد محمدباقربن‌عبدالقادرالحسینی‌عفی‌عنهما. [محل‌مهری‌لایقرء]

صدرالوقف المذکورعلی‌النهج‌المسطورمن‌حضرت‌الواقف‌المزبور حفظ‌الله‌ذاته‌الشریف عن‌آفات والشرور بمحضری واناجلال‌الدین محمد عفی‌عنه. [محل‌مهری‌لایقرء]

من‌الشاهدین‌علی‌صحته حرره‌عبدخالق‌الغنی نظام‌الدین‌الحسینی. [محل‌مهری‌لایقرء]

صدرالوقف‌المذکورمن‌الواقف‌الموفق‌المشاراليه‌دام‌ظله اقل‌خلق‌الله‌الغنی کمال‌الدین حسین‌الحسینی عفی‌عنه. [محل‌مهری‌لایقراء]

۱ـ مهر بیضی کوچك با نام: «نظام‌الدین علی».

سواد مطابق اصل است. اسدالله اسفندیاری ۱۰ اسفند ۱۳۰۵ .

شهود

اسمعیل مرزبانکلاته کربلائی‌مرتضی مرزبانکلاته حاجی محمدولی مرزبانکلاته حسین حاجیلرساکن مرزبانکلاته یوسف حاجیلر ساکن مرزبانکلاته نظرکربلائی یوسف ساکن قریهٔ دودانگه ملک‌محمدخان الوستانی ملک محمدعلی سنگدوین جماعت دودانگهٔ حاجی‌خان مولاعلی اسفندیار عباس‌بیگ ملک لطفعلی اسفندیار عالیحضرت ملک‌ابراهیم شاه‌ویردی .

بسم‌الله تعالی قدسودته فی‌سنة ۱۲۳۴ وقدکنت ابن‌سبع‌وعشرین‌سنه وانا العبدالخاطی زین‌العابدین‌ابن‌حاجی جمال‌الدین‌الحسینی. [جای‌مهر][۱]

السوادمطابق‌للاصل. [جای دومهر][۲]

السواد مطابق‌لاصله. [جای مهر][۳]

السواد مطابق‌لاصله. [جای مهر][۴]

السواد مطابق‌للاصل حرره‌العاصی. [جای مهر][۵]

السواد مطابق‌لاصله [جای دومهر][۶]

السواد مطابق‌للاصل نمقه‌الجانی. [جای‌مهر][۷]

السواد مطابق‌للاصل العبدالغنی‌الخاطی. [جای‌مهر][۸]

۱ـ مهری باسجع: « الراجی‌زین‌العابدین‌الحسینی». ۲ـ مهراول‌باسجع: «از جان و دل هستم غلام‌علی». مهردوم‌باسجع: «الراجی‌عبده‌ابن‌هادی». ۳ـ مهری‌باسجع: «اتوکل علی‌الله عبده‌حسینعلی» . ۴ـ مهری باسجع : « بود نورچشم محمدحسن » . ۵ـ مهری‌باسجع : «قربانی‌کوی وفا اسمعیل». ۶ـ مهراول بانام: «محمدعلی» . مهر دوم‌باسجع: «رشیداکبر». ۷ـ مهری باسجع : « المتوکل‌علی‌الله عبده محمدکاظم » .
۸ـ مهری بانام: «محمدرحیم» .

السواد مطابق للاصل العبد فخرالدین الحسینی. [جای مهر][1]

هوالله شأنه السواد مطابق للاصل انا الجانی. [جای مهر][2]

بسم‌الله العزیز تعالی قابلت و وجدت سواده مطابقاً لاصله بلازیاده و نقصان نمقه الجانی. [جای مهر][3]

بسم‌الله تعالی شأنه قوبل ذامع اصله الاصیل فوجدته سیّة ومطابقاً له العبدالجانی الخاطی الفانی. [جای مهر][4]

السواد مطابق للاصل العبدالجانی الخاطی کربلائی محمد. [جای دومهر][5]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق للاصل اناالعبدالجانی. [جای دومهر][6]

السوادمطابق مع اصله الاصیل. [جای مهر][7]

السوادمطابق للاصل ولاشك فیه. [جای دومهر][8]

بسم‌الله تعالی شأنه قدصارت مطابقة السواد للاصل معلومة لدی الجانی الخاطی. [جای مهر][9]

السوادمطابق السواد اصل الاصیل نمقه العبدالجانی. [جای مهر][10]

السواد مطابق للاصل العبدالاقل محمدشفیع هزارجریبی. [جای مهری ناخوانا]

۱ـ مهری با سجع: «نمقه الفقر فخری». ۲ـ مهری باسجع: «یاامام محمدباقر».
۳ـ مهری باسجع: «المتوکل علی‌الله عبده محمدباقر». ۴ـ مهری باسجع: «یاتی من بعدی اسمه احمد العبدزین العابدین». ۵ـ هر دومهر باسجع: «لااله الاالله محمد رسول‌الله».
۶ـ مهراول با سجع: «اللهم ارزقه شفاعة الحسینی». مهر دوم با سجع: «لااله الاالله محمد رسول‌الله». ۷ـ مهری با نام: «محمدقاسم». ۸ـ هردومهر با سجع: «المتوکل علی‌الله عبده محمدمهدی». ۹ـ مهری باسجع: «عبده الراجی حیدرعلی». ۱۰ـ مهری با سجع: «یاصالح المؤمنین».

قابلته واصله الاصیل وجدته‌سیّان بالدلیل. [جای سه‌مهر][1]

السواد مطابق لسوادالاصل المعتبر العبدالجانی. [جای دومهر][2]

تعالی شأنه‌العزیز هذا مطابق للسواد المطابق للاصل . وانا العبـدالآثم .

[جای دو مهر][3]

هذا واصله سیّان انا العبدالقاصر الخاسر الحاسر الراجی برحمة ربه‌القـادر .

[جای مهر][4]

بسم‌الله شأنه‌العزیز هذا مطابق للسوادالمطابق للاصل وانا العبدالاقل زین العابدین .

السواد مطابق لاصله‌المعتبر حرره‌الجانی. [جای دومهر][5]

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز بعدمعاینةذلك سواد مع‌اصله وجدته ..... و مطابقـاً له نمقه‌الجانی‌الخاسر. [جای مهر][6]

هوالله الاعلی والاکرم مطابق هذا السواد مع‌اصله الاصیل بعـدالمقابله .

[جای مهر][7]

هذا مطابق لسواداصله وقدطابقته‌بالمقابله انا العبدالجانی‌الفانی. [جای مهر][8]

العبدمحمدصادق الحسینی‌الاسترابادی . [جای‌مهر][9]

۱ـ مهراول باسجع: «عبده‌الراجی محمدحسین». مهردوم باسجع : « عبده محمد تقی الحسینی». مهر سوم با سجع مهر دوم که یاد شد . ۲ـ مهر اول با سجع :«المتوکل علی‌الله عبده رضاالحسینی». مهردوم‌باسجع: «یاعلی». ۳ـ مهر اول‌بانام: «محمدکاظم». مهر دوم با سجع : «بود نور چشم محمدحسن ». ۴ـ مهری با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده محمدقادر». ۵ـ مهراول با سجع : «لااله الاالله‌الملك الحق‌المبین محمد الموسوی » . مهر دوم با سجع : «الراجی ابوطالب‌الموسوی» . ۶ـ مهری با سجع : «صل‌الله‌علی محمد». ۷ـ مهری‌باسجع: «عبده‌الراجی‌محمد». ۸ـ مهری باسجع: «عبده‌الراجی محمداسمعیل». ۹ـ مهری باسجع: «عبده محمدصادق‌الحسینی» .

بسم‌الله خیرالاسماء

قابلت السواد مع السوادالمطابق للاصل فوجدت مطابقاً له نمقه الجانی .

[جای دو مهر][۱]

هوالله تعالی شأنه العزیز السوادمطابق للاصل الاصیل العبد الجانی الفانی .

[جای مهر][۲]

قدقابلت مع اصله الاصیل وجدته مطابقاً له نمقه الخاطی . [جای دو مهر][۳]

السواد مطابق للاصل السواد المعتبر نمقه الجانی. [جای مهر][۴]

هوالعلی الاعلی وبه اعتمد هذامطابق لسواداصله الاصیل و قابلته معه وجدته مطابقاً له حرره العبدالجانی الفانی. [جای سه مهر][۵]

قابلته مع سواد فوجدته مطابقاً معه فی الظاهر والله هوالعالم. [جای مهر][۶]

بسم‌الله تعالی شأنه قابلته مع سوادالاصل فوجدته معه سیان حرره الجانی .

[جای دو مهر][۷]

بسم‌الله خیرالاسماء ذامطابق لسواد اصله الاصیل حرره الجانی . [جای مهر][۸]

۱ـ هردومهر با سجع: «عبده محمدحسین الحسینی». ۲ـ مهری باسجع : « عبده محمدحسین الحسینی». ۳ـ مهر اول با سجع :« پیرو دیـن نبی حسینعلی » . مهر دوم بیضی وناخوانا. ۴ـ مهری باسجع: «عبده عیسی الموسوی». ۵ـ مهراول باسجع: «عبده محمدهادی الموسوی». مهر دوم باسجع: « عبده الراجی محمدرحیم». مهرسوم باسجع : « عبده محمدصادق الموسوی» . ۶ـ مهری با سجع : « عبده الراجی محمدحسین » .

۷ـ مهری باسجع: «عبده محمدرحیم الموسوی». مهردوم باسجع: «عبده محمدحسین الموسوی».

۸ـ مهری باسجع: «افوض امری الی الله عبده محمد باقر الموسوی».

قابلته مع سوادالاصل فوجدته معه سیّان نمقه الجانی مفیدالحسنی الحسینی الموسوی عفی عنه. [جای دومهر][1]

هوالله تعالی شأنه

لاحظت سواداً و وجدت هذا مطابقاً وموافقاً له حرره العبدالجانی الفانی الخاطی . [جای دومهر][2]

هوالله تعالی شأنه السواد مطابق لاصله المعتبر حرره العاصی. [جای مهر][3]

۱ـ مهر اول با سجع: «عبده فضل‌الله الحسینی». مهردوم با سجع: «صدرالدین ابن احمد الحسینی». ۲ـ مهری با سجع : « لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد محسن الموسوی».و مهری باسجع: «عبده الراجی محمدرضا ». ۳ـ مهری باسجع: «عبده الراجی محمدرضاالموسوی» .

۹

وقفنامهٔ شیخ‌عزالدین محمدانصاری مورخ ۱۰۱۷ هـ . ق.

در این وقفنامه شیخ‌عزالدین محمد انصاری بن شیخ‌نظام‌الدین محمودانصاری چهاردانگ و نیم از قریهٔ چلکی و سه‌دانگ‌و نیم قریهٔ دونه‌بن از قراءبلوك سدن‌رستاق و شش‌دانگ قریهٔ بانعمان از بلوك نواحی را از مجاری میاه و قنوات و عیون و مواضع طواحین براولاد خود ذکوراً و اناثاً وقف کرده است وقاعدهٔ للذکر ضعف‌الانثی را نیز در نظـر گـرفته است و در صـورت انقراض نسل ایشان وقف براقارب برقاعدهٔ الاقرب فـالاقرب و در صورت انقراض ایشان وقف بر مسجـد جـامع دارالمؤمنین استراباد خواهد بود و درآخر وقفنامه شروط وقف را بادقت تمام شرح داده است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله الواقف علی‌الضمائر المطلع علـی‌الخفیات والسرائر الـذی وفق عباده لانشاء الخیرات وهدیهم الی‌الاتیان والصلوة والسلام علی‌اشرف رسله‌محمد (ص) صاحب‌لواء المعجزات وعلی‌آله و اولاده‌خیرالبنین والبنات‌امابعد برضمایرمنیرهٔ‌ارباب خیرات و اصحاب مبرّات واضح ولایح‌است‌که این‌دنیای بی‌اعتبار جای اقامت و استقامت‌نیست‌و هر فردی از افراد بنی‌آدم را شربت‌فنا چشیدنی است و انتقال از دار غرور دنیابمقام سرور عقبی لابد و ضروری که انماالدنیا فناءلیس للدنیاثبوت انما الدنیاکبیتٍ نسجته العنکبوت هر کسی را که استطاعت‌باشد و قدرت داشته باشد بایدکه بقدر وسع‌خود ازآنچه میسرشوداز کشتزاردنیاکه الدنیا مزرعةالاخرة زادسفرآخرت‌که طریق‌پرخطر

است تصدق فرماید کماقال رسول‌الله‌صلی‌الله علیه وآله که ارض القیامة نارماخلا ظل المؤمن فان صدقته تظله یوم‌القیامه و افضل صدقه اینست که براولی‌الارحام و ذوی‌القربات باشد چنانچه درخبر است ازحضرت سیدالشهداء و حضرت سیدالبشر علیه‌صلوات‌الله الملك‌الاکبر که‌الصدقه علی‌القرابته صدقة وصلة وهم از آنحضرت مرویست‌که صلة‌الرحم یزید فی‌العمر وکلام معجزنظام حضرت‌علیم علام که قل‌لااسئلکم علیه اجراً الا المودة فی‌القربی فآت ذاالقربی حقه‌دلالت تمام براحسان و اکرام در حق ذوی‌القربی و ذوی‌الارحام دارد لهذا توفیق رفیق‌حال جناب افادت و افاضت‌پناه‌رفعت و معالی‌دستگاه حاوی‌الفروع والاصول شیخ‌عزالدین محمدانصاری خلف‌صدق مغفرت‌پناه رضوان دستگاه الواصل‌روحه الی‌جواررحمةالله‌الملك الباری شیخ‌نظام‌الدین محمودانصاری شده مضمون آیهٔ کریمهٔ مثل‌الذین‌ینفقون اموالهم فی سبیل‌الله ... الایه و اشارت بابشارت وماعندکم ینفذ و ماعندالله باقرا پیش‌نهاد خاطر خودگردانیده درحال‌کمال‌عقل و سلامت نفس تفویض و وقف‌کرد و تصدق فرمودآنچه از شوائب غیرعاری داشت الی زمان هذاالوقف و آن عبارت است از همگی و تمامی چهاردانگ ونیم قریهٔ مدعوه چلکی و سه‌دانگ ونیم قریهٔ دونه‌بن که واقعند دربلوك سدن‌رستاق و ایضاً واقف مذکورجزاك‌الله‌خیراً وقف‌کرد و تصدق فرمود خالصاًلوجه‌الله تعالی همگی وتمامی‌ششدانگ‌قریهٔ‌موسومهٔ بانعمان راکه واقع است دربلوك نواحی با جمیع مضافات و منسوبات آن شرعاً و عرفاً از مجاری میاه و قنوات وعیون و مواضع طواحین و غیرذلك ممانذکر فیهااولم‌یذکر براولاد موجودین خود وآنچه‌موجود شوند علی‌طریق‌الارث‌کما فرضه‌الله تعالی للذکر ضعف‌الانثی ثم علی‌اولاد اولادثم علی اولاد اولاد اولاد بطناً بعدبطنٍ و نسلاً عقب‌نسلٍ وبعدفنائهم نعوذبالله وقف باشد براقارب واقف مزبورالاقرب فالاقرب والاقدم‌فالاقدم و بعد انقطاع الاقارب بالکلیه العیاذ بالله وقف باشد برمسجد جامع دارالمؤمنین استراباد و تولیت وقف مذکور را جناب

واقف‌مشارالیه بنفس نفیس خود رجوع و تفویض فرمود مادام‌که در زمرهٔ احیا باشد و چون از ساقی اجل که الموت کامن‌وکل‌الناس شاربه شربت موت نـوش کند و هرچه جز یاد مالك ملكوت تفرداً لبقا باشد فراموش‌کندتولیت وقف مزبور تعلق‌بارشداولاد ذکور او داشته و بعده نعوذبالله تولیت وقف‌مزبور تعلق بارشد اقارب واقف مومی‌الیه داشته باشد و بعدفنائهم العیاذبالله تولیت وقف مزبور مفوض باشد بقاضی اسلام نافذ ـ الحکم مرافع‌الیه بلدمذکورکه از شیعهٔ اثنی‌عشریه بوده باشد وحق‌التولیة دو دانگ موقوفات مزبورات را تعیین فرموده‌که بعد از وضع مالوجهات و حقوق دیوانی ونفقهٔ قنات و سایر ضروریات متولی مزبور تصرف‌نماید و چهاردانگ را میانهٔ موقوف‌علیهم علی مافرض‌الله تعالی قسمت نماید وچون متولی از جملهٔ موقوف علیهم باشد از چهار دانگ نیز حصهٔ خود بردارد و تتمه را قسمت نماید و بعد از انقطاع اولاد و اقارب بالکلیه حاصل موقوفات مذکورات را بعد از وضع آنچه مذکور شده صرف فـرش و روشنائی وسایرضروریات‌مسجدجامع نمایندوقفاً صحیحاً شرعیاً نافذاًلازماًجازماًمخلداً مؤبداً مشتملاً علی‌الشرائط والارکان بحیث لایباع ولایوهـب ولایورث ولایملـك و لایمهر ولایتلف ولاینقل بل‌تکون خاتمةً علی‌شروطها جاریةً علی وجوهـا ناصبة ابدالاباد الـی‌یوم‌التناد وقفاً صحیحاً شرعیاً عن‌النواقص والمفسدات عرفاً جاریاً علی وجوهه ناصباً مادامت‌السموات والارض و قامت‌السماء والارض واگرکسی درتغییراین وقف کوشد دین فروشد که فمن بدله بعدما سمعه فانّما اثمه‌علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع علیم .

وکان ذلك فی‌غرة شهرشوال ختم‌بالخیر والاقبال سنة‌سبع‌عشر والف .

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

حرره‌العبد... [جای مهر][1]

من‌المطلعین علی‌ذلک ... محمدعلی معلم عفی‌الله عنه .

لاشک فی‌ثبوت مضمون‌المسطور علی‌ذلک العبدالاقل محمدرضاابن عبدالله.

[جای مهر][2]

شهد بمضمونه له العبد الاقل یوسف‌بن‌مصطفی‌کریم . [جای دو مهر][3]

الشاهد علی‌مضمون‌المسطور العبدالاقل عزالدین‌الحسینی. [جای مهر][4]

اماصدرالوقف‌المزبورعلی‌النهج‌المسطورمنی واناالعبدالاقل عزالدین محمدانصاری عفی‌عنه . [جای مهر][5]

شهد بمضمونه العبدالاقل محمدعلی‌بن‌گل‌علی ابن‌جعفرعفی‌عنهما.

شهد بمضمونه العبدالاقل شیخ‌ابن قاسم‌الحسینی . [جای مهری‌ناخوانا]

ذلک کذالک وانا من‌الشاهدین بذلک حرره عبده‌الحقیر محمدحسین ملاحسن استرابادی. [جای دومهرناخوانا]

هو شهد بمضمونه العبدالاقل محمدشریف ابن‌ابراهیم‌الحسینی‌الوهاب‌الاسترابادی .

علی‌مضمونة هذا الموقوفه من‌الاول الی‌آخر باعتراف حضرت‌الواقف‌المشارالیه الاجل بعون‌الله تعالی‌من‌التی‌کتب بیدالاقل محمدباقر الحسینی. [جای مهر][6]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع: «محمدالاشرف الحسینی عفی‌عنه» . ۲ـ مهری بیضی با سجعی ناخوانا . ۳ ـ هر دو مهر بیضی : مهر اول بیضی وناخوانا . مهر دوم با سجع : «صح‌الاصل». ۴ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ با سجع : « الله محمد علی فاطمه حسن و حسین». ۵ـ مهری بیضی بـا سجع : « عزالدین‌محمد انصاری». ۶ـ مهری بیضی با نام : «محمدباقرالحسینی» .

قد صدرالوقف المذکور فی الکتاب و کما مسطورین من الحضرت الواقف المشار الیه عندی وقفاً صحیحاً شرعیاً وانی العبد الاقل حرره . . . . محمدباقر الحسینی .....

[جای مهر][1]

دیباچه توحید خدای متعال [دوسطر در حاشیه]. [جای مهری ناخوانا]

بسم الملک الکریم ذی الالطاف حرره کذاصح الاوقاف .

الحمدلله الواقف علی ضمایر الخلایق المطلع علی الخفایا والاسرار من الدیون و . . .

والصلوة علی شمس فلک بدرهما .... [بعضی کلمات ناخوانا].

[جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی با نام: «محمدباقر الحسینی». ۲ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ با سجع: «یا امام محمدباقر».

۱۰

وقفنامهٔ خواجه‌مرشد مورخ ۱۰۴۸ هـ . ق.

دراین وقفنامه خواجه مرشدبن خواجه‌سفیان دهکده‌های وطن و نرگس‌چال وقریهٔ رضی وسرخ‌دار وشش‌آب‌پلوردره، مازو، کلوادره وسیدکلاتهٔ علیا وسفلی و ترکان‌محله و تیلان‌چشمه و چمن‌رود وکله‌چنار و کفته‌رامیان و خارکلاته و قرق‌رضای‌عطار و بهررو و دودانگ قنات محمدکمالك ازبلوك رامیان را براولاد ذکور خود بطناً بعدبطن و در صورت انقراض براقرب اقارب و در صورت انقراض برزوار امام‌رضا علیه‌السلام وقف‌کرده‌و شرایط وقف را درآخر وقفنامه‌آورده است .

حمد وسپاس مرخالقی‌را جل‌جلاله وعم‌نواله که‌گنبدفیروزه‌فام‌طارم‌اعلی را بی‌دستیاری‌و مدد مهندس‌دانا برافراشت و شکر بی‌قیاس مرخالقی را که بید قدرت بی‌معماری بنای توانای زمین راگسترانیده بانواع چشمه‌سار و ریاحین و ازهار و اثمار و نباتات و زوایا و عمارات زیب و زینت هرچه تمامتر ارزانی داشت الله‌الذی خلق‌السموات و الارض‌ومابینهما وماتحت‌الثری رازقیکه‌ساعةفساعة خوان احسان بیدریغش‌دربقاع و منازل ارواح و اجسام‌علی‌تفاوت مراتبهم مشحون بنعم گوناگون گشته ومامن دابةٍ فی‌الارض الاعلی‌الله رزقها هرلحظه کسوة انعام بی‌حسابش مزیّن باعطاف‌نامتناهی و مکلل بالطاف الهی برقامت اقتدارآفاق وانفس پوشانیده یابنی‌آدم قدانزلناعلیکم لباساً یواری سوآتکم

ای بقدرت سنگ‌را لعل بدخشان ساخته — ماه رامنجوق این فیروزه ایــوان ساخته
درضیافت‌خانهٔ‌لطف‌تو خوان‌سالار صنع — مهررا قرص و فلک‌را سفرهٔ‌نــان ساخته
بی‌نوایان چمن‌را قدرتت در مهر مــاه — از درخت جعفری برگ زمستان ساخته
خلعت‌خلقت کرامت کرده ابــراهیم را — وآتش نمــرود را بروی گلستان ساخته

طرف تحیات نامیات وظرف‌صلوات زاکیات نثارمرقد منور ومشهد مطهر متولی‌کونین‌و صاحب بقعهٔ قاب قوسین مقصود ایجادکائنات و خلاصهٔ موجودات مسند نشین خانقاه و یطعمون‌الطعام علی‌حبه مسکیناً ویتیماً و اسیراً و زاویه‌گزین واماالسائل فلاتنهروااما بنعمة ربك‌فحدث خاتم‌انبیاء مکرم مجتبی محمدمصطفی علیه‌افضل الصلوات والثنا

حبیبی‌که مه‌تابی از روی اوست — شب تیره هندوی گیسوی اوست
شه ابطحی شمــع بیت‌الحــرام — مــه بــرج یثرب عــلیه‌السلام

هزاران روح و احسان و فصل و نعمت‌رضوان برآل‌کرام اوکه مقتدا و ائمهٔ دینند وبر اصحاب عظام‌اوکه‌اهل‌صدق‌و یقینند واصل ومتواصل‌باد اما بعد برضمائر خجسته‌مآثر ذوی‌الابصار روشن و مبرهن است‌که هیچ وسیلتی در عقبی خوشتر وشیرین‌تر ازمحبت‌و مودت آل‌عبا بمقتضای آیهٔ‌کریمهٔ منزله قل‌لااسئلکم علیه‌اجراً الاالمودة فی‌القربی. . . هر صاحب دولتی‌که از سر صدق‌نیت و از خلوص عقیدت اقتدا بکلام فــرخنده انجام حضرت نبوی‌که انی‌تارك‌فیکم‌الثقلین کتاب‌الله‌وعترتی‌واهل‌بیتی نموده قرآن مجید را قبلهٔ اعمال خود ساخته است ... در دامن اعتصام انمایریدالله لیذهب عنکــم‌الرجس اهل‌البیت ویطهرکم‌تطهیراً استوار نماید ازشقاوت ابدی خلاص یافته وبدولت‌سرمدی فائزگردد و ذلك‌فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء والله ذوالفضل‌العظیم

فرداکه هرکسی‌بشفیعی‌زنندست — مائیم و دست ودامن‌اولاد مصطفی

صلوات‌الله علیه‌وعلیهم اجمعین

بنابراین مقدمات جهت مزید درجات اخروی‌که رفعناه مکاناً علیاً شمه از نتایج آثار آنست واقفاً بمضمون آیهٔ وافی هدایهٔ ان احسنتم احسنتم لانفسکم توفیق حال حضرت رفعت و معالی‌دستگاه عزت و عوالی‌انتباه صاحب لوأ الکرم رافع رایات الفخر والشرف‌زید...فی‌زمان وخلاصه...المشخص بعواطف‌الملك‌المنان‌خواجه‌مرشد ابن مغفور مرحوم خواجه سفیان‌گردیده وقف‌کرد وقف دائمی و حبس‌نموده حبس اصلی از اطیب اموال و ازکی‌منال خود که در تحت تصرف داشت الی‌یوم هذاالوقف بلامنازعة منازع و بلامعارضة معارض خالصاًلله تعالی وطلباً لمرضاته‌العظمی همگی و تمامت محال رامیان‌که بدین موجب‌است قریه‌مرقومهٔ مفروضهٔ وطن و نرگس‌چال هر دو تماماً مع‌همهٔ‌متعلق به قریهٔ رضی تماماً مع‌همهٔ متعلق‌به‌قریهٔ سرخدار تماماً مع‌همهٔ متعلق به قریهٔ شش‌آب پلوردرّه تماماً مع‌همهٔ متعلق به‌قریهٔ مازو مع‌همهٔ متعلق به‌قریهٔ کلوادره تماماً مع همهٔ متعلق به‌قریهٔ سیدکلاتهٔ علیا وسفلی‌تماماً مع‌همهٔ متعلق به‌قریهٔ ترکان‌محله تماماً مع‌همهٔ متعلق به‌قریهٔ تیلان‌چشمه‌تماماً مع‌همهٔ‌متعلق به‌قریهٔ‌چمن‌رود تماماً مع‌همهٔ‌متعلق به قریهٔ‌کله‌چنار تماماً مع‌همهٔ‌متعلق به قریهٔ‌کفته‌رامیان که متصل علوی‌محله است‌تماماً مع‌همهٔ متعلق به‌قریهٔ خارکلاته‌کفته‌رامیان تماماً مع‌همهٔ متعلق به قرق رضای عطار تماماً مع‌همهٔ متعلق به‌قریهٔ بهرروتماماً مع‌همهٔ متعلق به‌دودانگ قنات محمدکمالك تماماً مع‌همهٔ متعلق به که‌بغل یکدیگرند براولاد ذکور خود وهم قاسم‌بیگ ومحمدمعصوم وخواجه سفیان‌متعهم‌الله بالعمروالعیش‌وباقی اولادکه موجود شوند وبعدهم وقف است براولاد ذکور ایشان و اولاد اولاد ذکور ایشان وهکذا ما تعاقبوا وتناسلوا بطناً بعدبطن واگرعیاذاًبالله اولاد ذکورمنقرض شوند وقف‌باشدبراولاد ذکورایشان علی‌الترتیب وبعد انقراضهم بر اقارب علی ترتیب‌الارث و بعدهم‌وقف است برزوار امام مفترض‌الطاعة واین واقف مومی‌الیه تولیت وقف را به‌نفس‌خودرجوع نمود

مادام‌حیوته که . . . حاصل را حق‌التولیه بردارد و بعداز او از اولاد ذکور هرکدام ارشد واصلح‌واتقی باشند متولی بوده باشند و بطریق وقف مزبورعمل نمایند و واقف مذکور شرط نمودکه محال مذکوره را اجاره باحدی زیاده از سه‌سال ندهند وبارباب مناصب مطلقاً اجاره ندهند وآنچه را لازمهٔ وقف است بجای‌آورند بحیث‌لایرهن و لایوهب ولایباع ولایتصرف بماینافی‌الوقفیه وکان‌هذاالوقف وقفاً صحیحاً شرعیاً‌مخلداً مؤبداً عازماً جازماً خالیاً ممایناقیه فمن‌بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذین‌یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم فعلی الله... نعمةالله والملئکه والنبیین اجمعین .

تحریراً فی‌اثنی‌عشر من‌شهررجب‌المرجب سنةثمان و اربعین والـف مـن‌الهجرةالنبویته المصطـفویـة .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

بنابرمضمون‌آیهٔ وافی‌هدایهٔان‌احسنتم أحسنتم‌لانفسکم وقع‌الوقف المسطورمن‌الواقف المزبورکمازبر نمقه‌العبدعبدالوهاب . [مهری ناخوانا]

اعترف‌الواقف بالوقف لاشك فی‌وقوعه اقل‌خلق‌الله ابن‌الحاج محمد جعفرالبکائی .

کذلك اعترف‌الواقف بالوقـف‌المسطور و بالاعیان‌الموصوفه لدی محمـدجعفرابـن یوسف‌البکائی. [مهری ناخوانا]

وقع‌الاعتراف‌من‌الوقف‌المذکور لدی‌الاقل. [مهری ناخوانا]

هو

هوالواقف‌علی‌الضمائرقدصدرالوقف‌المزبورمن‌جناب‌الواقف‌المسطورعلی‌النهج‌المزبور لدی ... فی‌الحقیقة . [مهری ناخوانا]

قدسمعت من‌الواقف‌کماسطر اقرواعترف‌الواقف بمضمونه ... لاشك ولاریب‌فیـه وانـا
من‌الشاهدین بماسطرفی‌المتن. [مهری‌ناخوانا]

هو

بمضمون‌المسطور کماسطر فی‌هذه‌الصحیفة من‌اوله الی‌آخره العبدالاقل.

[مهری ناخوانا]

شهد بذلك ملك‌سلطان‌بابلی.

شهد بذلك ملك‌رستم بابلی.

مضمون‌مسطور بیان واقع‌است وخلافی‌ندارد ملك‌احمد ولد ملك‌محمدزمان رامیان.

شهدبذلك نظرالك .

شهد بمضمون‌المسطور مجملاً محمدحاجیلری استرابادی.

هوالواقف قـد وقف خواجه مرشدقلیا علی‌النهج المحررفیه‌مـن‌المبادیته الـی‌نهایته
بمحضری نمقه‌العبدالاقل ابن‌ابراهیم‌المسمی عبدالهادی‌کلبادی عفی‌عنهما .

برموجب نوشتهٔ وقف مذکور از بندهٔ‌کمترین‌مرشدقلی‌واقع‌شد طلباً لمرضاته‌هرباًلالیم
عقابه. [مهری‌ناخوانا]

شهدبذلك سلطان‌قلی‌ماکان.

شهدبذلك نظرالك.

شهدبذالك جلال‌الدین‌الك.

مضمون مسطور بیان واقع است و خلاف نیست حرره‌العبـد رضای‌کرابـی .

[مهری ناخوانا]

شهدبمافیه حاجی محمدحسین استرابادی. [مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است زین‌العابدین اورسیجی بسطامی. [جای مهر][1]

گواهست براین مضمون ابراهیم ولدحاجی مراد استرابادی. [جای مهر][2]

شهدبمافیه امیرحسین ولد امیرموسی مازندرانی.

شهادت العبدمحمدامین صحبتی بسطامی. [مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و شاهـدم و خلافی ندارد خواجه مهدی ولد خواجه اسد ابری بسطامی. [جای مهر][3]

مضمون مسطور بیان واقع است وشاهدم خلافی ندارد خواجه معصوم ابری ...
[مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و شاهدم خلافی ندارد خواجه محمدامین بسطامی .
[مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد رفعت‌شاه سامتمش حاجلر.
[مهری ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و شاهدم خلافی ندارد العبدیوسف ...
[مهری ناخوانا]

بطوریکه در متن قلمی شده بیان واقع است وخلافی ندارد العبدالداعی...گیوه باف من‌اعمال اسفراین . [مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبدالاقل حبیب‌الله دیلمی من‌اعمال اسفراین. [مهری ناخوانا]

۱ــ مهری بیضی باسجع: «زین‌العابدین». ۲ــ مهری بیضی باسجع: «عبده محمد ابراهیم». ۳ــ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع: «دارد امیدشفاعت زمحمد امین».

مضمون مسطور بیان واقع‌است و خلافی ندارد. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه خواجه حیدرعلی‌حاجیلری.

شهد بمافیه بکولک‌سی‌آقا ولد یونس. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه خالدقلی‌آقا ولد حاج‌آقا. [جای دومهر][1]

شهد بمافیه نادرمسلم‌گرائیلی. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه محب‌علی ولد فردوسی‌بیگ‌گرائیلی. [مهری ناخوانا]

[چند شهادت‌دیگر هم‌هست که‌بدخط و ناخوانا است]

رونوشت برابراصل‌است واصل در ید ابرازکننده است.

این رونوشت‌برابررونوشت درپروندهٔ کلاسهٔ ۳۴-۱/۶۷ شهرستان‌گرگان بایگانی‌است.

۱ــ هردو مهربیضی: مهراول لایقرء . مهردوم باسجع: «داردامیدشفاعت زمحمدخالد».

۱۱

سواد وقفنامهٔ آقا میر روح‌الله‌الحسینی‌الاسترابادی مورخ ۱۰۵۲ هـ . ق.

در این وقفنامه آقا میر روح‌الله‌حسینی استرابادی خلف امیر کمال‌الدین محمود یك‌باب خانه و اطاق سفالپوش با دو باغچهٔ کوچك و بزرگ واقع درمحلهٔ پاسرو دارالمؤمنین‌استراباد و پنج‌دانگ اراضی‌رطبه و یابسه قریهٔ میرمحله ازقرای‌استراباد‌رستاق وشش‌دانگ‌قریهٔ چوپلانی‌باآنچه‌تعلق‌به املاك مسطوره دارد بر اولاد ذکور خود نسلاً بعدنسل و در صورت انقراض ایشان به ذکور اولاد و اناث وبعد از انقراض ایشان به‌طلبهٔ علوم دارالمؤمنین استراباد وقف‌کرده و شرایط‌وقف رادر انتهای وقفنامه یادکرده‌است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین

الحمدلله‌الواقف علی‌الضمائر والمطلع‌علی‌الخفایا والسرائر والصلوة والسلام علی‌محمد صلی‌الله علیه وآله والسلم افضل‌القبائل والعشایروعلی آله و اصحابه الذینهم ائمة الصغایروالکبائر وبعدالحمد والصلوة والسلام برارباب‌بهیه وجحی و اصحاب‌فطنت‌و ذکا مخفی‌و مستورنخواهد بود که هرکه حظّی و نصیبی از عقل و ادراك و اندك بهره از شعور و دریافت دارد نظر بمضمون صدق مشحون الدنیا مزرعةالاخرة واجب و لازمست‌که درینجهان فانی تخم عملی‌که مثمر بثمرحصول مأمول آن‌جهان باقی شده کشته و چون نظر بمفاد حدیث شریف اذامات ابن‌آدم‌انقطع عمله‌الحدیث معلوم

میشودکه بهترین اعمال صدقهٔجاریه خواهد بود لهذا عالیجناب سیادت‌انتساب معلی‌ـ القاب و افاضل اکتساب عمدةالمحققین واسوةالمدققین‌خلاصةالسادات‌الکرام و نخبة‌ـ الفضلاءالعظام آقا میـر روح‌الله الحسینی‌الاسترابادی مدظله‌العالـی خلف مرحمت و غفران‌پناه جنت‌آرامگاه رضوان‌جایگـاه امیرکمال‌الـدین شمساً للفضیلة والسیادة و النقابة محمود طاب‌ثراه بتوفیقات یزدانی موفق و بتأییدات سبحانی مؤیدشده باکمال رغبت و رضا طلباً لمرضاةالله تعالی یکباب خانه واوطاق سفالپوش با دو باغچهٔ‌کوچك و بزرگ واقع در محلهٔ پای‌سرو بلـدهٔ دارالمؤمنین استراباد که هر چهار متصل بهم و محدود بحدودذیلند شرقیاً خانهٔ حاجی‌حسین مشهوربدراز و خانهٔ اوستاد محمدعلی آهنگر غربیاً خانهٔ‌عالیجاه‌معلی‌جایگاه‌محمدحسین‌خان‌قاجار بیگلربیکی جنوبیاً خانهٔ‌حاجی‌ضیاءالدین‌وکوچهٔ‌خانهٔ‌اووکوچهٔ‌عام شمالیاً اوطاق عالیجاه مومی‌الیه و تمامی پنجدانگ از اراضی رطبه ویابسه ودائره وبائرهٔ وعامره و غامرهٔ قریهٔ میرمحله من‌قرای بلوك استرابادرستاق و شش‌دانگ قریهٔ چوپلانی متصل قریهٔ مرقومه که از غایت‌شهرت مستغنی از تحدید وتوصیفند باآنچه تعلق به‌املاك مسطوره دارد ازانهارو اشجار مثمره وغیرمثمره وعیون و قنوات وحقابهٔ رودخانهٔ ترنگ خلاصه‌آنچه‌ملکیت را سزد و شاید ونفعی ازو حاصل شود بهراسم و رسم‌که بوده باشد ذکرام‌لم‌یذکر سمّی ام لم‌یسم را براولاد ذکور و اولاد ایشان بطناً بعدبطن وعقباً بعدعقب و بعد انقراضهم بذکور اولاد اناث نسلاً بعدنسل هلّـم جرّاً و بعدانقراضهم بطلبهٔ علوم دارالمؤمنین مرقوم خواه اهل‌آنجا باشند و خواه غیره‌که درآن ولایت بتحصیل علوم دینیه مشغول باشند وقف صحیح مؤبّد و حبس صریح مخلّد نمودند وتولیت‌آنرا مادام‌الحیوة بخودو بعدمماته به اعلم و اصلح اولاد ذکور اگر نباشد به‌اکبر و ارشد ایشان و بعدانقراضهم به‌اعلم و اصلح‌ذکور اولاداناث اگرنباشد به‌اکبر وارشد ایشان وبعدانقراض‌آنسلسلتین والعیاذبالله بفقیه جامع‌الشرایط فتوی اگر نباشدبعلماء و فضلاء و صلحـای بلد مزبور

مفوض طریق رفتار آنکه مادامی‌که واقف‌خود متولی است بعد از جمع‌منافع‌مستغلات یکعشر آنرا صرف معیشت خود و نه‌عشر دیگر را بعد ازوضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك موقوفه در میان اولاد ذکور بالسویه تقسیم و اگرمتولی از دو سلسلهٔ اولی بترتیب مسطور الاول فالاول بعد ازجمع منافع یکعشررا بعنوان حق‌ـ التولیه صرف معیشت و باقی را بعد از وضع عوارضات دیوانی و اخراجات تعمیر املاك و بعدازآنکه‌هرساله ده تومان‌آنرا در تعزیهٔ جناب اباعبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام صرف اطعام مؤمنین نموده دوازده تومان آنرا باشخاص داده‌که در عتبات‌نائب‌الزیارة واقف شوند میان موقوف‌علیهم‌که یکی‌هم خودش‌است بالسویه تقسیم واگرفقیه‌جامع‌ـ شرایط فتوی متولی باشد بعدازجمع منافع یکعشر را مدد معاش خود و بعد از وضع عوارضات و اخراجات مزبورین ثلث باقی راکتب فقهیهٔ استدلالیه و اصول و تفسیر و حدیث خریده و بطلبه داده‌که بکاربرند و از ایشان قبض گرفته که‌کتاب‌گم‌نشود و دو ثلث دیگر را میان طلبه‌بالسویه تقسیم واگرمتولی وعلماء و فضلاء غیرفقیه باشند از عشر حصهٔ خود و وضع عوارضات و اخراجات آنچه بماندکل رامیان‌طلبهٔ علوم دینیه بالسویه تقسیم نمایند مقرر آنکه اگر شوهرهای اولاد اناث فقیر باشند متولی‌دوسلسلهٔ اول ایشانرا داخل موقوف‌علیهم و بطریق للذکرمثل‌حظ‌الانثیین به‌ایشان حصه‌بدهندو درصورتیکه فقیه یاعلماء متولی باشند اناث را باطلبه مساوی‌حصه‌بدهند و ثانیاً آنکه اگر خانه و اوطاق بحادثه خراب‌شوند متولی‌چنانچه هست از مال وقف بلکه به‌ازآن ساخته اگر خود احتیاج داشته بنشینند وگرنه واضح است که کرایه و وجه اجارهٔ آن داخل منافع املاك‌موقوفه خواهد بود ثالثاً آنکه اگرمتولی خودبتواندمتوجه‌زراعت‌و غیره بشود بهرکه اجاره میدهد زیاده ازسه‌سال ندهد وصیغةالوقف کمارقمت اجریت

تغییر دهنده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود .

تحریراً فی غرة محرم الحرام سنهٔ ۱۰۵۲ .

[جای مهر واقف]

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

هذا السواد مطابق لاصله الاصیل حرره الجانی الفانی. [جای مهر][۱]

بسم الله تعالی شأنه السواد مطابق لاصله الاصیل حرره الجانی. [جای دو مهر][۲]

السواد موافق لاصله الاصیل وکتب الجانی. [جای دو مهر][۳]

السواد مطابق لاصل و قوبل. [جای مهری ناخوانا]

بسم الله خیر الاسماء وقع الوقف المزبور علی النهج المسطور مع جمیع الشرایط المذکوره لدی نمقه الجانی. [محل مهر][۴]

بسم الله تعالی شأنه العزیز هـذا واصله الاصیل وجدته سیّان بالدلیل حـرره الداعی محمدرضا الحسینی الاسترابادی. [جای مهر][۵]

هذا مع الاصل سیان. [جای مهر]

السواد موافق لاصله الاول للواقف الموفق اعلی الله مقامه وانا العبد الجانی .

[جای مهری ناخوانا]

اقر واعترف العبد الخاطی. [جای مهر][۶]

وقع هذا الوقف کما زبر فیه لدی. [جای مهر][۷]

۱ـ مهری باسجع: «عبده حسین الحسینی». ۲ـ مهر اول باسجع : « عبده محمد هادی الموسوی». مهر دوم باسجع: «عبده ابوجعفر الموسوی» . ۳ـ مهر اول با سجع : «عبده محمدصادق الموسوی». مهر دوم باسجع: «عبده مفید الموسوی». ۴ـ مهری باسجع: «میرزا باقر صدر». ۵ـ مهری باسجع: «لااله الاالله الملک الحق المبین محمدرضا الحسینی». ۶ـ مهری بانام: «ملامصطفی». ۷ـ مهری باسجع : «ملامحمد مؤمن پیشنماز».

اقر بمافیه‌لدی واناالخاطی. [جای‌مهر][1]

قد وقع‌الوقف مع‌جمیع ماشرط فیه‌عندی حرره‌العبدالقاضی. [جای مهر][2]

قد وقع‌الوقف المزبور بمارقم فیه لدی نمقه‌خاطی. [جای دومهر][3]

قراتهما تماماً و وجدتهمامطابقاً والله‌اعلم نمقه‌الخاطی. [جای‌مهری‌ناخوانا]

قد وقع‌الوقف مع‌جمیع ماز بر فیه‌لدی واناالعبد الآثم‌روح‌الله‌الحسینی .

[جای مهری ناخوانا]

قدوقع‌الوقف مع‌جمیع‌ماشرطفیه لدی نمقه. [جای‌مهر][4]

قد قوبل مع‌اصله فوجدته سیّان‌فی‌الظاهر نمقه‌الخاطی. [جای‌مهری‌ناخوانا]

السوادمطابق بالأصل‌الاصیل نمقه‌الخاطی‌الآثم. [جای مهری ناخوانا]

السواد مطابق لاصله و حقیر محمدهادی این‌را نوشته شکی در سواد ندارد که مطابق است مع‌اصله. [جای‌مهری ناخوانا]

ذلك‌كذلك اناشاهدبذلك نمقه‌الخاطی. [جای دومهر][5]

قد وقع‌الوقف مع‌جمیع ماشرطه فیه‌لدی نمقة. [جای‌مهر][6]

اقرالواقف لدی القاضی‌الانصاری شیخ ملانصیر.

ذلك‌الكتاب‌لاریب‌فیه واناالعبدالمذنب‌شریف .

السواد مطابق بالأصل‌الاصیل نمقه‌الجانی. [مهری‌ناخوانا]

شهد بمافیه العبدالاقل ملاخداداده .

۱ـ مهری‌باسجع : «ملابابای پیشنماز». ۲ـ مهری باسجع:«شیخ‌لطف‌الله‌قاضی».
۳ـ مهراول بانام : «سیدمفیدموسوی». مهر دوم بانام «سیدمرتضی‌موسوی». ۴ـ مهری باسجع: «میرزین‌العابدین‌الحسینی» . ۵ـ مهری‌باسجع : « زین‌العابدین‌الحسینی» و مهردیگرناخوانا . ۶ـ مهری‌باسجع: «سیدزین‌العابدین‌الحسینی» .

السواد مطابق بالأصل الاصیل. [مهری ناخوانا]

اقر الواقف بمازبرفیه لدی نمقه آقامحمدالحسینی .

مراتب مزبوره را از واقف مومی الیه استماع نمودیم حرره العبد جانی ملا حاجی بابا ملا مرتضی قلی .

اقر واعترف الواقف بمازبرفیه. [جای مهر][1]

بسم الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق بالاصل الاصیل نمقه العبد المذنب. [جای مهری ناخوانا]

انا من الشاهدین علی ذلك العبد الاقل شریف.

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد وانا القاضی رفیع.

اعترف کمازبرفیه لدی حرره الجانی ملامحمد رفیع .

ذلك الکتاب مطابق للصدق والصواب. [جای دومهر][2]

السواد مطابق بالأصل الاصیل نمقه . [مهری ناخوانا]

۱ــ مهری با نام : «مصطفی». ۲ــ مهراول بانام: «عبدالعلی». مهردوم با سجع: «عقیل» .

۱۲

سواد وقفنامهٔ آقامیر روح‌الله حسینی استرابادی مورخ ۱۰۶۰ ه . ق .

اصل وقفنامـه در سال ۱۰۶۰ ه . ق. و سواد آن در سال ۱۲۴۳ ه . ق. نوشته شده‌است. دراین وقفنامه آقامیر روح‌الله‌حسینی استرابادی‌خلف‌امیر کمال‌الدین‌محمود چهاردانگ قریهٔ‌نسرکان از بلوك فخرعمادالدین را وقف براولاد ذکـور خود کـرده و شروط وقف را درآخر آورده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدالله الواقـف علی‌السرائر والمطلع‌علی‌الضمائر والصلوة والسلام علی‌محمد (ص) افضل‌العشائر وعلی‌آله خیرالصغائر والکبائر اما بعدبرارباب عقل وذکاء و براصحاب فطن و بهاء مخفی‌نماندکه نظر بمضمون صدق مشحون‌الدنیا مزرعةالآخرة بر هرکـه لازم‌است‌که‌دراین‌جهان‌فانی‌تخم‌عملی‌که مثمر ثمرحصول‌مأمول‌آن‌جهان‌باقی راسودمند آید کشته و بناءً علیه‌عالیجناب سیادت‌انتساب افادت وافاضت‌اکتساب‌عمدةالمحققین واسوةالمدققین خلاصةالسادات الکرام ونخبة الفضلاءالعظام آقـامیرروح‌الله‌الحسنی الاسترابادی مدظله‌العالی[۱] خلف‌مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه امیرکمال‌الدین شمساً للفضیله والسیادة والنقابه محمود طاب‌ثـراه بتوفیقات یزدانـی موفق آمـده در کمال‌رغبت ورضاطلباً لمرضات‌الله‌تعالی چهاردانگ قریهٔ موسومه به‌نسرکان واقعه در بلوك فخرعمادالدین‌استراباد قدصانهاالله عن‌التفرقه والفسادرا براولاد ذکورخود وقف

۱ــ مهری باسجع: «عبده روح‌الله‌الحسینی».

مؤبد وحبس مخلد نمود و عن آنچه ملکیت را سزد و شاید از قنوات دایره و بایره و عیون و رودآب و سنگ چشمه و غیرهم مماذکر ام لم یذکر در حدودی که مرقوم در ذیل است بهر اسم ورسم که بوده باشد

حد	حد	حد	حد
متصل بکولک تپه و ناورها با قریهٔ مرقومه است	متصل بقریهٔ شیرنگ	متصل با شکار کلاته	متصل بـه . . . . غیاث الدین که سهم القریه از قراء موقوفهٔ واقف معظم الیه است

و طریقهٔ وقف اینکه چنانکه واقف مادام الحیوة خود متولی است بعد از جمع منافع هریك از اولادکه متولیند یك عشر آنرا صرف معاش خود ونه عشر دیگر را بعد از عوارض دیوانی واخراجات وتعمیر ملك موقوفه درمیان اولاد ذکور بالسویه قسمت کنند و ده تومان خرج تعزیت اباعبدالله الحسین ع نمایند ومقداری هم باشخاصی که درعتبات عالیات نایب الزیارة واقف باشند احقاق کنند و پس از اولاد ذکور باصلح اولاد ذکور از اناث و پس ازآنها نیز بفقیه جامع الشرایط و اگر آنهم نباشد متولی کسی است که سزاوار باشد و همان یك عشر را او نیزصرف خرج خودکند.

تحریراً فی شهر ذی حجة الحرام سنهٔ ۱۰۶۰.

[جای مهر][۱]

۱ـ مهری باسجع : «عبده روح الله الحسینی».

[برحواشی این‌سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته‌شده است :]

قد وقع الوقف مع‌جمیع‌ماشرط‌عندی حرره‌العبدالعاصی . [جای‌مهر][۱]

قد وقع‌جمیع ما زبر فیه‌لـدی. [جای‌مهر][۲]

بسم‌الله خیرالاسماء قد وقع‌الوقف المزبور بشرائط المسطور لدی وانا‌الجانی . [جای مهر][۳]

قد وقع‌الوقف حسبما شرط فیه‌لدی. [جای مهر][۴]

وقع‌الجمیع‌لدی انا‌الآثم. [جای پنج‌مهر][۵]

هذاالسواد مطابق للاصل‌المعتبر. [جای پنج‌مهر][۶]

هذاالسواد مطابق لاصله الاصیل المعتمدالمعتبر انا الاقل الاحقر فقد حررته فی‌سبع لیال‌خلون من‌الربیع‌المولود ۱۳۰۹. [جای مهر][۷]

السواد مطابق لاصله‌المعتبر‌الصحیح و قدقابلتها و وجدتهما سین ولقد حررته بیدی فی‌شعبان‌المعظم ۱۳۱۳. [جای دومهر][۸]

هذا مع‌اصله‌سیّان‌کفرس‌رهان حررته‌فی‌اول الربیع‌الاول ۱۳۰۹. [جای‌مهر][۹]

۱ـ مهری با سجع: «عبده‌لطف‌الله‌بهرام» . ۲ـ مهری کوچك بانـام . «رحیم».
۳ـ مهری با سجع: «محمدرفیع». ۴ـ مهری‌باسجع: «عبده خداداد» . ۵ـ مهر اول با سجع: «یاصادق‌الوعد» و مهر دوم‌بیضی‌با سجع:«محب‌شاه‌دین سلطان‌محمد» و مهرسوم با سجع: «بنده‌شاه‌ولایت ندرقلی» و مهرچهادم باسجع: «دارد امیدشفاعت زمحمد رضا» ومهر پنجم باسجع: «عبده قاسم‌الحسینی». ۶ـ مهراول باسجع : «عبده‌محمداسمعیل». مهـر دوم باسجع:«محمد کاظم‌بن‌محمد». مهرسوم‌بانام:«محمدعلی بن مهدیقلی». مهرچهادم‌باسجع: «یامحمد». مهرپنجم بانام : «محمدحسین». ۷ـ مهری بیضی باسجع : «عبده‌الراجـی ابوتراب‌العقیلی». ۸ـ هردو مهرباسجع : «صراط‌علی‌حق‌نمسکه» . ۹ـ مهری باسجع: «رزقنی شفاعة الحسین» .

وجدت هذاالسواد بعدالمقابلة مع‌الاصل مطابقاً له فی دوم ربیع‌المولود ۱۳۰۹.

[جای مهر][1]

هذامطابق لاصله حرره‌الاقل فی‌رابع‌اول الربیعین‌عام‌تسع‌وثلثمائه بعدالالف ۱۳۰۹.

[جای مهر][2]

مضمون‌این‌مواد مطابق با اصل وقفنامهٔ معتبره است. [جای سه‌مهر][3]

قد اقرالواقف‌المعظم‌الیه لدی. [جای‌مهر][4]

بسم‌الله وله‌الحمد

این‌سواد مطابق‌اصل است حرره‌الاقل فی‌۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۹. [جای مهر][5]

بسم‌الله تعالی

ورقةالمسودة مطابق لاصلها المعتبر بالمقابلة عن‌الاقل حرره فی‌ثالث شهرربیع‌الاول ۱۳۰۹. [جای دومهر][6]

هذاالسواد مطابق لاصله حررته فی‌۳ربیع‌الاول من‌شهور ۱۳۰۹. [جای مهر][7]

سواد مطابق‌سواد مصدق بمهرعلماء استراباداست‌که درسطراول‌حاشیه کلمهٔ بین‌ذکورو قسمت پـاك شده است دفتردار صلح‌نامحدود استراباد. [جای مهر][8]

۳۶ دفتر ۱۳

۱ــ مهری باسجع : «محمدزکی». ۲ــ مهری بـا سجع: «یاصالح‌المؤمنین» . ۳ــ مهری با سجع : «عبده محمدرحیم‌الرضوی». مهردوم بانام : «محمد اسمعیل». مهر سوم با سجع : «عبده ناصرالدین‌الموسوی». ۴ــ مهری‌چهارگوشه با سجع: «یا امام‌زمـان ادرکنی‌علی». ۵ــ مهری بانام : «محمدهادی» . ۶ــ مهری باسجع: «عبده‌محمد حسین‌الموسوی» . مهردوم باسجع:«عبده محمد»حسین. ۷ــ مهری بانام: «محمدطاهر الحسینی». ۸ مهری با سجع : «عبدالله استرابادی».

۱۴

وقفنامهٔ امیر علی المفضل الخادم الحسینی الاسترابادی بن امیر ابوالمکارم المفضل الحسینی مورخ ۱۰۹۰ هـ . ق .

دراین وقفنامه یك نصف شایع از قریهٔ نومل استراباد رستاق را وقف بر اولاد ومزار خود ومزار والد ومزار ولد مرحوم خود کرده و تولیت شرعی آن را درزمان حیات به خود و پس از مرگ به دخترش فاطمه خانم واولاد او اختصاص داده و شرایط وقف را درآخر وقفنامه یاد کرده است .

الحمدلله الواقف علی السرائر المطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی نبیه محمد المبعوث علی الموافق والمخالف الحدّخر شفاعته لاصحاب الکبایر وعلی آله واولاده زبدة العشایر و قدوة ارباب البصایر و سلم تسلیماً کثیراً کثیرا امـا بعد چون حضرت واهب العطایـا و رازق البرایا که واقف ضمائر و مطلع برسرایر است بنده‌ای از خواص خود را باعتبار عطای لطایف مواهب ازلی وبقای عـواطف سعادت لم‌یزلی مخصوص و ممتاز گـردانید هرآینه همت بلند و ارادت خـاطر ارجمند او رابر آن میگمارد کـه در مزرعهٔ دنیا پیوسته تخم برّواحسان کارد که از موایـد فوایدآن در دارآخرت بفحوای آیـهٔ کریمهٔ من جاء بالحسنة فله عشر امثالها حاصلی بردارد که ذخیرهٔ یوم لاینفع مال ولابنون تواند شد لهذا توفیق رفیق حال وشامل احوال حضرت ملکی طینت خجسته طویت سیادت و نجابت و معالی پنـاه نقابت و هدایت و عـوالی دستگاه دیانت و کمالات انتباه زبدة الاعاظم السادات الکرام والنقباء العظام وخلاصه اولادسیدالانام صاحب الاخلاق الرضیه و الاطوار المرضیه حـاج الحرمین الشریفین و زایر رسول الثقلین زیناً للسیادة والنجابة و النقابة والهدایة والعزّ والمعالی امیر علی المفضل الخادم الحسینی الاسترابادی ابن سیادت و

مرحمت و غفران‌پناه امیرابوالمکارم المفضل‌الحسینی گردید در حالت صحت بدن که جمیع اقاریرشرعیه و اعترافات ملیّه ازو مسموع بود و بی‌مانع و منازعی در املاك متصرف‌فیه خودش انواع تصرفات شرعیه مینمود وقف مخلّد فرمود وحبس مؤید نمود همگی و تمامی و جملگی یکنصف شایع کامل از کل قریهٔ نومل واقعه در بلوك استراباد رستاق من بلوکات دارالمؤمنین استراباد را که محدود است تمامی قریهٔ مذکوره از یکطرف بجبل معیّن مشاع فیمابین قریهٔ مزبوره و قریهٔ باباگل من و از طرف دیگر بجبل معیّن مشاع فیمابین قریهٔ مسطوره وقریهٔ مشهوره بخیرات وازجانب دیگر بسرچشمهٔ محل مذکور و جبلی که اتصال دارد بقریهٔ خواسته‌رود و مزرعهٔ قزلق و از سمت دیگر بخیابان شارع‌عام و قریهٔ ربیع‌کلا و قلعهٔ بوبك با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیّه از اراضی و صحاری و رودخانها و انهار و چشمه‌سارها سیّما چشمهٔ مشهوره بداماکه آب قنات احداثی رعایای محل مذکور از آن جاری وبعنوان چهاردانگ و دو دانگ فیمابین رعایای مذکور ومالکین عمل میشود وطاحونهٔ دائره بآب قریهٔ مذکوره‌مختصه‌بمالکین‌محل‌مزبور بقدرالحصةالشایعة من‌القریةالمذکوره و تلال و جبال و توتستان‌ها و ملیارستانها و غیرذلك از آنچه شرعاً و عرفاً از محل مزبور دانند و ازجملهٔ آن شمرند قلیلاً کان اوکثیراً نقیراً کان اوقطمیراً اسمّی‌ام‌لم‌یسم ذکراولم یذکر بقدرالحصة الشایعةالمذکوره براولاد عظام خود واولادکرام خود ایشان بشرط ان‌یمنع‌الاقرب منهم‌الابعد و برمزار کثیرالانوار خود و والد و ولد مرحوم خودش و تولیت شرعیهٔ آنرا مختص خود گردانید مادام حیاً باقیاً و بعدازآن بصبیهٔ صلبیهٔ بالغهٔ رشیدهٔ خودش و هی علیا جناب سیادت و عصمت‌پناه طهارت و خدارت‌دستگاه زین‌العفایفة المستورات و تاج‌المخدرات المسماة فاطمه خانم که بعداز وضع مالوجهات و اخراجات و حصص اکرهٔ زارعین و رعایا آنچه از حاصل باقی‌ماند یك عشرآنرا بعلت حق‌التولیة خود متصرف شده از همهٔ محصولات وقف مزبور مبلغ سه

تومان عراقی نصفه یکتومان وپنجهزاردینارموصوف بمصارف مقررهٔ مزارات مذکورات فوق صرف نماید و مقرر دارد که دو نفر از صلحاءکه موصوف بصفت علم قرائت باشند هرشبانه روزی صبح و شام موازی سه جزو از کلام ملك‌علام در دارالحفّاظ آستانهٔ مقدسهٔ منوره درصفهٔ متصله بدرب شمشاد که مضجع سعادت و مرحمت‌پناه میرزا محمدشفیع ولد واقف مومی‌الیه است تلاوت نموده ثواب او را بالسویه بروح حضرت واقف و والد ماجد و ولد مرحوم او قربت گردانند و در وقت تلاوت مذکور درصفهٔ مذکوره یکعدد پرده گسترده و یکعدد شمع موم روشن نموده بتلاوت قیام و اقدام نماید و شمع پیه نسوزند و تنخواه وظیفهٔ حفّاظ و روشنائی و قیمت پرده بدینموجب است که وظیفهٔ حفّاظ که به صفت تدین و صلاح و علم قرائت موصوف باشند دونفر روشنائی و قیمت پرده که در عهدهٔ حفّاظ خواهد بود که هر پنجسال یکعدد پردهٔ نو خریداری نموده در صفهٔ مذکوره بیندازند متولی امر مزبور در مشهد مقدس تسلیم حفّاظ نماید و تتمهٔ حاصل را فیمابین خود وباقی اولاد کما فرضه‌الله تعالی للذکر مثل حظ الانثیین تقسیم نماید و بعداز فوت سیادت و عصمت‌پناه متولیهٔ مومی‌الیه اگر از عالیحضرت واقف مشارالیه اولاد صلبی مخلف نگشته باشد هر یك از اولاد متولیهٔ مذکوره اولاد مرحمت‌پناه میرزا محمدشفیع برادر اوکه اصلح وارشد باشند متولی واقف مذکور بشرح فوق خواهد بود واولادیکه از متولیهٔ مذکورهٔ مشارالیها مخلف گردد و به صفت ذکوریت و صلاح موصوف بوده باشد امرتولیت مخصوص او خواهد بود و همچنین هرگاه از صبایای برادر مرحوم مذکور اولادی بهم برسد و متصف بصفات ذکوریت و صلاح بوده باشد مقدم براناث در امر تولیت مزبوره خواهد بود قریباً کان‌اوبعیداً هکذا بعد ماتوالدو او تناسلوا بطناً بعدبطن و قرناً بعدقرن و اگر العیاذبالله اولاد واقف مشارالیه منقرض شود بعدانقراضهم متولی‌آستانهٔ مقدسهٔ منوره در هرعصراز اعصار هرکس بوده باشد و بآن شرف امتیاز داشته باشد متولی وقف

مزبوره بوده دستور فوق بعداز وضع مالوجهات و اخراجات واکرهٔ زارعین یکعشر حاصل را بعلت حق‌التولیهٔ خود متصرف گردیده مبلغ سه تومان عراقی مزبور فوق را بشرحی که مقرر گردیده در مشهد مقدس تسلیم حفّاظ نماید که بوظیفهٔ خود و قیمت شمع و پرده بشرح فوق صرف وتلاوت اقدام نمایند وتتمهٔ حاصل را متولی‌جلیل‌القدر مذکور داخل مداخل سرکار موهبت آثار نموده بمستحقین زوار اهل اطراف که‌بصفت استحقاق وصلاح موصوف باشند باین طریق‌که هر یك از زوار موصوف بصفت مذکور را زیاده از مبلغ پنجهزار دینار وکمتر از مبلغ یکهزار دینار ندهند وقفاً صحیحاً شرعیاً لازماً مؤبداً الی‌ان‌یرث‌الله الارض و هوخیرالوارثین که نخرند و نفروشند و هبه ورهن ننمایند و اجاره زیاده برمدت پنجسال بعقد واحد یا بعقود متعدده ندهند و محصولات آنرا بسلف نفروشند وبجماعت متغلبه باجاره ندهند و وجه اجارهٔ متعده را بسلف نگیرند و صیغهٔ شرعیهٔ وقف کماهوطریقه فی‌الشریعةالمقدسة بعربی و فارسی گفته شد و تفویض تولیت بشرح فوق نموده فمن‌بدله بعدماسمعه فانمااثمه علی‌الذین یبدلونه والله سمیع علیم وتغییردهندهٔ وقف مزبور مستحق طعن ولعن خدا ورسول‌ص و ائمهٔ هدی علیهم صلوات‌الله‌الملك العلام خواهد بود .

وکان ذلك بتاریخ ثامن عشر شهر محرم الحرام
من‌شهور سنة تسعین بعدالالف من‌الهجرةالنبویة
المصطفویة صلی‌الله علیه و آله‌وسلم سنة ۱۰۹۰ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

سواد مطابق بااصل است که اصل‌آن نزداینجانب ضبط است اقل‌الحاج سید جعفر مردمؤمن .

یاعلی مدد هوالله سبحانه وتعالی بشرحی‌که درمتن نوشته شده وقف مذکور از من

صادرگردیده موقوفات را بتصرف وقف باز گذاشتم و صیغهٔ شرعیه تلفظ نمودم حررة العبدالاقل علی المفضل الخادم الحسینی الاسترابادی . [جای مهر][1]

قداقـرالسیدالاجل دام ظله بماز برفیه لـدی العبدالاقل ابوالفتح الموسوی.

[جای مهر][2]

اعترف الحضرت الـواقف بجمیع مــاز برفیه لدی حـرره العبدالاقل محمدابـراهیم.

[جای مهر][3]

قداعترف الحضرت الواقف بجوامع ماز برفی هذه الصحیفة الصحیحة عندی حرره العبد الاقل محمدعلی الاصفهانی . [جای مهر][4]

اعترف بمضمون المسطور عندی حررا العبدالاقل ابن محمدباقر شمس الدین محمد.

[جای مهر][5]

اعترف السیدالسند دام مجده بمانسب الیه فی هذه الصحیفة . حررها العبدابن خلیل الله الخادم نظام المفضل الحسینی والکتاب علی نسختین . [جای مهر][6]

قـداقرالسید السندالنجیب الـواقف المشارالیه بجمیع مــااسندالیه عندی و الکتاب علی نسختین حرره الاقل ابن محمدهادی محمدهاشم . [جای مهر][7]

قد اعترف السیدالسندالنجیب الحسیب الواقف دام مجده و معالیه بجمیع ماسطرفیه لدی العبد ابن فتح الله الحسینی الاسترابادی سید علی الخادم الحسینی . [جـای مهر][8]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع : « میرعلی المفضل » . ۲ــ مهری چهـارگـوشه باسجع : « نصرمن الله و فتح قریب » . ۳ــ مهری بیضی باسجع : « واشهدبالله ابراهیم خلیلاً » . ۴ــ مهری چهارگوشه باسجع: « یامرتضی علی ادرکنی » . ۵ــ مهری بیضی باسجع : « عبده شمس الدین » . ۶ــ مهرچهارگوشهٔ بزرگ باسجع : « المتوسل علی الله الغنی نظام المفضل الحسینی » . ۷ــ مهری بیضی باسجع: « العبدمحمد هـاشم » .
۸ــ مهری بیضی کـوچك بـانـام :« علی الحسینی » .

من الشاهدین علی ذلک حررها العبد الاقل ابو البقا النجیب الخادم .

[جای مهری ناخوانا]

قداقر السید الحسیب النجیب الواقف المشار الیه بجمیع ما نسب الیه فی هذه الصحیفة لدی حررها العبد الاقل محمدهادی و الکتاب علی نسختین . [جای مهر][1]

قداقر السید السند الاجل الواقف سلمه الله تعالی بجمیع ما نسب الیه لدی والکتاب علی نسختین حررها الاقل محمدشفیع الخادم الحسینی . [جای مهر][2]

اعترف السید السند دام مجده بما نسب الیه فی هذه الصحیفة لدی نمقه العبد اقل شمس الدین محمد الحسینی والکتاب علی نسختین . [جای مهر][3]

اعترف السید السند النجیب دام بقائه مااسند الیه فیه لدی . [جای مهر][4]

قد اعترف السید النجیب الحسیب بجمیع ما فیه لدی حررها محمدکاظم الخادم .
[جای مهر][5]

اعترف السید السند النجیب الحسیب المشار الیه دام عزه بما نسب الیه فی هذه الصحیفة لدی العبد ابن محمدباقر الحسینی . [جای مهر][6]

اقر السید السند اطال الله بقاءه و دام عزه بحضوری نمقه ابن حسن عسکری الشریف ابوتراب الحسینی. [جای مهر][7]

اقر السید السند المشار الی بعض اوصافه فی المجلد دام عزه بتمام ورقه بمشهدی حررها الموسی الخادم الحسینی و الکتاب علی نسختین . [جای مهر][8]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « العبد محمدهادی» . ۲ـ مهری بیضی باسجع : « یا شفیع المذنبین» . ۳ـ مهری بیضی باسجع : «شمس الدین الحسینی » . ۴ـ مهری بیضی با سجع : «وکفی بالله نصیراً » . ۵ـ مهری بیضی با نام : «محمدکاظم الخادم » . ۶ـ مهری بیضی کوچک با نام: « محمد الحسینی» . ۷ـ مهری بیضی کوچک با نام : « ابوتراب الحسینی » . ۸ـ مهری بیضی باسجع : « عبده الراجی عبده موسی » .

قد اعترف السید الجلیل النبیل دام عـزه ومعالیه بماسطر فیه لـدی خلیل‌الله المفضل الخادم الحسینی . [جای مهر][۱]

اعتـرف السید السند دام‌مجده بما نسب الیه فی هـذه‌الصحیفة لدی نمقه العبد دوست‌محمد الخادم الحسینی عفی‌الله و الکتاب علی نسختین . [جای مهر][۲]

اقر السید السند الحسیب الواقف الموفق بجمیع ماز بر فی هذه‌الصحیفة الصحیحة الصریحة من البدایة الی النهایة لـدی و الکتاب علی نسختین حرره العبد الداعی ابن عبدالوهاب محمدامین الخادم الاسترابادی . [جای مهر][۳]

اعترف السید السندالاجـل دام مجده بجمیع مانسب الیه بمحضری حـررها الاقـل ابوالحسن الحسینی. [جای مهر][۴]

اقر السید الاجل دام عزه بجمیع مانسب الیه فی هذه‌الصحیفة الصحیحة لـدی والکتاب علی نسختین وانا العبد المذنب الراجی ابن حسن رضا الخادم حسن عسکری الشریف. [جای مهر][۵]

اعترف السید السند النجیب الحسیب دام عزه بجمیع ماسطر فیه لدی الاقل محمدیحیی الخادم الحسینی. [جای مهر][۶]

قدصدر الاعتراف من الحضرت الواقف بجمیع مانسب الیه فی هذه‌الصحیفة لدی حررها العبد محمدفـاضل بن شیخ ابوجعفر الخادم والکتاب علی نسختین . [جای مهر][۷]

اعتـرف السید الجلیل دام مجده بمانسب الیه بمافیه لـدی العبد ابـن محمد مؤمن محمد مهدی الخادم . [جای مهر][۸]

۱ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك باسجع : « خلیل‌الله الحسینی » . ۲ـ مهری با سجع :«عبده محمد الخادم الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی کوچك باسجع:« محمدامین ». ۴ـ مهری بیضی باسجع : « ابوالحسن الحسینی » . ۵ـ مهری بیضی کوچك باسجع : «عسکری » . ۶ـ مهری با سجع :«محمدیحیی الخادم الحسینی». ۷ـ مهری بیضی کوچك با نام :«محمدفاضل ». ۸ـ مهری چهارگوشه باسجع:«محمدمهدی الحسینی » .

اعترف السیدالحسیب النجیب بماز بر و نسب الیه فیه لدی حررها الکتاب علی الحسینی.
[جای مهر][1]

اعترف جناب الـواقف الموفق بمضامین مـا احتوی علیه هذه الصحیفة لدی وحـررها محمود . [جای مهر][2]

اعترف الواقف الموفق لمطاوی ذلك الصحیفة لدی . [جای مهر][3]

قدصدر الاعتراف عن السید النجیب الـواقف سلمه الله تعالی بجمیع ماز بر فی هذه الصحیفة الصحیحة من البدایة الی النهایة لدی حررها الداعی . [جای مهر][4]

قدعرض مضمونه صریحاً علی حده . [جای مهری ناخوانا]

سواد مطابق با اصل است ۱۳۰۹/۲/۱۶ . رحیمی

۱ـ مهری بیضی باسجع : « علی الحسینی » . ۲ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : « قـاضی محمـود السلطـان الفقیـر محمود الفقیر » . ۳ ـ مهـری بیضی باسجع : « معین الـدین اشرف الحسینی » . ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « سید تاج الدین ».

۱٤

سواد وقفنامۀ میرزا بیگ مورخ ۱۰۹۲ هـ . ق .

اصل وقفنامه در سال ۱۰۹۲ هـ . ق . و سواد آن معلوم نشد در چه سالی نوشته شده است . در این وقفنامه امیرزا بیگ بن امیرزاشرف بن سیدجلال‌الدین بن‌میرزابیگ موسوی فندرسکی همگی و تمامی املاك خود را بعضی به عنوان وقف و بعضی به عنوان صیغۀ مصالحه به قبضۀ تصرف و تملك میرزا ابوطالب ـ فرزند خود ـ داده است و نامبرده هم قرار مذکوررا دربلوك فندرسك به این شرح : تمامی قریۀ آیش‌خان ، ثلث قریۀ تلنارود ، نصف قریۀ شیرین‌آباد ، ثلث قریۀ برزین‌کل ، ثلث قریۀ داکانو ، تمامی قریۀ سیاه‌رود و ثلث قریۀ ابر از توابع بسطام که مجموعاً شش قلم می‌شود براولادصلبی خود ذکراناً و اناثیاً بالسویه (اما در طبقات بعد للذکر مثل حظ‌الانثیین را باید درنظر گرفته شود) و در صورت انقراض جمیع ایشان بر روضۀ مطهرۀ رسول‌اکرم وائمۀ اطهاروقف‌کرده وشرایط وقف را درآخر وقفنامه یادکرده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

آب‌و رنگ‌گلستان سخن‌پردازی و گلگونۀ بهارستان معنی طرازی وقف چهرۀ دلارای شاهد حمد جهان پیرائیست که منظر رفیع نـه فلك پست‌ترین غرفه از ایوان ابداع اوست و کشور وسیع هفت اقلیم کمترین قریۀ از شهرستان اختراع او واقف‌السرایری که هرگونه مکنون رازی در درج سینۀ هیچ‌آفریـده مخزون نگشته که بمهرخازن

وقوف لم‌یزلیش نرسیده و عالم‌الضمایری که ریشهٔ نخل اندیشه در قعرضمیر هیچ مخلوقی ندویده که مهرجهانتاب مشرق علم ازلیش برا و نتابیده شهنشاهی که از بیم دورباش انوار قاهر قهرمان خیالش نظر تیزرو عقل دانشوران از دورگردان سرادقات مشاهدهٔ جمال استواست و بپشت‌گرمی مسکین‌نوازی مرحمة بیزوالش پروانهٔ شکسته‌بال دل دردمندان در پرواز طواف شمع شبستان وصال او مالك‌الملکی که در تمامی دارالضرب ممالك وجود بشری نتوان یافت‌که سکهٔ ملکیتش نقش جبین نکرده باشد و ازمـاه تاماهی عـوالم غیب و شهود فلسی بدست نتوان آوردکه خزانهٔ عامرهٔ قدرتش در تحت تصرف نیاورده باشد مزارع سبز آسمان اگر هفت است و اگر هفتاد تمامی برشحهٔ از بحرعطایش تا قیامت هم آغوش سیرابی و بساتین دلگشای جنان اگر هشت است و اگر هشتاد همگی بقطرهٔ از ابرسخایش ابدالاباد دوش بدوش‌شادابی برآستان عزتش جبههٔ مذلت که سود که بکلاه کیانی سرفرود آورد و بخاك عبودیتش پهلوی مسکنت‌که نهادکه برمسند سلطانی پشت نکرد و سعادت دارین‌خانه‌زاد قدیمی بلند اقبال رضیّ‌الفعالی‌که خان ومان دین ودل وقف رضای او ساخته و توفیق نشأتین رفیق صمیمی مبارك فال حمیده خصالی‌که سرمایهٔ مال و جان درهوای او درباخته تبارك‌الله این چه رحم و کرم بی‌منتهاست که هرانچه این بندگان قلیل‌البضاعة و این فرومایگان عدیم‌الاستطاعة‌که جمله را داغ عبداًمملوکاً لایقدر علی‌شییءٍ برجبین و همه را اقرارنامچهٔ العبد ومافی‌یده‌کان لمولاه درآستین است ازخزانهٔ رحمت بیدریغ او فرا گرفته و بجهة معاش و معاد و بواسطهٔ تحصیل صلاح و سداد خویش در سبل خیرات و وجوه قربات اتفاق نموده‌اند همگی را باز برذمت همت لـه‌اضعافاً کثیرة سپرده و سبحان‌الله این چه لطف و احسان بیعد و احصاست که کردهٔ توفیق و تأیید ازلی وآوردهٔ اعانت و امداد لم‌یزلی خویش را بنام مشتی درماندگان بیتاب و توان

کـرده و انعام من‌جاء بالحسنةفله عشر امثالها در وجه ایشان مقرر شمرده تعـالی ذاته عن‌ان‌یبلغ‌کنهها‌العارفون وان‌یحیط بوصفه‌الواصفون وله‌الحمد والیه ترجعون وزیب و زیور پـریچهرگان محفل‌نکته پروری و حلی‌وحلل دوشیزگان انجمن عبارت‌گستری نامزد برا و دوش دلربای عروس نعت عالم‌آرائیست که بجز از بلبل دستان‌سرای وحی کسی را یارای آن‌نه کـه برشاخسار مدیحش بسراید و بغیراز طوطی شکرخای الهام دیگری را حد آن‌نه که بشهد توصیفش کام و زبـان بیالاید تقدس نـژادی کـه حلّهٔ روحـانیت طراز حقیقتش رادرکـارخانهٔ صنع ازل ازتـاروپود شعاع خـورشید ذات احدیت یافته‌اند وکسوت هیولائی‌نعت صورتش را سمن اندامان حجلهٔ ملکوت‌زادسای تجرد زکارخلقت خویش بصد پیرهن نازکتر یافته فاتحهٔ دیوان شفاعت وخاتمهٔ رسالت مودّت ذوی‌القرباش وسیلهٔ فتوح ومثل اهلبیته کمثل سفینة نوح قدرت نـامتناهی‌الهی درکار مشیّت خویش عبای عصمت بجهة قـامت دلارای او وآل بیهمال او مهیاساخته و بدست ارادهٔ خود ردای طهارت بردوش فلک‌سای او و اهل‌بیت او انداخته تاقیام قیامت سرابستان امـامت وقف اولادی اولاد اطهـار اوست و شهرستان ولایت ملك مـوروثی عترت اخیار او علیه و علیهم صلوات‌الله‌الملك الرؤف مادامت‌السور مقطعة بالحروف و الآیات مختمة بالوقوف اما بعدکامل نصابان نقودگنجینهٔ دانش و بینش وسرمایه‌داران متاع سفینهٔ آفرینش کـه برهنمونی تعلیم هل‌ادلّکم علی‌تجارة تنجیکم من‌عذاب‌الیم بنیك و بد معاملان دارین پی‌برده‌اند و بنفع و ضـرر معاوضات نشأتین وقـوف تمام پیدا کرده چندانکه برگرد سراپای بندروجود برآمده‌اند و طواف بحربرکشور هستی نموده بهیچگونه تجارتی ظفر نیافته‌اند و سررشتهٔ هیچ نحو معامله بدست نیاورده‌کـه بعین‌الیقین مشاهده نکرده بـاشند کـه در روز بازار رستخیز کـه محل ظهور رنج و خسران‌معاملات وهنگام‌پدیدآمدن‌فایده ونقصان تجاراتست بنقص‌فمار بحت‌تجارتهم و

مـا کانوا مهتدین مقرون است و بغبن ذلك هوالخسران المبین مغبون بغیر از ینکه متاع مستعار انفس و اموال را که روزی چند از مقدر ارزاق و آجال بعـاریت گـرفته‌اند دفعةً واحدةً در معرض بیع ان‌الله اشتری من‌المؤمنین انفسهم و امـوالهم بان لهم‌الجنة درآورند و دربیع این بصناعت مزجاة که فی‌الحقیقه ملك طلق مشتریست ومع هذا از غایت لطف و کرم بصدگونه تلطف و دلداری باضعاف مضاعف آن خریداری مینمایند سرمو‌ئی مضایقه و مماکسه روا ندارند تا بیوم میعاد که هنگام حلول اجل است بستان جنـان را کـه ثمن این مبایعهٔ شرعیة الارکان است در تحت تصرف و تملك درآورده بفراغبال در مناظر دلگشای وهم فی‌الغرفات آمنون منزل گزینند و بـاستراحت تمام برچاربالش علی سرر موضونة متکئین علیها متقابلین تکیه زده بزم عشرت یطوف علیهم ولـدان مخلدون بـاکـواب و ابـاریق و کاس من معین فروچینند و قـالوا الحمدلله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوء من‌الجنة حیث نشأ فنعم اجر العاملین وزارعان مزارع پیش‌بینی و حارثان ولایت عاقبت گزینی که گرد خرمن هدایت توتیای دیـدهٔ بصیرت ساخته‌انـد هرچند دراطـراف و اکناف مزرعة‌الدنیا مـزرعة‌الاخرة تکاپوی نموده‌اند کی‌درین دهکدهٔ فانی توانندکشت که از آفات ارضی و سماوی عالم کون وفساد مأمون و از حـوادث و سوانح صیفی و شتوی نشأة معاش و معـاد بـوده باشد جز اینکه بدست اخلاص دانـهٔ انفاق در سبیل خیرات و طریق مبرّات بکارند و بـاب سرچشمهٔ خلوص نیّت و صفای طویت سرسبز و سیراب دارند تا بوقت گرمای روز نشور و موسم وزیدن صرصر نفحهٔ صورکـه هنگام باددادن خرمن اعمال ومحل برداشتن کشتهٔ امانی و آمال است ریـع مثل‌الذین ینفقون اموالهم فـی‌سبیل‌الله کمثل جنة ابنیت سبع سنابل فی کـل سنبلة مائه حبّة والله یضاعف لمن یشاء بردارند و بوسیلهٔ آن در روزگار درازخـالدین فیها مادامت السموات والارض وام عیش وشادمانی و فرض نشاط وشادمانی که دردوروزهٔ

حبس این سرای فانی برزمهٔ خاطر حزین مانده بگذارند و قالوا الحمدلله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور بنا برین ارباب کرم و اصحاب همم که با نواع هدایات ازلی و اصناف سعادات لم یزلی ارجمندند پیوسته نصب العین خاطر حزین جز این نساخته‌اند که بقدر مقدور در انفاق و انفس و امـوال بواسطهٔ ابتغاء وجه ذوالجلال کمر جهل برمیان بندند و همیشه مطمح نظر اندیشه غیر این نساخته‌اند که مهما امکن درصرف اعراض دنیوی بجهة افشای ذخایر اخروی بقدم سعی کوشش نمایند چنانکه درین ایام بمددکاری عنایات ربانی ورهنمونی توفیقات یزدانی عالیحضرت رفیع مرتبهٔ متعالی ـ منزلت سیادت و نجابت و نقابت نیاه نباهت ومتانت و مناعت دستگاه فضایل ومحامد و کمالات اکتناه حقایق و دقایق ومعارف آگاه جامع المعقول و المنقول حاوی الفـروع والاصـول عمدة السادات و النجباء العظام زبـدة العلماء والفضلاء الکـرام نتیجة عترت سیدالمرسلین سلالـة ذریّة ائمة المعصومین کهف الحاج والمعتمرین زایـرالـرسول و الائمة صلوات‌الله علیهم اجمعین علامی فهامی نظاماً للسیادة و النقابة و النجابة والسود والفضل والکمال والعزّ والاقبال میرزا ابوطالبا سلمه‌الله تعالی که والدمرحمت وغفران ـ پنـاه او و هـو امیرزا بیگ خلف صدق امیرزا شرف بـن سید جلال‌الدین میرزا بیگ الموسوی الفندرسکی همگی و تمـامی املاك خـود را بعضی بعنوان وقفیت بشرایط مخصوصه که از ضمن مستفاد میشود و بعضی بعنوان صیغهٔ مصالحه بقبضهٔ تصرف وتملك او داده بود والی الان در حیطهٔ تصـرف و تملك اوست و اینمعنی ثـابت ومحکوم بـه است چنانکه از دو طغرا وقف‌نامچه و صلح‌نامچهٔ کـه عنوان ومفاصل طومار وهر یك ازآن بمهرعالیجناب اسلام و اسلامیان ملاذی میـرزاعلیرضا شیخ‌الاسلام دارالسلطنهٔ اصفهان وشریعت و فضیلت‌پناه قاضیخان شیخ‌الاسلام ولایت ری وجمعی کثیر ازمعتبرین موشح و معتبر است و بنظـر رسیده و سواد هر یـك ازآن دو صحیفه در ضمن تفصیل

یافته نیز ثبوت شرعی آن ظاهر میشود و از دو طغری سواد طغرائین مذکورین که نواب مستطاب میرزا ابوطالب صدرخاصه و نواب مستطاب میرزا ابوصالح صدرممالك در مطابقه بین السواد والاصل تصدیق اعتبارآن دراصل نوشته و مهر کرده‌اند وبنظررسیده ثبوت شرعی آن مؤکد میشود و رقم جهانمطاع شرعی نواب اشرف اعلی که بنابر تصدیق صدور و اهالی شرع درآن حکم صریح ثبوت شرعی وقف وصلح مزبورین موافق طغرائین مذکورین که سواد هردو درضمن مسطوراست اقرار واعتراف نموده بعدازآن تقریر نمود که چون ولد مرحوم بنابرشفقتی که باین فقیر داشتند همگی املاك خودرا بعضی را بعنوان وقف بموجب شرایط مسطورهٔ ضمن وبعضی را بعنوان مصالحه چنانکه در ضمن مسطور است باین فقیر ازرانی داشته و اورا باین شفقت اختصاص داده‌اند پس برین فقیر هم لازم است که قربةً الی الله تعالی وطلباً لمرضاته وشکراً لنعماته بپاداش بعضی از حقوق ایشان کاری کنم که خاطر هیچ یك از فرزندان و فرزند زادگان ازیشان آزرده نشود وهمه را ازین املاك که موروثی والد مرحوم بوده فی الجمله نصیبی باشد لهذا بعداز فوت والد ماجد مرحوم بسالها قبل ازین جهة همشیرهٔ خویش وهی تاج المخدرات زین المسترات سیدهٔ جلیلهٔ ستیرهٔ عفیفهٔ صالحهٔ نجیبهٔ شمس النساخانم از املاکی بموجب وقف وصلح مذکورین درحیطهٔ تصرف وتملك اوبودبخشی جداکرده از املاك مصالح عنهما قریهٔ موسومهٔ مدعوه بقریهٔ رزانراتملیك او نموده بتملك مالکانهٔ اوداد وازاملاك موقوفه منافع مزرعهٔ موسومه بمزرعهٔ طالب آباد باما لیهٔ قناة مشهوره بقناة سپردوزان بوضعی از اوضاع شرعیه که منافی شروط وقفیت نباشد مخصوص او ساخته باین طریق که بمدت سه سال باو بمبلغ دویست دینارکه عبارت از یکعباسی بوده باشد باجاره داده تعهد نموده‌ام که هر سه سال یکمرتبه تجدید عقد اجاره بمبلغ مزبور نمایم وتا حال باین وضع بوده وبرخود لازم ساخته‌ام که بعدازین هم باین وضع باشد و

غرض از اظهاران درین وقت آن است که اهالی شرع و عدول ایـن اقـرار را ازین فقیر بشنوند و درین صحیفه هم مرقوم نمایند که از اولاد خود بطناً بعدبطن التماس دارم کـه چون نوبت تولیت‌املاك بایشان رسد درباب مزرعهٔ مزبوره بـاقناة مذکوره نسبت بفرزندان همشیره همین شیوه را معمول داشته سال بسال حاصل و منافع آنـرا مخصوص ایشان شناخته درآن طمعی وتوقعی ننمایند والحال میخواهم که جهةاولاد و ذراری اناث خویش از املاك مصالح عنها نصیبی تعیین‌کنم که فی‌الجمله تدارك نصیب نبردن ایشان ازاملاك موقوفه نماید لهذا عالیحضرت معزی‌الیه همگی و تمامی حصص معینهٔ معلومهٔ املاك مفصلهٔ مرقومهٔ ذیل‌الکتاب را که مختص متصرف‌فیه است باجمیع توابع ولواحق شرعیه ومضافات ومنسوبات ملیّه از اراضی و صحاری وانهار وجداول و قنوات و عیون وآبـار و معلف و دهکده وباغات وغیـرذلك سیماالشرب والمشارب و مایتعلق بهاشرعاً سمّی‌اولم‌یسم‌قدیماً و جدیداً دایراً او بایراً داخلاً اوخارجاً

قـریـه	قـریـه	قـریـه
معلـومـهٔ معینهٔ واقـع در فندرسك موسوم بآیش‌خان باغ بالتمام	معینهٔ معلومـه تلناروذ واقعه درفندرسك‌بالثلث	معینهٔ معلـومـهٔ معـروفـهٔ شیرین‌آبادواقع‌درفندرسك بالنصف

مـزرعـه	قـریـه	از حـصـه
معینهٔ معلومـهٔ برزین‌کـل و واکانـو واقع در فنـدرسك بالثلث	معینهٔ معلـومـهٔ معروفه بسیاەرودبـار واقـع‌در فندرسك بالتمام	معینهٔ معلومهٔ معـروفه بابر فی‌توابع بسطام بالثلث

شش قلم است بر اولاد صلبی موجودین خویش ذکراناً و اناثاً یعنی میرزا شرف خانم محمد و میرزا ابوصالح و میرزا محمد اسمعیل و نجیبهٔ فخیره فخرالنساء خانم و بر اولاد صلبی که انشاءالله تعالی بعدازین تشریف رسای وجودپوشیده با نجمن شهود آیند ذکراناً و اناثاً بالسویه یعنی حصهٔ هریك از بنات با حصهٔ هریك از بنین مساوی باشد و بعد از آن بر اولاد اولاد ایشان و اولاد اولاد اولاد ایشان ذکراناً و اناثاً ما تعاقبوا و تناسلوا نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب بشرط تقدم بطن اعلاء بر بطن اسفل علی مافرض الله یعنی بمقتضای آیهٔ وافی هدایت وللذکر مثل حظ الانثیین در طبقهٔ ثانیه و مابعد آن حصهٔ هریك از بنات نصف حصهٔ هریك از بنین بوده باشد و هرگاه احدی از بطن اعلی وفات یابد خواه در طبقهٔ اولی و خواه در طبقهٔ ثانیه و بعد از آن حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور و اناث او بوده باشد بمقتضای وللذکر مثل حظ الانثیین فیمابین ایشان انقسام یابد و جمعی که با متوفی در مرتبهٔ تساوی باشند با وجود اولاد واحفاد متوفی در تمامی حصهٔ متوفی بهره نداشته حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور واناث او بوده باشد و با عدم اولاد حصهٔ او متعلق به جمعی باشد که متوفی در مرتبهٔ تساوی باشند اگر در طبقهٔ اولا باشد فیمابین ایشان بالسویه و اگر در طبقهٔ ثانیه و مابعد آن باشد بمقتضای وللذکر مثل حظ الانثیین انقسام یابد و اگر العیاذبالله اولاد ذکور واناث واقف معزی الیه منقرض شوند حصص مزبوره وقف باشد بر اولاد ذکور و اناث اولاد اناث والد ماجد واقف و هو المرحوم المغفور میرزا بیگ ابن میرزا شرف ابن میرزا بیگ الموسوی الفندرسکی و فیمابین ایشان بمقتضای وللذکر مثل حظ الانثیین انقسام یابد و اگر العیاذبالله ذکور و اناث اولاد واقف و ذکور و اناث اولاد اناث والد واقف منقرض شوند چنانکه هیچکس از موقوف علیهم مزبورین باقی نماند حصص موقوفه وقف باشد برزوار مرقد انفس اسمی و قبهٔ سپهر اعتلای حضرت سید الکونین و رسول الثقلین و خیر النبیین المرسلین و رحمة للعالمین اعنی المصطفی الامجد

المحمود الاحمد حبیب‌الله العالمین ابی‌القاسم محمد صلی‌الله علیه و آله وسلم و سدة السنیه وعتبهٔ علیه حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین ابی‌الائمة المعصومین قاتل الکفرة والمشرکین الامام المطلق ولی‌الله و وصی رسوله بالحق اعنی اسدالله الغالب و مظهرالعجایب و مطلوب کل طالب ابی‌الحسن علی‌بن‌ابیطالب علیه‌الصلوات والسلام و عتبهٔ رفیعه وسدهٔ منیعهٔ بضعة خاتم‌النبیین المرسلین سیدةالنساء العالمین فاطمة‌الزهراء علیه‌التحیة والثنا و زوار مرقد اسنا ومشاهداعلا حضرات‌ائمة‌الطاهرین وحجج‌الله علی خلقه اجمعین و اوصیاء رسول رب‌العالمین و ورثهٔ علوم الاولین والآخرین و خلفاء الراشدون والائمة‌الهادون‌المهدیون اعنی الامامین‌الهمامین‌الحسن والحسین و امام الثقلین‌علی‌ابن‌الحسین والامام‌المطهرالطاهر ابی‌جعفرمحمدالباقر والامام الناطق اباعبدالله جعفرابن‌الصادق والامام المطهراباابراهیم موسی‌ابن جعفر والامام الملقب بالرضاعلی‌ابن موسی والامام‌الملقب بالتقی محمدابن علی والامام بالنصی‌الجلی ابی الحسن‌علی الملقب بالنقی و صاحب‌الجود والمنن‌الامام بالحق ابومحمدالحسن بمقام صاحب‌الامروالزمان‌خلیفةالرحمن‌صلوات‌الله وسلامه وتحیاته علیهم اجمعین‌ازسکنه و موطنین قصبهٔ فندرسك ومحال‌آن و بلدةالمؤمنین استراباد ومستحقین طلبهٔ علوم‌دینیه ازقریهٔ ناجیه‌که تشبث بولای اهلبیت اطهارعلیهم‌السلام جسته‌اند خواه در فندرسك و استرابادساکن باشندوخواه‌دربلدهٔ‌دیگرکه متولی وقت‌که درذیل‌تعیین شده بهریك‌ازین دو صنف‌که اتفاق افتدکلاً اوبعضاً وهمچنین بهریك ازصنف اول‌که اتفاق افتدکلاً او بعضاً وهمچنین بهریك ازصنف‌ثانی‌که اتفاق‌افتدکلاً او بعضاً بدین موجب زایری مبلغ‌سه تومان‌تبریزی وبهرطالب‌علمی مبلغ‌یکتومان وپنجهزاردینارتسلیم‌نمایند وتولیت حصص موقوفه راعالیحضرت واقف‌امنه‌الله تعالی‌من‌فزع‌یوم‌الموقف‌اولاً رجوع بنفس‌نفیس‌خود نموده‌مادام‌حیاً باقیاً ابقاه‌الله‌تعالی وبعدازآن بعالیحضرت میرزا شرفخان محمد که اسن اولاد اوست و بعدازآن بارشد اسن اولاد ذکور صلبی خویش ماتعاقبوا و تناسلوا

بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب و اگر در مرتبهٔ از مراتب ارشدیة بـراسنیّت معارضه نماید ارشد متولی و اسن ناظر خواهدبود و اگرالعیاذبالله ذکور اولاد منقرض شونـد تولیت حصص موقوفه متعلق خواهد بود بذکور اولاد اناث واقف واگر عیاذاًبالله ذکور اولاد هم منقرض شوند تولیت حصص موقوفه متعلق باشد بذکوراولاد اناث‌والد واقف‌و اگرالعیاذبالله آنهم‌منقرض‌شود تولیت‌حصص‌موقوفه متعلق باشدبصدرزمان‌اما بیان‌شروط سابقهٔ درمتن عقدکه وقف بآن لازم ومتحتّم بوده باشد آنکه متولی وقت مادامیکه امر تولیت مخصوص عالیحضرت واقف بوده باشد بعد ازوضع نفقهٔ آن قنواة و بذرومصالح‌ـ الاملاك و سایر مؤنات زراعت و حقوق دیوانی و آنچه سلطان وقت بمقاسمه و خراج میگیرد یك‌نصف عشر حصص وتمامی موقوفه را بعلت حق‌التولیة تصرف خواهد نمود و یکنصف عشر را بشرح مزبور تسلیم زوار حضرات چهارده معصوم صلوات‌الله و سلامه علیهم وطلبهٔ علوم دینیهٔ مزبوره نموده ودرعشر تتمه‌فیما بین موقوف‌علیهم قسمت خواهد نمود و بعـد ازآنکه نوبت تولیت باولاد واقف رسد متولی بعد از وضـع موضوعـات مذکوره یکنصف عشر را بشرح مزبور تسلیم زوار و طلبهٔ‌علوم دین‌نمایـد و یکنصف عشر را بعلت حق‌التولیهٔ خود تصرف نموده و نه‌عشر دیگر را فیمابین خـود و سایر موقوف‌علیهم بشرح مسطور منقسم خواهد نمود و چون تولیة بصدر وقت متعلق گردد بعد از وضع موضوعات مسطوره یکنصف عشر رابعلت حـق‌التولیه تصرف نموده تتمهٔ حصص‌وتمامی مذکوره راکه‌نه عشرونیم‌است بشرح‌مسطور صرف‌زواروطلبهٔ‌علوم‌خواهد نمود واقف مشارالیه تمامی حصص موقوفه را از حیطهٔ تملیك خود بعد ازتکلم بصیغهٔ شرعیه بیرون‌کرده بتصرف وقف داد و اولاد ذکور و اناث مذکورون تصرف نموده بعد ازآن واقف بعنوان‌تولیت قبض‌نمود قبضاً صحیحاً شرعیاً ونیزواقف مشارالیه شرط نمود که حصص موقوفه را نخرند و نفروشند و هبه ومصالحه ومعاوضهٔ تملیك و تملك‌درآن جایز ندارند و باجارهٔ طویله ندهند وزیاده از سه‌سال‌باجاره ندهند وبارباب‌استیلاء و

متغلبه مطلقاً باجاره ندهند نه‌بعقد واحد و نه بعقود متعدده وناظر برمتولی نگمارند و تعیین‌کنندهٔ این بغضب الهی و سخط رسول ونفرین ملائکه‌گرفتارشود فمن بدّله بعد ماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله‌سمیع‌علیم .

قدحرر ذلك فی‌الیوم‌الثانی شهرربیع‌الاول‌من‌سنة
اثنین وتسعین بعدالالف‌من‌الهجرةالنبوةالمصطفویة
علیه وآله‌افضل‌الصلوة واکمل التحیات تمام شد.

[در دنبالهٔ وقفنامهٔ بالا، وقفنامهٔ زیر اضافه شده است:]

نحمد و نصّلی سعادات اخرویة‌کسی را میسر گردد که همگی اوقات فرخنده‌ساعات خود را در تحصیل و تکثیر خیرات و مبرّات صرف نموده تولا بولای اهلبیت سیدالمرسلین و اعتصام بمودّت ائمهٔ طاهرین و تشبث بحبل‌المتین نموده سعی‌موفور بتقدیم رسانیده وکرایم اموال خود را ذخیرهٔ یوم‌لاینفع مال ولابنون‌سازد چون توفیقات ازلی وتأییدات لم‌یزلی قرین‌حال وکفیل امانی و آمال عالیحضرت ستوده‌خصلت فرشته‌طینت قدسی‌فطرت سیادت ونجابت ورفعت‌پناه نقابت وفضیلت وکمالات‌دستگاه مناعت و حشمت و فضایل‌انتباه دقایق و عوارف ومتانت اکتناه خلاصةالسادات والنجبائی سلالة الفضلاء النقبائی مستغنی‌الالقابی رفیع‌الجنابی للسیاده والنجابة و الفضیلة والمناعة والعوارف والدین میرزابیکاالموسوی‌الفندرسکی اصبح احواله واتم بالخیر والسعادةآماله وطول‌الله عمره وزادتوفیقه وغفرلعالیحضرت والدة الماجدالعالی میرزاشرف تغمده‌الله بغفرانه‌العزیز بعد از اطلاع بمعانی‌آیات بینات‌کلام معجزفرجام حضرت ملك‌علام و احادیث دررنظام حضرت سیدانام علی‌قایله‌الصلاة والسلام قال جل جلاله وعم نواله عندکم ینفذو ماعندالله باق و قال علی قائله‌الصلوة والسلام اذامات‌ابن آدم‌انقطع عمله الاعن ثلث صدقة جاریة و علم ینفع‌به و ولد صالح یدعوله همت عالی نهمت خود را به تحصیل مراتب جنات تجری من‌تحتهاالانهار گماشته در نیکوترین

وقتی از اوقات وقف صحیح شرعی و حبس صریح ملی نمود تقرباً الی‌الله‌تعالی و طلباً لمرضاته همگی و تمامی حصص معینهٔ مشخصهٔ معلومهٔ مفصلهٔ ذیل‌الکتاب واقعه در محال فندرسك دارالمؤمنین استراباد هریك با جمیع توابع شرعیه ولواحق ملیّه وکافهٔ مضافات وعامهٔ منسوبات وقاطبهٔ متعلقات ازاراضی وصحاری وانهار وجداول وقنوات و عیون و آبار و قشقات و معلف و دهکده و باغات وقلاع و غیرذلك سیّماالشرب و المشارب وآلات وادوات جدیدیه و حجریهٔ و خشبیهٔ طاحونهٔ ذیل و مایتعلق بهاشرعاً سمی ام لم‌یسم قدیماً و جدیداً دایراً و بایراً داخلاً و خارجاً بدین موجب

قریه	قریه	قریه
معینهٔ معلومهٔ مدعوه بعشقی‌محله بالتمام	معینهٔ معلومهٔ معروفه بسهی‌محله بالتمام	مشخصهٔ موسومه بحاجی‌کلاته بالتمام
قریه	قریه	قریه
معینهٔ معلومهٔ موسومه بقنقرآباد بالتمام	معلومهٔمدعوه‌بحکیم‌آباد بالتمام	معینهٔ معلومهٔ موسومه بمازورستان باکافهٔ ملحقات و منضمات اسلامیه بقدرحصه بالثلث
قریه	قریه	طاحونه
معینهٔ مدعوه‌بطالب‌آباد با عامهٔ متعلقات و بنه بالتمام	معینهٔمعلومهٔمدعوه‌بقریهٔ دکلنه‌باکافهٔ منظومات بالتمام	معینهٔ مشهورهٔ بطفار دایره بیك سنگ دافعه در اصل قصبهٔ فندرسك بالتمام

که هر یك در محل وقوع مستغنی‌الحد و الوصف است از غایت شهرت و نهایت معرفة مجموع حصص موقوفه ازقری به قلمست سوی طاحونه برفرزند اعزامجد ارشد سعادتمند خودش و هوحضرت سیادت و نجابت‌پناه فضیلت وکمالات‌دستگاه دقایق و عوارف‌انتباه متانت و مناعت‌اکتناه سلالةالسادات النجباء العظام کمالاًللسیادة و النجابة والفضیلة و العزّه والدین میرزا ابوطالب ذوی‌الفضل و المجد والاحترام لازال مرتقیاً فی‌مدارج‌العلوم والمعانی فی‌ظل والده‌المعالی و بعدازآن حضرت اطال‌الله عمره‌العزیز بر ذکوراولاد او اتحدا و تعدد و ذکور اولاد اولاد ایشان ماتعاقبوا و تناسلو نسلاً بعدنسل و عقباً بعدعقب بشرط تقدم بطن اعلابر بطن‌اسفل و اگرالعیاذ بالله ذکور اولاد و ذکورذکور اولاد منقرض شوند وقف باشد برذکور اولاد اناث میرزا ابوطالبا مشارالیه وبعداز ایشان برذکور اولاداولاد ذکورایشان ماتعاقبواوتناسلوانسلاً بعدنسل وعقباً بعدعقب واگرالعیاذبالله اولاد ذکوراناث‌نیزمنقرض‌شوندوقف‌باشدبرذکور اولاد اناث عالیحضرت‌واقف صانه‌الله‌تعالی‌عن‌مصونات‌یوم‌المواقف وبعدازایشان‌برذکور اولاد ذکوراناث ماتعاقبوا وتناسلوانسلاً بعدنسل وعقباً بعدعقب وچنانچه‌اولاد اناث‌رادر هرمرتبهٔازمراتب اصلاً ومطلقاً بهره ومدخلیتی‌درحصص موقوفه‌نخواهد بود ودر جمیع مراتب شرط تقدم بطن اعلابربطن اسفل در متن عقد وقف شده و اگرالعیاذبالله ذکور اولاد واولاداولاد ذکوروذکوراولاداناث‌ازصلب حضرت میرزاابوطالب مشارالیه وذکور اولاد اناث از صلب واقف منقرض شوند چنانچه هیچ‌کس از موقوف علیهم مزبورون باقی‌نماند حصص موقوفه وقف باشد برزوار مرقدانفس اسنی وقبهٔ سپهراعتلاء و سدّهٔ سینهٔ غایت‌المنتهی حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین و یعصوب‌الدین و قایدالغرّالمحجلین و ابی‌الائمةالمعصومین و قاتل‌الکفرة والمشرکین وخلیفه

سیدالمرسلین وحبیب‌حبیب آله‌العالمین و محیط علوم الاولین و الآخرین ولی‌الله و وصی‌رسوله بالحق و زوارعتبة علیه و سدهٔ سینهٔ حضرت والارتبت امام‌الشهیدالمعصوم المظلوم‌ثالث‌ائمةالانام‌شمس‌المشرقین‌ونورالعینین وامام‌الکونین‌الذی‌قال‌رسول‌الثقلین الحسین منی و انامن حسین‌اعنی امام العابد وزین‌الناس و المساجد و زوارسایرائمهٔ مدفونه در سرّمن‌رأی و ارض بغداد و زوار مشهد مقدس اعلی و مرقدانفس‌اسنی امام مفرّض‌الطاعة واجب‌العصمة از سکنهٔ موطنین دارالمؤمنین استراباد و مستحقین و طلبهٔ علوم دینیه ازفرقهٔ ناجیه که تشبث بولایت اهلبیت اطهار علیهم‌السلام جسته‌اند و از سفینهٔ نجات از غرقاب هلاکت تخلف نورزیده‌اند خواه دراستراباد و خواه دربلدی دیگرساکن باشند متولی وقت‌که درذیل تعیین شده بهر یك ازایشان مبلغ پنجتومان تبریزی خرجی راه و چارواء سواری از حاصل و تمامی حصص موقوفه بعداز وضع آنچه در ذیل مستثنی شده داده ایشانرا روانهٔ راه نمایند و همچنین شرط نمود واقف موثق مشارالیه که اگر در مرتبهٔ از مراتب بطون سابقه یا بطون لاحقه جمع شوند بطون سابقه تقدم داشته باشد برلاحقه و اگر احدی از بطن اعلی وفات یابد حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور اوبوده باشد و جمعی‌که با متوفی در مرتبهٔ مساوی باشند باوجود اولاد ذکور واحفاد متوفی درتمامی حصهٔ متوفی بهره نداشته باشند و حصهٔ او مخصوص اولاد ذکور او و ذکور اولاد اولاد او باشد بشرط تقدم بطن اعلی بربطن‌اسفل باعدم اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور احصهٔ اومتعلق بجمعی باشدکه بامتوفی درمرتبهٔ مساوی باشند و اناث اولاد اناث را در هیچ مرتبه از مراتب در اعداد موقوف‌علیهم نخواهند شمرد وتولیت حصص موقوفه راعالیحضرت واقف امنه‌الله‌تعالی وبعداز خودبعالیحضرت میرزا ابوطالبا فرزند ارجمندش وبعدازو بارشد اسّن ازاولاد ذکور او و ماتعاقبوا و تناسلوابطناً بعدبطن وعقباً بعدعقب واگر العیاذبالله ذکور اولاد میرزا ابوطالب‌منقطع

شوند متعلق باشد بذکوراولاد اناث ازنسل حضرت میرزاابوطالب بشرط رشد اسنیت و بعدازآن بذکور اولاد و ذکور اناث و هلم‌جراً و اگر ایشان نیزمنقطع شوند امر تولیت مخصوص ذکور اولاد اناث از صلب عالیحضرت واقف مشارالیه بوده باشد و بعد ازآن بذکور اولاد اناث بطناً بعدبطن بشرط مذکور و اگر در مرتبهٔ از مراتب ارشدیت بر اسنیت تعارض نماید ارشد متولی باشد واسّن ناظر خواهد بود واگرالعیاذبالله مجموع اولاد ذکور درجمیع مراتب منقرض گردند چنانچه مطلقاً احدی از ذکور اولاد اولاد ایشان باقی نماند امـرتولیت متعلق بوده باشد بصدر زمان ومنوط برأی صوابنمـای‌او خواهدبودکه تمامی‌حصص بشرح مذکور زوار منقسم سازد امابیان شرط سابقه درمتن عقد وقف که عمل بآن لازم و متحتّم بوده باشد آنکه متولی وقف مادام‌که امر تولیت مخصوص عالیحضرت واقف و میـرزا ابوطالب بوده باشد بعداز وضع موضوعـات آتیه یکعشر محصول وتمامی حصص موقوفه را بعلةحق‌التولیة تصرف خـواهند نمود و بعد از ایشان یـك‌نصف عشرحاصل وتمامی حصص موقوفه را متولی بعد از وضع نفقهٔ آن قنوات و بذر و مصالح‌الاملاك و سایر مؤونات زراعت و حقوق دیوانی وآنچه سلطـان وقت بمقاسمه خراج میگیرد بعلت‌حق‌التولیة متصرف‌شده یکنصف‌عشررا بشرح‌مذکور تسلیم زوار موصوفهٔ ائمهٔ طاهرین نماید ونه‌عشر تتمه‌را میان خود و سایـر موقوفـ علیهم حسب‌المسطور منقسم سازد مادام‌که تولیت در سلسلهٔ اولاد باشد و چون بصدر وقت متعلق‌گردد بعداز وضع موضوعات نصف‌عشر تمامی حصص موقوفه رابحـق‌التولیه تصرف وتتمه‌که‌نه‌عشرونیم است بشرط مسطور صرف زوارخواهد نمود وواقف مشارالیه تمامی حصص موقوفه را از حیطهٔ تملك خود بعد ازتکلم بەصیغهٔ شرعیه بیرون کـرده بتصرف واقف داد و میرزا ابـوطالب موقوف‌علیه تصرف‌نموده بعد ازآن واقف بعنوان تولیت قبض‌نموده قبضاًصحیحاً شرعیاً ونیزواقف مشارالیه شرط نمودکه‌حصص‌موقوفه را

نخرند و نفروشند وهبه ومصالحه ومعاوضه وتمليك وتملك درآن جايز ندانند و باجارهٔ طويله ندهند و زياده از سه سال باجاره ندهند و بارباباستيلا و متغلبه مطلقاً باجاره ندهند نه بعقد واحد و نه بعقود متعدده وناظر بر متولی نگمارند و تغيير كنندهٔ اين بسخط و نفرين و غضب‌الهی و رسول و ملائكه گرفتارگردد فمن بدّله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذين يبدلونه ان‌الله سميع‌عليم .

وحررذلك فی‌ثامن شهرشوال ختم‌بالخيروالاقبال‌سنة سبع وستين والف۱۰۶۷.

[برحواشی اين سواد وقفنامه عبارات زير نوشته شده است:]

هو

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم

وقع‌الاقراروالاعتراف‌الصحيح‌الشرعی‌من‌السيدالحسيب‌النجيب‌الفاضل‌العزيزالمشاراليه بجميع ما اسنداليه من‌الواقف‌وتعيين‌المتولی‌كماسطر وزبرفی‌المتن والضمن‌من‌المطلع الی‌المقطع‌لدی نميقةُ‌العبدالاقل ابن‌ابوالقاسم ابوالفضل‌بهرام عفی‌عنهما.

[محل‌مهرشيخ‌ابوالفضل قاضی‌استرابادی]

وقفيت دو دانگ ازقريهٔ ابروكل ششدانگ برداعی ثابت و واضح‌است حرره‌العبد.

[جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم

وقع‌الاقراروالاعتراف‌الصحيح‌الشرعی من‌السيد الحسيب‌النجيب الفاضل‌العزيز المشاراليه‌بجميع مااسنداليه‌من‌الواقف‌وتعيين‌المتولی‌كما زبر وسطر فی‌المتن‌والضمن من‌المطلع والمقطع‌لدی الفقيرالمذنب‌الداعی‌للخلود الدولة‌السلطانيه .

[محل مهرقاضی‌شيخ قاضی‌قلعه مياكی سادات] .

۱ـ مهری بيضی با سجع : «حسين‌منی‌وانا من‌حسين».

اقرار صحیح شرعی از جناب مقدس‌القاب عالیحضرت واقف مومی‌الیه بوقفیت املاك مزبوره من‌سیور مسطور صادر گردید. [محل‌مهر میرزا کاظم شیخ‌الاسلام مازندران].

قد وضح وصح مانسب‌الی الحضرةالواقف المؤیدالموقف البارع الفاضل‌الحسیب اطال‌الله تعالی فی‌طی‌هذه‌الصحیفه عندی وانا العبدالاقل محمدابراهیم‌ابن زین‌العابدین النصربن‌الطوسی عفی‌الله عنه ... والوصی .

[محل مهر میرزا ابراهیم وزیر بیگلربگی استراباد]

قد صدر هذاالوقف‌المبارك المسطور .... الله‌تعالی و طلبالمرضاته‌العظمی‌من‌الحضرت الواقف‌المؤید بتائیداته کمازبرو طی هذه‌الصحیفه .. . . المذنب‌محمدالمدعوه بالمحسن‌البیارجمندی. [محل مهر]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

وقفیت سیزده قریهٔ مفصله‌درمتن‌بضمیمهٔ یکحجر آسیا ثابت ومحقق‌است واناالاحقر.

[جای مهر][1]

هذاالسواد مع‌اصولهما مطابق العبدعزیزالله‌الحسینی. [محل‌مهر]

هذاالسواد ان‌مع‌اصولهما مطابق و ... نموده العبدمحمدامین‌الموسوی .

[محل‌مهر]

هذاالسواد ان مع‌اصولهما مطابق العبدحیدرالحسینی. [محل مهر]

هذاالسواد ان‌مع‌اصولهما مطابق العبدابراهیم‌ابن بهرام. [محل‌مهر]

هذاالسواد ان مع‌اصولهما مطابق العبدابراهیم‌بهرام . [محل‌مهر]

هذاالسواد مع‌اصولهما مطابق العبدکمال‌الدین حسین‌بهرام . [محل مهر]

هذاالسواد مع‌اصولهما مطابق العبد بهرام‌ابن‌ابوالحسن بهرام‌عفی‌عنه. [محل‌مهر]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع: «حسین‌منی‌وانا من حسین».

۱۵

تصدیق دیوان صدارت مورخ ۱۰۹۷ هـ . ق .
در این تصدیق‌نامچه قریهٔ بهلول‌آباد و هفت‌باب دکاکین جنب مدرسهٔ عمادیهٔ استراباد و دو دانگ حمام دربنو راکه تا این تاریخ جزء موقوفات موسعه به وظیفه مقرر شده بود ، از موقوفات اختصاصی مدرسهٔ عمادیه دانسته است .

الله‌الغالب

ابوطالب بن‌محمدباقرالرضوی

چون از دفتر موقوفات ممالك محروسه تصدیق نمودند که تمامی قریهٔ بهلول‌آباد و هفت باب دکاکین جنب مدرسهٔ عمادیهٔ استراباد و دو دانگ حمام دربنو ازجملهٔ موقوفات مدرسهٔ مزبوره است و ازجملهٔ موقوفات موسعه نیست و قبل از این حاصل قریهٔ مزبوره بقیداینکه از موقوفات موسعه است بوظیفه مقرر شده و موافق شرع و حساب باید حاصل آن صرف موقوف علیه شده و در باب وجه اجارهٔ دکاکین وقف مدرسه‌که هر ساله مبلغ هجده هزاردینار تبریزی است و بموجب مثال لازم الامتثال دیوان‌الصدارة بتاریخ شهر محرم سنهٔ ۱۰۸۰ بوظیفهٔ ملاابوالحسن‌خطیب استرابادی مقرر بوده برطبق عرض طلبهٔ مدرسهٔ مزبوره تعلیقهٔ رفیعه بتاریخ شهر ذیحجةالحرام ۱۰۸۶ صادر و از وظیفه تغییر ومقرر شده که صرف ضروریات مدرسه و طلبهٔ آنجا شود و نقض‌آن بدفتر نرسیده ودر این وقت طلبهٔ مدرسهٔ مزبوره بدیوان‌الصدارة‌آمده مجله درباب وقفیت محل مزبور بر مدرسهٔ مذکوره به مهر سیادت و مرحمت و غفران‌پناه میرمحمد مؤمن عقیلی وحضرات سیادت وفضیلت وافاضت‌پناهان سلالتی-

السادات والنجبا میرزا محمدرحیم و میرزامحمدنعیم خلفی مزبور که بروقفیت حاصل محل مزبور شهادت‌قلمی و مرحمت و مغفرت‌پناهان مولانا محمدباقر الخراسانی و محمدعلی‌استرابادی . . . جمعی از شهود آن نموده بنظر رسانیده در این باب استدعاء مثال لازم‌الامتثال نمودند ایجاباً لمسئولهم مقرر شدکه ازابتداء بارس‌ئیل متولی و طلبهٔ مدرسهٔ مزبوره هرساله حاصل و مداخل موقوفات مدرسهٔ مزبوره را ضبط و بازیافت نموده موافق شرع‌شریف و شرط واقف بمصارف‌ضروریهٔ مدرسه وطلبهٔ سکنهٔ آنجا مصروف دارند و جمعیکه از محال مزبوره وظیفه گذرانیده‌اند وظایف خود را از آنها مقطوع دانسته و بامثله واخطبه‌که دراین باب در دست داشته باشند مستندنشوند مباشرین وزارعین و مستأجرین محال مزبوره حسب‌المسطورمقرردانسته حاصل زراعت‌محل‌مزبور و وجه اجارهٔ مستغلات مزبوره راسال‌بسال بلاقصوروانکسار واصل و عاید متولی و طلبهٔ سکنهٔ مدرسهٔ مزبوره نموده قبض دریافت نمایند که حسب‌المقرر صرف ضروریات مدرسه و وجه معیشت خود نموده بدعاگوئی دوام دولت بیزوال ابدی الاتصال اشتغال نمایند و در این‌باب اهتمام تمام لازم دانسته هر ساله خطاب و مثال مجدد طلب ندارند.

تحریرا فی‌شهر ربیع‌الثانی من‌شهور سنة ۱۰۹۷.

[جای مهر][1]

۱ـ مهری بزرگ با سجع : «الراضی بقضاءالله الغنی ابوطالب‌الرضوی» .

۱۶

سواد وقفنامهٔ حاجی‌قاسمعلی‌الوفنی مورخ ۱۱۱۹ هـ . ق.

در این وقفنامه‌شش‌دانگ‌قریهٔ‌الوفن‌وشصت‌کلاته ودو دانگ‌و نیم یاجنو و یک‌دانگ‌و نیم توکل‌باغ وشش دانگ علیشقلو و شش‌دانگ عیسی‌محله و دو دانگ از دشتی‌کلاته و دودانگ استون‌آباد و دودانگ وطنا و نیم‌دانگ‌از یک‌باب سرای‌مشهور به‌کاروانسرای انارفروشان و سه دانگ یک‌باب دکان‌عصاری‌در میدان شور استراباد و سه دانگ دکان عصاری دیگر متصل به دکان سابق‌الذکر و دوباب خانه و سرای مسکونی خود و شش دانگ یک‌باب‌دکان‌بقالی درمحلهٔ‌کاسه‌گران و باغچه‌بسطویکه؟ و انبارملکی خود را وقف‌براولاد ذکور خود و بعد از انقراض براولاد اناث خود و بعد از انقراض ایشان برزوار امام‌علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام و تولیت‌آن‌را در دوران‌حیات به‌خودو سپس به اولاد خود اختصاص داده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به‌نستعین

الحمدلواقف‌الخلایق والشکر لعالم‌الدقایق والصلوة والسلام علی‌اشرف‌الخلایق محمد صلی‌الله علیه وآله وعترته‌الدین‌فتح‌بهم ابواب‌المضایق وبعدباعث برتحریراین‌سطور شرعیة‌القواعد والارکان وسبب از تسطیر این زبورملیة‌المعاقد والبنیان آنستکه‌جناب رفعت و معالی‌پناه حمیده خصال نیکو فعال حاج‌الحرمین‌الشریفین حاجی قاسمعلی الوفنی موفق‌بتوفیق یزدانی ومؤید بتأیید سبحانی شده درحال صحت‌نفس وثبات‌عقل و جواز تصرف قربةً الی‌الله وطلباً لمرضاته همگی و تمامی املاک مفصلهٔ‌ذیل خود را

که الی یومنا هـذا در تحت تصرف و یدملکیت خود داشت وقف مخلد وحبس مؤبد بر اولاد ذکـور خود وهم ملاعبدالوهاب و ملامحمـد و ملاعبدالمغیث ومیرزاخـان و عبدالعظیم و عبدالغنی و آنچه بعد ازاین متولد شوند و همچنین براولاد اولاد نسلاً بعدنسلٍ و بطناً بعدبطنٍ املاك موقوفهٔ مشهورهٔ موسومه به

۱ــ الوفن همگی و تمامـی که بعبارهٔ آخری ششدانگ است و مع شش مزرعهٔ آب تسری دهنه .

۲ــ شصت‌کلاته وصیغهٔ وقف بر آن خوانده شد.

۳ــ یاجنو دودانگ ونیم ازجملهٔ ششدانگ‌است ازکل.

۴ــ موسومهٔ توکل باغ یکدانگ‌ونیم ازجملهٔ ششدانگ ازکل.

۵ــ علیشقلوچهاردانگ‌ونیم ازجملهٔ ششدانگ ازکل وایضاًهمگی وتمامی‌یکدانگ‌و نیم‌ز...هٔمزبوره راکه درثانی بنحوی ازانحای شرعی‌مالك وصیغهٔ وقف‌برآن‌ششدانگ خوانده شد .

۶ــ عیسی‌محله چهاردانگ‌و نیم از جملهٔ ششدانگ ازکل و ایضـاً همگی و تمامی یکدانگ‌ونیم قریهٔ مزبوره راکه در ثانی بنحوی ازا نحای شرعی مالك وصیغهٔ وقف براین خوانده شد .

۷ــ دشتی‌کلاته واقعه در بلوك انزان دو دانگ ازجملهٔ ششدانگ‌ازکل مع‌همگی و تمامی یکرشته‌کیومه ؟ واقع است درقریهٔ مزبوره .

۸ــ استون‌آباد دو دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل مع همگی و تمامی یکرشته قنات که واقع است درقریهٔ مزبوره .

۹ــ وطنا دو دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل .

۱۰ــ همگی و تمامی نیمدانگ از جملهٔ ششدانگ ازکـل یکباب سرای واقعـه در

دارالمؤمنین استراباد مشهور بکاروانسرای انارفروشان که از زوجهٔ خود خریده و بعد از مهمسازی قیمت صیغهٔ آن گفته شد.

۱۱ـ ایضاً همگی وتمامی سه دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل یك باب دکان عصاری که واقع است در میدان‌شور بلدةالمؤمنین استراباد.

۱۲ـ ایضاً همگی و تمامی سه دانگ ازجملهٔ ششدانگ ازکل یک باب دکان عصاری واقعه در میدان‌شور بلدةالمؤمنین استراباد و متصل بدکان سابق‌الذکر .

۱۳ـ ایضاً همگی و تمامی سه دانگ از جملهٔ ششدانگ ازیك باب دکان‌عصاری‌متصل مذکوراست درقبل باجمیع توابع ولواحق.

۱۴ـ ایضاً همگی و تمامی دوباب خانه و سرای متصل بیکدیگر که واقف مرحوم در آنجا سکنا دارد.

۱۵ـ ششدانگ ازکل یکباب دکان بقالی واقعه در محلهٔ‌کاسه‌گران با جمیع‌توابع و لواحق .

۱۶ـ باغچه بسطویکه؟ وانبار واقف مزبور و فرعاً بعداصل ماتعاقبوا وتناسلوا بعد از انقراض اولاد ذکور وقف نموده براولاد اناث و العیاذبالله بعد از انقراضهم وقف است بر زوار امام‌الجن والانس‌علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌الاف‌التحیه والثناء و تولیت‌موقوفات مزبورات رامادام‌الحیوة بنفس‌خود وبعدفوته بارشد واصلح‌واتقی اولاد ذکور خود و هر یك از موقوف علیهم بصفات‌فوق متصف‌باشندتفویض ومقرر نموده‌که هرساله متولی مزبور عشرحاصل املاك موقوفه را بعوض حق‌التولیه وضع وباقی را بالسویه فیمابین موقوف‌علیهم‌منقسم‌نمایندوصیغهٔ شرعیه برآن جاری شده وازملکیت خودتخلیه‌نموده‌و بتصرف موقوف علیهم داد و درآنها تصرف نمود و خود تخلیه وتولیت بآنها نموده‌وقفاً صحیحاً شرعیاً لایباع ولایرهن ولایستجار الاّ ثلثة‌سنین فمن بدله بعد ماسمعه فانما

اثمه علی الذین یبدلونه .

وکان ذلک رابع عشرذی الحجة من شهور سنة
تسعة عشرومأة بعدالالف من الهجرةالنبویة
المصطفویةعلیه الف التحیه والثناءسنة۱۱۱۹.

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

چون نوبت تولیت املاک مذکورات رادر این جزء زمان بعالیشان عزت و سعادت نشان آقا رحیم ارباب که احفاد مرحوم حاجی قاسمعلی الوفنی تعلق یافته خواهشمند شدکه سوادی نوشته شودکه هرگاه بمرور دهور و تصاریف اعوام و شهور وقفنامچۀ اصل مندرس و مطموس گردد همین نوشته و سواد مطابق بااصل حجة شرعی باشد تحریر این صفحه صحت ترجمه درغرۀ شهررجب المرجب من شهورسنۀ ۱۲۴۴.

بسم الله الرحمن الرحیم

این سواد مطابق است با سوادمطابق بااصل معتبر معمول به حرره الاقل خادم اهل ـ العلم والعمل محمدابن محمدطاهر ۲۵ محرم الحرام ۱۳۳۲.

هذاالسواد مطابق لسواد المعتبر المعتمدالمطابق لاصله المعتمد حرره اربعة ایام بقین من محرم الحرام ۱۳۳۲ سلام علی ابراهیم الحسینی .

هذاالسواد مطابق للسوادالمطابق للاصل المعتمدالمعتبر بلاتفاوت حرره بیدی فی ۲۶ شهر محرم الحرام من شهور سنة ۱۳۳۲. [جای چهارمهر][1]

۱ــ هر چهارمهر بیضی است. مهر اول با سجع: «عبده الراجی ابوتراب العقیلی» . مهر دوم با سجع: «عبده محمدالحسینی». مهرسوم با سجع: «عبده محمد ابن غلامعلی» . مهر چهارم با سجع: «عبده محمدالحسینی».

هذاالسواد مطابق للاصل المعتمدالمعتبر حرره فی محرم ۱۳۳۲. [جای دو مهر][1]

هو شهد بمافیه العبد لطیف الحسینی ... ولـد مرحوم محمدزکـی.

[جای دو مهر][2]

شهد بمافیه الی النهایه. [جای دو مهر][3]

شهد بمافیه العبد شمس الدین الحسینی. [جای مهر][4]

شهد بمافیه العبد حسین دشتکلائی ... مرحـوم محمدزمان الحسینی دشتکلائی .

[مهری ناخوانا]

شهد بمافیه الخ . [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه لدی العبد ... محمدصالح . [مهری ناخوانا]

اشهد بمافیه خواجه علی ولدمرحوم خواجه مشهدی محمد ساوری. [جای مهر][5]

شهد بمافیه الخ خواجه فتح‌الله ولدمرحوم خواجه ابوالقاسم ساوری. [جای مهر][6]

هو شهد بمضمون المتن العبدالاقل .

شهد بذلك ولد ملك فرامرز هزارجریبی. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه کمترین ... محمدامین ولدمرحوم امیرعمادانزانی. [مهری ناخوانا]

هو من الشاهدین علی ذلك العبدالاقل . [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه الخ. [مهری ناخوانا]

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع: «جمال الدین محمدالصادق العقیلی» و مهردوم بیضی با سجع: «یاهادی المضلین». ۲ـ هردومهر بیضی است. مهر اول باسجع: «الحسین دشتکلائی» و مهر دوم ناخوانا. ۳ـ هردو مهر بیضی است . مهر اول باسجع: « حسینقلی ساوری » و مهر دوم باسجع :«عبده حسینقلی». ۴ـ مهری چهارگوشه باسجع: «العبد شمس الدین الحسینی». ۵ـ مهری بیضی کوچك با سجع :«یامحمد یاعلی» . ۶ـ مهری بیضی باسجع: «عبده خواجه ابوالقاسم» .

هو اقرالواقف علی‌النهج‌المسطورلدی نمقه‌الاقل علی‌جزی .

[جای سه مهر ناخوانا]

شهدت بمافیه میرزابیگ‌الموسوی نقیب. [مهری ناخوانا]

اقرالواقف علی‌النهج‌المسطور لدی نمقه العبـدالاقل محمدعلی‌نوکندی .

[جای مهر][1]

شاهد ذلك محمدمقیم. [مهری ناخوانا]

شهد بمافیه‌لدی ابن‌محمدصالح ساوری .

اقرکماسطر فی‌المتن مهدی‌ابن‌اسمعیل . [جای مهر][2]

شهد بمافیه‌لدی محمدحسین‌ساوری . [مهری ناخوانا]

هو بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به‌نستعین بسم‌الله خیرالاسماء وقع‌الوقف‌المذکـور بطریق‌المسطور من‌الواقف‌المزبور لدی وکنت نمقه . [مهری ناخوانا]

اقرالواقف المذکور علی‌النهج‌المسطورلـدی العبد اسحق العقیلی .

[جای مهر] [3]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «محمدعلی».

۲ـ مهری باسجع : «علی‌بن‌موسی‌الرضا».

۳ـ مهری بیضی باسجع : «المتوکل علی‌الله».

۱۷

وقفنامهٔ حاج اسفندیار کتولی مورخ ۱۱۳۲ هـ . ق.

در این وقفنامه نامبرده مقدار شش حجر از سی و سه حجر مجرای آب رودخانهٔ کتول کفشگیری را به انضمام شش دانگ خاک زیر کلاته را وقف بر اولاد ذکور خود و اولاد اولاد ایشان و پس از انقراض ایشان بر اولاد اناث خود و پس از انقراض آنان وقف بر مصرف تعزیه‌داری چهارده معصوم و شهدای صحرای کربلا کرده است و تولیت آن را در زمان حیات با خود و بعد از خود به دو نفر از اولاد خود که اصلح و اتقی باشند واگذار کرده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی الخفایا والسرائر والصلوة والسلام علی محمد و آله خیر القبائل والعشایر و بعد وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی اسلامی نمود اشرف ـ الاعیان والاخیار الحاج اسفندیار کتولی من طایفة پلنگ قربةً الی‌الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامت مقدار شش حجر ازسی وسه حجر از مجرای آب رودخانهٔ کتول کفشگیری با نضمام ششدانگ خاك زیر کلاته بحدود مفصله شرقاً متصل به تنور سروا(؟) غرباً متصل است بجهر بزرگ حاجیلر جنوباً متصل است بولیك تنگه شمالاً متصل است بگردشگاه نهر پیچاك محله بر اولاد ذکور و ذکور از ذکور از ذکور و هکذا علی النحو التشریك بمعنی آنکه هر که از اولاد ذکور که بر او ذکور از ذکور صادق است از این وقف سهیم است برادرزاده با عمو و پسر با پدر بنحو تساوی حصه و نصیب می‌برد و بقدر او بهره‌ور میباشد ما تعاقبوا و تناسلوا و برفرض انقراض العیاذ بالله ذکور از ذکور اولاد اناث منتسب بواقف خواه از ذکور خواه از اناث بجای آنها باشند و در تقسیم بهم متساویند ولـو

دختر با وجود مادر و خواهر باوجودخاله وعمه‌زاده با وجودعمه برابرسهم‌برند بعداز انقراض اولاد اناث العیاذبالله وقف است برمصرف تعزیه‌داری چهارده‌معصوم وشهداء صحرای‌کربلا هرساله متولی وناظر عصر منافع‌ومنال‌ملك مزبور را جمع‌آوری نموده پس‌از وضع موضوعات موقوفه و وضع حق‌التولیه بموقوف علیهم درطبقات اولادی و بمصرف تعزیه‌داری درصورت اخیر برساند و قرار تولیت و نظارت آنرا مادام‌الحیوة با شخص شخیص خود و بعد از خود بدونفرکه نسبت بسایرین اصلح واتقی باشند چه از طبقات ذکور و چه اناث و بعد از انقراض هما بدونفراعلم و اصلح واتقی از اهل بلوك کتول باشند که در هر طبقه از طبقات وقف دونفر متصدی امور موقوفه باشند یکی بعنوان متولی یکی بعنوان نظارت دخالت درامرموقوفه ووصول وایصال ومصرف بنمایند و قرار حق تولیت ونظارت راعشرازمنافع موقوفه‌که بینهما علی‌السویه تقسیم شود وصیغهٔ وقف عقداً و ایقاعاً بر نحومذکور جاری شد وقبض بعمل آمد فصاروقفاً صحیحاً لازماً بحیث‌لایباع ولایوهب ولایرهن.

وکان وقوع ذلك فی۲۰ شهررجب فی‌سنهٔ ۱۱۳۲ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

اینجانبان درمجلس وقوع حاضر بودیم . [جای پنج مهر][1]

قداعترف‌الحاج‌المسطور بجمیع‌مارقم‌فی‌الورقه فی‌التاریخ ۲۳ رجب‌المرجب۱۱۳۲.

[جای دومهر][2]

۱ــ چهارمهر بیضی و یك مهر چهارگوشه است . مهر اول با سجع :« قوام‌الله » ومهردوم با سجع : « الموسوی » . ومهر سوم با سجع : « علی‌اصغر» و دومهردیگرناخوانا است .

۲ــ هردومهر بیضی است.مهراول با سجع : « محمدقلی‌ابن محمد زمان » . مهردوم با سجع: « همایون‌الموسوی » .

هوالواقف قد وقع جمیع مارقم فیه من الوقف والعمل فی عشرین رجب من شهور ۱۱۳۲ لدی الاقل. [محل دومهر][1]

هو ذلك الكتاب لاریب فیه فی التاریخ. [جای دومهر][2]

۱۸

وقفنامهٔ مورخ ۱۱۳۹ ه. ق

در این وقفنامه حاجی محمد یوسف بیکا ناظر سابق بیوتات سرکار خاصه همگی و تمامی قریهٔ ربیع کلاته وقریهٔ سیاه‌بلو و قریهٔ حصن قاضی و قریهٔ دابوکلاته ومزرعهٔ عبدالغنی وقریهٔ سقال‌دوین واقع در بلوك استراباد رستاق و قریهٔ سعدآباد و قریهٔ نیملله وقنوات واقع در بلوك برزمهین‌رستاق را برطلبهٔ مدرسهٔ واقع در محلهٔ کاسه‌گران و سوخت مشهد حضرت رضا علیه‌السلام و اولاد خود ذکوراً و اناثاً وقف کرده و شرایط وقف‌را درآخر وقفنامه آورده است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواقف علی السرایر والشکرلله المطلع علی الضّمایر فنحمده حمداً یوافی نعمه و نشکره شکراً یکافی کرمه وهوالذی وقف العباد المخلصین لایقاع الخیرات واکتساب المبرّات ذخیرة لیوم العرصات والصّلوة والسّلام علی سیّدالانبیاء والمرسلین محمد و آله المطهّرین المعصومین الواقفین لحقایق الدّین المبین اما بعد در اینوقت توفیق دارین و سعادت

۱ـ مهراول چهار گوشه با سجع: «المتوکل علی‌الله المبین». مهر دوم بیضی با سجع: «عبده محمدقاسم بن نظام‌الدین». ۲ـ هردو مهر بیضی است. مهراول با سجع: «عبده محمدتقی». از مهردوم کلمات: «انالله عبده» خوانده می‌شود.

نشئیتن شامل حال خیریّت اشتمال عالیقدر گرامی مقدار والاتبار ستوده فطرت حمیده طویّت ملکی سجیّت منیع مرتبت معلی منزلت مرضیة الاخلاق والاوصاف اعنی جامع صفات حسنه و حاوی عـادات و حالات مستحسنه عارج معارج توفیقات وراقی مراقی سعـادات بانی المبرّات بادی الخیرات کهف الحاج و المعتمرین ضیاء للرفعة و العزّه و المجد و الاقبال حاجی محمد یوسف بیکا دام عزّه ناظر سابق بیوتات سرکارخاصه گشته از روی کمـال رغبت و اختیـار وقف صحیح شرعی وحبس صریح ملی نمودند قربتاً الی الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامی و جملگی املاك و مزارع و رقبـات مفصّلهٔ ذیل را که تا حین جریان صیغهٔ وقف درید تصرّف و قید تملك شرعی ایشان بوده

عن املاک

واقع در بلوك استرابادرستاق

قریه

ربیع کلاته واقعه دربلوك ایضاً ازقنوات وزهابی وناورونیم حجر حقابهٔ رودخانهٔ حورولی چهاردانگ نیم ازشش دانگ ازکل با جمیع توابع ولواحق

قریه

حصن قاضی که مقسوم شده با توابع و لواحق شرعیـه از نیم حجر حقـابهٔ رودخانه وغیره مع اراضی خرگوش بنه متصله بمزرعهٔ عبدالمؤمن بالتمام

قریه

سیاه بلوسوای خانقاهه محصوره بحصارو باغات و قنات باغ مع اراضی مقسومهٔ قریهٔ هفتو کلاته بتوابعها ولواحقها از حقابهٔ رودخانه وغیره بالتمام

قریه

دابو کلاته واقعه دربلوك ایضاً سه دانگ نیم ملکی مع حق الحفرقنـوات کـه بشراکت ورثهٔ موجود علی عزالدین لو دارد با جمیع توابع ولواحق شرعیه

مزرعـــــه

عبدالغنی که متصل است بحصن قاضی و سیاه‌تلو بالتمام و سه دانگ از شش دانگ قریهٔ نومل باجمیع متعلقات آن

قریـــــه

سقال‌دوین واقعه در بلوك ایضاً چهار دانگ مع‌حق‌الحفر قنواتی که واقعند در قریهٔ مذکوره و ناوریکه بشراکت آقاابراهیم موسوی در قریهٔ مزبوره واقع میباشد

عن املاک

واقعه در بلوك برزمهین‌رستاق

قریـــــه

سعدآباد سه دانگ ملکی وازقنوات بدینموجب

قریـــــه

نیملله یکدانگ‌نیم‌ملکی‌وازقنوات‌و ناو بدینموجب

قنـــوة	قنـــوة
دخیره العصا	شراکت میر-
پنجدانگ حق	نقی و غیره‌ثلث از
حفر قنوة	پنجدانگ‌حق‌حفر

قنـــوة	قنـــوة
زمان دودانگ	شراکت‌ملاابراهیم
نیم ازپنجدانگ	ثلث ازپنجدانگ
حق‌حفر	حق‌حفر

قنـــوة	قنـــوة	قنـــوة	قنـــوة
بزرگ تلثبان از پنجدانگ حق‌ـ الحفر	جدید پنجدانگ حق‌الحفر	.... دودانگ‌نیم از پنجـدانگ حق‌الحفر	دو دانگ‌نیـم از پنجدانگ حق ـ الحفروسه دانگ ناور

برطلبهٔ مدرسهٔ رفیعهٔ واقعه درمحلهٔ‌کاسه‌گران که عالیقدر معلی شأن واقف مشـارالیه خود بانی‌آن است وبرغیرآن‌ازمصارف شرعیّه‌بنهجی‌که درطی‌تفصیل مندرج‌می‌گرددو برسوخت سرکار فیض‌آثـارحضرت امام رضا علیه‌السلام وبراولاد خود ذکـوراً واناثاً بطناً بعد بطن وعقباً بعد عقب وهکذا

مصارفـــه

مدرسه و سرکارفیض آثار و سایر

نقـــــــــــــد	جنـــــــــــــس		
۳۱ تـومـــان	بـوزن بلـــده ۱۵۳ خـروار		
	بوزن بلده	....	نفط
	۱۵۳ خروار	۲۴ من	۱۷۷ من

بطلبهٔ علوم دینیهٔ مدرسه و غیره

نقـــــــــــــد	جنـــــــــــــس		
۲۶ تومـــان	....	....	نفط
	۱۵۳ خروار	۱۴من	۱۷۷من

وظیفه			
طلبه وغیره			
نقد	جنس		
۲۳ تومان	۴۸ خروار		
طلبه	حق‌التدریس		
بیست‌حجره منهای حجره ...	شلتوك بوزن بلده		
.....	شلتوك	.....	۵خروار
۱۰تومان	۴۰خروار	۱۲تومان	
حق‌التلاوه	حق‌الراتبه		
قاری مدرسه سوای وظیفهٔ حجره	سوای وظیفهٔ حجره		
یك‌تومان	۳خروار		
مواجب			
جماعت مذکوره و غیره			
نقد	جنس		
۳تومان	....	.....	نفط
	۵خروار	۲۴من	۱۷۷من
مواجب	روشنایی		
مؤذن مدرسه وغیره	چهارچراغ و یك‌مشعل بقرار ماهی بوزن بلده بدین‌موجب		

نقــــــد جنــــــــس			نقــد جنس
۲۴ هزاردینار	شلتوك بـوزن بلده ۵ خروار	چـراغ دادن مدرسه عدد ۲۰	چراغ‌گلدستهٔ .... ۲خروار مدرسه عدد ۲۰
مؤذنــــــان خـــــادم مدرسه		
مدرسه‌و غیره بوزن بلده ۵ خروار	وجه نقـــد ۱۲هزار دینار	چـراغ صفهٔ مدرسه عدد ۲۰	چراغ خلای مدرسه عدد ۲۰
چـــــراغچـی		نقد جنس	نقــــــــــد
چهارچراغ‌و یك‌مشعل وجـه نقـــد یازده هزار دینار		...بجهة‌چهار چراغ مذکور ... سالانــه ۲۴ تومان	بجهة یکمشعل‌که دروسط مدرسه نصب خواهد شداز قرار ۲۰ماهی۱۵تومان... ۱۷۷ تومان
	فتیــــــله	سوخـــــــــــت
	بجهـة مشعل چهـارچراغو یك مشعل از قرار ماهی‌پنج من شش هزار دینار	جهـة سرکارفیض‌آثـار و غیره ۷۲ خـــروار
		سوختسرکار ۶۰ خروار | اجرت... ۱۲ خروار

المصارف

نقد	جنس
۲ تومان	شلتوک ۲۶ خروار

حمامی	وظیفه
سیاه‌تلو مقرر باشد هرساله مقدار مذکور را بحمامی داده‌که حمام را دایر داشته از توابع و ساکنین آنمحل اجرت‌حمام مطالبه ننماید هر سالی بوزن بلده سوای یکرشته کاریز حمام ۵ خروار	معلم سیاه‌تلوهی سالی بوزن بلده ۶ خروار
حمامی	وظیفه
دو رویه مقرر آنکه هرساله‌مقدار مذکور رابحمامی داده‌که حمام‌را دایر داشته‌از مسلمانان ساکنین آنمحل و توابع‌اجرت حمام مطالبه ننماید هر سالی بوزن بلده شلتوک ۵ خروار	معلم قریهٔ نیمللة مقرر آنکه بهمین وظیفه اطفال‌مسلمانان‌آن‌محل را تعلیم‌درس‌نماید هر سالی ۲ تومان
مؤذنان	حق‌التولیه
سیاه‌تلو بقرار سالی ۷ خروار	سوی .... کل نقد: ۳ تومان — جنس: ۶ خروار

بشرط آنکه املاک موقوفه را نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و باجارهٔ شخص غیرمتدین نداده وزیاده از سه سال باجاره ندهند ومحصولات آنها را بسلف نفروشند و تولیت وقف مزبور را واقف معظم‌الیه بنفس نفیس خود تفویض نموده مادام حیاته و بعد ازوفات خود بارث اولاد ذکورخود و اگر اولاد ذکور واقف معزی‌الیه العیاذ بالله منقرض شود تولیت وقف مزبور متعلق باشد باصلح و ارشد اولاد ذکوراناث‌هکذا بطناً بعد بطن و اگرالعیاذبالله اولاد واقف منقرض شود تولیت وقف مزبور تعلق داشته باشد بطالب علم اصلح ارشد متدین که دربلادالمؤمنین استراباد متوطن باشد مقرر آنکه‌هر ساله بعد از وضع خراج سلطانی و حقوقات ملکی و تنقیهٔ قنوات و غیره اخراجات بنحو مقرر حق‌الطلبه را از نقد و جنس و حق‌التدریس وحق‌الریاسه وسایراخراجات روشنایی و سوخت سرکار فیض‌آثار ومواجب مؤذن و حمامی ومعلم را چنانچه درفوق تفصیل یافته تسلیم و از باقی حق‌التولیه خود را از نقد و جنس بازیافت نموده تتمهٔ مداخل آنچه باقی‌بماند‌درمیان ورثهٔ واقف‌معزی‌الیه‌کمافرض‌الله للذکرمثل‌حظ‌الانثیین قسمت نماید و اگر العیاذبالله مداخل اعیان موقوفه باعتبار نزول تسعیرات یاقلت زراعت کسر نماید کسر آنرا در جمیع حقوقات مفصله و مصارف مرقومه موافق حصّهٔ شرعیه منظور ورسد بهمهٔ رسد رساند وقفاً صحیحاً شرعیاً مؤبداً مخلّداً فمن بدّله‌بعد ماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم

وکان ذلك فی‌تاریخ عشرین‌شهر ذی‌قعدةالحرام‌من شهور سنة‌تسع‌وثلثین وماة‌بعدالالف‌من‌الهجرةالنبویةالمصطفویة علیه و آله‌آلاف الاف‌من‌السلام والثناء والتحیه وصیغهٔ شرعیهٔ وقف مزبور کما وقع فی‌الشریعةالمقدسة الرفیعه بالعربی والفارسی‌واقع گردید . سنهٔ۱۱۳۹.

[جای مهر واقف]

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

واگر العیاذبالله موقوف‌علیهم منقرض شوند موقوفات مزبوره وقف خواهد بود بر فقراء زوّار ائمّه انام علیهم‌الصلوة والسلام و واقف مزبور دامت توفیقاته موقوفات مزبوره را بتصرف موقوف‌علیهم مزبورین متن داده من‌بعد تصرف او درا ملاك مزبوره بعنوان تولیت است و تعمیر مدرسهٔ مزبوره مقدمست برسایر مصارف و صدور و سایر عمال‌دیوانی‌را بهیچ‌نحو دخلی درموقوفات مزبوره نخواهد بود وبشرح مصالحه‌نامچهٔ علیحده متصرفین قریهٔ نومل مزبور متن را حق‌الارض در بعضی از اراضی ناور قریهٔ ربیع‌کلاته مزبور متن بود و بموازی دوازده خروار بوزن بلده شالی مصالحه شده بود باید متولی مزبور ازجمله منافع ناور مزبور مادامی که ناور مزبور وآنچه بوده باشد مال‌المصالحه را مقدم‌برسایرمصارف بمتصرفین‌ششدانگ قریهٔ مزبوره علی‌قدرحصصهم برساند وبنهج مسطور صیغهٔ شرعیه خوانده شد .

تحریرا فی تاریخ‌المتن .

[جای مهر واقف]

السواد مطابق‌للاصل نمقه‌الجانی‌محسن‌الحسینی‌بن محمدهاشم . [جای مهر][1]

ذلك الکتاب لاریب فیه هدیً للمتقین .... الحسینی محمدکاظم . [جای مهر][2]

بسم‌الله‌تعالی شأنه

احقرعباد این‌سواد راکه چهاروصله می‌باشد مقابله‌کردم با سواد دیگرکه ممهوراست

۱ـ مهری بیضی با سجع : «عبده محسن‌الحسینی» . ۲ـ مهر بیضی‌که کلمات : «الله، محمد و علی » درآن خوانده می‌شود .

بامهار جمعی از موثقین و معتمدین بر تطابق آن سواد با اصل وقف‌نامه موافق یافتم
حرره‌العبدالاذل . [جای دومهر][۱]
السواد مطابق للسواد . [جای مهر][۲]
السواد مطابق للاصل . [جای مهر][۳]
السواد مطابق للسواد . [جای مهر][۴]

۱۹

سواد وقفنامهٔ حاجی فولاد خلف حاجی محمدصالح استرابادی مورخ ۱۱۴۸ هـ . ق .

در این وقفنامه سه دانگ قریهٔ ساورکلاته من اعمال فخرعمادالدین و یك سنگ و نصف حجر از رودخانهٔ سرخان‌محله را بر اولاد ذکور واناث خود و پس‌ازانقراض ایشان براقارب خود و پس‌از انقراض ایشان برطلاب علوم دینیه وقف‌کرده است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی واقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی محمد وآله‌هم خیرالقبایل والعشایر امابعدالحمدوالتصلیه باعث بر تحریر این سطورخالی از قصور آنست‌که چون دنیا محل ارتحال و مطابق‌حدیث صحیح الدنیامزرعة الاخرة انسانرا ضرورکه قبل‌ازارتحال ازاین‌دارغرورتوشه برای‌سفرپرشوربرداشته زاد راه‌خود نموده

۱ـ هر دو مهر بیضی . مهراول بیضی بزرگ با سجع : «افوض امری‌علی‌الله عبده عبدالله» . مهر دوم بیضی‌کوچکتر با سجع : «عبده‌الراجی حبیب‌الله‌الموسوی» . ۲ـ مهری‌بیضی بزرگ با سجع : « عبده‌الراجی محمدالحسینی » . ۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده محمدتقی‌الحسینی » . ۴ـ مهری چهارگوشهٔ ناخوانا .

باشد لهذا وقف صحیح شرعی قطعی اسلامی مخلد نموده و حبس دائمی مؤبد کرد عالی‌حضرت ستوده‌خصلت نیکوسیرت کهف‌الحاج والمعتمرین حاجی فولادخلف صدق مرحمت‌پناه حاجی ملا محمدصالح استرابادی همگی و تمامی سه دانگ ازکل ششدانگ قریهٔموسومهٔ معروفهٔبساورکلاته‌من‌اعمال فخرعمادالدین رامع یك سنگ و نصف حجراز همگی رودخانهٔ سرخان‌محله باجمیع توابع ولواحق‌شرعیهٔ‌آن‌ازجنگل تراش ویورت ماه بکه وقنوات دایره و بایره وآنچه انتفاع درآن‌متصور گردد براولاد ذکور و اناث خودبطناً بعدبطن والاقرب فالاقرب للذکرمثل‌حظ‌الانثیین وبعدانقراضهم العیاذبالله وقف‌براقارب واقف‌بوده وبعدهم وقف برطلبهٔ علوم دینیه وواقف‌موفق‌تولیت موقوفه را مفوض بنفس‌نفیس خود داشته حق‌تولیت‌رااخماساً قرارداد نمود وبعدتولیت موقوفه رابراکبرواصلح‌اولاد خودذکوراً مفوض‌داشته ضیغهٔوقف جاری واقباض‌شرعی و شروط وقف بعمل‌آمده وقفاً صحیحاً شرعیاً اسلامیاً فمن‌بدله بعد ماسمعه فانّما اثمه علی‌الذین یبدّلونه .

وکان‌ذلك فی‌شهرجمادی‌الثانی ۱۱۴۸ .

[برحواشی این سواد وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

السواد مطابق‌للاصل‌الاصیل‌المعتبر   العبدالجانی محمد طبیب .

[جای سه مهر][۱]

السواد مطابق‌للاصل‌الاصیل‌المعتبرها   العبداقل‌ابوالقاسم طبیب .   [جای دومهر][۲]

ذاواصله‌سیّان   العبدالجانی .   [جای مهر][۳]

۱ــ دومهر بیضی‌باسجع:«عبده ابوالقاسم» ومهری چهارگوشه با سجع: «اللهم‌صل‌علی‌محمدوآل‌محمد».   ۲ــهردومهر بیضی‌باسجع: «عبده‌الراجی‌ابوالقاسم».   ۳ــمهری بیضی با سجع : « عبدالمطلب‌الحسینی » .

السواد مطابق للاصل کتبه العبدالاثم . [جای مهر][1]

السواد مطابق للاصل . [جای مهر][2]

السواد مطابق للاصل الاصیل والاصل مختوم بخاتم جدی کتب الجانی الراجی آقا مصطفی ولد مرحوم آقامحمد رفیع استرابادی . [جای مهر][3]

السواد مطابق للاصل المعتبر کتب الجانی. [جای دومهر][4]

السواد مطابق لاصله العبدالجانی ملامحمدباقر منجم . [جای دومهر][5]

السوادمطابق لاصله الاصیل نمقه العبدالجانی ملاحسن بهشتی. [جای مهر][6]

السوادمطابق للاصل الاصیل نمقه العبدالجانی الذلیل مجتهدالعصری حاج محمدشفیع. [جای دومهر][7]

والسوادمطابق لاصله الاصیل الجلیل المعتبر لدی الاحقر الجانی الراجی ملاآقا محمد پیشنماز عبده محمدبن یوسفعلی . [جای دو مهر][8]

هذا مطابع للاصل . [جای دومهر][9]

۱ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی محمد حسین » . ۲ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی محمد هادی » (آقامحمدهادی استرابادی) . ۳ـ مهری بیضی با سجع « عبده الراجی مصطفی الموسوی ». ۴ـ هردومهر بیضی است. مهراول با سجع : «عبده الراجی محمدجعفر» (ملاجعفر امیر کلائی) ومهر دوم باسجع : «عبده الراجی جعفر الحسینی» (آقامیرجعفرقاری) . ۵ـ هردومهر بیضی است . مهراول با سجع : « المتوکل علی الله عبده محمدباقر » و مهر دوم با سجع : « عبده الراجی محمدحسین الحسینی » (آقا میرمحمد حسین خادم) . ۶ـ مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی محمدحسن » . ۷ـ هردو مهر بیضی با سجع : « عبده الراجی محمد شفیع » . ۸ـ مهر اول چهار گوشهٔ بزرگ با سجع : «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد جعفر» (آقاجعفر بریحان) و مهر دوم بیضی با سجع : «عبده الراجی محمداسمعیل» (ملااسماعیل عبادی) . ۹ـ هر دو مهر بیضی با سجع : «اللهم صل علی محمد و آل محمد » .

درتاریخ ۱۴/ ۹/ ۱۳۰۶ تلو نمرهٔ ۲۰ ثبت دفتر اوقاف شد . امین معارف واوقاف استراباد.

۲۳ اردی بهشت ۱۳۰۶ تلو نمرهٔ ۴۲ دردفتر اوقاف استراباد ثبت شد . اسدالله اسفندیاری.

[مهر ادارهٔ معارف واوقاف استراباد]

۲۰

سواد وقفنامهٔ آقاعبدالله ولد حاجی شیخ لطف‌الله قاضی بلدة ـ المؤمنین استراباد مورخ ۱۱۹۰ هـ . ق .

دراین وقفنامه تمامی نه‌سهم از یکصد وبیست سهم قریهٔ شمشك با توتستان واقعه درآن با حقابهٔ رودخانه و یك دانگ ازجملهٔ ششدانگ یك باب آبدنگ واقعه در خارج دروازهٔ بسطام را بر دختر خود فاطمه و دخترزاده‌اش خیرالنساء و اولاد ایشان ذکوراً واناثاً برقاعدهٔ للذکر مثل حظ الانثیین وشروط وقف را در آخر وقفنامه یادکرده است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمدلله الواقف علی الضمائر والمطلع علی الخفیات والسرائر فالصلوة والسلام علی سیدالانام محمد و آله افضل القبائل والعشایر و بعدالحمد والصلوة بنا بر مضمون صدق مشحون حدیث نبـوی صلوات‌الله وسلامه علیه حبس الاصل وسبل الثمرة و خبر خیراثر خیرالمـآل ما انفق فی سبیل‌الله وقف مؤبد وحبس مخلّد نمود حسبةً لله وطلباً لمرضاته عالیجناب ستوده مآب گرامی انتساب نجابت واصالت پناه آقاعبدالله خلف ارشد مرحمت و غفران پناه رضوان ـ جایگاه حاج الحرمین الشریفین حاجی شیخ لطف‌الله قاضی بلدة المؤمنین استراباد صانها ـ الله عن التفرقه والفساد درحال صحت نفس وثبات عقل وادراك شعور وسداد رأی و نفاذ امر برعصمت پناه فاطمه صبیهٔ خود ومسماة خیرالنساء دخترزادهٔ خود که موجودند درزمان

وقف و بر من سیوجد من الحضرت الواقف و بر اولاد ایشان و اولاد اولاد ایشان بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل ذکوراً کانوا او اناثاً ماتوالدوا و تناسلوا و تعاقبوا علی طریق الارث فللذکر مثل حظ الانثیین کما قرّره الله تعالی فی کتابه الشریف همگی و تمامی نه سهم از یکصد و بیست سهم از کل قریهٔ معروفهٔ مشهورهٔ شمشك مع مزرعهٔ توتستانی واقعه در آن مع حقابهٔ رودخانهٔ متعلقه بمزرعه وقریهٔ مزبوره عن آنچه انتفاع توان برد و ملکیت را شاید و سزد و اراضی عامره وغامره من القلیل والکثیر و همگی و تمامی یکدانگ از جمله ششدانگ یکباب آبدنگ واقعه درخارج دروازهٔ بسطام که بشراکت عالیحضرت ...... آنچه تعلق بآن دارد وبقید تملّك درآید وشروط سابقهٔ واقعهٔ درآن آنکه مادام بقاء بطون ذکور و اناث واقف مشارالیه بطریق ارث از منافع املاك موقوفه بعد از وضع اخراجات ملکی و عوارضات مفصلهٔ ذیل بهره میبرند و بعد انقراضهم العیاذبالله وظیفهٔ ثانیه وثالثه و هکذا بمثل طبقهٔ اول سهیم درمنافع اعیان میباشند و هریك از ذکور و اناث برحمت ایزدی واصل شوند حصهٔ او بوارث او که اولاد اوست تعلق خواهد داشت علی طریق الارث و شرط دیگر در ضمن عقد آنکه هرساله بعدازاخراجات ملکی و عوارضات دیوانی وحق التولیهٔ متولی شرعی مبلغ ششهزاردینار وجه نقد ازمنافع اعیان موقوفهٔ مرقومهٔ متولی اعیان مزبورهٔ موقوفه وضع نموده بشخصی که کمال قراروقابلیت درتلاوت کلام مجید ربانی داشته باشد داده هر یومی نیم جزو از کلام الله را برسرقبر یا غیرقبر واقف تلاوت نموده که درسالی شش ختم ازقاری مزبور صدوریابد و ثواب آن را بروح واقف مزبور تفویض نماید و تولیت اعیان موقوفه را واقف مزبور بنفس نفیس خود مادام الحیوة مفوض داشته و بعد ازممات باصلح و اعلم و افضل ازاولاد واقف و هرگاه موقوف علیهم متصف بصفات مزبوره نبوده باشند باصلح واعلم وافضل بلدهٔ مزبوره بوده بعد از اخراجات دیوانی و عوارضات ملکی مادام الحیوة الواقف آنچه از منافع اعیان موقوفه بماند عشر از منافع اعیان موقوفه تعلق بموقوف علیهم و نه عشر دیگر

تعلق بواقف معزی‌الیه داشته باشد و بعدموت‌الواقف نه‌عشر ازمنافع اعیان موقوفه بعد از اخراجات ملکی و عوارضات دیوانی تعلق بموقوف‌علیهم داشته‌که فیمابین ایشان منقسم و یک‌عشرحق‌التولیه تعلق بمتولی شرعی داردکه صرف معیشت خود نماید و هرگاه خدانخواسته موقوف‌علیهم بالمرة منقرض‌گردندکه احدی ازایشان باقی‌نماند و لوکان‌بعیداً منافع‌اعیان‌موقوفه تماماً بعداز وضع اخراجات ملکی‌ودیوانی وحق‌التولیه تعلق .... بطلبه و محصلین‌بلدهٔ مزبوره‌که همگی همت خود را مصروف بتحصیل‌علوم دینیه داشته‌اندخواهد داشت‌که بینهم‌علی‌السویه تقسیم‌نمایند وشرط دیگرآنکه اعیان موقوفه را نباید برسه عام تمام باجاره بدهند نه‌بعقد واحد و نه بعقودمتعدّده فمن بدله بعدماسمعه‌فانّما اثمه علی‌الذین‌یبدّلونه وقفاً صحیحاًشرعیاً .

وکان‌ذلک فی‌غرهٔ شهرربیع‌الثانی من‌شهور سنهٔ ۱۱۹۱ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیرنوشته شده است :]

اقرالواقف‌الموفق بجمیع مارقم‌فیه‌لدی حرره .

اقرالواقف‌الموفق بجمیع مارقم‌فیه‌لدی حرره . [جای دومهر][1]

قدوقع‌الوقف‌کماذبرفیه‌فی‌المتن‌والحواشی نمقه‌العبدعلی‌نقی‌ابن‌حسنعلی‌الاسترابادی مشهورببالو . [جای مهرمرحوم بالو]

بسم‌الله‌الواقف‌علی‌السرائر قدسمعت‌من والدی‌الامجدسلّمه‌الله‌وابقاه ان‌السوادمطابق للاصل‌والاصل‌واقع عنده‌دام‌مجده وانااقل‌العبدعبده مفیدالموسوی .

[مهری ناخوانا]

۱ـ مهراول چهارگوشه با سجع : « افوض‌امری‌الی‌الله عبده حاجی‌علی » و مهر دوم بیضی با سجع : « عبده سیدرضا » .

بسم‌الله تعالی شأنه

قدسمعت من والدی وخانی رحمهما الله بالوقفیه علی النهج المسطور و هـذا السواد مطـابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی عبده محمدحسین الموسوی .

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السوادمطابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی الخاطی.
[جای دومهر][1]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی.
[جای مهر][2]

بسم‌الله جل شأنه ذاکاصله المعتبر سیان نمقه العبدالخاطی . [جای دومهر][3]

بسم‌الله خیرالاسماء ذاکاصله المعتبر سیان نمقه الجانی . [جای دومهر][4]

بسم‌الله خیرالاسمـاء وقع الوقف المذکور علی النهج المسطور مع شرایط من المبدء الی المقطع بمحضری . [جای مهر][5]

بسم‌الله جل شأنه قد وقع الوقف من الواقف المعزی الیه کماز بروسطر فی المتن و الهامش بمحضری نمقه الجانی . [محل مهر ساحت و غفران پناه رضوان جایگاه آقا محمد کاظم الموسوی و عالیجناب مقدس الالقاب فضائلتمآب قدوة السـادات العظـام آقا محمد الموسوی دام عزه]

۱ـ هردومهر بیضی است . مهراول با سجع : « عبده محمد رفیع الموسوی » ومهردوم با سجع : «مصطفی الحسینی» . ۲ـ مهری چهارگوشه با سجع : «عبده الراجی اسمعیل الموسوی» . ۳ـ هردومهر بیضی است. مهراول با سجع: «عبده الراجی نصرالله الموسوی» و مهر دوم با سجع : « عبده علی نقی الموسوی » . ۴ـ مهری چهـار گوشه بـا سجع : « عبده الراجی محمدرضا .....» و مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی احمد الموسوی » .
۵ـ مهری با سجع : « احقرعباد احمدبن محمدرفیع الموسوی » .

بسم‌الله خیر الاسماء ذاکاصله الاصیل المختوم بخاتمی نمقه الخاطی [جای سه مهر][1]

السواد مطابق للاصل والاصل الاصیل عندی نمقه الجانی المتوکل علی الله .

[جای مهر][2]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز السواد مطابق للاصل والاصل ثابت عندی نمقه الجانی .

[جای مهر][3]

۲۱

سواد وقفنامهٔ علی‌محمد آقا خلف محمود خان دولوی قاجار مورخ ۱۲۰۴ ه . ق .

در این وقفنامه یك سهم از چهار سهم از یك ربع از یکدانگ از کل ششدانگ قریهٔ شموشك را بر گلدستهٔ مسجد جامع استراباد وقف شده است که آنچه مداخل آن یك سهم می‌شود به مؤذن آن گلدسته داده شود .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدله الواقف علی الضمائر و المطلع علی السرائر والصلوة

والسلام علی محمّد و آله خیر القبائل والعشایر امّا بعد

چون توفیق الهی شامل حال و کافل احوال خیریّت مآل عالیجاه معلی جایگاه عزت و سعادت پناه عمدة الاعاظم والاعیان و نتیجة الافاخم والارکان سرکار علی‌محمد آقا خلف علیّین‌

۱ــ دومهر بیضی و یکی چهارگوشه. مهر اول با سجع: « عبده زین‌العابدین الموسوی». مهر دوم با سجع : « عبده محمد کاظم الموسوی » و مهر سوم با سجع : « عبده محمدعلی الموسوی » . ۲ــ مهری بیضی کوچك با سجع : « عبده هادی » . ۳ــ مهری بیضی با سجع : « عبده محمدمهدی الموسوی » .

آرام‌گاه محمودخان دولوی قاجـار گردید و وقف مؤبد و حبس‌مخلد نمود همگی و تمامی یك‌سهم ازچهارسهم از یکربع ازیکدانگ ازکل ششدانگ ازقریـهٔ شموشك را با جمیع متعلقات‌آن برگلدستهٔ مسجد جامع دارالمؤمنین استرابادکه‌آنچه‌مداخل آن یك سهم مزبوره شود بمؤذن آن‌گلدسته داده شودکه خرج وصرف مدد معاش‌خود نماید مخفی نماندکه مادامیکه عالیجناب ملاابراهیم خـادم حیوة دارد اولویّت دارد بردیگران و بعداز او ملازین‌العـابدین پسراو و بعد اولاد دیگر ملا محمّدابراهیـم اولویّت دارند برسـایرین و تولیت بنفس نفیس سرکار واقف موفق است و صیغهٔ وقف جاری‌گردید وعمل بوقفیت شده فمن بدلـه بعدماسمعه فانّمـا اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله سمیع‌علیم وقفاً عاماً صحیحاً شرعیاً .

وکان بتاریخ سنهٔ ۱۲۰۴ .

[دربالای این سواد عبارات زیرنوشته شده است :]

الفرع مع‌الاصل‌المعتبر مطابق وموافق فی‌جمادی‌الاولی سنهٔ ۱۳۰۶ .

[جای مهر][1]

عبارت‌متن مطابق‌است با اصل معتبر و عبارت‌هامش از هوالمستعان تا والسلام مطابق است‌نیزبا اصل‌که خط وخاتم‌شریف‌مرحمتمآب خلدنصاب‌فردوس‌ایاب‌آقای‌شریعتمدار ملامحمدعلی اشرفی طاب‌ثراه است فی‌الربیع‌الاخرعام ۱۳۰۶ .

[جای دومهر][2]

۱ــ مهری بیضی‌شکل با سجع : « اللهم صل‌علی‌محمد وآل‌محمد » . ۲ــ دومهر چهارگوشه . مهربالایی با سجع : « یا صالح‌المؤمنین » و مهر زیر آن باسجع : « الراجی الی‌الله‌عبده‌کریم » .

هوالمستعان

در روز بیست‌وششم جمادی‌الاخر از سنهٔ هزاردویست شصت هشت واقف موفق‌اعتراف بروقف مزبوردرتاریخ مسطورنموده والسلام . [محل‌خاتم شریعتمداراعلی‌الله‌مقامه]

بسم‌الله تعالی شأنه

هذاالسواد مطابق‌لاصله‌الاصیل‌المعتمدالمعتبرتطابق‌النعل‌بالنعل متناً و هامشاً حرره الاقل فی ۲۵ جمیدی‌الاولی ۱۳۰۶ . [جای مهر][1]

السواد مطابق‌لاصله‌المعتبرالمعتمد من‌المتن والهامش ولقدحررته بیدی‌فی‌جمادی‌ـ الاولی ۱۳۰۶. [جای دومهر][2]

۲۲

وقفنامهٔ آقامحمد خان قاجار مورخ ۱۲۰۶ ه . ق .

دراین وقفنامه تمامی عمارات واقعه در دارالمؤمنین استراباد بالواحق و مضافات و منضمات که خود بنا کرده‌اند بر ائمهٔ اثنی‌عشری وقف کرده و تولیت آن‌را به‌عهدهٔ صادق‌سلطان کردمحله‌ای تفویض نموده‌است .

هوالواقف

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

آقا محمدخان قاجار

حمدوثنا شایستهٔ ذات سلطان‌لامکانی است‌که عمارت دلگشای وسیع‌الفضای گردون‌را

۱ـ مهری‌بیضی‌کوچك باسجع: «محمد هادی».

۲ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع: « اللهم‌اغفرلمصطفی » و مهری چهارگوشهٔ ناخوانا.

بنای قدرتش بی‌آب وگل بنـا نهاده و فلك قمر را مهتـابی‌آن قرار داده آفتـاب را شمسة‌الطاق نموده و پرتو مهر و خطوط شعاعی را شادروان و طنابهای آن دیوان‌عالی رواق فرموده ازماء وطین‌منظرخوش‌منظرانسانی ساخته وقلوب مؤمنین را برای خلوت خاص خویش از غیرپرداخته الحمدلله‌الذی خلق‌السموات والارض فی‌ستة‌ایام ثم‌استوی علی‌العرش یغشی‌اللیل‌والنهاریطلبه حثیثاً والشمس والقمر والنجوم مسخّرات‌بامره ـ الاله‌الخلق والامر تبارك‌الله رب‌العالمین و درود غیر محدود بر رسول محمودی بادکه محرم خلوتسرای حضرت‌الله و برجانشینش‌که مولد شریفش بیت‌الله است صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم وبعد پوشیده نماندکه چون در این‌عالم خاك وآب تاکسی برای‌خیرخشتی پای کار نیارد و در قصور جنان منزل نگزیند ودراینجهان پرانقلاب تا احدی بجهت تعمیر لباس‌نیکوکاری برنخیزد ودر عرفات‌آمنین ننشیندهرکه حلقه‌کوب درسعادت‌نشد ابواب ثمان هشت بهشت بررویش مفتوح نگردید وآنکه زال‌گران‌مهربی بهردهر را طـلاق نـدادشاهد گشاده‌روی حورعین را تنگ در برنکشید بناءً علیه خالصاً لوجهـ الله و طلباً لمرضاته وقف صحیح مؤبد وحبس صریح مخلّد فرمودند بانی‌بنای قربات و واضع اوضاع خیرات سریرآرای مسند عدالت‌گستری و زینت‌فزای دیوان داد دهی و رعیت‌پروری نوشیروان‌وش که در بـازار سنجیدگی میزان عدالتش صعوهٔ سبك‌قدر با شاهین‌گران‌سنگ هم‌ترازواست وسپهکشی‌که در عهد مردانگی وشجاعتش زال‌ضعیف با رستم دستان قوی چنگ هم‌باز و از گلهای بوستان دولتش رایحهٔ باغ ارم می‌آید و از رزمگاه صولتش بوی خون سیاوش و رستم بمشابهت شمشیر عالم‌گیرش ماه نوشهرهٔ هر شهر وانگشت‌نمای آفاق است و از رأی عالم‌آرای وفاق اقتضایش‌آب و آتش‌چون تیغ تیزش بیك‌جا درمقام اجتماع و اتفاق کامکارنامدارجمشیدقدرسکندر اعتبارصاعد مصاعد عزّت وبزرگواری وعارج‌معارج‌شوکت وشهریاری متخلق باخلاق ربّانی‌متحقق باوصاف اشراف انسانی مالك ممالك احسان و البسالة و سالك‌مسالك‌الایمان والعدالة

سلطان السلاطین و رأس الخواقین المؤیّد بتأییدات الملک الغفار ابو المظفر المؤید المنصور ادام‌الله ظلال رأفته علی مفارق العباد و خلدالله دولته فی جمیع الامصار و البلاد. تمامی عمارات جنت‌بنیاد واقعه در دارالمؤمنین استراباد را با جمیع لواحق و مضافات و منضمات و شوارع را که بانی آنها بندگان ظل‌اللهی و واضع آنها اعلیحضرت سلطنت‌پناهی‌اند بر ائمهٔ اثنی‌عشر صلوات‌الله الملک الاکبر تا ثواب وقفیت عاید روزگار فرخنده آثار نواب خاقانی و واصل ایام سعادت‌فرجام قاآنی گردد و تولیت آنرا بعالیشان معلی‌مکان سمّو المنزلة و الشأن عمدة الاعاظم و الاعیان صادق سلطان کردمحلهٔ و بعد باصلح و ارشد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل مفوض فرمودند و خراب‌کننده و تغییر دهندهٔ آن بلعنت خدا و ائمهٔ هدی گرفتار باد فمن بدّله بعد ماسمعه فانّما اثمه علی الذین یبدّلونه.

وکان ذلک فی سادس شهر جمادی‌الثانیه من شهور سنهٔ ۱۲۰۶ .

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله تعالی شأنه

قدوفق و وقف دامت ایام دولته العلیه العالیه جمیع مارقم فی الورقه کمارقم لدی .

[جای مهر][1]

هو الواقف علی الضمائر و السرائر قدوقف الواقف الموفق المؤید بتأییدالله الملک المنان للائمة الاثنی‌عشر علیهم‌السلام جمیع مارقم فیه وفوض التولیه الی صادق‌سلطان لدی و کنت الداعی لدوام الدوله . [مهری ناخوانا]

۱ــ مهری چهارگوشه با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده محمدحسین »

۲۴

وقفنامهٔ کربلائی محمدشفیع مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق .

در این وقفنامهٔ کربلائی محمد شفیع خلف آخوند ملا اسماعیل زیارتی تمامی سه‌دانگ مشاع از کل ششدانگ از هریك از هر دو باب خانهٔ بزرگ و کوچك متصلتان به یکدیگر مسکونتان واقف وسه قطعه زمین مزارع خشکه‌کاری واقعه درخارج قریهٔ زیارت خواسته‌رود به‌شرح بین سطور متن با یك قطعه زمین باغچه واقعه درجنب قریهٔ مزبور وقف کرده است برعموم تعزیه‌داران خامس آل‌عبا و بر تعزیه‌داران خاتم‌الانبیاء که صرف اکل و شرب اهل تعزیه‌ازچای وقهوه وقلیان وشربت وطعام به‌اقتضاء زمان نمایند و تولیت آن‌را به‌خود و ارشد و اصلح اولاد ذکور خود واگذارد .

الحمدلله الواقف علی السّرائر والمطلع علی الضمائر والصّلوة والسّلام علی خیر خلقه و مظهر لطفه محمّدو آله خیر القبائل و العشائر و لعنة الله علی معاندهیم و مخالفیهم الی یوم تبلی السّرائر و بعد بر واقفان موافق توفیق ظاهر و روشن و بر پیشگاه باطن اهل تحقیق ثابت و مبرهن است که این دنیای غدّار ناپایدار جای اقامت و محل استقامت نیست و انتقال از دارغرور بمقام سرور لابد و ضرور است انّما الدّنیا فناء لیس للدّنیا ثبوت انما الدّنیا کبیت نسجته العنکبوت بمفاد الدّنیا مزرعة الاخرة و بمضمون برگ عیشی بگورخویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست افشاندن تخم راستکاری سبب ادراك ربیع رستگاری است کما قال الله تبارك وتعالی وماتقدّموا الانفسکم من خیر تجدوه عندالله هرکه در ربیع حیوة تخم عملی افشاند درخریف ممات اورا بسرمنزل جنّات تجری من

تحتها الانهار رساند علی‌هذا موفق بتوفیقات یزدانی گردید عالیحضرت رفیع‌المنزلت خیرالزوار پسندیده‌اطوار کربلائی محمّدشفیع خلف صدق‌مرحمت‌مآب آخوند ملا اسماعیل زیارتی که حسبةً لله وطلباً لمرضاته وقف صحیح مؤبّد شرعی و حبس مخلدملی اسلامی نمود ذخیرة لیوم‌النّشور و ودیعة لدارالسّرود همگی و تمامی سه‌دانگ مشاع از کل ششدانگ از هریك از هردوباب خانهٔ بزرگ وکوچك متصلتان بیکدیگر مسکونتان واقف موفق زید توفیقه واقعتان درمحلهٔ در بنوکه درخارج مشخصه و معیّنه‌اند باکافهٔ متعلّقات شرعیه و منضمات عرفیّه و عادیهٔ آن مع انضمام سه قطعه زمین مزارع خشکه‌کاری واقعه در خارج قریهٔ زیارت‌خواسته‌رود ازقرار تفصیلی که اسامی هریك ومقدار سهم واقف که وقف نموده بین سطور مذکور می‌گردند

زمین جوزستان که درخارج مشخصه است تمامت شش دانگ	زمین سر تخته معینهٔ درخارج حصه و رسد واقف که در خارج معلوم است	زمین چسب گاه تمامی حصه و رسد واقف که در خارج معلوم است

و باضمیمهٔ یکقطعه زمین باغچه واقعه در جنب قریهٔ مزبوره متصله بقریه تمامی ششدانگ با جمیع توابع ولواحق آنها ازآنچه قابل انتفاعند من‌تخوم‌الارض الی‌عنان‌السماء برعموم تعزیه‌داران خامس آل‌عبا گلگون قبای عرصهٔ کربلا ثالث‌الائمة‌النجباء والنّقباء حضرت ابی‌عبدالله علیه وعلی‌ابنائه‌الطاهرین وعلی‌اصحابه الف‌آلاف‌التّحیّة والثناء وبر تعزیه‌داراران حضرت‌خاتم‌الانبیاء ووصیه وزوج‌ابنته‌وابن‌عمّه‌اسدالله‌الغالب‌علی‌المرتضی و الصدیقة‌الطّاهرة فاطمة‌الزهراء والمظلوم‌الممتحن المجتبی‌المقتول بسمّ‌الحفاء و سایر ائمهٔ هدی و مصابیح دجی علیهم و علی‌اصحابهم و اتباعهم آلاف‌التحیة والثناء که همه ساله منافع و مداخل اعیان موقوفه بعد از تعمیرلازم صرف شود درمصارف اکل‌وشرب اهل تعزیه ازچای و قهوه و قلیان و شربت واطعام باقتضاء زمان بهر قسمیکه متولی

صلاح داند و باید اقامهٔ تعزیه در خانهٔ واقف درپای منبری که فعلاً درآنخانه حاضرو موجود است برپا شود و نیزحق‌ذاکر ازمنافع موقوفه داده شود و قرارداد تولیت‌اعیان موقوفه را با خود و بعد بااصلح و ارشد اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور خودنسلاً بعد نسل و بطناً بعدبطن ماتعاقبوا و تناسلوا و هکذا الی‌ان‌یرث‌الله الارض و من‌علیها و حق‌التولیه را عشر از منافع مقرر نمود که متولی در هر عصری اخذ و دریافت نماید صیغهٔ وقف عقد اوایقاعاً کماقررت فی‌الشّریعةالطاهره بوکالت حضوریه از واقف موفق سمت جـریان پذیرفت و قبض و عمل تحقق یافت فصارالوقف لازماً بحیث‌لایباع و لایوهب و لایرهن فمن بدّله بعدماسمعه‌فانما اثمه‌علی‌الذین یبدلونه ان‌الله‌سمیع‌علیم، این چندسطر برسبیل وقف‌نامچه قلمی‌گردید که عندالحاجة سند و مستند بوده باشد.

کان وقوع ذلک‌فی‌شهر ربیع‌الثانی من‌شهور
سنة‌خمس‌وثلثماة‌بعدالالف‌من‌الهجرةالنبویّة
المصطفویه‌علی‌هاجرهاالثناء والتحیة۱۳۰۵.

[برحواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

واضح‌باشد جناب‌حاج‌حسین رنگ‌محلهٔ مازندرانی وحاج‌محمدابراهیم‌رنگ‌محلهٔ مازندرانی سه دانگ مشاع ازکل‌ششدانگ ازخانهٔ بزرگ‌مرحوم‌کربلایی‌محمدشفیع که واقع است در محلهٔ دربنوکه ازمرحومهٔ عمه‌اش‌که مسماة است‌به بی‌بی‌زهرا زوجهٔ موجه مرحوم‌کربلایی‌محمدشفیع بوده‌است‌که‌بحسب‌الارث‌تعلق‌گرفته‌بودبه‌مشارالیهماو مشارالیهما این سه‌دانگ را وقف نمودند مثل آن سه‌دانگ دیگر کماً وکیفاً وتولیة عین موقوفه با خود واقفین مادام حیات وبعد باصلح اولادذکور ایشان نسلاً بعدنسل‌و

صیغهٔ وقف‌جاری شد .

وکان‌ذلك فی۱۸ شهر جمادی‌الاولی‌سنهٔ ۱۳۶۴ هجری .

[جای دومهر][1]

قد وقع‌الوقف‌المرقوم والعمل به‌مافیه کمافیه‌لدی الاثم فی‌التاریخ. [جای مهر][2]

قد وقع‌مارقم فیه‌من وقف سه‌دانگ خانه وزمین‌جوزستان‌خواسته‌رود فی‌التاریخ .

[جای مهر][3]

هو صحیح و مترتّب‌الاثر است تحریراً لتسعةایام خلون من‌شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ .

[جای دومهر][4]

بسم‌الله تعالی شأنه

بعد ماثبت وقف مافیه کمافیه منه رحمه‌الله حال‌حیوته‌والعمل به‌لـدی الاحقر اقر عموم‌الورثه بعد وفاته بمافیه کمافیه‌لدی‌الاحقر. [جای دو مهر][5]

هو وقف صحیح لازم قداقل‌الورثه‌به وبالعمل‌به‌لدی‌الاقل حررته. [جای مهر][6]

بی‌بی‌زهراء زوجهٔ موجهٔ مرحوم کربلائی محمدشفیع‌اعترفت بمافیه‌لدی الاقل‌وکان فی‌شهر ربیع‌الثانی هزار وسیصد و هجده ۱۳۱۸. [جای مهر][7]

۱ـ مهری کوچك بیضی باسجع : «محمداسمیل‌الحسینی» و مهری‌کوچك بیضی‌دیگر با سجع: «یاحسین». ۲ـ مهری کوچك‌بیضی باسجع : «ادرکنی یا اباالقاسم » .
۳ـ مهری بیضی‌کوچك با سجع: «عبده‌الراجی محمدعلی». ۴ـ مهری بیضی با سجع: «عبده‌الراجی ابراهیم‌الحسینی» ومهری بیضی کوچك باسجع « عبده‌الراجی...الحسینی » .
۵ـ مهری بیضی‌کوچك باسجع : «عبده‌الراجی‌محمدالرضوی» و مهری چهارگوشه‌با سجع : «اللهم ارزقنی شفاعةالحسین». ۶ـمهری‌کوچك‌بیضی با سجع : « عبده‌محمدحسن » .
۷ـ مهری‌کوچك بیضی با سجع : « محمد طاهرالحسینی ».

۲۴

وقفنامهٔ آقامیرزاعلی‌نقی‌خان فندرسکی مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق.

دراین وقفنامه آقامیرزا علی‌نقی‌خان‌فندرسکی معروف به سرتیپ‌خان عوائد سه دانگ از قنات از داروئکهٔ کلوکن بالمزارع والتوابع و سه‌دانگ قنات باقرآباد و سه دانگ‌قنات شراکتی عباسقلی‌بیگ[1] را وقف کرده است برکافهٔ مؤمنین و عامهٔ متشرعین دین محمدی و مذهب جعفری‌که در خانهٔ واقف در شهر استراباد درمحلهٔ‌نعلبدان برای‌تعزیه‌داری خامس‌آل‌عبا گردآیند و تولیت آنرا ابتدا به‌خود و پس‌از ممات به ارشدو اتقی اولاد ذکور برگذارکرده و شرایط وقف را در آخر وقفنامه ذکرکرده است .

باعث تحریر ورقهٔ تحریر رقبه و تقریر حدقه و تفجیر غـدقه به اجراء صدقه‌ایست بیان‌حـال آنکه سیادت و سعادت مساعدت و توفیق و مراتب مرافقت و موافقت‌نموده است‌حضرت سیدالخوانین‌العظام نتیجة‌الاطایب‌الکرام الحسیب‌النسیب‌الماجد النجیب سلالة‌السادات‌النجباء والأعیان‌مقرب‌الخاقان‌سرکاردی‌اقتدارسرتیپ‌خان‌اعنی آقامیرزا علینقی‌خان[2] فندرسکی اطال‌الله بقاه وزاد فی‌علاه کـه طلباً لمرضات‌الله و قربةً الیه وقف‌مؤبد عام‌لازم وحبس‌مخلد تام جازم نموده‌اند این هفت‌قلـم اعیان امـلاك مفصلهٔ مکتوبه بین‌السطور بطن‌المسفور را

۱ـ پس از این سه‌رقبه ، به‌علت‌تاخوردگـی سند و عدم توجه هنگام عکس‌برداری چهار رقبهٔ دیگر محو شده است. ۲ـ زیر اسم علی‌نقی‌خان مهری بیضی‌کوچك‌است با سجع : «علینقی‌الموسوی ۱۲۷۲».

سه دانگ از قنات ازدار ونکهٔ کلوکن بالمزارع و التوابع	سه‌دانگ قنات باقرآباد	سه دانگ قنات شراکتی عباسقلی بیگ

. . . .

برکافهٔ مؤمنین و عامهٔ متشرعین متشیعین دین‌محمدی و مذهب جعفری اثنی‌عشری صلوات‌الله و سلامه علی‌اولهم الی آخرهم در مصرف مخصوص عموم وجوه مخارج تعزیه‌داری‌شاه‌عرش مکین‌ماه‌آسمان‌تمکین‌غبطهٔ ملائکهٔ مقربین صرفهٔ‌انبیاء و اوصیا و شهداء و صالحین ریحان رسول‌الله خاتم‌النبیین کلید در بهشت‌برین مطاف‌الثقلین الامام‌الهمام والبدرالتمام ابی‌عبدالله‌الحسین ارواح‌الجن والانس‌فداه وغیره من‌الائمة والانبیاء والشهداء وغیرهم‌ممن‌یلحق‌به‌علیه‌السلام فی‌الذکرعرفاً وعادتاً در دههٔ‌عاشورا درخانهٔ کاشانهٔ خود واقف‌معظم‌الیه‌که نشانهٔ روضهٔ رضوان و بهانهٔ‌کسب درجات‌جنان‌و در شهر استراباد درمحلهٔ نعلبندان واقعه است ازمخارج صرف‌نهار در ده روز عاشورا به هروجه و هرکیفیت‌که سزد و شاید و هرچه خواهد بروفق قاعده و تعارف وازقبیل تعارف روضه‌خوان هرچه و هر قدر لایق و گنجایش باشد بروجه متعارف و از قبیل وجه قند و چائی و تنباکو و شمع و امثال اینها حتی فقراء سائلین پای منبر و ازقبیل فرش اطاقها و رواقها و دورهٔ حسینیه و هرچه هرجالازم است و از قبیل ظروف‌مس‌و اشباه این اسبابها و چنانکه منافع اعیان براین محاویج لایقه‌زاید آید ایضاً در ماه صفرالمظفر تعزیه‌داری نمایند مه محرم و ماه‌صفربهم یاروز ... بهم رسیده دو شهری عزا دارند . . . .

و تولیهٔ وقف را به نفس نفیس خالی ازشائبهٔ سمعه و تلبیس‌خود واگذاردندو بعد ازخود بهمهٔ اولادذکور خودیعنی باتفاق واستحضاریکدیگر دارائی‌اعیان‌موقوفه‌و

اعمال آنها و صرف محصول بر وجــه مقرر نمایند بااطلاع و استحضار یکی ازعلماء محلهٔ نعلبندان که در مسجدجامع پیش‌نمازی‌هم‌داشته باشند والا فعندالانفراد منفرداً مع‌العالم الموصوف و نظارت موقوفه را واگذاردند بجناب مستطاب‌آقا آقا بزرگ‌بن مرحوم‌آقا عبدالجواد رضوی . . . .

و حق‌المتولی مع‌الاجتماع والانفراد . . . . وصیغهٔ وقف عقداً و ابقاعاً بقسمیهاالعربیة والفارسیة مع‌حضورالواقف‌المعظم‌الیه‌المزبور قدجرت فـی‌اول الرّبیعین من‌السنة‌الخامسة من‌العشر للاول من‌المأة‌الرابعـة من‌الالف‌الثانی من‌الهجرة الهاجرة بمباشرة منی محررالحروف‌النائرة مجری‌الکلمات الباهرة اقل‌حفظة‌الشریعة الطاهرة علی‌صادعها‌الصلوات‌الزاهرة مادامت‌السماوات دائره والنجوم سائره .

[جای دو مهر][1]

[برحاشیهٔ این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده‌است:]

بوقفیت مفصلهٔ مزبوره اعتراف نمود مقرب‌الخاقان سرتیپ ادام‌الله توفیقاته بآنچه در ورقه مسطور است بلاشك مـوافق با مقصود ایشان است حرره‌الاحقر .

[جای دومهر][2]

قداقر حضرت‌الواقف زیدتوفیقاته و تأئیداته و عزه و شوکته بمافی‌الورقه من‌الوقف والصدقه الحارثه علی‌الکشفیة‌المرقومه و وقع جعل‌قبضه ویتصرفه قبض‌الوقف من‌حیث التولیه فی‌غرة ربیع‌الثانی ۱۳۰۵ لدی الاحقر حررته. [جای مهر][3]

۱ـ مهری بیضی‌کوچك با سجع: «علینقی‌الموسوی ۱۲۷۲» و مهری بیضی با سجع : «عبده مصطفی‌العقیلی ». ۲ـ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدرحیم‌الرضوی» ومهری چهارگوشهٔ با سجع: «العبد سیدمحمدرضی». ۳ـ مهری مربع با سجع« اللهم ارزقنی شفاعة‌الحسین».

در مجلس وقف از متن و حاشیه حاضر بودیم بوکالت سرکارخان سرتیپ دام‌توفیقاته اجرای صیغهٔ وقف فرمودند. [جای مهر][1]

عرض میشود قراردادیم‌که برای نورچشم مکرم آقابزرگ عشر دریافت‌شود و بزحمت آنچه ... بردارد و ازروی‌حساب‌عشررا دریافت دارد همیشهٔ اوقات مادام‌الحیات فی‌شهر ربیع‌الاول ۱۳۰۵. [جای مهر][2]

بسم‌الله تعالی شأنه

ایضاً وقف شده برتفصیل مزبور در ورقه این اسباب مذکوره

مس ساختهٔ ولایتی از دیگ وغیره‌که متعلقات و لوازم طبخند وزناً مساوی چهل‌وپنج من بلدی استرابادی مجموعه شصت عدد هریك مشتمل برپنج پرکاله ظرف مس یزدی آفتابه‌لگن یزدی شش‌دست نوشته شد تا معلوم‌باشد وفق‌الله واقفه‌الموفق حرره‌الاقل الراقم. [جای دومهر][3]

در تاریخ ۱۶ـ۵ـ۵ تلو نمرهٔ ۷۵ دردفتر ثبت اوقاف استراباد ثبت‌شد ... اسفندیاری. [جای مهر][4]

در تاریخ ۱۶/۹/۱۳ مجدداً تلو نمرهٔ ۱۵ بدفتر اوقاف ثبت شد.

۱ـ مهری بیضی کوچك که کلمهٔ «الحسینی» برآن‌خوانده می‌شود. ۲ـ مهری بیضی کوچك با سجع: «علینقی‌الموسوی». ۳ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «عبده مصطفی‌العقیلی» و مهری بیضی دیگرباسجع«علینقی‌الموسوی». ۴ـ مهری بیضی‌که برآن «ادارهٔ معارف و اوقاف استراباد» نقر شده است.

۲۵

وقفنامهٔ میرسعدالله ایلخانی حکمران فندرسك ومضافات مورخ ۱۳۲۱ هـ. ق.

در این وقفنامه نصف دانگ ازکل ششدانگ یک‌رشته قنات و مجری‌المیاه دارالحکومهٔ شیرآباد را برمجالس جماعت‌نسوان در تعزیه‌داری ابوعبدالله‌الحسین علیه‌السلام که در دههٔ عاشورا در منزل واقف برقرار است وقف‌کرده است و تولیت آن‌را به علیامخدره والدهٔ آقا سیدحسین‌خان و پس‌از او برارشد واتقی ولد ذکور خود از نسل علیامخدرهٔ مزبور واگذاشته و شرایط وقف را درآخر وقفنامه ذکر کرده است.

هوالمالك بالاستحقاق

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به‌نستعین

الحمدلله‌الذی وقف علی‌ضمائر عباده واطلع‌علی‌کائنات بلاده والصلوة والسلام علی‌خیر خلقه وسیدانبیائه خاتم‌المرسلین‌العظام محمدالمبعوث علی‌الخاص والعام وعلی‌آله‌العزّ المیامین‌الکرام سپاس فزون از وهم وقیاس وقف مزرعهٔ جناب رب‌الاربابی است‌که دهکدهٔ عالم جبروت را بلامساهمت غیری مالك است وملك ملکوتش منزه ازاشتراك سهم و مشارکت است وکونین برای رهروان طاعت او توشهٔ‌کره‌خاك از اراضی‌شوکتش قطعه زمینی است که از جوی بحارفضل او مشروب‌گردیده و رقبات انام ازخاص وعام در ید ملکیت و اقتدار او است و املاك ششدانگ جهات ستّهٔ عالم امکان در تحت تصرف و اختیار اواست واحداث قنوات‌علوم بی‌پایان دراراضی صدور انبیاء و اولیاء و هادیان سبل فرموده

مراو را رسد کبریا و منی   که ذاتش‌قدیم‌است وملکش‌غنی

و درودیکه خوشه‌چین ناطقه درکشت‌زار بنان درویده باشد لایق شأن‌خواجهٔ کائنات‌و خلاصهٔ موجـودات اعنی محمدمصطفی‌که مقصد اصلی از بنای مزرعهٔ جهـان حصول ذات پاك اواست وصلوات زاکیات متوافـره وتسلیمات نامیات متکاثره برآل اطهـار و اصحاب اخیار اوباد اما بعد برواقفان موافق توفیق مخفی و پوشیده نماناد آنکه در سرزمین زندگی‌که بمقتضای حدیث الدنیا مزرعةالاخـرة دنیا زراعتگـاه عقبی است نشاندن درخت نیکوکاری مثمر انواع اثمار برخورداری از آرزو و املها است و در این دنیاکه مزرعهٔ آخرت است افشاندن تخم رستگاری سبب زیادتـی دروی عملهـا علیهذا وقف‌مؤبدملی وحبس مخلّداسلامی نموده حضرتمستطاب جلالتمآب صفوةالامراء العظام اسوةالعظماءالاشراف الفخام مفخرالساداةالاطیاب‌الانجاب‌سرکاراکرم‌الملك‌آقای میرسعدالله ایلخانی حکمران فندرسك و مضافات دام اجلاله‌العالی نصف‌دانگ ازکل ششدانگ یکرشته قنات و مجری‌المیاه واقعه در قریهٔ دارالحکومـه و محیاة جناب واقف معظم‌له موسوم بشیرآباد با جمیع توابع ولواحق شرعیه و عرفیهٔ‌آن ازاراضی و انهار و غیرها را برمجالس‌جماعت‌نسوان درتعزیه‌داری جناب امام‌الکونین‌سیدالثقلین ابی‌عبدالله‌الحسین‌السبط‌الشهیدارواح‌العالمین له‌الفداء علیه‌من‌الصلواةالزاکیات‌انماهاو من‌التحیات‌النامیات‌ازکیها در عاشوری از دههٔ اول‌ماه‌محرم‌الحرام تا دوازدهم آن‌که تمامت منافع سنهٔ نصف دانگ قنات مزبوره بعد ازوضع مصارف و مخارج‌لازمهٔ قنات مزبوره و رفتار و سلوك بازارعین آن بنحویکه بالنسبه بسایر سهام و حصص آن قناة معمول میشود صرف و خرج‌مجالس‌زنانهٔ‌تعزیه‌داری در دههٔ عاشوری در منزل وحیاط جناب واقف معظم‌الیه بشود درکمیت خرج و کیفیت صرف‌ازقهوه وچای واطعام‌طعام‌و دادن بذاکر و روضه‌خان متولی مخیر و مختار است لیکن بایدتمامت منافع‌نیم‌دانگ موقوفه را در یك سنهٔ‌کامله بعد از حصول‌آن تماماً در محرم بعدازحصول صرف‌شود و ثواب‌آنرا مفوض نمود بروح پرفتوح ولدمرحـوم خود جنت‌مکان خلدآشیان مغفـور

مبرور شیرافکنخان طاب‌ثراه و تولیت و نظارت آنرا موکول و مقرر و واگذار نمود بحلیلهٔ جلیلهٔ خود علیاجناب ناهیدنقاب خورشیداحتجاب سیدهٔ نبیله و علویهٔ جلیله والدهٔ ماجدهٔ جناب جلالمتاب فخامت‌نصاب آقا سید حسینخان دام عزه‌العالی و بعد از وفات علیا مخدرهٔ معظمه تولیت مقرر است از برای ولد ارجمند و نخل برومند او سرکار مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان آقا سید حسینخان زیدمجده‌العالی و بعد ازوفات‌ایشان تولیت‌آن واگذار است‌برارشد واتقی ولدذکور جناب‌واقف‌معظم‌الیه از بطن جلیلهٔ علویهٔ مخدرهٔ سابق‌الذکر نسلاً بعدنسل و بطناً بعدبطن‌و برتقدیرانقطاع برارشد واتقی ذکور اولاد واقف از سایر نسوان و برانقطاع نسل واقف العیاذبالله‌من‌الذکور والاناث تولیت آن مقرر است از برای ارشد واتقی ذکور اولاد والد مرحوم جناب واقف و برتقدیرانقطاع‌آن نیز براعلم واتقی‌بلوك وقری فندرسك الی‌ان‌ورث‌الله الارض و صیغهٔ وقف وکالةً‌عن‌الواقف علی‌الوجه المفصل‌المرقوم کماورد فی‌الشریعة الطاهرة‌المطهرة المصطفویه علی‌شارعها آلاف آلاف سلام و تحیة فارسیاً و عربیاً سمت ایقاع و وقوع یافت و متولیهٔ مخدره باذن‌الواقف عمل بمضمون و مقتضای وقف مزبور نمود و منافع نیم‌دانگ عین موقوفه را درسال اول وقف‌در مصارف‌مقررهٔ‌مفصله مصرف فرموده علیهذا وقف عین مرقومه از طرف واقف لازم و جازم‌گردید و از حیطهٔ جواز خارج‌گردیدکه‌قابلیت‌جوازوخیار وفسخ‌راشرعاً دارا نیست فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه.

وکان ذالك‌وقوعاً فی غرة شهر ذی‌الحجة‌الحرام من‌شهور
سنة ۱۳۲۱ یکهزار وسیصد وبیست ویك هجری‌قمری
احد وعشرین‌وثلثماة‌بعدالف‌سنة‌من‌الهجرة‌مقدسه‌النبویه.
[جای مهر][1]

۱ــ مهری‌بیضی با سجع : «عبده‌العاصی‌الراجی‌الحسین ۱۳۱۲».

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارت زیر نوشته شده‌است :]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

نعم‌قد وقع‌الوقف علی ما زبـر و حصل‌القبض وتم‌الوقف صحةً و لزومـاً فـی‌التاریخ ۱۳۲۱ واناالمذنب‌الاحقر. [جای مهر][1]

[سوادی از این وقفنامه در دست است‌که تاریخ‌آن با تاریخ اصلی یکی‌است وعبارات زیر را اضافه برمتن اصلی دارد :]

هوالمستعان

مفاداین وقفنامه‌که بموجب تصدیق جناب مستطاب شرعمآب آقا آقا شیخ عبدالحسین سلمه‌اله تعالی مطابق با اصل‌است لازم‌العمل و مرتب‌الاثراست و تخلف از مؤدای آن حرام و مخالف شریعت مطهرهٔ خواهد بود حررته فی‌شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۳۳۴ . [جای دومهر][2]

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

قد طابقت هذه‌النسخه‌لاصله مضموناً طابق‌النعل للنعل وهوفی‌غایةالاعتبار والمتانةوانا الاحقر. [جای مهر][3]

هوالمستعان

محقق‌الوقوع‌صحیح ولازم‌است حررته‌بیدی. [جای مهر][4]

۱ـ مهری‌بیضی با سجع: «عبده‌العاصی‌الراجی‌الحسین۱۳۱۲» . ۲ـ مهری‌بیضی باسجع: «محمدباقر» و مهردیگربیضی باسجع: «محمدمهدی‌الحسینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌العاصی‌الراجی‌الحسین ۱۳۱۲». ۴ـ مهری‌بیضی‌بزرگ‌باسجع : «جمال‌ـ الدین‌بن محمدصادق‌العقیلی».

بخش چهارم

اسناد اجاره و استجاره

۱

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۰۲۵ ه. ق.

دراین سند ملک‌محمد کوهی و ملک‌قربان گیل همگی و تمامی حاصل و مداخل و منافع نقدی و جنسی چهار سهم از جمله پنج سهم قریهٔ چوپلانی را از ابتداء سیچقان‌ئیل ۱۰۲۵ لغایت یك سال به‌مقدار یکصدو بیست‌وچهار خروار شالی و گندم از میر کمال‌الدین محمد اجاره نموده‌اند.

باجاره و مقاطعهٔ شرعیه قبول نمودند سعادت‌نصابان ملک‌محمد کوهی[1] وملک‌قربان گیل از سعادت و نجابت‌پناه میر کمال‌الدین‌محمد ولد مرحوم میرغیاث‌الدین‌محمد همگی و تمامی حاصل و مداخل و منافع نقدی و جنسی چهارسهم ازجمله‌پنج‌سهم قریهٔ‌معروفهٔ موسومهٔ چوپلانی راکه موجر مزبور نمودکه حق و ملك من است وواقع است‌در بلوك استرابادرستاق و ازکثرت شهرت وتفرد اسم از توصیف و تحدید مستغنی است باجمیع مضافات و منسوبات و ملحقات‌آن ازآبحصه و بومحصه ومالکانه و توتستان‌وملیارستان‌و قنواة و طواحین دایره و بایره و جریبی و ابریشمی وفاضلاب ونحوذلك بهراسم ورسم که بوده باشد از ابتداء سنهٔ‌سیچقان‌ئیل ۱۰۲۵ لغایت یکسال کامل بمقدار یکصد و بیست‌وچهارخروار شالی وگندم بر ینموجب مقرر و مشروط آنکه مستأجران

شالی	گندم
۱۲۳ خروار	۵۰ من

مذکوران بدل‌اجاره را دررفع محصول خرمن بخرمن بسنگ معمول وتسلیم‌محل‌مزبور

۱ــ زیر نام «ملک‌محمد» مهری‌چهارگوشه باسجع : «عبده محمد» زده شده‌است.

مهمسازی‌موجر مسطور نموده بعلت آفت ارضی و سماوی چیزی قاصر ومنکسر نگرداندو اخراجات وعوارضات بهراسم ورسم که بوده باشد بعهدهٔ موجر مشارالیه‌است ومستأجران را رجوعی نیست.

ذلك فی ۲۲ شهرجمادی‌الاولی سنهٔ ۱۰۲۵.

[بربالای این‌سند عبارت زیر نوشته شده است:]
وقع قبول الاجاره‌المزبوره کماسطر وزبرعندی. [جای مهر][1]

۲

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۰۵۰ هـ. ق.

در این سند میرمحمدصالح همگی و تمامی دوسهم ازجمله پنج سهم قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی را از ابتداء محرم‌الحرام لوی‌ئیل سنهٔ ۱۰۵۰ تا شش سال کامل به مبلغ سی‌وشش تومان‌رایج‌عراق به میرغیاث‌الدین‌محمد و میرزا شاه‌بیگ و میرمیران به‌اجاره واگذار کرده است.

به اجارهٔ مقاطعهٔ شرعیه‌داد سیادت ونقابت‌پناه میرمحمدصالح ولـد مرحوم میرکمال‌ـالدین محمود به‌جناب سیادت و نجابت‌پناهان عزت‌دستگاهان میرغیاث‌الدین‌محمـد ولد سعادت‌پناه مرحوم میرکمال‌الدین‌محمود مزبور و میرزا شاه‌بیگ ولـدسیادت و نجابت‌پناه عترت‌دستگاه میرمیران همگی وتمامی دوسهم ازجمله پنجسهم ازکل‌قریه موقوفهٔ موسومهٔ چوپالانی راکه واقع‌است‌دربلوك استرابادرستاق‌من‌اعمال‌دارالمؤمنین استرابـاد با جمیع مضافات و ملحقات آن از آبحصه وبومحصه و مالکانـه و قنوات و

۱ــ مهری بسیار بزرگ گرد با سجع: «ذلك‌فضل‌الله یؤتیه‌من‌یشا والله‌ذوالفضل‌العظیم».

طواحین و غیــر ذلك آنچه ملکیت را شاید و درتحت تصرف وتملیك درآید مماذکر فیه اولم یذکر از ابتداء غرهٔ شهرمحرم‌الحرام لوی‌ئیل سنهٔ ۱۰۵۰ خمسین‌الف لغایت شش سال‌کامل‌که انتهای تخاقوی‌ئیل بوده باشد بمبلغ سی‌وشش‌تومان رایج عراق نصفه بیاناًله هجده تومان رایج مذکور مقرر و مشروط بوده باشد مستأجران مزبوران سال بسال هرسال یکتومان رایج عراق از بابت وجه اجارهٔ مزبوره در وجه میرمحمدصالح مذکور جوابگو است و مبلغ سی تومان دیگررا در حین عقد اجارهٔ مزبوره بمعرفت مستأجران مذکوران واصل سیادت‌پناه میرمحمدصالح مذکور شد که من بعد مــوجر مشارالیه را سوی یکتومان کــه سال بسال باز یافت خواهد نمود طلــب‌دیگــری بر مستأجران‌مومی‌الیهماباقی‌نماند مبلغ‌دوتومان خراسانی‌که بسیورغال میرمحمدصالح‌و شرکاء او مقرر است حصهٔ محمدصالح مذکور درعهدهٔ اوست و اخراجات دیوان اعلی بهراسم ورسمی که بوده باشد درعهدهٔ موجراست و آنچه ازدیوان عالی‌حواله واطلاق شود در عهدهٔ مستأجران مزبوران است مخفی نماند که چهاردانگ عین موجره تعلق بسیادت‌پناه میرغیاث‌الدین‌محمود مذکوردارد و دو دانگ ازسعادت‌پناه‌میرزاشاه‌بیگ است تا واضح بوده باشد اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه مشتمل علی‌الایجاب والقبول‌الشرعی .

وکان ذلك‌غرهٔ شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۱۳۵.

[بربالا و حاشیهٔ سمت‌راست این اجاره‌نامچه عبارات زیر است :]

جرت‌الاجارة‌المسفوره‌کماسطرت لدی العبد. [جای مهر][1]

ذلك‌کذلك ولاریب‌فی‌ذلك العبدالاقل محمدرضا طبیب‌الحسینی. [جای مهر][2]

مضمون مسطور بیان واقع است العبدالاقل ابوالحسن‌بهرام. [جای مهر][3]

۱ــ مهری گرد بزرگ و ناخوانا . ۲ــ مهری گلابی‌شکل باسجع: «عبده‌محمد‌رضاالحسینی». ۳ــ مهری بیضی باسجع «عبده ابوالحسن بهرام» .

ذلك‌كذلك واناشاهد بذلك العبدالاقل محمدیوسف عقیلی. [جای مهر] [1]

شهد بمضمونه المسطور نمقه العبد. [جای‌مهری بیضی وناخوانا]

شهد بذلك العبدعبدالخالق. [جای مهر] [2]

شهد بمافیه العبدالاقل آقابیگ. [جای مهر] [3]

شهد بمضمون‌المسطور العبدالاقل علی دوست‌امیر . [جای مهر] [4]

شهد بمافیه العبد محمدصالح بهرام. [جای مهر] [5]

حرره الاقل محمدشریف عفاعنه . [جای مهری بیضی وناخوانا]

باجاره دادم الخ میرمحمدصالح. [جای مهری ناخوانا]

۱ـ مهری گلابی‌شکل باسجع: «عبده‌محمدیوسف‌العقیلی». ۲ـ مهری‌چهارگوشه با سجع : « عبده عبدالخالق». ۳ـ مهری‌چهارگوشه باسجع :« الله محمد علی حسن حسین». ۴ـ مهری بیضی باسجع :«عبده‌علی‌دوست». ۵ـ مهر گردباسجع: «عبده محمدصالح» .

۳

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۶۱ هـ . ق .

در این سند سیدرضا و سیدعماد و خواهران ایشان سه ربع از اعیان مشروحه را که عبارتند از کل یك رشته قنات معروف به چشمه‌سرك واقع در قریهٔ مرزبانکلاته از قرار یکدانگه و همگی قنات معروف به بالمقطع واقع درآن قریه از قرار یکدانگه و همگی چشمه‌سار شواردارکیاب از قرار دودانگه در قریهٔ چوپلانی و همگی قنات معروف به حسنعلی تبلیکی در همان قریه از قرار یکدانگه و همگی قنات‌نو ازقراریکدانگه‌و همگی شوار دباغ از قرار دودانگه و همگی شوارکودار از قرار دودانگه در همان قریه و همگی شوارکمانگر از قرار یکدانگه درقریهٔ مرزبان‌کلاته از مستدرك ئیلان‌ئیل لغایت پانزده سال به مبلغ هفت تومان و هزارو هشتصدو پنجاه دینار تبریزی نقد وموازی یکصدو چهل‌و دوخروار و بیست من شالی به محمدقاسم بیکا به‌اجاره داده‌اند .

باعث برتحریر این سطور شرعیه آنستکه باجاره و مقاطعهٔ شرعیه قبول نمود عالیشان معلی‌مکان محمدقاسم‌بیکا ولدارشد عالیجاه معلی‌جایگاه‌امیرخان عزالدینلو ازسیادت‌و نجابت‌پناهان سلالةالسادات ملا سیدرضا و ملا سیدعماد ولدان مرحوم میرفرج‌الله و عفت وعصمت‌پناهان نجیبه‌فاطمه بنت‌مرحوم‌مزبورو نجیبه بدرالنساء وصبیهٔ‌مسماةمسطوره همگی و تمامی سه‌ربع ازعیان مفصله را که کل به نهجی‌که تفصیل یافته موجرین مالك و متصرف بوده‌اند و آن عبارت است از همگی و تمامی‌کل یکرشته قنات دایرهٔ مشهور بچشمه‌سرك واقع در قریهٔ مرزبان‌کلاته و از قرار یکدانگه است و همگی و

تمامی کل قناة دایرهٔ مشهوره به بالمقطع واقع در قریهٔ مزبوره که از قرار یکدانگه است و همگی چشمه سار مشهوره بشوار دارکیاب که از قرار دودانگه است واقع درقریهٔ‌چوپلانی‌است وهمگی قنات مشهورهٔ‌بحسنعلی‌تبلیکی‌که واقع درقریهٔ مزبوره و از قرار یکدانگه است و همگی قنات مشهوره بنو که از قرار یکدانگه وواقع در قریه ایضاً است وهمگی شوار مشهوره بدباغ که از قرار دودانگه و واقع درقریهٔ مزبوره است و همگی شوارمشهور بکودار که ازقرار دودانگه و درمحل مزبوراست‌و همگی وتمامی شوار کمانگر که از قرار یکدانگه و واقع در قریهٔ مرزبان‌کلاته است و ده ساله در اجارهٔ آقاحسین ولد حاجی‌هادی بوده است که هفت سال آن گذشته و سه سال آن باقیست و وجه اجارهٔ آن هرسال دوخروار شالی است که در عرض مدت باقیه باید مستأجر معزی‌الیه حال از مستأجر سابق اخذ نماید و بعد از انقضاء مدت سه‌سال عین مستأجره را اخذ و تصرف نماید و همگی و تمامی ده سهم از بیست و پنج سهم ازکل قریهٔ معروفهٔ موصوفهٔ چوپلانی را باجمیع توابع و لواحق شرعیهٔ آن از یکدانگه و دودانگه و حقابه و توتستان و ملیاراستان وآبدنگ و غیرذلك عن آنچه‌انتفاع توان برد وموجرین‌در تحت تصرف خود داشته‌اند و انتفاع میبرده‌اند از مستدرك ئیلان‌ئیل‌لغایت پانزده سال که عبارت از رفع پانزده محصول بوده باشدبمال‌الاجارةالمعین مبلغ‌هفت‌تومان‌و ششصدو پنجاه‌دینار‌تبریزی نقدوموازی یکصدو چهل‌دو خروار بیست‌من شالی بوزن‌بلده مقرر‌آنکه وجه‌نقد را حال تسلیم و مقدار مزبور را بقسط سنوات اجاره که هرسالی موازی نه خروار و بیست‌من‌شالی‌رسد سه ربع اعیان‌مستأجره میشود مستأجر تسلیم موجرین نماید و مالوجهات و اخراجات عوارضات دیوانی‌بهراسم ورسمی‌که حواله شود تعلق به مستأجرمعزی‌الیه دارد ولاویهٔ قنوات و خرابی به شوارات همه ساله درعرض مدت اجاره بامستأجر است و

موجرین‌را رجوع نخواهد بود .

تحریرفی‌شهرذی‌الحجهٔ سنهٔ ۱۱۶۱ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این اجاره‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

جری مضمون‌الکتاب‌بمحضری العبد . [جای مهر][2]

چون از ابتداء مستدرك سیچقان‌ئیل . . .اجاره نموده بود وثانیاً مرحوم ربع ازکل‌را بمرحوم میرزا حسن بموجب . . . و بعد فوت حاجی بحسب ورثهٔ او سه‌ربع اعیان مستأجره را که دراجارهٔ ایشان باقی بود فسخ نمودند و . . . . و یکربع‌که دراجارهٔ مرحوم میرزاحسن بود مدت اجارهٔ آن باقیست باید ورثهٔ او هرساله وجه اجارهٔ آنرا حسب‌الحوالهٔ ورثه .... تسلیم موجرین . . . .

مخفی‌نمانادکه بنای اجارهٔ مجموع اعیان‌متن بر دوازده خرواراست که سه‌ربع آنهارا به نه خروار و بیست من شالی صیغهٔ اجاره واقع شده و دو خروار و بیست من‌دیگر درازاء یکربع‌باقی‌است‌که هرگاه باجاره عملی شودموجرین هرسال‌مستحق‌دوخروار و بیست من خواهند بود والا مستحق حاصل یکربع اعیان متن خواهند بود .

[جای مهر][3]

من‌الشاهدین. [جای مهر][4]

شهدبمافیه العبد ملامحمدامین . [جای مهری چهارگوشهٔ کوچك و ناخوانا]

شهد بمافیه . [جای مهری چهارگوشه و ناخوانا]

۱ــ مهری چهارگوشه که کلمات «لااله‌الاالله‌الملك‌الحق‌المبین» برآن‌خوانده می‌شود.

۲ و ۳ ــ مهری چهارگوشه باسجع : « افوض امری‌الی‌الله عبده محمدقاسم » .

۴ــ مهری چهارگوشه باسجع : « دارد ز محمدامید شفا محمدرحیم » .

٤

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۴۱ هـ . ق .

دراین سند آقامیر کمال‌الدین و آقامیرغیاث‌الدین همگی و تمامی شش دانگ قریهٔ علوی کلاته و سه دانگ ازشش دانگ قریهٔ چوپلانی‌را به‌مال‌الاجاره موازی‌شصت خروارشالی خوب سیراب که هرسال بیست خروار تحویل موجران نمایند به امیرخان ومحمدعلی‌خان عزالدینلوی قاجار به‌اجاره داده‌اند.

باجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیه قبول نمودند عالیجـاهان رفیع‌جایگاهان عمدةالخوانین العظام امیرخان ومحمدعلی‌خان‌الشهیر.... عزالدینلوی قاجار از عالیجنابان مقدس‌ـ القابان سلالةالسادات‌العظام‌الکرام آقا میرکمال‌الدین وآقـا میرغیاث‌الـدین خلفان مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه جنة‌آرامگاه آقا میرروح‌الله الحسینی‌استرابادی همگی و تمامی‌کل شش‌دانگ قریهٔ موقوفهٔ علوی‌کلاته و سه‌دانگ ازکل ششدانگ قریهٔ موقوفهٔ متصرف قریهٔ خودکه معروفه‌بچوپلانی است‌که واقع‌اند دربلوك‌استراباد- رستاق مع‌توابع ولواحق شرعیه و عامهٔ حقوق‌ارضی و قنوات دائره و بائره وشیوارات در مدت سه‌عام تام بمال‌الاجارهٔ موازی شصت‌خروار شالی‌خوب سیراب بوزن بلده که هرعامی موازی بیست‌خـروار در رفع خرمن همانعـام مهمسازی مؤجران مذکوران نمایند و مقرر و مشروط برآنکه مالوجهات و عوارضات از دیوان اعلی و اعالی بهر اسم‌و رسمی‌که حواله و اطلاق میشود برعهدهٔ مستأجران مزبوران است ومخفی نماناد که سه‌دانگ دیگر از قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی که داخـل در اجـاره نیست مستأجران مومی‌الیهما زراعت نمایندوحاصل راتسلیم‌موجران نمایند وموجران را بمالوجهات و

عوارضات دیوانی بهیچوجه من‌الوجوه رجوعی نباشد و صیغهٔ اجاره و استجاره بطریق شرع انور جاری شده .

تحریرا فی شهر جمادی‌الاولی من شهور سنة ۱۱۴۱.

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم‌الله خیرالاسماء وقع قبولها بشروطها لدی العبدالجانی. [جای مهر][1]

هو اقرا بالقبول کما ذبر فیه لدی العبدالخاطی. [جای مهر][2]

هو وقع قبولها بشروطها لدی نمقه العبدالاقل. [جای دو مهر][3]

اقرا بالقبول بما رقم فیه عندی الخاطی. [جای دومهر][4]

اقرا واعترفا بالقبول نمقه الجانی . [جای مهر][5]

شهد بمارقم فیه العاصی الانصاری. [جای مهر][6]

۱ـ مهری بزرگ بیضی باسجع: «افوض امری الی الله عبده محمدباقر» . ۲ـ مهری بیضی باسجع: «عبده مفیدالموسوی». ۳ـ مهری بیضی باسجع : «عبده مرتضی الموسوی» و مهری بیضی دیگر با سجع : « عبده محمد مؤمن». ۴ـ مهری چهارگوشه با سجع : « یا امام زین‌العابدین ادرکنی» و مهری بیضی با سجع :«عبده زین‌العابدین الحسینی» . ۵ـ مهری چهارگوشه که کلمات «مصطفی خاك و ۱۱۳۸» بر آن خوانده میشود. ۶ـ مهری بیضی باسجع: «نعم‌المولی ونعم‌النصیر».

۵

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۱۷۶ هـ . ق .
در این سند میرزا محمدعلی اصالةً از قبل خود و وکالةً از قبل ورثهٔ میرروح‌الله ده‌سهم از بیست و پنج سهم‌قریهٔ چوپلانی را به مال‌الاجاره شصت وشش خروار شالی هرسال بیست و دو خروار به مدت سه‌سال به‌حسین‌آقای قرخلو به اجاره داده است .

باجارهٔ شرعیه داده عزت ومکرمت دستگاه میرزامحمدعلی اصالةً از قبل‌خود و وکالةً ازقبل ورثهٔ‌مرحمت‌پناه میرروح‌الله استرابادی همگی و تمامی ده‌سهم ازجمله بیست و پنج سهم‌کل قریهٔ چوپلانی را مع‌جمیع ملحقات ومنضمات ازمیاه قناة مفصله وچشمه‌سار و آبکام وخوشکام وشالی و غلکی

قنات	قنات	قنات	چشمه‌سار
مشهور بند	مشهور بالمقطع	مشهور بتلیکی	چشمه‌سار دارکیا
پنجدانگ	شش‌دانگ	پنجدانگ	پنجدانگ

شوار کمانگر	انجیربنی	نودرک چشمه
پنجدانگ	پنجدانگ	پنجدانگ

هرآنچه ملکیت را شاید و سزد بعالیقدر معلی‌مقدار حسین‌آقای قرخلو بمال‌الاجاره شصت‌و شش خروارشالی بوزن بلده که هرسالی مقداربیست ودو خروار موصوف است بمدت سه سال کامل‌الشهور مقرر آنکه وجه اجاره را مستأجر مشارالیه در رفع حاصل

هرسال‌مهمسازی‌موجرمزبور نموده بعذری موقوف ندارد وشرط‌شداینکه‌آنچه‌عوارضات دیوان از مالوجهات و اخراجات و سیورسات‌که حواله شود در عهدهٔ مستأجر است و هرگاه انقلاب عام شود که زراعت بعمل نیاید موجر مزبور اسقاط وجه اجاره ننموده مطالبهٔ وجه اضافه ننماید و یکدانگه و دو دانگه ... بامالکان محـل مزبور است و صیغهٔ اجاره‌نامچه قلمی شد برشروط مزبوره .

وکان ذالك فی‌شهرشعبان‌المعظم من‌شهور سنة ۱۱۷۶ .

[جای مهر][1]

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقربالاجاره کما زبرفیه لدی... [جای مهر][2]

وقع‌القبول علی‌الشروط المرقومة لدی نمقه. [جای مهر][3]

هو

وقعت‌الاجاره وجریان‌الصیغه علی‌الشروط‌المرقوم لدی. [جای مهر][4]

[سندی‌دیگر با همین مشخصات مورخ۱۱۹۲دردست‌است‌که‌اختلاف‌دومتن‌زیاد نیست].

۱ـ مهری بیضی که کلمات «رب . . . . محمد وعلی ۱۱۱۶» بر آن خوانده می‌شود .

۲ـ مهری چهارگوشه باسجع : « اگرنگاه باوکس‌کند چو از ره بیم (؟) غلام شیعهٔ آل‌علی چو ابراهیم . ۳ـ مهری بیضی باسجع: « محمدصادق » . ۴ـ مهری چهار گوشه با سجع : « سلام علی‌ابراهیم » .

۶

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۰۹ هـ . ق.
در این سند محمدحسین کافردوینی همگی و تمامی زمین عباس‌آباد را ازقریهٔ چوپلانی به مدت یکسال به‌مبلغ یك‌تومان وجه فضی ازسید ابوالقاسم قبول اجاره کرده است.

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیقدر محمدحسین خلف مرحوم میرزای کافر-دوینی سرخونکلاته ازآقایان موقوفه‌علیهم قریهٔ چوپلانی که سلالة‌الاطیاب آقا سید ابوالقاسم باشد همگی وتمامی مساحت یکقسمت زمین از اراضی عباس‌آباد از قریهٔ مزبوره‌که حدی متصل است بمر سفندار یا بدیوان (؟)و سمتی متصل است بخیابان شمس‌آباد و جهتی متصل است بعباس‌آباد خرابه در مدت یکسال کامل بمال‌الاجاره مبلغ یکتومان وجه فضی رواجی بیست‌شش نخودی وصیغهٔ اجاره و استجاره بینهما واقع و جاری گردید .

وکان ذلك نهم شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۲۰۹ .

[بر حاشیهٔ بالا و راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو قد اعترف بمافیه‌لدی الاقل حرره. [جای مهر][۱]

قداعترف بمارقم فیه‌لدی . [جای مهر][۲]

اقر بمافیه لدی. [جای مهر][۳]

۱- مهری چهار گوشه‌با سجع : « یاصالح‌مؤمنین » . ۲- مهری چهار گوشه که کلمات « علی‌صراطمستقیم » بر آن خوانده‌می‌شود . ۳- مهری بیضی‌با سجع: «احمدبن زین‌العابدین ۱۱۸۲».

قد اعترف بجميع مارقم. [جای مهر][1]

قدوقع . [جای مهر][2]

الشهود کربلائی عیسی.

اعترف بجميع مافيه محمدمهدی.

اقرواعترف بجميع مارقم. [جای مهر][3]

اقر بما رقم فيه‌لدی. [جای دو مهر][4]

اقر واعترف. [جای مهر][5]

شیخ محمدتقی ولد استاد میرزابابا. [جای مهر][6]

قد وقع بمافيه لدی . [جای مهر][7]

۱ـ مهری بیضی‌باسجع : « محمدتقـی‌الحسینی » . ۲ـ مهری گرد بـا سجع: « میـرحسین‌الحسینی » . ۳ـ مهری گردکه‌کلمهٔ « علـی » بر آن خوانده می‌شود . ۴ـ هر دو مهربیضی‌با سجع: « عبده ابوالقاسم‌الحسنیی » . ۵ـ مهری بیضی باسجع : « پیرو دین محمد عیدی » . ۶ـ مهری بیضی بـا سجع : « یا امـام محمـدتقی » . ۷ـ مهری چهارگوشه‌با سجع: «یا امام‌محمدتقی ۱۱۷۸»وحرف « راء »نیزدر این مهردیده می‌شود .

۷

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۴۲ هـ . ق .
در این سند آقا سید رضی چهل‌قسمت اراضی و بوم چوپلانی‌را به مدت هفت سال هلالی موازی یکصد و پنج خروار شلتوك به وزن بلده که‌سالی‌پانزده‌خروارمی‌شود ازحاجی‌محمدرضاخان قوانلوی قاجار قبول اجاره کرده است .

باجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ جزمیهٔ قطعیه درحالة صحة نفس و ثبات عقل قبولنمود سیادت و نجابت‌پناه آقاسیدرضی خلف مرحمت‌پناه آقاسیدرضاالحسینی ازعالیجاه رفیع‌جایگاه شوکت و اقبال‌همـراه ابهت و بسالت‌انتباه عوالی و مناعت‌اکتناه عمدةالاعاظم والاکابر خیرالحاج والعماربندکان ذیشوکت و شأن حاجـی محمدرضا خان قوانلو قاجار بر همگی و تمامی مساوی و مقدار چهل‌قسمت اراضی و بوم چوپلانی‌را بمدت هفت‌سال هلالی بموازی یکصد وپنجخروار شلتوك بوزن بلدهٔ استرابادکه هرسالی پانزده‌خروار بوقر بلـدهٔ مزبوره بوده باشد و هر قسمت پانزده‌من بوزن بلده باشد مشروط برآنکه هرگاه مستأجر مشارالیه زرع در بوم مزبور نماید بقدر بوم مسطور یا زاید برآن ام ناقص از آن قسمت پانزده من را بدهد و هرگاه بهیچ وجه من‌الوجوه زرع نشود و یا شود بعلت شورش وانقلاب یابعلت‌آفة ارضی وسماوی بعمل نیاید مستأجروجه‌اجاره‌را ندهد و هر سالی که مزروع‌گردید موجـر معظم‌الیه استحقاق وجه‌اجاره داشته باشند والا فلا وصیغهٔ اجاره و استجاره موافق شرعمستطاب جاری و واقع گردید.

وکان ذلك فی ۲۰ شهر صفرالمظفر ختم‌بالخیر والظفر سنهٔ ۱۲۴۲ .

[بر حواشی این سند عبارات زیر است :]

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

قد اعترف سیدرضی بماز بر ورقم فیه لدی حرره الداعی محمدرضاالحسینی الاسترابادی.

[جای مهر][۱]

اقر واعترف بالقبول لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۲]

اعترف بالاستیجار المرقوم فیه لدی کتب الخاسرالجانی. [جای مهر][۳]

اعترف بالقبول کما فیه لدی حرره‌الجانی . [جای مهر][۴]

اعترف بما زبر ورقم فیه لدی نمقه. [جای مهر][۵]

اعترف بالقبول بمارقم وزبر فیه لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۶]

اعترف بالقبول بما زبر فیه لدی حرره‌الجانی. [جای مهر][۷]

اقر واعترف بالاجارة‌المسطور لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۸]

اقر بالاستجار المرقوم فیه لدی. [جای مهر][۹]

اقر واعترف بالقبول کما فیه لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۱۰]

۱ـ مهری بیضی کوچك با سجع: «عبده‌محمدرضاالحسینی» . ۲ـ مهری چهارگوشه با سجع: « المتوکل‌علی‌الله محمدحسین‌الموسوی » . ۳ـ مهری بیضی با سجع : « عبده‌مفیدالموسوی » . ۴ـ مهری چهارگوشه با سجع : « عبده‌الراجی‌محمدهادی». ۵ـ مهری چهارگوشه با سجع : «یهدی‌الله‌للحق‌عبده‌محمدمهدی » . ۶ـ مهری چهارگوشه با سجع : « عبده محمدشفیع‌موسوی » . ۷ـ مهری بیضی با سجع : « عبده‌الراجی‌سیدمحمدموسوی » . ۸ـ مهری بیضی با سجع : «عبده‌محمدمحسن‌الحسینی » . ۹ـ مهری بیضی کشیده با سجع : «عبده ابوجعفرالموسوی » . ۱۰ـ مهری‌بیضی با سجع : «عبده سیدعلی‌موسوی» .

اقر بالقبول کما رقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی عباس‌بن‌ملا رجبعلی. [جای مهر][۱]

اقر بالقبول بمارقم فیه‌لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۲]

اقر واعترف بالقبول لدی. [جای مهر][۳]

اقر واعترف بالقبول کما رقم فیه لدی نمقه‌الجانی. [جای مهر][۴]

اقر المستأجر بالقبول بمافیه‌لدی. [جای دو مهر][۵]

اقر بما رقم فیه‌لدی الجانی. [جای مهر][۶]

اقر بمافیه‌لدی. [جای مهر][۷]

۱ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : « لااله الاالله الملك الحق‌المبین» . ۲ـ مهری بیضی بـا سجع : «قنبر بغـلامی علی می‌نـازد ۱۲۴۰ » . ۳ـ مهری بیضی کشیده با سجع : « افوض‌امری الی‌الله عبده محمدبـاقر » . ۴ـ مهـری بیضی بزرگ با سجع : «عبده‌الراجی محمدشریف‌الموسوی » . ۵ـ دومهر چهارگوشه یکی‌با سجع: «اللهم‌صل علی‌محمدوآل‌محمد» وکلمات « اسمعیل وفا »بـر دیگری خوانـده‌می‌شود . ۶ـ مهری بیضی‌با سجع:«عبده محمدحسن‌الحسینی» . ۷ـمهری بیضی‌با سجع:«عبده‌محمدحسن».

۸

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ ه. ق.
در این سند ملاعیدی ده قسمت‌زمین خشکه‌کاری از قریهٔ چوپلانی را یك‌ساله از تاریخ تحریر به مال‌الاجاره یکمن‌گندم‌و صددینار پول سیاه‌ازآقا میرزا محمدوزیر و آقا سیدابوالقاسم حسینی قبول اجاره کرده است.

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمودٔعالیحضرت معلیمرتبت ملاّ عیدی[۱] ازجناب‌جلالتماب فراست و درایت‌ایاب آصف‌جائی مقرب‌الخاقان آقامیـرزا محمد وزیر دام اجلاله ـ العالی و عالیجناب سیادت‌انتساب آقا سیدابوالقاسم‌الحسینی همگی و تمـامی‌مساحت ده قسمت زمین خشکه‌کاری از قریهٔ چوپلانی را از حالتحریر تا انقضای مدت‌یکسال که عبارت از یك‌محصول‌صیفی باشد بمال‌الاجاره یکمن‌گندم بوزن بلده وصددینارپول سیاه عددی یك‌شاهی ریالی در هزار دینار و شرط درضمن عقدآنکه هرقـدری ازآن زمین‌ها زرع شود از قراری خرواری پنج من‌بوزن بلدهٔ استراباد بموجران‌معظم‌الیهما بدهد از محصول‌آن.

وکان ذلك بتاریخ یازدهم شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۷۷.
[جای مهر][۲]

[بربالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]
اقر واعترف‌المستأجر المشارالیه بمافیه لدی القاضی. [جای مهر][۳]
بسم‌الله تعالی‌شأنه اقرالمستأجربجمیع ماذبرفیه‌لدی وانا‌الجانی. [جای مهر][۴]

۱ـ زیرکلمهٔ ملاعیدی مهری‌بیضی‌با سجع: «پیرودین‌محمد عیدی». ۲ـ سجع این‌مهرعین‌مهربالا است. ۳ـ پایین مهرنگرفته وبالای‌آن‌کلمات «الله‌محمد» خوانده می‌شود. ۴ـ مهری‌بیضی‌کوچك‌باسجع: «یااحمد».

۹

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۷۷ هـ . ق.

در این سند احمد نویسندهٔ اجاره‌نامچه ، شش‌دانگ حمام شاه‌با باغچهٔ پیش‌روی آن‌را از تاریخ تحریر لغایت سه‌سال به‌مال‌الاجاره مبلغ پنجاه‌وچهار تومان به‌استادعباس به‌اجاره بر گذار کرده‌است.

باجاره دادم اقل الطلبه ومسود ورقهٔ احمد[۱] همگی وتمامی کلّ ششدانگ‌حمام شاه‌را مع باغچـه واقعه در پیش روی آن‌را مـع جمیع مایتعلـق بهما ازآنچه ملکیت را سزد وشاید بعالیقدر استاد عباس از سال‌تحریر لغایت سه سال هلالی‌آتی بمال الاجاره پنجاه‌و چهارتومان وجه‌نیم‌ریال سیزده‌نخودی و شرط درضمن‌عقدآنکه وجه اجاره را سه مـاه به سه ماه بدهـد و شرط دیگر آنکه هـرزمانیکه عباس در این ظرف مـدة بد سلوکی و بد رفتاری باهل‌گذر بـاغشاه نماید خیار فسخ در اجاره از بـرای داعی بوده باشد .

وکان تحریراً هیجدهم شهر محرم‌الحرام‌سنهٔ ۱۲۷۷.

[جای مهر][۲]

۱ــ زیر نام «احمد» مهری بیضی‌کوچك باسجع : «یا احمد» است .

۲ــ سجع این‌مهرعین مهر بالا است.

۱۰

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ هـ . ق .

دراین سند آقاسیدحسن ساکن قریهٔ مرزان‌کلاته یك قسمت زمین از اراضی موقوفهٔ چوپلانی را از تاریخ تحریر به مدت شش ماه به‌مال‌الاجاره ده‌من کنجدخوب ازسیدابوالقاسم و آقامیرمحمد-علی وسیداسماعیل وسیدجواد قبول اجاره کرده است .

[جای مهر][1]

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود سیادت‌مآب آقاسیدحسن ولد مرحوم آقـامیراکبر ساکن قریهٔ مرزانکلاته از آقایان عظام موقوفه‌علیهم قریهٔ چوپلانی که جناب آقا آقـا سیدابوالقاسم وجناب آقاآقامیرمحمدعلی وسیادت‌مآبان آقاسیداسماعیل‌وآقاسیدجواد بوده باشند همگی وتمامی مساحت یك‌قسمت زمین ازارض موقوفهٔ چوپلانـی را کـه واقع است در جهت جنوبی قریهٔ مزبوره‌که جنوبیاً اتصال دارد بنهربند قـوچانی‌کـه محاذات تپهٔ‌ابراهیم‌آباد است وغربیاً اتصال دارد بنهر مزبور بخط مستقیم بـرمیخورد بجوزدرخت علی‌اکبرآقا ازحال‌تحریر الی انقضای مدت ششماه بمال‌الاجاره موازی ده من‌کنجد خوب وشرط درضمن عقدآنکه‌احیانـاً ازمساحت مـزبوره زیـاده الی یك قسمت دیگراز ارض مزبوره را زرع نماید ازقرارمتعارف مالیه‌بدهد .

وکان ذلك ششم شهرصفر سنهٔ ۱۲۸۷ .

۱ــ مهری چهارگوشه‌با سجع : «عبده محمدمهدی الرضوی » .

[بربالای این‌سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اعتراف آقاسیدحسن‌مذکور حسب‌مارقم مع‌اداءشرط بعدستةاشهرفی۱۴سنة ۱۲۸۷ .

[جای مهر] [1]

قد وقع ماز برفیه‌لدی الراجی‌فی‌التاریخ . [جای مهر] [2]

قد اقر بمافیه من‌المبدءالی المقطع‌لدی . [جای مهر] [3]

۱۱

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۷ هـ . ق.

دراین سند مشهدی محمدحسین‌کتولی‌الاصل یک‌قسمت زمین اربابی‌مفروزمحدود به‌حدود هامش از اراضی قریهٔچوپلانی را به مدت شش ماه ازحال تحریر به‌مال‌الاجاره بیست من شلتوک سرده‌کردهٔ خوب دهقان‌پسند ازآقا سیدابوالقاسم وآقاسید محمدعلی و آقاسیداسمعیل و آقاسید جواد قبول اجاره کرده است .

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمه نمود درحالت استجماع جمیع‌شرایطصحت و لزوم عالیقدر مشهدی محمدحسین‌کتولی‌الاصل مرزبانکلاتهٔالمسکن از آقایان عظام فخام موقوف علیهم قریهٔچوپلانی وهم جناب‌سلالة‌الاطیاب آقا سیدابوالقاسم و جناب سلالة‌الانجاب آقا سیدمحمدعلی و آقایان عظام‌آقاسیداسمعیل وآقاسید جوادهمگی و تمامی مقدار ومساحت یک‌قسمت زمین اربابی مفروز معین محدود بحدودهامش از

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع: «اللهم‌صل‌علی‌محمدوآل‌محمد۱۲۵۴» . ۲ـ مهری بیضی‌بزرگ با سجع: «عبده‌الراجی احمدالحسینی» . ۳ـ مهری چهارگوشه‌با سجع : «یا امام محمدتقی» .

اراضی قریهٔ چوپلانی معروفـهٔ موقوفه را ازحال تحریر الـی مضی مدت ششماه هلالی به مال‌الاجاره موازی بیست مـن شلتوك سرده کردهٔ خوب دهقان‌پسند مسلم درقـریهٔ چوپلانی مزبوره از اول‌عقرب هذه‌السنه الی آخر عقرب بوقر استراباد مشروط برآنکه چناناً علاوه بریکقسمت مزبوره الی یکقسمت دیگر از اراضی قریهٔ‌مزبوره متصل‌بعین مستأجرهٔ مزبوره مستأجر مزبور بخواهد زرع نماید مختار باشدکه ازهرقسمتی علاوه نماید که در این صورت از قرار مزبور علاوه برعین‌مستأجره وبدل‌الاجاره رانیزمالیه بدهد به نهج مزبور وصیغهٔ اجاره و استجاره کمازبر جاری شد.

بتاریخ نوزدهم شهر صفرالمظفر ۱۲۸۷ .

[برحاشیهٔ سمت راست سند:]

حـــــــــــ ــــــــــدود عیـن‌مستأجــــــــــــره

حــــــدی حــــــدی حــــــدی حــــــدی

دال متصل بـه بند سـردار یـك آب زیر نهرقوچانی‌متصل اراضی‌قریهٔ‌چوپلانی

قوچانی بدرخت جوزعلی‌ـ

اکبر آقا

لایخفی آنکه این یکقسمت زمین طرف جنوبی قریهٔ مزبوره واقع شده است درازی سامان چوپلانی تا واضح باشد .

[برحاشیهٔ بالای‌سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

قدجرت الصیغة کما سطر فی‌تاسع عشرصفرالمظفر ۱۲۸۷ لدی . [جای مهر][1]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع : «یا صالح‌المؤمنین».

اقر بمافیه لدی ۱۹ صفر ۱۲۸۷. [جای مهر][1]

قد اقر بمراتب مسطوره بتمامها لدی الاقل ۱۹ شهرصفر ۱۲۸۷. [جای دومهر][2]

اقر بمافیه لدی. [جای مهر][3]

۱۲

اجاره‌نامچهٔ مورخ ۱۲۸۸ه. ق.

در این سند مشهدی‌حسین ساکن قریهٔ چوپلانی ششدانگ قنات مشهور به‌قنات‌عباسخانی‌را واقعه درملک‌ابراهیم‌آباد ازمتعلقات قریهٔ چوپلانی به مدت‌هفت‌ماه کامل به مال‌الاجاره موازی پنج‌خروارشالی سرده کردهٔ دهقان‌پسنداز آقاابوالقاسم اجاره کرده است.

قبول‌باجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیقدر مشهدی‌حسین که ساکن‌قریهٔ چوپلانی‌است ازسلالة‌الاطیاب والانجاب‌العظام الفخام‌الکرام آقاآقاسیدابـوالقاسم همگی وتمامـی کل ششدانگ قنات مشهور بقنات عباسخانی راکه واقعه درملك ابراهیم‌آبـاد است و مجرائی راکه واقعه درملك ابراهیم‌آباد است وملـك ابراهیم‌آبـاد ازمتعلقات قریـهٔ چوپلانی است درمدت هفت‌ماه‌کامل بمال‌الاجاره موازی ومقدار پنج‌خروارشالی‌سرده‌کردهٔ دهقان‌پسند بوقر بلدهٔ استراباد ومسلم درقریهٔ چوپلانی وصیغهٔ اجاره واستجـاره واقع‌گردید.

وکان‌ذلك بیست‌وچهارم شهرمحرم‌الحرم سنهٔ ۱۲۸۸.

۱ـ مهری‌بیضی‌وناخوانا. ۲ـ هردومهرچهارگوشه وباسجع: «یاامام‌محمدتقی».

۳ـ مهری بیضی بزرگ با سجع: «یا علی ادرکنی».

[برحاشیهٔ بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قداستجار المشهدی حسین من آقا ماسطر بماسطر نطراً الی اقراره بماز بر لدی الجانی .

[جای مهر][1]

قد اقر المستأجر المعظم علی مارقم وذکر فی المتن لدی الاحقر. [جای مهر][2]

قد اقر واعتراف بمارقم فیه لدی. [جای مهر][3]

واضح شد . [جای مهر][4]

۱٤

سند توریهٔ اجاره یا استجارهٔ قریهٔ چوپلانی مورخ ۱۲۹۱ه.ق. دراین سند آقاسیداسماعیل یادآور شده است که اجاره یا استجارهٔ او قریهٔ چوپلانی را محض توریه و توریهٔ محض است و مضمون را قصد ندارد .

غرض از تحریر این کلمات واضحه الدلالات این است که در تاریخ ذیل ورقه ومابعد آن من الازمنه الآتیه هر گاه اجاره یا استجاره درباب قریهٔ موقوفهٔ چوپلانی فیمابین این اقل السادات که آقاسیداسماعیل می‌باشم که معروف از طایفهٔ سادات درازگیسو هستیم با آقای نظام العلماء سرکارشاهزاده عبدالله میرزا و کهف الحاج والعمار حاجی آقاعلی واقع شود محض توریه و توریهٔ محض است وهمان محض صورت است ومضمون راقصد نداریم.

وکان ذلك فی هفدهم شهر جمادی الاخری موافق تاریخ ۱۲۹۱ .

۱ـ مهری چهارگوشهٔ ناخوانا . ۲ـ مهری بیضی با سجع : «المتوکل علی الله اسدالله الحسینی» . ۳ـ مهری بیضی بزرگ با سجع : «عبده اسمعیل ۱۲۸۲» .

۴ـ مهری بیضی با سجع : «احمدبن زین العابدین ۱۲۸۲» .

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

آقای بزرگوار آقاسیداسمعیل مزبوردریوم دوشنبه بیست‌هفتم ماه‌جمادی‌الثانی ۱۲۹۱ اقرارنمودکه هرگاه سهم مشارالیهما رامن بعدازاین ازقریهٔ چوپلانی اجاره واستجاره نمایم ازبابت توریه است‌که اگراجاره‌نکنم ملك من بمعرض تلف میافتد لهذا اجـارهٔ من ازایشان‌بابت‌توریه است‌که اصلاً قصدندارم محض‌لفظ است کـه معنی دارد حسن ابن‌ابوالحسن .

آقای بزرگوار آقاسیداسمعیل مزبوردریوم دوشنبه بیست‌هفتم ماه جمادی‌الثانی ۱۲۹۱ اقرارنمودکه هرگاه سهم مشارالیهما را من‌بعدازاین ازقریهٔ‌چوپلانی اجاره واستجاره نمایم ازبابت‌توریه است‌که اگراجاره نکنم ملك من بمعرض تلف میافتد لهذا اجـارهٔ من از ایشان بابت‌توریه است‌که اصلاً قصد ندارم که محض‌لفظ است‌که معنی ندارد .

[جای مهر][1]

جناب سیادت مآب‌آقاسیداسمعیل‌اقرارواعتراف‌نمود دریوم‌دوشنبه بیست‌هفتم‌جمادی‌ـ الثانی نزدیك‌غروب‌آفتاب بتوریهٔ اجاره یااستجاره‌لدی الاحقر بتاریخ سنهٔ۱۲۹۱ .

[جای مهر][2]

اقرار و اعتراف نمودجناب‌آقای معظم بمراتب مسطوره اعنی‌التوریه فـی‌۲۷جمادی‌ـ الثانی سنهٔ ۱۲۹۱. [جای مهر][3]

قداقر باالتوریة فی‌التاریخ‌المزبورلـدی الاقل ۱۷ جمادی‌الاخری ۱۲۹۱ .

[جای مهر][4]

۱ـ مهری بیضی‌با سجع: «عبده‌الراجی‌ابوالفضل۱۲۳۲». ۲ـ مهری‌بادامی‌شکل باسجع: «یاامام‌حسین» . ۳ـ مهری هشت‌گوشه وناخوانا . ۴ـ مهری چهارـ گوشه با سجع: «یاامام محمدتقی».

قد اقر بالتورية فی التاریخ المزبور لدی الاقل جمادی الاخرای سنهٔ ۱۲۹۱ سیدمحمود کتولی. [جای مهری ناخوانا]

جناب آقای آقاسیداسماعیل در یوم شنبه بیستم ماه جمادی الثانی اعتراف نمودند که هرگاه او ... صلحی یا اجاره واقع شود وبابت ..... میانهٔ من وسرکارشمارا ...وفقیر آقاعلی محصول ... تورية است. [جای مهر][1]

۱ــ مهری چهارگوشه با سجع : «عبده رحیم».

دستور تحریر رقمها و احکام انتصاب طبقات مختلف دیوانی ومطالب دیگر[1]

۱ـ این رساله در بنیـادخاورشناسی فرهنگستان لنینگـراد روسیهٔ شوروی بهشمـارهٔ B.2280 موجوداست .

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

رقم خلافت سیادت پناه سیدمیرک

الحمدلله الذی غسّل ذنوب التائبین بمیاه التوبه وصقّل مرآت قلوب العارفین بمصاقل الطاعات والاذکار وجعل صدور الذاکرین منورةً بانوار المعارف والاسرار وصلی الله علی خیر خلقه و مظهر حقه الصادع بأمر الله والناشر لدین الله نبی الرحمة و کاشف الغمة المبعوث علی الخافقین والمبعث علی الثقلین حبیب اله العالمین وخاتم الانبیاء والمرسلین محمد المصطفی و علی اسدالله الغالب غالب کل غالب و مطلوب کل طالب مظهر العجایب و مظهر الغرایب امیرالمؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین وخلیفة رسول رب العالمین علی بن ابی طالب واولاده المعصومین اما بعد بر رأی ارباب الباب واصحاب آداب پوشیده و مخفی نماناد که نصب خلفای دین‌دار هدایت‌شعار در هر قطری از اقطار و مصری از امصار جهة هدایت ارباب ضلالت و اصحاب جهالت برذمّهٔ همت والا سمت خسروانه واجب و لازم است لهذا دراینوقت که سیادت ونجابت وخلافت[1] گردانید استدعای شجرهٔ

۱ــ در متن یك‌سطر تمام افتادگی دارد .

تأکیددر باب‌خلافت... [۱] وغیره‌که بموجب شجرهٔ مبارکهٔ علیحده به اومفوض‌است نمود ایجاباً لمسئولـه خلافت . . . [۲] مذکوره را بدستوری که با اجداد او بوده بخلافت‌پناه مومی‌الیه شفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم‌که طالبان‌خود را بعدازتحقیق‌حال‌و تنقیح استحقاق و استیهال تاج وهّاج حواله نموده بدوام ذکر و توحید و احیای ... [۳] شریفه و طاعات و عبادات وامر بمعروف ونهی از منکرات و سایرمایکون‌من‌هذاالقبیل مأمور و مشغول‌گرداند طریق و سبیل طالبان مومی‌الیه آنکه اورا خلیفهٔ خود و نصب کردهٔ نواب‌همایون ما دانند ایلات والوسات واحشامات ساکـن استراباد مومی‌الیه را خلیفهٔ بالاستقلال‌مطلق‌العنان‌خوددانسته‌ازسخن وصلاح شرعی‌وحسابی‌او بیرون‌نروندو اعزاز واحترام‌خلافت‌پناه‌مشارالیه‌را برخودلازم‌دانسته‌هرساله‌شجرهٔ‌مجدده‌طلب‌ندارند.

صورت ارقام ارباب مناصب و غیره بیگلربیگی استراباد که‌از دفترصاحب‌توجیه نوشته شده

[رقم] وزیر

آنکه مقرر است‌که چون غرض از تفویض امور مهام دولت‌ابدمدت بمـا غلامزادگان قدیمی غیر ازین نیست‌که اوضاع سپاه منتظم واحوال رعایا مرتسم وبدین اهتمام دست اعادی دین مبین ودولت‌سنین از اذیال مسلمین کوتاه‌گردد وجمهور برایا درمهدأمن‌و امان‌آسوده وغنوده‌بدعاگوئی‌دوام‌دولت‌قاهرهٔ باهره وکسب وتجارات... [۴] اشتغالنمایندو خـرام... [۵] مدعیان ... [۶] مکمن قویت بوسعت‌سرای فعلیت بدون تعیین جمعی کـه با

۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- یکی دوکلمه محو شده است .

نیکی ذات بحسن‌صفات مکتسبه وتدابیر صائبه محلی باشند صورت‌پذیر نیست وتصویر این مطلوب مرغوب از صفحهٔ حال صدق اسلوب وزارت و رفعت و معالی پناه آصفی دستوری شمساً للوزارة والرفعة والمعالی میرزامحمدرفیعا لایح وهویداست بنابروصول مدعا ازابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب‌وزارت سرکارعالی بامبلغ یکصد وهفتادویکتومان‌و هشت‌هزاروسیصد دینار خراسان مواجب حکمی و رسومات مقررمعمول مستمرمختصهٔ منصب مزبور بوزارت ورفعت ومعالی‌پناه مشارالیه مفوض ومرجوع شدکه‌کماینبغی و یلیق بلوازم منصب مزبور قیام نموده مواجب مقرر و رسومات معمول امر مزبور را مختص خود دانسته سال بسال بازیافت کند ارباب مناصب وعمّال خجسته اعمال‌سرکار عالی‌خصوصاً وارباب ورعایاء استراباد و بسطام‌و بیارجمند ودامغان[وسمنان]وغلامان و تفنگچیان نصرت‌نشان عموماً وزارت ورفعت ومعالی‌پناه مشارالیه‌را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد وزیرسرکارعالی دانسته نوشته و مهر اورا برعنوان احکام و ارقام و بروات و شرطنامجات و سایر نوشتجات مختصه بمنصب وزارت اعتبار واعتماد نمایند ومواجب و رسوم امر مزبور ر[ا] بدستور مقرر معمول واصل و عایدگردانند وهرساله رقم‌مجدد موقوف ندارند و درعهده شناسند.

رقم استیفا

آنکه مقرر است چون درین عهد فرخنده بتحریك قلم مستوفیان دفترخانهٔ افلاك و تربیت ولطف بیکران مظهرلطف ایزدپاك عزّاسمه که جان ما غلامزادگان فدای نام نامیش باد برتبهٔ ایالت‌الکاءدارالمؤمنین استراباد و بسطام ودامغان و بیارجمندسرافرازو ممتازگشته لایق آنست‌که در تمشیت ونظم اموراین ثغور بروفق رضای‌قبلهٔ جهانیان‌که متضمن صلاح دین ودولت وآراستگی سپاه وآسودگی رعیت ومنتج‌خیریت دنیاودین‌و آخرتست کوشش بلیغ مبذول گردد پرواز اینمرام از مکمن قوّت بقضاء فعلیت بدون

نصب برخی از معتمدان راستی‌کیش و کارآگاهان عاقبت‌اندیش بمقر عرضه از مقولهٔ امکان وجود عنقاست و تمثال این معنی صورت حال فرخ فال سیادت و نجابت منقبت سلالة‌السادات والفضلاءالعظام میرمحمد مؤمن‌حسینّیا است‌که با قطع‌نظر از کمالات حسبی و نسبی نقد وجنس حاصل اوقات زندگی‌را از اندازه افزون خرج راستی‌افعال و درستی اعمال‌کرده غیر ازین شیوهٔ مرضیه دخلی نداشته و درینکه ازعلم‌وعمل حساب زیاده از باقی اکفّا فاضل است چه حرف بنابر حصول مآرب نشأتین از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب استیفاء سرکارعالی با مبلغ پنجاه تومان خراسان مواجب حکمی و رسومات مقررهٔ معمول مختصهٔ منصب مزبور بسیادت و نجابت‌منقبت مشارالیه مفوض و مرجوع شدکه چنانچه سزاوار فطرت وشایستهٔ فطنت اوست بلوازم منصب مزبور قیام نموده مواجب مقرر و رسومات[1] معمول امر مزبور را مختص[خود] شناخته سال‌بسال بازیافت‌کنند ارباب مناصب وعمال خجسته اعمال سرکارعالی خصوصاً وارباب[ورعایاء استراباد وبسطام وبیارجمند و دامغان و سمنان] وغازیان ظفرتوأمان و غلامان و تفنگچیان نصرت‌نشان...[2] سرکارعالی‌عموماًسیادت‌ونجابت‌منقبت‌مومی‌الیه‌رامن‌حیث‌ـ الاستقلال والانفراد مستوفی سرکارعالی دانسته خط ومهراورا برعنوان احکام وارقام و بروات وشرطنامجات و سایر نوشتجات متعلقهٔ بمنصب استیفا اعتبار واعتماد نمایند و مرسومات معمول منسوبهٔ امر مزبور را واصل و عاید گردانند وهر ساله برقم مجدد موقوف ندارند و در عهده شناسند .

رقم لشکرنویس

آنکه مقرر است که چون همواره خاطرخطیر متعلق بآنست‌که‌بمیامن تأییدات الهی‌و عواطف تأکیدات شاهنشاهی که جانم فدای نام نامیش باد امورکلی و جزوی متعلقهٔ

۱ـ در اصل : رسمات .   ۲ـ دوسه‌کلمه محوشده است.

بلشکر نصرت‌اثر در غایت اتقان منتظم ومنتسق ومرتسم باشد تاموجب آراستگی سپاه ظفر [نشان] وهراس مخالفان[1] دین‌ودولت آستان‌عرش‌اشتباه گرددوحصول اینمقصداسنی و مطلب عظمی از مکمن فضای قوّت بجلوه‌گاه شهود فعلیت منوط و مربوط بوجود مردم...[2] خردپیشه و فهمیدهٔ درست‌اندیشه‌ایست‌که عیار قابلیت واستعدادشان بخلاص امتحان...[3] پس بر آمده باشد و تمثال این مثال صورت‌حال سیادت و نجابت‌پناه جامع فنون‌الحیثیات‌سلالة‌السادات والنجبا نجیباً للسیادة والنجابة میرعبدالعالیاست‌که‌بزیور دریافت‌رسا وپیرایهٔ دانش وذکاآراسته وپیراسته وفایزگشته بنابرتحقیق حصول‌اینمرام از ابتداء ئیهماهٔ لوی‌ئیل بمنصب لشکرنویسی سرکارعالـی با مبلغ بیست‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی ورسوم‌مقررمعمول مستمرمختصهٔ منصب مزبور بسیادت‌مآب و نجابت‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ دقت‌طبع وجودت ذهن اوست بلوازم منصب مزبور قیام نماید ارباب مناصب و آقایان و غازیان ظفرتوأمان و غلامان وتفنگچیان وعملهٔ بیوتات‌سرکارعالی سیادت و نجابت‌پناه مومی‌الیه رامن‌حیث‌الاستقلال والانفراد لشکرنویس سرکارعالی دانسته خط و مهر اورا برعنوان احکام و ارقام و بروات و اسنادمنتسبهٔ منصب مزبور[4] رامختص مومی‌الیه شناخته واصل وعاید گردانند مستوفی وکتاب سرکار عـالی سال‌بسال وجـه مواجب حکمی مقـرر خدمت مزبور رابدستور معمول ازمداخل‌الکاء استراباد وتوابع‌تنخواه داده موقوف برقم‌مجدد ندارند و درعهده شناسند .

رقم صاحب‌توجیه

آنکه مقرر است‌که چون پیوسته ملحوظ خاطرخطیر آنستکه بتأیید خـالق اشیاء و

۱ــ دراصل: مخالفت. ۲ــ۳ ــیك کلمـه محـو شده است . ۴ــ یك سطر افتادگی دارد .

تأکید قبلهٔ دین ودنیا که جانم فدای نام‌نامیش‌باد احقاق حقوق‌منتسبان و ملازمان از آنچه حسب‌الفرمان قضا جریان در خور منصب و خدمت و ملازمت هریك مقرر شده باشد بنحوی از قوه بفعل‌آیدکه مزیدی بر آن متصور نباشدتا موجب براءت ذمّت و نیکنامی دنیا و آخرت گردد و غرض واضعان علم‌سیاق ازقواعد حساب وترتیب دفتر توجیه برین‌نسق‌که درین زمان متداول و معمول است غیراین مطلب اسنی نبوده و فعلیت این مرام منوط و مربوط است بنصب نویسندهٔ امین متدین‌که از وصمت‌طمع و خطا و زلال‌مبرّا و منفرد باشد ومصداق این‌مقال صورت‌حال رفعت ونجابت‌پناه شمساً للنجابة والرفعة میرزا محمدشفیعاست که لیاقت وقابلیت رجوع اینقسم خدمات دارد بناءً علیه از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل نجابت ورفعت‌پناه مشارالیه را صاحب‌توجیه سرکار عالی و مبلغ پانزده تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم مقرر معمول مستمر مختصهٔ منصب‌مزبور در وجه او مقرر نمودکه چنانچه شایسته ولایق جودت‌طبع اوست بمقتضیات منصب مزبور قیام نماید ارباب‌مناصب وعمال خجسته‌اعمال وغازیان‌و ملازمان نصرت‌نشان سرکارعالی رفعت و نجابت‌پناه مومی‌الیه را من حیث‌الاستقلال والانفراد صاحب توجیه سرکارعالی دانسته خط ومهر اورا برعنوان احکام وارقام و بروات واسناد منتسبهٔ او اعتبار نمایند مستوفی وکتاب سرکارعالی وجه مواجب مقرر منصب اورا سال بسال بدستورمعمول ومستمر تنخواه دهند وبرسوم مقرر معمول‌مستمر امر مزبور را بمشارالیه واگذارند وهر ساله برقم مجدد موقوف ندارند و درعهده شناسند .

رقم اوارجه‌نویس

آنکه مقرراست‌که‌چون همواره مکنون خاطر خطیرآنست که بتأیید خالق ارض و سماء وتأکید قبلهٔ دین و دنیاکه جانم فدای‌نام‌نامیش‌باد اخذ واستیفاء حقوق‌دیوانی

محال تیول وهمه سالهٔ الکاء استراباد از ارباب و رعایا هرجاکه بروفق حق و حساب و دستورالعمل دیوان اعلی بنحوی‌که نقیر و قطمیری زیاده از بـرآورد مـأخوذ مقرر معمول و مستمر حواله و اطلاق نشود میشده باشد تا منشأ شغل ذمّت ووخامت‌عاقبت و یأس رعیت و بازخواست‌آخرت نگردد وغرض حکماء اقدمین ازوضع قواعدوقوانین حساب وترتیب دفتر اوارجه برین نسق‌که درین زمان متداولست جزحصول اینمقاصد نبوده و فعلیت اینمرام موقوف بتعیین نویسندهٔ امین متدین وصاحب وقوف است‌که از وصمت طمع و خطا و زلال مبرّا و معرّا باشد و سیاق این مقال صورت حال رفعـت و نجابت‌پناه شمساًللرفعة میرزامحمدمقیما استرابادیست‌که ازعنفوان‌شباب جوانی بشغل اوارجه‌نویسی الکاء مزبوره قیام و ممتاز است و مهارت تمام در امر مزبـور و معرفت اشخاص رعیت وسپاه حاصل نموده بناءً علیه‌از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب اوارجه‌ـ نویسی سرکارعالی با مبلغ پانزده تومان رایج خراسان مواجب حکمی ورسوم مقـرر معمول مستمر مشخصهٔ منصب مزبور برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ‌کاردانی اوست بلوازم امر مزبور قیام نمایـد ارباب مناصب وعمال خجسته‌اعمال و غازیان ظفـر توأمان وغلامان و تفنگچیان و سایـر ملازمـان سرکار عالی‌رفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد اوارجه‌نویس محـال تیول و همه سالهٔ استراباد وتوابع‌دانسته خط اورا برعنوان اسناد منتسبهٔ منصب‌مزبور اعتبار نمایند مستوفی وکتاب‌سرکارعالی وجه مواجب مقرر اوارجه‌نویسی را سال‌بسال بدستور معمول و مستمر تنخـواه دهند و رسوم مقررمعمول مستمر مزبوررا بمشارالیه واگذارند و هرساله برقم‌مجددندارند و در عهده شناسند .

رقم ناظر

آنکه مقرر است که چون درین عصر همیون بارادهٔ ایـزد حی‌توانا و خالق و نـاظر

اشیاء منظور نظر نوازش و مرحمت برگزیدۀ رب‌الارباب رب‌النوع عالم‌اسباب که جانم فدای نام نامیش باد برتبۀ والای ایالت استراباد مفتخر و سرافرازگشته ضرور است که نظر بنظام کارخانۀ ابداع و مقتضیات اینمرتبۀ عظمی امورکلی و جزوی بغایت متقن و محکم باشد تا موجب اتلاف مال و افراط و تفریط نشده تأسی جزو بکل واقع شده باشد و بروز این امر غریب وتوقع عجیب از تنگنای کمون قویت بوسعت سرای شهور فعلیت نادر اتفاق می‌افتد و شاهد این مأمول صورت و معنی نظارت و رفعت و معالی‌پناه اعالی‌آثار نظاماً للنظارة والرفعة والمعالی امامقلی بیکا را شاید که قامت قابلیتش شایستگی خلاع مهمات عظیمه دارد بنابر ظهور لیاقت و قابلیت و استعداد رجوع امور مهم ازابتداء نهماهۀلوی‌ئیل منصب نظارت‌کل بیوتات سرکار عالی بامبلغ سی‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم معمول مستمرمختصۀ منصب مزبور بنظارت و رفعت و معالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد اربـاب‌مناصب و عمال خجسته‌اعمال و صاحبجمعان و تحویلداران و عمله وفعلۀ کل بیوتات سرکار عالی نظارت و رفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد ناظر سرکارعالی دانسته مشرفان روزنامجات‌را بمهراو اعتبار واعتماد نمایند مستوفی وکتاب‌سرکارعالی وجه مواجب حکمی مومی‌الیه را سال بسال تنخواه دهند وهرساله برقم‌مجدد موقوف ندارند .

رقم انشاء

آنکه مقرر است که چون بمقتضای تحریرکلك [الهی] وتربیت و نوازش منشیان پایۀ سریرخلافت مصیر که جانم فدای نام همیونش باد برتبۀ ایالت استراباد سرافراز گشته نـاگزیر است که تأسی بصراط مستقیم ولینعمت حقیقی امـور کلی و جـزوی منتظم و منتسق باشد تا مهمات سپاه و رعیت از خطا و زلال مصون گردد وبدین‌اهتمام

اوضاع الکاء مضبوط و دست اعادی دین و دولت کوتاه شود و حصول اینمعانی منوط و مربوط بوجود جمعیست که با وجود استعدادات ذاتی بکمالات وعوارضات کسبی فایز گشته باشند و مصداق اینمرام ذات رفعت و معالی‌پناه نتیجةالاکابر والنجباء میرزا محمدطیب خلف مرحوم‌مبرورمیرزا محمدطاهروزیرسرکارعالی‌حضرات‌عالیات سدره‌مرتبات‌عرش‌درجات چهارده معصوم صلوات‌الله علیهم اجمعین تواندبودکه بصفات حسنه آراسته و پیراسته است بنابر حصول مقدمات مسلمه از ابتداء نهماهۀ لوی‌ئیل منصب انشاء سرکارعالی با مبلغ سی‌تومان رایج‌خراسان مواجب حکمی و رسوم معمول مستمر مختصۀ منصب مزبور برفعت و نجابت‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که بلوازم منصب مزبور قیام نماید ارباب مناصب وعمال خجسته اعمال وقاطبۀ ملازمان و کارکنان و ارباب و اهالی تیول و همه ساله سرکار عالی رفعت و معالی‌پناه مشارالیه‌را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد منشی سرکارعالی دانسته رسوم معمول مستمر مختصۀ منصب [و] امر مزبور را واصل و عاید گردانند مستوفی وکتاب سرکار عالی وجه مواجب حکمی مشارالیه راسال بسال بدستورسایر ارباب مناصب تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم طبیب

آنکه مقرر استکه چون بمقتضای حکمت بالعزو ومشیت کاملۀ حضرت‌آله‌عزّ‌اسمه و تربیت و نوازشات قبلۀ حقیقی جهان‌پناه روحی‌فداه بندۀ درگاه برتبۀ والای ایالت استراباد بهره‌مند و فایض گشته و طبابت و مداواء امراض و علل جسمانیه لازمۀ طباع‌بنی‌نوع از متحتمات و ضروریاتست از ابتداء نهماهۀ‌لوی‌ئیل منصب طبابت سرکار عالی با مبلغ سی‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی مختصۀ امر مزبور بحکمت و طبابت و حذاقت‌پناه افادت و افاضت انتباه فضیلت و کمالات اکتناه

جامع‌الحیثیّات حاجی‌الحرمین‌الشریفین سراجاً حکیم محمدقاسما خلف مرحوم‌مبرور حکیم ابراهیم استربادی که از عنفوان سن شباب در دارالمؤمنین [استراباد] بامر طبابت مشغول است و تجربهٔ تمام در معالجات اهالی‌آن مرز و بوم حاصل کرده مفوض‌و مرجوع شدکه چنانچه سزاوار دانش و بینش اوست بمعالجات اشتغال نماید مستوفی‌و کتاب سرکارعالی حسب‌المسطور مقـرر دانسته سال بسال وجـه مواجب مشارالیه را بدستور باقی ارباب مناصب سرکار عالـی تنخواه داده هرساله رقم مجدد نطلبند و در عهده شناسند .

رقم مهتر و مهردار

آنکه مقـرر است که چون مشیت فرمانروای کل بدین نحو تعلق گرفته است کـه ممکنات کائنات عالم علی مراتب طبقاتهم در افاضهٔ خیرات اعالی اسباب ترقیات ادانی باشند تاتشبّهی بمبدأحقیقی احسان وجود درست‌گردد و رعایت اینمرتبهٔ عظمی تأسی ولینعمت حقیقی‌که جانم‌فدای نام نامیش باد برذمت همت ماغلامزادگان امریست‌لازم بل متحتم خصوص دربارهٔ [کسانی] که بزیور خلوص عقیدت و پـاکی طینت محلی باشند و مصداق این مقـال صورت حـال رفعـت و معـالی‌پناه شمساً للرفعة والمعالی محمدباقر بیگ غلام قدیمی است که دراکتساب رسوم عادات بین‌الاقران امتیاز دارد بنابر حصول و تحقق مقدمات مسلمه ازابتداء نهماهٔ‌لوی‌ئیل منصب مهتری رکابخانه و دواتداری سرکار عالی با مبلغ سی‌تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم مقرر معمول مستمر مختصهٔ منصب مزبـور برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ خرد اوست بخدمات مرجوعه قیام نماید مستوفی وکتاب سرکار عالی سال بسال وجه مواجب او را از محال تیول و همه سالهٔ الکاء استراباد و توابع تنخواه دهنـد عمال خجسته‌اعمال و مباشرین مهمات و ملازمان سرکار عـالی رسوم

مقرر معمول مستمر منصب مزبور واصل و عاید گردانیده هرساله برقم مجدد موقوف ندارند و در عهده شناسند .

رقم سفره‌چی

آنکه مقرراست کـه چون مطمح نظر بلندپایهٔ غیرازین نیست که پیوسته خوان‌نعمت بیدریغی که از درگاه واهب‌الخیر بصدقهٔ ولینعمت حقیقی که جانم فـدای نام نامیش باد نصیب شده بر زیردستان عالم عنصری و فروماندگان طبیعت بشری گسترده باشد تا تشبّهی بکاهل عالم وجود ونسبتی بمبدأ حقیقی احسان وجود درست گـردد و تکلف آنست که منتسبان و کارکنان سرکار نیز رعایت این موهبت عظمی میکرده باشند از جمله سفره‌چـی که رعایتش درحصول این مدعا دخلی عظیم میدارد بنـا برانتساق و انسباق اینمطلب از ابتـداء نهماههٔ لوی‌ئیل سفره‌چیگری سرکارعالی با مبلغ دوازده تومـان رایج خـراسان مواجب حکمی مختصهٔ منصب مـزبور برفعت و معالـی‌پناه نظاماً للرفعة اللّٰه‌ویردی‌بیگ غلام مفوض ومرجوع شد که چنانچه شایستهٔخرد اوست بلوازم امـر مزبور قیام نماید مستوفی و کتاب سرکارعالی سال بسال وجـه مواجب مشارالیه را از وجوهات تیول و همه سالهٔ الکاء استراباد و توابع تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم اشراف

آنکه مقرر است که چون‌آثار امانت ودیانت از ناصیهٔ حال رفعت و نجابت‌پناه میـرزا نجف‌خان مشهدی و عـزت‌ایاب محمدمحسن لایح و هویداست و بظهور پیوست کـه مهارت تمام در فن اشراف حاصل نموده‌اند از ابتداء نهماههٔ لـوی‌ئیل منصب اشراف بیوتات و اصطبل و شترخان سرکار عالی با مبلغ هیجده تومان رایج خراسان مواجب

حکمی و رسوم مقــرر معمول مستمر مختصهٔ خدمت مــزبور بالمساوات بمشارالیهما مرجوع شدکه بمشارکت یکدیگرروز نامجات جمع وخرج صاحبجمعان وتحویلداران سرکار عــالی را حسب‌الواقع قلمی و محاسبه مفــروغ نمایند نــاظــر و صاحبجمعان بیوتات و عمله و فعلهٔ سرکارعــالی مشارالیهما را مشرفان سرکارعــالی دانسته روز-نامجات جمع و خــرج خود را بخط مومی‌الیهما اعتبار نمایند و رسوم مقرر معمول مستمر اشراف را واصل و عاید گــردانند مستوفی و کتاب سرکار عــالی وجه مواجب حکمی مشارالیهما را سال بسال از مداخل الکاء استراباد تنخواه داده موقوف برقــم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم صاحبجمعی صندوقخانه

آنکه مقرر است که چون وجههٔ همت والاجز این نیست که همواره متاع دنیا که از کارخانهٔ غیب‌بصدقهٔ ولینعمت حقیقی‌که‌جانم فدای نام‌نامیش باد بدستیاری‌کرکیراقان مبصراسباب ابوابجمع سرکار است وانأفاناً انفاق مینمایند بر فرومایگان بقعهٔ امکانی‌و پست پایگان طبیعت بشری ایثار شود تا منتج مبرّات و خیرات گردد و شایسته آنست که صاحبجمعان ایــن متاع فانی اعتنائی بآن نداشته در داد و دهش‌بــذل جههٔ مرعی دارند بناءً علیه از ابتداء نهماههٔ لوی‌ئیل منصب صاحبجمعی صندوقخانهٔ سرکارعالی بامبلغ ده تومان رایج خراسان مــواجب حکمی و رسوم مقــررمعمول مستمر مختصهٔ منصب مزبور برفعت و معالی‌پناه نظاماً للرفعة او... بیک‌غلام قدیمی مفوض ومرجوع شد که بمقتضیات منصب مزبــور قیام نمایــد مستوفی و کتاب سرکار عــالی سال بسال مواجب حکمی مشارالیــه را از وجوهات تیول و همه سالهٔ الکاء استراباد و تــوابع تنخواه دهند ناظــر و صاحبجمعان بیوتات و سایر تحویلداران و مؤدیان سرکار عالی رسوم مقرر معمول مستمر امر مزبور را مختص او دانسته واصل و عاید گردانــند و

هرساله برقم‌مجدد موقوف ندارند .

رقم تو شمال

آنکه مقرر است که چون وجهۀ ارادۀ خاطر [همیون] آنست که همیشه خوان‌نوال نعمتهای الوان که بصدقۀ ولینعمت حقیقی که جانم فدای نام‌نامیش باد کرامت و مهیا شده برمشتهیان فرومانده‌ٔ طبیعت انسانی گسترده باشد تا تشبه بمبدأ حقیقی خود درست گردد و تمشیت این مطلب موقوف بتعیین توشمال امین متدین است که بزیور نزاهت و نظافت آراسته و ماصدق این حال وجود رفعت و معالی‌پناه ضیاءً [للرفعة] محمدیوسف بیگ غلام تواند بود که درکسب رسوم عادات امتیاز دارد بناءً علیه از ابتداء نهماهۀ لوی‌ئیل منصب توشمالی مطبخ سرکار عالی با مبلغ هشت تومان رایج خراسان مواجب حکمی و رسوم مقرر معمول مستمر خدمت مزبور برفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شاید و باید بلوازم‌امر مزبور قیام نماید مستوفی و کتاب سرکارعالی سال بسال وجه مواجب مشارالیه را از وجوهات تیول و همه سالۀ الکاء استراباد و توابع تنخواه دهند ناظر بیوتات سرکار عالی رسوم مقررمعمول‌خدمت مزبوررا بمشارالیه مختص داند و هرساله موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم امیر آخور باشی

آنکه مقرر است که چون درین قرن سعادت‌قران بتأیید ملك علام منان و نرم لگامیهای کمیت‌خوشخرام‌دوران‌شمول نوازشات وعنایات‌شاهانه‌که جانم‌فدای‌نام‌نامیش باد [سر] افراز و برتبۀ بلند ایالت استراباد ممتاز گشته روشن آنست که نظر بنظام کل امور جزوی نیزمنتظم و منتسق باشد تا مورد مذمّت افراط و تفریط نگردد و توسن خنگ این مدعا [از] پردۀ خفا بوسعت‌سرای شهود جلوۀ بروزی کند و

ماصدق این مضمون صورت خیرمشحون رفعت ومعالی‌پناه شیخ‌الطایفه شیخ محمدبیکاء رایض‌عرب تعلیم دهنده‌است‌تواندبود که در تأدیب و تعلیم وتفرس مهارت تمام‌حاصل نموده‌بنا برسبق خدمات پسندیده ازابتداء نهماهۀ‌لوی‌ئیل منصب امیرآخورباشیگری سرکار عالی بـامبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواجب حکمی برفعت و معالی‌پناه مومی‌الیـه مفوض و مرجوع شد کـه چنانچه شاید وباید بلوازم منصب مـزبور قیام نماید وکـلاء سرکار عالی رفعت و معالی‌پناه مـومی‌الیه را امیر آخـورباشی دانسته عملۀ اصطبل اوامـر ونواهی او را که هرآینه متضمن صرفه و غبطۀ سرکار عالی‌باشد مطیع ومنقادبوده تخلف‌نورزند مستوفی وکتاب سرکارعالی وجه‌مواجب اوراسال‌بسال از وجوهات الکاء [استرابـاد و توابع] بدستور مقـرر معمول تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و در عهده شناسند .

رقم امیرشکارباشی

آنکه مقـرر است که چون پیوسته مالك رقابان شکارگاه عظمت واقبـال و یکه‌تازان صیدگاه حشمت و اجلال درپهن‌دشت سلطنت و فرمانفرمائی بـاز بلندپـرواز نظر را بطیران درآورده هر یك از دلاوران شیرشکار و چابکدستان نامدار را کـه پهله‌سان دست اطاعت و انقیاد برمیان خدمتکاری و فرمان‌بـرداری داشته نخجیروار سر بحلقۀ فتراك عبودیت از خلوص عقیدت درآورده دیده‌اند بچنگل شاهین‌قبول ربوده درسایۀ بال همای‌دولت خود جای‌داده بخدمات‌شایسته ومناصب‌لایقه چون‌کبك‌دری‌خندان و مانند تذرو رنگین و نمایان داشته‌اند و درین ایام فرخنده انجام کـه بفرّۀ ایزدی و لطف شهنشهی‌ولینعمت عالمیان‌که‌جانم‌فدای‌نام‌نامیش‌باد برتبۀ بلندایالت‌دارالمؤمنین استراباد سرافراز و ممتاز گشته پیروی شیوۀ مرضیه و آداب خیرمآب‌آباء رعایت این مرتبت را با منتسبان بر ذمت همت والانهمت لازم میدانـد بنابرشفقت عالی دربـارۀ

رفعت و معالی‌پناه زبدةالاقران بدرخان بیگ ولد شاهسوار بیگ‌قراموسی‌لو منسلك در کشیك زیادلو که شایستگی‌خدمات نیکو دارد در سه ماههٔ آخر لوی‌ئیل هنگام ورود بقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه رابرتبهٔ منصب امیرشکارباشیگری سرکار عالی وریش‌سفیدی جماعت قراموسی‌لو و سرکشیکی‌کل جماعت کشیك زیادلو معزّز گردانیده مبلغ دوازده تومان رایج خراسان برینموجب مواجب در وجه

اصل	اضافه
بدستور زمان حاکم سابق از ابتداء نهماهه دوازده تومان	از ابتداء سه ماهه سه تومان

مشارالیه مقرر شد که چنانچه شایستهٔ فطنت و فطرت اوست حسن سعی ونیکوخدمتی خود را بمنصهٔ ظهور رساند امیرشکاران وقوشچیان و دستکشان و صیادان و سایرعملهٔ متعلقه بامر مزبور مشارالیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد امیرشکارباشی سرکارعالی دانسته اوامرو نواهی مختصهٔ منصب او را مطیع باشند و رسوم مقرر معمول مستمر منصب مزبور را بدستوری‌که دروجه امیرشکاران سابق مقرر بوده مختص اودانسته واصل سازند مستوفی و کتاب سرکار عالی شرح این رقم را در دفاتر ثبت نموده در لوی‌ئیل رسد نهماههٔ اصل و سه‌ماههٔ اضافه و از ابتداء ئیلان‌ئیل مبلغ دوازده تومان اصل و اضافه را بدستور سایر اقران و امثال سال بسال تنخواه داده هرساله رقم مجدد طلب ندارند و چون رقم بمهر عالی رسد اعتبار و اعتماد نمایند.

رقم علمدار

آنکه چون صاحب لوایان معرکهٔ فتح وظفرو نصرت‌پناهان جنگ فیروزی‌اثر که از مهچهٔ علم فتحشان جلوهٔ انافتحنالك فتحاًمبیناً ظاهر و از شقهٔ بیدق نصرنشان مصدوقهٔ

اذاجاء نصرالله والفتح باهر بوده هریك از ثابت‌قدمان میدانگاه مردانگی وشجاعت و یکه‌تازان جولانگاه جوانمردی وجلادت علم حرب‌نمایان نبردآزمای صاحب‌نهیب و طنطنه‌پردازان بشارت نصـرمن‌الله و فتح قریب که مانـند قلب برجناح سفر جرأت و جانسپاری و چون کوه پابرجای عرصهٔ خدمت‌گذاری دیده‌اند قامت قابلیت ایشانرادر میان دلاوران علم ساخته بارجاع خدمات شایسته بمثابهٔ درفش‌کیانی‌معزّز وسربلند و چون شقهٔ لوای ارغوانی سرخ‌روی و ارجمند داشته‌اند و چون دریـن عهد خجسته‌ـ فرجام باراده‌ٔ ملك علام و شفقت ولینعمت عالمیان که جانم فدای نام نامیش بادبرتبهٔ والای ولایت دارالمؤمنین استراباد فایـز وسرافراز گشته تأسی بسنن‌آباء رعایت‌این مرتبت را با منتسبان برذمت همت لازم میدانند بنابر توجه خاطرعالی دربارهٔ رفعت و معالی‌پناه نوروزبیگ‌ینکچری منسلك در مسلك ملازمان کشیك تفنگچیان ازابتداء نهماههٔ‌لوی‌ئیل خدمت‌علمداری بامبلغ‌دوازده‌تومان‌رایج‌خراسان مواجب‌اصل واضافه نیز بموجب‌بمشارالیه‌مفوض‌ومرجوع‌شدکه‌چنانچه‌شایستهٔ‌فطرت‌وعظمت‌اوست‌بمقتضیات خدمت مذکـوره سعی نموده حسن‌خدمت خود را بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی وکتاب سرکارعالی تا آخر .

رقم قورچی تیر و کمان

آنکه مقرراست‌که چون پیوسته صاحبان یرلیق‌کشور فرمانروای وقدراندازان معارك مبارزات و زورآزمای هریك ازدلاوران‌وغازیان‌شیرشکاروراست‌کشان‌معرکهٔ‌افتخاررا که در عرصهٔ نامـداری و میدان مردانگی بنشانهٔ خدنگ نظـر امتحان سرخ‌رویـی قبول داده‌اند بخدمات لایقه ومناصب‌شایسته همچوسوفـارخندان وچون پیکان ثابت قدم کیش‌بندگی و حق خدمت‌گذاری داشته‌اند و درین عهدهمایون که بفرّه ایزدی و

لطف شاهنشهی ولینعمت عالمیان که جانم فدای نام نامیش باد این بندهٔ درگاه بر تبهٔ بلند ایالت استراباد ممتاز و سرافراز گشته پیروی بآداب خیر مآب آباء رعایت ایـن مرتبت را با منتسبان برذمت همت والانهمت لازم میداند بنا بر ظهور انوار این معانی از ناصیهٔ حال رفعت ومعالی پناه زبدةالاقران ارس بیگ زیادلو قاجار درسه ماههٔ آخر لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی پناه مشارالیه را برتبهٔ منصب قـورچیگری تیروکمان معزّز گردانیده مواجب اورا بمبلغ ده تومان رایـج خراسان بـرینموجب مقرر نمود که چنانچه شایستهٔ مرتبت اوست بمقتضیات منصب مزبـور کماینبغی ویلیق قیام واقدام نماید مستوفی وکتاب الی آخره .

رقم قورچی ترکش

آنکه مقرراست وملازمان غیرت اندیش را درمعرکهٔ جانسپاری چـون کمان کمر بسته حق خدمت گذاری دیده‌اند مانندهدف رود چون ترکش پهلوداده‌اند بریك غنچهٔ سوفار در چمن سرخ‌روی پیوسته شکفته خاطرش داشته‌اند و درین عهد همیون کـه بمیامن الطاف بیکران الهی واشفاق نمایان شاهی که جانم فدایش باد برتبهٔ ایالت استراباد فایز گشته رعایت اینمرتبت را با منتسبان بر ذمت همت لازم میداند بنابر وفور قـابلیت و شایستگی خدمت وخلوص عقیدت رفعت و معالـی پناه زبدةالاماثل مصطفـی بیگ ولد بـرجعلی بیگ روملو منسلك درکشیك خورده اویماق در دوماههٔ لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد منصب قورچیگری ترکش بامبلغ ده تومان خراسانی مواجب اصل و اضافه برینموجب برفعت و معالی پناه مشارالیه مفوض ومرجوع شدکه چنانچه وقادت ذهن ونقاوت آگاهی اوست درخدمت مذکور نهایت حسن سعی و نیکوخـدمتی بمنصهٔ ظهوررساند مستوفی وکتاب سرکارعالـی در لـوی ئیل رسد نهماهـهٔ اصل ودوماهـهٔ اضافه وازابتداء ئیلان ئیل اصل واضافه مواجب مشارالیه را از سویت مداخل مـوجود

موافق شرح رقم اشرف تنخواه داده هر ساله رقم مجدد نطلبند وچون رقم بمهر عالی رسد اعتبار واعتماد نمایند .

رقم قورچی تفنگ

آنکه مقرراست که بنا بر توجه عالی در بارهٔ رفعت ومعالی پناه فریدون بیگ غلام که بزیور خلوص عقیدت بسبق خدمت آراسته وپیراستهٔ قابلیت مناصب شایسته دارد از ابتداء نهماههٔ لوی ئیل رفعت ومعالی پناه مشارالیه را برتبهٔ منصب قورچیگری تفنگ معزز گردانیده مبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواجب دروجه مشارالیه مقرر شد که چنانچه شایستهٔ فطرت اوست بمقتضیات منصب مزبور قیام واقدام نموده حسن سعی و نیکو خدمتی بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی وکتاب سرکار عالی مشارالیه را بریش سفیدی رفعت ومعالی ـ پناه کمالاً للرفعة والمعالی حقنظر بیگ غلام سرکار خاصهٔ شریفه درسلك تابینان رفعت و معالی پناه شاهوردی بیگ یوزباشی سرکار عالی منتظم ومنسلك داشته شرح این رقم را در دفاتر ثبت نموده وجه مواجب اورا سال بسال بدستور سایر اقران وامثال تنخواه داده هر ـ ساله رقم مجدد نطلبند ودرعهده دانند وچون رقم بمهر عالی رسد اعتبار واعتماد نمایند.

رقم قورچی زره

آنکه مقرراست که چون مسند نشینان ظفرسپاه وسپهبدان نصرت پناه وفرماندهان کشور سلطنت وسرافرازان وسادهٔ عظمت هریك از سلاح پوشان معرکهٔ شجاعت وجلادت و صلاح کیشان عرصهٔ اخلاص وعبودیت راکه در میدان جانفشانی همهٔ تن چون زره حلقه بگوش اطاعت وچشم براه فرمان برداری دیده‌اند همواره قامت قابلیت ایشان را بخلعت زیبای منصبی محلّی ساخته بمعاضدت توجهات ومظاهرت نوازشات چون دعای جوشن معزز وچون درع داودی مطرّز داشته‌اند ودرین عهد خجسته که باراده حاکم علی الاطلاق و

اشفاق ولینعمت عالمیان که جانم فدای نام نامیش باد برتبهٔ والای ایالت دارالمؤمنین استراباد مباهی وسرفراز گشته اتیان بشیوهٔ مرضیهٔ آباء رعایت این مرتبت را با منتسبان برذمّت همت لازم میدانند بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت ومعالی پناه زبدة الامثال قلیچ بیگ ولد یوسف بیگ زنگنه منسلك درسلك کشیك اکرادخورده او یماق که لیاقت خدمات شایسته دارد درسه ماههٔ آخر لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد مشارالیه را درسلك قورچیان یراق انتظـام داده منصب قورچیگری زره با مبلغ نه تومان رایج خراسان مواجب برینموجب بمشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ اوست بمقتضیات خدمت مزبوره قیام نموده حسن سعی ونیکوخدمتی بمنصهٔ ظهوررساند مستوفی الی آخره .

رقم قورچی سپر

آنکه مقرر است که چون نصرت پناهان صاحب ظفر وگردون شکوهان خورشیدسپر که بمساعدت بخت بلند ودولت ارجمند چون تیغ بندان پی سپر خط استوا و سر از قبهٔ فلك ترسی گذرانیده اند هریك ازغازیان پرهنر و تیغ بندان پی سپر را که درعرصهٔ گیرودار سینهٔ سپر ساخته درسپری ساختن عدو چون سپر همه تن رو وچون گلمیخ ثابت قدم میدان رزمجویی دیده اند بگردآوری احوالشان پرداخته سپر آسا بمظاهرت توجهات ومعاضدت نوازشات همواره صاحب شأن ونیکوشان داشته اند وچون درین اوان سعادت توأمان که بمیامـن الطاف ایزدی واشفاق شهنشی ولینعمت عالمیان که جانم فدایش باد برتبهٔ والای ایـالت دارالمؤمنین استراباد فایز وسرافراز گشته پیروی بسنن آباء رعایت این مرتبت را بـا منتسبان برذمت همت لازم میدانند بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت ومعالی پناه صفی‌ـ قلی بیگ قیناق منسلك درکشیك شام بیاتی درسه ماههٔ لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد منصب قورچیگری سپر وریش سفیدی جماعت قیناق با مبلغ ده تومان خراسانی مواجب اصل واضافه برینموجب مفوض ومرجوع شد که چنانچه شایستهٔ دریافت دانش

اوست بمقتضیات خدمات مذکوره سعی نموده دقیقهٔ فوت وفروگذاشت ننماید مستوفی الی آخره.

رقم قورچی شمشیر

آنکه مقرراست که چون همواره دولت‌پناهان گردون‌سریر وقدرقدرتان قضا شمشیر هریك‌ازغازیان شیرشکارصاحب‌برشان تیغ‌گذاررا که درمعرکهٔ‌کارزارازغلاف برآمده بصوربندگی تیغ‌آفتاب سرگرم‌جانفشانی‌دیده‌اند پیکار بلارك‌وار درمیان‌همگنان‌معزز و ارجمند وبنوازش خدمات‌لایقهٔ سرخ‌رو وسربلند داشته‌اند ودرین عهدنیکوکه‌بحکم ملك‌منّان وفرمان‌فرمایی جهانیان‌که جانم فدایش‌باد برتبهٔ ایالت استراباد مباهی‌گشته پیروی این شیوهٔ مرضیه را وجههٔ همت ساخته حفظ این مرتبت رابا منتسبان لازم و متحتم‌میدانند بنابرظهور توجه‌خاطرعالی‌دربارهٔ رفعت ومعالی‌پناه محمدزمان‌بیك‌وار- گرگین‌بیك غلام سرکارخاصهٔ‌شریفه درسه‌ماههٔ‌آخرلوی‌ئیل منصب‌قورچیگری‌شمشیر بامبلغ ده‌تومان خراسانی مواجب بدینموجب اصلاً واضافه‌بمشارالیه مفوض ومرجوع شدکه چنانچه شایستهٔ دریافت‌اوست درخدمت مذکوره سعی‌جمیل بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی الی[آخره].

رقم قورچی نیزه

آنکه مقرراست که چون پیوسته مالکان ممالك دین و دولت ونیزه‌داران معارك مبارزت وشجاعت در معرکهٔ سرافرازی وعرصهٔ یکه‌تازی رمح مصقول شعاعی نظررا بجلوه‌درآورده هریك ازمبارزان دین‌دار وغازیان شیرشکاررا‌که‌باامعان‌نظرسنجیده و پسندیده‌اند قامت قابلیت ایشانرا درنخلستان حق‌شناسی بخدمات شایستهٔ نهال ساخته بآب شفقت وآفتاب مهرومحبت پرورش داده بمرتبهٔ‌نمورسانیده‌اند ودرین عهدخجسته

که بمیامن الطاف ایزدی و نوازش قبلهٔ حقیقی که جانم فدای نام نامیش باد برتبهٔ ایالت استراباد مفتخر ومباهی وسرافراز گشته تأسی بسنن آباء رعایت این مرتبت را با منتسبان برذمت همت والا لازم میداند بنا برظهور شاهد این معانی ازصورت حال رفعت ومعالی پناه عمدة الاماثل الغ خان بیگ ولد ظاهر بیگ سپانلو ینگی قاجار منسلك درکشیك زیادلو در سه ماههٔ آخر لوی ئیل هنگام ورود مسعود بقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی پناه مشار الیه را برتبهٔ قورچیگری نیزه معزز گردانیده مواجب او را بمبلـغ نه تومان رایج خـراسان برینموجب مقرر نمود که چنانچه شایستهٔ مرتبهٔ اوست بمقتضای منصب مزبور قیام نماید و چون حسب الحکم جهانمطاع عالم مطیع مقرر شده که جمعی از ملازمان وغازیان که در بیرون قلعهٔ مبارکه منازل دارند در اندرون سکنی نمایند مقرر آنکـه مشار الیه در اندرون قلعه خانه ساخته سکنی نماید وازفرموده تخلف نورزند که موجب بازخواست و مسترد مواجب خواهد شد مستوفی الی آخره .

رقم قوریساول باشی

آنکه مقرر است که بنا بر توجه خاطر عالی در بارهٔ رفعت ومعالی پناه درویش محمد بیگ ولد حسین قلی احمدفقهلو منسلك در کشیك شامبیاتی که بزیور حسن سلوك آراسته بین الاقران ممتاز وشایستهٔ خدمات لایقه است در سه ماههٔ آخر لوی ئیل منصب قوریساول باشیگری و ریش سفیدی جماعت احمدفقهلو بامبلغ هشت تومان رایج خراسان بدینموجب دروجه مشار الیه مقـرر شد که در صف آرایی وآراستگی سپاه ظفر پناه وامور متعلقهٔ بخدمات مزبوره سعی جمیل بمنصهٔ ظهور رساند مستوفی الی آخره .

رقم صحبت یساول

آنکه مقرر است که چون درین ایام خجسته فرجام بارادهٔ حضرت ملك عـلاّم و شفقت

ولینعمت حقیقی که جانم فدای نام نامیش باد برتبهٔ ارجمند ایالت استراباد سرافراز و ممتاز گشته ملحوظ خاطر ادب کیش وخواهش ضمیر آداب اندیش آنست که بدأب اکابر سلف درمحفل قدرشناسی ادب بمؤدای کریمهٔ بعضکم فوق بعض هرکس فراخور قابلیت و استعداد درمأمن مرتبهٔ خود قرار گرفته سررشتهٔ این حزم ازکف عزم بیرون نرفته پیوسته ضابطهٔ این نسق مربوط و منسّق باشد وجلوهٔ شاهد این مدعا ازپردهٔ خفا بساحت ظهور ایستاده بتعیین جمعی است که بصلابت فراست حاشیه نشینان مجلس شریف و بار یافتگان محفل منیف را که مظهر ضابطهٔ نظام نزدیکان ومصدر طریقهٔ انتظام دور دستانست بقصد اشارهٔ بجابجای خودنشانند و فعلاً این مقال ازقوة حال رفعت ومعالی پناه نظاماً زینل بیگ خلف نظارت ورفعت ومعالی پناه عوالی واعالی آثار نظاماً للنظارة والرفعة امامقلی بیگ که بزینت ذکا وفهمیدگی وزیور جودت ذهنی ودانستکی مزّین ومحلی و باشفاق درازاء حسن سعی ونیکوخدمتی بین الاقران ممتازاست چون جرأت ازشیر و تندی ازشمشیر هویدا وظاهر است بناءً علیه ازابتداء نهماههٔ لوی ئیل منصب یساول صحبت سرکارعالی با مبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواحب بمشارالیه مفوض ومرجوع شد که چنانچه شایستهٔ وقارت فطنت ونقاوت فطرت اوست بمقتضیات خدمت مزبور قیام و اقدام نموده دقیقهٔ فوت وفروگذاشت ننماید مجلس نشینان وبازیافتگان محفل سامی و سایر نزدیکان مشارالیه رایساول صحبت سرکارعالی دانسته اوامرو نواهی مختصهٔ منصب اورا مطیع باشند مستوفی الی آخره .

رقم ایشیك آقاسی

آنکه مقرر است که چون درین جزو زمان ازعنایت حضرت ملك منان و تربیت فرمانفرمای جهانیان که جانم فدای نام نامیش باد برتبهٔ ارجمند ایالت الکاء استراباد فایز گشته و همواره دواعی خاطر عالی در امور کلی وجزوی متابعت رسوم آداب

عادات مرغوب طبع ولینعمت حقیقی است و قاعدهٔ مجالست کبار و صغار در اعالی و اوسط واسافل محفل آداب بحسب رتبه و قابلیت ذاتی و عارضی هرکس علی مراتب طبقاتهم امریست کلی و رعایت این معنی متعلق است بایشیك آقاسی باشی قدرشناس که بفحوای مصدوقهٔ بعضکم فوق بعض هرکس‌را درخوراستعداد درمأمن رتبهٔ خودجادهد تاسررشتهٔ این حزم ازکف عزم بیرون نرفته همیشه این نسق مضبوط باشد و شاهداین معانی صورت‌حال رفعت ومعالی‌پناه کمالاً للرفعة والمعالی اسلمش‌بیگ ترکمان‌است که سالها بمنصب مزبور قیام‌نموده عارف بمراتب‌احوال سادات عظام وارباب مناصب و اصحاب واعیان این ولایت شده استحضار تمام دارد بناءً علیه ازابتداء نهماههٔ‌لوی‌ئیل منصب ایشیك آقاسی‌باشیگری و ریش‌سفیدی جماعت ترکمان وسایر اویماقات جزو کشیك چهارم بامبلغ دوازده تومان رایج خراسان مواجب برفعت ومعالی‌پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد که چنانچه شایستهٔ دریافت اوست بلوازم مناصب مذکوره قیام نماید قاطبهٔ باریافتگان محفل منیف و مجلس شریف و غازیان کشیك چهارم ومطلق ملازمان سرکارعالی رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه‌را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد ایشیك‌ـ آقاسی‌باشی و ریش‌سفیدی غازیان مزبور دانسته اوامر و نواهی او را که هرآینه در امور متعلقه بمناصب مزبوره گوید مطیع باشند ورسوم مقرر معمول ایشیك آقاسی‌ـ باشیگری را مختص او شناسند مستوفی و کتاب سرکار عالی سال بسال وجه مواجب مشارالیه را بدستور امثال از مداخل الکاء استراباد و توابع تنخواه داده موقوف برقم مجدد ندارند و درعهده شناسند.

رقم کشیکچی باشی

آنکه مقرر است‌که چون درین عهدمیمون بارادهٔ حی‌آگاه لاتاخذه سنة ولا نوم‌وشفقت شاه عالم پناه روحی‌فداه برتبهٔ بلند ایالت دارالمؤمنین‌استراباد مباهی و سرافرازگشته

همواره مکنون خاطـرخطیر و منظور نظر بی‌نظیر آنست که در محارست و محافظت این مرزوبوم‌که مورث رضای‌طبع ولینعمت حقیقی و باعث هراس مخالفین واعداءدین مبین و مؤسس اساس جمعیت حواس مؤالفین ومسلمین است نهایت حزم و دقت ونسق ملحوظ و مرعی باشد با جمهور رعایا و برایا کـه ودایع حضرت آفریدگار جل‌شأنه درمهاد أمن وامان و بستر راحت مرفه‌الحال غنوده بدعاگوئی دوام دولت ابدمدت قاهرهٔ باهره وکسب تجارات و زراعات اشتغال‌نمایند ظهوراین مدعاازپردهٔ خفابساحت شهود موقوف بآگاهی وبیداری وطلایه‌داری غازیان و ملازمان هوشمند است‌که هرشبانگاه قطع‌نظـر از خواب چون ثوابت و سیّار تا صبح بیدار بـوده برگرداگرد مقـر اقبال و سرادق اجلال‌که بر نظام دور ونزدیك اهل این حدود نسبت نفس‌ناطقه با بدان‌مردمان دارد چون مژگان بدور چشم پاس داشته چشم برهمزدنی غافل نباشند و طلوع نیّراین اراده نیز از مشرق توفیق بتجلی‌تعیین هوشیار خبرداریست‌که چون صبح صادق‌بصفای طینت وجلای طویب مصفّی وبه حلیهٔ خلوص عقیدت وحسن خدمت محلی بوده تمامی شبهاهمگی‌اوقات‌خودرامصروف بخدمت‌کشیکچی‌باشیگری‌که‌ازجملهٔ‌مهمات‌عمده‌است داشته واقف و عارف بچگونگی کشیك داشتن هر یك از غازیان و ملازمان که‌بعداز اخبـار و اشعار مصدر انعامات و ازدیاد توجهات دربارهٔ هـر یك علی‌مراتب طبقاتهم خواهـد بود بوده در مقتضیات مزبور دقیقهٔ فوت و فروگذاشت ننماید وگلگونهٔ ایـن مقاصد ازچهرهٔ این حال رفعت و معالی‌پناه قلیجان‌بیگ ولد محمد آقا قوانلوینگی‌ـ قاجار منسلك در کشیك زیادلو وفور ظهور دارد بناءً علیه در سه ماههٔ آخرلوی‌ئیل هنگام‌ورودمسعودبقلعهٔ مبارکاباد رفعت ومعالی‌پناه مشارالیه رابرتبهٔ منصب‌کشیکچی‌ـ باشیگری معزز و مواجب او را بمبلغ هشت تومان رایج خراسان برینموجب مقـرر نمود که در خدمت مرجوعه چنانچه شایستهٔ فطرت وآگاهی اوست مراتب حسن‌سعی‌و

نیکوخدمتی بمنصهٔ ظهور رساند آقایان و غازیان و ملازمـان و تفنگچیان و قـاطبهٔ کشیکچیان سرکار عالی مشارالیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد کشیکچی‌باشی کـل ملازمان اویماقات هفت کشیك وسایر ملازمان قدیمی و جدیدی دانسته اوامرونواهی مختصهٔ منصب او را که هرآینـه باعث خیراندیشی و مصلحت دولت بوده باشد مطیع بوده تخلف نورزند وچون فرمان قضاجریان واجب‌الاذعان شرف نفاذ یافت که جمعی از ملازمان و غازیان کذایی در اندرون قلعه خـانه ساخته سکنی نماید و از فرموده تخلف نورزد که موجب بازخواست و[مواجب]مستردخواهد شدمستوفی الی‌آخره.

رقم قراسوران

آنکه مقرر است که چون درین اوان بمقتضیات مشیت قادر مختار و تربیت برگزیدهٔ کـردگار که زمام اختیار ونظام امور کلی و جزوی اهالی این ثغور بعهدهٔ اهتمام‌این غلامزادهٔ قدیمی آستان ملایك پاسبان مقرر و شفقت شده وهمگی همت والاوجملگی نهمت علیا مصروف و معطوف بـرآنست کـه جمیع امـور بروفق رضای الهی بنحوی منتظم و منتسق گردد که مزیدی برآن متصور نباشد و درینولا کـه به نیروی الطاف شاهنشاهـی ورود مسعود بدارالمؤمنین استرابـاد اتفاق افتاد حضرات سادات عظام و ارباب و اهالی آنجا از تعدی و ستم دزدان اکراد چمشگزك و احشامات غریبه که در میان هرطایفه متفرقند وترکمانان کـه بوسیلـهٔ تجارت در اینحـدود میکردند تظلم نمودند و دفع و قلع وقمع این طایفهٔ بی‌عاقبت که خارراه مسلمانانند اهم امورعظیمه است و تمشیت صدور این نسق منوط و مربوطست بنصب و تعیین قـراسوران کاروان خیراندیش عارف باحوال متقلبه و اوباش و اجامـره و پاطاق دزدان و طـریق بدست آوردن و دفع ایشان و مصداق این مقال صورت‌حال رفعت و معالی‌پناه عزت وعوالی‌ـ دستگاه شمساً للرفعة و المعالی میرزا محمدبیگ قاجارقورچی‌باشی سرکارعالیست‌که

بمرور ایام اطلاع تمام براوضاع دزدان وپاطاق ایشان حاصل نموده بناءً علیه درمعاملهٔ لوی‌ئیل منصب قراسورانی کل بلوکات واحشامات دارالمؤمنین استراباد از حد قریهٔ کلبادتا حدگرایلی منصب مزبور موافق معمول دستور سابق برفعت و معالی‌پناه مشارالیه مرجوع شد که بواجبی بامر مذکوره ولوازم‌آن و دفع دزد و قطاع‌الطریق کوشیده نوعی نماید که مترددین بی‌خوف وخطر از شوارع اینحدود عبور و آمد و شد نمایند که غرامت آنچه در ایام قیام او بمنصب مزبور ازاموال مترددین در شوارع اینحدود دزدند درعهدهٔ اوست و دراخذ وجوهات حاصل منصب مزبور از دستور معمول تخلف نورزد و در آخر سال نسخهٔ براسامی رعایاء بومی و غریبه و کدخدایان هر محل و مجرمین و قدر جرایم که دو دانگهٔ اموال مسروقه متمیز باشد بمهرخود در[د]ست داشته بحضور آورد که بعدازملاحظه بدانچه‌مقررشود معمول و مرتب گردد و قضایائی که در بلوکات سانح شود سوی قضایای اربعه وامور عظیمه پرسش نموده بعداز ظهور گناه جریمهٔ فراخور تقصیر وقدر استطاعت مجرم بازیافت نماید و امور معظمه را بدیوان عالی معروض دارد که موافق قانون عدالت غوررسی شود و جمعی راکه پاطاق دزد باشندگرفته بدیوان عالی فرستدکه مورد تنبیه وسیاست گردند ریش‌سفیدان ایلات و احشامات و کلانتران و کدخدایان و رعایا و جمهور متوطنین‌بلوکات ازحدقریهٔ‌کلباد الی‌حدگرایلی رفعت و معالی‌پناه قورچی‌باشی مشار-الیه رامن‌حیث‌الاستقلال والانفراد قراسوران خود دانسته اوامر و نواهی مومی‌الیه را که هرآینه متضمن خیریت برایا و امنیت طرق و شوارع بوده باشد مطیع ومنقاد بوده باشند و جمعی را که درهرمحل وهرحشم پاطاق دزد باشند بمشارالیه سپارندکه بدیوان عالی فرستد داروغگان و ریش‌سفیدان هرحشم وهرمحل مجال تمرد احدی‌از مضمون مسطور نداده تخلف نورزند که موجب بازخواست عظیم خواهد شد ودرین باب قدغن دانسته در عهده شناسند .

کتابت

پیوسته گلگون دولت و اقبال بعنان‌داری تأیید ذوالجلال رام وصهبای حشمت وجلال بجرعه‌پیمای داور متعال درجام مرام وایام بسطت و اجلال بمددکاری فیوض مهیمن متعال مخلد و مستدام‌باد برب‌العباد. . . . .بعداز اتحاف گلدسته دعائی که عطر نوشکفتهٔ گلهایش حریم اجابت را چون خلوت‌انس قدوسیان معطر نماید و اهدای شمامهٔ ثنایی‌که شمیم روانبخش حلوت قبول را بعبیر سرورآراید مکشوف رای انورو ضمیر منیر فیض‌گستر میگرداند که حقیقت اشتیاق و آرزومندی ادراك ملاقات وافی مواهب عالی‌که اقتضاء مقصد مخلصان است نه‌امریست که بامداد کلك مشکین سواد نیرنگ‌زدهٔ صفحهٔ اظهار تواند شد و از احوال خیرمآل سعادت اشتمال نیز مدتی [است] که اطلاع حاصل نیست و قبل ازین که درباب استخبار کیفیت شکارگاهها و اینکه در هرمقام‌که بهم میرسد و وقت شکارکی است و کدام شکارگاه شکار بیشتر دارد بخدمت عالی عرض‌شده بود وازآن خبری نرسیدبنابرین درین وقت رفعت ومعالی‌پناه عزت و عوالی‌دستگاه اعزی‌کمالا حقنظر بیگ غلام خاصهٔ شریفه را روانهٔ خدمت عالی‌گردانید یکعدد رأس‌کرهٔ عربی که لایق سواری ملازمان عالی میدانست از روی اخلاص واتحاد روانهٔ ملازمت عالی‌گردانید مقررخواهند داشت‌که حقیقت شکارگاهها را وکلاء عالی قلمی نموده تا اوان ادراك ملازمت ...

کتابت

حضرت حق‌سبحانه و تعالی ذات ستوده‌صفات کثیرالبرکات عالیحضرت رفیع‌منزلت عوالی‌خلت مقدس‌طینت رفعت و اقبال‌پناه ابهت و جلالت دستگاه‌خلت و محبت و مکرمت‌اکتناه شفقت وملاطفت‌شعار مؤالات و مؤاخات دثار عالیمقداری شمساً للرفعة

والمحبة والمودة والعز والاقبال محمدبیکا سلمه‌الله تعالی همواره موارد قوافل فیض بداراد و ملاقات شریفش را بدوستکامی بمخلصان آرزومند روزی کناد بمحمدوآله‌الاـ مجاد بعداز اظهار اشتیاق یکجهتی منهی رای انور میگرداند که درینوقت بعضی مطالب ومدعیات خودرا بخدمت دیوانیان اعلی‌قلمی نموده‌نزد رفعت ونجابت ومعالی ـ پناه قواماً للرفعة میرزاجعفرامنشی ارسال گردانید مطموع آنست ازتوجه در حصول آن مطالب دریغ نفرمـوده شرایط مهربانی که لازمهٔ ذات والاصفاتست بظهـورآورنـد و پیوسته خدمتی که درینحدود بوده باشد باعلام وانجام‌آن منت نهند تـاحسب‌المقدور درین معنی آثار یگانگی واتحادبظهوررسانند ظل‌عالی‌لایزالی باد .

کتابت

رفعت ومعالی‌پناه عزت وعوالی‌دستگاه محمدت‌اطواری مصادقت‌شعاری‌حاج‌الحرمین‌ـ الشریفین‌نظر . . . . الباقیارا بعد ازرفع دعوات واظهارخواهشمندی آنهامیگردانند کـه درینوقت فرزندی برخورداری باباخان بیکـارا سی‌چهل تومان‌بجهة مـواجب خدمتکاران و بعضی اخراجات احتیاج و دربایست است توجه نموده مبلغ مزبـور را بعنوان مساعده بایشان داده قبض بازیافت نمایدکه ازقرارقبض وجه مزبوردرینحدود مهمسازی‌میشود البته درین‌باب لوازم صداقت بظهور رسانیده نوعی نمایند که بزودی مهمسازی ایشان‌شود چون مدتی شدکه برین‌حدود نیامده‌اند چنانچه ارادهٔ‌آمدن‌نموده امتعهٔ که‌باب‌باشد همراه‌بیاورند خالی‌ازنفعی‌که درخاطرگذرانده‌اند نخواهدبود وآنچه بیاورند سرکاراینجانب وملازمان برمیدارند درباب جیقه مکرر بایشان سفارش نموده چنانچه آمدن باینصوب اتفاق‌افتد جیقهٔ مرحوم مغفوریادگار بیکا را بجهة اینجانب قیمت مشخص ساخته همراه خواهندآورد که ازین معنی‌بسیار مسرور میگردد زیاده مبالغه واطالت نمی‌نماید .

کتابت

بآشناروی نگاه چشم شهلا و بخون گرمی دل محبت آشنا و بمشعله افروزی شمع آه و به سحر خیزی نالهٔ واشوقاه و به ثبات عهد محبت جاوید و بیکتادلی و پاکدامنی دیدهٔ بینش محمد سعیدقسم که آنچه بوالهوسان بادهٔ نارسائی گوشزدهوش نموده اند درحوصلهٔ وقوع گنجایش ندارد مرحبا اهلاً وسهلاً باریکی خیالات اگر لاف نزاکت زند اشارات دلفریب کشمیری [چشمان] بزبان ابروگویند سلّمنا وآوازهٔ رنگینی عبارات اگر بگوش کلدستهٔ سوسن اززبان بیزبانی اززبانش وکیل است که سمعنا واطعنا ترك آشنائی وقطع علاقـهٔ محبت و دوستی فیما بین شما وما هرآینه دعوی مالی ونه مخالفت مذهبی واقع است واقع چـه واقع شده که من مخلّی بطبع می بودم وعنان اختیار بدست اراده ومرادخود میدیدم طی مسافت خدمت چنانکه همیشه می نمودم مینمودم که مرا میسر نیست شمارا هست شکر کنید ودرجستجوی رضای دوستان بقدریك شعله وارآه حیرت بهمرسانیده ازژولیدگی دلهای بیدلان بترسید وبسلام ونامه باعث تسکین خاطر اخوان فی الله گردید اگـر عذر خواهید گفت که فصل بهارصاحب شوریم ودرفصل پائیزدل ازمیوه های الوان وآبهای یخ فراوان ونسیم محلهٔ کوسان برنمیتوانیم داشت وزمستان سرد وکفش سفردریا فراخ است پس دنیا خودبیوجوداین چهارفصل وموسم نمی باشد بهمه حال حقیقت احوال وحالات را بلافاصله ایام قلمی نمایند چون خاطرمشوش ودوات وقلم حاضروبسبب تخیلّات مفسده فاسده نمیدانم دماغ کجا بود.[۱]

۱ــ متن بسیار درهم وآشفته است .

کتابت

شوق و آرزومندی بادراک ملاقات گرامی خدام والامقام رفعت ومعالی پناه عزت ومکرمت و عوالی دستگاه عطوفت و رأفت وصداقت انتباه محبت ومودت وخلّت اکتناه محمـدت اطواری عالیقدری نظاماً للرفعة والعزّة والمکرمة والعطوفة والرأفة والصداقة والمعالی اسفندیار بیگا زیاده ازمنتهای متصوراست ان‌شاءالله‌تعالی حصول این مطلب بروفق مدعا مقدرومرزوق بادبعداز اظهارمراتب خواهشمندی منهی‌رای مصادقت انتمامیگرداندکه دراینوقت رفعت ومعالی‌پناه نجابت و کمالات انتباه محمدت‌اطواری قواماً للرفعةوالعز والمعالی میرزا محمدجعفراءمنشی رابجهة تنقیح محاسبات مرحوم جلالاکبراء وزیر سابق‌خراسان ودیگرمطالب روانهٔ اردوی گردون‌شکوه نمود که‌بعنایت‌الله‌تعالی و بیمن توجه دوستان مهام مزبوره راصورت وانجام دهد چون درتمشیت اکثـر مهمات محب توجهات‌نموده‌شیوهٔ‌اتحاد و یگانگی مسلوک‌داشته‌اند مأمول‌آنکه‌دراین موردنیز طریقهٔ صداقت‌رامرعی داشته‌تجویزمغایرت‌و بیگانگی ننمایند و بامدادواعانت که‌درهر باب‌لازم باشد پذیرای منت دانند زیاده اطناب‌ننموده مترصداست‌که هرگونه خدمتی ورجوعی که دراین حدود داشته‌باشند بمقام اعلام درآورندتا حسب‌الامکان بتقدیـم رسانیده شود ایام‌بکام دوستان‌باد .

کتابت

خدام ذوی‌الاحترام رفعت ومعالی‌پناه عزت ومکرمت و عوالی دستگاه شهامت ومناعت اکتناه صداقت ورأفت شعار محمدت‌اطوارعالیقدری شمساً للرفعة والمکرمة والصداقةو الرأفة والعزوالتمکین محمدقلی بیگارا بعد از اتحاف دعوات زاکیات محبت علامـات مـرفوع رأی موالات انتما میگردانند کـه مبلغ شصت تومان تبریزی کـه از رفعت و

معالی‌پناه عمدةالاکابر سلطان مسعوداءکلانتر جام بموجب سند طلب داشتند ومحب دو کلمه بایشان‌نوشته قبول مهمسازی‌آنوجه نموده بود که در هنگام رفتن باردو ....را فرستاده کتابتی در باب مهمسازی وجه مزبور قلمی نموده بود همان وقت که کتابت‌و فرستادهٔ خدام رسید مبلغ مزبور را بالتمام و کل تسلیم و قبض بـازیافت نموده ازآن تاریخ تا حال سند نزدایشان مانده نفرستاده‌اند و درین وقت بـآن احتیاج است توقع آنکه در روز متوجه شده سند مزبور را برفعت و نجابت و معالی‌پناه عـزت وکمالات اکتناه کمالاً للرفعة و النجابة میرزا محمد جعفرا تسلیم نمایند که مشارالیه بزودی روانه گرداند و تا هنگام ملاقات کاری و خدمتی‌که درین حدود داشته باشند بمنصهٔ اعلام درآورند تا حسب‌المرام صورت انتظام داده شود.

کتابت

ذات محمدت‌کیش و وجود خیراندیش خدام والامقام لازم‌الاحترام عالیحضرت‌سامی‌ـ رتبت مقدس‌طینت والامرتبت متعالی‌منزلت رفعت وعظمت و اقبال‌پناه دولت وشوکت‌و اجـلال دستگاه شهامت و بسالت و مناعت انتباه محمدت و منقبت و مکـرمت اکتناه اشفاق والطاف شعار محبت و مودت مدار کریم‌الاخلاقی عالیجاهی غنی‌الالقابی‌رفیع‌ـ الشأنی منیع‌المنزلة والمکانی عظیم‌القدر . . . الاحسانی رفع‌شأنـه العالی ازآلام‌ایام درحفظ وحمایت حافظ حقیقی‌بوده همیشه دوستکام باشند بعدازتبلیغ لوازم دعاگویی‌و تبیین مراتب اخلاص و یکجهتی مشهود ضمیر منیر بیضا نظیر میگرداند که درینوقت چون‌بعضی ازادن بیکیان عمدهٔ ترکمان‌سالور نزد محب‌آمده ازاخبار وسوانح اورگنج مطلع بوده حرفی چند مذکور ساختند لهذا اخبار مزبوره را بـا بعضی مراتب دیگر عریضه مشتمل بردو سه فصل نوشته بپایهٔ سریر خلافت مصیر فرستاد کـه بیمن توجه

خدام ان‌شاءالله تعالی درمحل مرغوب بعرض حجاب بارگاه گردون اشتباه رسیده بحلیه و خلعت جواب مزین گـردد توقع از لطف عمیم چنانست که در مراتب دوست نـوازی چنانچه مستلزم ذات ستوده صفات است توجه دریغ نداشته نوعی فرمانید که باهتمام توجه خدام مطالب مخلص بحصول اقتران یابد کـه هرآینه این معنی موجب انفـاذ موادالفت واتحاد خواهد بود زیاده مصدع نشد مترصد رجوع خدمات است که درانجام آن شرایط اخلاص و بندگی بظهور رساند ایام عظمت و جلالت واقبال مخلد باد .

کتابت

قوافل دعوات وافیات اجابت قرین و رواحل تسلیمات زاکیات مخالصت آئین مجدداً ارسال محفل گلشن شمایل برعالیجناب پسندیده آداب رفعت و معالی و اقبال پناه عزت و جلالت و محمدت انتبـاه خلت و رأفت وحفادت اکتناه محبت و مودت آگـاه فتوت و مکرمت شعار ملاطفت و احسان‌مدار کریم‌الاخلاق عالیمقداری شمساً للرفعة والعزة و الجلالة والمحمدة والخلة والاقبال محمدبیکاضاعف‌شانه گردانیده همواره بتذکار محامد و انتشار مناقب رطب‌اللسان وعذب‌البیان می‌باشد امید که ذات ملکی صفات از آفات و بلیات درحفظ وحمایت حافظ حقیقی بوده بمقتضای خواهش دوستان باشند بعداز تبلیغ دعای معراالزریاکه شیوهٔ دائمی محبان صادق‌الولااست مشهود ضمیرمنیر بیضا تنویر میگرداند کـه الحمدلله والمنة مجاری احوال محب بحسب دلخواه دوستانست و امری که کلفت‌افزای خاطر احبا بوده باشد بجز مفارقت خدمت گـرامی سانح نیست چون درینوقت پیشکش سرکـار خاصهٔ شریفه را انفاذ درگاه فلك بارگاه گردانیده یقین حاصل است که در هرباب مقتضی مودت جبلی را منظور نظر موالات اثر خواهد ساخت و تجویز مغایرت نخواهد فرمود لهذا بتنویر صحیفة الوداد اقدام نمود که محرك سلسلهٔ الفت و یگانگی و وسیلهٔ یادآوری بوده باشد توقع چنانست که تا زمان ادراك صحبت اکسیر

خاصیت سامی درافتتاح ابواب مکاتبات و مراسلات که بهجت افزای قلوب مشتاقانست توجه دریغ نداشته بلاحایلهٔ یگانگی خدمتی و رجوعی‌که درین حدود داشته باشند بمقام اعلام درآورند تا در تمشیت‌آن بعنایت‌الله تعالی مراسم جهتمندی بظهوررسانند ایام بکام دوستان باد .

[کتابت]

ایزد بیهمال ذات‌ستوده خصال‌بندگان سموالقدر والاشأن عالیحضرت‌سامی‌رتبت‌قدسی‌ـ طینت نواب مستطاب مقدس‌القاب رفیع‌قباب فلکجناب خورشید اشتهارگـردون وقار سپهر اقتدار را از اصابت عین‌الکمال مصون و محروس داشته بمقتضی خواهش‌دوستان حقیقی و مخلصان صمیمی برمسند دولت و اقبال و وسادهٔ عظمت و اجـلال متمکن و مخلد بداراد بمحمد وآله‌الامجاد بعداز طی ادعیه و افیه واثنیهٔ زاکیه مصدع ومضیع اوقات فرخنده ساعات که ضمان حصول مراداتست میگردد که درینوقت ازاخبار این حدود که بوساطهٔ امارت و رفعت‌پناه قنبرعلی سلطان علی‌آملی بمخلص حقیقی رسیده بوده بپایهٔ سریر خلافت مصیر روانه نمود که ان‌شاءالله مضامین‌آن در مجلس بهشت‌ـ آئین بسمع شریف خواهد رسید مـن‌بعد نیز آنچه رو دهد بعرض میرساند مترصد و مترقب از مکارم اخلاق جبلی‌آنست‌که توجه و شفقت مرعی داشته نوعی نمایند کـه عریضهٔ مذکور بزودی بخلعت جواب مزین گردد و هرگونه مهمی و رجوعی‌که دراین حدود داشته باشند و مخلص راقابل انجام آن دانند مرجوع سازندکه بعنایت‌الله‌تعالی لوازم بندگی وحسن عقیدت بظهور رساند چون غرض‌منحصر بود زیاده‌اطالت واطناب نرفت بدعای بیریا که شیوهٔ مخلصان دائمی قدیمست اختصارمینماید سایهٔ بلند پایه‌بر مفارق کافهٔ احباب و مخلصان الی‌یوم القیام مستدام باد .

کتابت

تاسیمرغ زرین جناح ملمع بال وشاهباز بلندپرواز همیون‌فال را نشیمن وسیرودور بر قلهٔ قاف چهارم طارم‌است شاهین‌لازم التمکین عزت ورفعت‌معالی‌پناه‌عزت وعوالی دستگاه محامداطوار رفیع‌مقداری بال‌افشان اوج‌عرصهٔ‌کامروائی بوده طعمه‌یاب ازصید مقصود باد بمحمدو آله‌الامجاد مکاتبهٔ محبت‌طراز ازعطوفت تضمین وشاهین و. . .جلادت‌آئین که درینولا بدستیاری رفعت‌پناه قوجه‌بیگ به‌پروازگاه ارسال درآورده بودنداز مطالعهٔ آن مسرّتی تازه وملاحظهٔ این‌انبساط بی‌اندازه دست‌داد الحق‌که قوشی غریب ودالی عجیب‌است وشاهین‌باین رسائی وطعمه‌ربائی و بال‌بدست‌کشی بدست هیچکس از میر-شکاران‌عدیم‌المثال تعلیم فارغبالی نگرفته چنانچه ازچنگال عقاب اجل رهائی یابد میتواند‌بود که‌پا دربندحیات باشد بطریق دست‌انداز هرگزگزندی از ناخن ومنقار بی‌آزاران عنقاشکار بجانوری‌نرسد و بمضمون اصابت مشحون‌کلام صداقت انتظام مقبول راطالع سخنوران حاضروغایب . . . که‌بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت رزق‌راروزی رسان پر میدهد لاجرم سر بتماقهٔ قناعت‌کشیده و بر نشینهٔ توکل قرارگرفته مطلقاً بال جستجو باندازهٔ‌جورکه‌وتیهو باز نکرده همواره شاهین‌نظر برآستان دست و بهله‌قوشچیان طعمه‌آور خواهد داشت طایرمحبت و وداد کالشمس فی‌السما در پروازگاه بی‌تکلفی سیّار باد .

کتابت

مکاتبهٔ محبت‌نواز ومفاوضهٔ تفقد طراز که درینولا نگاشته قلم متعین رقم خدام‌ذوی-الاحترام‌عالیحضرت‌رفعت ومعالی‌پناه‌عزت ومکرمت واجلال‌دستگاه شهامت و مناعت-انتباه محمدت و منقبت اکتناه محبت و مودت‌آگاه عالیقدری مرضیة الاطواری غنّی-

الاوصانی شمساً للرفعةوالعزة والمکرمةوالشهامة والمحمدة والاقبال‌محمدزمان بیکاشده مصحوب شاطر برخوردارسمت ارسال یافته بود دراسعدازمنه‌پذیرای فیض ورودآن گشته مطالعهٔ مضمون الفت مشحونش ایفاد محبت واعتقادگردید وعبارات دلگشایش گلستان ارتباطراطراوت بخشید امیدکه همیشه‌این‌شیوهٔ مرضیه رامنظورومسلوك داشته ازخاطر محو نسازد وبارسال مکاتبات‌که‌نعم‌البدل ملاقات است‌بهجت‌افزای خاطرمشتاق‌گردیده بلاحایلهٔ مغایرت خدمتی که درین‌حدود داشته‌باشند بمنصهٔ پیغام واعلام درآورند تا حسب‌المرام‌بعنایت‌الله‌تعالی صورت انتظام داده شود چون غرض ظاهر بود اطناب‌ننمود شرح‌حاشیه‌آنکه حضرت والارتبت رفعت ومعالی‌پناه عوالیجاه محبت ومودّت انتباه محمدت وخلّت اکتناه اقبال‌آثاراعزی‌کمالاً للرفعة والاقبال نجف‌قلی‌بیکا زید قدره درحاشیهٔ مخاطبهٔ شریف‌بدوکلمه یادآوری‌ساخته‌بودند امیدکه‌بسلامت‌بوده دوستکام‌و مقضی‌المرام باشند ورجوع خدمات‌لایقه اشاره دریغ ندارند .

عریضه

بموقف عرض میرساند که الحمدلله‌والمنة مجاری احوال اینحدود برنهج خیروصواب مقرون ومصروفست وامری‌که خلاف رضای خاطراولیای دولت‌بیزوال‌ابدی‌الاتصال‌بوده باشد واقع وسانح‌نیست درینوقت پیشکش سرکار خاصهٔ شریفه مهماامکن ترتیب و سامان داده‌وانفاد درگاه‌گردون‌اشتباه خلایق‌آرامگاه‌گردانیدکه انشاءالله‌تعالی بتجویز ملازمان وبیمن‌توجه وشفقت‌عمیم‌آنخدایگان‌بنظرمبارك‌بندگان‌نواب‌کامیاب‌قمررکاب اشرف‌اقدس‌همیون‌اعلی‌که صدهزار جان‌گرامی قربان نام نامیش باد در آید مستدعی چنان است‌که کمترین‌راازجملهٔ بندگان‌منسوبان‌تصور فرموده‌پرتوالتفات‌ازساحت‌بندهٔ صادق‌البال دریغ نفرمایند وبرجوع خدماتی‌که قابل انجام ومشیت‌آن دانند مفتخرو سرافراز سازندتاحسب‌الوسع والامکان بعنایت‌الله‌تعالی مراسم سعی واهتمام وشرایط

بندگی بظهور رسانیده مباهات نماید انشاءالله سایهٔ مرحمت عالی بر مفارق بندگان حقیقی پاینده ومستدام باد بمحمدو آله الامجاد .

حکم

ایالت پناه محراب خان بیگلربیگی استراباد بالقابه بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که یکدست طیفون ویازده چرغ و بحری که درینولا بدرگاه جهان پناه فرستاده بود بنظر کیمیا اثر رسیده خلعت فاخره بآنعالیجاه شفقت فرمودیم بتوجهات شاهانه مستمال بوده پیوسته حقیقت اخبار اینحدود را معروض داشته درعهده شناسند .

عریضه

عرضه‌داشت کمترین دعاگویان بموقف عرض باریافتگان سرادقات جاه وجلال میرساند که الحمدلله والمنة بنیروی اقبال بیزوال ابدی الاتصال امنیت اینحدود بحسب خواهش اولیای قاهره است و امری که قابل عرض اشرف وخلاف مدعای احباء دولت ابدمقرون بوده باشد بوقوع نیامده وسانح نیست انشاءالله همیشه اعدای دین ودولت ازصفحهٔ روزگار نیست ونابود گردند درینوقت یکدست طیفون تولك با یازده دست چرغ و بحری که درینولا صیادان استراباد صید نموده آورده بودند انفاذ درگاه گردون اشتباه گردانید امید که در محل مرغوب بنظر کیمیا اثر اشرف درآید امره اعلی .

کتابت

مکتوب مرغوبی که مضمون میمونش بقواعد محبت ووفا مشحون بود درینولا ازجانب خدام ذوی العزوالاحترام رفعت واقبال پناها بهت ومکرمت دستگاه خلّت وصداقت اکتناه محبت ومودت آگاه قابلیت و کمالات شعار محمدت ومنقبت اطوار رفیع مقدار مستغنی—

الاوصافی بوساطة رفعت‌ومعالی‌پناه‌مرضیة‌الصفات‌شمسا‌محمدی بیک‌رسیده‌انواع بهجت‌و حبوررسانید حقاکه شوق و آرزومندی بادراك سعادت‌ملاقات وفیض‌مقالات نه‌بدرجه و مثابه‌ایست که خامهٔ دوزبان متحمل تحریرشمهٔ ازآن تـواندگردید امید کـه مسبب حقیقی وسیلهٔ‌که متضمن‌حصول‌آن‌مطلب‌عظمی بوده‌باشدعنقریب‌روزی و نصیب‌کناد بحق محمدوآله‌الامجاد بعدازبیان حکایت شوق‌آرزومندی واظهارمراتب خصوصیت‌ویك‌ـ جهتی مشهودرای‌قمرانجلامیگرداندکه‌چون دریندولاسیادت و نجابت‌پناه عوالی‌آثاری میر نظاماعلیّا بجهت عرض وانجام بعضی مطالب ومدعیّات متـوجه اردوی‌کیهـان‌پوی گردیده متوقع است‌که بنحوی‌که نتایج مکارم افعال ومآثرذات محاسن‌آمال است در مراتب‌اعانت ومظاهرت‌ملازمان‌امقرر‌فرمایند که‌بعون‌عنایت‌وحسن‌حمایت‌مومی‌الیه‌را مشمول‌ذرّه‌پروری ومحمول‌احسان‌گستری‌شمرده‌گوشهٔ خاطرازآن . . . دریغ‌نفرمایند که‌بیمن توجهات شاهانه مبتهج گردد چون‌یقین‌بودکه درباب ازدیاد مخالطت‌واستحکام روابط مخالصت کوشیده مفتح‌ابواب مراسلت‌خواهدبود مترقب‌است‌که‌ازارجاع‌خدمات معینه و ابلاغ مرجوعات مبینه خودرا معاف‌ندارند .

کتابت

همواره ظلال عواطف واقبال وشادروان مواهب و اجلال‌بندگان سموالمکان منیع ـ الشأن‌عالیحضرت‌گرامی رتبت‌سامی‌درجت‌پسندیده‌وستوده خصلت‌مکارم و مجامد جبلّت ابهت وکرامت واقبال‌پناه شهامت ومناعت و اجلال‌دستگاه عطوفت ورأفت وفتوت‌خصال محمدت و موهبت ومحاسن فعال رضیةالاخلاق مرضیةالاشفاق رفیعمقدار بلنـداقتدار کریم‌العزّ والوقار عالیجاهی مقـرب الحضـرت‌العلیة‌العالیة خاقـانی ذوی‌الاجـلال والاعتدال‌مستخدم‌الاشراف‌والعطایا(؟) برفرق خواص وعوام ورؤس‌جمهوروانام‌گسترده غباری‌ازنهج‌حادثات ازمنه واعصاروشرری ازنوایرعارضات لیل‌ونهار بمخایل بزرگی‌و

بلنداقتداری و نواحی سر بلندی راهبر نگشته مقضی المرام درحفظ حمایت ملك وهّاب و حصن حـراست رب الارباب باشند بفضله و عنایته مجدداً بوسیلهٔ ارسال صحیفهٔ اخلاص مصدع اوقات فرخنده ساعات بندگان عالیحضرت سامی رتبت متعالی منزلت ایـالت و شوکت واقبال پناه حشمت وعظمت و جلالت دستگاه نصفت ومعدلـت ومکرمت انتباه شهامت وبسالت اکتناه محبت ومودت آگاه اشفاق والطاف شعار محمدت ومنقبت اطوار عالیجاهی مؤمن الدولة العلیة العالیة الخاقانی والاشانی منبع القدر والمکانـی کثیر الجـود والاحسانی گردیده مرفوع رای مهرانجلا میگردانند که قبل از ین حقیقت بعضی اخبار سانحهٔ اینحدود آمدن ریش سفیدان وادن بیکیان تکه و گرایلی سالور راکه رفعت پناه قنبر علی بیگ تالیق علی ایلی واسطه بود بپایهٔ سریر خلافت مصیر عرضه داشت نموده بـود درینوقت نیز عریضهٔ مشتمل بر آمدن منگلی سلطان . . . . تکه و اخبار اورگنج که مشارالیهما تحقیق نموده مذکور ساختند بدرگاه خلایق پناه فرستاد که انشاءالله مضامین آن درمجلس بهشت آئین بسمع عالی خواهد رسید ملتمس ازمکارم اخلاق چنانست که درحصول مطالب مخلص توجه والتفاتی که مستلزم ذات با برکاتست دریـغ نداشته ازحواشی خاطر انورمحو نفرمایند وتازمان ادراك شرف ملازمت سامی هرگونه خدمتی ورجوعی که درتمشیت وانجام آن شرایط اخلاص ویکجهتی بظهوررسانند چون غرض ظاهر ومنحر بود زیاده جرأت اطالت ننمود ایام ایالت وشوکت وعزت بماناد بالنبی وآله الامجاد .

عریضه

عرضه داشت کمترین غلامان محراب بذروهٔ عرض حجّاب درگاه عرش اشتباه میرساند که درینولا امارت پناه قنبر علی سلطان آملی بعدازمعاودت ازدرگاه خلایق پناه بصدقهٔ فرق مبارك اشرف اقدس ارفع همیون اعلی که جانهای ماغلامان قربان نام نامیش بـاد گردید

چون رفعت‌پناه‌پهلوان‌قلی بیگ برادرمرحوم‌مزبورقابلیت‌وشایستگی آن داردکه‌مشمول شفقت وعنایت بیغایت ولی نعمت گردیده‌بجای برادرمنصوب ومتمکن بوده‌ازروی‌اطمینان قلب دربنحدود بخدمات وجانفشانی قیام نماید واین معنی مقرون بصلاح دولت روز- افزون وباعث ازدیاد اعتقاد وامیدواری ترکمانان وظهورخدمات وجانسپاری آنجماعت است لهذا واجب ولازم دیدکه بموقف عرض باریافتگان سرادقات‌جاه وجلال رساند امره‌اعلی.

کتابت

شوق صحبت موفورالمسرت خدّام رفعت و معالی‌پناه قابلیت وکمالات انتباه محمدت و مکرمت اکتناه خلّت وصداقت‌آگاه محبت ومودّت شعارمرضیةالاطواری تاجاً للرفعة والمحمدةوالمکرمةوالعزّوالمعالی‌قاضی‌حسنازیدقدره‌نه‌بدرجه ومثابه‌ٔاست که در حیّز بیان‌امکان‌گنجائی‌داشته‌باشد صدق‌این‌معنی‌را رجوع بوجدان ضمیر عکس‌پذیر نموده منهی رای عطوفت اقتضا میگرداندکه دربنوقت بوضوح محبت‌که عالیحضرت ستوده- خصلت ایالت و شوکت‌پناه عظمت و جلالت‌دستگاه عالیجاهی نظاماً للایاله والشوکة والجلالة والاقبال دوست‌علی‌خانارا باغوای بیگلربیگی هراة بدرگاه خلایق‌پناه طلب فرموده‌اند عالیجاه بیگلربیگی معظم‌الیه‌بنابرعناد وعداوت دربنوقت‌کمال خفّت و بی- اعتباری نسبت‌بمنسوبان عالیحضرت معزی‌الیه‌که درمشهدمقدس معلّی بوداند رسانیده بدستوردرمقام‌آنندکه‌بیشترخفت‌میرسانیده‌باشند چنانچه خدام‌والامقام رفعت ومعالی‌و اقبال‌پناه عالیقدری اخوی نظاماً للرفعة والعزّوالتمکین محب‌علی‌بیگا حقیقت سلوك ایشانرا حسب‌الواقع بخدمت اظهارخواهد نمود و چون فیمابین محب وعالیحضرت مشارالیه طریقهٔ الفت واتحاد ویگانگی بمرتبه‌ایست که مغایرت وجدائی بهیچوجه منظورنیست لهذاکتابتی دربنموادبخدمت‌بندگان نواب مستطاب‌فلکجناب معلی‌القاب

خورشیدقباب عالیجاه وزارت وعظمت وشوکت‌پناه امیدگاهی صاحبی نوشته ارسال گردانید توقع آنکه درمحل مرغوب بنظر آنعالیجادرسانیده درینمواد شرایط محبت‌و اتحاد رابظهور آورندکه محب ازین معنی بسیارممنون خواهدبود زیاده مبالغه واطناب ننموده‌مترصداست‌که‌تا اوان‌ادراك ملاقات‌گرامی همیشه ازچگونگی احوال خیرمآل مخبروبرجوع خدمات مسرورسازند تاحسب‌المرام بعنایت‌الله‌تعالی صورت انجام‌یابد.

[فرمان برقراری مبلغ چهار تومان وهفت‌هزارو پانصدوهفتادو شش‌دینارو چهاردانگ‌و نیم‌از بابت مالوجهات ووجوهات محال ضمن استراباد برای استاد محمدتقی تیرگر]

فرمان همیون شد آنکه درینوقت بنابرعنایت بیغایت شاهانه دربارهٔ رفعت‌مآب استاد محمدتقی تیرگر ازابتداء چهارماههٔ یونت‌ئیل مبلغ چهار تومان وهفت‌هزارو پانصدو شش‌دینار وچهاردانگ‌ونیم ازبابت مالوجهات ووجوهات محال مذکورهٔ ضمن استرابادکه به‌تیول‌ومواجب‌همه‌سالهٔ‌مرحوم‌حاجی‌محمدتقی‌تیرگرولدحیدربیگ‌استرابادی مقرربوده وبعدازفوت‌مرحوم‌مزبورازابتداءئیلان‌ئیل بهمه‌سالهٔ یوسف‌زرنشانگرو غیرهٔ عملهٔ قورخانه برینموجب مقررشده‌بود بدستورتیول همه‌سالهٔ رفعت‌پناه مشارالیه شفقت ومرحمت‌فرموده ارزانی داشتیم رعایاءمحال‌مزبورهٔ ضمن مومی‌الیه را ازتاریخ مذکورتیولدار وهمه‌ساله‌دارخوددانسته سال‌بسال‌مالوجهات وحقوق‌دیوانی رسدتیول‌و همه سالهٔ اورا موافق دستورالعمل دیوان واصل ساختهٔ چیزی موقوف ندارندوقضایاء سانحهٔ محل تیول‌راسوی قضیهٔ خون . . . . که‌بفیصل‌رسانند وزراء وعمال وحکام و تیولداران ومتصدیان‌مهمات دیوان خراسان خصوصاً حکام‌وتیولداران ولایت‌استراباد بهیچوجه من‌الوجوه‌بخلاف‌حکم وحساب‌دخل درمحل‌تیول وهمه‌سالهٔ‌مشارالیه ننموده قلم و قدم کوتاه وکشیده دارند وبعلت مالوجهات ووجوهات ومنافع تیولداری وفرع

تحصیلداری ورسوم داروغگی وپرسش قضایا سوی قضیّهٔ خون‌که بدیوان متعلق است و اخراجات مسدودةالابواب ازعلفه وعلوفه‌والام والاغ وبیگاروشکاروطرح‌ودست‌اندازو پیشکش وسلامانه وعیدی ونوروزی وسایر تکالیف خلاف‌حکم وحساب بمراسم ورسم که‌بوده‌باشد طلب وتوقعی ننمایند درین‌باب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد نطلبند و درعهده شناسند .

[حکم انتصاب محمدزمان ولد ابراهیم به کلانتـری جماعت فیوج‌الکاء استراباد ازابتداء قوی‌ئیل]

چون پیوسته صاحبان دین ودولت ومالکان ملك وملّت زمـام مهام جمهورانام وکـافهٔ خواص وعوام رادرکف‌کفایت کارآگاهان‌پسندیده وکاردیده‌واگذاشته‌اندتاامورجزوو کل منتظم و مهام خاص و عام مرتسم‌باشد لهذا بنابرتوجه خاطرعالی دربارهٔ سعادت و عزت‌آثار زبدةالعشایرمحمدزمان ولدابراهیم‌که‌باوجود حداثت سن‌آثـار فهمیدگی و کاردانی ازناصیهٔ احوال اوهویدا وازچهرهٔ‌آمال اوپیداست ازابتداء قوی‌ئیل کلانتری جماعت فیوج‌الکاء استراباد رابمشارالیه مفوض ومرجوع شدکه بواجبی بامرمزبورو لوازم‌آن قیام واقدام‌نموده بنحوی باجماعت مزبوره سلوك نمایدکه‌باعث تحصیل‌دعای خیر بجهة ذات اقدس بندگان ولینعمت‌عالمیان که جان جهانیان فدای سم ستورانش باد و سبب رفاهیت جماعت مزبوره بوده‌باشد کدخدایان وریش‌سفیدان‌جماعت‌مزبوره مشارالیه را من‌حیث‌الانفرادکلانترخود دانسته ازسخن وصلاح حسابی اوکه درهرباب گوید تجاوزننمایند وتوجیه وتخصیص‌که درمیانهٔ ایشان واقع شودموافق‌قانون حساب ازقرارتجویز اومعتبردانند ورسوم مقررمعمول امرمزبور راسال‌بسال واصـل مشارالیه گردانند ودرین‌باب قدغن دانسته هرساله رقم مجدد نطلبند وچون رقم بمهرعالی رسد اعتمادنمایند .

[حکم انتصاب مشهدقلی بیگ ریش‌سفید غازیان ینگجری نرلو از ابتداء چهارماههٔ یونت‌ئیل به ترخانی مجلس عالی]

مقرراست که چون‌مسندآرایان بارگاه‌شوکت واقبال واورنگ‌پیرایان سراپردهٔ عظمت‌و اجلال در محفل عیش ونشاط ومجلس فرح وانبساط شاهد مرغوب‌نظر فیض‌اسلوب را بجلوه درآورده هریك ازلطیفه‌گویان‌شیرین‌مقال وبذله‌سنجان رنگین‌خصال رامشغول سخن‌سازی وسرگرم‌نکته‌پردازی دیده‌اند روضهٔ آمال و آمانی وحدیقهٔ‌عیش وکامرانی اورا بباران سحاب مرحمت‌وتربیت آفتاب‌مکرمت‌سرسبزوبرومندگردانیده ازنسیم‌لطف‌و احسان و شمیم جود وامتنان چون‌گل درتبسم وچون‌بلبل درترنم داشته‌اند لهذا بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت ومعالی‌پناه زبدةالاماثل‌والاقران مشهدقلی بیگ‌ریش‌-سفید غازیـان ینگجری‌نرلو که ماصدق این مقال نامه‌ایست‌بنام او وجامه‌ایست بـر اندام اواز ابتداء چهارماههٔ یونت‌ئیل ترخانی مجلس‌عالی ومحفل متعالـی بمشارالیه مرجوع ومواجب اوبمبلغ ده‌تومان خراسانی اصلاً واضافه بریـنموجب مقررشد غازیان نصرت‌نشان وغلامان‌وتفنگچیان ظفرتوأمان وسایرملازمان وقاطبهٔ‌منسوبان‌سرکارعالی مشارالیه رابصفت مزبور موصوف شناسند.

[دستور تحریر حکم انتصاب تحویلدار مالومنال]

مقرراست که‌بنابرراستی وکم‌طمعی وکـاردانی فلان در معاملهٔ قوی‌ئیل تحویلـداری مالومنال فلان محل بمومی‌الیه مفوض و مرجوع شد که بلوازم آن قیام واقدام نماید کدخدایان‌وصاحب‌نهران وزارعان‌آنجا رفعت‌پناه مومی‌الیه راتحویلدارمالومنال سنهٔ مزبورهٔ خوددانسته نوشتجات بمهر مومی‌الیه را معتبر دانسته مهمسازی نمایند طریقهٔ رفعت‌پناه مومی‌الیه آنکه موافق طومار ضبط بحقیقت مـالیهٔ هـر یك از زارعـان و

صاحب‌نهران بوقوف صاحب‌نهر رسیده حسب‌الواقع آنچه متوجه رعایا وزارعان بوده باشد تنخواه ارباب‌طلب‌نماید و نوعی نمایدکه زیادتی بر احدی اززارعان نشده تحصیل دعای خیرجهت ذات اقدس ارفع همیون‌اعلی حاصل‌شود مستوفی وکتاب سرکارعالی حسب‌المسطورمقرردانسته بعدازتنقیح محاسبهٔ‌جز وزارعان اسناد ونوشتجات دفتری را تحویلدار مزبوربدفترخانهٔ سرکارعالی آورده محاسبهٔ خودرا مشخص نماید ودرعهده شناسد .

[عرضه داشت میرزین‌العابدین دربارهٔ قریهٔ گرزانکلاته که از قرارهست وبود با اوعمل شود]

مقرراست‌که چون دراینوقت‌سیادت‌پناه میرزین‌العابدین‌بعرض رسانیدکه مواضع‌عبد‌الکریم مشهور بقریهٔ گرزانکلاته ملك اوست ومحصول‌آن وفا بمالوجهات نمیکند و استدعا نمودکه ازقرارهست وبودبا اوعمل‌شود وبرطبق عرض واستدعاء خودپروانچهٔ مطاعهٔ خاقان فردوس مکانی‌علیین‌آشیانی که‌بتاریخ شهررجب ۱۰۳۸ باسم مرحوم خسروخان‌حاکم‌استراباد عزّصدوریافته ابرازنمودخلاصهٔ‌مضمون‌آنکه هرگاه ملك‌قریهٔ مزبوره از عهدهٔ جمع قانون‌خود بیرون‌نیاید ازقرارهست وبودبااوعمل نمایند وتفاوت جمع‌قانونی الی‌مدت‌هست‌و بود رامنظورندارند وادعا نمودکه پروانچهٔ مزبوره بامضاء مبارك اشرف‌اقدس رسیده وازتصدیق اوارجه‌نویس سرکار عالی مستفاد شدکه درایام حکومت عالیجاه قولارآقاسی از قرارهست و بودبااو عمل شده بنابروقوع مقدمات مذکوره مقررداشت‌که ازابتداء سه‌ماههٔ یونت‌ئیل مالومنال قریهٔ مزبوره راسال بسال ضبط وموافق‌هست‌وبود رسد دیوان راباز یافت‌نماید مستوفی وکتاب سرکارعالی‌حسب‌المسطورمقرردانسته درعهده شناسند .

[حکم انتصاب ارس بیگ زیادلو ـ قورچی تیروکمان ـ به داروغگی احداث وضبط مالیۀ فیوج دارالمؤمنین استراباد و مایتعلق بها]

مقرراست که بنابرظهورکاردانی رفعت ومعالی پناه ارس بیگ زیادلو قورچی تیروکمان درمعاملۀ قوی ئیل داروغگی احداث وضبط مالیۀفیوج دارالمؤمنین استراباد ومایتعلق بها بمشارالیه مرجوع شد که بلوازم امر مزبور قیام و اقدام نموده مالیۀ مقرر معمول مستمر فیوج را موافق مأخون دستورالعمل سابق ضبط و بازیافت و ازجمله حاصل داروغگی مزبور مبلغ پانزده تومان خراسانی دروجه انعام خود . . . .[1] مشخصه بر اسامی هرطایفه وقدر آنچه بهمه جهت موافق مأخون معمول مستمر از ایشان بازیافت خواهد نمود در آخر سال بدفترخانۀ سرکار عالی آورد کدخدایان و ریش سفیدان و غیرۀ جماعت فیوج رفعت ومعالی پناه مومی الیه را داروغه وضابط متوجهات سنۀ مزبوره خود دانسته آنچه موافق مأخون معمول ومتوجه هر یك بوده باشد بقبض مشارالیه مهمسازی نمایند وقضایایی که درمیانۀ ایشان سانح شود سوی قضایای اربعه بمشارالیه رفع نمایندکه بعداز پرسش جریمۀ فراخور جرم وقدر استطاعت مجرم بازیافت نماید مستوفی و کتاب سرکار عالی حسب المسطور مقرر دانسته از حاصل داروغگی و مالیۀ فیوج مبلغ پانزده تومان خراسانی دروجه انعام مشارالیه و تتمه را ابوابجمع وتنخواه ارباب حوالات نمایند داروغگان وکلانتران هرمحل مجال تمرد احدی را ندهند ودر عهده شناسند و چون رقم بمهر عالی رسد اعتبار و اعتماد نمایند .

۱ـ دوسه کلمه ازمتن محو شده است .

[دستور تحریر اسناد مبایعهٔ شرعی]

الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرم الغصب والربوا وصلی الله علی سیدالوری محمد و آله مصابیح الدجی وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا اما بعد باعث ازین تحریر سطور شرعیة القواعد والاحکام آنست که بفروخت به بیع بات ثابت جازم لازم صحیح شرعی قطعی یکبارگی در حال صحت نفس و ثبات عقل اختیاراً لااجباراً و اکراهاً جناب زید بـه عمرو همگی و تمامی کـل یکباب خـانه و سراء سفالپوش معینهٔ واقعهٔ [در محلهٔ] میدان من محلات دارالمؤمنین استراباد که محدوداست بحدود اربعه برینوجه باجمیع مضافات

شـــــــرقیاً غـــــــربیاً جنـــــــوبیاً شمـــــــالیاً

که پیوستهٔ ملك فلان متصل بملك فـلان ملحق بملك فـلان ملصق بملك فلان

و منسوبات آن ازآبگذر وراهگذر و اشجار وجدار وحوض وانبار و مطبخ وطویله و غیرذلك از هرچه ملکیت را سزد وشاید من القلیل والکثیر والنقیر والقطمیر مماذکر فیه اولم یذکـر و سطرفیه اولم یسطر بثمن مقررمعین یوم البیع المبلغ فلان نصفه فـلان بخرید مشتری مذکور همگی وتمامی مبیع محدودموصوف مذکور رابثمن مزبور وتمام ثمن را ایفا نمود و بایع مذکور اخذ و استیفاء تمـام ثمن مسفور نموده مبیع محدود مذکور از ملکیت خود تخلیه نموده بتصرف مشتری مذکور گذاشت ومشتری مشارالیه قبض ملکی وتصرف شرعی نموده باسایراملاك خود منضم گردانید بینهما قبض واقباض و تسلیم وتسلم شرعی دربدلین مذکورین واقع شد ودانسته اسقاط جمیع خیارات نمودند سیّما خیارالغبن ولوکان فاحشاً بیعاً صحیحاً شرعیاً قطعیاً وکان ذلك [فی] شهرفلان.

[دستور تحریر سند اجاره]

باجاره و مقاطعهٔ شرعیه دادند زبدةالاشباه والاقران فلان بفلان همگی و تمامی کـل یکباب خانه و سراء سفالپوش معینهٔ واقعه در محلهٔ فلان کـه محدود است برینوجه شرقیاً پیوستهٔ فلان غربیاً متصل بفلان جنوبیاًملحق بفلان شمالیاًملصق بفلان باجمیع مضافات و منسوبات و ملحقات آن از هرچه ازو انتفاع توان یافت از ابتداء غرهٔ شهر فلان سنهٔ ۱۰۷۷ لغایت مدت یکسال کامل بمبلغ فلان دینارتبریزی مقرر بینهما آنکه مستأجر مذکور وجه اجارهٔ مزبوره را در انتهاء مدت مسفوره [کـارسازی] مـوجر مشارالیه نموده بعذر غیرشرعی‌موقوف و معطل ندارد تحریرا فی‌شهر مذکور فوق .

[دستور تحریر سند بیع‌سلم]

بفروخت به بیع سلم بشرط یکساله و خیار سه روزه زبدةالاشباه فلان بفلان از جنس شالی خوب دنکوب‌پسند بوزن بلـدهالمقدار ده خروار نصفه پنج خـروار و پنج‌مـن بثمن مقررمعین یومالبیع‌المبلغ یکتومان رایج‌تبریز نصفه پنجهزار دینار رایج‌مذکور . . . الشارط المذکور رادرایام خیار سوی مشتری مومی‌الیه مهمسازی نماید مسلط برفسخ بیع بوده باشدوالابیع بات ثبات شرعی بوده محتاج به بیع جدید نبوده باشد . تحریرا فی شهرفلان

[دستور تحریر سند وکالت]

حسبناالله و نعم‌الوکیل نعم‌المولـی ونعم‌النصیر و بعد باعث از تحریر ایـن سطور شرعیة القواعد والارکان آنستکـه وکیل مطلق و نایب مناب محقق خـود گردانید فلان فلان را درباب اخـذ قبض مبلغ یکتومان تبریزی که نمود از فلان طلب دارد

وکیل مزبور اخذ وقبض مبلغ مذکور بعداز ثبوت و لزوم شرعی نموده مبلغ مذکوره را بموکل خود تسلیم نماید و وکیل مزبور مأذون ومرخص است فی جمیع ما یتعلق به الوکالة توکیلاً صحیحاً شرعیاً تحریراً فی شهر فلان.

[دستور تحریر بیع بات]

الحمدلله الذی احل البیع و الشری و حرم الغصب والربوا و صلی الله علی سیدنا محمد و آله النجباء و بعد باعث از تحریر این کلمات شرعیة القواعد و الاحکام آنست که بفروخت به بیع باب ثابت جازم لازم شرعی قطعی جناب فلان بفلان بیکبارگی همگی و تمامی نصف ازکل حق الحفر یکباب قناة دایرۂ جاریه واقعه در چارنای مسکررا که حق الارض اربابی از نصف مذکور موافق . . . .[1] تنخواه مالك داده میشود از پشت و پیشان وغیر ذلك وآنچه انتفاع توان یافت و ملکیت را سزد وشاید مماذکرفیه بثمن مشخص معین یوم البیع المبلغ یکتومان تبریزی نصفه پنجهزار دینار رایج مذکورفضی جدیدالضرب صاحبقرانی خالی ازخلل و عاری از فساد مشتمل برتمام شرایط شرعیه من الایجاب والقبول[2] او را بقبض و الاقباض والتسلیم والتسلم والمعرفة و الردیة و ضمان درك بموجب شریعت مطهرۂ منوره ثابت و محکوم به است و از غبن الفاحش اوالافحش ابراکرد وتبرّا نمود وتمام ثمن درحین عقد مبایعه نقداً واصل بایع مذکور شد وملك مذکور را ازملکیت خودتخلیه نموده بتصرف شرعی مشتری[مشار]الیه داد و او تصرف شرعی و قبض ملکی نموده با سایر املاك خود منضم گردانید بیعاً صحیحاً شرعیاً قطعیاً وکان ذلك .

۱ــ دوسه کلمه درمتن محو شده است .　　۲ــ ظاهراً افتادگی دارد .

[دستور تحریرسند واگذاری اجارهٔ مالومنال نقدی و جنسی قریه‌ای ازقرای خالصه]

بعداز آنکه رفعت‌پناهان ملك‌شاهقدم میان‌بلوکی و دوراق‌خان آقاء قزانجیلو ودمقلی آقـاء وعلیقلی‌آقاء حاجیلر ازخدمت وکلاء نواب مستطاب‌خانی عظیم‌الشانی‌استدعای استیجار مالومنال نقدی و جنسی قریهٔ جهانما و غیـرهٔ محال خالصهٔ میان‌بلوك نموده بودندوحسب‌الامر العالی برطبق‌تصدیق اوارجه‌نویس سرکارعالی مالومنال‌قریهٔ‌جهانما و غیرهٔ محال خالصهٔ مذکوره بمبلغ بیست‌وچهارتومان وفلان دینار نقد خراسانی‌وموازی یکهزار و پنجاه و پنج خروار اجناس بوزن بلده و سه من ابریشم بوزن سمسارباجارهٔ مشارالیهم مقرر شد که‌کتاب سرکارعالی بعداز اخذتمسك معتبرشرطنامچه بقیودلازمه نویسند .

حاضر شدند رفعت‌پناهان ملك‌شاهقدم میان‌بلوکی و دوراق‌خان آقاء قزانجیلو ودمقلی آقاء و علیقلی‌آقاء حاجیلر و قبول اجارهٔ مالومنال نقدی و جنسی قریهٔ جهانما وغیره بشرح فوق بمدت سه سال که عبارت از قوی‌ئیل و پیچی‌ئیل و تخاقوی‌ئیل بوده باشد بمبلغ بیست‌و چهار تومان و فلان دینار نقـد خراسانی و موازی فلان خروار اجناس بوزن بلده وفلان من ابریشم بوزن سمسار نمودند که سال بسال وجه اجاره راتنخواه ارباب حوالات نموده موقوف ندارند و هر یك از مشارالیهم‌که حی‌وحاضر بوده‌باشند از عهدهٔ کل وجه اجاره بیرون آمده چیزی بعلت رسد غیبت و متوفی موقوف و معطل ندارند ودر ضمن‌العقد شرط شرعی نمودندکه بارعایا وزارعین موافق مأخوذ ومعمول سنواة نموده رسم محدث جایز ندارند .

[دستور تحریر قبول اجارهٔ شارع نردبان]

بعداز آنکه رفعت‌پناه محمود ولد رستمعلی و سلیمان ولد حسنعلی چناشکی تابینان رفعت و معالی‌پناه صفی‌قلی‌بیگ‌یوزباشی ملازمان چناشکی ازخدمت وکلاء اجلای نواب‌مستطاب خدایگانی استدعای استیجار وجوه شارع‌نردبان نموده بودند وحسب‌الامرالعالی برطبق تصدیق اوارجه‌نویس سرکارعالی وجوه شارع مزبور بمبلغ هشتاد تومان خراسانی موافق‌اجارهٔ یونت‌ئیل پهلوان عباس وغیره تفنگچیان چناشکی‌بمبلغ چهار تومان خراسانی باجارهٔ مومی‌الیه مقرر شد کـه بعداز اخذتمسك معتبر بضامنی یوزباشی شرطنامچه بقیود لازمه نویسند .

حاضرشدند مومی‌الیهما وقبول وجه اجارهٔ شارع مذکوربمبلغ هشتاد تومان خراسانی درسنهٔ قوی‌ئیل نمودندکه در عرض یکسال بموجب حوالهٔ وکلاء سرکارعالی‌مهمسازی نمایند و هریك از مستأجران مذکور حاضـر باشند از عهدهٔ وجه اجاره بیرون آیند بعلت رسد غیبت چیـزی‌موقوف ندارند و رفعت و معـالی‌پناه صفی‌قلی‌بیگ‌چناشکی ضامن وجه اجاره شده بصیغهٔ شرعیه تلفظ نمود ضامن شرعی.[۱]

[تعیین وظیفه برای شیخ محمداءانصاری استرابادی]

وظیفهٔ افادت و افاضت‌پناه فضیلت وکمالات‌دستگاه نتیجةالمشایخ الکرام شمساً للافادة والافاضة شیخ محمداءانصاری استرابادی که حسب‌الفرمان نـواب خاقان خلدآشیان صاحبقرانی‌مورخه بتاریخ شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۰۲۷ ازبابت مالوجهات محال‌رعیتی دارالمؤمنین استراباد بتغییر تیول بیگلربیگی در وجه مشارالیه مقررگشته بقیدآنکه

۱ــ دستور تحریر این سند ناقص رونویس شده است و از متن افتاده است .

سال‌بسال وجه مزبور را بلاقصورواصل وعوض‌آن‌ازبابت وجوه چوپان‌بیگی سبزوار و اسفراین بازیافت شود و درینولا حسب‌الامرالعالی از قـرار نوشتهٔ وزارت و رفعت و معالی‌پناه آصفی‌دستوری برطبق سواد پروانچهٔ مبارك اشرف وقبض برضمن واستدعای مؤظف مزبور تنخواه داده میشود وسند در سرکار اوارجه ضبط است .

[حکم داروغگی محل فندرسك جهت عوض‌خان‌بیگ نجرلو]

مقرراست که بنابر توجه خاطر عالی دربارهٔ رفعت و معالی‌پناه عوض‌خان‌بیگ نجرلو در معاملهٔ قـوی‌ئیل داروغگـی محل فندرسك برفعت ومعالی‌پناه مومی‌الیه مفوض و مرجوع شد که بلوازم آن قیام و اقدام نماید اربابان ورعـایای محل مذکور رفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه را من‌حیث‌الاستقلال والانفراد داروغهٔ خود دانسته قضایائی‌که در میانهٔ ایشان سانح شود [سوی] قضایای اربعه برفعت و معالی‌پناه مومی‌الیه یا بداروغهٔ مومی‌الیه رفع نمایند که در حضور اربابان آنجا موافق حق و حساب پـرسش نموده بعداز ثبوت ولـزوم گناه استطاعت مجرم بازیافت نمایند طـریقهٔ رفعت و معـالی‌پناه مشارالیه آنکه در پرسش احداث رعـایت رضـای الهی و تحصیل دعـای خیرجهت ولینعمت حقیقی نموده ازجملهٔ سی‌وسه تومان و هشت هزار و هشتصد دینار خراسانی حاصل داروغگی‌مبلغ شانزده‌تومان خراسانی بموجب‌بروات دفتری دروجه‌انعام‌جماعت مـذکورهٔ ذیـل رسانیده تتمه‌که مبلغ شانزده تـومان و هشت هزار و هشتصد دینـار خراسانیست دروجه انعام خود مقرر دانسته برینموجب مـذکورات بهمرسانیده بنظر وکلاء عالی رساند والا وجه مزبوره ابوابجمع و تنخواه ارباب حوالات شود ودرآخر سال‌نسخهٔ منقّحهٔ مشخصه برعملکرد وحـاصل داروغگی بمهراربابان در دست داشته بحضور یا بدفترخانهٔ سرکار عالی آورده کـه هرگاه زیاده از وجه مقطعی حاصل شده

باشد موافق مضمون حکم جهانمطاع که درآن باب صادر شده بعمل وآنچه از حیوانات غایبی در مسفور بهمرسد بخدمت عالیقدر نایب سرکارعالی فرستد که هرگاه صاحبان بهمرسند بدیشان سپرده شود و چنانچه ظاهر شود که چیزی از حیوانات غایبی را تصرف نموده باشند طلب و بازخواست آن خواهد و کتاب سرکار عالی حسب‌المسطور مقرر دانسته در دفاتر ثبت یا عملنمایند و چون رقم بمهرعالی رسد اعتبار و اعتماد نمایند و در عهده شناسند.

نمیدانم که روزگار ناپایدار و دوران ستمکار بامن بیقرار خاکسار پریشان‌روزگار دور از یارو دیار چکار دارد که هرلحظه از آتش مفارقت احباب داغی برسویدای دل دردمند و هر لمحه از رهگذر . . . . بوصول اسباب باری بردوش خاطر مستمند میگذارد ونه بیداد ایام را نهایتی و نه حالت شکری ونه یارای شکایتی خدمات چون عبادت اصنام جامده و تعظیمات چون رکوع در حالت قیام زایده باری‌الله یار وعلی یاورت باد الهی از خدا خواهد نجاتی در هنگامی که روانهٔ صوب مقصود بودند مقرر داشتند که بنده بخدمت ایشان قیام نماید و رسومات ایشانرا خود متصرف شود قبل‌ازین در چهار باغ . . . . . آنجناب را از بنده بازیافت وبرآن صوب ارسال فرمودند چون اوضاع را میدانند هرگاه اراده دارندکه بنده بخدمت ایشان‌مشغول باشد دوکلمه درباب رسومات چنانچه درایام‌حضور فرموده بودند قلمی وارسال‌دارندو اگر نحوی دیگر بخاطر میرسد در باب خدمت معلومه باسم هرکه خواهند نوشته ارسال گردانند که بخدمت مزبوره قیام نمایند گمان نرسید باآنکه تیرآه ازگردون گذشت مدتیست که از احوال سلامتی‌آن عزیز خبر ندارم بوسیلهٔ اظهار اخلاصمندی خود را مذکور بحرمقاطرراه یافتگان محفل سامی گردانیده پیوسته . . . . . حشمت جلالت دستگاه . . . . . . دارالمؤمنین‌استراباد بعنایت‌شاهانه سرافرازگشته بدانندکه

قادر بحق وکـریم مطلق جلت آلائه و عمت نعماءهٔ بمقتضای حکمت بـالغه و عنایت شامله تشنه‌لبان بادیهٔ امکانـی یعنی . . . . . . مرتبهٔ رفیع‌الشانی انسانی را بی‌سابقهٔ استحقاقـی از تیه نیستی وظلمات عـدم بمعمورهٔ هستی و شهرستان بشریت رسانیـده آب حیات برایشان پیموده و ابواب معرفت از اعطای حواس بر چهرهٔ . . . . گشوده در خلـوت هردل و کاخ هـردماغ از نـور عقل چراغی که مقتبس ازانوار آلیست افروخته وخلایق را طریق صیانت این شمع خردضیاء آموخته بنت‌العنب را که‌ام‌الخبائث لقب داردبنابر محرمی بیت‌المعمور دلو دماغ انگشت‌نما ساخته و پردگیان از غیوب مکتومه‌اش بتحریك انفاس و حـی‌اساس سیدالمرسلین و خاتم‌النبیّین‌خلاصة‌الماء والطین‌انداخته بنابرین طریقهٔ انیقهٔ سلاطین‌عدالت‌گزین و پادشاهان شریعت‌آئین آنست که بفحوای طینت حضرت رحمن و پاسبانی شعور ملل‌ـ وادیان افراد انسان را که درظل‌حمایت ایشان‌آسودگی دارند هرچه موجب خسران دارین و نقصان نشأتین بـوده باشد . . . نمایند وچـون ذات کامـل‌الصفات نواب کامیاب همیون ما ازنور نبوت و ولایت منشعب‌گشته بر ذمت همت خداشناس بیشتراز سایر شاهنشاهان واجب و لازم است[۱] که دررعایت این امر اهم باقصی‌الغایاتش . . . . .
. . . .

و هدایت توفیق ربّانی مقرر فرمودیم‌که من بعد همگی مسکرات خصوصاً ثالث عنقا و کیمیا بوده در هیچیك ازمداین و امصار وقری اثری از آثـار آن مطرود کردگار و رسول مختار وآل اطهار نبوده باشد می‌بایدکه درشکستن خمها وریختن شراب قدغن سکان آنجا از ارتکاب آن سعی موفور بظهور رسانیده هریك از اجامره و اوباش و غیرهم که مرتکب این امرشود آن شخص را بنوعی تنبیه و سیاست نماید که موجب

۱ــ متنی آشفته و پریشان است .

عبرت سایر متمردین بوده باشد و مقرر دارد که امراء تابین آن عالیجاه نیـز بشرح مسطور عملنماید و درین باب قدغن عظیم لازم دانسته در عهده شناسند .

[قسمتی از دستوری که به جعفرقلی‌آقا حـاکم استراباد داده شده است]

حکم جهانمطاع شد آنکه ایالت وشوکت‌پناه حشمت وجلالت‌دستگاه عالیجاه‌قواماً للایالة والشوکة والاقبال جعفرقلیخان حاکم استراباد بتوجهات شاهانه سرافراز گشته بداند کـه چون سنت سنیه و طریقهٔ مرضیه سلاطین‌جم . . . . . این سلسلهٔ علیه آن بود که درحین جلوس براورنگ سلطنت والاواتکاء برچهار بالش‌کبری‌که درحقیقت نوروز فیروز عالمیان و بهار عالم‌افـروز پیر و جوانست لباس نام نامی و اسم سامی‌را مـانند رخت نوروزی تجدید فرموده‌اند و اینمعنی درخـاطـر والا وضمیرآسمان‌سا مذکور بـود تادرین هنگام که آفتاب جهان‌تاب ببرج حمل تحویل نموده و ابـواب شکفتگی وانبساط برروی خلوت‌نشینان اکناف اکمام گشوده زمین و آسمان .... چون ازلباس....آمیز مبراست امیدکه بدوستکامی مقرر باد بعدازطی‌وادی‌بندگی مشهود رای خورشیدضیاء میگردانند که درباب سید میرزا جان متولی دامغانی که‌در زمان حضور عالیحضرت گرگین بیکا سفارش فرموده بودند بنده همه وقت محصل بوده درینوقت که نواب عالی بدامغان تشریف‌آورده بـودند بزیارت آستانه رفته درآنجا سید اظهارشده‌بود موازی سه خروار گندم بوظیفهٔ همه سالهٔ مومی‌الیه شفقت فرموديم استدعا چنان است‌که‌مخلص خود را ازگوشهٔ خاطر الطاف‌مآثر محو نفرموده خدماتی که ملازمان ذی‌شان رابنده باایشان‌روی‌دهد اشارهٔ عالی‌دریغ نفرمایند ظل‌ظلیل‌ابدی التظلیل بادعالیحضرت‌غنی‌الاوصافی‌مخدوم‌رازکی‌آقا...ازجملهٔ‌مخلصان‌ومشتاقان‌دانند.

دارائی	الجه	چیت‌قلمکار	قصب،ابرۀزیرجامه	اطلس	مخمل
طاق	عددوثوب	....	عدد	طاق	قد

لندره	لجام	تبرزین	زره	یخدان	یاقوت
ذرع	دست	قبضه	عدد	وقر	قطعه

فیروزه	الماس لعل یاقوت زبرجد	یمنی	کمان‌چله نکرده
قرص	قطعه	عدد	حلقه

کمان‌چله کرده	تیر	قتلار	بانجاق	قمه
قبضه	سهم	.....	عدد	طاق‌فردزوج

هلای	بهلای	باشلق	دملقه	گزکه	کیم‌دونی	سپر
عدد	عدد	عدد	عدد	عدد	ثوب	قبضه

ژرگا	بندق	بنجیقهٔ مرصع	نساج	نباش	تاجه‌بند
عدد	عدد	عدد	بافنده	کاوندهٔقبر	زوج‌فرد

بارانیه	پایند	عوامل	جوارح	صندوق	عدل	کلاه
برشت	عدد	فرد	دست	عدد	....	عدد

مندیل	شال	جبه‌قبا ارخالق	چکمه	پرده	دماغه
عدد	عدد	ثوب	زوج	باب	عدد

قالی	قالیچه	نمدکپنك	پایچی	گوسفند	آهو
فرد	فرد	عدد	....	رأس	رأس

گاوکوهی	قاطراسب	شتر	مرغ وقرقاول	قاز
رأس	رأس	نفر	قطعه	قطعه
تخم	پر برمثل بال‌ودم			
بیضه	اجنحه			

رزاز دنگ‌کوب	لواف	موتاب	دبّاغ	حصّاد
دروگر	غزاز ابریشم فروش			

مکتوب مرغوب مصادقت اسلوبی که‌فلانی بارسال آن مسرت‌افزای دوستی و .... موالات مظاهر گردیده بود از مضمون صداقت مشحون مؤالفت مقرون آن که......... برسلامتی ذات بابرکات بودگلهای نشاط ولالهای انبساط‌ازغنچهٔ دل‌الفت‌حاصل‌صورت شگفتی یافت و قواعد اتحاد ولوازم وداد از نوتازگی پذیرفت ویادبودی که‌ارسال‌داشته بودندرسید خاصه‌دیوان‌خدابرکت‌وافزونی کرامت فرماید طریقهٔ خلّت وارتباط مقتضی آنست که‌پیوسته افتتاح‌ابواب مراسلات فیمابین منظور بوده از احوال‌یکدیگر اطلاع‌و آگاهی حاصل گردد مترقب آنکه این شیوهٔستوده ورویهٔ مرضیّه رامرعی و خلوت قلوب محبت‌اسلوب‌رابلوامع‌شبچراغان گنجینهٔ فطانت‌وذکا منورداشته همواره‌برضریت‌احوال خجسته‌مآل‌آگاهی‌داده مهمات ومرجوعاتی که‌دریتصوب‌باصواب‌روی‌دهدلاتکلفانه‌بمقام انهاء واعلام درآورندکه حسب‌المقدوروالامکان‌صورت انجام یابدباقی‌ایام دوستکامی‌و اقبال‌ونیکنامی‌واجلال بادرج‌حاشیه‌ایکه دررقیمهٔ والا اشعاری شده بودکه‌اگررجوعی درآنصوب باصواب روی دهد باعلام‌آن مبادرت رود بقسمیکه قواعد یگانگی‌منوط و مربوط برآنست که مرجوعاتی که دوستان را اتفاق افتدلاتکلفانه‌بموقف آنها درآورند چنانچه امری داعی این مراتب گردد بدین شیوه اقدام خواهد رفت ذات بابرکات عالیحضرت رفیع‌منزلت ستوده‌خلقت ملکی‌طینت اعاظم ومفاخم‌جاه مناقب ومراسم‌آگاه

عالیقدری رفیع‌لقدروالشانی.... الدولةوالعزوالاقبال فلانی مقرون بتأییدات جناب اقدس الهی و محفوظ توجهات اعلیحضرت سپهرمنزلت نواب شهنشاهی بوده کامیاب مطالب نشأتین وکامروای مقاصد . . . باشند بعد از طی تکلفات و ابتدای قوافل دعوات مصادقت الفت مشهود رای خلّت اقتضا میگردد که چون مدتی بود که از احوال خیرمآل. . . . . وخاطرمودت ذخایرمدام درمقام استطلاع کیفیت حالات سعادت مآب بوده لهذا رفع رقعهٔ فلانی که از خوردسالی همهٔ ایام با این خیرخواه برآمده بود روانهٔ خدمت نمود که . . . . نشان بلوازم خدمت صوری قیام نماید وازجزئیات احوال اگر در مقام استفسار باشد رجوع بعرض و تقریر مشارالیه نمود بزوایداطناب تصدیع نمیدهد ایام و اسباب نیک‌بختی وشادکامی موافق خواهش احبا مقرون بازدیاد مواد شفقت ومرحمت نواب کامیاب ولینعمت حقیقی وقبله‌گاهی بوده خوشحال وفرح بال باشد مشتاق خدمت فیض‌موهبت کامروایی و نیکوسرانجامی دوستان و برادران بختیار را از واهب‌العطیات مسئول است ملازمت باسعادت بروجه مرغوب میسرباد از وصول مکتوب مودت‌اسلوب. . . .مرتبهٔ آشنائی و مراعات درجهٔ خلّت ودوستی ومشعر برصحهٔ مزاج کثیرالابتهاج بوده است انبساط خواطر موالات‌مظاهر و سرمایه نشو و سرور و باعث حصول مسرت و حبور گردید و طریقهٔ آشنائی و مسلک دوستی مختص اینست‌که همواره فاتح‌ابواب مودت ووداد بوده هرگونه مهمی‌که اتفاق‌افتد درضمن اظهاراحوال حاضرین بمقام اعلام و ایضاح درآورد .

[فرمان انتصاب فتحعلی‌خان به‌بیگلر بیگیگری استراباد]

حکم جهانمطاع شد خورشید. . . سپهراعلاجملگی بهمت گردون‌رفعت عدالت‌ـ اقتضا بآسایش عماد وآرامش بلادوسد ثغور اسلام و استعداد عساکرظفرفرجام مصروف

بوده و می‌باشد وحصول اینمرام میمنت فرجام منوط بتعیین جمعی است که قصب‌السبق خدمت از عشایر والکاء بوده نهال قابلیتشان در شارستان عظمت و اجلال این خاندان جلالت واقبال نشو ونما نموده اباً عنجدٍ بخلوص‌داد وحسن‌اعتقاد باین‌درگاه هدایت و ارشاد سعادتیات مهمات ...مراتب‌والا بوده‌باشند آئینهٔ این مقال‌چهره‌گشای صورت احوال مخالصت‌اشتمال‌ایالت وشوکت‌پناه حشمت وجلالت‌دستگاه شمساً للایالة والشوکة والجلالة والاقبال فتحعلی‌خان است بنابرین . . . . مراحم بی‌انتهای شاهانه و قطرهٔ از ابرمدار مکارم بیحدواحصای پادشاهانه نصیب گلشن امانی و آمال عالیجاه مشارالیه فرموده از تاریخ فوت مرحوم محمدخان‌بیگلربیگی‌سابق استراباد که‌ایالت وبیگلر بیگیگری الکاء مذکورسوی ایالت‌خوار وسمنان وتوابع که‌بدستوری با مرحوم مرتضی‌قلی‌خان سعدلو بوده و بایالت و شوکت‌پناه نظاماً للایالة والشوکة ساروخان سعدلو شفقت شده بعالیجاه مومی‌الیه شفقت و مرحمت‌فرموده ارزانی‌داشتیم که بواجبی بحفظ و حراست و نظم ونسق الکاء مزبور وآراستگی قشون ورفع‌اعادی و رفاهیت عباد وامنیت طرق وشوارع وبلاد ورفع قطاع‌الطریق و منع‌اجامره و اوباش‌جام والواط نموده نوعی نماید که همگی وتمامی ....[۱]

۱ـ اکثرمطالب صفحات آخر این متن ناقص وآشفته است و بیشتر آنها هنگام رونویسی افتادگی پیدا کرده و پاره‌ای براثر آب‌دیدگی از میان رفته است .

اسنادی که در تابستان ۱۳۵۲
به‌دست آمد

فرمان - حکم - امر - تعلیقه - عرضه‌داشت

۱

فرمان سلطان محمدبن شاه طهماسب (۹۹۵ - ۹۸۵) مورخ ۹۹۰ ه . ق .

دراین فرمان قریهٔ رستم‌کلاته از اعمال بلوک استرابادرستاق استراباد که ملك متصرف‌فیه خاصه بوده ومال آن به سیورغال و محصول آن به‌وظیفهٔ کمال‌الدین‌حسین- شیخ‌الاسلام استراباد- مقرر بوده به بیع شرعی قطعی درمعاملهٔ پیچی‌ئیل به‌او برگذار شده است .

یا محمد یا علی

[جای مهرسلطان محمد][1]

فرمان همیون شرف‌نفاد یافت آنکه چون همگی‌همت والا وجملگی نیت خورشید اعتلا مصروف ومعطوفست برفاه حال وانجاح امانی وآمال سادات عالیدرجات که‌ثمرهٔ

۱- مهری گلابی شکل که در تاج آن « الله محمد علی » و در حاشیهٔ اطراف دو بیت شعر و در وسط آن « غلام شاه ولایت سلطان محمدبن طهماسب » .

شجرهٔ نبوت و امامت و دوحهٔ ریاض رسالت و ولایت‌اند خصوصاً جمعی که با وجود علو نسب و سمو حسب وزیور صلاح و سداد همیشه اوقات خود را صرف علوم دینیه و معارف تعلیمیه وخیراندیشی مؤمنان نموده پیوسته بدعاگوئی دوام دولت قاهره قیام نموده باشند چون درین اوقات فرخنده ساعات که ایالت و دارایی و حکومت و امیرالامرائی مملکت استراباد و دامغان و بسطام و هزارجریب وآنحدود را بایالت و حکومت پناه شوکت و جلالت دستگاه عالیجاهی عمدةالامرایی مبارزاً للایالة والحکومة والاقبال مرتضی قلیخان پرناك عنایت فرموده‌ایم بعرض رسانید که سیادت ونقابت پناه افادت و افاضت دستگاه عمدةالسادات والاشراف کمالاً للسیادة والافادة والافاضة والدین حسینا شیخ الاسلام استراباد که درمضمار دولتخواهی ومیدان اخلاص و یکجهتی گوی مسابقت از اکفاواقران ربوده مجدداً نهایت خلوص عقیدت وصفای طویت نسبت باین دودمان ولایت نشان بظهور آورده کمال همراهی باخان عالیشان مشارالیه و غازیان ظفر نشان درباب دفع و رفع مخالفان نموده بنابرین شمهٔ از عنایت شاهانه وشرذمه از مرحمت پادشاهانه شامل حال و کافل امانی و آمال سیادت و نقابت پناه مشارالیه فرموده قریهٔ رستم کلاته من اعمال بلوك استراباد رستاق که ملك متصرف فیه خاصهٔ شریفه بود و مال آن بسیورغال ومحصول بوظیفهٔ سیادت و نقابت پناه مومی الیه مقرر بود ببیع شرعی قطعی درمعاملهٔ پیچی ئیل بدو مبیع فرمودیم چنانچه مجلهٔ معتبره بمهر مهرآثار در آن باب علیحده مرقوم و مسطور گردیده سادات عظام کرام دارالمؤمنین مذکور و کلانتران و ارباب کل ولایت استراباد و کدخدایان و رعایا و مزارعان قریهٔ مذکوره سیادت و افادت پناه مشارالیه رامالك مزرعهٔ مزبوره دانسته بملکیت بتصرف او گذارند مستوفیان عظام دیوان اعلی حسب المسطور مقرر دانسته قریهٔ مزبور را باربابی او و در دفاتر ثبت نموده مال آنرا بدستور بسیورغال آن سیادت پناه دردفاتر عملنموده منال آنرا ازجمع اخراج نمایند وقیمت ملك مذکور را از ابتداء پیچی ئیل و مابعدها هرساله موافق

مبلغی که ازمنال و محصول قریهٔ مذکور دروجه وظیفهٔ او مقرر بود اعتبار نموده بخرج حساب نمایند کـه دانسته قیمت ملك مـذکور را بعداز تصرف شرعی درآن بـوظیفهٔ سیادت و نقـابت مشارالیه شفقت فرموده ارزانی داشتیم حکام و عمال و کـلانتران و متصدیان مهمات دیوانی مملکت مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته از فرموده در ـ نگذرند و بعلت مالواخراجات حکمی و استصوابی بهراسم و رسم کـه باشد اطلاق و حوالتی برقریهٔ مزبوره و مزارعان آن ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و قریهٔ مذکوره را ازنتیجهٔ مالواخراجات و وجوهات موضوع ومستثنی دانند وفی‌کل‌الابواب اعزاز و احترام و رعایت و مراقبت سیادت‌پناه مشارالیه و ملازمان وکارکنان ورعایاء اوبجای‌آورده شکروشکایت سیادت‌پناه مشارالیه‌را عظیم مؤثردانند دربنابواب‌قدغن دانسته‌ازفرموده درنگذرند و ازمخالفت‌که موجب مؤاخذه است... نمایند وازجوانب برینجمله روند و حکم مجدد طلب ندارند .

تحریرا فی شهرشعبان‌المعظم

[برحاشیهٔ سمت راست این‌فرمان عبارات زیرنوشته شده است :]

مستوفیان مشارالیهم‌قریهٔ‌مزبوره‌بمبلغ شصت‌تومان رایج‌خراسان‌که بسیادت وافادت‌پناه مشارالیه بیع شده دردفتر جمع نموده بوظیفهٔ آن نقابت‌پناه بموجب متن عملنمایند .

[جای مهر][1]

۱ـ مهری گـرد باسجع :

« دارد مهـر حیدر بـر خلـق پیرو دین   سلطان محمدبن طهماسب‌شاه غازی» ۹۹۱ .

۲

سند مبایعهٔ مورخ ۹۹۲ هـ . ق .

دراین سند وکیل شاه‌سلطان محمدصفوی موسوی حسینی (۹۹۵ - ۹۸۵ هـ . ق .)همگی و تمامی کل قریهٔ موسومه به‌رستم‌کلاته از بلوك استراباد رستاق را به مبلغ شصت‌تومان تبریزی اشرفی یك مثقالی به کمال‌الدین حسین‌بن امیرعبدالرحیم استرابادی به بیع قطع فروخته است .

المظفر سلطان محمد پادشاه الصفوی الموسوی الحسینی

[جای دو مهر][1]

بدایع حمدی که سرابستان ارباب عزت وجلال بنور آن منور و روشن گردد و اراضی قلوب و مزارع جنان ارباب فضل وکمال اززلال افضال آن سرسبز و خرم شود ولوامع شکر که تاج باابتهاج سعادت‌ابدی و خلعت دولت‌سرمدی‌از خزانهٔ رحمت ایزدی درتن سلاطین جهة ترویج دین محمدی پوشاند مالك‌الملکی‌را سزاوار است که ملك او ازو سمت نقصان و زوال مبراست وسلطنت او از وصمت انتقال معرا کریمی‌که از خزانهٔ فضل و مکرمتش مایحتاج هرفقیر و محتاج بیش‌از حاجت داده رحیمی‌که سحاب لطف و مرحمتش تشنه‌لبان بیابان حرمان را از برکهٔ نوال رحمة ایزدی به برکت شفاعت نبوی زلال‌افضال و مرحمت پیش‌از طلب فرستاد و بلبلان خوش‌الحان گلستان محمدتش در سرابستان معرفت ذاتش آوای ثنای لااحصی

۱- مهری گلابی‌شکل که درتاج آن : « الله محمد علی » ودر حاشیه دوبیت شعر ودر وسط آن : « غلام شاه ولایت سلطان محمدبن طهماسب » و زیرآن مهری گرد که کلمهٔ « دیوان » برآن خوانده می‌شود .

ثناء علیك بر کشیده مبارزان میدان فصاحت را در وصف جمالش مجال عبارت تنگ و ساکنان عرصهٔ بلاغت را در تعریف جمالش پای اشارت لنگ

آنجا که کمال کبریای تو بود   عالم نمی از بحر عطای تو بود
مارا چه حد حمد [و] ثنای تو بود   هم‌حمد [و] ثنای تو سزای تو بود

و جواهر زواهر صلوات تحیات نثار مشهد معطر و مرقد منور حضرت سید بشر شفیع روز محشر شمع جمع انبیاء صدر صفهٔ صفا بدر خطهٔ وفا گوهر درج اجتبا اختر برج اصطفا ابوالقاسم محمد مصطفی صلوات‌الله و سلامه علیه و بر آل امامت مآل خورشید مثال آنحضرت که بعصمت وطهارت ازلی مخصوصند و درسرابستان امامت و ولایت کانهن بنیان مرصوص خصوصاً برسلطان الاولیا و برهان الاصفیا مقتدی فرقهٔ اخیار راهنمای زمرهٔ ابرار بلبل خوش‌نوای وسبّح بالعشی والابکار شهسوار معرکهٔ لافتی شهریار مملکت انما شاهنشاه آشیان انت‌منّی بمنزلة هارون من‌موسی ودرشأن امامت او انامدینةالعلم و علی بابها صاحب ولایتی که هرکه تولا بولای اوکرد بمقصود رسید و هرکه از دایرهٔ محبت واطاعت اوانحراف ورزید روی خیروبهبود ندید اعنی علی‌ابن ابی‌طالب علیه‌الصلوة والسلام و بعد غرض ازتحریر این قباله و مقصود از تسطیر این رساله آنست که بفروخت وکیل نواب کامیاب سپهر رکاب اعلی‌حضرت شاه دین‌پناه سایهٔ لطف آله ملك خیل فلك اشتباه فریدون فرّسکندرجاه خسروخواقین نامدار تاج‌بخش سلاطین گردون‌اقتدار السلطان‌ابن السلطان و الخاقان‌ابن‌الخاقان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین عدله و احسانه بجناب سیادت و افاضت‌پناه رفعت ومعالی‌دستگاه افتخارالسادات والنقبا کمالاً لسیادة والافاضةوالنجابة والدین حسینا بن‌سیادت ومغفرت‌پناه امیرعبدالرحیم‌استرابادی تمامی وهمگی کل‌قریهٔ موسومه برستم‌کلاته بلوك استرابادرستاق من‌اعمال استراباد باجمیع توابع و لواحق و مضافات ومنسوبات از اراضی و صحاری آبی و دیمی وکلمایتعلق بذلك ذکر اولم‌یذکر

مستغنی از تحدید و توصیف لغایةالشهرة و نهایةالمعرفة بقیمت معین معلوم قـدر آن مبلغ شصت تومان تبریزی اشرفی یك مثقالی رایج‌الحال نصفه تـأكیداله و تـوضیحاً للمبلغ سی‌تومان موصوف مقبوض وخرید سیادت‌پناه مـومی‌الیه تمامی مبیع مـذکور بمبلغ موصوف و بنیهما عقد مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ جامع‌شرایط ملیه ازایجاب وقبول‌و قبض و اقباض و تسلیم وتسلم و تملیك و تملك جاری و واقع شد و وكیل نواب‌كامیاب اعلی اخذ تمامی ثمن معقود علیه نمود پس بموجب مبایعهٔ مذکوره قریهٔ مذکورحق و ملك سیادت‌پناه مومی‌الیه گردید و مشتری مذکور راست تصرف درآن نمودن هر نوع تصرفی‌که خـواهد واراده نماید کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم واسقـاط جمیع خیـارات سیّماخیار غبن و لوکان فاحشاً نمود .

وکان ذلك فی عشرین شهر شعبان‌المعظم سنه‌اثنی و
تسعین و تسعمایه هجریةالنبویة المصطفویة صح (؟)
[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ سمت راست این سند عبارات زیر است :]

هو ما نطق به‌الکتاب وشهد به‌الخطاب من‌البیع والشری عرض‌علی‌ووضح‌بین‌لدّی‌علی وجه لالعتریه به‌الاشتباه والارتیاب فرتبت علیه مقتضی‌شریعة افضل من‌أوتی‌الحکمة و فصل‌الخطاب و انـاالعبدالداعی لابودالسلطنة القاهرة المشتهرة‌بین سلاطین‌الآفـاق بعلوالقدر و سموّالجناب ابده‌الله علی‌ارائك‌السلطنة‌الی‌یوم‌المآب.

[جای مهر][2]

۱ــ مهری مستطیل که درکلاهك آن : «هوالولی» و درمتن : «ثبت فی.... المحکمة العلیه‌الناجیة . . . . الممالك المحروسه والعساکرالمنصوره» .

۲ــ مهری گرد که بالای‌آن : « حسبی‌الله» و سجع آن : «شمس‌الدین محمدالحسینی» است .

هوالوالی

صح لـدی مضمون الصحیفة الاسلامیة الشـارقة عـن مشارق الخلافة والسلطنة ظل‌الله فی‌الارض وغب جریانها حسبما نطق بهاالکتاب المستطاب رتبت علیهامقتضها. . . . ایام الدولة القاهره الی یوم الدین وانا العبـد ابوالولی بن شاه‌محمود انجو.

[جای مهر][1]

۳

فرمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ ـ ۹۸۹) مورخ ۹۹۶ ه. ق.

دراین فرمان مبلغ چهارتومان و هشت هـزاردینار تبریـزی رایج خراسان مالوجهات قریهٔ رستم‌کلاته را مجدداً از ابتدای سیچقان‌ئیل به سیورغال ابدی امیرکمال‌الدین حسین ارزانـی داشته‌اند.

[جای مهرشاه‌عباس][2]

فرمان همایون شد[3] آنکه چون مبلغ چهارتومان و هشت‌هزار دینار تبریزی رایج خراسان مالوجهات قریهٔ رستمکلاته کـه ملك سیادت و نقابت‌پناه افـادت و افاضت‌دستگاه فقاهت و نجـابت انتباه نقاوة السادات و العلما امیرکمال‌الدین حسین است و حسب‌الحکم حضرت خاقان جمجاه جنت‌مکان بسیورغال شیخ نورالهدی مقرر بوده و بعداز فـوت مشارالیه امضای خـاقان سکندرسپاه بـاسم سیادت و نقابت‌پناه مشارالیه گذشته مجدداً ازکمال شفقت و مـرحمت بیغایت شاهانه[4] دربـارهٔ سیادت و افادت‌پناه

۱ـ مهری گرد بـزرگ کـه آیـهٔ ۶۲ سورة‌المـائدة ۵ بـرآن حـك شده است.
۲ـ مهر گـرد شاه‌عباس کـه برحاشیهٔ آن که دور می‌چرخد صلـوات بـرچهارده معصـوم ودر وسط « بندهٔ شاه‌ولایت عباس » خوانده می‌شود. ۳ـ این توقیع با آب‌طلا نوشته شده است. ۴ـ کلمهٔ « شاهانه » باآب‌طلا نوشته شده است.

مشاراليه ازابتداء سيچقان‌ئيل بدستور بسيورغال ابدی واحسان سرمدی نقابت‌دستگاه مومی‌اليه عنايت فرموده ارزانی داشتيم می‌بايد كه حاكم وتيولدار و عمال ومتصديان مهمات و امور ديوانی بلدةالمؤمنين استراباد قريهٔ مذكوره را از حشوتيول مـوضوع دانسته ازنتيجهٔ اخراجات حكمی‌كه درآنولايت واقع شود واستصوابی سوی ومستثنی دانسته و يكدينار و يكمن بار حواله ندارند قلم و قدم كـوتاه و كشيده دارند درين ابواب قدغن دانسته از فرموده تخلف نورزند و همه ساله حكم مجدد نطلبند .

تحريـرا فـی‌شهر شوال ختم بالخير
والاقبال ست‌وتسعين وتسعمايه ۹۹۶.

٤

فرمان شاه‌سلیمان اول (صفی‌دوم) (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷) مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق .

در این فرمان مالومنال قریهٔ رستم‌کلاته را که به سیورغال و وظیفهٔ سیدعبدالکریم و سایر اولاد میرعبدالله مقرر بود به دستور به سیورغال و وظیفهٔ میرمحمد مقیم و باقی اولاد میرعبدالله مرحوم ارزانی داشته‌اند.

شاه طهماسب علیه‌الرحمه

شاه سلطانمحمد نورالله مرقده

[جای مهرشاه سلیمان اول][1]

شاه‌عباس اعلی‌الله فی‌الخلدمقامه

جد بزرگوارم طاب‌ثراه

فرمان همایون شد[2] آنکه چون از تصدیق مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی معلوم و مستفاد شد که بموجب ثبت پروانچهٔ نواب خاقان رضوان‌مکانی بتاریخ شهر ذی‌حجهٔ سنهٔ ۱۰۴۱ شرف صدور یافته مالومنال قریهٔ رستم‌کلاته را و املاك واقعه درملایر که سابقاً بحضرت متولی رد نموده ارزانی نمودیم درزمان شاه جنت مکان علیین آشیانی ∴ بسیورغال و وظیفهٔ اولاد مرحوم شیخ علی‌نور و بعد از ایشان در زمان سکندرشان ∴ دروجه مرحوم‌امیر کمال‌الدین‌حسین‌استرابادی و بعدازمومی‌الیه‌درزمان نواب‌گیتی‌ستان‌فردوس‌مکان ∴ در وجه مرحمت‌پناه‌امیرعبدالله ولدمیر کمال‌الدین‌حسین

۱- مهر گرد شاه‌صفی که درحاشیه صلوات کبیر ودر متن : «بندهٔ شاه ولایت صفی » .

۲- این طغری با آب طلا نوشته شده است .

مقررشده بودحسب‌الاستدعای مرحوم سید عبدالکریم‌وسایراولادمیرعبدالله برینموجب

دوازده تومان‌و سه هزارو هفتصدوپنجاه‌و چهار دینار

نقـــــد	جنـــــس
پانزده هزار و صد و هشتاد و پنج دینار	ده تومان وهشت هزار وپانصد و شصت و نه دینار
مـــــال	منـــــال
هشت تـومـان و هفت هزاردینـار	هفت تومان و پنج قـران و هفتصد و پنجاه دینار

بسیورغال و وظیفهٔ سید عبدالکریم وسایر اولاد میرعبدالله مزبور مقرر شده درینوقت سیادت و نقابت و نجابت‌پناه صلاحیت‌دستگاه شمسامیرمحمد مقیم و سایر اولاد مرحوم میرعبدالله مزبور بدرگاه جهان‌پناه آمده بعرض رسانیدند که سیدعبدالکریم مـزبور فوت شده و استدعاء امضاء نواب کامیاب همایون ما[1] درباب سیورغال و وظیفهٔ مزبور باسم اولاد مرحوم میرعبدالله مـزبور نمودند و سیادت وصدارت‌پناه هدایت و نقابت‌دستگاه افاضت و نجابت‌انتباه عالیجاه اسلامیان‌ملاذی نظاماً للسیادة والصدارة والنجابة والعزوالاقبال میرزاابوطالب‌الرضوی صدرخاصه تحریر نموده بنـابرین شفقت بیغایت شاهانه[2] شامل‌حال میرمحمد مقیم وباقی‌اولاد مرحوم میرعبدالله مزبور فرموده مال‌ومنال محل مزبورراکه مبلغ دوازده تومان سه هزار و هفتصد وپنجاه چهار دینار وجه رایج نقداً جنساً بتفصیل فوق میشود و بسیورغال و وظیفهٔ اولاد مـرحوم امیر عبدالله مزبور

۱ــ کلمهٔ « ما » با آب‌طلا نوشته شده است . ۲ــ کلمهٔ « شاهانه » با آب طلا نوشته شده است .

مقرر بوده بدستور بسیورغال ووظیفهٔ میرمحمدمقیم وباقی اولاد مرحوم مزبورشفقت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم کدخدایان و رعـایاء قریهٔ رستم‌کلاته مالومنال محل مزبور را بدستوری کـه به اولاد مـرحوم مزبور جواب میگفته‌اند سال بسال دروجه سیورغال و وظیفهٔ میرمحمد مقیم وباقی اولاد مرحوم امیرعبدالله مـزبور مقرر دانسته رسانند وتغییر وتبدیل بقواعدآن راه ندهند عمال دارالمؤمنین استراباد اصلاً ومطلقاً بخلاف حکم و حساب بهیچوجه من‌الوجوه حواله و اطلاقی برمحل سیورغال ووظیفهٔ مشارالیهم ننموده قلم وقدم‌کوتاه وکشیده دارند حکام‌کرام ولایت مزبور حسب‌المسطور مقرر دانسته بعلت اخراجات و عوارضات سیماسلامانه و پیشکش و ساوری و عیدی و نوروزی والام و الاغ و بیگار و شکار و طرح و دست انـداز و سایـر تکالیف ممنوعه بهراسم و رسم‌کـه بوده باشد متعرض احوال رعایاء محل مزبور نشده طمع و تـوقعی ننمایند وقلم و قدم کوتاه وکشیده دارند و رعایت و مراقبت احوال و اعـزاز واحترام سادات عظام بتقدیم رسانند دریتباب قدغن دانسته هرساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پروانچه بتوقیع رفیع وقیع منیع اشرف اقدس ارفع همیون اعلـی مزین ومحلی گردد اعتبار و اعتماد نمایند.

تحریرا فی ذی‌حجةالحرام سنة ۱۰۷۷ .

◎

حکم باباخان مورخ ۱۱۹۰ هـ . ق .
دراین حکم باباخان سید حسن را به‌توجهات خاطرخود دل‌گرم ساخته و به او دستور داده است که قریهٔ رستم‌کلا را بـه حیطهٔ آبادی درآورد .

حکم عالی شد آنکه عالیحضرت سلالةالسادات آقاسید حسن بتوجهات خاطرخطیر عالی مستظهر و امیدوار بوده بداند درین‌اوقات بافواهی بعرض عالی رسیدکه عالیشان مهدی‌خان‌آقا وهادی‌خان‌آقا اخلالی‌درامور بعالیحضرت میکنند درین اوقات شرحی جداگانه بخصوص‌سفارش‌آنعـالیحضرت بعالیجاه رفیع‌جایگاه شوکت وجلالت‌دستگاه محمدرحیم خان مرقوم ساخته‌که درهرقسم متوجه حال ومراقب احوال او بوده احدی شلتاق و دست‌انداز باو نکنند باید بحصول آگاهی برمضمون تعلیقهٔ عـالی درکارهای خود مردانه بوده قریهٔ رستمکلا رابحیطهٔ آبادی درآورده در توفیر وتکثیر زراعت و فلاحت مساعی جمیله بعمل آورده حسن اخلاص‌شعاری خود را ظاهر و مبرهن‌سازند درینخصوص قـدغن لازم دانسته در عهده دانند .

تحریرافی جمیدی‌الاولی ۱۱۹۰ .

[جای مهر][1]

۱ــ مهری چهارگوشه باسجع . « گل گلشن دین باباخان » .

۶

عرضه داشت رعایای آهنگرمحله و اصفهان کلاته مورخ ۱۲۱۸ ه. ق.

در این عرضه داشت رعایای دوقریهٔ مزبور استدعا کرده‌اند که قریهٔ آهنگر محله به جای هفت سرشمار پنج سرشمار وقریهٔ اصفهان کلاته به جای پنج سرشمار سه سرشمار قرار کنند و دستور دهند تا بیگلر بیگی استراباد ازایشان زیادتی نخواهد.

عرضه داشت کمترین بندگان قدیمی

رعایای آهنگرمحله و اصفهان‌کلاته تـراب‌آستان‌معدلت آشیان‌را

کحل‌الجواهـر دیـدهٔ امیدواری خود ساخته بموقـف عرض بـاریـافتگـان محفل جنت. . . . . والا و مقیمان بـزم حضور معدلت دستور وگنجوربندگـان سکندرشان . . . . . اقدس ارفع امجد والا روحنافداه میرسانند که قربان خاك پـای طوطیاآسای سم‌ستور مبارکت‌گردیم در عصر خاقان جنت مکان علیین آشیان قرارداد کمترینان قدیمه از قراری کـه قبل‌ازین بوده است‌آهنگرمحله هفت سرشمار بوده و قرارداد گـردیده به پنج سرشمار و اصفهان‌کـلاته پنج بنیچه سرشمار قـرارداد به سه‌سرشمار گردید و این کمترینان بی‌اوضاع و بی‌حال بسیار از دست در رفته بـاین قرارداد خوشحال گردیده وحال زیادتی می‌شود که باعث فرار کمترینان است فقرا... بندگان اقدس آورده مرفه‌الحال بودیم استدعا از مراحم بی‌کران خسروانه چنان‌است که فرمان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع از مصدر جاه وجلال شفقت و عنایت بکمترینـان دعاگوئی. . . عالیجاه رفیع‌جایگاه بیگلربیگی استراباد که ازقرارشش‌سرشماردیگر زیادتی نشود که مرفه‌الحال و فارغ‌البال بدعاگوئی دوام دولت ابدمدت سلطان جمجاه

ظل‌الله مشغول بوده‌که عندالله و عندالرسول ضایع نموده نشود امرکم‌الاعلی الامرکم الاعلی .

تحریرا فی ربیع‌الاول ۱۲۱۸ .

[تعلیقهٔ زیر برحاشیهٔ بـالای این عرضه‌داشت نوشته شده است:]

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

آنکه چون صاحبانعریضه بشرح متن‌عرض ودرمقام استدعا برآمده‌اند عالیجاه معلی‌ـ جایگاه دولت وافادت‌پناه شوکت و اجلال‌دستگاه اخلاص وارادت‌آگاه عمدة‌الخوانین العظام امامقلی‌خان بیگلربیگی‌استراباد بزیارت فـرمان مهرلمعان مطـاع وملاحظهٔ شرح عریضه ازقرارقرارداد سرشماری شودکه مرحوم رضاخان نموده است ومتوجهات دیوانی صاحبانعریضه موافق سرشمار . . . قبل مینموده است لذا همان قرارداد سابق . . . . و عوارضات . . . . . و حوالجات دیوانی را موافق سرشمار حـواله و اطلاق نموده بعلت زیادتی وشلتاق و بیحساب متعرض ومزاحم صاحبانعریضه نشوند و درعهده شناسند .

تحریرا فی شهرربیع‌الاول ۱۲۱۸ .

۱ــ مهرچهارگوشهٔ فتحعلی‌شاه باسجع :

« گرفت خاتم‌شاهی زقدرت ازلی قرار درکف شاه زمانه فتحعلی »

ودرکلاهك بالای‌آن: « العزة‌لله » .

۷

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۲۸ هـ . ق .

در این فرمان فتحعلی‌شاه به محمد قلی‌میرزا صاحب‌اختیار استرابادو مازندران دستور داده‌است‌که از تفرقهٔ رعایاجلوگیری کند و متفرق شدگان را کوچانده به محل اصلی خود آورد .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد[2] که قرهٔ باصرهٔ دولت بهیه وغرهٔ ناصیهٔ شوکت سنیه فرزند نامدار محمدقلی میرزا صاحب‌اختیار استراباد و مازندران بتوجهات و عنایات شاهانه معزز بوده بداند که چون درینوقت بعرض اقدس شهریاری رسیدکـه بعضی‌از اهالی محـال نـور متفرق و باید تفرقـهٔ محال مزبور جمع‌آوری شود و درمـوطن و محل خود ساکن شوند لهذا بآن فرزند کامکار مسعود امرو مقرر میفرمائیم‌کـه بعداز حصول افتخار بزیارت حکم‌اشرف بعهدهٔ احدی قدغن نماید که تفرقه‌ساکن و قدیمی محال‌مزبور درهر کجاکه رفته‌اند وباشندهمگی‌را کوچانده بوطن خودکه محال‌مزبور است آورده بعالیجاه رفیع‌جایگاه مقرب‌الخاقان میرزا محمدتقی سپرده قبض‌بگیرد و باید آنفرزند کامکار برحسب حکم اشرف معمول داشته تخلف وعدول از مدلول‌حکم مبارك جایز ندارد و قدغن بلیغ نمایدکـه تفرقهٔ محال مزبور را درهرجا کـه هستند

۱ـ مهـرفتحعلی‌شاه بـا مشخصاتی‌کـه در فـرمـان شمارهٔ ۶ ازآن یـادکـردیم .

۲ـ این توقیع با آب طلا نوشته شده است .

جمع‌آوری نموده درمحل خـود ساکن نماید ودرین بـاب قدغن لازم دانسته درعهده شناسند .

تحریرا فی شهرصفرالمظفر سنهٔ ۱۲۲۸.

۸

عرضه داشت محمد قلی دولو مـورخ ۱۲۳۰ هـ . ق . بـه دربـار فتحعلی‌شاه که حکم شاهی دربارهٔ وصول مطالبات او از قـریهٔ درا و اجازهٔ کوچ دادن‌آدمهای او از قریهٔ مزبوره صادر شود.

عرضه داشت کمترین غلامان جان‌نثار تراب آستان مروت ارکان‌را

محمد قلی‌دولو

کحل‌الجواهر دیدهٔ امیدواری ساخته بموقف عرض ایستادگـان پـایـهٔ سریرخلافت مصیرعـرش نظیـر بندگـان سکنـدرشان دارادربـان قیصر پـاسبان ملـك آستـان اقدس امجد ارفـع والا روحی‌فـداه میرساند کـه چون قریهٔ درا من قـراء مازندران حسب‌الامـرقـدرقـدرت اعلـی‌حضـرت ظـل‌الهی بـه تیـول والـد مـرحـوم‌ایـن غلام جان‌نثار بود که منافع او را ضبط و صرف معشیت خود مینمود چون والـد این غلام از تقادیر مالك علام مرحوم و تصدق فرق فرقدان‌سای حضرت قاآنی گردید قریهٔ مذکوره را امتثالاً لامره‌الاقدس امنای دولت دوران عدت قاهره ازاین غلام استرداد و ضبط نمودند چون بعضی‌مطالبات این جان‌نثار در نزد مردم میباشد ودو نفرازآدمهای کمترین موسوم به یعقوب و علی‌محمد نام که باکوچ درآن جاتوطن داده بـود توقف دارند و بدون حکم همیون نه مطالبات‌کمترین را میدهند ونه میگذارند که‌آدمهای خود را باکوچ برداشته در پیش خود بیاورد چون این جان‌نثار ملتزم رکاب ظفرآثار

پادشاهی و بامر خدمت گذاری اشتغال می‌دارد استدعا و امیدواری آن است که حکم همیون بعهدهٔ عالیشان نورمحمد بیک شرف اصدار یابد که مطالبات این کمترین را گرفته تسلیم و کوچهای مذکوره را بلامانع بدست آدم این کمترین داده که برداشته بنزد کمترین بیاورد چون مراتب مسفوره از لوازم بود جرأت بجسارت عرض این مطلب نمود امر الاعلی مطاع .

[بربالای این عرضه‌داشت، حکم زیر نوشته شده است :]

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه] [1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد آنکه عالیشان اخلاص و ارادت بنیان نورمحمد بیک غلام وضابط ساری و آمل بحقیقت رسیده چنانچه مطالبات صاحبعریضه درنزد رعایای مذکور باشد وموافق قانون شرع انور باثبات رسد بعد از ثبوت شرعی از ایشان استرداد و تقدیم صاحبعریضه نموده رفع ادعا را بنماید و دو خانوار کوچ را نیز هرگاه از... مشارالیه باشد ورعیت دیوانی نباشد تسلیم او نموده روانه نمایند .

تحریرا فی شهر جمیدی الاولی سنة ۱۲۳۰ .

۱ــ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که در فرمان شمارهٔ ۶ ازآن یاد کردیم .

۹

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق .

در این فرمان فتحعلی‌شاه بـه مهدیقلی‌خان قـاجار، بیگلر بیگی استراباد دستور داده است که متفرقهٔ دهات جعفرقلی‌آقا را که مرحوم امامقلی‌خان بتدریج کوچانده و بدهات خود برده‌است‌و مبلغ چهارتومان نقد وسی‌خروارشالی که از این رعایاگرفته و بازیافت نموده به جعفرقلی‌آقا ردکنند ورعایا رابه‌محل اصلی خود ساکن سازند .

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملك‌لله تعالی‌حکم همیون‌شد[2] که عالیجاه رفیع‌جایگاه مجدت ونجدت وجلالت‌ـ دستگاه فخامت و مناعت ونبالت همـراه اخلاص و ارادت و عقیدت‌آگاه امیرالامراء العظام مهدیقلی‌خان قاجار بیگلربیگی‌استراباد بتوجهات خاطراقدس پادشاهی معززو مباهی بوده بدانند که سابقاً از قرار فرمان جهانمطاع مبارك بخصوص متفـرقهٔ دهات عالیشان عمدةالاعیان جعفرقلی‌آقای ولد حاجی رحیم‌خان کـه مرحوم امـامقلی‌خان بتدریج کوچانیده بدهات خود برده است و مبلغ چهار تومان نقد و مقدار سی‌خروار شالی را ازرعایای دهات مشارالیه بازیافت نموده ودرمقام اضرار اوبوده حکم‌همایون شرف‌نفاذ یافته بودکه مرحوم مزبور متفرقهٔ دهات اورا که ازقرارتفصیل است بانضمام نقد و جنس مزبوره رد نموده بهیچوجه در مقـام اضرار و مزاحمت بـرنیامده لازمهٔ

۱ـ مهـرچهارگوشهٔ کلاهك‌دارفتحعلی‌شاه‌با مشخصاتی‌که درفرمان شمارهٔ۶شرح دادیم.

۲ـ این توقیع با آب طلا نوشته شده است .

سلوك ورفتار را باایل وطایفه منظور دارد درینوقت ازقراریکه بعرض اقدس‌شهریاری رسید هنوز متفرقهٔ مزبوره را با نقد وجنس مزبوره

از بابت متفرقهٔ آهنگـرمحلـه

قـاسم ولـدکربلائی صالح ساکـن قلعـه	محمدعلی ولـد کلبعلی ساکـن قلعـه	طـالب ساکن محلـــه
کـربـلائی رحیـم ساکـن قلعـه	ابـراهیـم خیـاط ساکـن قلعـه	

از بابت اصفهان کلاته

محـمدصـالـح ساکـن قلعـه	شریـف و قربـانعلی ساکـن سنـگ دوین

رد ننموده است بآنعالیجاه ارادت‌آگاه مقررمیشود که بحصول آگاهی برمدلول حکم جهانمطاع پادشاهـی بحقیقت رسیده متفرقهٔ مزبور را از قرار تفصیل فوق از ولدان مرحوم مذکور گـرفته بدست عالیشان جعفرقلی‌آقای سپارد و نقد وجنس مزبـور را نیز موافق حساب‌گرفته عاید سازد و درحوالهٔ صادریات رعایت عالیشان مشارالیه را منظور دارد که از روی آسودگی بـامر زراعت و خدمت اقدام نماید باید آنعالیجاه حسب‌المقرر معمولداشته تخلف وعـدول جایز ندارد و در عهده شناسد.

تحریرا فی شهرمحرم‌الحرام سنة ۱۲۳۲.

۱۰

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق .
دراین فرمان به میرزا یوسف دستور داده شده است که چند خانوار کوچ آهنگرمحله و اصفهان‌کلاته‌را که به قلعه رفته و سکنی کرده‌اند اگر در زمان حکومت امامقلی‌خان کوچیده‌اند ایشان را برگرداند و به دست جعفرقلی‌آقا بسپارد .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهرفتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم همیون شد که عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه عزت و مناعت‌اکتناه اخلاص وارادت‌آگاه مقرب‌الخاقان میرزا یوسف قدیمی بتوجهات خاطر خطیر پادشاهی معزز ومباهی بوده بداندکه از قراری که درینوقت بعرض‌اقدس شهریاری رسید چند خانوارکوچ ازقرارتقصیل ازطایفهٔ تمسکنی از آهنگرمحله و اصفهانکلاته بقلعه رفته سکنی کرده‌اند بآنعالیجاه مقرر میشود که بحقیقت رسیده

محمدحسن ولد قاسم	اسمعیل ولدکاظم	محمدعلی ولد کلبعلی
بهرام ولد قراخان	محمدحسین ولدحاجی‌کله	محمدعلی ولد ساروخان

هرگاه خانوار مزبور سابقاً درایام حکومت رضاخان از آهنگرمحله واصفهانکلاته رفته باشند ازعالیجاه نتیجه‌الامراءالعظام عباس‌خان دانسته متعرض نشوند و چنانچه

۱ـ مهرفتحعلی‌شاه با مشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۶ یادکرده‌ایم .

دراوقات حکومت امامقلی‌خان ازآهنگرمحله واصفهانکلاته بقلعه رفته باشندآنهارا کوچانیده بدست عالیشان رفیع‌مکان اخلاص و ارادت‌نشان جعفرقلی‌آقا سپارد و قبض بازیافت دارد و قدغن نمایدکه ازین بعد احدی متعرض‌کوچهای مزبوره نشده و از روی فراغت درآهنگرمحله و اصفهانکلاته بزراعت و رعیتی خود [مشغول]باشند بایدآ نعالیجاه برحسب امر همایون پادشاهی معمولداشته تخلف وعدول ازحکم قضاـ شمول جایز ندارد و درعهده شناسد .

تحریرا فی شهر جمادی‌الاول سنة ۱۲۳۲ .

۱۱

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۲ ﻫ . ق.
دراین فرمان‌به مهدیقلی‌خان بیگلربیگی‌دارالمؤمنین استراباد دستور داده شده است که چند خانوار کوچ آهنگرمحله و اصفهانکلاته اگرپس‌از حکومت رضاخان کوچیده‌اند به محل اصلی خود بازگردانند .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه][1]

الملک‌لله تعالی حکم‌همیون شد[2] که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت اکتناه شهامت وبسالت انتباه اخلاص و ارادت‌آگاه امیرالامراءالعظام مهدیقلی‌خان قاجار بیگلربیگی دارالمؤمنین استراباد بعنایات خاطر اقدس معزز و

۱ـ مهرچهارگوشهٔ کلاهک‌دار فتحعلی‌شاه بامشخصاتی که درفرمان شمارهٔ ۶ شرح داده‌ایم .
۲ـ این توقیع با آب‌طلا نوشته شده است .

مباهی بوده بداندکه ازقراری‌که بعرض شهریاری رسید چندخانوار کوج ازآهنگر-محله و اصفهانکلاته

محمد حسن ولد قاسم	بهرام ولد قراخان	محمد علی ولدکلبعلی
محمدعلی ولد ساروخان	محمدحسن ولد حاجی	اسمعیل ولد کاظم

درقلعه سکنی کرده‌اند بآنعالیجاه مقررمی‌شود که‌بحصول سرافرازی برمدلول‌فرمان همایون پادشاهی بحقیقت رسیده چنانچه خانوارمزبوره دراوقات‌حکومت رضاخان‌از آهنگرمحله واصفهانکلاته بقلعه رفته باشند بهیچوجه متعرض‌نگردیده بازدرهمانجا ساکن باشند وچنانچه بعداز حکومت مشارالیه رفته‌باشند قدغن نماید که آنها را کوچانیده‌آورده درآهنگرمحله واصفهانکلاته ساکن‌نموده قبض ازعالیشان رفیع‌مکان عزت وسعادت‌نشان اخلاص و ارادت‌بنیان جعفرقلی‌آقا بازیافت دارند باید آنعالیجاه برحسب مقررمعمول‌داشته قدغن‌نمایدکه‌ازهمین قرارعملنموده تخلف وعدول‌نورزیده بهرطریقی‌که قرارگرفت احدی دیگر متعرض و مزاحم نشود و در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر جمادی‌الاول سنة ۱۲۳۲ .

۱۲

فرمان فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ ـ ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۳۶ هـ . ق .

در این فرمان به مهدیقلی میرزا ـ والی دارالملك طبرستان ـ دستور داده شده است که برای رفع دعاوی اعیان ایـل قـاجار هریك از مدعیان و مدعی‌علیهم در محضر آقا محسن و حـاجی ملارضا به مرافعهٔ شرعیه اقدام نمایند و از هرقرار کـه ایشان قرارداد نمایند تخلف و عدول جایز ندارند .

بسم‌الله تعالی‌شأنه‌العزیز

[جای مهر فتحعلی‌شاه قاجار] [1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد[2] که فروزان اختر آسمان خـلافت و شهریـاری و تابان گوهر عمان سلطنت و تاجداری خجسته فرزند مسعود محمدقلـی میـرزا والی دارالملك طبرستان بعواطف مترادف شاهانه سرافراز بوده بداندکه چون درینوقت‌که موکب ملك آرا در چمن خوش ییلاق توقف مینمود بعضی از اعیان ایل جلیل قاجار . . . . . . بعضی مواد با عالیجاه مصطفی‌خان و بـا یکدیگر گفتگوئـی میداشتند و دعاوی خود را هریك بموجب تفصیل ذیـل معروض پیشگاه شهود شهریـاری داشتند لهذا این فرمان مبارك صادر وبآنفرزند مسعود

بـــــــا بـــــــــــــــــــــــــــــت

ادعاهای موسی آقای قوانلو بامصطفی‌خان استرابادی

۱ـ مهرچهارگوشهٔ کلاهك‌دار فتحعلی‌شاه با مشخصاتی‌که در فـرمان شمارهٔ ۶ ازآن یادکردیم. ۲ـ این توقیع با آب‌طلا نوشته شده است .

سه سال است که مصطفی‌خان شانزده خروار شلتوك ازقاسم نام‌کدخدای‌من بازیافت‌نموده و رد نکرده

مصطفی‌خان در جواب معروضداشت که شالی رامن ازقاسم قرض کردم و باو رد کردم قرار چنین شده است‌که بعداز رفتن باستراباد قاسم نام‌راحاضر نمایند اقرار آورده در حضورشرع انور که شالی را من از مصطفی خان گرفته ندادم ازعهده‌برآید والانگرفته‌است و مصطفی‌خان‌هم نداده موافق حکم شرع انور ازعهده برآید

که‌ازقریهٔ ضرب‌آبادمحله موازی دوازده خانوار کوچ کوچانیده بده‌خودش برده است مصطفی‌خان می‌نماید که کوچ مزبور سادات وخوش‌نشین بوده‌اند و علاوه فرمانی دردست دارم که آنچه سادات که‌دربلوکات استراباد ساکن‌بوده برضایت خودشان‌آمده درقریهٔ‌خیرآباد وپرانق ساکن شوند و الآن خودشان راضی هستند که درقریهٔ مزبور ساکن باشند وشرط‌چنین شد که‌آنفرزندبعد ازرفتن‌باستراباد به حقیقت برسد

دوهزار و دویست دانه پالانه که بجهة قنواة ساخته‌بودند درپیش استاد پالانه‌ساز بوده است وقیمهٔ‌آن سی‌وسه‌تومان‌و پنجهزار است بروایت مصطفی خان برده است قرارداد چنین شدکه‌بعداز رفتن‌آنفرزند باستراباد استادپالانه‌پز را

حاضـر سازند اگـر مصطفی خان قیمة
پالانه را داده است و برده است قیمة را
پالانه‌پز رد نمـاید والا بزور برده‌است‌و
تنخواهانه برده است البته موافق شرع
مصطفی‌خان ازعهده برآید

بـــــــــابـــــــــت

ادعای مصطفی‌خان دولو با مصطفی‌خان استرابادی که مشارالیه انکاری دارد که اصلاً
من ازین معامله خبر ندارم قـرارداد چنین شد کـه مصطفی‌خان دولو موافق شرع
اثبات چنانچه‌موافق شرع ازاثبات عاجز باشد و نداده باشد موافق‌شرع تمام شود

بـــابـــت	بـــابـــت	بـــابـــت
شالـــــی	جـامیـش‌نروکـوچـك	گاو بـزرگ وکـوچـك
۲۳۰ من	۱۰۰رأس	۲۰۰ رأس

بـــــــــابـــــــــت

ادعای فغانعلی‌خان دولو بامصطفی‌خان استرابادی

آب قریهٔ یالوی رسد مرا قطع‌کرده‌اند
که حاصل‌آن‌بعمل‌نیامده‌است که ضرر
کلی‌است ومصطفی‌خان انکاری دارد
قرارداد چنین‌شد کـه در استراباد در
حضور آنفرزندموافق‌شرع انورطی‌شود

که موازی بیست رأس گاو من در نـزد
غلامعلی‌نام آدم مصطفی‌خان‌است وبه‌من
نمی‌دهد قرارداد چنین شد که بعداز
رفتن باستراباد غلامعلی نام را حاضـر
نمایند ودرحضورشرع‌انور طی‌ادعا شود

که شش‌دانگ قریهٔ الودر راکه موروثی
من واقوام‌من است ومصطفی‌خان انکاری
داشت قرارداد چنین شد که هرگاه
فغانعلی‌خان وکالت‌نامچهٔ معتبر شرع‌
پسند ابراز نماید آنوقت موافق‌شرع
دعوا را با مصطفی‌خان تمام نماید

بـــابـــت

ادعای عباسقلی‌آقای عزالدین‌لو در خصوص حاصل املاك موروثی‌خود بامصطفی‌خان استرابادی آنفرزند قبول کرده است که از بابت هشت قسمت زمین که بابت دورهٔ مشارالیه منتقل و بعلت نداشتن آب زراعت نمی‌شد قرار داده‌اندکه دورهٔ سرکار آنفرزند زراعت شود و درعوض حق‌الماء درهذه‌السنهٔ ئیلان‌ئیل مقدار پنجاه خروار شالی باو بدهد و درخصوص هجده خروار شالی‌که ازملك دیگر که با مصطفی‌خان دعوی داشت قرارداد چنین شد که هرگاه اجاره‌نامچهٔ شرعی ابراز نماید وثبوت شرعی نماید مصطفی‌خان ازعهده برآید
صد و چهارده خروار وبیست من

بـــابـــت	بـــابـــت
شالـــــی	قـریـــه
۹۶ خروار و ۲۰ من	۱۸خروار

بـــــــــــا بـــــــــــت

ادعای محمدابراهیم‌خان سپانلووحاجی کلبعلی‌خان بامصطفی‌خان‌استرابادی درخصوص فقرهٔشلتوك قراردادچنین‌شد که موافق اجاره‌نامچهٔ سه سال‌قبل‌که دردست مشارالیه است محاسبه شودآنچه قبض وسندکه در دست مصطفی‌خان است حساب نماید وهرچه بـاقی است کارسازی نمـایـد و در هذه‌السنهٔ ئیلان‌ئیل نیزموافق سنوات سابق وجـه اجاره را کارسازی نماید و درخصوص غلهٔ قریهٔ نوشاباد قراردادچنین شدکه هرگاه باثبات شرعی رسد و اهالی‌شرع تصدیق نمایند درحضورآنفرزند تمام شود

بـــــــــــا بـــــــــــت	بـــــــــــا بـــــــــــت
شالـــــــــــــــــــی	غلـــــــــــــــه
۴۰ خروار	۶۰ خروار

بـــــــــــا بـــــــــــت

ادعای نیازقلی‌خان قاسملو از بـابت رسدی ملـك قریهٔ قلعهٔ خودشان که به‌آقاحسین کدخدای استراباد بتوسط مصطفی‌خان که آقاحسین کدخدا مال‌الاجاره را نمی‌دهـد قرارداد چنین شد کـه موافق اجـاره‌نامچهٔ کـه در دست نیازقلی خان است چنانچه آقاحسین قبض وبراتی دردست ندارد آن فرزندموافق ضابطه به‌حقیقت رسیده ازآقا حسین گرفته تسلیم نماید

شالی ۱۳۳ من

بـــــــــــا بـــــــــــت

ادعای محمد ولی‌آقای شامبیاتی بامصطفی‌خان‌استرابادی در خصوص پنجاه خـروار شالـی قرارداد چنین شد کـه در حضـور اهالـی‌شرع‌انور محمـدولی‌آقـا اثبات کرده‌مصطفی‌خان‌ازعهده برآید ودرخصوص‌رعایائی که ازقریهٔدرودمحله کوچانیده و بقلعهٔ میرزاخان برده‌است قراردادچنین‌شدکه هرگاه مصطفی‌خان موافق‌فرمان شاهی

کوچانیده باشد و حرف حسابی درمقابل داشته باشدبا حضور آنفرزند قطع وفصل شود وبقیه از ده خرواری که اقرارشده جاری نماید

بابت	بابت
شالی سوای ده خروار پولی	رعایائی که از قریهٔ درود محله
چهل خروار	کوچانیده به قلعهٔ میرزاخان برده است

بابت

ادعای ورثهٔ محمدرضاآقای شامبیاتی بامصطفی‌خان استرابادی که محمدولی‌آقا وکالت کرده ازبابت سه ربع قریهٔ شاه‌ده قرارداد چنین شد که در حضور اهالی شرع‌انور هرگاه ثابت شود که مصطفی‌خان در ملک‌حضرات بدون حق و حساب دخل وتصرفی کرده است ازعهدهٔ حق‌الارض هشت ساله برآید

بابت

ادعای عباسقلی‌خان کرلو بامصطفی‌خان استرابادی قرارداد چنین شد که عباسقلی خان‌اجاره‌نامچه رااابراز کرده وبعدازاثبات شرعی‌مصطفی‌خان‌ازعهده برآید

بابت	بابت
شالی	قیمة ملبوس که بسلیم داده است
۲۴ خروار	۸ تومان

بابت

ادعای محمدقلی‌خان ومحمدویردی آقای کهنه‌لو بامصطفی‌خان استرابادی

بابت

اجارهٔ آب تخت‌میرزا از قریهٔ شمشك قرارداد چنین شدکه‌هرگاه حجت‌شرعی دردست دارد واثبات نماید مصطفی‌خان از عهده برآید

شالی ۴۵ خروار

بابت

دوخانوار رعیت از قریهٔ شمشك کوچانیده برده است قرارداد چنین شدکه‌آنفرزند به حقیقت برسد هرگاه مصطفی‌خان بدون مستمسك وجهة برده است ردنماید دوخانوار

بابت

در خصوص ده خروار گندم قرار-داد چنین شدکه گندم هذه‌السنهٔ ئیلان-ئیل را مصطفی‌خان بایشان رد نماید و بعد هرگاه صاحب ملك خواسته باشدبه مصطفی‌خان یابدیگری اجاره بدهد مختار است

گندم ۱۰ خروار

بابت

ادعای رضاقلی آقای کهنه‌لو به‌مصطفی خان‌استرابادی که دو تخته‌فرش‌باو داده‌ام قرارداد چنین شد که در حضور اهالی

بابت

ادعای طایفهٔ کهنه‌لو با مصطفی خان استرابادی که‌ازحیدرآباد رعایای‌متعلق ما را کوچانیده به قلعهٔ میرزاخان برده

شرع به حقیقت‌رسیده هرگاه‌اثبات شود
مصطفی‌خان‌ازعهده برآید
شالی ۷خروار

است مصطفی‌خان در حضور آنفرزند
معروض داشت‌که رعایای مزبور سادات
بودند موافق فرمان شاهی و رضایت
خود جماعة سادات کوچانیده برده‌ام‌که
قلعهٔ‌میرزاخان سرحداست متوجه‌شوندو
آنفرزند به حقیقت مدعای‌شان رسیده
قطع وفصل نماید

بابت

ادعای محمد ومیرحاجی آقای کهنه‌لو
بامصطفی‌خان استرابادی‌که حاصل‌ملك
مرا بدون جهة و سبب برده است و
مصطفی‌خان انکاری‌داشت قرارداد
چنین‌شد که درحضور اهالی شرع انور
استرابادبه حقیقت رسیده شود
شالی ۳۰ خروار

بابت

ادعای عبدالله خان قراموسی‌لو بانقد‌
علی‌خان کتول درخصوص‌آب محال
فخرعمادالدین‌وکفشگیری‌وحکم‌محکم
پادشاهی چنین‌شده‌است‌که‌بهروصفی‌که
زمان شاه مرحوم مغفورمبرور قرارداد
شده بود و معمول می‌داشته‌اند حالا هم
بهمان طریق معمول دارند و قرارمجدد
نخواهد شد

امر و مقرر میشود که بعد از وصول فرمان مبارك وحصول آگاهی برمضمون قرارداد قدغن نماید که هریك از مدعیان ومدعی‌علیهم نزد عالیجنابان مقدس‌القابان فضایل وفواضل‌مآبان حقایق ومعارف‌انتسابان عمدتی‌الفضلاءالعظام‌آقامحسن و حاجی ملارضا بمرافعهٔ شرعیه‌اقدام وازهرقرارکه عالیجنابان مشارالیهما ازمصالحه ومقاسمه‌و

غیره میانهٔ ایشان قرارداد نمایند و شرعاً لازم آیدآنفرزند مسعود قدغن نمایدکه‌از همان قرار معمول داشته تخلف و عدول جایز ندارند که بالمره رفع دعاوی هریك‌از یکدیگر شده باشد و نیز مقرر میشودکه مطلقاً هرگونه سخن وگفتگوئی‌که میانهٔ قاجاریهٔ ساکن استراباد با یکدیگر باشد یا آنها را با اهالی استراباد گفتگو وسخنی درمیان‌آید آنفرزند موافق قراری‌که در عهد خاقان خلدمکان طاب‌الله ثراه داده شده قدغن نماید که از همانقرار عمل نمایند و اگر ازآنقرار در امری از امور تغییری روی نموده باشدآنفرزند درمقام تحقیق برآمده موافق حساب و قاعده قراری دهدکه دیگر ایشان را حاجت عرض مطالب و دعاوی خود بدربار جهانمدار نباشد و قاعده درمیانهٔ آنها متداول و مستمر باشد و در عهده شناسد .

تحریرا فی‌شهر شوال‌المکرم سنة ۱۲۳۶ .

۱۳

حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق .

دراین حکم‌دستور داده شده است‌که رعایای قریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی متعلق به اسماعیل‌خان شامبیاتی و رستم‌کلاتهٔ خالصه تیول آقامحمدحسین شیخ‌الاسلام را فیمابین‌ایشان تقسیم‌کنند.

[جای مهر بدیع‌الزمان میرزا][1] حکم‌عالی‌شد آنکه چون رقم‌قضاشیم درباب رعایائیکه درقریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی متعلقه بعالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادت‌همراه شهامت و بسالت‌انتباه ارادت و عقیدت‌آگاه عمدة‌الخوانین العظام اسمعیل‌خان شامبیاتی‌سکنی دارند وفیمابین قریهٔ مزبوره و رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ دیوانی

۱ـ مهرچهارگوشهٔ بدیع‌الزمان میرزا با سجع :

«برومند نخلی مصون از خزان نـژادشهنشه بدیع‌الزمـان» .

که اکنون تیول جناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات‌اکتساب حقایق و معارف‌انتساب آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام مقرر است مشترك میباشد وفیمابین‌مشارالیهما واینجانب گفتگوئی واقع شده و برای رفع مایقال صادر ومقررگردیده که رعایای مزبوره‌را فیمابین مشارالیهما تقسیم‌نموده که عالیجاه اسمعیل‌خان رعیت رسدی خود را که‌از قرارتفصیل میباشدودرقریهٔ مذکوره سکنی دارند مواظبت نموده بامرزراعت وادارد و جناب مشارالیه

بیات

رعایای بومی‌الاصل رسدی عالیجاه مشارالیه سوی هفت نفر رسدی شیخ‌الاسلام‌که رقم علاحده صادر شد

شش نفر

عبدالله ولد محمد	محمد سعید معولد	غلامعلی
نفر	دو نفر	نفر
عوض بهرام نوکر	قربانعلی ولد علیقلی	
نفر	نفر	

بیات

ساکن‌نشین‌که بعد از ابتیاعی ازخارج آمده‌اند وحسب‌الامرمتعلق بعالیجاه مشارالیه و شیخ‌الاسلام را رجوعی نیست

۱۱ نفر

اللهقلـــــی قـاجـــــار نفـر	شـــــاه محمـــــد نفـر	محمدقلی ولد تیمورخـان نفـر
زیـــــن العابدیـــــن نفـر	محمـــــد حســـــن نفـر	محمـــــد مهـــــدی نفـر
ولـــــدان هـــــادی دو نفـر	محمـــــد حسین نفـر	رمضـــــان مهـــــدی نفـر
آقا محمـدرضـــا نفـر		

رعیت رسدی خود را از آنجا کوچانیده برده در قریهٔ رستمکلاتهٔ خالصهٔ تیولی‌خـود سکنی داده درمقام آبـادی‌آنجا برآمده باشد بنابر امتثال امـر حضرت سپهر منزلت اشرف ملک‌آرا نواب صاحب‌اختیار نیز مقـرر میفرماید که عالیجاهان رفیع مکانـان کتاب دفترخانهٔ مبارکـه حسب‌المقرر عمل و اسامی اشخاص را کـه رسدی عـالیجاه مشارالیه میباشد در دفاتر ثبت نموده که ازین پس گفتگوئی فیمابین مشارالیهماواقع نشود و درین باب قدغن لازم دانسته درعهده شناسند .

تحریرا فی شهر ربیع‌الاول سنة ۱۲۴۳ .

۱٤

حکم ملک آرا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق .
دراین حکم رعایای قریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی و رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ دیوانی را فیمابین اسمعیل‌خان قاجار شامبیاتی‌و آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام به ترتیب تفصیل در متن تقسیم کرده است .

[جای مهرملک‌آرا][1] حکم والاشد که چون رعایائی که‌درقریهٔرستم‌کلاتهٔ اربابی متعلقه بعالیجاه رفیعجایگاه عزت و شهامت همراه شهامت و بسالت‌انتباه ارادت و عقیدت‌آگاه عمدةالخوانین العظام اسمعیل‌خان قاجار شامبیاتی سکنی دارند فیمابین قریهٔ مزبوره و رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ دیوانی‌که اکنون تیول جناب مقدس‌القاب فضایل وکمالات اکتساب حقایق و معارف‌انتساب سلالةالساداة العظام آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام مقرر است مشترك می‌باشد و فیمابین مشارالیهما درینباب گفتگوئی واقع شده برای رفع مایقال مقرر داشتیم که رعایای مزبوره را فیمابین مشارالیهما تقسیم نموده که عالیجاه اسمعیل‌خان رعیت رسدی خود را که از قرار تفصیل میباشند و در قریهٔ مذکوره سکنی دارند

بـــــــــــــابـــــــــــــت بـــــــــــــابـــــــــــــت

رعایای‌بومی‌الاصل‌رسدی عالیجاه مشارالیه ساکن‌نشین که بعداز ابتیاعی ازخارج سوای هفت نفر رسدی شیخ‌الاسلام که رقم آمده‌اند وحسب‌الامر متعلق بعالیجاه علیحده صادرشده مشارالیه وشیخ‌الاسلام را رجوعی نیست

۱ــ مهرچهار گوشهٔ ملک‌آرا با سجع :
« مهین پور شهنشاه فلك‌جاه بملك آرا ملقب آمد از شاه » .

عبداله ولد محمد سعید غلامعلی الله قلی قاجار شاه‌محمد محمدقلی ولد
محمد معولد نفر نفر نفر تیمورخان
نفر دو نفر نفر

عوض بهرام نوکر قربانعلی ولد علیقلی زین‌العابدین محمد حسن محمد مهدی
نفر نفر نفر نفر نفر

ولدان هادی محمدخان رمضان مهدی
دو نفر نفر نفر

آقامحمد کرد
نفر

مواظب بوده بامر زراعت وا دارد و جناب مشارالیه رسدی خود را از آنجا کوچانیده برده در رستم‌کلاتهٔ خالصهٔ تیولی خود سکنی داده در مقام آبادی آنجا برآمده باشد امرو مقرر میشود که عالیجاهان رفیعجایگاهان مقربی‌الحضرة مستوفیان کرام اسامی اشخاص مزبوره را که رسدی عالیجاه مشارالیه می‌باشند در دفاتر مرحمت ذخائر ثبت نموده که ازین پس گفتگوئی فیمابین مشارالیه واقع نشود مقرر آنکه رعایای مزبورهٔ خود را متعلق بعالیجاه مشارالیه دانسته بتقدیم خدمات او اقدام نمایند وتخلف نورزند و در عهده شناسند .

تحریرا فی ربیع‌الثانی سنة ۱۲۴۳ .

۱۵

حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۴ هـ . ق .
دراین‌حکم بدیع‌الزمان میرزا پس‌ازرسدکردن‌قریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی و خالصه و کوچ دادن رعایای رستم‌کلاتهٔ اربابی به سلطان‌آباد یك باب سرشمار و دو نفر نوکر آنجا را به تخفیف مقرر داشته است .

[جای مهر بدیع‌الزمان میرزا][1] حکم عالی شد آنکه چون قریهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی وخالصه از یکدیگر موضوع گردیده ورسد خالصه‌که متعلق‌بجناب سعادت‌مآب آقاحسین‌شیخ‌الاسلام‌بود علی‌الحساب بحسب‌الاجاره تعلق‌به سرکارصاحب‌اختیار یافته و برای استیفاء منافع و مداخل آنجا رعایای رسد خالصه را بالتمام با کوچ و بند از آنجا کوچانیده بسلطان‌آباد سرکاری برده و درآنجا جا و مسکن از برای آنها مقرر داشته‌ایم و یکباب سرشماری که از برای قریهٔ مزبور و با چهار نفر ملازم دیوان مشخص ومقرر بود بعداز بردن رعایای خالصه فوق طاقت رعایای‌اربابی بود دربنصورت رعایت وجانب‌داری‌اربابان ورعایای قریهٔ مذکوره لازم‌رای مرحمت‌پیرای سرکار آمده بنابرین یکباب سرشمار و دو نفرنوکر آنجا را بتخفیف مقرر داشته‌ایم که رعایای آنجا درکمال خاطر جمعی مشغول کاسبی و رعیتی حسابی خود بوده بدعاگوئی سرکار اشتغال داشته باشند مقررآنکه عالیشانان رفیع مکانان کتاب دفترخانه و ضابطان و کدخدایان و ریش‌سفیدان بلوك استرابادرستاق حسب‌المقرر

۱ـ مهر چهارگوشهٔ بدیع‌الزمان میرزا باسجع :
« برومند نخلی مصون ازخزان نـژاد شهنشه بـدیع‌الزمان »

عمل نموده یکباب سرشمار آنجا راجزو تخفیف دانسته در حین حواله واطلاق‌رعایت رعایای قریهٔ مزبوره را منظور داشته گذارندکه بدعاگوئی اشتغال داشته باشند درین باب قدغن لازم دانسته تخلف جایز ندارند و دو نفر نوکر بیشتر مطالبه ننمایند در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر شوال‌المکرم سنة ۱۲۴۴ .

[برحاشیهٔ سمت راست این حکم عبارات زیر نوشته شده است :]

مقرر آنکه قربان نام‌که ازجمله رعایای خالصه بود او را ردکردیم‌که جناب مقدس‌ـ القاب زبدةالسادات آقامهدی بشغل ملازمت دیوان اعلی وا دارد و عبدالله نام را بدل او بسلطان‌آباد بفرستد باید درین باب احدی متعرض قربان نام مذکور نشود و باید بنوکری مشغول باشد .

[حکم دیگری از بدیع‌الزمان میرزا مورخ شوال ۱۲۴۴ دربارهٔ رستم‌کلاتهٔ اربابی و خالصه در دست است که با متن بالا کمی اختلاف عبارت دارد .]

۱۶

حکم حاکم مورخ ۱۲۵۱ ه . ق .
در این حکم به علی‌اصغرخان دستور داده شده است که از قریهٔ رستم‌کلاته بعلت ناخوشی وبا و طاعون وشکستگی‌احوال، بیش از یك نفر نوکر مطالبه ننماید .

حکم عالی شد که عالیجاه رفیعجایگاه عزت و سعادت‌پناه علی‌اصغرخان بداند که چون قریهٔ رستم‌کلاته برای ناخوشی وباوطاعون وبعضی‌ازشکستگی احوال وپریشانی اوضاع نمیتوانند نوکرمستمری خود را ازعهده برآیند لهذا بآنعالیجاه مقررمینمائیم

که ازقریهٔ مذکور یکنفر نوکر بیش مطالبه ننماید وبعلت صادریات وخدمات دیوانی احدی مزاحمت باحوال ایشان نرسانند میباید از قراری کـه مقرر شد معمول داشته در عهده شناسند .

تحریرا فی‌شهر شوال سنة ۱۲۵۱ .

۱۷

فرمان محمدشاه (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰) مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق .
دراین فرمان محمدشاه قاجار بنابر استدعای آصف‌الدوله مبلغ یکصدتـومان نقد از بابت مالیات مازندران بصیغهٔ مـواجب در وجه جعفرقلی آقای قاجار برقرار نموده است .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهرمحمدشاه قاجار] [1]

الملك‌لله تعالی حکم‌همیون شد که چون سابقاً برحسب استدعای حـال فـرخنده ـ فال‌آصف‌الدوله مبلغ یکصدتومان نقد از بابت مالیات مازندران‌بصیغهٔ مواجب دروجه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نجدت‌انتباه اخلاص و ارادت‌آگاه عمدةالاعاظم جعفرقلی‌آقای قاجار برقرار فرموده بودیم وفرمان مبارك نیزشرف‌اصدار یافته بود ازقراریکه معروض افتادآن فرمان مفقود شده مجدداً این منشور قضادستور پادشاهی صادر و مقرر میداریم که هرساله عالیجاه مشارالیه مبلغ مزبور را از بـابت

۱ـ مهر چهارگوشهٔ کلاهك‌دار محمدشاه قاجار باسجع :
« محمدشاه غازی صاحب تاج و نگین آمد شکوه ملك و ملت رونق آئین و دین آمد »
و درکلاهك آن« الملك‌لله » .

مالیات مازندران بازیافت داشته صرف مخارج خود نماید مقرر آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه مجدت و نبالت‌انتباه اخلاص و ارادت‌آگاه مقرب الحضرت‌الخاقانیه فضلعلی‌خان حاکم مازندران حسب‌المقرر معمول داشته ازهذه‌السنهٔ قوی‌ئیل ومابعدها مبلغ یکصدتومان رامهمسازی عالیجاه مشارالیه دارد وتخلف جایز ندانسته تعلل نورزد وعالیجاهان رفیع مکانان کتاب خیریت‌اکتساب دفاتر خلود شرح فرمان مبارکرا ثبت نموده درعهده شناسند.

تحریرا فی‌شهر ذی‌القعدةالحرام سنهٔ ۱۲۵۱ .

۱۸

حکمی بامهری ناشناخته مورخ ۱۲۵۴ هـ . ق .
دراین حکم آقامیرمؤمن را مأذون دانسته که مقدار سی و پنج خروار شلتوك از قرای رستم‌کلاته و آلوکلاته بفروشد .

حکم عالی‌شد که عالیجنابان مستحفظین‌سرحدات بدانندکه عالیجناب مقدس‌القاب حقایق و معارف‌اکتساب قدوةالساداة آقا میرمؤمن را مأذون فرمودیم که مقدار سی و پنج خروار شلتوك ازقرای رستم‌کلاته وآلوکلاته بفروشد اصلاً ومطلقاً احدی مزاحم نشده . . . . در عهده شناسند .

شهر رمضان سنهٔ ۱۲۵۴ .

[جای مهر][1]

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع : « افوض امری الی‌الله عبده قلی » .

۱۹

تعلیقهٔ محمدناصر مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق .
دراین تعلیقه از اواخر سیچقان‌ئیل تحمیلات و عوارضات ثلث یك‌نفر سرشمار دفتری قریهٔ رستمکلاته را بـه‌آقـاسید مهدی به تخفیف دائمی برقرار نموده‌اند .

حکم عالی شد که نظر برعایت جانب ساداة عالیدرجات دراواخر معاملهٔ هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت تحـویل تحمیلات وعوارضات ثلث یـکنفر سرشمار دفتری قـریهٔ رستمـکلاته را که متعلق بعالیجناب سلالة‌الساداة النجبائی‌آقاسید مهدی است بتخفیف دائمی برقرار فرمودیم که از حالصدور تعلیقه عوارضات یـکنفر سرشمار که عبارت از سه ثلث باشد یـك ثلث را بتخفیف سید معزی‌الیه مستمر دانند و دو ثلث کـه رسدی شرکای دیـگراست درعوارضات شراکت نمایند مقرر آنکه عالیجاهان مستوفیان بعداز این ثلث رسدی سید معزی‌الیه راموضوع ودو ثلث رسدی باقی‌شرکا را در حواله‌جات داخل نمایند المقرر آنکه ریش‌سفیدان رستمـکلاته یك ثلث رسدی سید معزی‌الیه را موضوع و دوثلث و رسدی شرکای دیـگر را در عوارضات و حواله‌جات داخل دانند و درعهده شناشند .

تحریرا فی‌شهر شوال سنة ۱۲۵۶
[جای مهر][1]

۱ــ مهری چهار گوشه‌که برحاشیه سورهٔ اخلاص و درمتن «عبده محمدناصر۱۲۳۹» حك شده است .

۴۰

حکم ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) مورخ ۱۲۸۲ هجری قمری .

در این حکم قریهٔ میرمحله واقعه در استراباد را از ابتدای اودئیل و سالهای بعد در عوض مواجب ملك عباس یوزباشی غلامان استرابادی و غلامان ابوابجمعی او واگذار شده است .

بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز

[جای مهر ناصرالدین شاه][1]

الملك‌لله تعالی حکم همیون شد که نظر بظهور مراتب خدمت و قابلیت عالیجاه عزت و سعادت همراه ملك عباس یوزباشی غلامان استرابادی درهذه‌السنهٔ اودئیل و مابعدها قریهٔ میرمحله واقعه در استراباد را بدینموجب در عوض مواجب مشارالیه و غلامان ابوابجمعی او مرحمت و واگذار فرمودیم که ضبط و زراعت نموده

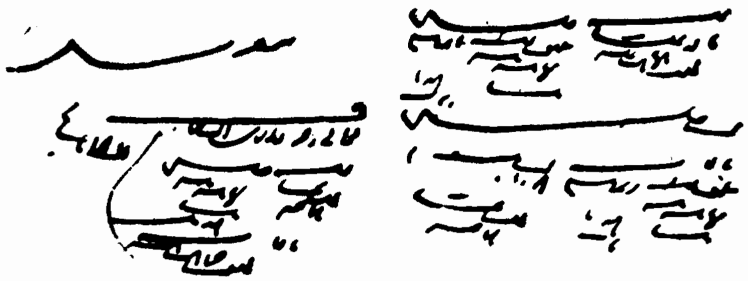

۱ — مهری محرابی شکل که در بالای آن « الملك‌لله تعالی » و در متن:
« تاکه دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صیت داد و معدلت ازماه تا ماهی گرفت »
حك است . اطراف مهر تزهیب ونقش و نگار دارد .

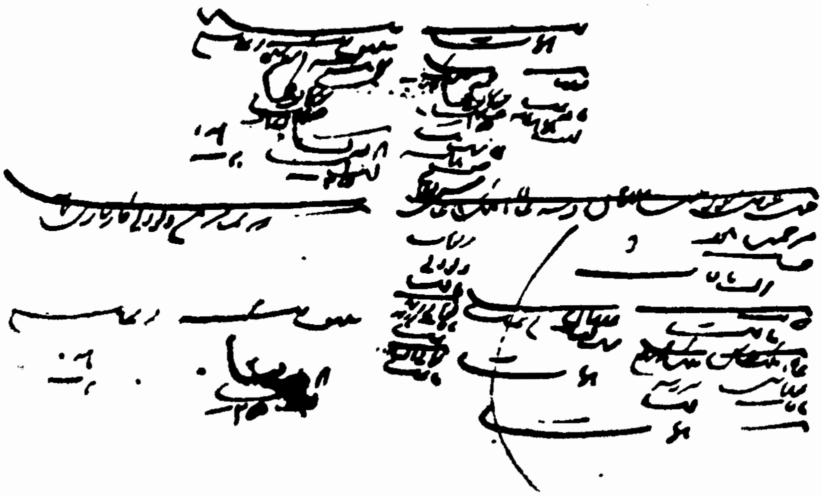

متوجهات ومنافع‌را دریافت ودرعوض مواجب خود وغلامان ابوابجمعی خود برساند و بلوازم خدمت مرجوعه اقدام نماید مقرر آنکه حکام ومباشرین حال واستقبال‌استراباد قریهٔ مزبوره را بتیول مقرر دانسته واگذار نمایند و مبلغمزبور را در جزو مـواجب نـوکراسترابادی بخرج مجری دانند المقرر مقربوالخاقان مستوفیان عظام ولشکر ـ نویسان‌کرام شرح فرمان مبارکرا در دفاتر خلود ثبت نموده ازشوایب [تغییروتبدیل مصون دانند] .

تحریرا فی‌شهر . . . . سنة ۱۲۸۲

۲۱

فرمان شاهی مورخ ۱۳۱۱ هـ . ق .

دراین فرمان به امامقلی‌خـان بیگلر بیگی استرا باد دستور داده شده است رعـایـای عثمان کـلاته و آهنگرمحله را کـه متفرق شده‌اند طبق صورت متن جمع‌آوری و در محلهای اصلی خود جای دهد .

بسم‌الله تعالی شأنه

[جای مهر][1]

حکم جهانمطاع شد آنکه عالیجاه رفیع‌جایگاه دولت و اقبال‌پناه عظمت و جلالت دستگاه امیرالامراء العظام امامقلی‌خـان بیگلر بیگی‌دارالمؤمنین استرا باد بتوجهات خاطر مرحمت‌پناه امیدوار بوده بدانند که چون بعرض واقفان حضور اقدس رسیده که رعایای عثمان‌کلاته وآهنگرمحلهٔ عالیجاه حاج‌الحرمین المحترمین حاجی‌رحیم‌خان مدتیست متفرق‌شده‌اند بنا برشمول مرحمت خاقانی دربارهٔ عالیجاه مشارالیه امرومقرر میگرددکه بوصول فرمان همیون والا وحصول آگاهی برمضمون آن

بـــا یـــت

متفرقه . . . . عثمانکلاته . . . .

علـــی‌محمـــــــد	محمـــد علـــــی	رمضـــــــــان	خانعلـــــــــی
نفـــر	نفـــر	نفـــر	نفـــر

۱ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك که درکلاهك آن « الملك‌لله » و درمتن « افوض امری الی‌الله عبده محمد » .

کربلائی رجبعلی نفر	جعفر نفر	ولدان تمسکنی نفر	خداداد ولد عبدی نفر
جعفرولد نوری نفر	ولدان محمد علی ساکن رستمکلاته دو نفر	[خوانده نشد] نفر	محمدعلی‌خان... دو نفر

بابت متفرقهٔ آهنگرمحله

رجبعلی	امیرقلی	معصومعلی	کربلائی مهدی
کربلائی قاسم	کرمعلی	محمدعلی	ساروخان
محمد علی	محمد ولی	ولدان محمدحسین جعفر ولدان تمسکنی	کاظم تمسکنی مرزن ـ کلا

. . . . . را تعیین که رعایای مزبوره را جمع‌آوری و برده درجا و مکان اصلی خود ساکن سازد ودرین مواد اهتمام تمام مرعی داشته کوتاهی جایز ندارد درعهده شناسد.

تحریرا فی‌شهر شعبان‌المعظم سنة ۱۳۱۱ .

۲۲

دستورالعمل مورخ ۱۳۲۸ ه . ق .

دراین دستورالعمل به عبدالله بیگ فراش‌عدلیه مأموریت داده شده است که آب انگرن را از قرار معمول چهار تقسیم نماید .

نمره ۲۰۴/۲۰۷ نمره ۵۸/۱۳۲۸

۲۰جمادی‌الاولی

عالیجاه عبدالله بیگ فراش عدلیه را قلمی میشود شما مأمورید آب‌انگرن‌را از قرار معمولی سنوات سابقه چهار تقسیم نموده و از حضرات ساداة چغری و کربلائی شعبان

میان دره	الوار	حقابه
دو قسمت	یک قسمت	یک قسمت

التزام بگیرید که تخلف ننمایند چنانچه برخلاف این قرارداد معمولی رفتار نمایند مورد مؤاخذه خواهند بود هرگاه سادات چغری و کربلائی شعبان حرفی دارند بیایند در شهر گفتگو نمایند البته از قرار دستورالعمل رفتار نمائید

[برحاشیهٔ سمت راست این دستورالعمل عبارات زیر نوشته شده است :]

وبمسعودالسلطان نوشته شدکه اگرلازم باشد دراجرای این‌حکم ازشما تقویت نماید.

احکام شرعی حکام شرعی استراباد

۱

تقاضای صدور حکم شرعی .

قبلةالاناما عرض میشود زیدنامی ملکی را اجاره داد بعمرونامی بعد خواست عمرو تصرف نماید معلوم شد که آنملك دزیدبکر نامی است وسالهای زیادی است که بکر مالك و متصرف است وعمرو هم هیچ تصرفی نکرد اجاره را فسخ همکرد آیا دراجاره مالك بودن موجر و قبض و اقباض عین مستأجره شرط است یانه ودر صورت معروضه که قبض نداده و عین مستحقة للغیر برآمده و فسخ هم کرده آیا موجر مزبور حق مطالبهٔ مال‌الاجاره ازمستأجر شرعاً دارد یاحق مطالبه ندارد وعرض دیگرآیا اینقسم اجاره خط وقبول اجاره‌های بی‌مورد از برای طرفین قانوناً اعتباری دارد یابکلی باطل و بی‌اعتبار است .

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این تقاضا مطالب زیر نوشته شده است :]

هو

اگرچه اجاره و استجاره باشد صحت دلیل دوباره تصرف و ملکیت است که

بعداز ثبوت عدم ملکیت و استحقاق غیریقیناً اجاره بـاطل و براستجار اثـری نیست شرعاً حررته بذکره . [جای مهر][1]

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

تسلیم عین‌مستأجره برای‌استیفاء منافع شرط است ابتداءً لامحاله اگر نگوئیم‌استدامةً هم شرط است وملکی را که مدعی‌ملکیت بکسی اجاره داد و نتوانست تسلیم مستأجر کند حق مطالبهٔ مال‌الاجاره ندارد چه رسد بآنکه بعد معلوم شود که موجر مالك هم نبوده حرره‌اقل خادم اهل‌العلم و العمل . [جای مهر][2]

هوالمستعان

در صحت اجاره مالك بودن موجر یا ماذون ازمالك بودن شرط است و در صورتی‌که چنین نباشد و مالك هم اجازه ننماید و ردکند عقد اجاره باطل است و صورت اجاره خط دراین‌حال معلومست که‌آن مدرکیت ندارد ودراین زمینه حق‌مطالبهٔ بدل‌الاجاره غلط است والله‌العالم . [جای دومهر][3]

۱ـ مهر کوچك بیضی با سجع : « عبده محمدحسن» . ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: « عبده محمدبن محمدطاهر » . ۳ـ مهـری بیضی‌که‌کلمات : « محمد باقر » بر آن خـوانده می‌شود و مهری بیضی دیگر بـا سجع : « عبده عباس‌العقیلی » .

۲

تقاضای تأیید حکم شرعی حاجی ملامحمد رضا.
در این ورقه متقاضی خواسته است بداند حکم حاجی ملارضا دائر برد املاك موقوفهٔ سادات به ایشان ازاحکام قاطعه ولازمه است یا نه و تجدید مرافعه پس‌ازاین حکم جایز است یانیست .

چه میفرمایند در باب آنچه مرحمت‌مآب حاجی ملامحمدرضا طاب‌ثراه بر لزوم رد امـلاك موقوفهٔ سادات بسادات عالیدرجات مرقوم فرموده‌اند و هـذه عبارته جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده‌اند وحکم شرعمطاع لازم‌الاتباع برلزوم رداملاك مرقومه است بحضرات مرقومین آیا این رقم فرخنده شیم آن جناب مرحمت مآب از احکام قاطعهٔ لازمهٔ ایشان است یا نه وتجدید مرافعه حرام است یا جایز بینواتوجروا.
[برحاشیهٔ سمت راست و پایین این ورقه تأیید حکم شرعی مطالب زیر نـوشته شده است :]

مع‌ان‌الاصل عدم‌القرینه ، پس‌از این حمل عبارت مسطوره براین که شخص بزرگوار حـاکی از غیر باشد یعنی از فقیه حی یا میت باشد ، چنانچه ایـن حکایت از غیردر صورتی است‌که مجتهدی در ولایة نباشد و در جاهای دیگر هرگاه باشد متعذر و یـا متعسر باشد واین شأن‌کسانی است‌که عبارت فقهاء رضوان‌الله علیهم را بفهمد یا آنکه درولایة اهل مرتبه بودند و درجاهای دیگر متعذر ومتعسر نبود لهذا متعرض ومتوجه شدن مرافعه بنحو حکایت جواز شرعی ندارد واین معنی را نسبت بـایشان دادن عین غلط وغلط است و رجوع خلق هم بآنمرحوم نیزجواز ندارد این مستلزم تضییق‌است و این نسبت بایشان بداست سهل است نسبت به پستر از ایشان بسیار بسیار بیجا و غلط است بلکه در عصر خود خصوصاً در اینولا اعلم از ایشان نبود پس از ایـن ایشان را

ضعیف شمردن وامثال‌طلاب فرض نمودن وحمل عبارت ایشان رابرحکایات واخبارات نمودن باآنکه متبادر ازامثال این عبارت ازاین اشخاص دراین موارد مخصوصه معنی انشاء حکم‌است واین‌تبادر دلیل برحقیقة است ولااقل دلیل است براراده معنی‌مجازی ظاهر و این ظاهر متبع است بلاخلاف پس ازاین مرافعه را تجدید نمودن خصوص با عدم تراضی خصمین حرام است و جـواز شرعی ندارد والسلام و تطویل محتاج است بآنکه زمانی را وسعت داده باشید و هرگاه خواسته باشید بفرمائید . [جای مهر] [1]

[برحاشیهٔ بالای این ورقه عبارات زیر نوشته شده است :]

هوالعالم بحقایق احکامه

بلی این نوع عبارت که صادر شود از اشخاصیکه صاحب مرتبهٔ اجتهاد باشند خصوصاً ازچنین بزرگوار که در عصر خود یا عدیل ونظیر نداشت و هرگاه داشت بسیار بسیار قلیل ونادر بـود صاحب تصانیف و تـألیفات بسیار خـوب میباشد خصوصاً فقه را دال برانشاء معنی حکم است و محمول است برانشاء معنی حکم خصوصاً بـاانضمام قرائن من حضور خصمین ومطالبهٔ شهود معتبره و با وجود حاکم شرع در ولایة ویا درجاهای دیگر رجوع بایشانها ممکن بود ومتعذر و متعسر نبود و معذلك خصومة ودفع ورفع خصومة رجوع بایشان شد و آن مرحوم اعلی‌الله مقامه متعرض و متوجه مرافعه شد و قطع نزاع طرفین باسباب معتبره نمود و باین الفاظ مذکوره قطع نزاع نمود و ایـن الفاظ ظاهراست درانشاء معنی حکم واین ظاهر یامعنی حقیقی است و یامعنی‌مجازی است و هریك‌که باشد باید این ظاهر مراد باشد بجهت‌آنکه ارادهٔ خلاف ظاهر یاعدم نصب قرینه برخلاف قبیح است و اغواء بجهل است .

۱ـ مهری چهارگوشهٔ بزرگ باسجع : « افوض امری‌الی‌الله عبده محمدباقر » .

وقفنامه

۱

سواد وقفنامهٔ مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق .
دراین سند جعفرقلی‌خان همگی و تمامی کل ششدانگ یك در-بند دکان واقع در بازار نعلبندان از محلات استراباد را وقف بر تعزیه‌داری حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام کرده‌است.

الحمدلله الواقف علی‌الضمایر و المطلع علی‌السرائر

و الصلواة والسلام علی‌خیرالعشایر والقبایل

محمدٍ وآله‌اجمعین

غرض از تحریر این حروف شرعیه آن است که وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی نمود درحال اختیار بدون شائبهٔ اکراه واجبار عالیجاه معلی‌جایگاه نتیجةالخوانین عمدةالاعیان و الاشراف جعفرقلی‌خان خلف علیین آرامگاه غفران‌پناه رضوان‌جایگاه عبدالله‌خان قرموسی‌لو قاجار همگی و تمامی کل ششدانگ یکدربند دکان واقعه در بازار نعل‌بندان من محلات دارالمؤمنین استراباد صانهاالله عن‌التفرقة والفسادباجمیع

تـوابع و لواحق شرعیهٔ آن من غیرآن یستثنی‌منه شیء که شرقیاً متصل‌است بشارع بازار مقابل بمسجد جامع غربیاً متصل بزمین محمدناصرخان جنوبیاً متصل است بدکان آقاسید حسین شمالیاً متصل است بدکان کربلائی کاظم‌آقا برسرکار فیض آثار ابـاعبدالله الحسین صلوات‌الیه و سلامه علیه و علیهم اجمعین باسائرائمهٔ هدی و سایر شهدای صحرای کربلا که آنچه مداخل و منافع دکان مـزبوره بشود اولاً درتعمیر و آبادی دکان مزبوره اخراجات نمایند وعلاوه از خرج دکان نصف آنرا درخانهٔ واقف دردههٔ عـاشورا صرف شربت وطبخ و آش و سوخت و سایر ضروریـات نمایند ونصف مداخل را بذاکرین آن بزرگواران که در تکیهٔ سرپیر [انـد] بدهند وتولیت‌آنرا مفوض نمود بنفس نفیس خود و بعد باولاد اکبر خود نسلاً بعدنسل و بطناً بعدبطن و بعدالانقراض العیاذاً بالله باعلم و اصلح اهـل محلهٔ سبزمشهد میباشد وعشر از منـافع بعداز اخراجات همان دکان‌بامتولی‌میباشد و صیغهٔ وقف بقانون شرع‌انور جاری شد و عمل بوقفیت واقف نمود واین چند کلمه برسبیل یادداشت قلمی‌گردید تا عندالحاجة حجت شود .

وکان ذلك فی‌غرة شهر رمضان‌المبارك من‌شهور سنة ۱۲۷۳ .

[جای مهرجعفرقلی‌خان واقف]

[برحاشیهٔ بالا و سمت راست این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

قداعترف الواقف المرقوم بالوقف والعمل بنحوالمرقوم‌لدی الجانی‌فی۱۲ شهرشوال ۱۲۷۳ . [محل خاتم مرحوم آقاملا آقا محمد طاب‌ثراه]

قداعترف الواقف المعظم الیه‌المزبور بالوقف والعمل بـه علی نحو مـا زبرفیه‌لـدی الاحقر فی۱۲ شهر شوال المکرم هزارو دویست وهفتاد و سه .

[محل خاتم مرحمتمآب آقا ملا محمد ولی]

عالیجاه جعفرقلی‌خان اقرار بمراتب مزبوره نمودند . [محل خـاتم شریف مرحوم آقاسید تقی عبده محمد تقی‌الحسینی . محل خـاتم مـرحوم حاجی آخـوند حـاجی ابوالحسن طاب‌ثراه]

بسم‌الله تعالی

سواد مطابق مع‌اصله‌المعتبر المعتمد معمول بـه فی‌سنوات عدیده [جـای مهر][1]
جناب آقاشیخ هادی سرپیری است .

بسم‌الله تعالی شأنه

هذاالسواد مطابق لاصله المعتمد حرره‌الاحقر الجانی ۱۳۳۶ . [جـای مهر][2]
جناب آقای شیخ علی دیاجاقی است .

جناب آقاشیخ محمد مقیم است . [جای مهر][3]

سجع مهر واذکر فی‌الکتاب اسمعیل .

سجع مهر تاج سرانبیا محمد.

محل مهر کربلائی عباسعلی . [پیرو دین محمد عباس]

اقرو اعترف الواقف المرقوم بجمیع مارقم فیه لدی الخاطی. [سجع مهر بندهٔ آل محمدکـاظـم]

قد اقر بجمیع ما زبرفیه لدی. [محل خاتم جناب آقا ابراهیم]

قد اقرالواقف کما زبرفیه لدی ۱۲۷۳. [سجع مهر عبده آقابابا]

۱ـ مهری بیضی باسجع: « عبده‌الراجی محمدهادی» . ۲ـ مهری بیضی‌باسجع: « علی‌بن محمدنبی » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « عبدالصمد » .

هوالمستعان

هذه‌السواد مطابق لاصله‌المعتبر حررته فی ۱۵ شهر محرم ۱۳۳۶ . [جای مهر][۱]
آقاشیخ رضاسلطان العلما بابلکانی‌است .

السواد مطابق لاصله . [جای مهر][۲] جناب آقا سید نجم‌الدین .

سواد مطابق است بااصل . [جای دومهر][۳] عباس‌خان قاجار ، غلامحسین‌خان قاجار .

هذاالسواد مطابق‌لاصله‌المعتبرالمعتمد. [جای مهر][۴] آقاشیخ هادی‌فرزند حضرت آقای آقاشیخ حسن مجتهد .

محل مهر مرحوم کربلائی رحیم‌خان اولاد واقف است .

محل مهر اللّٰه‌قلی‌خان قاجار .

سواد مطابق است با اصل معتبر وقفنامه فی‌التاریخ هادی سررشته‌دار دارائی استراباد . [جای مهر][۵]
الشهود کربلائی حسین‌خان و عباس‌دائی .

بسم‌اللّٰه‌الرحمن‌الرحیم

سواد مطابق اصل صحیح معتبر معتمدعلیه و معمول‌به است حرره‌الاقل ۱۴ محرم ۱۳۳۶. [جای مهر][۶]

۱ـ مهری بیضی باسجع: « سلطان‌العلماء» . ۲ـ مهری بیضی‌باسجع:« نجم‌الدین الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « عبده عباس » و مهری بیضی باسجع : « عبده غلام‌حسین » . ۴ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « محمدهادی » . ۵ـ مهری بیضی حاشیه‌دار باسجع : « محمدهادی » . ۶ـ مهری بیضی باسجع : « عبده محمدبن محمدطاهر » .

هذاالسواد مطابق‌لاصله‌الاصیل‌المعتبرالمعتمد بحیث‌لااختلاف بینهما بعد مقابلتهافی‌یوم . . . احدعشر یوماً خلون من‌محرم‌الحرام ۱۳۳۶. [جای مهر][1] جناب آقاسید ابراهیم شریعت.

۲

وقفنامهٔ مورخ ۱۳۰۵ ﻫ . ق .

دراین سند ام‌کلثوم خانم تمامی حصه و رسد وسهم خود را از قریهٔ النگ ازتوابع سدن‌رستاق استراباد وقف بـر تعزیه و عزاداری و عزاداران گلگون قبای صحرای کـربلا ابـاعبدالله الحسین علیه‌السلام و خـاتم الانبیا و امیرمـؤمنان و صـدیقهٔ طاهره و باقی‌ائمهٔ هدی کرده است .

بعدالحمدوالتصلیه بمصداق آیهٔ وافی‌هدایهٔ کل نفس ذائقةالموت برهر فردی ازبنی نوع انسان را لازم و متحتم که شربت ناگوار مرگ را نوش‌جان نماید واز این‌سراچهٔ دنیای ناپایدار غدار نقل بسرای عقبی که دارابدی وسرای جاوید سرمدی است‌نماید بناءً علیه برساکنین مکلفین ایـن نشأة فانی لازم است که چند صباحی درایـن عالم منزل نموده برخود واجب ولازم دانسته که توشه و زاد و راحله جهة سرای باقی‌ابدی خود تحصیل نمایند که دستگیر و عاید ایشان گردد درروز فزع اکبر و درعالم‌برزخ نظر بکلام مجید علام وماتقد موا لانفسکم خیر تجدوه عندالله ونظر باخبار واحادیث مخبرین صادقین از حضرات انبیاء و مرسلین و اولیاءالصدیقین خواجه حضرت خاتم‌ـ النبیین وائمهٔ طاهرین صلوات‌الله وسلامه علیهم اجمعین که برهر فرد افراد انسانی را لازم که قیام و اقدام در عبادات واجبه و مستحبه و صدقات و خیرات و مبرات جـد و

۱ـ مهری چهارگوشه باسجع : « سلام علی‌ابراهیم » .

جهد نمایند و توسل به انوار خمسهٔ طیبهٔ طاهره واولاد طیبین طاهرین ایشان نموده و تولای بایشان وتبرای بدشمنان ایشان نمایند ودوستی وخدمتگذاری بذراری ایشان و دوستان و شیعیان و محبان ایشان نمایند خواهد بذل مال درراه ایام سرور وایام حزن ایشان نمایند که موجب سرافرازی دنیا وآخرت ایشان خواهد بود ودرزمرهٔ ملازمان و خدمتگذاران ایشان محسوب خواهد [شد] و وسیلهٔ نجات از یوم فزع اکبر وداخل دارالسرور و نعمت جاویدانی ابدی خواهند رسید فلهذا موفق و مؤید شد بتوفیق و تأئید سبحانی عفت‌مآب قمرنقاب ام‌کلثوم خانم صبیهٔ مرضیهٔ مرحوم مبرورخانجان آقا قاجار زوجهٔ دائمهٔ بودهٔ مرحمت‌مآب خانلرخان خلف مرحمت‌مآب خلد نقاب جعفرقلی‌خان قاجارکه وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمود حسبةً لله همگی و تمامی حصه و رسد و سهمیکه مرحومهٔ مزبوره داشت ومالك و متصرف بود از قریهٔ معروف بهالنگ من توابع سدن‌رستاق استراباد را با جمیع توابع شرعیه و لواحق عرفیهٔ آن‌که حصه و رسدی عصمت‌مآب مزبوره در خارج معین است از اراضی عامره و غامره و مزارع و مراتع و جنگلستان و ملیارستان و توتستان و آسیای و آبدنگ و حمام و محل خانقاهه و قنوات دائره و بائره و چشمه‌سار و شیوار و ناور و غیر ذلك ازآنچه ملکیت را سزد وشاید ونفع توان برد بدون استثناء شیء برتعزیه و عزاداری وعزاداران گلگون قبای صحرای کربلاجناب اباعبدالله الحسین روح‌العالمین له‌الفداء وحضرت خاتم‌الانبیاء و وصی بلافصل آن بزرگوار امیرمؤمنان وصدیقهٔ طاهرهٔ زکیه و باقی ائمهٔ هدی و شهدای دشت کربلا و شهدای بدرو احد وغیرذلك که حاصل منافع و مداخل عین موقوفه را متولی هرطبقه بعداز موضوعات ملکی و حق‌التولیه که عشراست در خانهٔ مرحمت‌مآب جعفرقلی‌خان قاجارکه موقوفات مرحمت‌مآب راصرف مینمایند در همانجا و در همان خانه در دههٔ ایام عاشورا صرف تعزیه‌داران از قبیل اکل و شرب و شربت و چای و روضه‌خوانی بهر نحوکه متولی صلاح داند نمایند و

تولیت عین‌موقوفه را واقف مزبور بنفس‌خود مفوض داشت و بعداز او بعالیجاه مجدت‌همراه کربلائی رحیم‌خان واگذار نمود و بعداز او باکبر اولاد ذکور مرحمت‌مآب جعفرقلی‌خان قاجارمفوض داشت‌که بهمان‌نحویکه مرحمت‌مآب دروقف‌نامهٔ موقوفات واقعه در خانهٔ خود متولی قرار داده است واقف مزبوره نیز قرار داده است و حق‌التولیه غیرالمنافع است که حق متولی هرطبقه است و صیغهٔ وقف بعربی و فارسی ایجاباً و قبولاً بوکالهٔ شفاهیه از واقفهٔ مزبوره واقع شد و قبض و اقباض که متحتم وقف است بعمل آمده فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه .

وکان وقوع ذلك الوقف فی‌احدی عشرمن شهر
صفرالمظفر من‌شهورسنة خمس‌وثلثمائه‌بعدالف‌سنة۱۳۰۵.

ثم‌بعد ذلك‌الوقف واقفهٔ مزبوره من‌حیث التولیه تمامت عین موقوفه ازقریهٔ مزبوره را باتوابع شرعیه و لواحق عرفیهٔ آن بخود اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه داده است درمدت معین‌که در قبول اجارهٔ خارج مندرج است ببدل معین و صیغهٔ اجاره و استجاره نیز واقع و جاری شد .

فی۱۱ شهرصفر ۱۳۰۵.

[برحاشیهٔ سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد وقع الوقف من‌الواقفه الموفقه والاستجار حسبما رقم فیه‌لدی الاقل‌فی۱۱ صفر ۱۳۰۵ . [جای مهر] [1]

قد وقع بمافیه لدی . [جای مهر] [2]

قد وقع بمافیه لدی [جای مهر] [3]

۱ــ مهری بیضی باسجع : « عبده جعفرالحسینی » . ۲ــ مهری بیضی باسجع : « علی‌بن رضاقلی » . ۳ــ مهری بیضی با سجع : « عبده نظرعلی » .

قد اقر. [جای مهر][1]

نسخهٔ دیگری از این وقفنامه دردست است که عبارات آن بامتن این وقفنامه اختلاف دارد و ظاهراً دردو محضر جداگانه تنظیم شده‌اند و رونوشتی از این سند نیز دردست است .

۳

وقفنامهٔ مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق .

دراین سند بهرام علیخان حسب وصیت والد خود ـ آقاجان دائی ـ همگی و تمامی نصف مشاع از قریهٔ اتراچال که سهم آن مرحوم از نیم‌دانگ و نیم‌ربع مشاع بوده است وقف بر تعزیه ـ داری وسوگواری ختمی‌مرتبت و ائمهٔ طاهرین واصحاب کبار راشدین کرده است .

الحمدلله الواقف علی الضمایر

والمطلع علی الخفایا والسرائر

والصلوة علی محمدوآله خیرالعشایر

و بعد وقف صحیح شرعی و حبس صریح مخلد ملی اسلامی نمود حسبةً لله تعالی و طلباً لمرضاته عالیشان عزت‌نشان بهرام‌علیخان خلفمرحوم آقاجان‌دائی وهوخلفمرحوم فتحعلیخان قاجار قراماسانلوی حسب وصیت والد ماجد خود و هوآقاجان دائی‌مزبور مضافاً الی‌اعتراف الواقف الوارث المنحصر بالوصیة المذکوره همگی و تمامی نصف مشاع از تمامت آنچه را که مرحوم والد ماجدش آقاجان دائی از قریهٔ اتراچال

[1] ـ مهری بیضی باخط طغرا که کلمات «محمدرحیم» بر آن‌خوانده می‌شود.

مالك ومتصرف بوده‌که عبارت است تمامت سهم آنمرحوم از نیمدانگ ونیمر بع‌مشاع حسب ماقبل از قریهٔ اتراچال با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیهٔ متعلقهٔ بآن از مجاری‌المیاه و مزارع و مراتع و غیرها کان ماکان برمصرف تعزیه‌داری و سوگـواری حضرت مستطاب ختمی‌مآب و ائمهٔ طـاهریـن و اصحاب کبار راشدین ایشان سلام‌الله علیهم اجمعین کـه حاصل مداخل و منافع عین موقوفه را متولی عین مـوقوفه بعداز تعمیرات لازمهٔ عین موقوفه تنصیف نموده نصفی درتکیهٔ سر پیر در دههٔ عاشورا ازغرهٔ نجومی محرم‌الحرام تادوازدهم شرعی و نصف دیگر را درخانهٔ بزرگ مرحوم جعفر-قلیخان که منبر دارند عندالامکان دردههٔ عاشورا بشرح مزبور درصورت تعذر تاسلخ شهر صفر بهر نحوکه صلاح داند از هدیهٔ روضه‌خوان و صرف چای و شربت و قهوه و غلیان و اطعام وغیرها صرف و خرج نماید و مقرر گردید تولیت عین موقوفه مادام-الحیوة بابهر امعلیخان واقف و بعده باعالیجاه عزت همراه نظرخان آقایوزباشی و بعده با بزرگتر و رشیدتر از اولاده وجعفرقلیخان قراماسانلوی و بعدانقراضهم باعالم محلهٔ سرپیر و درصورت نبودن عالمی با چهار نفر پیرمرد گذر سرپیر و حق‌التولیه عشر از منـابع بعدالتعمیر وقرارشد در تعمیرات عین موقوفه از قنوات و غیرها و درمصـارف تعزیه‌داری ازصلاح وصوابدید عالیجاهان‌کربلائی رحیمخان‌آقا ونظرخان‌آقا خارج نشود و صیغهٔ وقف عقداً و ایقاعاً بوکالت شفاهیه وعمل بوقفیت درهردوموضع وقوع و جریان پذیرفت .

وکان ذلك تحریراً فی‌هشتم شهرصفرالمظفر سنة ۱۳۰۷.

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است :]

الباقی مـن‌الحصةالمرحوم المذکور من‌القریة المرقومه مـع‌تـوابعها محکوم بملکیة

الوارث تحریرا فی صفر سنهٔ ۱۳۰۷ . [جای مهر][1]

قداجریت صیغة لذلك کذلك قدکنت جالساً فی المجلس العمل بالوقف کان فی المحرم تحریراً فی صفر سنهٔ ۱۳۰۷. [جای دومهر][2]

قداقر بالوقف و القبض لدی فی عاشر صفر ۱۳۰۷ . [جای مهر][3]

قداعترف الواقف الموفق کمافیه لدی الآثم فی ۹ من صفر المظفر ۱۳۰۷ . [جای دومهر][4]

قد حضر الواقف الموفق واعترف بالوقف و القبض لدی فی شهر ربیع الاول ۱۳۰۷ . [جای مهر][5]

قد اقر الواقف بوقف مافیه و قبضه بعدالوقف لدی الاحقرفی ۳ ربیع الاول ۱۳۰۷ . [جای مهر][6]

قد اعترف بالوقف والعمل کما رقم فیه لدی . [جای مهر][7]

حضر الواقف الموفق و اعترف بالوقف المزبور والقبض لدی حرره الاقل فی ۱۱ صفر ۱۳۰۷ . [جای مهر][8]

قداعترف الواقف المزبور بالوقف و العمل لدی الآثم فی شهر صفر ۱۳۰۷ . [جای مهر][9]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « اللهم صل علی محمدوآل محمد » که دوبار زده شده است.
۲ـ مهری بیضی باسجع : « اللهم صل علی محمدوآل محمد » و مهر بیضی دیگر باسجع : « نصرمن الله محمدولی ۱۳۰۱ » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « محمد هادی » .
۴ـ مهری بیضی کوچك بانام: « محمدحسین» ومهربیضی بزرگتر باسجع: « عبده محمدتقی ۱۲۹۲ » . ۵ـ مهری بیضی باسجع : « عبده الراجی ابراهیم الحسینی » .
۶ـ مهری چهارگوشه باسجع: «ارزقنی شفاعة الحسین» . ۷ـ مهری چهارگوشه باسجع : « نمسك صراط الحق قلی » . ۸ـ مهری چهارگوشه باسجع:« یاامام محمدنقی» .
۹ـ مهری بیضی باسجع:« عبده غلامعلی » .

قد اقر الواقف الموفق بالوقف والعمل لدی الاقل فی‌احد عشر صفر المظفر ۱۳۰۷.
[جای دومهر بیضی ناخوانا]
اعترف‌الواقف بالوقف و العمل لدی الاقل‌فی ۱۲ شهرصفر ۱۳۰۷. [جای مهر][1]
اعترف‌الواقف بالوقف المزبور والقبض المرقوم‌لدی الاقل حررته فی‌عاشر شهرصفر ۱۳۰۷. [جای مهر][2]
ثبت دراین ورقه خلاقی ندارد فی‌تاریخ سنهٔ ۱۳۱۲. [جای مهر][3]

٤

وقفنامچهٔ مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق .

دراین سند شهربانو سه دانگ کامل مشاع ازکل ششدانگ خانهٔ مسکونی‌خودرا واقع درگذر بنی کریم من مضافات محلهٔ میدان بلدهٔ استراباد بر عزاداری و تعزیه‌داران خامس آل عبا وسایر شهدای کربلا وقف کرده و شرایط وقف را در آخر وقفنامچه آورده است.

بسم‌الله تعالی شأنه الحمدلله الواقف علی‌السرائر و المطلع علی‌البواطن والضمائر و صلی‌الله علی‌محمدالمبعوث علی‌الثقلین صاحب المناقب والمقابر وخیرالقبائل‌والعشائر امابعدالحمد والتصلیه برالواح‌ارواح زاکیه وصفایح‌اذهان‌منیعهٔ مستقیمه می‌نگاردکه غرض ازتحریر این زیور مبری از خلل و قصور وباعث ازبنیان این قواعد مرصوصة‌ـ البیان آنستکه برواقفان مواقف توفیق ظاهر و روشن و درپیشگاه باطن اهل تحقیق ثابت ومبرهن است که این دنیای غدار ناپایدار جای اقامت و محل استقامت نیست و

۱ـ مهری چهارگوشه وناخوانا. ۲ـ مهری بیضی با سجع: «محمد طاهر ـ الحسینی». ۳ـ مهری بیضی باسجع: «عبده‌الراجی محمدصادق‌بن احمد».

انتقال از دار غرور دنیا بمقام سرور عقبا لابد و ضرور است که انما الدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت انما الدنیا کبیت نسجته العنکبوت و بمفاد الدنیا مزرعة الاخرة و بمضمون برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست کما قال الله تعالی و ماتقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله و بمفاد حدیث شریف نبوی اذامات ابن آدم انقطع عمله الاعن ثلث صدقة جاریه او علم ینتفع به او ولد یستغفر له جمیع مکلفین را لازم است که بقدر مقدور و امکان درامور اتی که موجب رضای خدا وائمهٔ هدی باشد ساعی باشند سیما ناظر بمضمون من اشتاق الی الجنة سارع الی الخیرات و در سرزمین زندگی نشاندن درخت نیکوکاری مثمر اثمار برخورداری از آمالها است و در زراعتگاه دنیا افشاندن تخم رستگاری سبب ادراك ربع رستگاری دروقت عمل حصاد عملهاست بناءً علیهذا برهرفردی ازافراد بنی نوع انسان بمقتضای آیهٔ وافی هدایهٔ لیس للانسان الاماسعی تهیهٔ زاد معاد لازم ومتحتم لهذا توفیق وسعادت رفیق شدمرعفت و عصمت پناه خدارت مآب شهربانو بنت مرحمت پناه آقا محمدحسن شهری زوجهٔ بودهٔ مرحمت و غفران مآب خلدنصاب فردوس ایاب آقا سید اسحق خاندوزی الاصل که وقف صحیح شرعی مؤبد و حبس صریح ملی اسلامی مخلد نمود همگی و تمامت سه دانگ کامل مشاع ازکل ششدانگ ازیکباب خانهٔ ملکی متصرفی مسکونة الحال خود را که واقعه است درگذر بنی کریم من مضافات محلهٔ میدان من بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد خلیت عن التفرقة والفساد که محدوداست بحدود اربعه شرقیاً اتصال دارد بخانهٔ توفیق آثار ملازکی اسبو غربیاً اتصال دارد بکوچهٔ خاص جنوبیاً اتصال دارد بعضی بخانهٔ خیر الزوار کربلائی علی اکبر ایلواری و بعضی بخانهٔ کربلائی مهدی بن مرحوم جعفر وشمالیاً اتصال دارد بعضی بخانهٔ سلالة الاطیاب والانجاب آقامحمد سعدآبادی و بعضی بخانهٔ رفیع بن مرحوم ملانوروزعلی اسبو و به یك قطعه زمین محوطهٔ معینهٔ مفروزهٔ واقعه درطرف شمالی خانهٔ ملکی متصرفی مسکونة الحال کربلائی علی اکبر المزبور که از جزء حیاط خانهٔ

مزبوره‌وخارج ازحیاط است‌وفعلاً مطبخ‌خانهٔ مزبوره است‌که‌آ نقطعه زمین‌معینهٔ خارج ازآن ششدانگ خانه‌است وداخل درسه دانگ موقوفه نیست‌که زمان وقوع وجریان صیغهٔ وقف‌آن سه دانگ ازخانهٔ مزبوره‌آ نقطعه زمین‌مستثنی شده است باکافهٔ ملحقات شرعیه ومنضمات عرفیه و مضافات عـادیه و سایر از متعلقات آن از حیاط و حیاض و انهار و اشجار و بیوتات وجـدار ومماا‌علق علیه بابها و احـاط به جدرانها عن آنچه ملکیة را سزد و شاید و نفع درآن متصور شود مـن تخوم‌الارض الی‌عنان‌السماءکائنةً ماکانت من دون استثناء شیء من‌التوابع و المنافع و الحقوق من‌بیت‌المزبور کـه در خارج آنخانه مشخص و معین است و از غایة شهرت و تفرد مستغنی از توصیف زیاده است وقف است برعزاداری و تعزیه‌داران خامس آل‌عبا گلگون قبـای عـرصهٔ نینوا شافع‌یوم جزا سیدالشهدا حضرت ابی‌عبدالله الحسین روحنا و روح‌العالمین لـه‌الفداء صلوات‌الله وسلامه علیه و علی اولاده واصحا بـه وسایر شهدای‌کرب‌وبلا وائمهٔ هدی و حضرت رسول خدا و فاطمهٔ زهرا علیها سلام وحمزه سیدالشهدا وجعفر طیار ومسلم‌بن عقیل واولاد او وشهداء بدر و احد سلام‌الله علیهم‌اجمعین‌که ثـواب‌آن عاید بروزگار مرحمت‌مآب خلدنصاب آقاسید اسحق خـاندوزی الاصل و مـرحومهٔ مغفوره صبیه‌اش عفت و عصمت‌پناه خدارت مآب اقلیمابیگم گردد و از قرار دستورالعمل ذیل انشاءالله تعالی متولی حال و استقبال معمول بدارند که همین دستورالعمل موافق است با عمل واقفهٔ موفقه واماکیفیت عمل بـدین دستورات مادامیکه ملك و عین موقوفه حـاجت بتعمیر واصلاح داشته و مخارج لازمه داشته باشد متولی از منافع آن عین موقوفه را تعمیر و اصلاح و صرف و خرج نماید حاصل که تعمیر واصلاح ملك و عین مـوقوفه مقدم است برهمهٔ مراتب وبعداز تعمیر ووضع عشر از باقی از منافع بجهة حق‌التولیهٔ بقیه از منافع را متولی مختار است در هرسالی در دوماه ازآنسال که ماه محرم وصفر بوده باشد در مسجد واقعه درگذر بنی‌کریم که تعلق به آقایان سادات دارد صـرف و

خرج مجلس تعزیه وعزاداری حضرت امام سعید شهید سیدالشهدا روحنا له الفداء نمایند از اجرت ذاکرین و چائی و قهوه وقلیان بلکه طعام مؤمنین در صورت وفا وصلاح متولی بجمع میان مخارج مرقومه و یا تبدیل چائی و قهوه را با طعام مؤمنین حسب صوابدید خود متولی و در صورت اطعام مختارند قبل از ذکر مصیبت و بعد از آن و در صورت امکان و عدم ضیق برمتولی اقامت عزا ومخارج درهمان مسجد بنی کریم که محل خرج و صرف منافع موقوفه است نماید و درصورت عدم امکان بواسطهٔ عروض عوارضات متولی هرعصری مختار است که در هرمکانی ازامکنه که ممکن شود اقامت مجلس عزا نماید و در صورتیکه منافع عین موقوفه کفایت در تعزیهٔ مجلس مردانه نکند مجلس مردانه را تبدیل بمجلس زنانه نماید ونیز متولی هرعصری درصورتیکه درایام عاشورای محرم اقامت مجلس تعزیه نماید ومنافع موقوفه را درآن دهه خرج و صرف کند بایدآن متولی مبلغ پنجهزار وجه رایج سلطانی ازمنفعهٔ عین موقوفه بدهند باشخاصی که در شب عاشورا درآن مسجد خرج میدهند خرج دهنده درشب عاشورا یك نفر باشد و یا زیاده که لازم است بر متولی هرعصری از قرار مرقوم عمل نمایدو قرارداد واقفهٔ موفقه تولیت عین موقوفه را مادام الحیوة بنفس نفیس خود و بعدازفوت خودش تولیت عین موقوفه باعالیجناب سلالة السادات العظام الکرام آقا محمد سلمه الله تعالی خلف مرحمت پناه خلدنصاب فردوس ایاب آقا آقاکوچك بن مرحمت پناه آقاکاظم از طایفهٔ بنی کریم و بعداز فوت اوخدای نخواسته تولیت عین موقوفه با اصلح و ارشد از اولاد ذکور او وذکور ازاولاد ذکور اوهکذا بطناً بعد بطن و نسلاً بعدنسل و بعدالانقراض العیاذاً بالله تولیت عین موقوفه با اصلح وارشد از اولاد ذکور و ذکور از اولاد ذکور از طایفهٔ بنی کریم وبعد از انقراض آنطایفه العیاذاً بالله تولیت عین موقوفه بااعلم و اصلح واتقی ازعلمای محلهٔ میدان و دربنو وحق التولیه بعداز وضع مخارج لازمهٔ عین موقوفه عشر از منافع است که در ظرف دوماه محرم وصفر بوده باشد متولی

مختار است که در آن دوماه هرزمانی بخواهد لیلاً و نهـاراً تمامی آن منافع را در مجلس تعـزیه خرج و صرف نماید حسب قـرارداد واقفهٔ موفقه و صیغهٔ وقف صحیح شرعی لازمی بالعربیة و الفارسیة علی‌ماهوالمقرر فی‌الشریعة النبویه بوکالة الحضوریه عن‌الواقفة الموفقة المزبوره بشرایطها صدرمن‌اهله و وقـع فی‌محله سمت جـریان و تحقق پذیرفت قبض وعمل بوقف که شرط لزوم است نیزحاصل‌گردید و واقفهٔ مزبوره تخلیه از عین مـوقوفه نموده و بتصرف وقف داده وعمل بـوقف نموده و از منفعة آن عین موقوفه مجلس عزا و مصداق تعزیه بعمل آورده و بسایراز املاك مـوقوفهٔ مسجد مزبوره منضم نموده فصار وقفاً صحیحاً شرعیاً ملیاً اسلامیاً لازماً فمن بدله بعدماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه .

وکان وقوع و جریان صیغةالوقف فی‌چهارم
شهر جمادی‌الثانیه من‌شهورالعربیة من‌سنة
هزاروسیصد و ده هجری نبوی سنة ۱۳۱۰.

[بردوحاشیهٔ بالا وسمت راست این‌وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

قدجرت ووقعت صیغةالوقف حسب جمیع‌مانمی‌الیه بوکالة الشفاهیه من‌الواقفة الموفقة المزبوره من‌اقل خادم‌الشریعه وقدوقع‌العمل بالوقف‌المزبورلدی الاحقرفی‌التاریخ.

[جای مهر] [1]

قد وقع بما رقم . [جای مهر] [2]

قد وقع الوقف والعمل بما رقم فیه لدی الجانی. [جای مهر] [3]

۱ـ مهری بیضی بزرگ باسجع : « عبده‌الراجی محمد رفیع‌الحسینی » . دومهربیضی دیگر پهلوی این مهر است که سجع یکی : « عبده غلامعلی » و دیگـری « عبده‌الـراجـی محمدالحسینی » است . ۲ـ مهـری بیضی بـاسجع: « عبـده‌الراجی محمدالحسینی».
۳ـ مهری بیضی باسجع : «عبده محمدالحسینی» .

قد وقع الوقف والعمل به لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای مهر] [۱]

اذا وقعت الواقعه . [جای مهر] [۲]

قد وقع الوقف و العمل به لدی الآثم . [جای مهر] [۳]

قد وقع الوقف و العمل به لدی الجانی فی‌التاریخ . [جای دو مهر] [۴]

وقعت الواقعه لیس‌لوقعتها کاذبه . [جای مهر] [۵]

قد وقع مارقم فیه لدی الآثم فی‌التاریخ . [جای مهر] [۶]

۵

وقفنامهٔ مورخ ۱۳۲۶ ه . ق .

دراین سند کربلائی مهدی سه دانگ مشاع ازکل ششدانگ خانهٔ خود را بر تعزیه‌داران حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام و سایر شهداء دشت کربلا وقف‌کرده است .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله‌الواقف علی‌الضمایر المطلع علی‌السرائر والصلوة والسلام علی افضل الاوائل والاواخر و علی‌آله‌الطاهرین و بعدقال‌النبی صلی‌الله علیه و آله اذامات المؤمن انقطع عمله‌الامن ثلثة و لدصالح یدعوله و علم ینتفع به‌بعد موته‌و صدقة جاریة وقف مؤبد صریح صحیح شرعی نمود توفیق آثار خیرالزائرین کربلائی‌مهدی خلف مرحوم جعفر ساکن شهراسترا باد فی‌محلهٔ بنی‌کریم‌همگی‌وتمامی

۱ـ مهری بیضی‌باسجع: «عبده علی‌الحسینی» . ۲ـ مهری‌بیضی کوچك‌باسجع: «عبده‌احمدالحسینی». ۳ـمهری‌بیضی که‌کلمات«الله‌الراجی‌محمدالحسینی» بر آن‌خوانده می‌شود. ۴ـ مهری بیضی باسجع: «عبده عباس‌الحسینی» و مهری چهار گوشه که‌کلمات « میرکریم‌الحسینی» بر آن خوانده‌می‌شود . ۵ـ مهری‌بیضی‌باسجع: «یارب ببخش مرا محمدعلی». ۶ـ مهری گلابی‌شکل باسجع : « صح عباسعلی ۱۲۹۶ » .

سه دانگ مشاع از کل ششدانگ خانهٔ خود را که واقع است در گـذر بنی‌کریم در جنب خانهٔ مشهدی علی‌اصغربن مرحوم غفورکه سه دانگ خانهٔ مزبوره را کـربلائی مهدی مزبور از ملامحمدرحیم‌بن کربلائی کـریم ابتیاع نموده بـود بـرتعزیه‌داران حضرت اباعبدالله الحسین ۴ روحنا له‌الفداه و سایر شهداء دشت کربلا که متولی عین موقوفهٔ مزبوره منافع و اجارهٔ آن را دریافت دارد بعداز تعمیر لازمه نصف آن را در مسجد بزرگ بنی‌کریم که واقع درسمت شرق است ونصف دیگر را در مسجدکوچك واقع در سمت غـرب و تکیهٔ فوق دروازهٔ کاروانسرای جناب مستطاب آقائی آقـاعلی بالمناصفـه صرف و خرج نمایند براطعام وچای وقهوه و وجه روضه‌خوان ازاول‌شهر محرم الی‌آخر صفر و قرارداد واقف مزبور تولیت عین موقوفهٔ مزبوره را مادام‌الحیوة از برای نفس خود بعداز فوت و موت خود برآقایان سادات اجلهٔ بنی‌کریم‌که متصدی امور سایر موقوفه‌های مسجد مزبورند و قرارداد واقف مزبور حـق متولی را عشر از منافع واجاره وصیغهٔ وقف مزبور بنحو مسطور علی‌الوجه الصحیح واقع وجاری‌گردید ثم‌بعد قبض و اقباض و عمل بوقف هم شد .

وکان ذلك فی هشتم شهررجب‌الاصم‌من‌شهور
سنة هزار و سیصد و بیست وشش‌سنهٔ۱۳۲۶.

[برحاشیهٔ بالا وسمت‌راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

اعترف الواقف بجمیع مافیه لدی الاقل حررته فی‌دوازدهم ۱۲ شوال‌المکرم هزار و سیصد و بیست و شش ۱۳۲۶ . [جای مهر][1]

۱ــ مهری بیضی کوچك با سجع : « محمدطاهر الحسینی » .

قد وقع جمیع مارقم فیه من الواقف و القبض و العمل لدی الاقل فی التاریخ .
[جای مهر] [1]

قد اقر و اعترف بجمیع مارقم فیه من الواقف والقبض و التولیة لدی الآثم .
[جای مهر] [2]

قد وقع الوقف و العمل ما رقم فیه لدی الآثم فی التاریخ . [جای مهر] [3]

قدوقع مارقم فیه . [جای مهر] [4]

قد اقر الواقف بما رقم فیه لدی . [جای سه مهر] [5]

۱- مهری بیضی باسجع : «عبده محمدبن غلامعلی» . ۲- مهری بیضی با سجع : «محمدرحیم الحسینی» . ۳- مهری بیضی با سجع : «عبده محمدالحسینی» . ۴- مهری بیضی باسجع : «هاشم‌بن‌محمدالحسینی» . ۵- مهری‌بیضی باسجع: «وهاب الحسینی» و دومهر دیگر بیضی و ناخوانا .

اسناد اجاره و استجاره

۱

قبول اجارهٔ مورخ ۱۲۵۹ ه . ق .
دراین سند حاجی محمدحسن همگی و تمامی مجرای دوسهم و نیم از حقابهٔ سه دانگ قریهٔ نوش‌آباد را به مدت ده ماه بمال ـ الاجاره ده خروار شالی ازحیدرقلی‌آقا قبول اجاره کرده‌است.

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیه نمود عالیشان معلی‌مکان حاجی‌الحرمین‌الشریفین حـاجی محمدحسن ملازم سرکارنواب شاهزاده کامران میرزا از عالیجاه عزت وسعادت‌دستگاه حیدرقلی‌آقا خلف مرحمت‌پناه حاجی کلبعلی‌خان سپانلو همگی وتمامی مجـرای دو سهم‌نیم از حقابهٔ سه دانگ قریهٔ نوش‌آباد که تعلق بعالیجاه موجر دارد و دوسهم‌ونیم آب مـزبور از یکصدو دوازده سهم از رودخانهٔ خاسته‌رود است که حقابهٔ سه دانگ ملك موجر است درمدت ده ماه بمال‌الاجاره ده خروار شالی سردهٔ رزازپسندکه بعداز انقضای مدت شش‌ماه مهمسازی نماید وبعذری از اعذار غیر مشروعه تأخیر نیندازد .

کان‌ذلك فی‌ثامن والعشرین شهر ربیع الاول من‌شهور سنة ۱۲۵۹ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیرنوشته شده است :]

قد وقع مافیه لدی   وانااقل الطلبه و خادم‌الشریعه . [جای مهر] [1]

قد وقع مافیه لدی   الجانی . [جای مهر] [2]

قد وقعت‌الاجارة و قبولها لدی   نمقه‌الجانی . [جای مهر] [3]

اناشاهد بذلك   عبدالجانی کربلائی مؤمن .

اناشاهد بذلك   آقاسید حسین مرزاحسابی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

۲

سواد قبول اجارهٔ مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق .
دراین‌سند عیسی‌خان همگی و تمامت شلتوك‌زار و مجری‌المیاه چهارسهم از دوازده سهم از کل شش‌دانگ قریهٔ کلاجان را بانضمام دودانگ از شش‌دانگ از قنات حاجی‌محمد آقائی را بمال‌الاجاره موازی صدوچهل و یک خروار شالی در مدت سه سال که اجارهٔ هر سال چهل‌وهفت خروار و سیزده من می‌شود ازحیدرقلی‌آقا اجاره کرده است .

قبول اجارهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ قطعیه نمود عالیشان عزت‌بنیان عیسی‌خان‌آقاخلف مرحوم محمد ولی‌آقا قاجار از عالیشان عزت و نجابت بنیان ملا حیدرقلی‌آقا خلف مرحوم حاجی‌کلبعلی‌خان قاجارهمگی‌و تمامت مزارع شلتوك زاری ومجری‌المیاه چهارسهم و شیء بالا ازدوازده سهم ازکل شش‌دانگ قریهٔ کلاجان مشهوره بحاجی مشهد بانضمام دو دانگ از ششدانگ ازقنات حاجی محمدآقائی از مال خود را بمال‌الاجارهٔ معلوم

۱ـ مهری بیضی باسجع : « المتوکل علی‌الله محمدعلی » . ۲ـ مهری بیضی باسجع : « عبده رضاقلی‌بن فتحعلی » . ۳ـ مهری بیضی باسجع : « عبده‌الراجی محمد اسمعیل » .

مقدار و مـوازی یکصدو چهلو یك خروار و سیو نه من شالی بوصف کـرده سردهٔ رزازپسند مسلم بی‌عیب بوزن بلدهٔ دارالمؤمنین استراباد درمدت سه سال تمام‌که وجه اجاره را از قرار قسطالسنه که سنهٔ چهل هفت خروار وسیزده من بوده بـاشد از اول عقرب هرسنه الی آخرقوس‌آنسنه تسلیم وکارسازی موجر درقریهٔ کلاسنگیان نمایدو صیغهٔ اجاره من‌الطرفین ایجاباً و قبولاً سمت جریان پذیرفت .

وکان عقدالاجاره فی‌ثانی عشرمن شهر
جمیدی‌الاولی من شهور سنة ۱۲۷۳ .

[برحاشیهٔ پایین و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]
مقرراً درضمن‌العقد ضامن مال‌الاجارهٔ مسطورهٔ متن عالیشان آقاعلی‌اکبـر خلفمرحوم حاجی‌محمدمهدی استرابادی‌گردیدکه از عهده برآید تاواضح باشد. (عبده‌الراجی محمد مهدی‌الحسینی) انت‌المحسن وانا‌المسمی .
مراتب مسطوره بطـریق صلح واقع شد. (عبده‌الـراجی محمـد مهـدی‌الحسینی) انت‌المحسن واناالمسمی.
قد وقع مافیه بصیغة الصلح وضمانة آقاعلی‌اکبر المزبور باذن‌المصطلح حسبما فیه‌لدی فی‌التاریخ . (محمدرضا)

هوالمستعان

سواد مطابق با اصلی است که ممهور بمهر وخط مرحمتمآب خلدنصاب‌آقاملا محمدـ رضا رئیس شهیدسعید عطرالله مرقده و بعضی از محتـرمین است الاحقرالجـانـی .
[جای سه مهر] [۱]

۱ـ مهری بیضی باسجع : « محمدباقر » ومهر بیضی دیگر باسجع : « عبده محمدبن محمدطاهر » و مهری بیضی کوچکتر باسجع : « غلام‌حسین » .

اسناد مبایعه و بیع شرط

۱

سواد مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۱۷۳ هـ . ق .

دراین سند کربلائی‌شفیع ومحمدشریف ومحمدرضی یك دانگ از کل ششدانگ قـریهٔ مارانکلاته را کـه مشترك است فیمابین آقامحمدحسین‌ملك سرکشیك زیادلو وملامیرزا محمدکمانگر- محله‌ای به مبلغ سی‌وچهار تومان عراقی‌فضی بـه ملك ایمـانی کفشگیری به بیع‌بات جازم فروخته است .

هو

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الذی احل‌البیع والشری وحرم الغصب والربا وصلی‌الله علی‌سیدنا محمد وآله النجبا امابعد   غرض از تحریراین‌کلمات شرعیة‌القواعد والاحکام‌آنستکه بفروختند به بیع‌بات جازم و لازم صحیح وشرعی قطعی و یکبارگی درحالت‌صحت نفس وعقل و اختیار توفیق آثار کـربلائی شفیع و عزت آثاران محمدشریف ومحمدرضـی ولدان مرحومان محمدعلـی و کربلائی سردار علم‌شاهی همگی و تمامی یکدانگ از کـل

ششدانگ قریهٔ مارانکلاته و مشترك است در فیمابین عالیقدر آقا محمدحسین ملك سرکشیك زیادلو و ملا میرزا محمدکمانگر محلهٔ وغیره برفعت ومعالی‌پناه ملك‌ایمانی کفشگیری بمبلغ سی‌وچهار تومان عراقی‌فضی . . . . . النصف تـأکید و بیان‌للاصالة مبلغ هفده تـومان مذکور ازآب دیوانی و قنوات و ناور و ملیارستان و تـودستان و غیره از آنچه ملکیت را سزد و شاید و توان انتفاع یافت‌که متصل است بحدود اربعه شرقیاً قارلق و غربیاً کاوانی‌محله جنوبیاً دوقبران وشمالیاً شارع عام مشهور بشارع آق‌مشهد و باعیان مذکوران تخلیهٔ ید نمودند از یـد تصرف بتصرف مشتری مشارالیه دادند و مشتری مذکور نیز تصرف نمود و با سایر املاك منضم و ملحق ساخته و صیغه بعربی درمجلس اخذ ثمن جاری وجریان شد ودعوی غبن‌عن‌غبن را بمبلغ هزاردینار صلح نمودند و ضامن درك شدند بایعان مذکوران‌که عندالخروج از عهده بیرون‌آمده موقوف نورزند .

وکان ذلك تحریـرا فی‌التاریخ هفتم شهرصفرختم
بالخیروالظفرسنة هزارویـکصدوسی‌وهفت۱۱۳۷ .[۱]

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر است :]

الشهود ملـك ابـدال‌کفشگیری حاجی مرادکفشگیری شاه‌وردی جهانکلولی مشهدی قربان علمشاهی شمس‌الـدین محمد کفشگیری .

شهد بمافیه العبد اسفندیار کفشگیری .

شهد بمافیه محمدکاظم حاجی پاداری .

شهد بمافیه معصوم علمشاهی.

این سواد مطابق باصل است . [جای دومهر][۲]

۱ـ باعددسیاق هم سال۱۱۳۷ نوشته شده‌است. ۲ـ مهری بیضی‌باخط طغرابانام: « عبدالغنی » و مهری بیضی دیگر باسجع: « عبده‌الراجی محمد ......» .

این‌سواد مطابق بااصل‌است مقابله شده . [جای مهر][1]

بسم‌الله تعالی السواد مطابق لاصله‌المعتبر . [جای مهر][2]

[و یکی دوشهادت دیگر] .

۲

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق .

دراین سند سلطان‌حسین میرزا و اردشیرمیرزا پسران محمد ـ قلی‌میرزا ملقب به ملك‌آرا وصایةً از جانب پدرشان یکدانگ مشاع از چهاردانگ که فروخته‌اند به چهار نفر ازکل‌ششدانگ قریهٔ شوکت‌آباد رابه مبلغ دویست و پنجاه تومان ریال‌مسکوك ناصرالدین شاهی از قرار دانه‌ای بیست و هشت نخـود وزن و یکهـزار دینار رواج بـه ملك اصغر فـرزند ملك محمد علـی استرابادی فروخته‌اند .

هوالمالك بالاستحقاق

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم و به ثقتی

الحمدلله مالك‌الاملاك مسخرالافلاك خالق‌الارض‌والسماك وصلی‌الله علـی‌محمد وآلـه فبعد موجب تحریر وتسطیر این سطور شرعیة الدستورآ نستکه سرکاران عظمتمداران نوابان مستطابان فلکجنابان شاهزادگان‌اعظم افخم اردشیر میرزاوسلطان حسین‌میرزا زید عزهما خلفان مرحمت و غفران‌پناه جنت و رضوان‌آرامگاه محمدقلی‌میرزاملقب بملك‌آرا وصایةً از جانب مرحوم پدرشان بیع‌کردند و بفروختند به بیع لازم صحیح

۱ـ مهری‌بیضی با سجع : « عبده محمدبن محمدطاهر » . ۲ـ مهری بیضی با سجع : « الراجی محمدهادی » .

شرعی اسلامی ملی به عالیشان رفیع مکان عزت نشان ملك اصغر خلف مـرحوم مغفور ملك محمدعلی استرابادی همگی و تمامی یکدانگ مشاع از چهار دانگ که فروخته‌اند بچهارنفر کـه ملك اصغر یکی از آن چهارنفر است بموجب قبالهٔ علیحده از همگی و تمامی کل ششدانگ قـریهٔ مشخصهٔ معینهٔ معلومهٔ موسومه بشوکت‌آبـاد مـن قـرای دارالمؤمنین استراباد که معروفه است بحسین‌آباد که مستغنی از تحدید است با کافهٔ متعلقات و منضمات شرعیه آن از اراضـی دایـره و بـایره و شلتوك‌کار وخشکه‌کار و ملیارستان و توتستان ومحل دهکده‌ها و قلعه‌ها از مخروبه و آباد وکهنه‌و نو وقدیم و جدید و مجری‌المیاه قنوات دایـره و بایره ومجری‌المیاه رود آب و غیره وطاحونه و آبدنگ وآمش‌دنگ‌ها و بـالجمله آنچه ملکیت را سزد ومـالکیت را شایـد سمی ام‌لم‌یسم و ذکر ام‌لم‌یذکر بدون وضع و استثناء چیزی از آن یکدانگ بقـدرالحصة الشایعه‌کائناً ماکان بمال‌المبایعه معلوم القدر والمقدار مبلغ دویست‌وپنجاه تومان پول ریال مسکوك بسکهٔ مبارکهٔ ناصرالدین شاه خلدالله ملکه از قرار دانـهٔ بیست وهشت نخـود وزن یکهزار دینار رواج وآنمشارالیه قبول مبایعه نمود علـی‌نهج المسطور و صیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیه جاری وواقعشد مشتمله‌بر ایجاب‌و قبول و بـرکل مـالابدمنه شرعاً از قبض و اقبـاض و تسلیم و تسلم کـل ثمن منعوت فی‌المجلس لابرسم‌القباله مختومه بر اسقاط‌کافهٔ خیاراتیکه شرعاً متصور شود ازغبن و غبن در غبن بالغاً مابلغ و کائنا ماکان فاحشاً بـل‌افحش وغیره و علی سبیل‌الاحتیاط بجهة مراتب مسطوره صیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیة جـاری شد و بایعان معظم الیهما از مبیع موصوف تخلیهٔ ید ملکی نمودند وبتصرف مـالکانهٔ مشتری مذکور دادند و او نیز تصرف مالکانه نمود کتصرف‌الملاك فی‌املاکهم وذوی‌الحقوق فی‌حقوقهم بناءً‌علیها گردید تمامت یکدانگ قریهٔ مسطوره بامتعلقات شرعیهٔ آن بقـدرالحصة الشایعه حـق صدق وملـك طلق مشتری مـذکور و سرکار نـوابان

شاهزادگان معظم‌الیهما در ضمن عقد خارج لازم شرعی بطریق شرع نبوی صلی‌الله بر خود لازم نمودند بنوعی که تخلف از آن نتوانند و درصورتیکه فسادی دراین‌معامله ظاهر شود و مبیع مستحقاً للغیر برآید و از جانب اولاد مرحمت‌پناه ملک‌آرا باشد آنها را مجاب نمایند و درصورتیکه نتوانند آنها را مجاب‌کنند از عهدهٔ مال‌المبایعهٔ مأخوذی وتضررات وارده‌برمشتری حتی‌اجرة‌المثلی‌که‌بعد بمشتری واردآورد برآید و خود را معاف نتوانند داشت و صیغهٔ شرعیه براین مطلب نیز جاری شد .

وکان ذلك فی‌تاریخ یوم دویم شهرجمادی‌الثانی من
شهور سنة یکهزار دویست شصت شش سنهٔ ۱۲۶۶ .

[برحواشی بالا و سمت راست این مبایعه‌نامچه عبارات زیر نوشته شده است :]

توضیح اینکه یکدانگ ازچهاردانگ ازجانب شاهزادگان عظام بعقد مستقل انتقال بخود مشتری‌یافته است نه بصیغهٔ واحده تا واضح بوده باشد فی‌شهر متن ۱۲۶۶. بشیاع و شهادت بعضی از . . . . مبایعهٔ مسطوره شد فی‌المتن خلافی ندارد حرره الآثم . [جای مهر][1]

بیان واقع است و خلافی ندارد . [جای مهر][2]

اناشاهد اسماعیل بهرام .

[و در حدود دوازده تن شهود دیگر] .

۱ـ مهری بیضی کوچك باسجع : « عبده‌الراجی حسن . . . . » . ۲ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك باسجع : « عبده هاشم حسینی » .

۳

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ هـ . ق .
دراین‌سند حاجی‌قاسم پسرملك عبدالحسین‌استرابادی نیم‌دانگ ازچهاردانگ مشاع ازکل‌ششدانگ قریهٔ موسومه به شوکت‌آباد معروف به حسین‌آباد را به مبلغ یکصد و پنجاه تومان پول ریال از قرار دانه‌ای بیست و هشت نخود وزن یکهزار دینار رواج به‌کربلائی محمدهادی فروخته است .

غرض ازتحریر این‌کلمات شرعیة الدلالات آنستکه عالیشان رفیع مکان طایف بیت‌الله الحرام حاجی‌قاسم خلف مرحوم مغفورملك عبدالحسین استرابادی بیع‌کرد وبفروخت به عالیشان رفیع‌مکان کربلائی محمدهادی خلف مرحوم مغفورکربلائی محمدابراهیم استرابادی همگی و تمامی نیم‌دانگ جدیدالابتیاع خود را مشاعاً از چهار دانگ مشاع ازکل ششدانگ قریهٔ مشخصهٔ معینهٔ معلومهٔ موسومه بشوکت‌آباد المعروف بحسین‌آباد من توابع دارالمؤمنین استراباد که مستغنی از تحدید و توصیف است عنداهالیها با کافهٔ متعلقات ومنضمات شرعیهٔ آن ازاراضی دایره و بایره و خشکه‌کارو شلتوك‌کار و مجری‌المیاه قنواة دایره و بایره و مجری‌المیاه رودخانه و آمش دنگها و آبدنگ‌ها وطاحونه ومحل قلعه ودهکده وبالجمله آنچه ملکیت را سزد ومالکیت را شاید از کهنه و نو و مخروبه و آباد که شوکت‌آباد و حسین‌آباد برآن صادق آید بدون وضع و استثناء چیزی ازآن نیمدانگ بقدرالحصة الشایعه‌کائناً ماکان وهمگی‌و تمامی نیمدانگ مشاع از کل ششدانگ مزرعهٔ موسومه به مزرعهٔ میان‌آباد من‌محال بلوك فخرعمادالدین من توابع دارالمؤمنین استراباد باکافهٔ متعلقات ومنضمات شرعیهٔ آن از اراضی دایره و بایره و مجری‌المیاه قناة ومجری المیاه رودآب و محل زراعت

شلتوك‌کاری و خشکه‌کاری و بالجمله آنچه ملکیت را سزد و مالکیت را شاید بدون وضع واستثناء چیزی از آن نیمدانگ کائناً ماکان و موازی و مقدار پنجاه خـروار به سنگ استراباد شلتوك رزازپسند کلاً وطراً بمال‌المبایعه مبلغ یکصد وپنجاه‌تومان پول ریال از قرار دانهٔ بیست و هشت نخود وزن یکهزار دینار رواج که تمامت آنرا ازید مشتری مذکور اخذ و بازیافت نموده واز برای خود شرط شرعی نمود بایعمزبور تسلط برفسخ فعلـی و رجوع نمودن بعین مبیع‌های مـوصوف را در صورتیکه بعداز انقضاء مدت و زمان یك سال کـامل هلالی ابتداء بتاریخ ذیل در ظرف مدة و زمـان هیجده یوم ومثل ثمن منعوث نماید بسوی مشتری مذکور والالزم البیع وسقط‌الخیارو او نیز قبـول مبایعه نمود علـی‌النهج المذکـور و صیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیة جاریشد و غب ذلك مشتری مذکور صلح صحیح شرعی نمود بابایع مزبورحق تصرف درمبیع موصوف را درمدة مذکوره بمال‌المصالحه مبلغ پنجاه تومان پـول ریال موصوف و او نیز قبول مصالحه نمـود علی‌النهج المسطور و صیغهٔ مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه بینهما بالفارسیة والعربیة جاری شد ومال‌المصالحه را باید... نماید.

وکان ذلـك فـی یوم بیست و دویم شهرجمـادی الثانیه
منشهور سنة یکهزار و دویست شصت شش سنهٔ ۱۲۶۶ .

[جای مهر][1]

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این‌سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

غرض از تحریر آنکه چون بیع لازم شد و تماماً حق و ملك این جانب شده بود این جانب هم‌بعداز لزوم صلح لازم منجزشرعی‌نمودم بجناب افتخارالحاج حاجی‌الحرمین

۱ـ مهری چهارگوشهٔ کوچك باسجع : «عبده قاسم» .

الشریفین حاجی آقا محمد خلف مرحوم مبرور حاجی قاسم ببدل معین معلوم مقبوض در مجلس عقد صلح مذکور و صیغهٔ عقد صلح و قبض بدل واقع و جاری گردید بتاریخ دوم جمیدی الثانیه ۱۲۶۸ .

قد وقعت المبایعه الی نصفی سدس القریتین مع اخذ الثمن و ضمان الدرك لدی العبد الجانی . [جای دومهر][1]

قداعترف البایع المسطور بجمیعما رقم لدی . [مهری چهارگوشه و ناخوانا]

اعترف مارقم فیه لدی الجانی . [جای مهر][2]

اعترف البایع الشارط بماز برفیه لدی اقل الطلبه . [جای مهر][3]

قد وقع ماز برو رقم فیه لدی الاقل الجانی . [جای مهر][4]

اعترف بجمیعما رقم وسطر فیه لدی اقل الطلبه. [جای مهر][5]

اناشاهد بذلك حاجی سید جعفر استرابادی. [جای مهر][6]

لبیان خیرالحاج حاجی محمد قاسم مرقوم متنی اعتراف به مراتب سطور متن نمود

اقل خلقه غلامعلی . . . . . [جای مهر][7]

الشهود آقا مهدی صراف. [جای مهر][8]

[درحدود ده شاهد دیگر با مهرهای مختلف] .

۱ــ مهری بیضی باسجع : « نصرالله الحسینی » ومهری بیضی کوچك دیگر که کلمات: « عبده الراجی محمد» برآن خوانده میشود . ۲ــ مهری هشت ضلعی باسجع: «مهدی الحسینی » . ۳ ــ مهری بیضی باسجع : « حسن‌الله ناطلی » . ۴ــ مهری بیضی که کلمات : « عبده محمد باج » بر آن خوانده میشود . ۵ــ مهری بیضی با سجع : « بندهٔ خلیل اسمعیل » . ۶ ــ مهری چهارگوشه با سجع : « عبده جعفر بن قاسم‌الحسینی » . ۷ــ مهری بیضی کوچك باسجع : « غلامعلی » . ۸ــ مهری بیضی کوچك با سجع : « عبده محمدمهدی » .

٤

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۶ ه . ق .

در این سند ملک غلام رضا و ملک اصغر و ملک تقی تمامی و جملگی سه دانگ و نیم شایعه از چهاردانگ مشاع از کل ششدانگ قریهٔ شوکت‌آباد معروف به حسین‌آباد را به مبلغ سیصد وسی تومان وجه از قرار ریال بیست و هشت نخودی به‌کربلائی ربیع تاجر همدانی فروخته‌اند .

بتاریخ بیست‌و دویم شهرجمادی‌الثانیه حاضرشدند عالیشان رفیع‌مکان ملك غلام‌رضای فرزند سعادتمند عمدةالاشراف ملك‌کاظم استرابادی‌الاصل وعالیشان عزت‌نشان ملك اصغر خلف مرحوم ملك‌محمدعلی استرابادی و عالیجاه سعادت‌نشان ملك تقی فرزند سعادتمند ملك‌محمدحسین استرابادی بالطوع و الرغبة و فروختند بمبایعهٔ شرعیهٔ خیاریه بعالیشان معلی‌مکان عمدةالتجار والاعیان کربلائی محمدربیع تاجر همدانی تمامی وجملگی سه دانگ ونیم شایعه از چهاردانگ مشاع ازکل شش‌دانگ قریهٔ معلومهٔ مدعوه بشوکت‌آباد معروفه بحسین‌آباد در بلوك دارالمؤمنین استراباد ابتیاعی خودشانرا از قرار حصه هر یك

بابت	بابت	بابت
حصهٔ ملك غلام رضا	حصهٔ ملك تقی	حصهٔ ملك اصغر
یك دانگ	یك دانگ ونیم	یك دانگ

مع جمیع توابعها ولواحقها من‌الاراضی والصحاری والبراری دایره وبایره وخشکه‌کار و شلتوکزار و مجری‌المیاه و القناة دایره و بایره والانهار والجداول ورودآب و ملیارستان و طاحونه وآب‌دنگ وحمامها بقدرالحصهٔ الشایعه قدیماً و جدیداً بدون

وضع و اخراج و استثناء چیزی از آن ذکر ام‌لم‌یذکر وصف ام‌لم‌یوصف وسمی‌ام‌لم‌یسم بمال‌المبایعه مبلغ سیصدوسی‌تومان وجه ازقرار ریال ۲۸ نخودی وزن عددی یکهزار دینار رواج که بقدرالحصه هریك ازقرار تفصیل ذیل مقبوض شده است وصیغهٔ مبایعهٔ صحیحهٔ خیاریه بالفارسیة والعربیة

بـــــــابـــــــت بـــــــابـــــــت بـــــــابـــــــت

وجه مقبوض‌ملك غلام‌رضا	حصهٔ ملك تقی که مقبوض	حصهٔ وجه ملك اصغر کـه
۱۰۰ تومان	است	مقبوض است
	۱۶۰ تومان	۷۰ تومان

ایجاباً و قبولاً علی‌قانون‌الشرع الشریف وقوع یافته‌است وضمن‌العقد شرط شرعی شد درصورتیکه‌بایعان درظرف سه ماه‌بعدازانقضای مدت چهارماه تمامی قمری خودشان‌و یامن یقوم‌مقامهم ردتمام ثمن‌المثل‌نمایندبسوی مشتری دررأس‌موعدکه زمان خیارسه ماه بعداز چهار ماه باشد مختار بر فسخ مبایعه بوده باشند هریك بقدر حصهٔ خودشان مستقلاً والاخیـار ساقط و بیع لازم و بعد ذلك بایعون قبول مصالحهٔ شرعیه نموده‌اند براینکه منافع‌حصهٔ هریك درمدت مسطوره ازبرای خودشان بوده بعوض‌مبلغ یکصدو پانزده تومان وپنجهزار دینار وجه موصوف وصیغهٔ مصالحه

بـــــــابـــــــت بـــــــابـــــــت بـــــــابـــــــت

وجه‌المصالحهٔ ملك غلام ـ رضـــا	وجه المصالحهٔ ملك نقـی	ملك‌اصغـــــــــــــــر ....
سی‌و		

....

....

باقیه را خود وکیل باشندکه خودشانرا بری‌الذمه نمایند وصیغه بنحو مرقوم جاری گردیده است .

وکان ذلك فی ۲۲شهرجمادی‌الثانیه سنة ۱۲۶۶ .

[برحاشیهٔ بالا وسمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده‌است :]

بسم‌الله والحمدلله

اعترف‌البایعون الشارطون کمارقم و سطرفیه فی ۲ شهر جمادی‌الثانیه ۱۲۶۶ .

[جای مهر][1]

قد اعترفوا بما رقم فیه لدی . [جای مهر][2]

هوالله تعالی

قد وقعت الواقعه بما سطرفیه حرره ۱۲۶۶. [جای مهر][3]

[و بر حاشیهٔ سمت راست درحدود بیست مهر شهود دیگر است] .

۱ـ مهری چهارگوشه با سجع : « افوض امری الی‌الله عبده عبدالرحیم » .

۲ـ مهری بیضی با سجع : « عبده محمدمهدی‌الحسینی » . ۳ـ مهری بیضی کوچك که کلمات « عبده محمد » برآن خوانده می‌شود .

۵

مبایعه‌نامچهٔ مورخ ۱۲۶۸ هـ . ق .
در این سند گوهرخانم سهام و حصه‌های خود را از قرای اتراچال و جولابی و لمسك به مبلغ نوزده تومان وجه رایج سلطانی به برادر خود جعفرقلی‌خان فروخته است .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هوالمالك بالاستحقاق

غب‌الحمد والصلوة غرض از تحریر این سطور شرعیه آنستکه فروخت بمبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمه‌بدون اکراه والاجبار خالیة من شوائب‌الطوریةوالمؤاطات علیا جاه عفت و عصمت‌پناه محترمهٔ مکرمه گوهر خانم بنت مرحمت و غفران‌پناه رضوانجایگاه عبدالله‌خان‌قاجار من طایفهٔ غرمصالو به‌برادر خود عالیجاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه‌نتیجةالخوانین‌العظام الکرام جعفرقلی‌خان قاجار سلمه‌الله‌الملك الجبار همگی وتمامی دوسهم نیم ازیازده سهم از یك سهم ازشش سهم از چهاردانگ ازکل ششدانگ از قریهٔ اتراچال و همچنین دوسهم نیم از یازده سهم ازیکسهم از شش سهم از چهار دانگ ازکل ششدانگ قریهٔ جولابی کذلك دو سهم نیم از یازده سهم ازسه ربع ازیکدانگ ازکل ششدانگ از قریهٔ لمسك با جمیع توابع و لواحق شرعیه از هریك از سه قریهٔ مزبوره از قنوات دائره و بائره و اراضی عامره و غامره و جناکل ومراتع‌ومزارع وازمجری‌المیاه رودخانهٔ شصت‌کلاته‌عن‌آنچه ملکیت راسزدو مالکیت را شاید وانتفاع درآنها متصور شود ذکر ام‌لم یذکر وسطر اولم یسطر وسمی ام‌لم یسم محدود بحدود ظهر بمال‌المبایعه مبلغ نوزده تومان مقبوض فی‌المجلس وجه رایج سلطانی هرریالی وزناً دربیست‌هشت نخود ودر ده عدد یکتومان رواجاً درهزار

دینار نصفه بیاناً لاصله و توضیحاً ایاه مبلغ نه تومان و پنجهزار وجه موصوف و در ثانی مصالحه نمود بایعهٔ محترمه غبن در غبن مبایعهٔ مزبوره را ولو کان فاحشاً بل افحش بمال ـ المصالحه مبلغ ده عدد ریال وجه موصوف تسلیم و تسلم در بدلین مزبورین واقع و جاری شد و بایعهٔ مکرمه تخلیهٔ ید ملکیت را از سه قریهٔ مزبوره نموده و بتصرف مشتری معظم الیه داده و مشتری معظم الیه ملصق به سایر املاك خود نموده و له التصرف فیهم کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوالحقوق فی حقوقهم بالخیر والبرکات و صیغهٔ مبایعه و مصالحه و اسقاط جمیع خیارات بقانون شرع رسول ص من الطرفین جاری گردید .

وکان ذلك المبایعه فی دوازدهم من شهر
رجب المرجب من شهور سنة ۱۲۶۸ .

[برحاشیهٔ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

حـــــــــــــــــــــدود

قریـــــــهٔ لمسك واقع درسدن رستاق استرابـــــــــاد

حـــــــد جنوبی	حـــــــد شمالـی
بشارع عـــــــام	متصل بقلندر محلـــــه وللهفـــــن
حـــــــد شرقـی	حـــــــد مغربـی
متصل بعیسی محلـــــه	متصـل بـــــــه ورس

حـــــــــــــــــــدود قـریهٔ اتـراچال

حـــــــد جنوبی	حـــــــد شمـالی
متصل بفـوجـــــــرد خـالصه	متصل به الـــــــوکلاته وایلخی چی مشتری مزبور
حـــــــد مشرقی	حـــــــد مغـربی
متصل بجـــــــولابـی	متصل بآهن تپه الـــــــی سیاه آب

حـــــــــــــــــــدود قـریهٔ جولا بی

حـــــــــــد جنوبی | حـــــــــــد شمـالـی

متصل بکماس وفـــــــــوجـرد | متصل بـــــــــه الـوکلاتـه

حـــــــــــد مشرقی | حـــــــــــد مغـربی

متصل بولیـــــــــک آباد | بملک اتـــــــــراچال

اقرت بما فیه لدی . [جای مهر] [1]

اقرت بما رقم فیه . [جای مهر] [2]

قد اقرت بما رقم فیه لدی الجانی. [جای مهر] [3]

قد وقع جمیعما رقـم فیه واخذ تمام ثمن و اسقاط خیارات لـدی حـرره الاقـل .

[جای مهر] [4]

۱ـ مهری بیضی با نام : « محمد صادق » . ۲ـ مهری بیضی که کلمات : « عبده احمد » بـرآن خـوانده مـی‌شود . ۳ـ مهری بیضی بـاسجع : « مـرتضی قلـی » .
۴ـ مهری بیضی که کلمات : « الواثق القاضی استراباد عبده محمد » برآن خوانده می‌شود.

هبه‌نامه و مصالحه‌نامچه

۱

قبول مصالحهٔ مورخ ۱۲۵۶ هـ . ق .

در این سند عباس بیگ منفعت یکسالهٔ همگی و تمامی مجرای دو سهم و نیم از یکصد وده سهم آب ازمجرای مزرعهٔ نوش‌آباد را بمال‌المصالحه مقدار هشت خروار شالی از حیدر قلی آقا قبول مصالحه کرده است .

قبول‌مصالحهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ لازمهٔ جازمه‌نمود عالیشان عزت وسعادت‌نشان عباس‌بیگ ازجناب مستطاب شامخ‌الالقاب ملاحیدرقلی‌آقا منفعت یکسالهٔ همگی وتمامی‌مجرای دوسهم و نیم از یکصد وده سهم آب ازمجرای مزرعهٔ نوش‌آباد را که از سهام آب رودخانهٔ خاسته‌رود منشعب میشود از ابتدای هذه‌السنهٔ سیچقان‌ئیل خیریت دلیل الی ابتدای سنهٔ اودئیل بمال‌المصالحه مقدار وموازی هشت خروار شالی دهقان‌پسند که درزمان رفع محصول‌که مدت پنجماه است کارسازی‌نماید وبعذریکه خلاف شرع‌مطاع بوده باشد موقوف و معطل ندارد .

کان ذلك فی‌خامس والعشرین شهر صفرالمظفر سنة ۱۲۵۶ .

[برحاشیهٔ بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هو

لقد وقع المصالحه المسطوره لدی وانا العبدالجانی یوسف . . . . [جای مهر][1]

قد وقع مافیه لدی . [جای مهر][2]

۱ـ مهری بیضی باسجع: «پیرو دین نبی یوسف».

۲ـ مهری بیضی باسجع : «المتوکل علی‌الله محمدعلی» .

تعلیقات و تصحیحات

۱۲/۱۸ ـ ظاهراً «تحقق پذیرفته» صحیح است .

۶/۲۰ ـ رعایاء متفرقه صحیح است .

۳/۲۳ ـ میر رفیع‌الدین محمد صدر خلیفه . برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این مرد نگاه کنید بـه کتاب « مثال»های صدور صفوی تـألیف سیدحسین مدرس طباطبائی، ص ۱۶ و ۱۷ .

۹/۲۳ ـ کلانتران صحیحتر به نظر می‌رسد .

۱۱/۲۷ ـ محمدمهدی صدر ممالك محروسه . برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این مـرد نگاه کنید به «مثال»های صدور صفوی تألیف سیدحسین مدرس طباطبائی، ص۱۹ .

۱۹/۳۰ ـ ظاهراً «کلانتران» صحیحتر است .

۱۶/۳۴ ـ احتمال دارد کلمهٔ «نسخه» در اصل «نتیجه» باشد و ما آن را اشتباه خوانده‌ایم.

۹/۴۱ ـ ظاهراً «درویش حسین رقاب» صحیح است . نگاه کنید به ص ۱۰/۴۲ کـه درویش الله‌داد رقاب و در همین صفحه سطر ۱۳ درویش حسین و درویش الله‌داد رقاب آمده است و همچنین در ۱۲/۴۹.

۲۱/۴۲ ـ اصلاً و مطلقاً بخلاف حکم وحساب صحیح است .

۱۰/۴۸ ـ عبدل‌آباد صحیح است .

۹/۵۷ ـ میرزاحبیب‌الله صدر فرزند میرسید حسین حسینی کرکـی خاتم‌المجتهدین است. برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این مردنگاه کنید به‌کتاب «مثال»های صدور صفوی تألیف سید حسین مدرس‌طباطبائی، ص ۱۸ .

۱۱/۵۷ ـ ابوطالب‌رضوی صدرخاصهٔ شریفه فرزند میرزامحمدباقر ازدودمان رضوی مشهد. برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این‌مرد نگاه‌کنید به‌کتاب «مثال»های صدور صفوی تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی ، ص۱۹ و ۲۰.

۵/۵۸ ـ میرزامحمدباقربن سیدحسن‌حسینی صدرخاصهٔ شریفه. برای اطلاع بیشتردر بارهٔ این‌مرد نگاه‌کنیدبه‌کتاب«مثال»های‌صدور صفوی تألیف سیدحسین‌مدرس طباطبائی،ص۲۱.

۸/۵۹ ـ ظاهراً «قیصروال» صحیح است .

۱۲/۶۴ ـ میرغیاث‌الدین مسعودبن میرکمـال‌الدین‌محمـود درص۶۶/۳ به‌نـام میر غیاث‌الدین‌محمد خوانده شده است . نام اصلی او معلوم نشد .

۱۷/۷۳ ـ «ازحشو» صحیح است .

۷/۷۴ ـ «میرزا بیگ» صحیح است .

۹/۹۲ ـ ظاهراً «مسدودةالابواب» صحیح است .

۷/۱۰۰ ـ «بنحو مقرر معمولداشته درعهده دانند» درست است .

۱۴/۱۱۴ ـ محمدعلی میرزا غلط ودرست آن «محمدقلی‌میرزا» است .

۹/۱۳۷ ـ ظاهراً: قاضی وناظم مهام شرعیات دارالمؤمنین استراباد .

۱۸/۱۳۷ ـ ظاهراً : قاضی وناظم مهام شرعیات دارالمؤمنین استراباد .

۱۰/۱۳۸ ـ نقطهٔ کلمهٔ «جمع» افتاده است .

۱۱/۱۴۰ ـ «محمدالحسینی» صحیح است .

۲/۱۶۶ ـ اخذاقصر نموده (؟)

۳/۱۷۰ ـ علاهده در اصل چنین‌است و«علیحده» صحیح است .

۱۰/۱۷۴ ـ و علی‌رشیدخان (؟)

۱۸/۱۷۴ ـ ظاهراً مجتهدالزمان صحیح است .

۱۸/۱۷۵ ـ شریعه‌غلط وصحیح آن«شریفه» است.

۲/۱۷۸ ـ معنی کلمهٔ «بوده» روشن نشد .

۱۴/۱۷۹ ـ «آثم» صحیح است .

۱۰/۱۸۶ ـ «خواقین جنت‌مکین» صحیح است .

۱۵/۱۸۶ و۱۷ ـ واگذار صحیح است .

۷/۱۹۱ ـظاهراً «شرعی»صحیح‌است .

۱۷/۱۹۱ ـ «نسبة» با تاء گرد بدون تنوین‌صحیح است .

۷/۱۹ ـ «رعایةً» باتنوین صحیح است .

۶/۱۹۵ـ ظاهراً «لله‌فین یا لله‌فن»صحیح است .

۶/۱۹۵ ـ ظاهراً «لله‌فن یا لله‌فین» صحیح است ولله‌دوین دهکدهٔ دیگری است .

۶/۲۰۰ ـ لله‌فن به‌جای «لله‌دوین» صحیح است .

۱۹/۲۰۱ ـ کلمهٔ «شرعی» ظاهراً زیاد است .

۱۰/۲۰۲ ـ لله‌فن به جای «لله‌دوین» صحیح است .

۱۴/۲۰۲ ـ «ساعدالدوله سردار وحکمران» صحیح است .

/۲۰۷ ـ سطر دوم‌حاشیه،رقم‌زدبعون‌الهی وزن‌ندارد ظاهراًکلمه‌ای خوانده نشده‌است.

۱۴/۲۲۰ ـ کاالشمس رادالضحی (؟)

۱۸/۱۵/۱۴/۲۲۲ ـ حامش در اصل چنین است وصحیح آن‌هامش باهای هوز است .

۱۸/۲۲۳ ـ ظاهراً پنج‌دانگ صحیح است زیراتاحال پنج‌دانگ قریهٔ میرمحله وقف بوده است نه نیم دانگ آن .

۱۰/۲۲۸ ـ الآثم صحیح است.

۱۷/۲۳۰ ـ جر(بفتح جیم وسکون راء) خندق‌اطراف شهر یـا دهکده ، نهری نسبةً عمیق که برای زه‌کشی یا ممانعت عبور و گذر چهارپایان حفر کنند .

۱۷/۲۳۰ ـ ارش(بفتح اول‌ودوم وسکون‌سوم»که «الش»بالام هم‌می‌گویند ازسرانگشت میانین‌تا انتهای آرنج است و باذراع عربی یکی‌است .

۲۱/۱۹/۱۶/۱۳/۱۱/۶/۱/۲۳۴ ـ چوبلائی دراصل چنین است ظاهراً «چوپلانی» یا «چوپالانی» بانون صحیح است .

۱۲/۲۳۴ ـ ظاهراً «سرخانکلاته» صحیح است .

۱۷/۲۳۴ ـ «داریك‌آب» صحیح‌است ونقطهٔ یاء افتاده‌است. این‌نام به شکل«تاریك‌ـ آب» نیز دیده می‌شود .

۱/۲۳۵ ـ ظاهراً «داریك‌آب» صحیح است .

۱۰/۲۳۵ ـ نام درست این دهکده «چوپلانی» یا «چوپالانی» است .

۱۷/۲۳۵ ـ نام این موضع «داریك‌آب» یا «تاریك‌آب» است .

۸/۷/۲۳۹ ـ وال با واو صحیح است .

۱/۲۴۵ـ الاثیم باتقدیم‌حرف ثاء بریاء صحیح‌است.

۱۷/۲۴۵ ـ زارعین قریهٔ چوپلانی وحاجی مذکور شکل درست جمله است .

۱۷/۲۴۶ ـ جمادیین‌با دو یاء صحیح است.

۱۱/۲۴۹ ـ آتش‌باغ ودر ص ۸/۲۷۵:آیش‌باغ . ظاهراً وجه دوم صحیح است .

۱۶/۲۴۹ ـ مازوستان با زاءمنقوط صحیح‌است .

۱۴/۲۶۵ ـ «عمادالدین کمانگر» درست است .

۶/۲۶۶ـ ظاهراً «فخرالدین بن تاج‌الدین» درست است .

۹/۲۶۶ـ «العبدالخالق الغنی» صحیح‌است.

۲۱/۲۶۶ ـ حسین وطنابادی (وطن‌آبادی) درست‌است .

۱۰/۲۸۹ ـ خاندان بتکچی که بزرگ ایشان خواجه‌فخرالدین احمد بتکچی است، ظاهراًسه فرزند به‌نامهای:خواجه سیف‌الدین‌مظفروخواجه نظام‌الدین‌محمود و خواجه دوریش‌حسین داشته است. از این خاندان افراد زیر نیز در این کتاب یادشده است :

خواجه‌منصور بتکچی و خواجه شمس‌الدین‌محمد بتکچی و خواجه عبدالحق بتکچی وخواجه‌غیاث‌الدین علی بتکچی .

۲۰/۲/۲۷۶ ـ نوذرمعمولاً با ذال معجمه است نه با زاء .

۱/۲۸۴ ـ ظاهراً حسن‌بن‌علی بقرا صحیح است چنانکه درص ۲۸۳/ ۲۲ آمده است .

۱۳/۲۸۹ ـ باید «عفی‌الله‌عنهما» باشد .

۱۲/۲۹۳ ـ ظاهراً «انزان» صحیح است. نگاه‌کنید ص ۲۸۷/ ۵ .

۱۷/۲۹۳ ـ ظاهراً «جوجن‌نمرودی» صحیح است. نگاه‌کنید به‌ص ۲۸۷/ ۱۲.

۱۸/۲۹۳ ـ «دشتی‌کلانه» صحیح است .

۲۲/۲۹۳ ـ ظاهراً «خشمری» صحیح است. نگاه‌کنیدبه ص۲۸۷/ ۱۶ .

۱۵/۲۹۸ ـ نام‌صحیح این مرد رفیع‌الدین حسین است. نگاه کنید به ص ۲۷۳/ ۲۱و ص ۲۷۴/ ۲ .

۱۶/۲۹۸ ـ حسینی صحیح است نقطهٔ نون افتاده است .

۶/۳۱۷ ـ این وقفنامه باحذف‌چندرقبه یعنی‌میرومحله وچوپلانی‌ونسرکان درص۳۴۴ نیز آمده است .

۱۱/۳۲۳ ـ گلبن با باء صحیح‌است. نگاه کنید به ص۳۲۴/ ۲۰ .

۶/۳۳۷ ـ «خارکلاتهٔ کفتهٔ رامیان» صحیح است .

۲/۳۴۴ ـ این وقفنامه با اضافه کردن چند رقبه درص ۶/۳۱۷ نیز آمده است .

۸/۳۶۲ ـ قرار اشتباه وقراء جمع قریه به جای آن صحیح است .

۱۱/۳۶۲ ـ ظاهراً «واکانو» صحیح است . نگاه کنید به‌ص ۱۱/۲۴۹ .

۲/۳۶۷ ـ میرزا ابوصالح رضوی صدرممالك فرزند میرزا محمدمحسن از خاندان رضوی مشهدکه درسال ۱۰۷۷ ازطرف شاه‌سلیمان صدرعامه شده است . برای اطلاع بیشتر ازاحوالات این‌مرد نگاه‌کنید به‌کتاب«مثال»های‌صدورصفوی تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی،ص۲۰ .

۱۰/۳۷۳ ـ سهی‌محله ظاهراً «سهل‌محله» است . نگاه کنید به ص ۱۴/۲۴۹ .

۷/۳۸۹ ـ ظاهراً «سیاه‌تلو» درست است .

۱۲/۳۹۰ ـ شکل صحیح کلمه ظاهراً «سیاه‌تلو» است .

۱۱/۳۹۱ ـ «ناور» درست است .

۲/۳۹۴ ـ دادن غلط چاپی است و«دالان» صحیح آن است .

۱۲/۴۲۶ ـ میرزا شاه‌بیگ‌بن میرمیران صحیح است .

۱۱/۴۴۵ ـ ظاهراً «وال» با واو درست است .

۱۶/۴۶۱ ـ «حکمت بالغه» صحیح است .

۱۰/۴۷۲ ـ «ولد» صحیح است .

۴/۴۸۱ ـ بوالهوسان در اصل چنین است . ظاهراً «بلهوسان» درست است .

۶/۴۹۰ ـ «مؤتمن‌الدوله» صحیح است .

۸/۴۹۰ ـ ظاهراً «گرایلی وسالور» (؟)

۹/۴۹۰ ـ آملی به جای ایلی درست است .

۱/۴۹۴ ـ ینگچری باحرف چ صحیح است .

۴/۵۱۹ ـ ابوالولی بن شاه‌محمود انجو برادر امیرابوالمحمد واز سادات حسینی حسنی شیرازی است. برای شرح حال این مرد نگاه‌کنید به کتاب «مثال»های صدور صفویه تألیف سیدحسین مدرس‌طباطبائی، صفحات ۱۴ و۱۵ و۱۶ .

۳/۵۳۵ ـ ظاهراً محمدقلی میرزا به جای مهدی‌قلی‌میرزا صحیح است .

۱۱/۵۴۸ ـ کوچ وبند اشتباه وکوچ وبنه درست‌است .

/۵۵۳ ـ سطر دوم حاشیه ـ تذهیب با ذال صحیح است .

۷/۵۸۴ ـ اسم فاعل از مصدر«بیع» بایع است نه باعی که‌آن‌را به شکل باعیان جمع بسته است .

۱۸/۵۸۴ ـ محمدکاظم حاچی‌پاداری ظاهراً «حاجی‌آبادی » است. نگاه کنید به ص ۱۲/۳۰۵ .

۱۶/۵۹۵ ـ ورس ظاهراً غلط و ورسن بانون صحیح‌است . نگاه کنید به‌ص۵/۲۳۹.

ابو النصر سام [illegible] سوزو

حکام [illegible] و عمال [illegible] جمهور سکنه و متوطنه

[illegible] المومنین [illegible] علاء الدین [illegible] معصومی که

سعادت [illegible] عظام کرام [illegible] جناب [illegible]

[illegible] صلی الله علیه [illegible] والنوری

[illegible] علم و کمال و [illegible] فضل و افضال [illegible]

[illegible]

[illegible] الملک [illegible] المهدی [illegible]

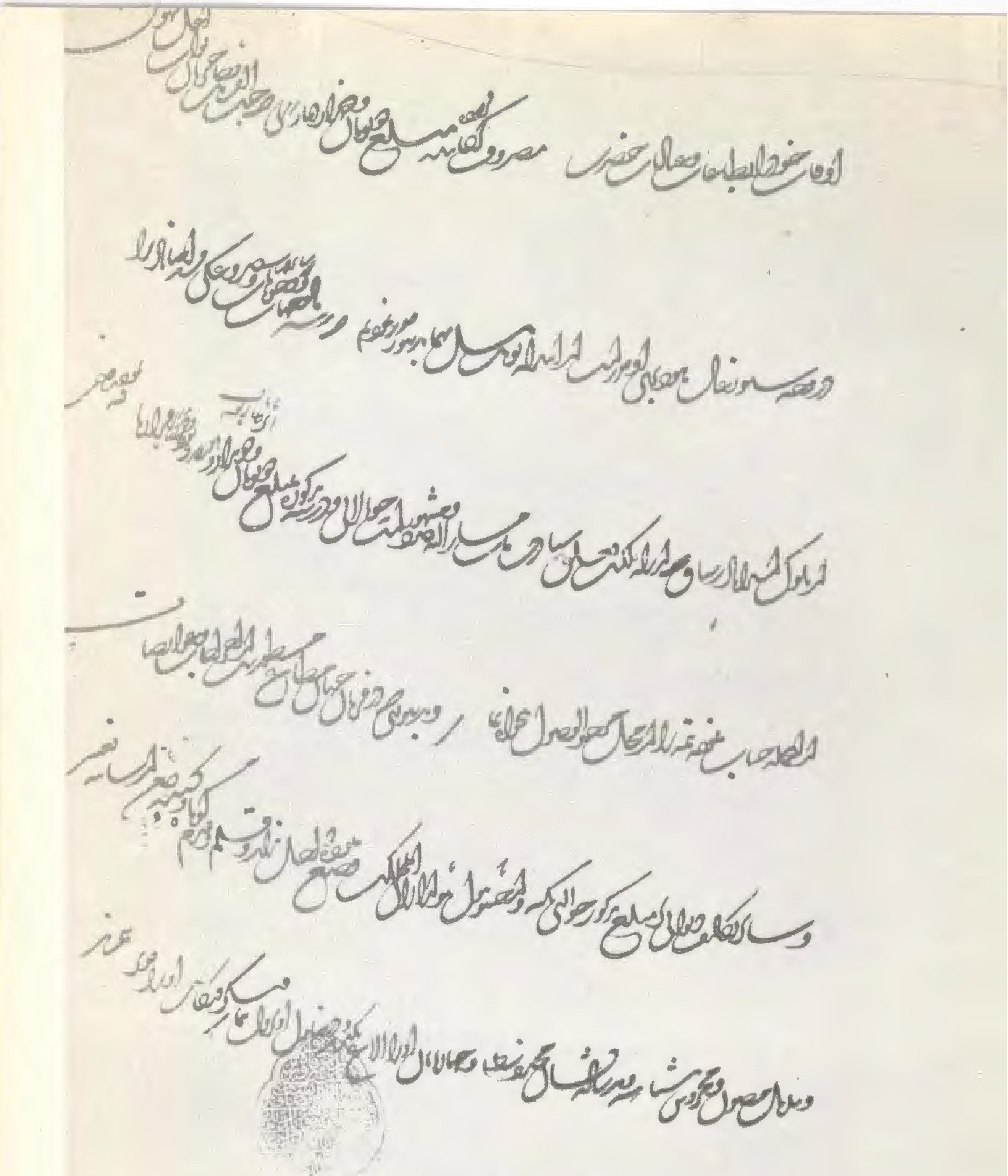

فرمان شاه اسماعیل صفوی مورخ ۹۲۸ هـ . ق . ص ۵ و ۶

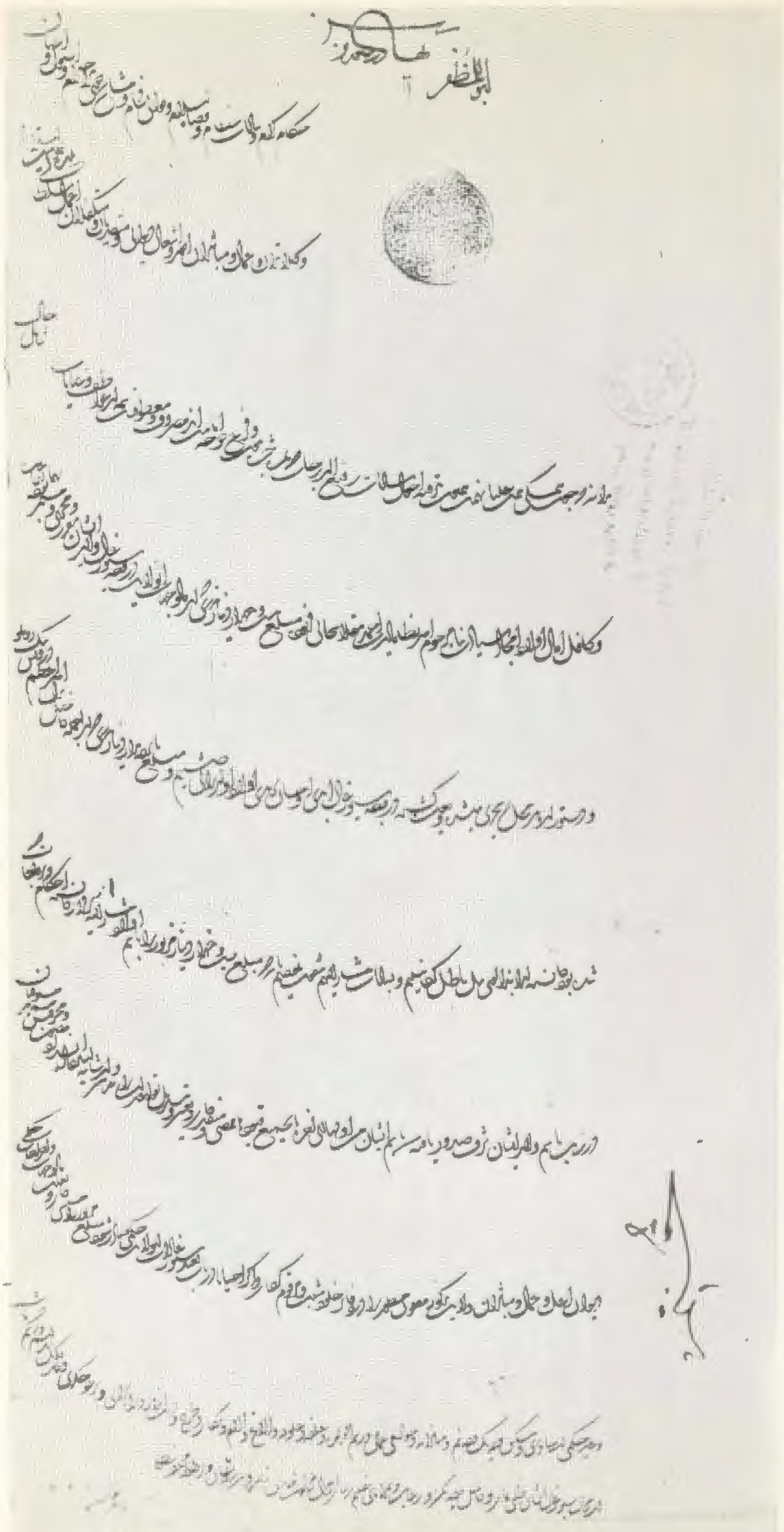

فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۳۸ هـ . ق . ص ۸ و ۹

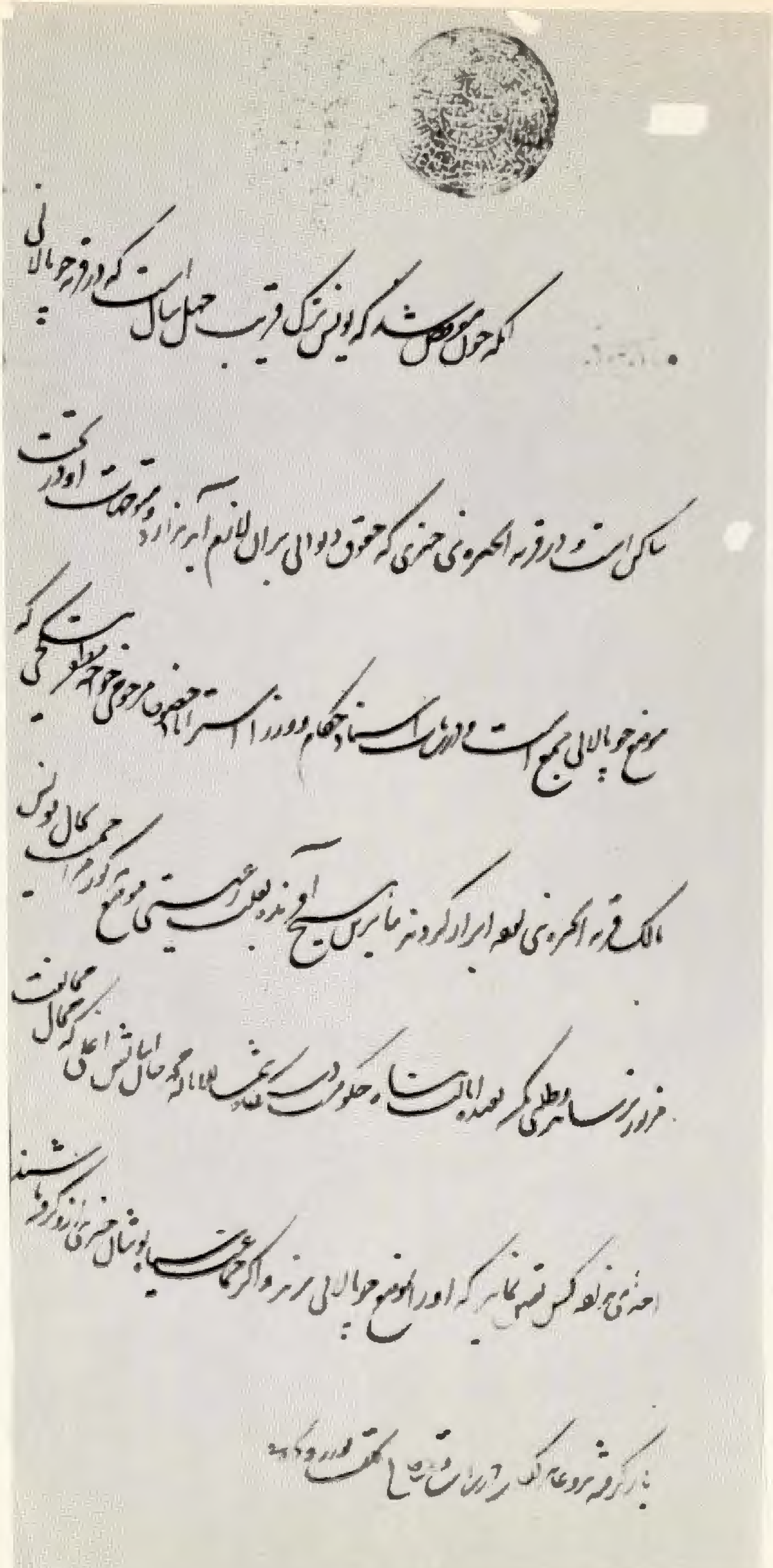

فرمان شاه‌طهماسب اول مورخ ۹۵۰ ﻫ . ق . ص ۱۰ و ۱۱

باسمه سبحانه

فرمان همایون شد آنکه چون همگی همت والا نهمت و همگی [illegible] شریف بر اعلاء مصروف و معطوف برفاه حال و انجاح آمال سادات عالی درجات

[illegible] سادات والا [illegible] که [illegible] صلاح و [illegible] الکرام [illegible]

[illegible] که [illegible] دولت [illegible] ملک و دولت الامرا [illegible]

[illegible] و اقبال [illegible]

[illegible] سلاله السادات [illegible] الاسلام [illegible]

[illegible] عالی شان [illegible]

[illegible] سادات و [illegible]

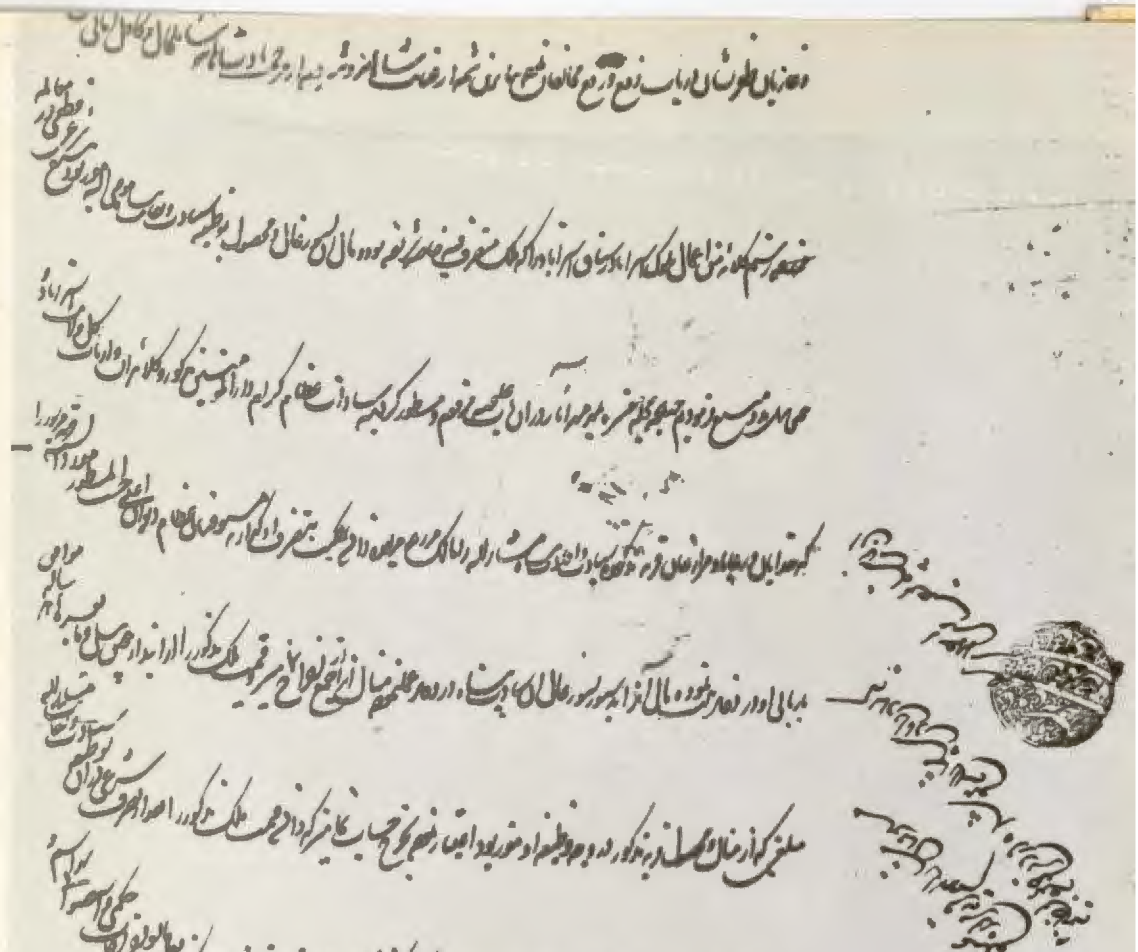

فرمان سلطان محمدبن طهماسب مورخ ۹۹۰ ﻫ . ق . ص ۵۱۳ ــ ۵۱۵

ابو المظفر سلطان محمود شاه
الصفوی الموسوی الحسینی

[illegible] که بوستان [illegible] و جلال [illegible] کرده و ارائه [illegible] ابن خان [illegible]

[illegible] انزال الفضل [illegible] شکر که باج با ابتهاج سعادت ابدی [illegible]

اضافه رحمت ایزدی [illegible] جنت [illegible] محمدی [illegible] الله الملکی [illegible]

که [illegible] نقصان [illegible] اشمال [illegible] که از خزانه فضل [illegible]

[illegible] از حاجت [illegible] که صاحب [illegible] لسان [illegible]

[illegible] رحمت ایزدی به برکت شفاعت نبوی [illegible] و رحمت [illegible] گلستان [illegible]

[illegible] شاه علیات [illegible]

[illegible] اشارت [illegible]

عالم [illegible] تو بود [illegible] تو بود [illegible] تو بود

و جواهر [illegible] صلوات [illegible] حضرت سید البشر شفیع روز محشر [illegible]

[illegible] احمد مجتبی اصطفا ابو القاسم محمد مصطفی صلی الله علیه [illegible]

[illegible] آل [illegible]

[illegible] سلطان الاولیاء و برهان الاصفیا [illegible]

[illegible] شاه شاهان [illegible]

[illegible] انا مدینة العلم و علی بابها صاحب [illegible]

[illegible] از دایره محبت و اطاعت او [illegible]

علی بن ابی طالب علیه [illegible] عرض [illegible]

[illegible] حضرت شاه [illegible]

[illegible] السلطان [illegible]

[illegible] العالمین [illegible]

بالنقابة والسيادة والامامة والنجابة والحسب والنسب سيادت و عزت پناه امير عبدالرحيم استرابادي

[illegible] کلانتر ملوک استراباد [illegible] من اعمال استراباد بجميع توابع و لواحق و مضافات و منضمات

از اراضي و صحاري [illegible] ذکر [illegible] بتمام

[illegible] شصت تومان [illegible] تعالی

[illegible] سادات پناه [illegible]

[illegible]

[illegible]

سادات پناه [illegible] خواص و آزاد [illegible]

[illegible] في الملک و اسقاط جميع خيارات [illegible]

ذلک في [illegible] شهر شعبان المعظم سنة اثني و تسعين و تسعمائه

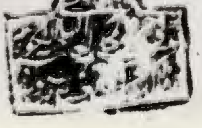

۱۴

سند مبایعهٔ سلطان محمد صفوی موسوی مورخ ۹۹۲ ه‍ . ق . ص ۵۱۶ ـ ۵۱۹

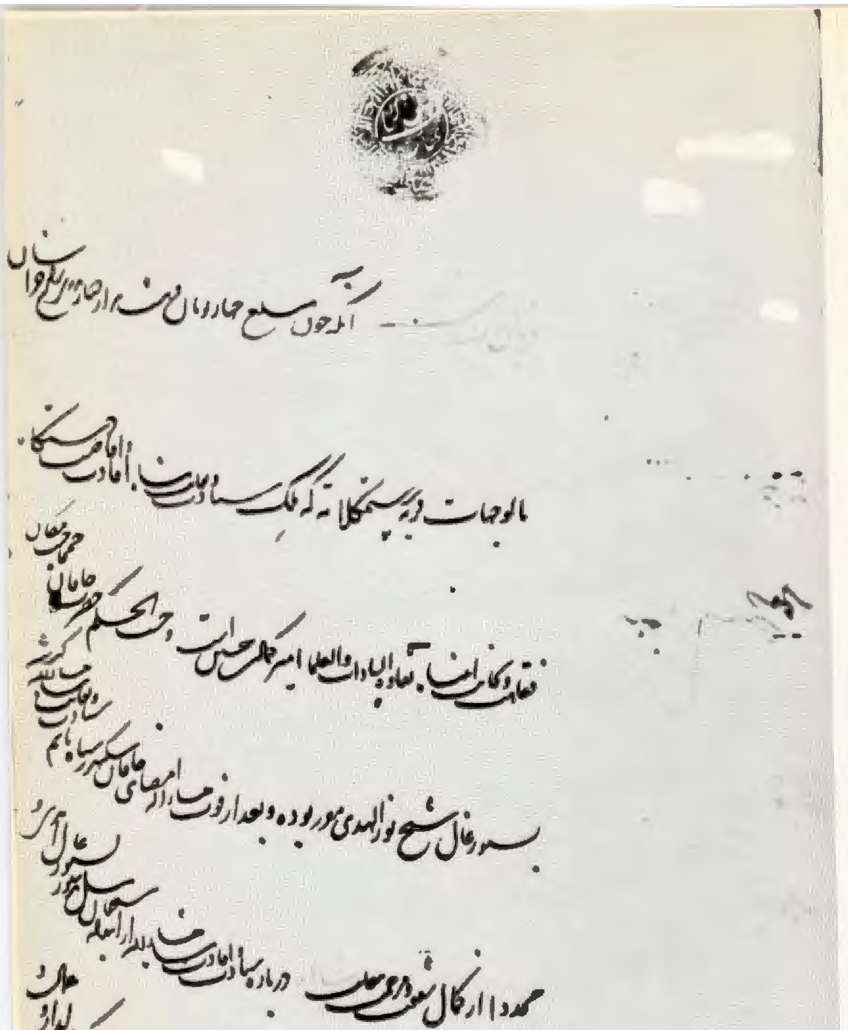

فرمان شاه عباس اول مورخ ۹۹۶ هـ . ق . ص ۵۱۹ و ۵۲۰

فرمان شاه‌عباس اول

مورخ ۱۰۰۰ هـ . ق . ص ۱۷ و ۱۸

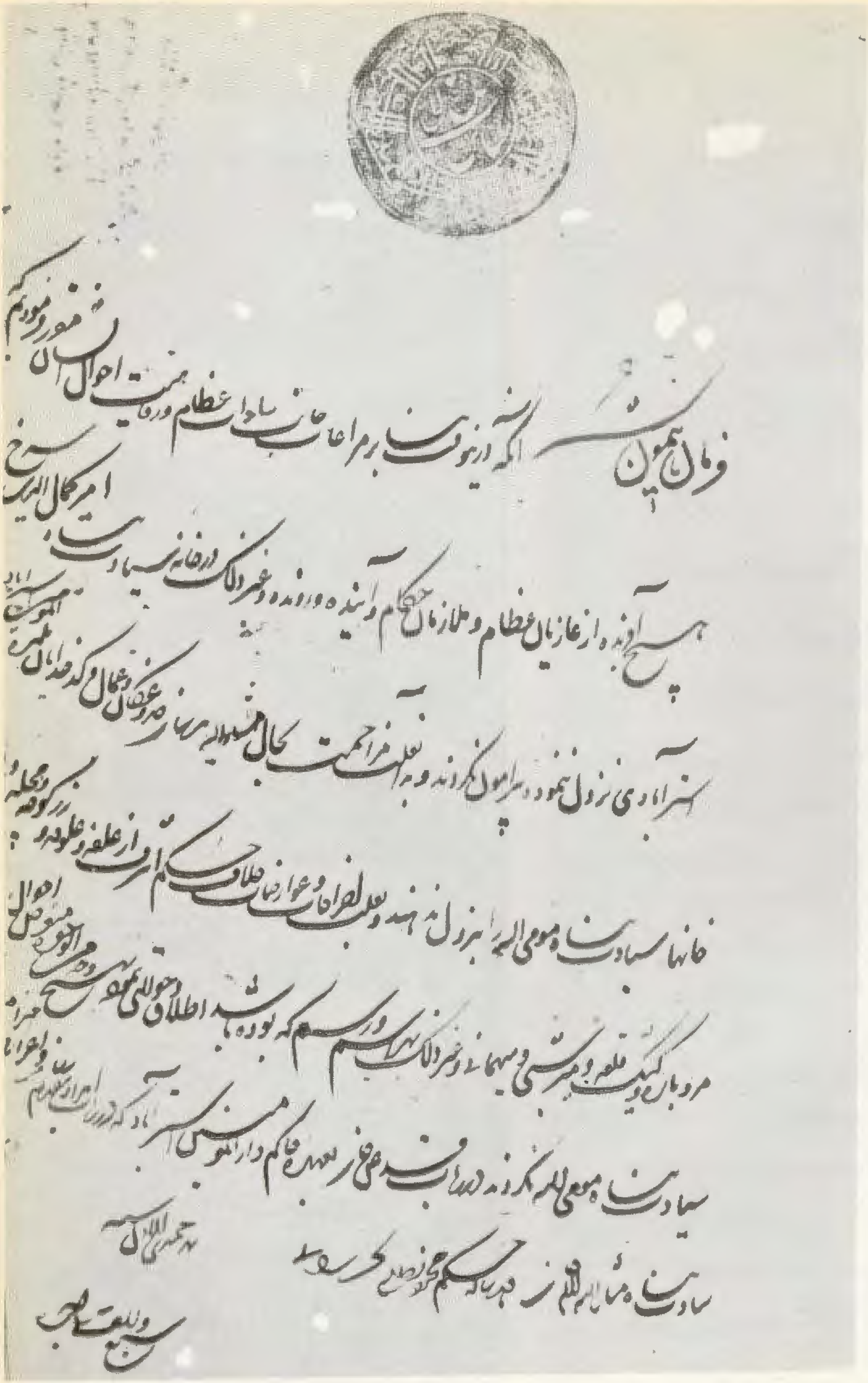

فرمان شاه عباس اول مورخ ۱۰۰۷ هـ . ق . ص ۱۹

مثال صدرالدین محمد الموسوی الحسینی
مورخ ۱۰۲۷ هـ . ق . ص ۲۱ و ۲۲

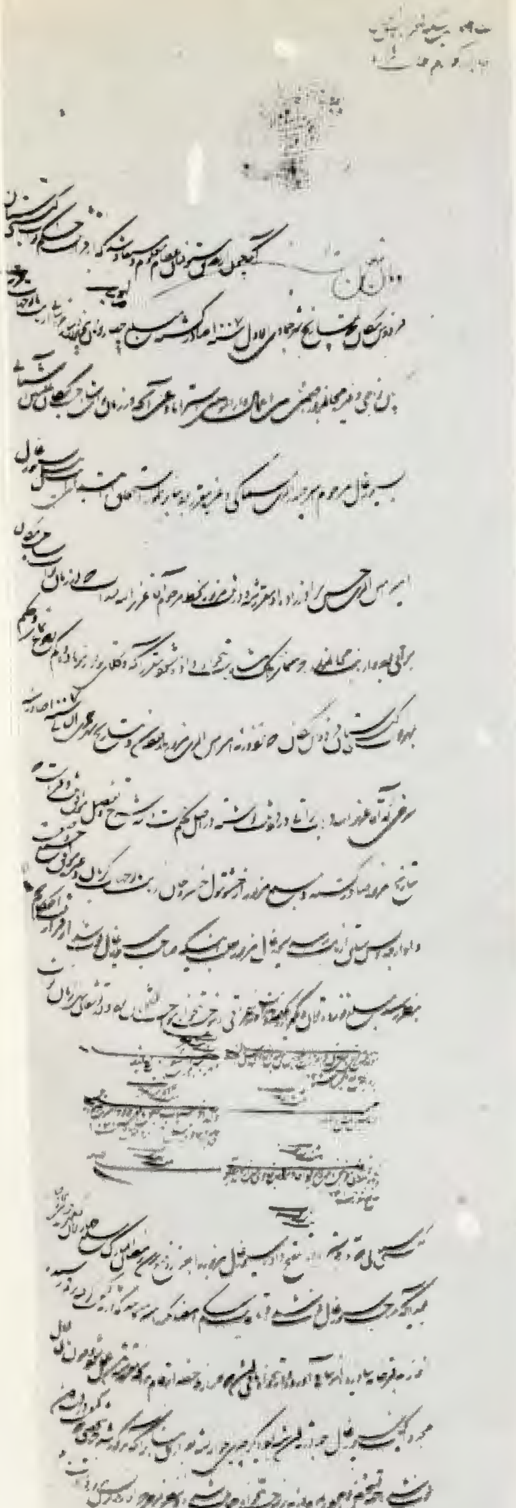

فرمان شاه عباس ثانی
مورخ ۱۰۶۹ هـ . ق . ص ۲۵ — ۲۹

فرمان شاه‌عباس ثانی
مورخ ۱۰۷۱ ﻫ . ق . ص ۲۹ — ۳۱

فرمان شاه سلیمان اول مورخ ۱۰۷۷ هـ . ق . ص ۵۲۱ — ۵۲۳

فرمان شاه سلیمان اول

مورخ ۱۰۸۴ ﻫ . ق . ص ٤٤

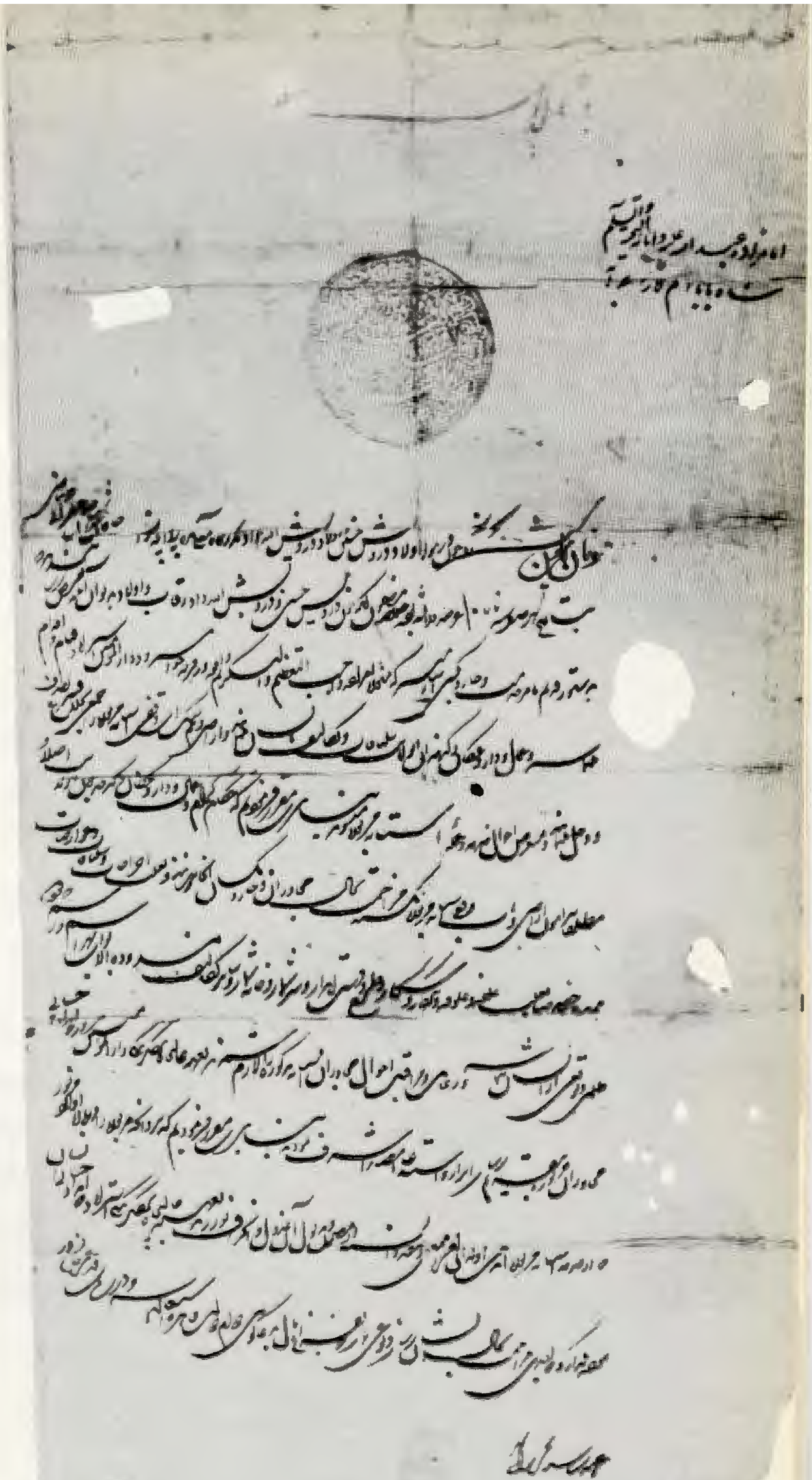

فرمان شاه سلیمان اول
مورخ ۱۰۸۹ ه‍ . ق . ص ۴۹ و ۵۰

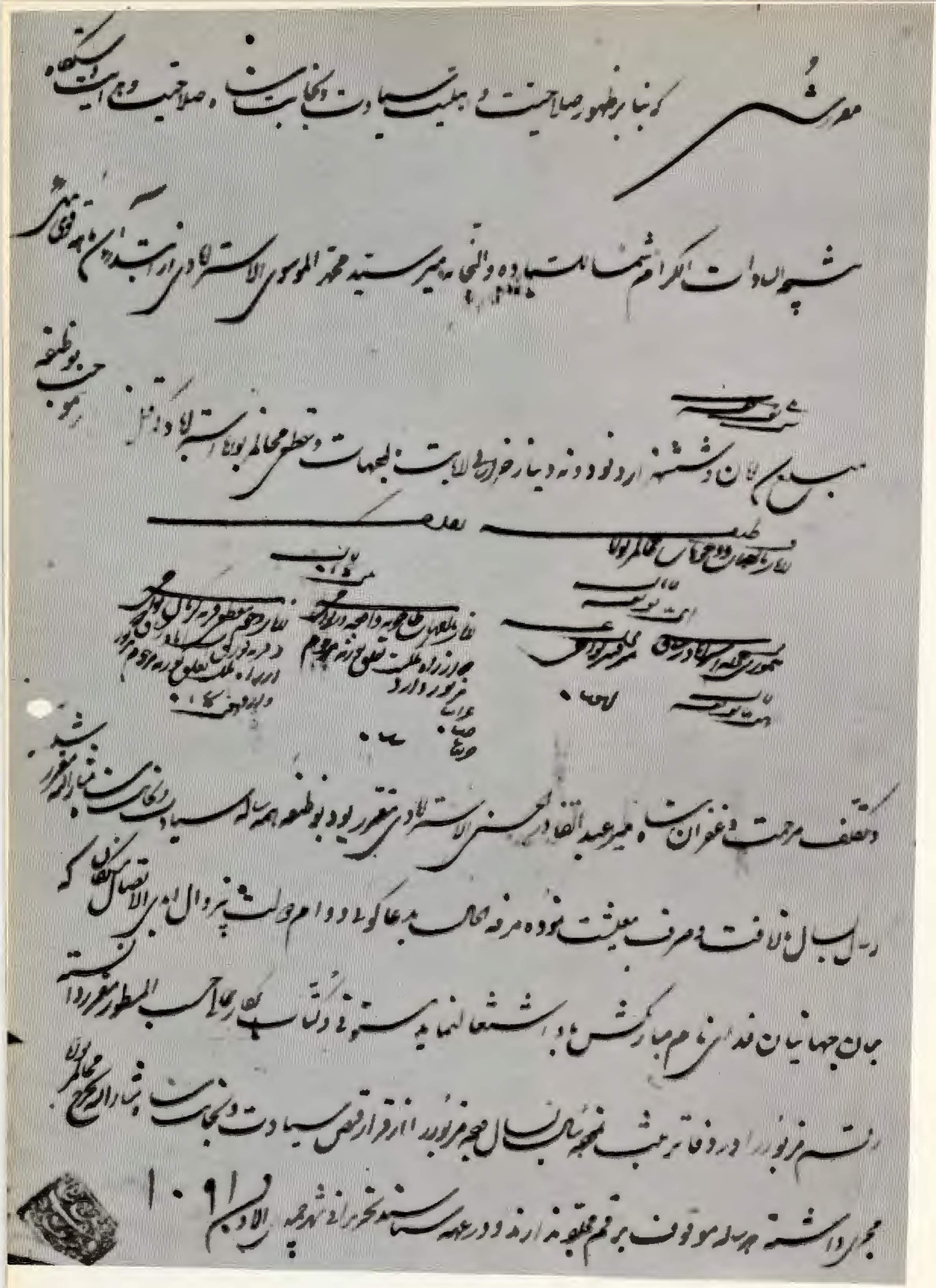
مقرر شد آنکه بنا بر ظهور صلاحیت و اهلیت سیادت و نجابت ... صلاحیت ... دستگاه

شمس السادات الکرام شمس السیاده و النجابه میر سید محمد الموسوی الاسترآبادی از ابتدای ... قوی ئیل

... تومان و ششصد و نود و نه دینار ... ابواب الجمعات ... استرآباد

در تصرف مرحمت و غفران پناه میر عبدالقادر الحسنی الاسترآبادی مقرر بود ... سیادت ... مقرر شد

... صرف معیشت نموده مرفه الحال بدعاگوئی دوام دولت بی زوال ابد الاتصال ... که

جان جهانیان فدای نام مبارکش باد اشتغال نماید ... حسب المسطور مقرر دانسته

رقم مزبور را در دفاتر ... سال ... سیادت و نجابت ...

مجری داشته ... موقوف برقم مطاع ... فی شهر ... ۱۰۹۱

حکم فتحعلی‌خان قاجار مورخ ۱۰۹۱ ه . ق . ص ۵۰ و ۵۱

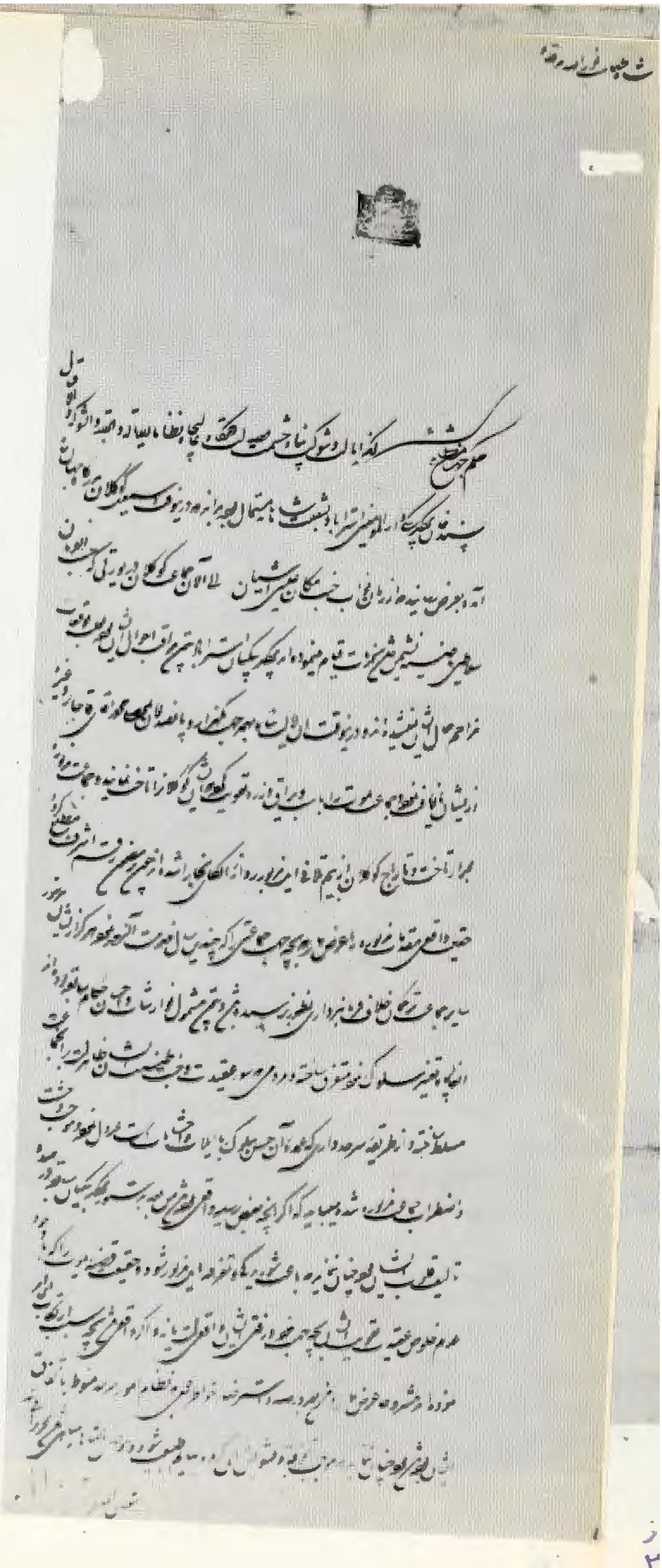

حکم شاه سلیمان اول
مورخ ۱۱۰۲ هـ. ق. ص ۵۲ و ۵۳

شاه طهماسب نور الله مرقده

جد بزرگوارم طهماسب شاه

شاه ... م فرمانه ...

فرمان همایون شد آنکه چون سیادت و نجابت و افادت پناه اسلالة السادات العظام ...

فضل الله اولاد میرابو ... استرابادی و ورثه میر ابوالفوارس ... بعرض رسانیده ...

در استرآباد ... از مال الجهات بلده مذکوره به سیورغال ... مشار الیه مقرر و مدتی شد ...

بعد از ایشان ... دو درین وقت خواجه صالح نام ... عرض ... سیورغال ...

خود گذرانیده و ... مجلسی ... که حکم اشرف ... سیورغال ...

فوت مرحوم مشار الیه صادر ... وجه مزبور ... سیورغال ایشان شفقت شود ...

... خراسانی ... الجهات محال استرآباد که در زمان ...

اولاد سید محمد ... میر ظهیر الدین ابراهیم و میر نظام الدین محمد باقر مقرر ... در ... خراسان ...

ظهیر الدین ابراهیم و میر نظام الدین محمد باقر ... میر زین العابدین و میر محمد ... و بعد از فوت میرزین العابدین

میر محمد شریف ولد میرزا ابراهیم ... عرض ... میرزین العابدین و میر محمد وارث ...

از ... الجهات ... سیورغال متوفیان ... مشار الیه مقرر شده ... میر ابوالفوارس

مرکار ... آمده در دیوان الصدارة العلیة العالیة ثابت شود ... اولاد میرزین العابدین ... میر محمد ...

... میر محمد شریف ولد میر ابراهیم خلاف عرض ... بعد از ... رسد ... رمضان

بر موجب سیورغال امیر ابوالفوارس ولد میرزین العابدین و ورثه میر محمد ... مقرر شد بعد از آن که میر ابوالفوارس ...

... رمضان المبارک

...

فرمان شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۰۸ هـ . ق . ص ۵۵ — ۵۸

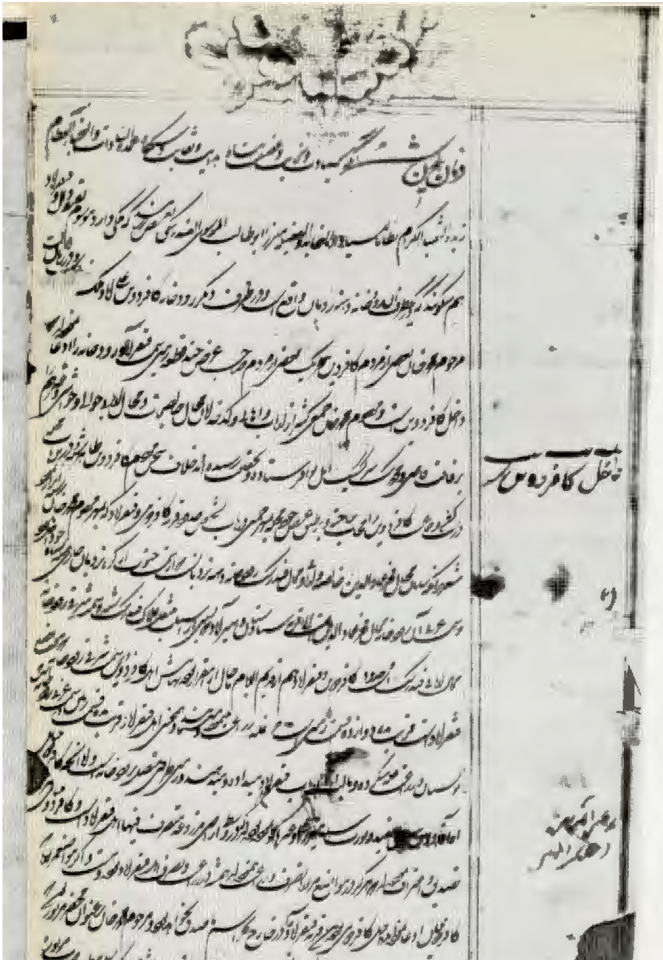

فرمان شاه سلطان حسین ص ۵۹ — ۶۱

فرمان شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۱۱ هـ . ق . ص ٦١ و ٦٢

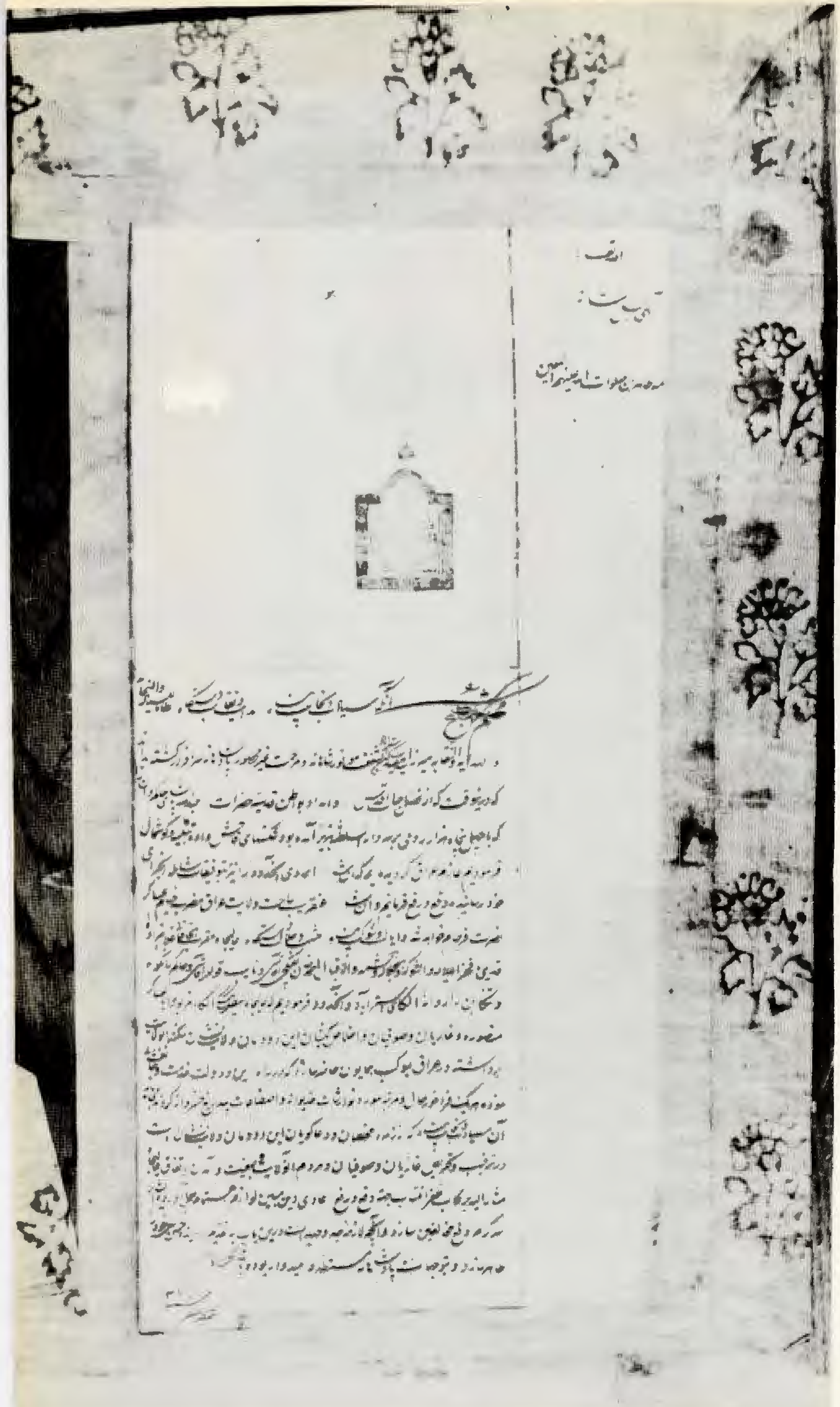

فرمان شاه طهماسب ثانی مورخ ۱۱۳۷ هـ . ق . ص ۸۹ و ۹۰

فرمان شاه طهماسب ثانی مورخ ۱۱۳۸ ه . ق . ص ۹۱ و ۹۲

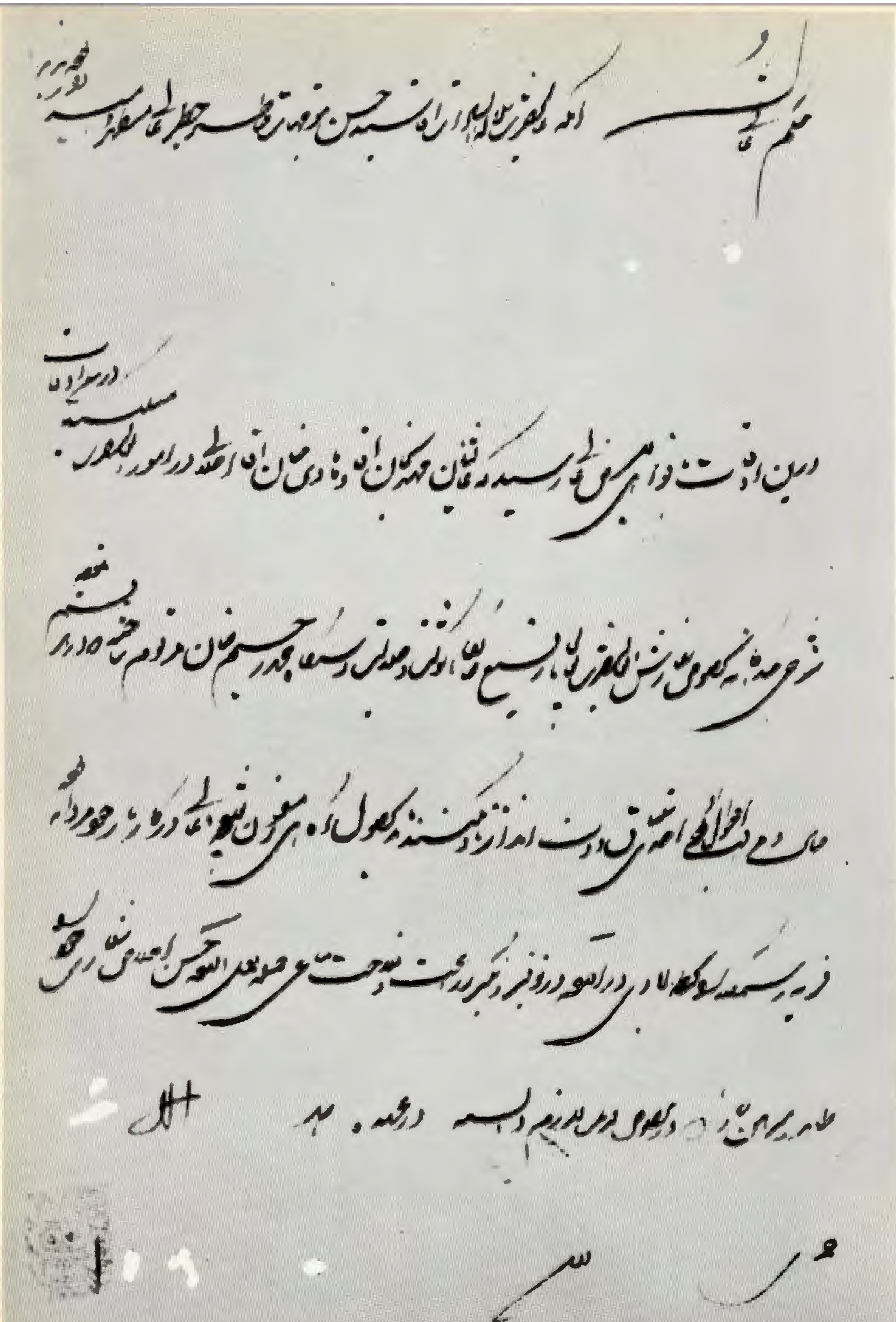

حکم باباخان مورخ ۱۱۹۰ هـ . ق . ص ٥٢٤

عرضه‌داشت رعایای آهنگر محله واصفهان کلاته مورخ ۱۲۲۸ ه . ق . ص۵۲۵ و۵۲۶

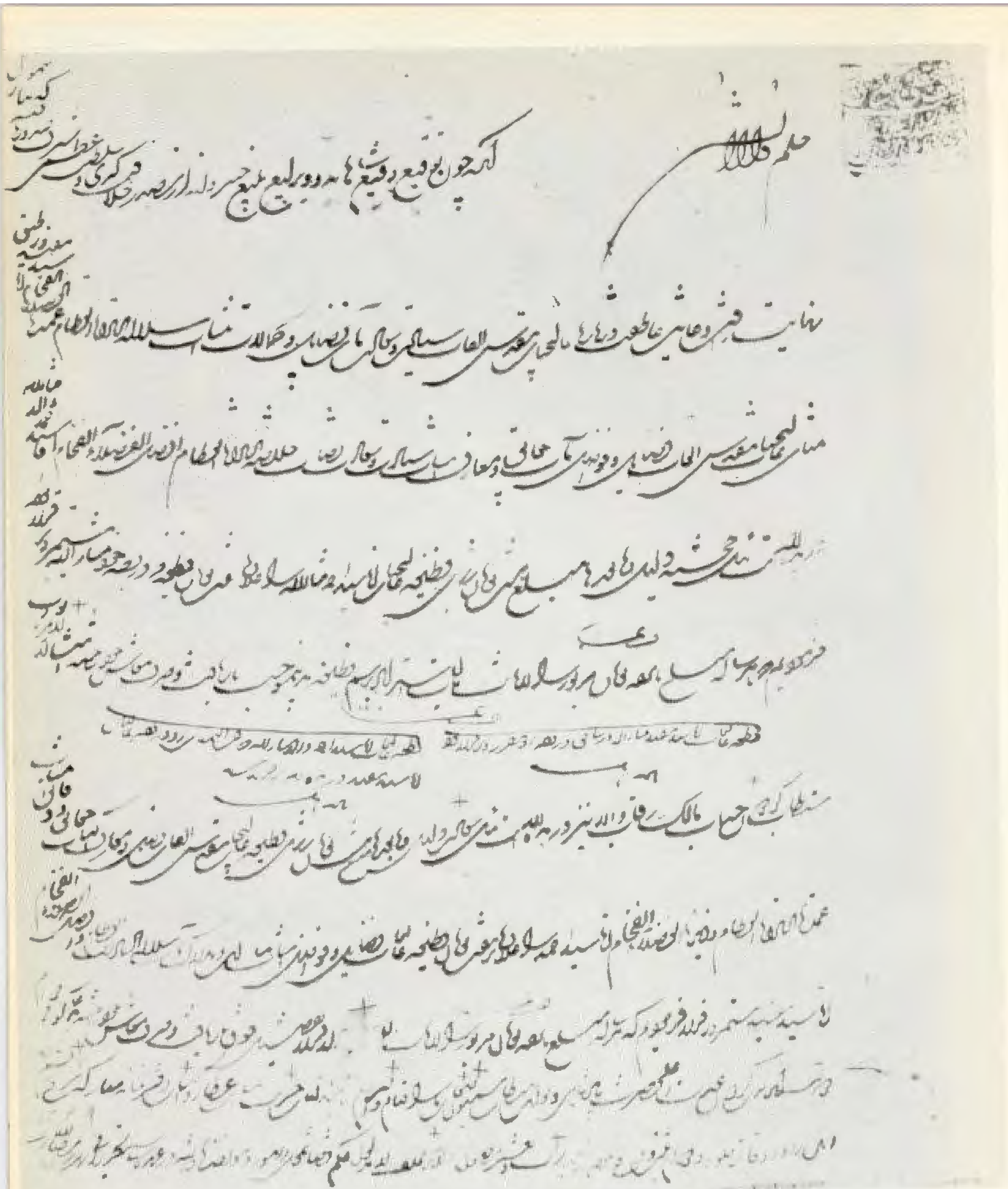

حکم محمدقلی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۲۹ هـ . ق . ص ۱۱۳ و ۱۱۴

[illegible]

عریضه‌ی کمترین غلامان جان‌نثار [illegible]

محمد قاجار

[illegible]

این غلام جان‌نثار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عرضه‌داشت میرمحسن موسوی مورخ ۱۲۳۵ ﻫ . ق . ص۱۱۷ ⟶

عرضه داشت محمدقلی دولو مورخ ۱۲۳۰ ﻫ . ق . ص ۵۲۸ و ۵۲۹.

قسمتی ازفرمان فتحعلی شاه قاجار

مورخ ۱۲۳۶ ه‍ . ق . ص ۵۳۵ ــ ۵۴۳

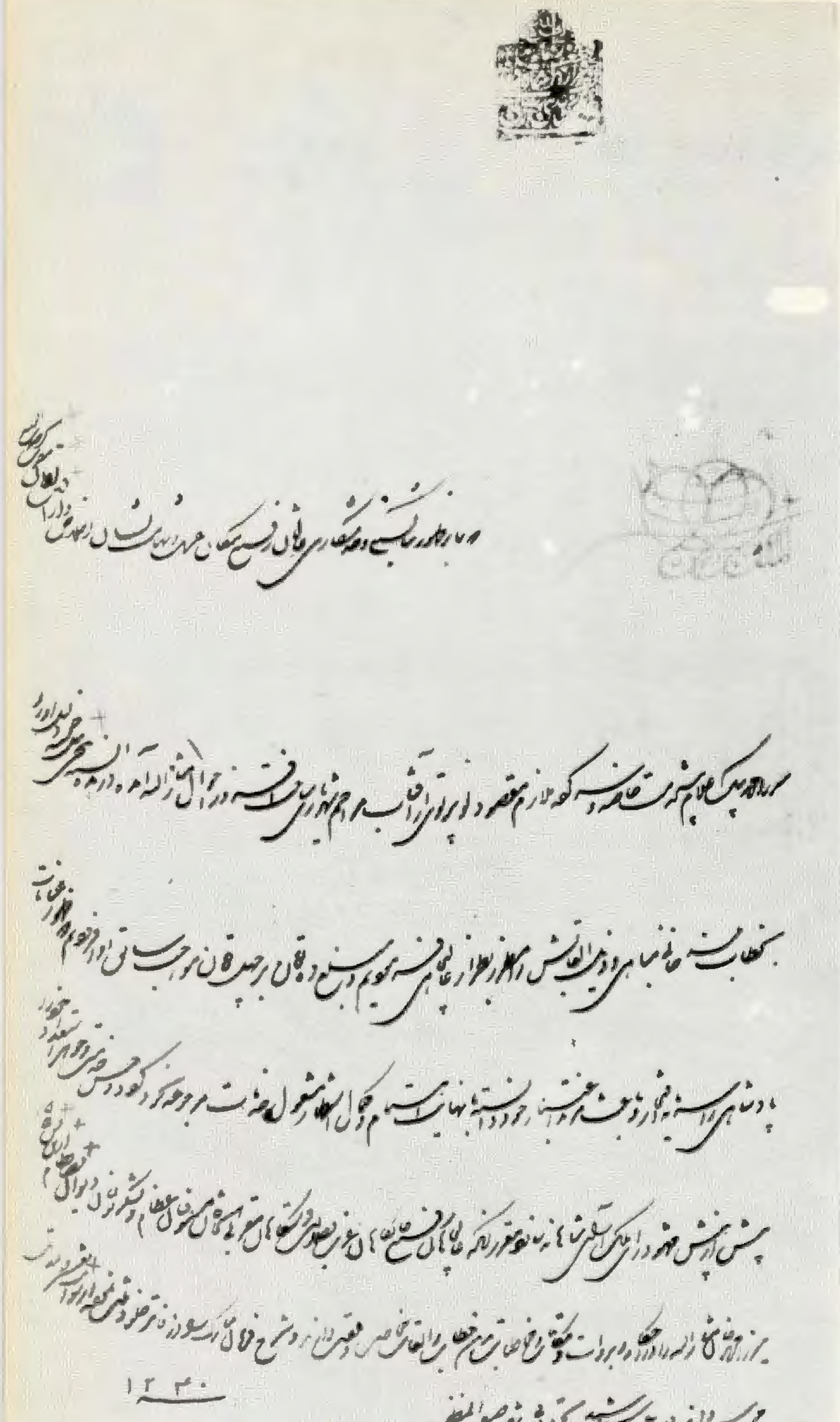

فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۴۰ هـ . ق . ص ۱۲۳

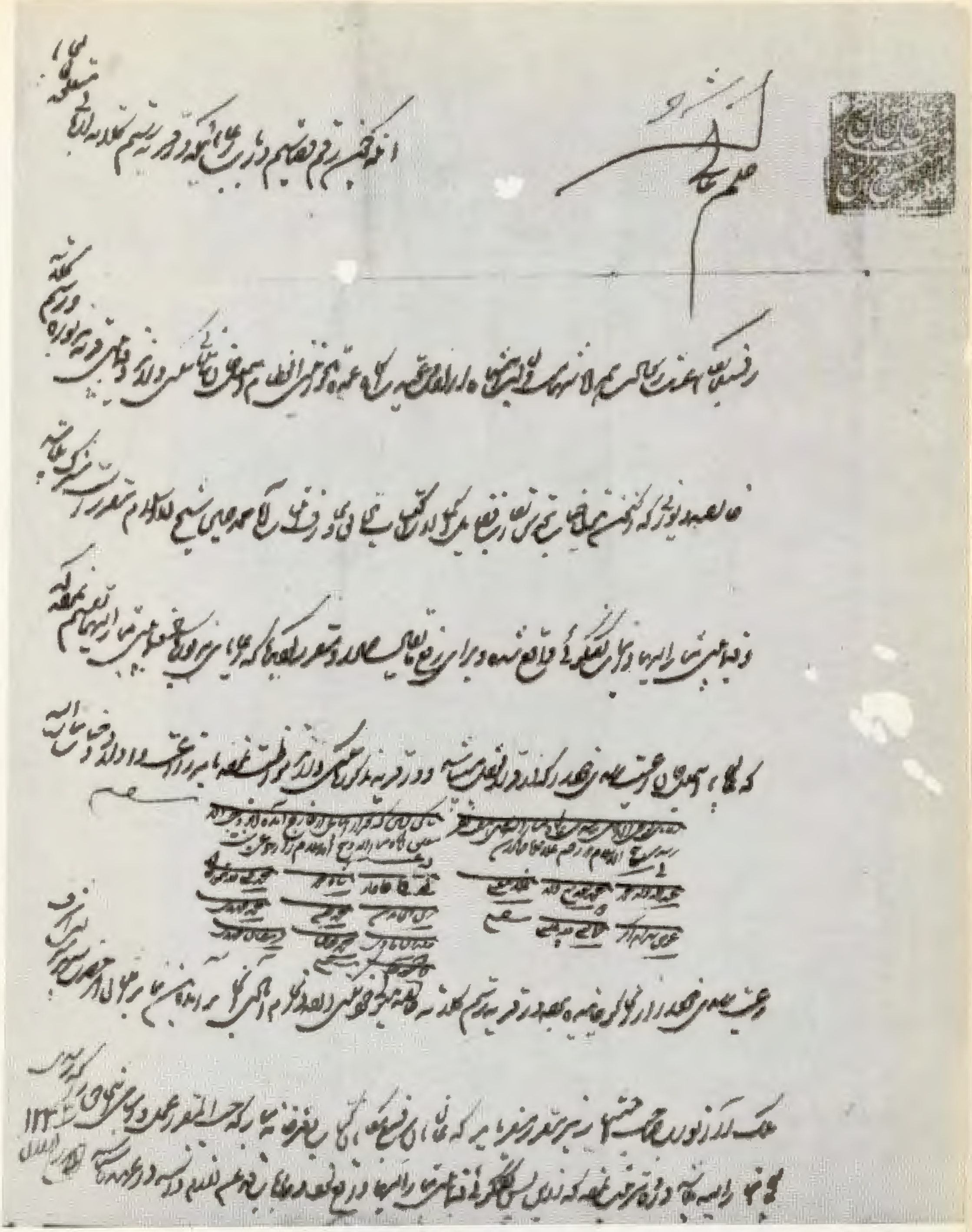

حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۳ هـ . ق . ص ٥٤٣ ــ ٥٤٥

حکم ملک‌آرا مورخ ١٢٤٣ هـ . ق . ص٥٤٦ و ٥٤٧

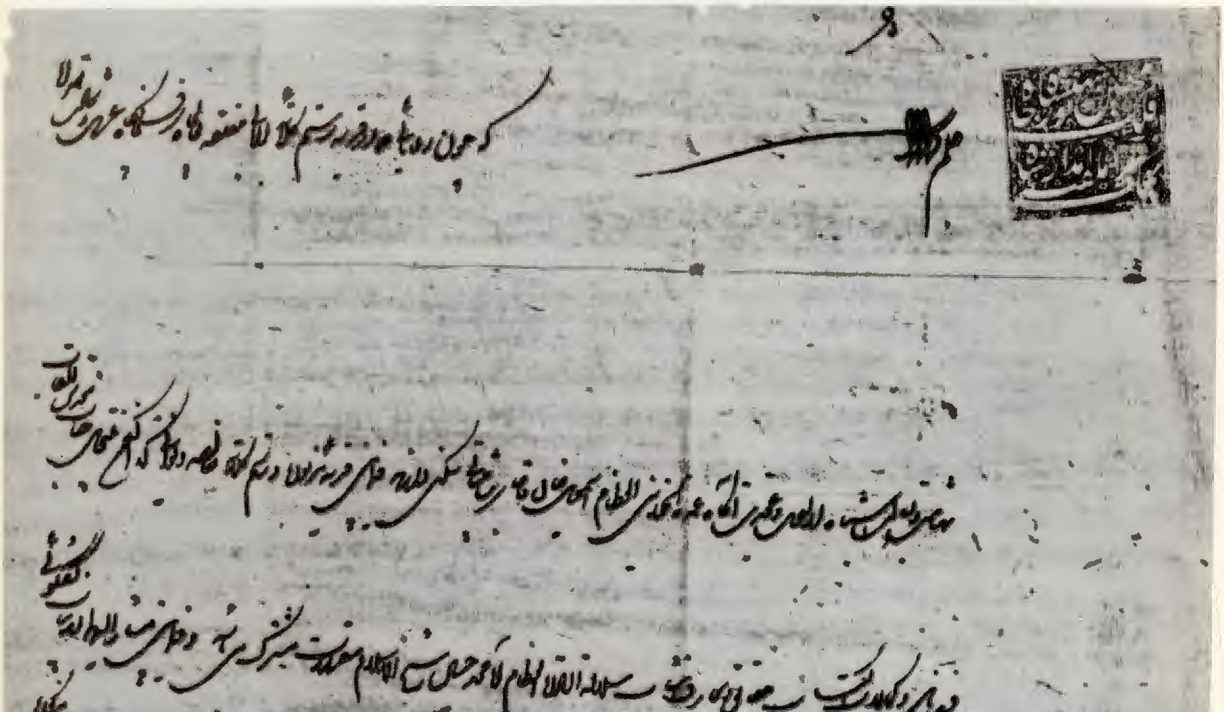

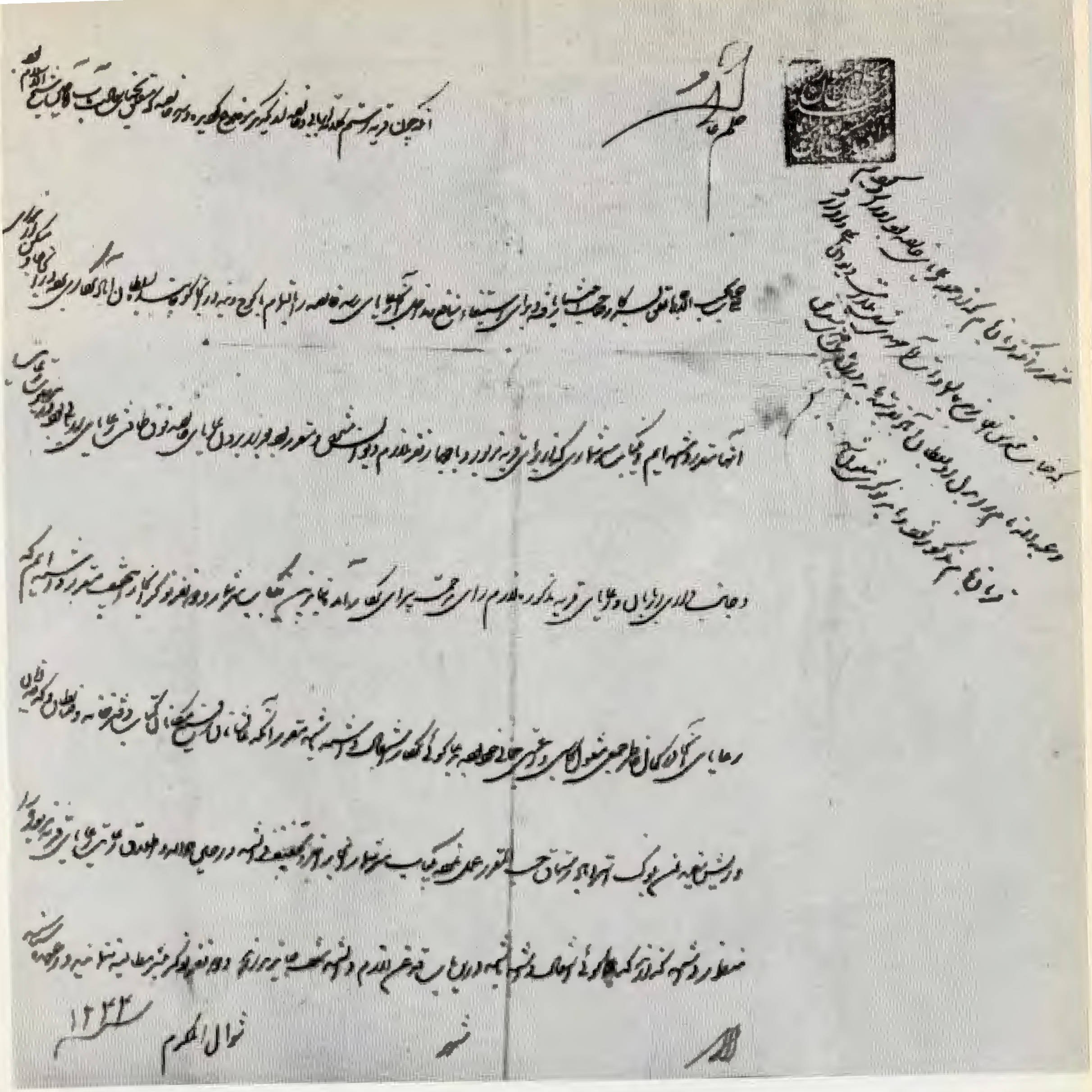

حکم بدیع‌الزمان میرزا مورخ ۱۲۴۴ ه‍ . ق . ص ۵۴۸ و ۵۴۹

←

فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ ۱۲۴۷ ه‍ . ق . ص ۱۲۸ ــ ۱۳۰

[illegible]

٤٤
۴

حکم شد

آنکه [illegible] عالیجاه [illegible]

چون [illegible] عالیجاه [illegible]

از [illegible] [illegible]

ولایت [illegible] جدول [illegible] نوشته

[illegible] شهر [illegible] سنه [illegible]

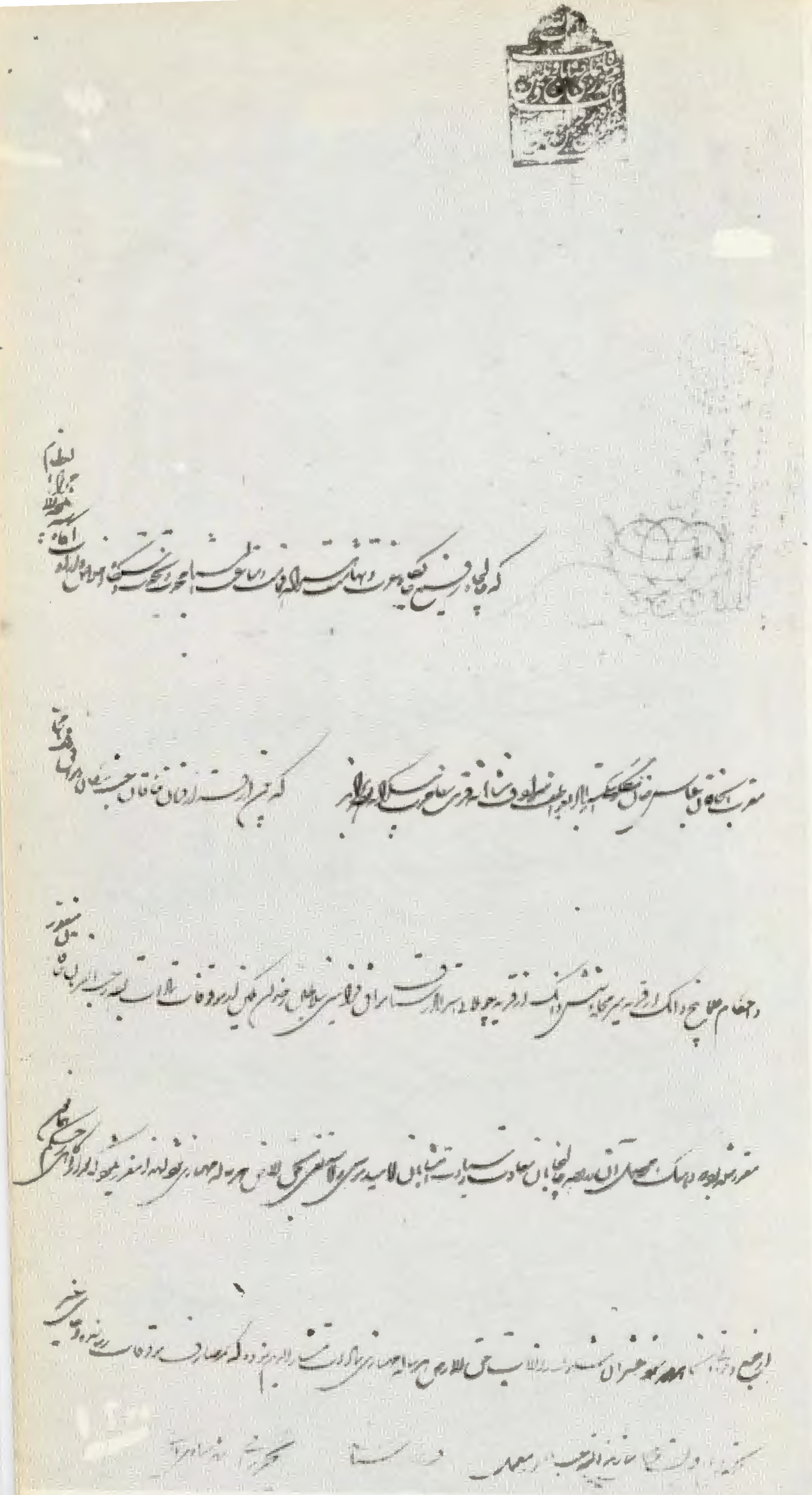

فرمان محمد شاه قاجار مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق . ص ۱۴۳ و ۱۴۴

→

حکم حاکم استراباد مورخ ۱۲۵۱ هـ . ق . ص ۵۴۹ و ۵۵۰

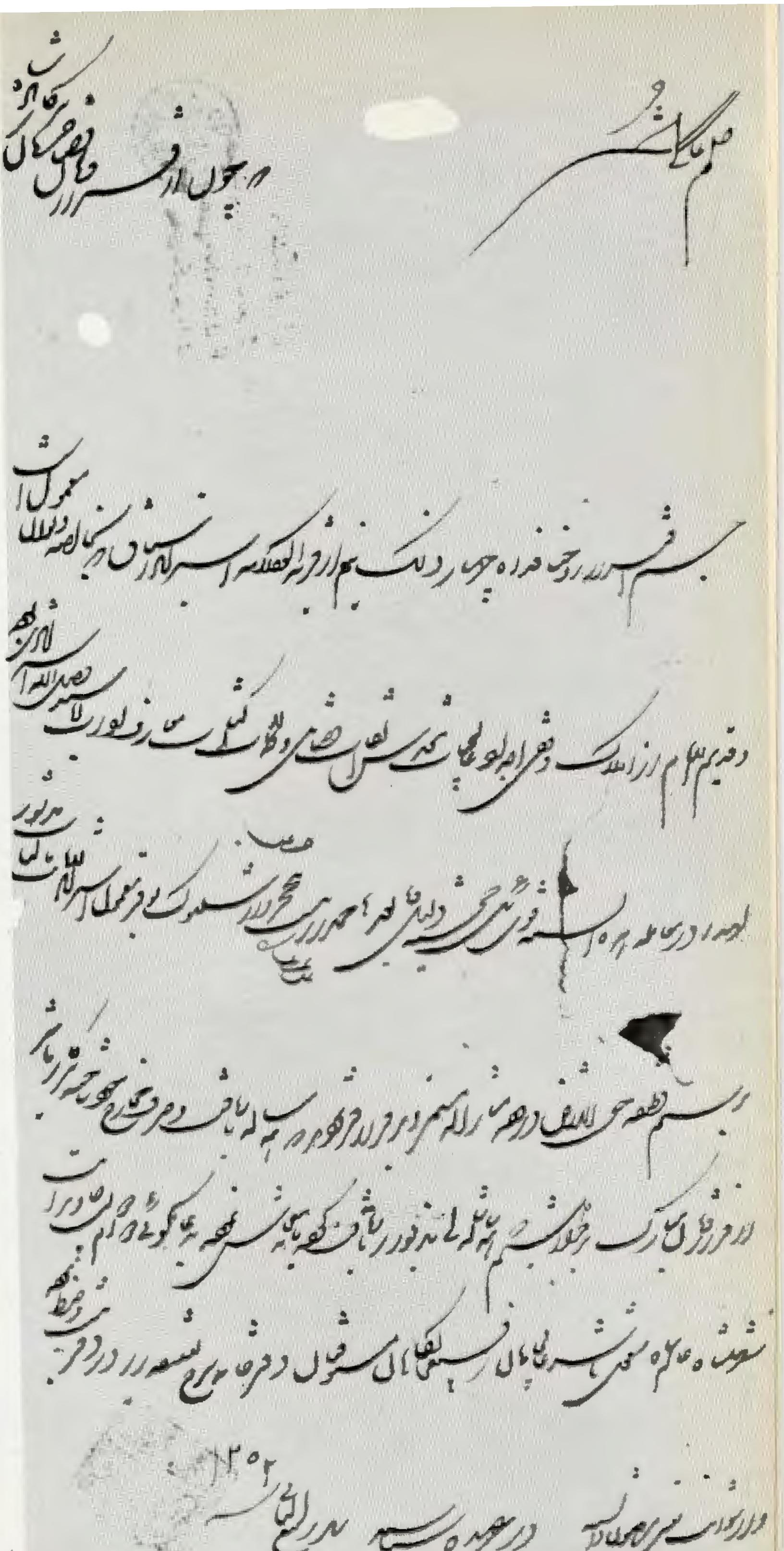

حکم حاکم استراباد

مورخ ۱۲۵۲ هـ . ق . ص ۱۵۰

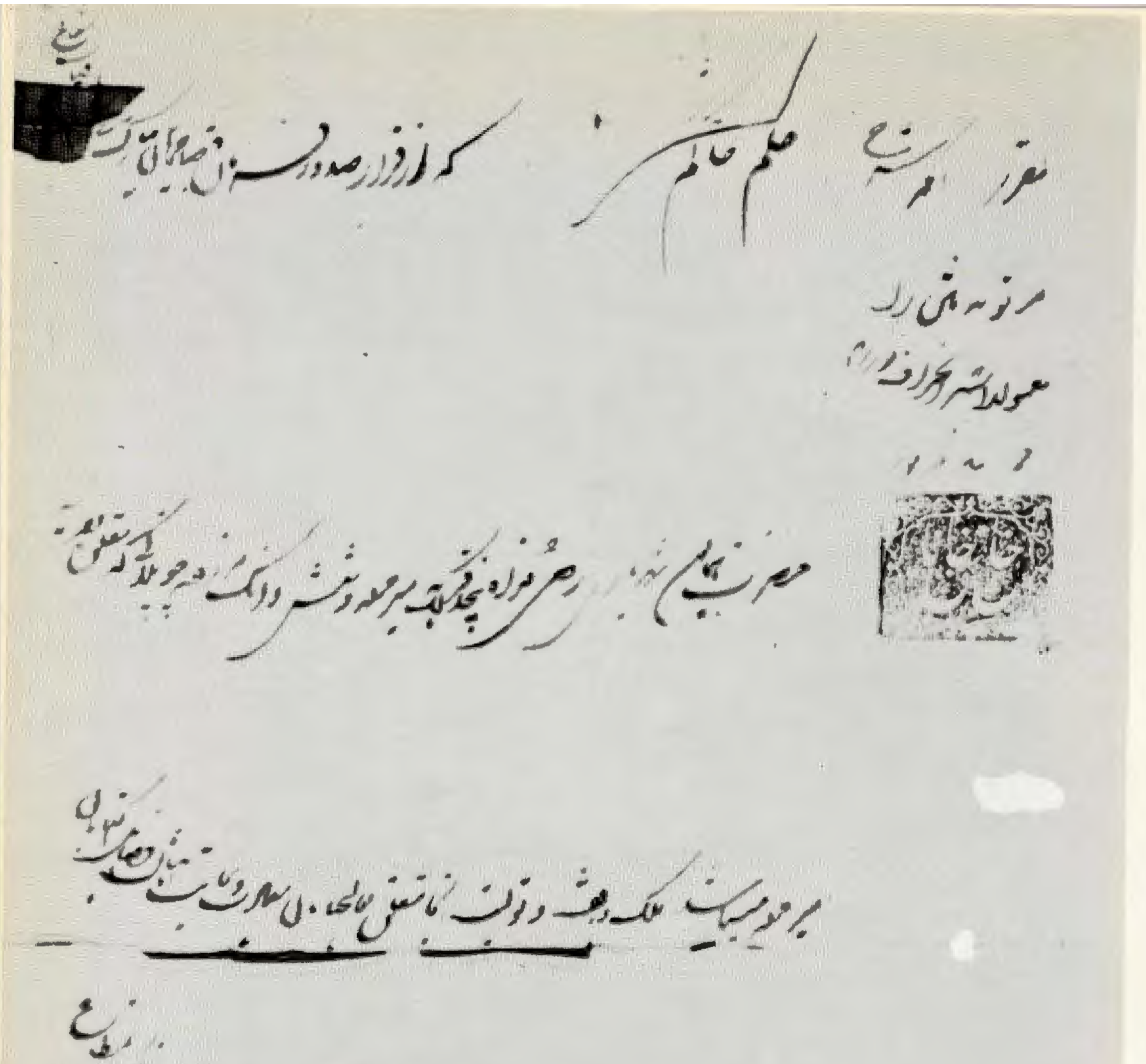

حکم خان‌خانان مورخ ۱۲۵۵ هـ . ق . ص ۱۵۸

فرمان محمدشاه قاجار

مورخ . . . ص ١٦٦ ـ ١٦٨

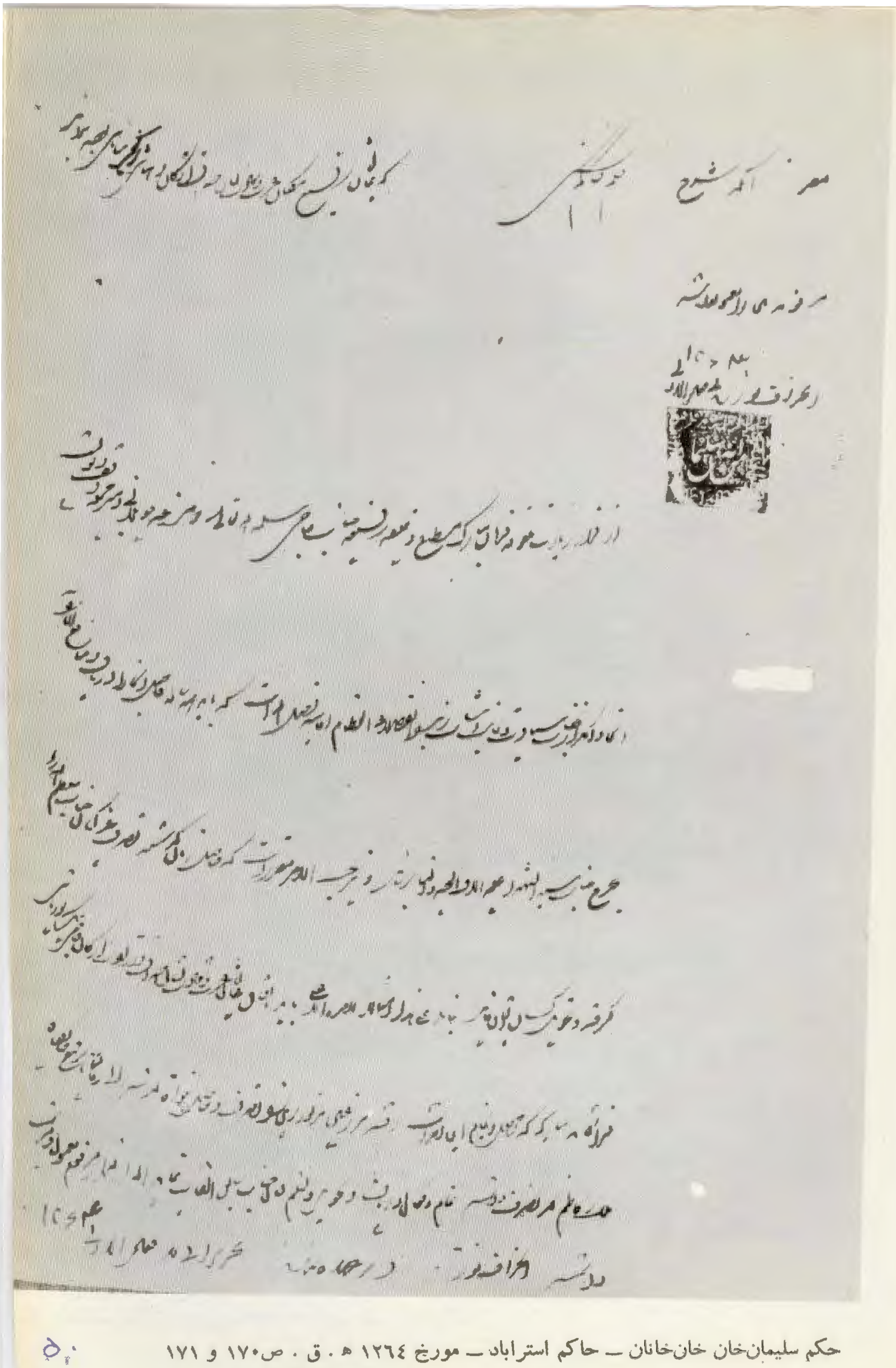

حکم سلیمان‌خان خان‌خانان ــ حاکم استراباد ــ مورخ ۱۲۶۴ هـ . ق . ص۱۷۰ و ۱۷۱

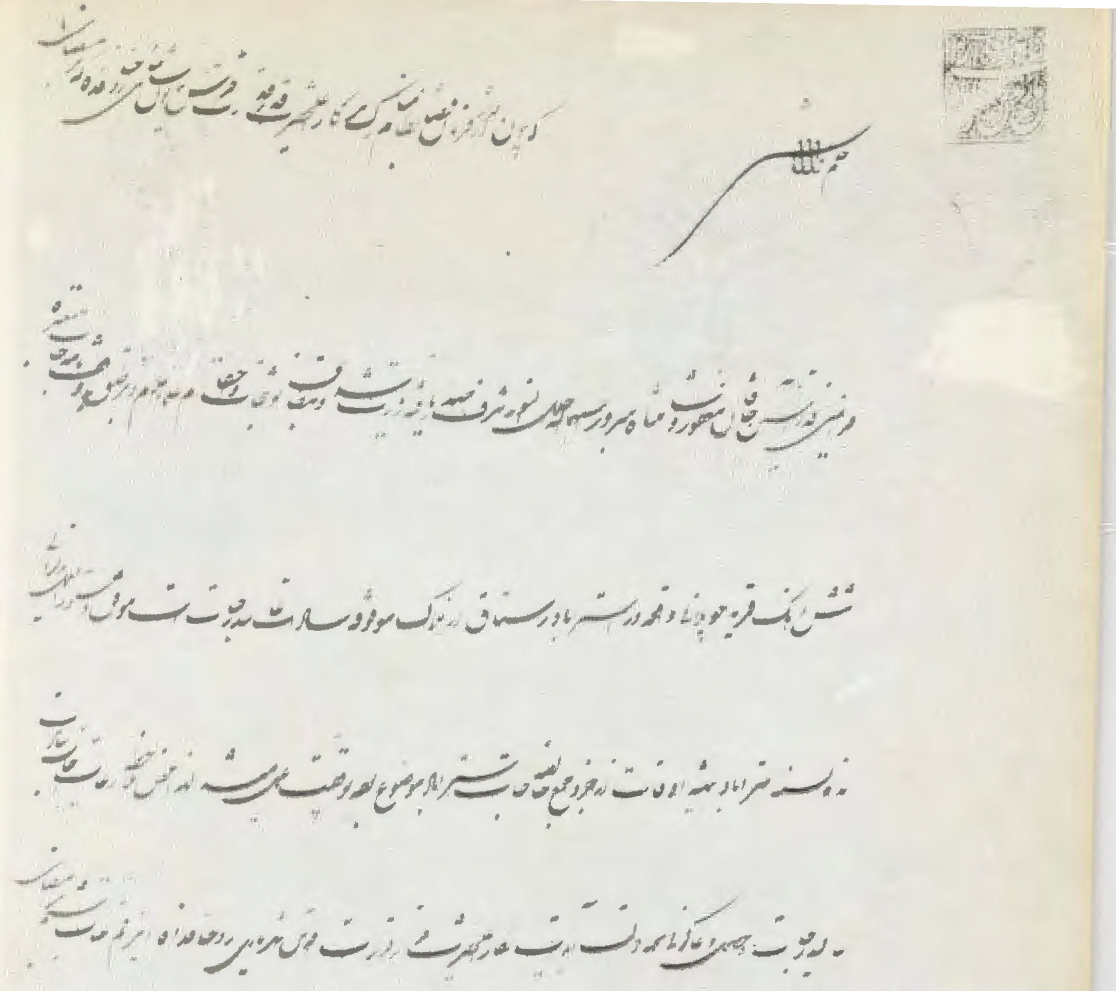

حکم شاهزاده ملك‌آرا مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق . ص ۱۸۱ و ۱۸۲

فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۲۸۲ هـ . ق . ص ۵۵۳ و ۵۵۴

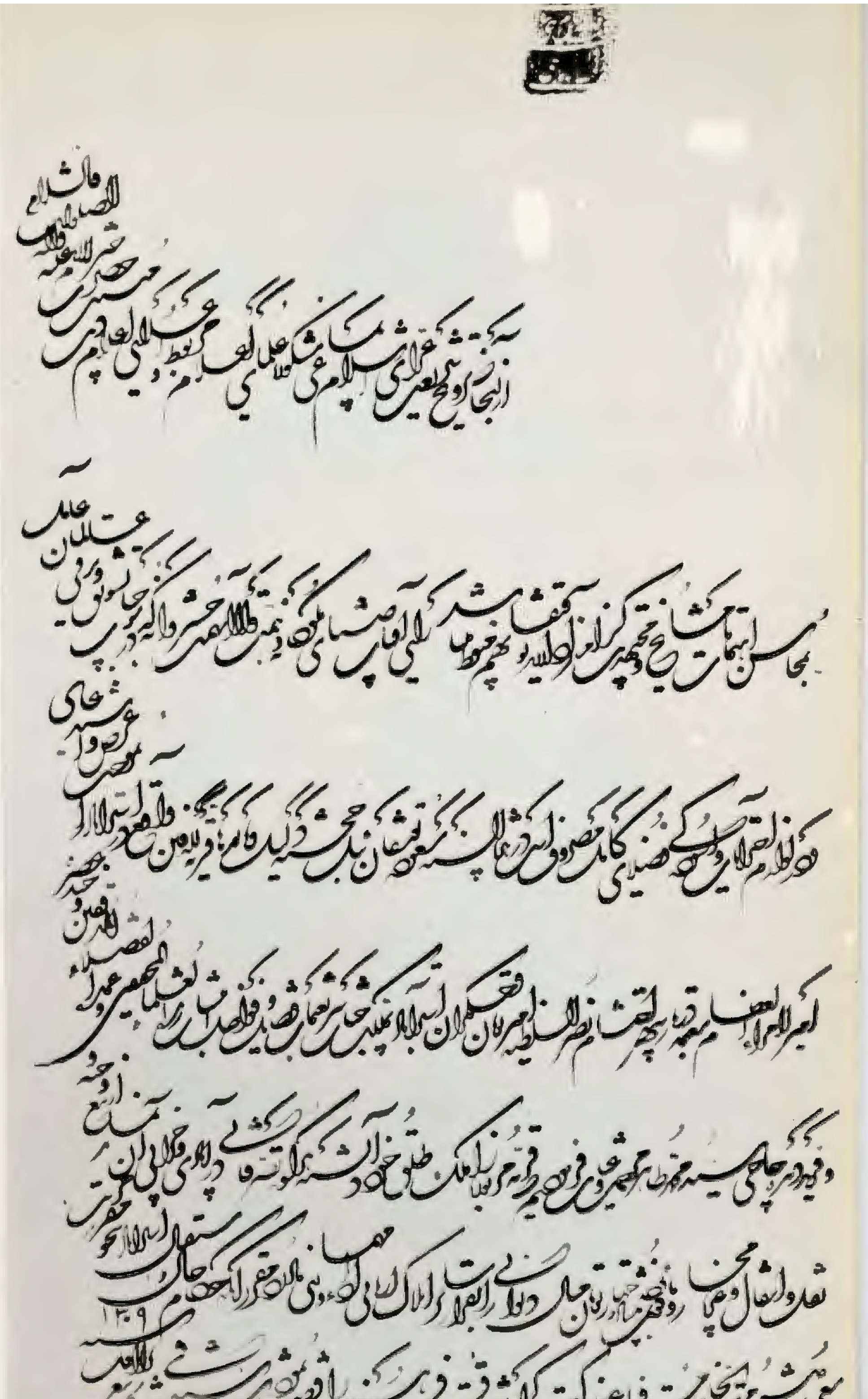

فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۳۰۹ هـ . ق . ص ۱۹۵ و ۱۹۶

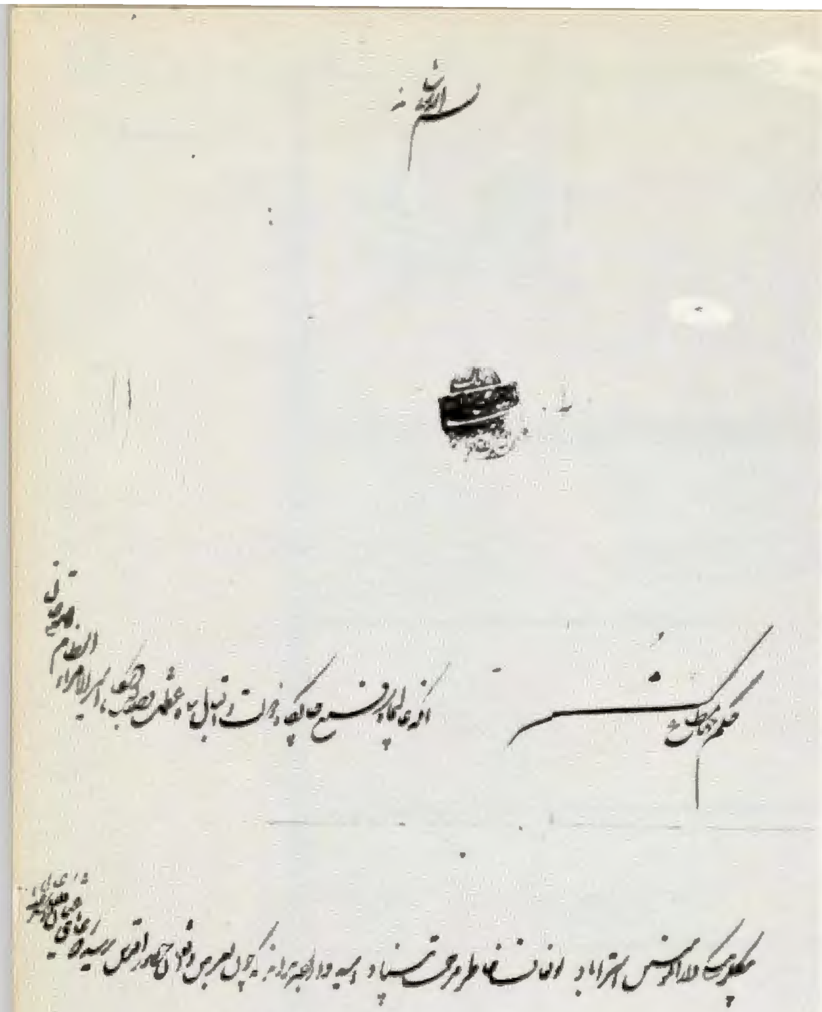

فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۳۱۱ ﻫ . ق . ص ۵۵۵ و ۵۵۶

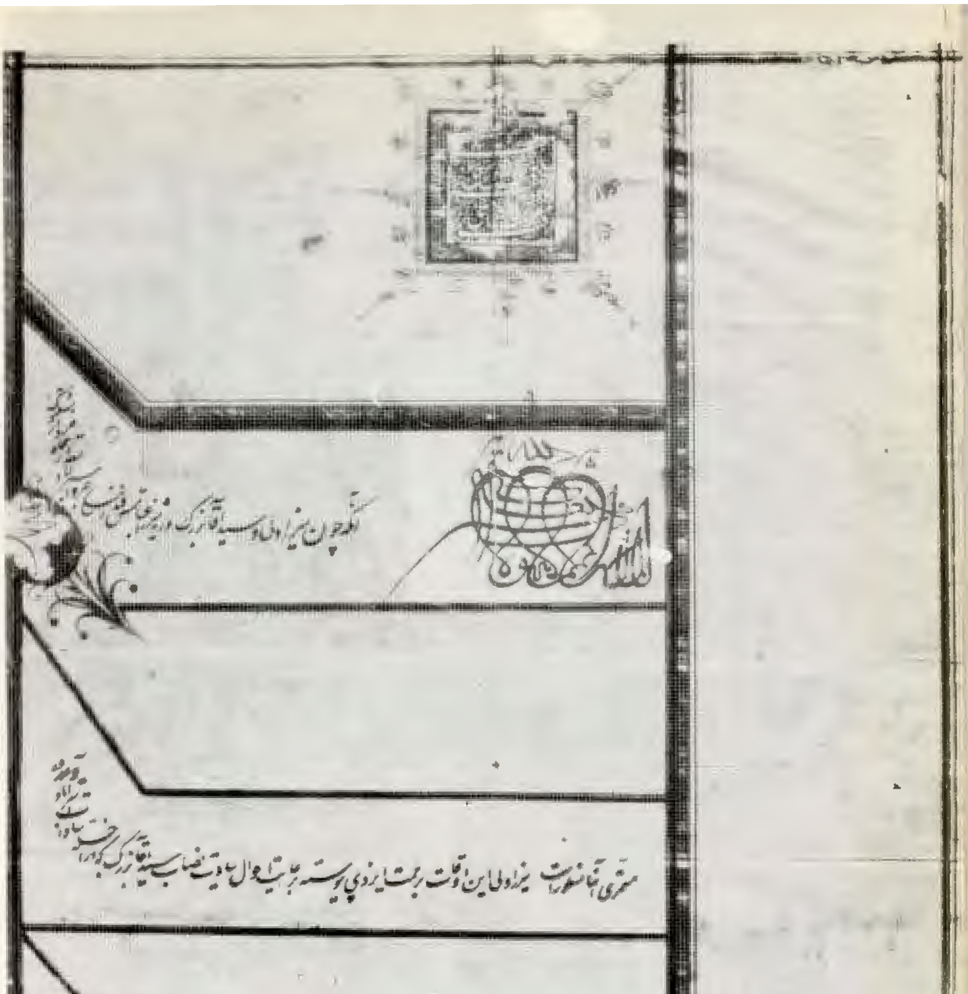

فرمان ناصرالدین شاه قاجار مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق . ص ۱۹۹ و ۲۰۰

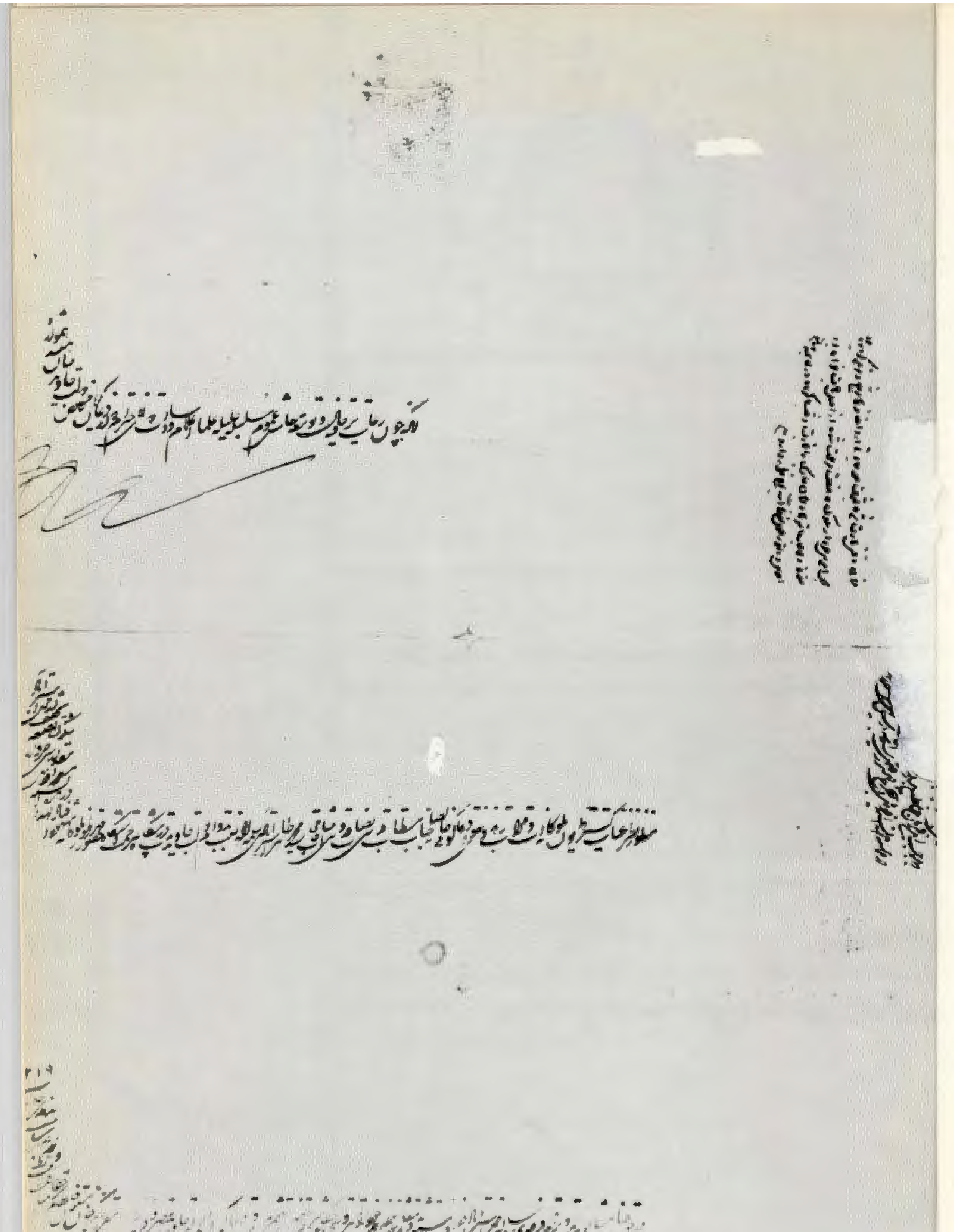

فرمان مظفرالدین شاه قاجار موزخ ۱۳۱۹ ه . ق . ص ۲۰۴ و ۲۰۵

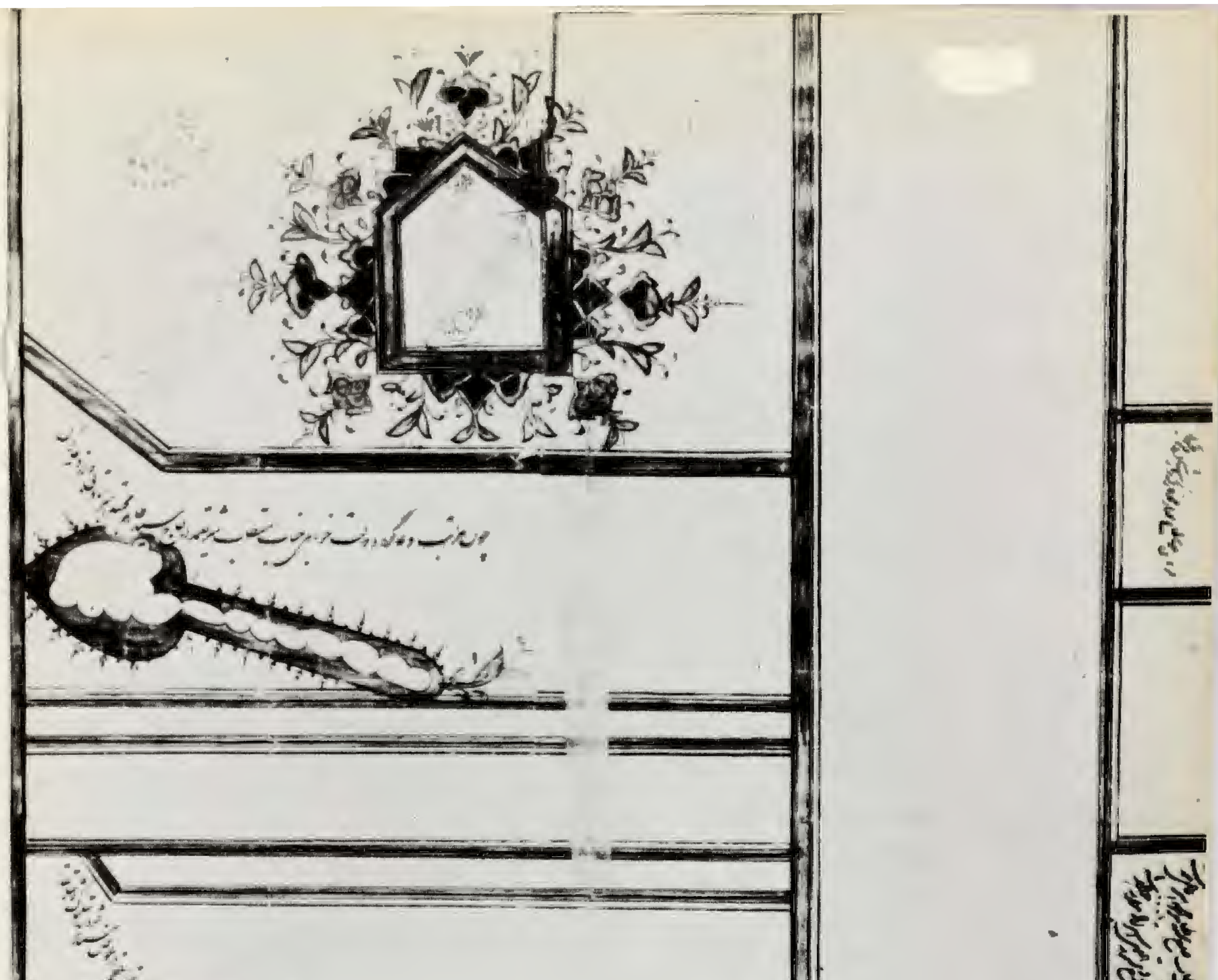

فرمان محمدعلی شاه قاجار مورخ ۱۳۲۶ هـ . ق . ص ۲۰۶

تأیید حکم شرعی حاجی ملارضای استرابادی مورخ . . . ص ۲۲۱ ــ ۲۲۳

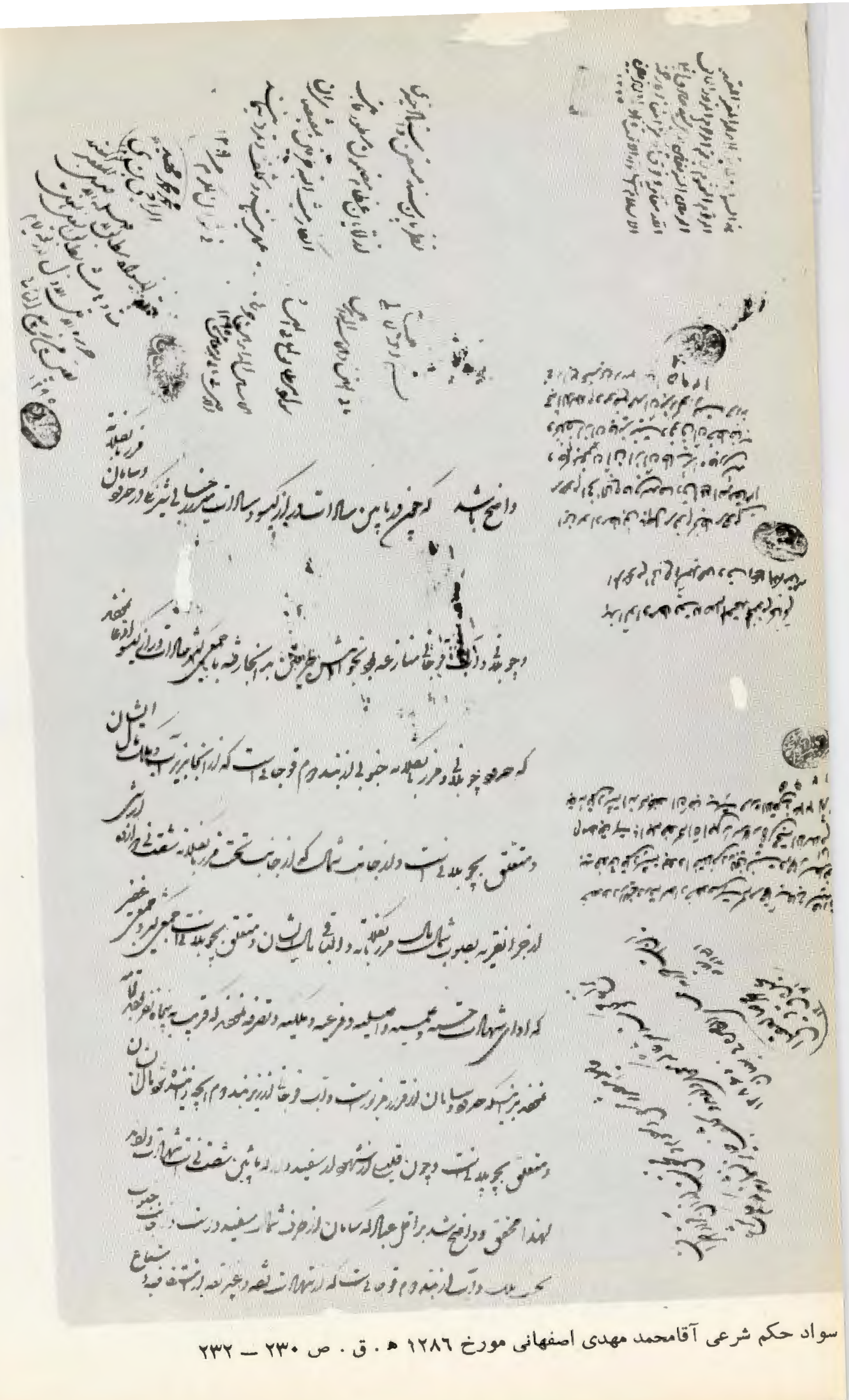

سواد حکم شرعی آقامحمد مهدی اصفهانی مورخ ۱۲۸۶ هـ . ق . ص ۲۳۰ ـ ۲۳۲

حکم شرعی سه تن از حکام شرع مورخ . . . ص ۲۴۴ و ۲۴۵

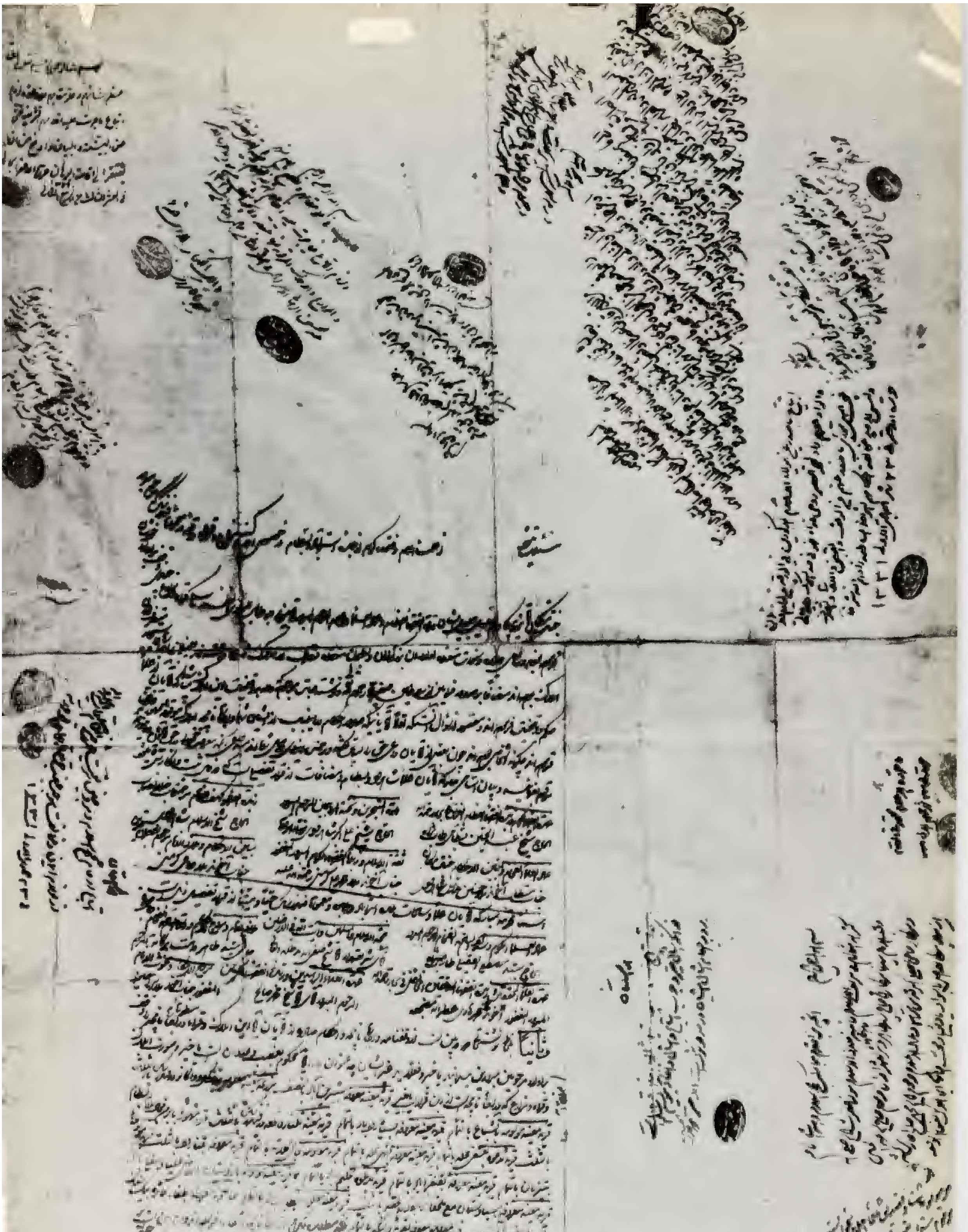

حکم شرعی حکام شرع استراباد مورخ . . . ص ۲۴۷ ــ ۲۵۳

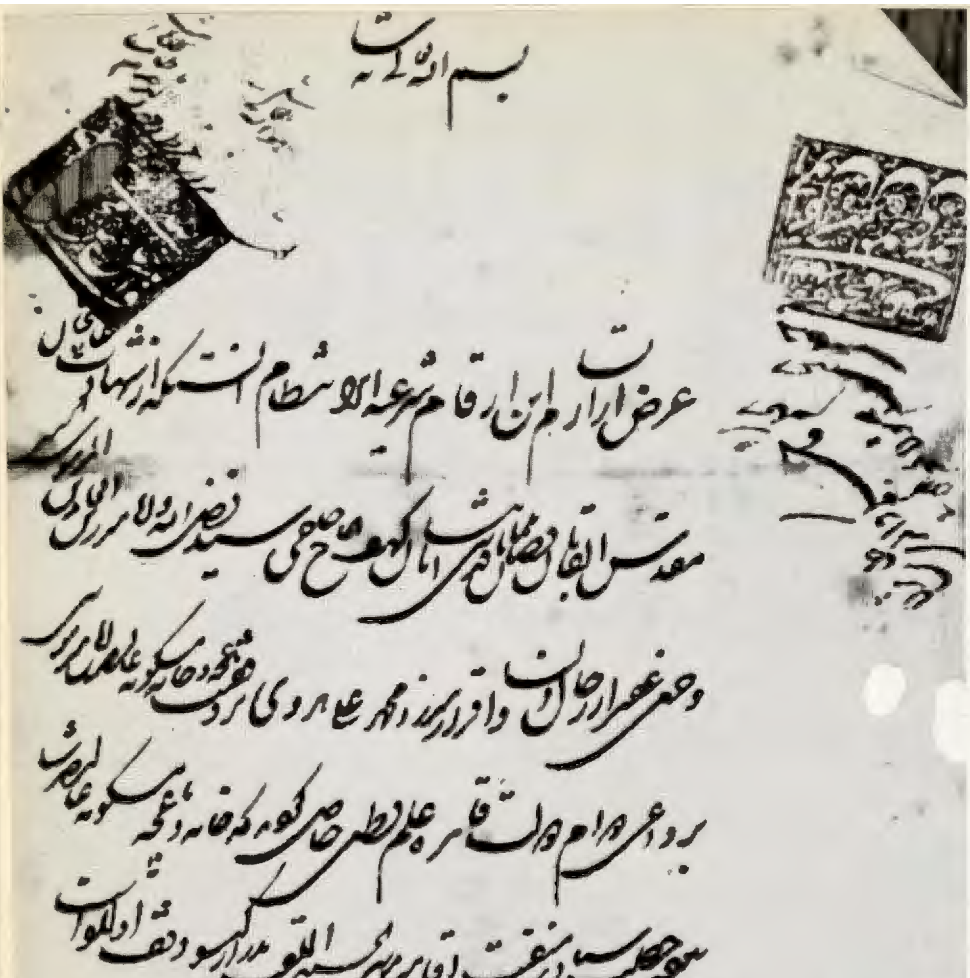

حکم حاکم شرع در باب خانهٔ آقامیرموسی حسینی مورخ . . . ص ۲۵۵ و ۲۵۶

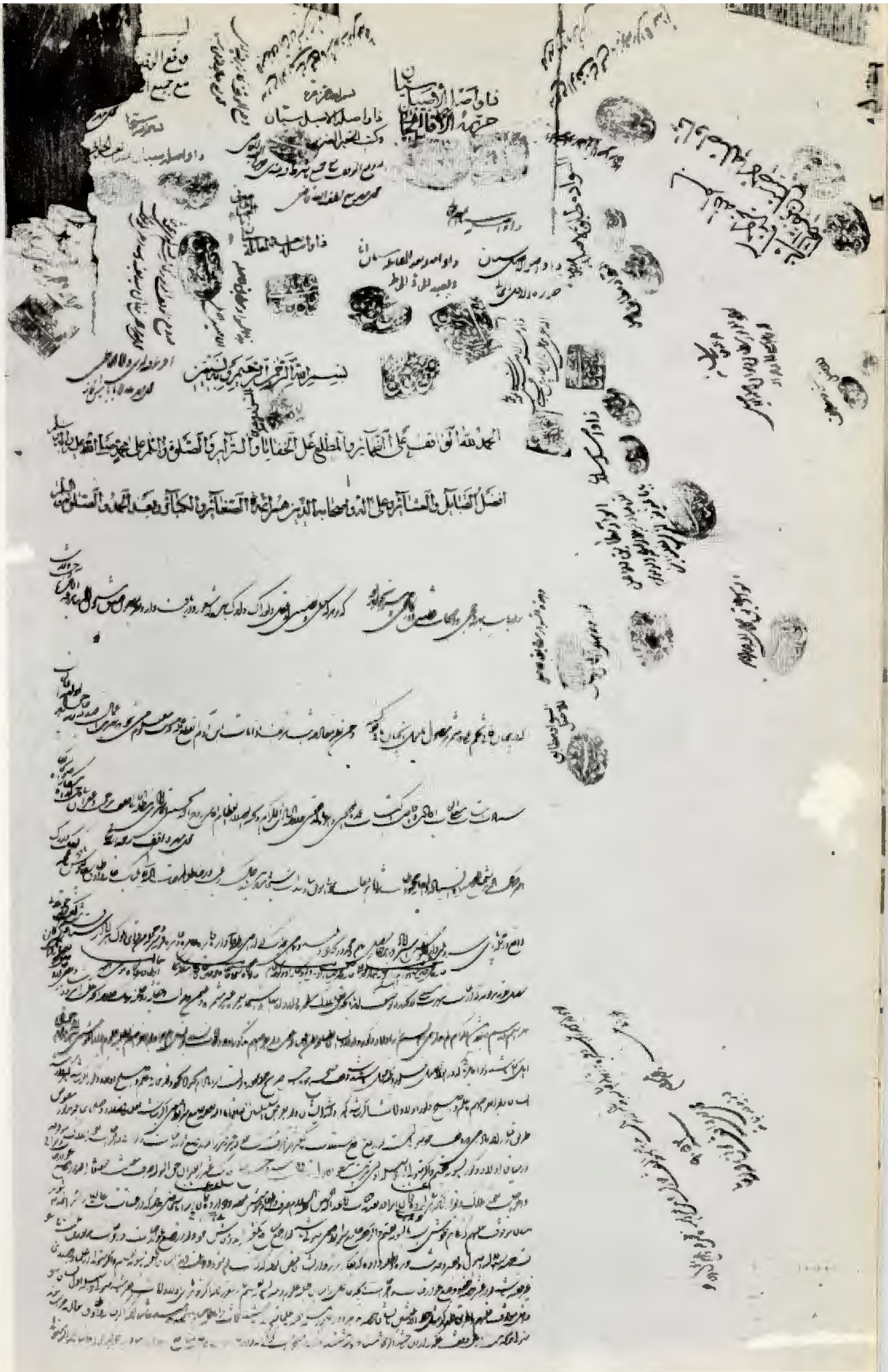

بسم الله الرحمن الرحیم

سواد وقفنامهٔ آقامیر روح‌الله حسینی استرابادی مورخ ۹۵۲ هـ.ق. ص ۳۱۷ـ۳۲۲

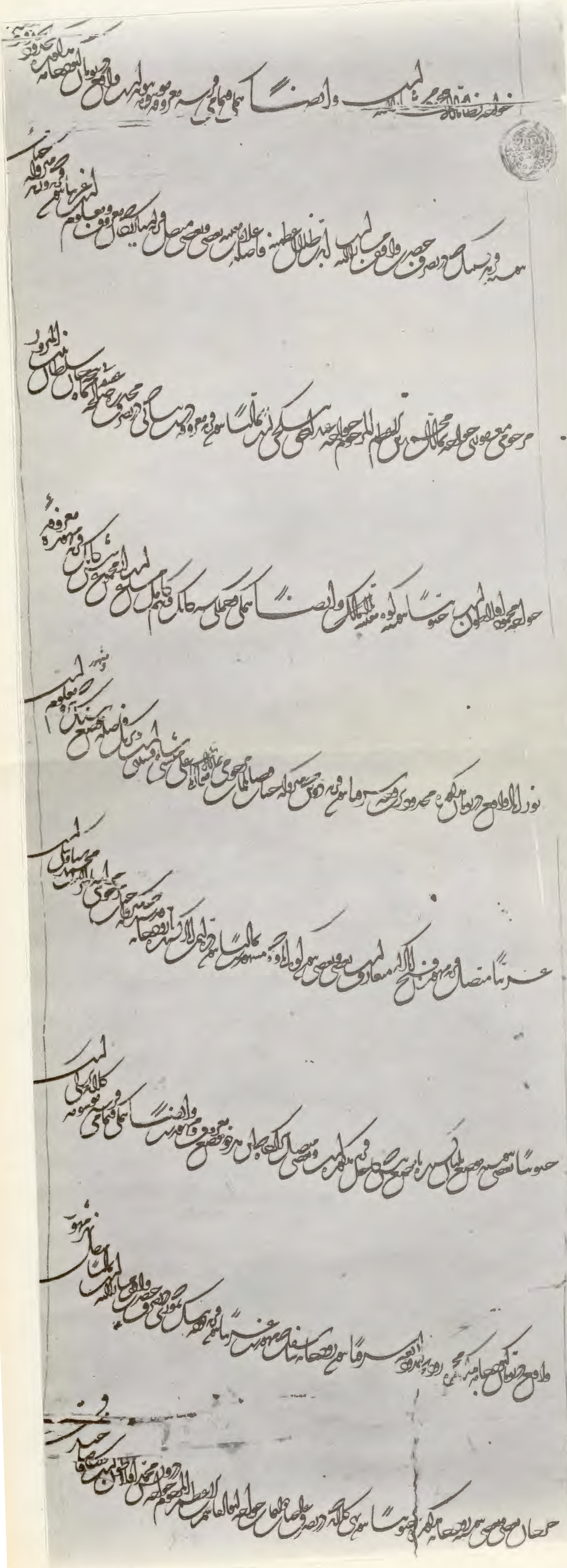

قسمتی از وقفنامهٔ خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی مورخ ۹۱۹ هـ. ق. ص ۲۶۸–۲۹۲

قسمتی ازآخر وقفنامهٔ خواجه مظفربن فخرالدین بتکچی مورخ۹۱۹ ه.ق. ص۲۶۸–۲۹۲

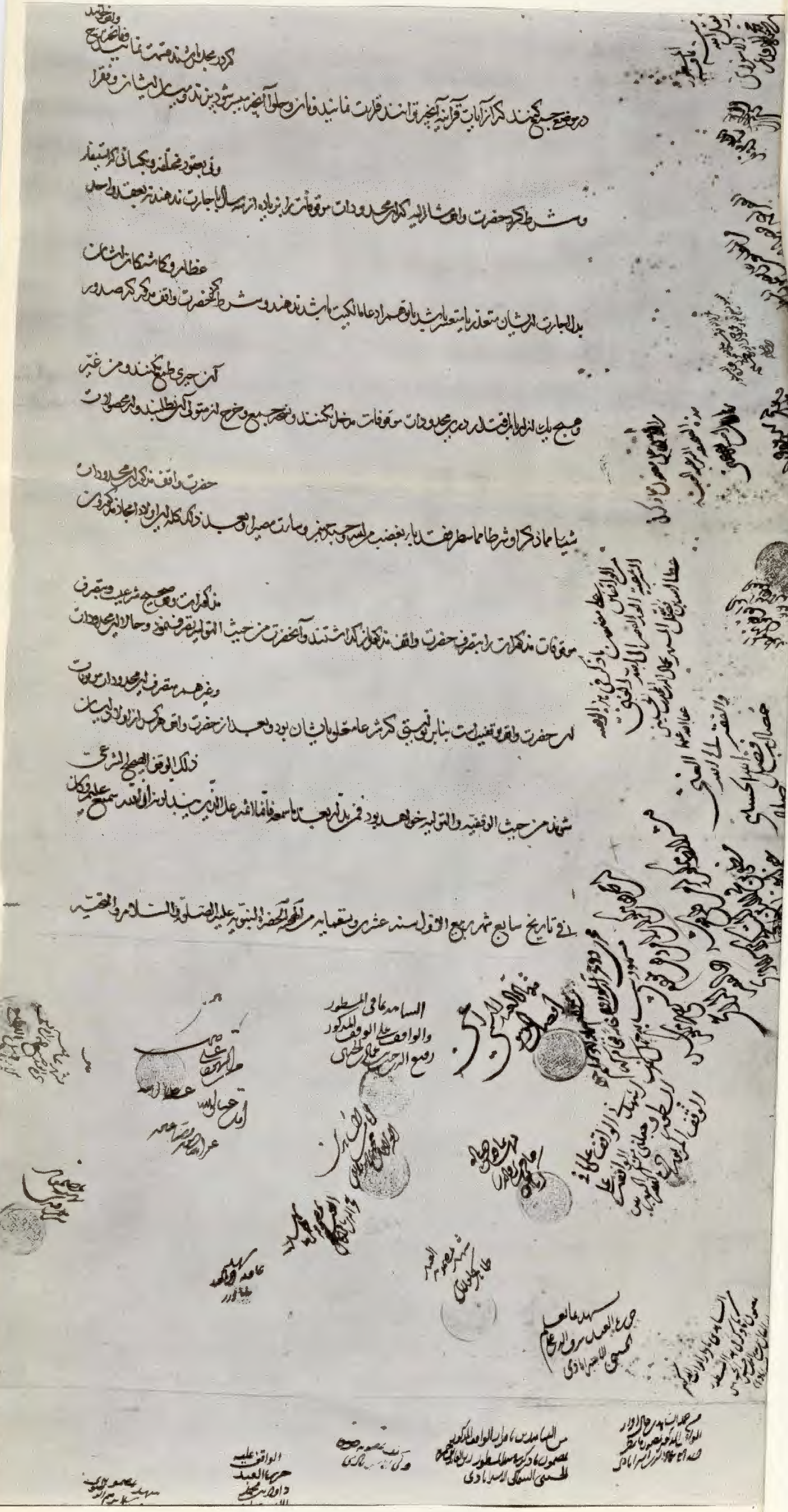

واقف خود

در موضع جمع کنند که از آیات قرآنیه آنچه توانند قرائت نمایند و فاتحه و حلوا آنچه میسر شود بپزند و بمیل ایشان و فقرا

و شرط کرد حضرت واقف مشار الیه که از محدودات موقوفات را زیاده از سه سال باجارت ندهند و بعد از

عظام و کاشکاران ایشان

به اجارت ایشان متعذر یا متعسر باشد ... باشد ندهند و شرط کرد آنحضرت واقف مذکور که صدور

آن چیزی طمع نکنند و من غیر

... محدودات موقوفات مدخل نکنند ... از متولی که طلبند ...

حضرت واقف مذکور از محدودات

شیئا مما ذکر او شرط مما سطر فقد باء بغضب من الله ... و بعد ذلک کله ...

مذکورات وقع صحیح شرعیت و تصرف

موقوفات مذکورات را بتصرف حضرت واقف مذکور گذاشتند و آنحضرت من حیث التولیه تصرف نمود و حالا از محدودات

و غیرهم متصرف از محدودات موقوفات

از حضرت واقف وقفیت ... بنابر تعلیق ... بود و بعد از حضرت واقف هر کس از اولاد ایشان

ذلک الوقف الصحیح الشرعی

شد من حیث الوقفیه والتولیه ... فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم

فی تاریخ سابع شهر ربیع الاول سنه عشرین و تسعمایه من الهجرة الحضرة النبویه علیه الصلوة والسلام والتحیه

قسمتی ازآخر وقفنامهٔ خواجه مظفربن فخرالدین بتکچی مورخ۹۲۰ هـ.ق. ص۲۹۲–۳۰۰

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف علی السرائر و المطلع علی الضمائر و الصلوة و السلام علی محمد العشائر و علی آله خیر الصغائر و الکبائر اما بعد بر ارباب عقول و ذکا و بر اصحاب فطن و دها مخفی نماند که نظر بمضمون صدق مشحون الدنیا مزرعة الآخرة بر هر کس لازم است که در این جهان فانی تخم عملی که ثمره حصول با سعد آن جهان باقی را سود مند آید و بناءً علیه عالیجناب سیادت انتساب افادت و افاضت اکتساب عمدة المحققین و اسوة المدققین خلاصة السادات الکرام و نخبة الفضلاء العظام آقا میر روح الله الحسینی الاسترابادی مد ظله العالی خلف مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه امیر کمال الدین شمس الفضیلة و السیادة و النقابة محمود طاب ثراه بتوفیقات یزدانی موفق آمده در کمال رغبت و رضا طلباً لمرضات الله تعالی چهار دانگ ... لبنزکان واقعه در بلوک فخر عماد الدین استراباد ... والقفار بر اولاد ذکور خود وقف نمود ... و غیره هم ... که مرقوم ...

و طریق وقف آنکه چنانکه واقف مادام الحیوة خود متولی است بعد از جمیع منافع هر یک از اولاد که متولیه یک عشر آنرا صرف معاش خود ... دیگر را بعد از عوارض دیوانی و اخراجات و تعمیر ملک موقوفه در میان اولاد ذکور قسمت کنند ... حضرت اباعبدالله الحسین ... کنند ... ذکور ... از اولاد ذکور از اناث ... یک عشر ... تحریراً فی شهر محرم الحرام ۱۰۶۰

سواد وقفنامهٔ آقامیر روح‌الله حسینی استرابادی مورخ ۱۰۶۰ ه.ق. ص۳۵۰–۳۵۳

اجازه نامچهٔ مورخ ۱۰۲۵ هـ . ق . ص ۴۲۵ و ۴۲۶

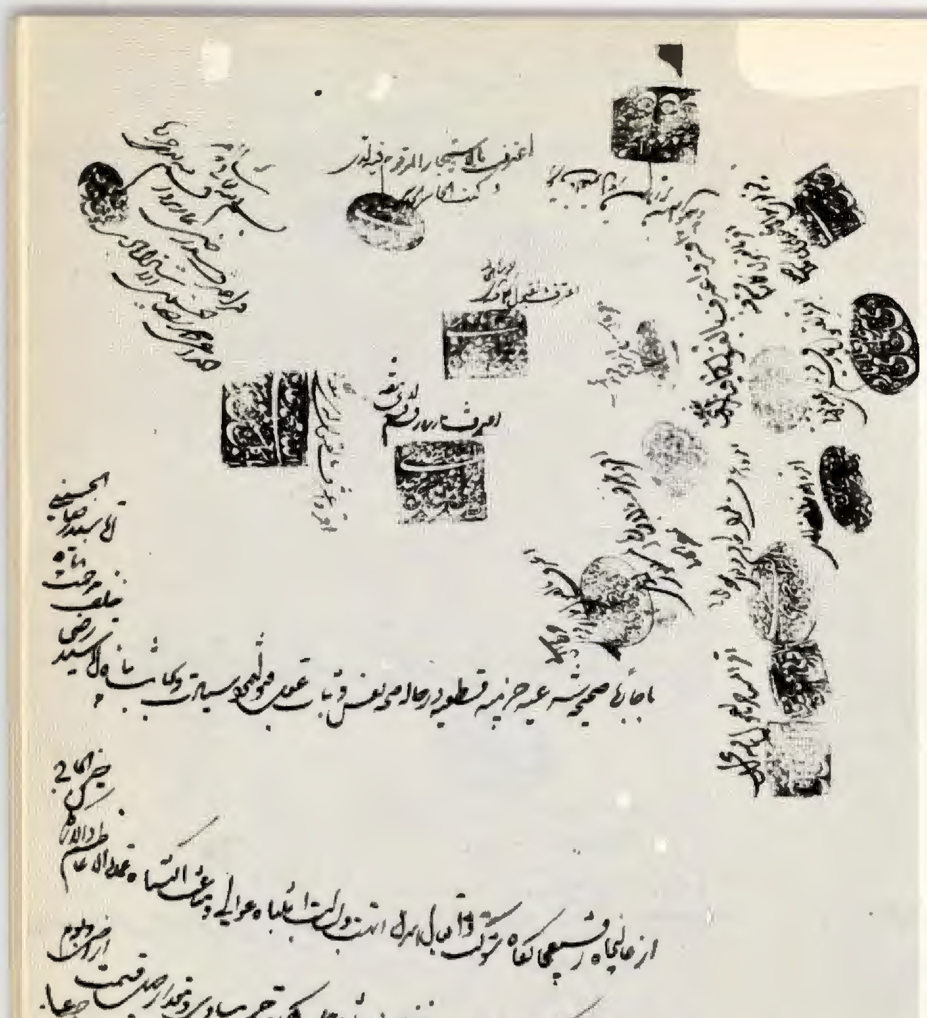

اجازه نامچهٔ مورخ ۱۲۴۲ هـ . ق . ص ۴۳۸ — ۴۴۰

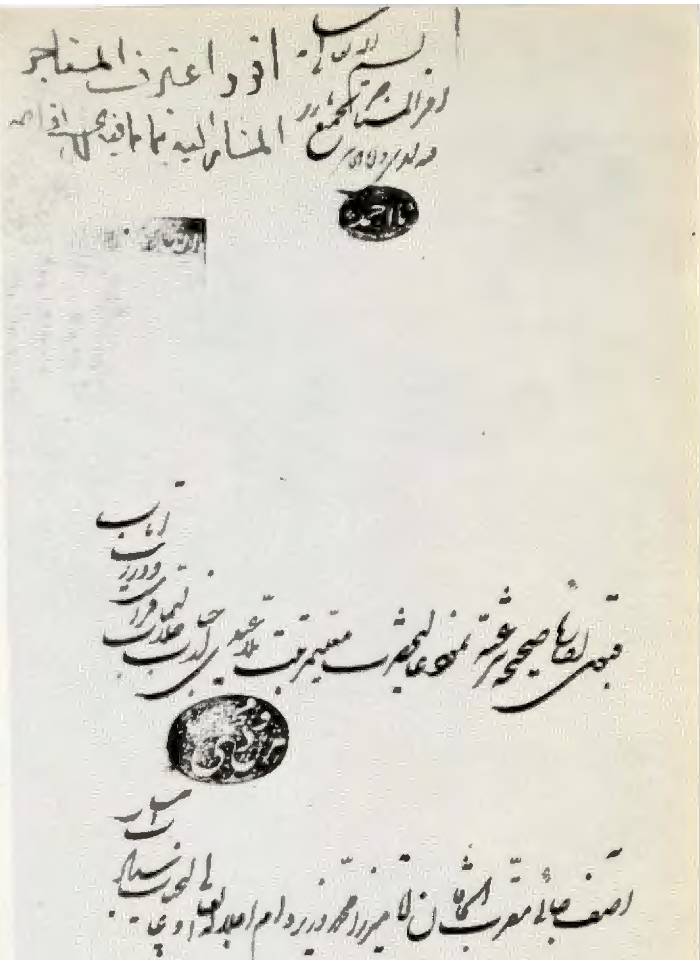

اجازه نامچهٔ مورخ ١٢٧٧ هـ . ق . ص ٤٤١

مبایعه نامچهٔ مورخ ١٢٦٦ هـ . ق . ص ٥٨٥ — ٥٨٧

فهرست اعلام

آ

آب انگران : ۵۵۷ .
آبسرکان [قریهٔ ...] : ۱۲٤ .
آب قرن‌آباد = رودخانهٔ هشن : ۲٤٤ .
آخوند ملاحاجی کرمینی : ۲٤۸ .
آذربیجان : ٤ .
آرنجور [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .
آزاد محله (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۱۹٤ ، ۲۳۹ ، ۲٤۰ ، ۲٤۲ .
آسپادیکان [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .
آصف‌الدوله : ۵۵۰ .
آقا ابراهیم : ۵٦٤ .
آقابابا : ۵٦٤ .
آقابابا [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
آقابابا پیشنماز [ملا ...] : ۳۲۰ .
آقابابای هزار جریبی : ۱۲٦ ، ۱۲۷ .
آقا بزرگ : ۲۵۲ .
آقا بزرگ [سید ...] ، (ورثهٔ میرزا عباس فندرسکی) : ۱۹۹ .
آقا بزرگ بن عبدالجواد رضوی : ٤۱٦ ، ٤۱۷ .
آقابیگ : ٤۲۸ .
آقابیگ یوزباشی (محصل دیوان) : ۱٦٦، ۱٦۷ ، ۱۷۲ ، ۱۷٤ ، ۱۷۵ .
آقاجان دائی : ۵٦۹ .
آقاخان (کلانتر بلوك کتول) : ۱۷۹ .
آقا دوین‌بنه : ٦۰ .
آقاعلی [حاجی ...] : ٤٤۷ .
آقامیر کفشگر [خواجه ...] : ۲۷٤ .
آق‌باری [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
آق‌مشهد [قریهٔ ...] : ۲۷۵ .
آلوباغ : ۲۸٤ .
آلوستان [قریهٔ ...] : ۲۷٤ ، ۲۷۵ .
آلوکلاته = علوی کلاته : ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۵۵۱ .
آوهٔ امیراجل : ۲۸٦ .
آوهٔ گودرز [قریهٔ ...] : ۲۸٦ .
آهن تپه : ۵۹۵ .
آهنگر محله [قریهٔ ...] : ۲۳٤ ، ۲٤٤ ،

۵۲۵ ، ۵۳۱ ، ۵۳۲ ، ۵۳۳ ، ۵۳٤ ، ۵۵۵ .
آیش باغ [قریهٔ ...] : ۲٤۹ ، ۲۷۵ .
آیش‌خان (از دهکده‌های بلوك فندرك) : ۳٦۲ ، ۳٦۸ .

الف

ابر [بلوك ...] ، (از محال بسطام) : ۱٦ .
ابر [قریهٔ ...] : ۲٤۹ ، ۳٦۲ ، ۳٦۸ ، ۳۷۷ .
ابراهیم [امیر ...] ، (برادرامیرکمال‌الدین محمود) : ۱۳ ، ۱٤ ، ۱۸ ، ٦۵ ، ٦۸.
ابراهیم [سید ...] : ۱٦۵ ، ۱٦٦ ، ۱٦۷ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ .
ابراهیم‌آباد (از متعلقات قریهٔ چوپلانی) : ٤٤٦ .
ابراهیم حسنان : ۲۸۳ .
ابراهیم الحسینی : ۳۸٤ .
ابراهیم خادم [ملا ...] ، (خادم مسجدجامع استراباد) : ٤۰٦ .
ابراهیم خان چاردهی : ۱٤۹ .
ابراهیم خیاط (ساکن قلعه) : ۵۳۱ .
ابراهیم شریعت [آقا سید ...] : ۵٦٦ .
ابراهیم القاضی : ۲٦۷ .
ابراهیم کرباسی [حاجی ...] : ۱۷۳ .
ابراهیم کربلائی نصیر : ۲۳٦ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ .
ابراهیم موسوی [آقا ...] : ۳۹۱ .
ابراهیم ورسنی [ملا ...] : ۲٤۰ .
ابراهیم ولد بهرام : ۳۷۸ .
ابراهیم ولد حاجی مراد استرابادی : ۳٤۲.
ابلیس کنده = خاك انوشیروان : ۲۸۷ ، ۲۹۳ .
ابوالبقا النجیب الخادم : ۳۵۹ .
ابوتراب حسینی بن حسن عسکری شریف : ۳۵۹ .
ابوتراب العقیلی : ۳۱۰ .
ابوجعفر [میر ...] ، (از ورثهٔ میر محمد باقر طالبان) : ۲۹ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ٤٤.
ابوالحسن [حاجی ...] ، (مشهور به حاجی آخوند) : ۵٦٤ .
ابوالحسن بهرام : ٤۲۷ .
ابوالحسن الحسینی : ۳٦۰ .
ابوالحسن خطیب استرابادی [ملا ...] : ۳۷۹ .
ابوالحسن دولینی [امیر ...] : ۲۷۱ .
ابوصالح [میرزا ...] : ۳٦۹ .
ابوصالح صدر ممالك [میرزا ...] : ۳٦۷ .
ابوطالب بن امیرزابیگ [میرزا ...] : ۳٦۲، ۳٦٦ ، ۳۷٤ ، ۳۷۵ ، ۳۷٦ .
ابوطالب رضوی بن محمدباقر رضوی صدر خاصهٔ شریفه [میرزا ...] : ۵۷ ، ۳٦۷ ، ۳۷۹ ، ۵۲۲ .
ابوطالب کمال صوفی : ۲۹۱ .
ابوطالب موسوی فندرسکی [میرزا ...] : ۵۹ ، ٦۰ ، ٦۹ ، ۲٤۷ .
ابوالفتح الموسوی : ۳۵۸ .
ابوالفضل بهرام قاضی استراباد : ۳۷۷ .
ابوالفوارس [امیر ...] ، (از اولاد میر زین‌العابدین) : ۵۵ ، ۵٦ ، ۵۷ ، ۵۸.
ابوالفوارس نجفی [میر ...] : ۵۵ .

ابوالقاسم [سید ...]، (از سادات بنی‌مفید) : ۱۵٦ ، ۲۲٤ .
ابوالقاسم بن خواجه درویش محمدافلاطون: ۲۷۱ .
ابوالقاسم الحسینی [سید ...] : ٤۳٦ ، ٤٤۱، ٤٤۳ ، ٤٤٤ ، ٤٤٦ .
ابوالقاسم طبیب : ۳۹۹ .
ابوالقاسم کاشانی [سید ...] : ۱۵۷ .
ابوالمعالی بن بدرالدین حسن حسینی سماکی استرابادی : ۲۹۹ .
ابوالولی بن شاه محمود انجو صدر خاصهٔ شریفه : ۵۱۹ .
اتراچال [قریهٔ ...] : ۵٦۹ ، ۵۷۰ ، ۵۹٤ ، ۵۹٦ .
احمد (ازاحفاد درویش اللّه‌داد خادم امامزاده عبداللّه) : ۱۸٦ .
احمد (کفیل قشون استراباد) : ۱٤۰ .
احمد (نویسندهٔ اجاره‌نامچه) : ٤٤۲ .
احمد [سید ...] ، (پدر سید مفید) : ۱۱۱، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱٤ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ .
احمد [کربلائی ...] ، (از مباشران شاهکوه سفلی) : ۱۰۷ .
احمد بن تاج‌الدین : ۲٦٦ .
احمد بن حسن زرگر : ۲۷۵ .
احمد بن خصال‌الدین حسینی : ۲۹۷ .
احمد بن عبدالخالق : ۲۸۳ .
احمد بنی‌کریمی [آقا سید ...] : ۳۰۷ .
احمد جبرئیل : ۳۲٦ .
احمدخان صدراعظم [میرزا ...] : ۲۰۷ .
احمد سیفال : ۲۸۹ .
احمد صدر [آقا سید ...] : ۳۰٦ .
احمدعلی‌خان : ۱۸۱ .
احمدعلی کرد محلی [آقا شیخ ...] : ۳۰۷.
ادن‌بیگیان : ٤۹۰ .
اراضی خرگوش بنه : ۳۹۰ .
اراضی رنگرز : ۲۸٤ ، ۲۸۵ .
اردشیر میرزا بن محمدقلی میرزا ملك‌آرا : ۱٤۱ ، ۱٤۲ ، ۵۸۵ .
ارس بیگ زیادلوی قاجار (قورچی تیر و کمان) : ٤٦۹ ، ٤۹٦ .
استراباد [بلدهٔ ...] : ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۱۱ ، ۱۳، ۱۹ ، ٤۵ ، ۵۵ ، ۱۱۸ ، ۱۳۸ ، ۲۳۰، ۲٤۷ ، ۲٦٤ ، ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳٤٤ ، ۳٤۵ ، ۳۵۳ ، ۳۸۳ ، ٤۱٤ ، ٤۹۷ ، ۵۲۰ ، ۵۳٦ ، ۵۳۹ ، ۵٦۲ ، ۵۷۲ ، ۵۷۳ ، ۵۷۷ ، ۵۸۲ .
استراباد [ولایت ...] : ۱۰ ، ۱٦ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۳۱ ، ۳٤ ، ۳۸ ، ٤۰ ، ٤۱ ، ٤۹ ، ۵۰ ، ۵٦، ۵۸ ، ٦۳ ، ٦۷ ، ٦۸ ، ٦۹ ، ۱۰۵ ، ۱۰٦ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱٤ ، ۱۱۵ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰ ، ۱۲۷ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳٦ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱٤۱ ، ۱٤۳ ، ۱٤۵ ، ۱٤٦ ، ۱٤۷ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۵٤ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱٦۰ ، ۱٦۲ ، ۱٦٦ ، ۱٦۷ ، ۱٦۹ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷٦ ، ۱۷۸ ، ۱۸۰ ، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸٦، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹٤ ، ۱۹٦ ، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰٤، ۲۰۵، ۲۰۹ ، ۲۱۵ ، ۲۱۹ ، ۲۵٦ ، ۲٦۱ ،

۲۶۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷٤ ، ۲۷۵ ، ۲۷۸ ، ۲۸۱ ، ۲۸٦ ، ۲۸۸ ، ۲۹۵ ، ۲۹٦ ، ۳۰۲ ، ۳۰۷ ، ۳۰۸ ، ۳۱۲ ، ۳۱۹ ، ۳۵۰ ، ۳۵۵ ، ۳۷۰ ، ۳۷۳ ، ۳۷۵ ، ۳۹٦ ، ٤۰۱ ، ٤۰۷ ، ٤۲٦ ، ٤۵٤ ، ٤۵۵ ، ٤۵٦ ، ٤۵۷ ، ٤۵۹ ، ٤٦٤ ، ٤٦٦ ، ٤٦۸ ، ٤۷۱ ، ٤۷٤ ، ٤۷۵ ، ٤۷۷ ، ٤۹۲ ، ۵۰۱ ، ۵۰۳ ، ۵۱۳ ، ۵۱٤ ، ۵۱۷ ، ۵۲۳ ، ۵۲۵ ، ۵۳۳ ، ۵۳٦ ، ۵۳۷ ، ۵٤۳ ، ۵۵۳ ، ۵۵٤ ، ۵۵۵ ، ۵٦٦ ، ۵٦۷ ، ۵۸٦ ، ۵۸۸ ، ۵۹۱ .

استراباد رستاق [بلوك ...] : ٦ ، ۹ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۱۳۷ ، ۱٤۲ ، ۱٤۳، ۱٤٦ ، ۱۵۰ ، ۱۵۸ ، ۱٦۳ ، ۱۸۱ ، ۱۸۳ ، ۱۸٦ ، ۱۹۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۵ ، ۲۰۹ ، ۲۱۳ ، ۲۲٦ ، ۲٦۸ ، ۲۷۵ ، ۲۷٦ ، ۷۷۷ ، ۲۷۸ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۱۲ ، ۳۱۳ ، ۳۱۸ ، ۳٤٤ ، ۳٤۵ ، ۳۵۵ ، ٤۲۵ ، ٤۲٦ ، ٤۳۲ ، ۵۱۳ ، ۵۱٤ ، ۵۱۷ ، ۵٤۸ .

استراباد رستاقی : ۱۸٤ .

استون‌آباد : ۳۸۱ ، ۳۸۲ .

اسحق خاندوزی الاصل [آقا سید ...] : ۵۷۳ ، ۵۷٤ .

اسحق العقیلی : ۳۸٦ .

اسدالله : ۲٦۵ .

اسدالله [سید ...] : ۱۷٦ .

اسدالله اسفندیاری : ۳۰۸ ، ٤۰۱ ، ٤۱۷ .

اسفاجی [ناحیهٔ ...] : ۲۷۱ .

اسفراین : ۳۸ ، ٤۰ ، ٤٤ ، ۵۰۲ .

اسفندیار بیگ : ٤۸۲ .

اسفندیار کتولی [حاجی ...] ، (از طایفهٔ پلنگ) : ۳۸۷ .

اسفندیار کفشگیری : ۵۸٤ .

اسفید دارو [قریهٔ ...] : ۲۸۲ ، ۲۸٦ .

اسکنه [قریهٔ ...] : ۵۷ .

اشکنجه [قریهٔ ...] : ۲٦۲ .

اسلمش بیگ ترکمان (ایشیك آقاسی) : ٤۷۵ .

اسماعیل آقا قاجار : ۱۰۵ .

اسماعیل اول [شاه ...] ، (۹۰۷ ــ ۹۳۰ هجری قمری) : ۵ .

اسماعیل بن ابراهیم استرابادی : ۲۹۹ .

اسماعیل خان (داروغهٔ گوکلان و ضابط چناشك کهسار) : ۱۲۵ .

اسماعیل خان قاجار شامبیاتی : ۵٤۳ ، ۵٤٤، ۵٤٦ .

اسماعیل الحسینی [سید ...] ، (از سادات درازگیسو و بنی مفید) : ۲۲٤ ، ۲٤۵ ، ٤٤۳ ، ٤٤٤ ، ٤٤۷ ، ٤٤۸ ، ٤٤۹ .

اسماعیل زیارتی [آخوند ملا ...] : ٤۱۰ ، ٤۱۱ .

اسماعیل ستون [آقا ملا ...] : ۳۰٤ .

اسماعیل گوکلان : ۵۲ .

اسماعیل مرزبانکلاته : ۳۲۷ .

اسماعیل ولدحسن تفنگچی‌باشی سابق فرامرز: ۲٦ .

اسماعیل ولدکاظم : ۵۳۲ ، ۵٤٤ .

اشتاباد (از دهکده‌های فخر عمادی) : ۳۲۳، ۳۲٤ .

اشتاق (من اعمال استراباد) : ١٦ .
اشکار کلاته : ٣٥١ .
اصفهان : ٦٦ ، ٦٧ ، ٦٨ ، ١٥٧ ، ٢٥٧ ، ٣٦٦ .
اصفهانکلاته : ٢٧٦ ، ٢٧٧ ، ٥٢٥ ، ٥٣٢ ، ٥٣٣ ، ٥٣٤ .
اعتصام‌الممالك (کارگذار مهام خارجهٔ استراباد) : ١٤٠ .
اعتمادالدوله : ٥٧ .
اغورجلی [طایفهٔ ...] : ١٨٤ .
افضل موسوی : ٢٩٨ .
اقلیما بیگم بنت اسحق خاندوزی الاصل : ٥٧٤ .
اکراد چمشگزك : ٤٧٧ .
اکرم الملك ایلخانی [امیرالامراء ...] : ٢٠٦ .
اکره (از دهکده های فخر عمادی) : ٣٢٣، ٣٢٤ .
الارمن [قریهٔ ...] : ٢٧٤ .
الغخان بیگ ولد طاهر بیگ سپانلو ینگی قاجار (قورچی نیزه) : ٤٧٣ .
النگ [از دهکده های سدن رستاق] : ٥٦٦، ٥٦٧ .
الودر [قریهٔ ...] : ٥٣٨ .
الوستان (از دهکده‌های فخر عمادی: ٣٢٣، ٣٢٤ .
الوفن [موضع ...] : ٢٨٢ ، ٣٨١ ، ٣٨٢.
الوکلاته = علوی کلاته (از دهکده های استراباد رستاق) : ١٣٦ ، ١٣٧، ١٤٢، ١٤٣ ، ١٥٠ ، ١٥٧ ، ١٦٤ ، ٥٩٥ ، ٥٩٦ .
اللهقلی‌خان قاجار : ٥٤٥ ، ٥٤٧ ، ٥٦٥ .
اللهویری‌بیگ غلام (سفره‌چی سرکارخاصه) : ٤٦٣ .
الیاس بن حسنان : ٢٨٤ .
الیاس بن نظام بلاغ : ٢٧٨ ، ٢٧٩ ، ٢٨٠ .
امام قلی‌آقا : ٢٧ .
امامقلی‌بیگ (ناظر بیوتات سرکار عالی) : ٤٦٠ .
امامقلی‌خان قاجار (بیگلربیگی استراباد) : ١٠٥ ، ١٠٦ ، ٥٢٦ ، ٥٣٠ ، ٥٣٢ ، ٥٣٣ ، ٥٥٥ .
ام‌کلثوم خانم بنت خانجان آقای قاجار : ٥٦٦ ، ٥٦٧ .
امیرآباد (از دهکده های فخر عمادالدین) : ٥٩ .
امیر ابوالمکارم المفضل الحسینی : ٣٥٤ ، ٣٥٥ .
امیر تومان (حاکم استراباد) : ٢٠١ .
امیر حسین ولد امیر موسی مازندرانی : ٣٤٢ .
امیرخان عزالدینلوی قاجار : ٤٣٢ .
امیرده (از دهکده های استراباد رستاق) : ٣٢٣ ، ٣٢٤ .
امیرزابیگ بن امیرزاشرف : ٣٦٢ ، ٣٦٦ ، ٣٦٩ .
امیرزاشرف بن سید جلال‌الدین : ٣٦٢ ، ٣٦٦ .
امیر علی بیگ : ١٤٨ .
امیرعلی‌المفضل خادم الحسینی الاسترابادی: ٣٥٤ ، ٣٥٨ .
امیر قلی (از رعایای آهنگر محله) : ٥٥٦ .

امیر ورسنی [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
اميناباد (از دهکده های استراباد رستاق) :۲۰.
امین‌الدین حسین [امیر ...] ، (برادرزادهٔ صدرالدین سماکی) : ۲۵ ، ۲۶ .
انجیرآباد = انجراب (از دهکده‌های سدن‌رستاق) : ۱۹۷ ، ۱۹۸ .
انجیر بنی = انجیره بنی : ٤٣٤ .
انجیره بنی : ۱۰ ، ۲۷٦ .
اندرآباد [قریهٔ ...] : ۲۷٤ ، ۲۷۷ .
اندشیرآباد (ازدهکده‌های‌بلوك فخرعمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
اندیجاباد (از دهکده‌های بلوك‌فخرعمادی) : ۲۷٤ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
انزان [بلوك ...] : ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۲٦۸ ، ۲۸٦ ، ۲۹۲ .
انفل [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
اوجابن [قریهٔ ...] : ۲۸۰ .
اوچ نوین [موضع ...] : ۲۷٥ .
اورگنج : ٤۹۰ .
اوزینه [قریهٔ ...] : ۱۳۷ ، ۱٥٦ .
اویس‌آباد : ۲۸۱ .
ایلخی‌چی [قریهٔ ...] : ٥۹٥ .
ایل قاجار : ٥۳٥ .
ایمن‌آباد [قریهٔ ...] : ۲٦۲ ، ۲۸٦ .

پ

بابا حسین بن نظام‌الدین شیخ علی بابا [امیر ...] : ۲۷۷ .
باباخان : ٥۲٤ .
باباخلیفه‌بن نظام‌الدین‌شیخ‌علی‌بابا [شیخ...]: ۲۷۷ .
بابا رزی (رضی ؟) بن عبدالحی : ۲۸٥ ، ۲۸٦ .
بابا قلی : ۲۳۹ .
باباگل‌من [قریهٔ ...] : ۳٥٥ .
بابا نوزر (نوذر) : ۲۹۹ .
باغك [مزرعهٔ ...] ، (از توابع اسفاجی): ۲۷۱ .
باغ امیر قلدرویش : ۲۸۱ .
باغ ملك علاءالدین گیلانی : ۳۱۲ ، ۳۱۳ .
باغ یوسف بن محمد زرگر : ۲۷۹ .
باقر : ۲۳۹ .
باقر [حاجی سید ...] : ۱۷۳ .
باقر کیاوسری [امیر سید ...] : ۲۷٤ .
باکیاباد : ۲۷۲ ، ۲۷۳ .
بالاندوین [قریهٔ ...] : ۲۷٥ ، ۲۸۰ .
بانعمان (دهکده‌ای از بلوك نواحی) : ۳۳۲، ۳۳۳ .
بایزید بن ترك : ۲۸۳ .
بایزید بن شیرزاد یامچی : ۲۸٥ .
بایزید بن موسی : ۲۸٤ .
بخارا [الکای ...] : ٥۲ .
بدرخان بیگ بن شاهسوار بیگ قراموسی‌لو (امیر شکارباشی) : ٤٦۷ .
بدرالنسا بنت میرفرج‌الله : ٤۲۹ .
بدیع‌الزمان میرزا (بیگلر بیگی استراباد و جرجان و صاحب اختیار سرحدات قبچاق) : ۱۰۸ ، ۱۱۰ ، ۱۲۷ ، ۱٥٤، ٥٤۳ ، ٥٤۸ ، ٥٤۹ .
برات [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .

برمهین [قریهٔ ...] : ۲۷۲ ، ۲۷۳ .
برزمهین [مزرعهٔ ...] : ۲٤۹ .
برزمهین رستاق = بذر مهین رستاق (از اعمال استراباد) : ۱٦ ، ٦۱ ، ۲٦۸ ، ۲۷۳ ، ۳۸۹ ، ۳۹۱ .
برزین‌کل (از دهکده‌های فندرسك): ۳٦۲، ۳٦۸ .
بسطام [بلدهٔ ...] : ۲٤۷ ، ۲٤۹ ، ۲۵۱ .
بسطام [محال ...] : ۳٦۲ ، ۳٦۸ ، ٤۵۵ ، ٤۵٦ ، ۵۱٤ .
بسطویکه [باغچهٔ ...] : ۳۸۱ ، ۳۸۳ .
بغداد : ۳۷۵ .
بکولك‌سی‌آقا ولد یونس (؟) : ۳٤۳ .
بلاق [قریهٔ ...] : ۲۷۸ .
بلاوشیان [قریهٔ ...] : ۲۷۳
بلبان [موضع ...] : ۲۷۰ .
بلوسیانه [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .
بلوك رامیان : ۳۳۷ .
بلوك فخر عمادالدین = فخر عمادی : ۳۵۰ ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ .
بلوك کتول : ۳۸۸ .
بلوك نواحی : ۲۸۰ ، ۲۸۱ ، ۳۱۲ ، ۳۱۳ ، ۳۳۳ .
بند دوم رودخانهٔ قوچانی : ۲۳۰ ، ۲۳۱ .
بوانه (از دهکده های بلوك فخر عمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲۵ .
بهاءالدین [امیر سید ...] : ۲٦۲ .
بهادر کلاته [قـریهٔ ...] : ۱۱۷ ، ۲۸٦ ، ۲۹۳ .
بهرام بن ابوالحسن بهرام : ۳۷۸ .
بهرام بن اسکندر حسینی : ۲۸۹ .
بهرام بن شمس‌الدین : ۲۸۹ .
بهرام علی‌خان : ۵٦۹ ، ۵۷۰ .
بهرام ولد قراخان : ۵۳۲ ، ۵٤٤ .
بهررو (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
بهشتی کلاته : ۲۷٦ .
بهلول‌آباد : ۲۸۰ ، ۳۷۹ .
بهمن ولد افراسیاب تفنگچی‌باشی : ۲٦ .
بهی‌کلاته : ۲۷۱ .
بیارجمند : ٤۵۵ ، ٤۵٦ .
بی‌بی [حاجیه ...] . ۱۳۳ ، ۱۳٤ ، ۱۳۵ .
بی‌بیچه جان سلطان بنت خواجه محمـود افلاطون : ۲۷۰ .
بی‌بی زهرا (زوجهٔ کربلائی محمد شفیع) : ٤۱۲ ، ٤۱۳ .
بی‌بی زینت بنت محمد ابراهیم : ۲۳۸ .
بی‌بی‌گزیده : ۲۷۹ .
بیونه [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .

پ

پادشاه قیلجه [قریهٔ ...] : ۲۸۱ .
پرانق [قریهٔ ...] : ۵۳٦ .
پستاهنگ [قریهٔ ...] : ۲۷۵ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸.
پسندخان (بیگلربیگی استراباد) : ۵۲ ، ۵۳ .
پشتهٔ اناردوین : ۲۸۲ .
پشتهٔ اوجا : ۲۸۷ ، ۲۹۳ .
پل سفید : ٦۰ .
پیش [موضع ...] : ۲۷۰ .

پیشین کلاته : ۲۶۲ ، ۲۸۶ .
پنجور [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
پهلوان عباس : ۵۰۱ .
پیچاکی محله (از دهکده‌های فخر عمادی) : ۲۷٤ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ .

ت

تاجر آب [قریهٔ ...] : ۲۸۱ .
تاجیکیه [طایفهٔ ...] : ۱۳۸ .
تبریز [دارالسلطنهٔ ...] : ۵ .
تپهٔ ابراهیم آباد : ۲۳٤ ، ۲۳۵ ، ٤٤۳ .
تخت میرزا (اراضی قریهٔ شمشك) : ٥٤۱ .
تخشی محله : ۲۳۹ .
تراشمانی باباعلی یامچی : ۲۸٤ .
تراشمانی حسن نور : ۲۸۳ .
تراشمانی رستم ابوالحسن : ۲۸۲ .
تراشمانی سید حسام‌الدین : ۲۸٤ .
تراشمانی سید رضی‌الدین : ۲۸۳ .
تراشمانی سید شاهمیر : ۲۸۳ .
تراشمانی سید قاسم بن سید زین‌العابدین : ۲۸۳ .
تراشمانی علی ترك : ۲۸٤ .
تراشمانی محمدشاه یامچی : ۲۸٤ .
ترکان محله (از دهکده‌های بلوك رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
ترکمان [جماعت ...] = ترکمانیه : ۵۲ ، ۱۰۵ ، ۱۳۸ .
ترکمانان : ٤۷۷ .
ترنگ [قریهٔ ...] : ۵۳ .
تسری دهنه [آب ...] : ۳۸۲ .
تفنگچیان چناشکی : ۵۰۱ .
تقی [حاجی ملا ...] : ۲۲۹ .
تقی استرابادی [آقامیر ...] : ۱۲٤ ، ۱۳۱ ، ۱٤۳ ، ۱٤٤ ، ۱٥٤ ، ۱٦۱ ، ۲۲۰ ، ۲۲٤ .
تقی‌الدین الحسینی السماکی : ۳۲٦ .
تقی‌الدین محمدالحسینی (ازسادات‌شیرنگی) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ ، ۳۲۵ .
تقی ورسنی [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
تکه [طایفهٔ ...] : ٤۹۰ .
تکیهٔ بالای دروازهٔ کاروانسرای آقاعلی : ۵۷۸ .
تکیهٔ سرپیر (از تکیه‌های استراباد) : ٥٦۳ ، ۵۷۰ .
تل‌آهنین : ۲۷۱ .
تلنار [از دهکده‌های فندرسك] : ۲٤۹ .
تلنارود (از دهکده‌های فندرسك) : ۳٦۲ ، ۳٦۸ .
تلوکلاته (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
تناور [قریهٔ ...] : ۲٤۹ .
تنور سروا : ۳۸۷ .
توتستان شمشك : ٤۰۱ ، ٤۰۲ .
تودستان اسکندر جلال : ۲۸۵ .
تودستان بایزید ترك : ۲۸۰ .
تودستان بی‌بی‌گزیده : ۲۷۹ .
تودستان جمال‌الدین طاقیه دوز : ۲۸۵ .
تودستان حسن آهنگر : ۲۷۹ .
تودستان حسن شیره‌سوار : ۲۷۹ .
تودستان حسین بن کمال : ۲۸۳ .
تودستان حمزه غیاث : ۲۸۳ .

تودستان خضر بن حسنان : ۲۸۳ .
تودستان سه‌کوسه : ۲۷۹ .
تودستان علی‌بابایی : ۲۷۹ .
تودستان علی‌بلاغ : ۲۸۰ .
تودستان علی‌جان دباغ : ۲۷۹ .
تودستان قوام‌الدین زرگر : ۲۷۹ .
تودستان لوده‌سرکیل : ۲۸۶ ، ۲۹۳ .
تودستان محمد داود : ۲۸۰ .
تودستان محمد زرگر : ۲۷۹ .
تودستان ناصرالدین : ۲۸۰ .
تودستان یوسف زرگر : ۲۷۹ .
تورق (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۵۱.
توسرك [قریهٔ ...] : ۲۸۲ .
توشن (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۳۱۲، ۳۱۳ .
توکل باغ : ۲۸۲ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲ .
تولی [قریهٔ ...] : ۲۸۱ .
تیرزان [قریهٔ ...] : ۲۴۹ .
تیلان چشمه (از دهکده های رامیان) : ۳۷۳ ، ۳۳۹ .
تیموری محله [قریهٔ ...] : ۵۱ .

ث

ثورکلاته (از دهکده‌های فخر عمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲۵ .

ج

جام : ۴۸۳ .
جرجان = گرگان : ۱۰۸ ، ۲۶۹ .
جعفر (از رعایای عثمان کلاته) : ۵۵۶ .
جعفر [آقاشیخ ...] : ۲۱۷ ، ۳۱۸ .
جعفر استرابادی [حاجی سید ...] : ۵۹۰ .
جعفرالصادق علیه‌السلام [امام ...] : ۳۷۰ .
جعفر طیار : ۵۷۴ .
جعفر قلی آقا حاکم استراباد : ۵۰۵ ، ۵۵۰، ۵۶۷ ، ۵۶۸ .
جعفر قلی آقا ولد حاجی رحیم‌خان : ۵۳۰، ۵۳۱ ، ۵۳۲ ، ۵۳۳ ، ۵۳۴ .
جعفر قلی خان بیگلر بیگی استراباد : ۳۶ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۴۴ .
جعفر قلی‌خان بن عبدالله خان قراموسی‌لوی قاجار : ۵۶۲ ، ۵۶۴ ، ۵۷۰ ، ۵۹۴ .
جعفر مرد مؤمن [سید ...] : ۳۵۷ .
جعفر ولد نوری (از رعایای عثمان کلاته): ۵۵۶ .
جلا (از دهکده‌های فخر عمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲۴ .
جلا بن [قریهٔ ...] : ۲۷۶ .
جلال اکبر (وزیر خراسان) : ۴۸۲ .
جلال‌الدین الك : ۳۴۱ .
جلال‌الدین بن میرزا بیگ‌موسوی‌فندرسکی: ۳۶۲ ، ۳۶۶ .
جلال‌الدین محمد : ۳۲۶ .
جلال‌الدین محمد ولد امیر سید لطیف شاه [امیر سید ...] : ۳۱۲ .
جلال‌الدین محمود بن قاسم سبزواری : ۲۹۱ .
جلانی (شاید جلابن) : ۲۷۷ .
جلاو [قریهٔ ...] : ۲۶۲ ، ۲۶۳ .
جلین [قریهٔ ...] : ۲۳۴ .

جمال‌الدین بن سید زین‌العابدین علی‌اجل : ۲۶۲ .
جمال تخشی محله‌ای [مشهدی ...] : ۲۹۳ .
جمال‌الدین اجل [امیر سید ...] : ۲۸۲ .
جمال‌الدین‌بن امیرسیدعبدالله [امیرسید...]: ۲۷۵ .
جمال‌الدین بن عبدالله کرم : ۲۸۳ .
جمال‌الدین محمد [امیر ...] : ۱۲ ، ۱۴.
جنیدآباد [قریهٔ ...] : ۲۸۱ .
جواد [میرزا ...] : ۱۵۷ .
جواد الحسینی [سید ...] : ۴۴۳ ، ۴۴۴ .
جوجن نمرودی (از دهکده‌های انزان) : ۲۸۷ ، ۲۹۳ .
جوز درخت علی اکبر آقا : ۴۴۳ ، ۴۴۵ .
جولایی [قریهٔ ...] : ۵۹۴ ، ۵۹۵ .
جوی جرجان : ۲۶۲ ، ۲۶۳ .
جوی قراق [قریهٔ ...] : ۲۷۴ .
جهان‌نما [قریهٔ ...] : ۵۰۰ .
جهر بزرگ جاجیلر : ۳۸۷ .
جیپا کنده [قریهٔ ...] : ۲۸۶ ، ۲۷۸ ، ۲۹۳.
جینیان [قریهٔ ...] : ۲۸۶ .

چ

چارنای مسکر (؟) : ۴۹۹ .
چاله‌کیاب [مجاری میاه ...] : ۲۸۳ .
چرچنك [مزرعهٔ ...] : ۲۹۴ .
چشمهٔ ذاما : ۳۵۵ .
چشمهٔ ساردارکیا : ۴۳۴ .
چلاوه سرکلاته [قریهٔ ...] : ۲۸۶ .
چلکی (از دهکده های سدن رستاق) : ۳۳۲، ۳۳۳ .
چمن خوش ییلاق : ۵۳۵ .
چمن رود (از دهکده‌های بلوك رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
چمن لوشان : ۱۲۰ ، ۱۲۱ .
چناشك کهسار : ۱۲۵ .
چناشکی [طایفهٔ ...] : ۱۳۱ .
چوبلانی [قریهٔ ...] = چوپالانی=چوبلانی: ۱۸۵ ، ۱۸۷ ، ۲۰۳ ، ۲۰۸ .
چوپالانی [قریهٔ ...] = چوبلانی : ۵ ، ۶ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۷ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۸ ، ۱۴۳ ، ۴۲۶ .
چوپان بیگی سبزوار واسفراین : ۵۰۳ .
چوپلانی=چوبلانی [ازدهکده‌های‌استراباد رستاق] : ۱۲۴ ، ۱۴۴ ، ۱۵۸ ، ۱۶۰، ۱۶۲ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۹ ، ۱۸۱ ، ۱۸۳ ، ۱۸۷ ، ۱۹۰ ، ۱۹۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۵ ، ۲۰۹ ، ۲۱۳ ، ۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۶ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۳۳ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۴۴ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۵۷ ، ۲۷۶ ، ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳۴۴ ، ۳۴۵ ، ۴۲۵ ، ۴۲۶ ، ۴۲۹ ، ۴۳۰ ، ۴۳۲ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۴۳۸ ، ۴۴۱ ، ۴۴۳ ، ۴۴۴ ، ۴۴۵ ، ۴۴۶ ، ۴۴۷ ، ۴۴۸ .
چهارباغ امیر ولی بیگ : ۲۸۱
چهارده (از دهکده های دامغان) : ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ .
چهارده معصوم : ۳۸۷ ، ۳۸۸ .

ح

حاجی آقا بزرگ : ۳۰۷ .
حاجی آقای مفیدی (پسر حاجی آقامحمد حسن مفیدی از سادات بنی مفید) : ۱۹۸ ، ۲۰۱ .
حاجی‌بابا [ملا ...] : ۳۴۹ .
حاجی بن شرف‌الدین کرباسی : ۲۹۸ .
حاجی بیگ یوزباشی : ۱۷۰ ، ۱۷۱ .
حاجی پادار = حاجی پایدار .
حاجی پایدار [از دهکده‌های فخر عمادی] : ۲۷٤ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
حاجی کلاتی [از دهکده‌های فندرسك] : ۲٤۹ ، ۲۷٤ ، ۳۷۳ .
حاجی مشهد (از اراضی کلاجان) : ۵۸۱.
حاجیلر [طایفهٔ ...] : ۱۰۹ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰ .
حبیب‌الله بن حبیب استرابادی : ۲۹۱ .
حبیب‌الله دیلمی : ۳٤۲ .
حبیب‌الله صدر [میرزا ...] : ۵۷ .
حبیب‌الله واعظ عقیلی [سید ...] : ۳۰۵ .
حسام‌الدین [سید ...] : ۲۸٤ ، ۲۸۵ .
حسام‌الدین بن حسن کاردگر بابالوری : ۲۹۰ ، ۲۹۹ .
حسن (از متولیان امامزاده عبدالله) : ۱۰٤.
حسن [سید ...] : ۵۲٤ .
حسن[میر...] ، (ازاولادمیرسیدرضی‌الدین حسینی) : ۲۱ .
حسن آهنگر : ۲۸۰ .
حسن بن ابراهیم تفنگچی شهمرزادی: ۲٦ .
حسن بن ابوالحسن : ٤٤۸ .
حسن بن شمس‌الدین زرگر : ۲۸۰ .
حسن بن علی علیه‌السلام [امام ...] : ۳۷۰، ٤۱۱ ، ٤۱۸ .
حسن بن علی بقرا : ۲۸۳ ، ۲۸٤ .
حسن بن علی نقی : ۲۹۰ .
حسن بن محمد باسیان : ۲۸۰ .
حسن بن میراکبر [آقا سید ...] : ٤٤۳ ، ٤٤٤ .
حسن بهشتی : ٤۰۰ .
حسن تخشی محله‌ای [مشهدی ...] : ۲٤۰ .
حسن تقی [سید ...] : ۲۸۲ .
حسن‌خان بن خواجه محمد شریف‌خان خواجه عبدالنبی دنگلانی : ۳۰۲ .
حسن شامیرك شکی : ۲۷۹ .
حسن شیره سوار : ۲۷۹ .
حسن عسکری علیه‌السلام [امام ...] : ۳۷۰.
حسنعلی الحسینی [عزالدین ...] : ۲٦٦ .
حسنعلی هزار جریبی : ۱۲٦ ، ۱۲۷ .
حسن مالك (رئیس مالیات غیر مستقیم استراباد) : ۱٤۰ .
حسین [ملا میرزا ...] : ۲٤۹ .
حسین آقای قرخلو : ٤۳٤ .
حسین آباد = شوکت آباد .
حسین بن اسفندیار : ۲۸۵ .
حسین بن حاجی هادی [آقا ...] : ٤۳۰ .
حسین بن حسن درزی : ۲۷۹ .
حسین بن سیف‌الدین محمد اسفراینی : ۲۹۷ .
حسین بن علی علیه‌السلام [امام ...] = سیدالشهدا = خامس آل‌عبا : ۳۱۹ ، ۳۳۳ ، ۳٤٦ ، ۳۵۰ ، ۳۷۰ ، ۳۷۵ ، ٤۱۰ ، ٤۱۱ ، ٤۱۵ ، ۵٦۲ ، ۵٦٦ ،

۵۶۷ ، ۵۷۲ ، ۵۷٤ ، ۵۷۵ ، ۵۷۷ ، ۵۷۸ .
حسین بن علی کوهی : ۲۸۳ .
حسین بن کمال : ۲۸۳ .
حسین بیگ کتول : ۱۲۷ ، ۱۲۸ .
حسین حاجیلر ساکن مرز بانکلاته : ۳۲۷ .
حسین خان [کربلائی ...] : ۵٦۵ .
حسین خان بن میر سعدالله خان ایلخانی : ٤۱۸ .
حسین خان فیرنگی : ۱۲۹ .
حسین دشتکلائی بن محمد زمان حسینی : ۳۸۵ .
حسین رنگ محله‌ای مازندرانی : ٤۱۲ .
حسین ساکن قریهٔ چوپلانی [مشهدی ...] : ٤٤٦ ، ٤٤۷ .
حسین کاشانی [سید ...] : ۱۵۷ .
حسین کدخدای استراباد [آقا ...] : ۵۳۹.
حسین مدرس شاهرودی [ملا ...] : ۲٤۸ .
حسین مرزا حسابی [آقا سید ...] : ۵۸۱ .
حسین مشهور به دراز [حاجی ...] : ۳۱۸، ۳٤۵ .
حسین منجم اصفهانی [میرزا ...] : ۱۵٦ .
حسین ورسنی [سید ...] : ۲٤۰ .
حسین ورسنی [کربلائی ...] : ۲٤۰ .
حسین وطنابادی : ۲٦٦ .
حصن‌قاضی (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۸۹ ، ۳۹۰ ، ۳۹۱ .
حقنظر بیگ غلام خاصهٔ شریفه : ٤۷۹ .
حکیم‌آباد (از دهکده‌های فندرسك) : ۲٤۹، ۲۷٤ ، ۳۷۳ .
حمام درب‌نو : ۳۷۹ .
حمام سیاه‌تلو : ۳۹۵ .
حمام شاه (در گذر باغ شاه استراباد) : ٤٤۲ .
حمزه سیدالشهدا : ۵۷٤ .
حیدر [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
حیدرآباد : ۵٤۱ .
حیدر تخشی محله‌ای [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
حیدر الحسینی : ۳۷۸ .
حیدر علی آقا ورسنی : ۲۳۹ .
حیدر علی حاجیلری [خواجه ...] : ۳٤۲ .
حیدر قلی آقا [ملا ...] : ۵۹۷ .
حیدر قلی آقا بن حاجی کلبعلی خان سپانلو: ۵۸۰ ، ۵۸۱ .
حیدری محله [قریهٔ ...] : ۲۷۸ .

خ

خارکلاتهٔ‌کفتهٔ رامیان : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
خاسته رود = خواسته رود = خواسرود : ۱۳۸ ، ۲٦۸ ، ۵۸۰ .
خاك انوشیروان = ابلیس کنده .
خالد قلی آقا ولد حاجی آقا : ۳٤۳ .
خانجان [حاجی میرزا ...] : ۱٦۹ ، ۱۷٤.
خانجان آقای قاجار : ۵٦۷ .
خان خانان = سلیمان خان (حاکم استراباد) : ۱۵۸ ، ۱٦۹ .
خاندوز [قریهٔ ...] : ۱۰۹ ، ۱۵۱ .
خاندوز [محال ...] : ۱۰۸ ، ۱۲۵ .
خاندوزی : ۱۰۹ ، ۱۲۹ .

خانعلی (از رعایای عثمانکلاته) : ۵۵۵ .
خانقاه امیر قدم ترکمان : ۲۸۱ .
خانلـر خان بن جعفر قلی خان قاجـار : ۵۶۷ .
خانهٔ آقا محمد سعد آبادی : ۵۷۳ .
خانهٔ رفیع بن ملا نوروز علی اسبو : ۵۷۳ .
خانهٔ کربلائی علـی‌اکبر ایلواری : ۵۷۳ .
خانهٔ کربلائی مهدی بن جعفر : ۵۷۳ .
خانهٔ مشهدی علی اصغر بن غفور : ۵۷۸ .
خانهٔ ملازکی اسبو : ۵۷۳ .
خدابخش [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
خدابخش هزار جریبی : ۱۲۶ ، ۱۲۷ .
خداداد ولدعبدی (ازرعایای عثمان‌کلاته) : ۵۵۶ .
خداداده [ملا ...] : ۳۴۸ .
خراسان : ۲۲ ، ۵۶ ، ۶۹ ، ۴۵۶، ۴۵۷ ، ۴۵۸ ، ۴۶۰ ، ۴۶۱ ، ۴۶۲ ، ۴۶۳ ، ۴۶۴ ، ۴۶۵ ، ۴۶۷ ، ۴۶۸ ، ۴۶۹ ، ۴۷۰ ، ۴۷۱ ، ۴۷۲ ، ۴۷۳ ، ۴۷۴ ، ۴۷۵ ، ۴۷۶ .
خسروخان : ۲۶ ، ۳۵ .
خسروخان حاکم استراباد : ۴۹۵ .
خشمری (از دهکده‌های بلوك انزان) : ۲۸۷ ، ۲۹۳ .
خلیل‌الله المفضل الخادم الحسینی : ۳۶۰ .
خلیل ایلواری [ملا ...] : ۳۰۵ .
خندق خرابهٔ شهر استراباد : ۲۸۶ ، ۳۹۳ .
خواسته رود = خواسرود = خـاسته رود [قریهٔ ...] : ۴۲ ، ۱۰۴ ، ۱۶۳ ، ۱۸۶ ، ۲۸۱ ، ۲۸۷ ، ۲۹۴ ، ۳۵۵ .
خواسرود = خواسته رود : ۴۹ ، ۶۲ ، ۶۳ .
خورد رودبـار (شمال مجرای رودخانهٔ قوچانی) : ۲۳۴ .
خیابان شمس‌آباد : ۴۳۶ .
خیرآباد : ۲۸۱ ، ۲۸۶ ، ۵۳۶ .
خیرات [قریهٔ ...] : ۳۵۵ . ۴۰۱ .
خیرالنساء (دخترزادهٔ آقا عبدالله) : ۴۰۱ .
خیمه بن [مزرعهٔ ...] : ۲۴۹ .

د

دابوکلاته (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ .
دارالسلام [قـریهٔ ...] : ۲۷۸ ، ۲۸۰ ، ۲۸۱ .
دارکله (اول صحـرای دوستعلـی‌کل) : ۲۳۹ .
دارالمرز : ۱۴۲ .
داریك آب = دارکیاب : ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۴۴۵ .
دامغـان : ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۴۵۵ ، ۴۵۶ ، ۵۱۴ .
داود بن محمد استرابادی : ۲۹۹ .
درا (از دهکده‌های مازندران) : ۵۲۸ .
دراین [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .
دروازهٔ بسطام : ۴۰۱ .
درودارگوران = لوان : ۲۸۶ ، ۲۹۳ .
درود محله [قریهٔ ...] : ۵۳۹ ، ۵۴۰ .
درویش‌الله دادرقاب : ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۹ ، ۶۲،

۶۳ ، ۱۸۶ .
درویش بن شیخ احمد یامچی [شیخ ...] : ۲۸۳ .
درویش بیگ روملو : ۸ .
درویش حسین بتکچی [خواجه ...] : ۲۷۰، ۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ .
درویش حسین رقاب : ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۹ ، ۶۲، ۶۳ ، ۱۸۶ .
درویش محمد افلاطون [خواجه ...] : ۲۷۱ ، ۲۷۳ .
درویش محمد بیگ‌بن حسین قلی احمدفقهلو (قور یساول‌باشی) : ۴۷۳ .
درهٔ ایمن‌آباد : ۲۷۰ .
درهٔ بتکین : ۲۷۳ .
درهٔ چاله‌کیاب : ۲۸۴ ، ۲۸۵ .
دریای قلزم (دریای خزر) : ۲۸۶ ، ۲۸۷، ۲۹۳ ، ۲۹۴ .
دشت پیشانی [قریهٔ ...] : ۲۷۰ ، ۲۷۳ .
دشتی کلاته (از دهکده‌های بلوك انزان) : ۲۸۷ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲ .
دکان آقا سید حسین : ۵۶۳ .
دکان کربلائی کاظم آقا : ۵۶۳ .
دکلنه [قریهٔ ...] : ۳۷۳ .
دمقلی آقای حاجیلر : ۵۰۰ .
دنگلان (از دهکده‌هـــای سدن‌رستاق) : ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۶ .
دو دانگه (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۱۹۲ ، ۲۳۴ .
دوده‌نیسك تموری [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
دوراق خان آقای قزانجیلو : ۵۰۰ .
دورمین [طایفهٔ ...] : ۱۲۹ .
دوست علی خان : ۴۹۱ .
دوست محمد الخادم الحسینی : ۳۶۰ .
دوقبران (از دهکده‌های فخرعمـــادی) : ۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۵۸٤ .
دونه‌بن (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۳۳۲، ۳۳۳ .
دوین [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .
ده‌گاه (از دهکده‌های بلوك انزان) : ۲۸۷، ۲۹۳ .
دهندآباد [قریهٔ ...] : ۲۷۷ .
دهنهٔ لاوه : ۲۷۱ .
دیاربکر : ٤ .
دیزگاه [قریهٔ ...] : ۲۹۳ .
دیمسك [قریهٔ ...] : ۲۷۶ .

ر

راشدین [اصحاب کبار ...] : ۵۶۹ ، ۵۷۰ .
رامیان [محال ...] : ۱۶ ، ۱۰۸ .
رامیانی : ۱۲۹ .
راه‌آق مشهد : ۵۸٤ .
راه نردبان : ۵۰۱ .
رباطو (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
ربیع تاجر همدانی [کربلائی ...] : ۵۹۱ .
ربیع‌کلا [قریهٔ ...] : ۳۵۵ .
ربیع‌کلاته (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۸۹ ، ۳۹۰ ، ۹۳۷ .
رجبعلی (از رعایای ساکن آهنگر محله) : ۵۵۶ .

رجبعلی [کربلائی ...] ، (ازرعایای عثمان‌ـ کلاته) : ۵۵۶ .
رجبعلی ورسنی [کربلایی ...] : ۲٤۰ .
رحیم [کربلایی ...] ، (ساکن قلعه) : ۵۳۱ .
رحیم[میرزا...]، (پیشخدمت خاصهٔشریفه) : ۱۷۵ .
رحیم ارباب [آقا ...] ، (از احفاد قاسمعلی الوفنی) : ۳۸٤ .
رحیم خان [حاجی ...] ، (مالك آهنگرـ محله و عثمان کلاته) : ۵۵۵ .
رحیم‌خان [کربلایی ...] ، (ولد جعفرقلی خان) : ۵٦۵ ، ۵٦۸ ، ۵۷۰ .
رحیم ورسنی [ملا ...] : ۲٤۰ .
رزان [قریهٔ ...] : ۳٦۷ .
رزانه [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .
رستم بن حسن بنان : ۲۷۹ .
رستم کلاته (ازدهکده‌های استراباد رستاق) : ۲۷۷ ، ۵۱۳ ، ۵۱٤ ، ۵۱٦ ، ۵۱۷ ، ۵۱۹ ، ۵۲۱ ، ۵۲۳ ، ۵۲٤ ، ۵٤۹ ، ۵۵۱ ، ۵۵۲ .
رستم کلاتهٔ اربابی : ۵٤۳ ، ۵٤٦ ، ۵٤۸ ، ۵٤۹ .
رستم کلاتهٔ خالصه : ۵٤۳ ، ۵٤۵ ، ۵٤٦ ، ۵٤۷ ، ۵٤۸ ، ۵٤۹ .
رس‌دوین [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
رضا [حاجی ملا ...] : ۱۱۹ ، ۱۷۹ ، ۲۱۹، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲٤ ، ۲۲۹ ، ۲۵۷ ، ۵۳۵ ، ۵٤۲ .
رضا [کربلایی ملا ...] : ۲۳۹ .
رضا [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
رضا بن میر فرج‌الله [سید ...] : ٤۲۹ .
رضا الخادم حسن عسکری الشریف ابن‌حسن: ۳٦۰ .
رضاخان [حاجی ...] : ۱۲٤ .
رضاخان قاجار (حاکم استراباد) : ۲۲٦ ، ۵۳۳ ، ۵۳٤ .
رضا سلطان العلماء بابلکانی [آقا شیخ ...] : ۵٦۵ .
رضا علیه‌السلام [امام ...] = ثامن ضامن= ثامن‌الائمه : ۳۰۳ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۱۲ ، ۳۱۳ ، ۳۳۷ .
رضا قلی آقای کهنه‌لو : ۵٤۱ .
رضای کرابی : ۳٤۱ .
رضی (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
رضی [آقا سید ...] : ٤۳۸ .
رضی‌الدین قاضی [امیر سید ...] : ۲۱ ، ۲٦۱ ، ۲۸۵ ، ۲۸٦ .
رفعت شاه سامتمش حاجیلر : ۳٤۲ .
رفیع‌الدین حسین بن عمادالحسینی : ۲۷۳ ، ۲۷٤ ، ۲۸۹ ، ۲۹۸ .
رفیع‌الدین محمد : ۲۳ .
رمضان (از رعایای عثمان کلاته) : ۵۵۵ .
رمضان مهدی : ۵٤۵ ، ۵٤۷ .
روج و گنج [مزرعهٔ ...] : ۲۷۱ .
روح‌الله حسینی استرابادی بن کمال‌الدین محمود [میر...] : ۱۷، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳٤٤ ، ۳٤۵ ، ۳٤۸ ، ۳۵۰ ، ٤۳۲ ، ٤۳٤ .
روح‌الله مازندرانی [خواجه ...] : ۲٦۵ .
روح‌الامین : ٦٤ ، ٦٦ .

رودبار فاقس [قریهٔ ...] (؟) : ۲۷۱ .
رودخانهٔ ترنگ : ۵۳ ، ۳۱۹ ، ۳٤۵ .
رودخانهٔ تلوکلاته : ۵۳ .
رودخانهٔ جرجان : ۲۷۱ ، ۲۸٦ .
رودخانهٔ خاسته رود : ۵۹۷ .
رودخانهٔ دهنهٔ نردبان : ۵۹ ، ٦۱ .
رودخانهٔ ساسفل : ۲۷۱ .
رودخانهٔ سرخان محله (دربلوك فخرعمادی) : ۳۹۸ ، ۳۹۹ .
رودخانهٔ شصت کلاته : ۳۰۹ ، ۵۹٤ .
رودخانهٔ فخام مشهور به چهل‌گزی : ۲۹۸.
رودخانهٔ قوچانی : ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۳۳ ، ۲۳٤ ، ۲۳۵ .
رودخانهٔ کافردوین علی‌آباد : ۵۹ .
رودخانهٔ کتول کفشگیری : ۳۸۷ .
رودخانهٔ مرمد : ۲٦۹ .
رودخانهٔ ورشیر : ۲۷۰ .
رودخانهٔ هشن = آب قرن‌آباد : ۲٤٤ .
روستایی‌محله (از دهکده‌های بلوك استراباد رستاق) : ۱۲ ، ۱٤ ، ۲۷۷ .
روشن آباد (ازدهکده‌های بلوك سدن‌رستاق) : ۱۸۰ ، ۲٦۱ ، ۲٦۲ ، ۲۸٦ .
روشن‌آباد [سرچشمهٔ ...] : ۲۱ .
روشن‌آباد [مزار ...] : ۲٦۳ .
روشنائی‌محله (ازدهکده‌های‌استرابادرستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
روشنه سر [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .

ز

زرداب کیله : ۲۸٦ ، ۲۹۳ .
زرگران (از دهکده‌های بلوك فخرعمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
زرین‌کل (از دهکده‌های فندرسك) : ۲٤۹ .
زکی‌آقا : ۵۰۵ .
زکی‌الدین محمد بن امیر سید عمادالدین : ۲٦۳ .
زمین جوزستان (از اراضی زیارت خواسته رود) : ٤۱۱ ، ٤۱۳ .
زمین‌چسب‌گاه (ازاراضی زیارت خواسته رود) : ٤۱۱
زمین سرتخته (از اراضی زیارت خواسته رود) : ٤۱۱
زمین عباس‌آباد (از اراضی قریهٔ چوپلانی) : ٤۳٦ .
زمین محمد ناصرخان : ۵٦۳ .
زیادلو [جماعت ...] : ٤٦۷ ، ٤۷٦ .
زیارت خواسته رود [قریهٔ ...] : ۱۱۰ ، ٤۱۰ ، ٤۱۱ .
زیرکلاته : ۳۸۷ .
زین‌العابدین : ۵٤۵ ، ۵٤۷ .
زین‌العابدین [آقا شیخ ...] : ۳۰۷ .
زین‌العابدین [شیخ ...] ، (از خادمان امامزاده عبدالله) : ۱٦۳ .
زین‌العابدین [میر ...] ، (از وراث میر محمد نجفی) : ۵۵ .
زین‌العابدین [میر...]، (ولد میرزاابراهیم واعظ) : ۵٦ ، ۵۷ .
زین‌العابدین ابن حاجی جمال‌الدین‌الحسینی: ۳۲۷ .
زین‌العابدین ابن محمدبن نورالدین‌الحسینی: ۲۵٦ .

زین‌العابدین اجل الحسینی : ۲۶۲ ، ۲۶۵ ، ۳۲۶ .
زین‌العابدین اورسیجی بسطامی : ۳۴۲ .
زین‌العابدین پیشنماز [آقا میر ...] : ۳۲۱.
زین‌العابدین حسینی استرابادی : ۲۹۰ ، ۳۲۲ .
زین‌العابدین صادق [امیر سید ...] : ۲۸۰ ، ۲۸۶ .
زین‌العابدین عبدالرحیم : ۲۷۴ .
زین‌العابدین‌الموسوی‌الحسینی [آقامیر...]: ۲۵۵ ، ۴۹۵ .
زینل‌آباد (از دهکده‌های بلوك سدن‌رستاق): ۲۶۱ ، ۲۸۲ .
زینل بن خواجه اسماعیل [خواجه ...] : ۲۷۲ .
زینل‌بیگ‌ولد امامقلی بیگ [صحبت‌یساول]: ۴۷۴ .

س

سادات استراباد : ۲۲۱ .
سادات بنی‌کریم : ۵۷۸ .
سادات بنی‌مفید : ۱۸۰ .
سادات چغری : ۵۵۷ .
سادات چوپلانـــی = سادات دراز گیسو = سادات بنی‌مفید : ۱۹۱ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ .
سادات دراز گیسو = سادات چوپلانی: ۲۰۵، ۲۳۰ ، ۲۳۳ ، ۲۳۵ ، ۲۴۵ ، ۴۴۷ .
سادات شیرنگی (سادات ساکن در مـــرز ــ بانکلاته) : ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۳۲۳ .
سادات مفیدی = سادات چوپلانی : ۲۶۷ .
سادات میرزا خانی شیرنگی : ۲۳۰ .
ساروخان (از رعایای آهنگر محلــه) : ۵۵۶ .
ساری [شارع عام ...] : ۲۸۶ ، ۲۸۷ ، ۲۹۳ .
ساعدالدوله (سردار و حکمران استرابـاد ویموت و گوکلان) : ۲۰۲ .
سالور : ۴۹۰
ساورکلاته (ازدهکده‌های‌بلوك فخرعمادی): ۱۷۲ ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ .
ساوری [طایفهٔ ...] : ۱۳۸ .
سبزوار : ۳۸ ، ۴۰ ، ۴۴ ، ۵۰۲ .
سبلان (موضعی نزدیك فیض‌آباد) : ۲۷۰ .
سبلان رود : ۲۷۲ .
سدن (از دهکده‌های سدن‌رستاق) = سیدــ کلاته : ۳۰۸ ، ۳۹۰ .
سدن رستاق : ۲۱ ، ۱۵۶ ، ۱۸۰ ، ۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۴۱ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۸ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲ ، ۲۸۶ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۱۳ ، ۵۶۶ ، ۵۶۷ .
سدید بن مجدالدین کرده‌چمنی : ۲۸۹ ، ۲۹۹ .
سرتك [قریهٔ ...] : ۲۷۶ .
سرتیب خان = علی نقی خان فندرسکی : ۴۱۶ ، ۴۱۷ .
سرجار کلام [محل ...] : ۲۷۷ .
سرحدات قبچاق : ۱۰۸ .
سرخان کلاته = سرخون کلاه = سرخانکلاه (محل سکنای طایفهٔ مقصودلـــو) :

۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۳۲ ، ۱٤٤ ، ۱٤٥ ،
۱٤۸ ، ۱۵۹ ، ۲۳٤ ، ۲۷٦ ، ۲۷۷ .
سرخان محله : ۲۷۵ .
سرخ‌دار (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
سرخون کلاه = سرخان کلاته : ۱۰۵ ، ۱۰٦ ، ۱۱٦ ، ۱۲۰ .
سردار امجد : ۲٤۲ .
سردار معظم : ۲۰۱ .
سردار مفخم (حکمران استراباد) : ۲۰٦ .
سرطاق [قریهٔ ...] : ۲۸٦ ، ۲۹۳ .
سرکلاته [قریهٔ ...] : ۲٦۲ ، ۲۷۳ ، ۲۸۲ .
سرمن‌رای : ۳۷۵ .
سروکلاته [قریهٔ ...] : ۲۷۵ .
سعدآباد (از دهکده‌های برزمهین رستاق) : ۲۸۲ ، ۳۸۹ ، ۳۹۱ .
سعدالله‌خان ایلخانی (سرکردهٔ دستهٔ کبود ــ جامه و ضابط فندرسك) : ۱۰۸ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ٤۱۸ ، ٤۱۹ .
سفیان بن خواجه مرشد [خواجــه ...] : ۳۳۹ .
سفیدار (سامان دهکده‌های مرزبانکلاته و چوپلانی) : ۲۳۱ .
سقال دوین (از دهکده‌های استرابادرستاق) : ۳۸۹ ، ۳۹۱ .
سلطان‌آباد [قریهٔ ...] : ۱٦۱ ، ۵٤۸ .
سلطان حسین [شاه ...] ، (۱۱۳۵ــ۱۱۰۵) : ۵۵ ، ۵۹ ، ٦۱ ، ٦۲ ، ٦٤ ، ٦۹ ، ۱۳۸ .
سلطان حسین سراج : ۲٦۵ .
سلطان حسین میرزا بن محمد قلی میــرزا ملك‌آرا) : ۵۸۵ .
سلطان دوین [قریهٔ ...] : ۲۷٦ ، ۲۷۸ .
سلطانعلی بن احمد زرگر : ۲۷۹ .
سلطان قلی ماکان : ۳٤۱ .
سلطان محمد بن شاه طهماسب (۹۹۵ــ۹۸۵) : ۵۱۳ ، ۵۱٦ ، ۵۱۷ ، ۵۲۱ .
سلطان محمود بن خواجه حاجی محمد : ۲۷٤ .
سلطان مسعود (کلانتر جام) : ٤۸۳ .
سلیم : ۵٤۰ .
سلیمان اول [شاه...] = صفی دوم (۱۱۰۵ــ ۱۰۷۷) : ٤۱ ، ٤۲ ، ٤٤ ، ٤۵ ، ٤۹ ، ۵۰ ، ۵۲ ، ۵۲۱ .
سلیمان بن حسنعلی چناشکی : ۵۰۱ .
سلیمان خان (خان خانان) : ۱٦۵ ، ۱٦٦ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ .
سلیمان خان یوزباشی (کلانتر بلوك فخرــ عمادی) : ۱۸۵ ، ۱۸٦ ، ۱۸۷ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ .
سلیمانی کلاته [موضع ...] : ۲۸۲ .
سمنان : ٤۵٦ .
سنگ چشمه (از دهکده‌های بلوك فخر ــ عمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲۵ .
سنگ‌دوین (ازدهکده‌های‌بلوك فخرعمادی) : ۲۷۳ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
سنگ سرو [موضع ...] : ۲۷۰ .
سنگین بنهٔ کفتر خان [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
سوته‌سرا [مزرعهٔ ...] ، (از بلوك کبود ــ جامه) : ۲٤ .
سوخته انکور [قریهٔ ...] : ۲۷٤ .

سوخته‌سرا (من محال خاندوز) : ۱۲۵ .
سورمی [قریهٔ ...] : ۲۷٤ .
سهل محله : ۲۹٤ .
سهی محله (از دهکده‌های بلوك فندرسك) : ۳۷۳ .
سیاوستان (از دهکده‌های بلوك فخرعمادی) : ۵۹ .
سیاوشیان [قریهٔ ...] : ۲۷٤ ، ۲۷۵ .
سیاه‌آب : ۵۹۵ .
سیاه‌پوشان [جماعت ...] : ۱۱ .
سیاه‌تلو (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۸۹ ، ۳۹۰ ، ۳۹۱ ، ۳۹۵ .
سیاه‌جوی [از بلوك انزان] : ۵۹ ، ۲۸٦ ، ۲۹۲ .
سیاه لارستان (از دهکده‌های بلوك سدن ــ رستاق) : ۲٦۱ ، ۲٦۲ .
سیاه‌رود = سیاه رودبار : ۳٦۲ ، ۳٦۸ .
سیاه رودبار (از دهکده های فندرسك) : ۲٤۹ .
سیدکلاته = سدن .
سیدکلاتهٔ سفلی (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
سیدکلاتهٔ علیا (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
سید میرك (خلیفه) : ٤۵۳ .
سیره دوین [قریهٔ ...] : ۲٦۲ .
سیف‌الدین مظفر : ۲٦۹ .
سینك [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .

ش

شاده [قریهٔ ...] : ۲٦۲ .
شاطر برخوردار : ٤۸۷ .
شاه‌پسند = شاه‌فسند : ۲٦۹ .
شاهرود : ۲٤۸ .
شاه علی سلطان استاجلو : ۱٤ .
شاهکوئی [طایفهٔ ...] : ۱۳۸
شاه محمد : ۵٤۵ ، ۵٤۷ .
شاهمیر [سید ...] : ۲۸۳ ، ۲۸۵ .
شاهمیر بن حسن تیرگر : ۲٦٤ .
شاهنظر (از غلامان قوشچی‌باشی امام قلی خان) : ۲۷ .
شاهوردی جهانکلوئی (جهانبکلوئی) : ۵۸٤ .
شاهی بیگ میرزا پسر میر میران استرابادی: ٦٤ ، ٦۵ ، ٦٦ ، ٦۷ ، ٦۸ .
شرف بن میرزا بیگ فندرسکی : ۳٦۲ ، ۳٦٦ ، ۳٦۹ ، ۳۷۰ ، ۳۷۱ .
شرف‌الدین بن سیدبدرالدین [امیرسید ...]: ۲۸٤ .
شرف‌الدین سماکی [سید ...] : ۲۸٤ .
شرف‌الدین علی بن عزالدین گرشاسف [خواجه ...] : ۲۷۵ ، ۲۷۷ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲ .
شرف‌الدین علی الحسینی استرابادی : ۲۹۰ ، ۲۹۹ .
شرفیان [قریهٔ ...] : ۲۷٤ .
شرفی خان : ۱۲۰ .

شریعتمدار (= حاجی محمد ابراهیم) : ۲۱٤ .
شریف : ۳٤۸ ، ۳٤۹ .
شریف (ساکن سنگ دوین) : ۵۳۱ .
شریف [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
شش‌آب پلور دره (از دهکده های رامیان): ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
ششك [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .
شصت‌کلاته : ۳۸۱ ، ۳۸۲ .
شعبان [کربلائی ...] : ۵۵۷ .
شعبانی کلاته : ۲۸۱ .
شفیع بن محمد علی [کربلائی ...] : ۵۸۳.
شکی [سواران ...] : ۱٤۲ .
شمس‌آباد (دهکده‌ای نزدیك چوپلانی) : ۲٤٤ ، ۲٤۵ .
شمس‌الدین بن بایار : ۲۸۵ .
شمس‌الدین بن خضر : ۲۸۵ .
شمس‌الدین ترکمان : ۲۸۵ .
شمس‌الدین الحسینی : ۳۸۵ .
شمس‌الدین علی : ۲۹۱ .
شمس‌الدین علی منشی شاه فسندی : ۲۷۰ .
شمس‌الدین محمد ابن محمد باقر : ۳۵۸
شمس‌الدین محمد بن خواجه عبدالخالق بتکچی : ۲۷۰ ، ۲۷۱ .
شمس‌الدین محمد الحسینی : ۳۵۹ .
شمس‌الدین محمد کفشگیری : ۵۸٤ .
شمس‌النسا خانم : ۳٦۷ .
شمشك [قریهٔ ...] = شموشك : ۲٦۳ ، ٤۰۱، ٤۰۲ ، ۵٤۱ .
شموشك = شمشك : ٤۰۵ ، ٤۰٦ .
شملم محله : ۲۸۰ ، ۲۸۱ .
شنقان [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .
شواردارکیاب : ٤۹۲ ، ٤۳۰ .
شوار دباغ : ٤۲۹ ، ٤۳۰ .
شوار کمانگر : ٤۲۹ ، ٤۳۰ ، ٤۳٤ .
شوار گودار : ٤۲۹ ، ٤۳۰ .
شوکت‌آباد = حسین‌آباد : ۵۸۵ ، ۵۸٦ ، ۵۸۸ ، ۵۹۱ .
شهاب‌الدین فضل‌الله قاضی [سید ...] : ۲٦۱ .
شهدای احد : ۵٦۷ ، ۵۷٤ .
شهدای بدر : ۵٦۷ ، ۵۷٤ .
شهدای دشت کربلا : ۵٦۷ ، ۵۷۲ ، ۵۷٤ ، ۵۷۷ ، ۵۷۸ .
شهرآشوب (از دهکده های بلوك نواحی) : ۳۱۲ ، ۳۱۳ .
شهربانو بنت آقا محمد محسن شهری: ۵۷۲، ۵۷۳ .
شهربندشاسفان : ۲۷۱ .
شهری [طایفهٔ ...] : ۱۳۸ .
شهمیر محمد : ۲۹۰ .
شیخ ابن قاسم الحسینی : ۳۳۵ .
شیخ‌الاسلام شاهرودی : ۲٤۸ .
شیخ قاجی [املاك ...] : ۲۷۹ .
شیرآباد فندرسك [دارالحکومه ...] : ٤۱۸ .
شیرافکن خان بن سعدالله خان ایلخانی : ٤۲۰ .
شیرزاد یامچی : ۲۸۵ .
شیرنگ (از دهکده‌های فخر عمادی) : ۲۷۵، ۲۷٦ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ ، ۳۵۱ .
شیرین‌آباد (ازدهکده‌های فندرسك) : ۲٤۹،

۳٦۲ .

ص

صاحب اختیار : ۱٦۱ .
صادق [حاجی سید ...]: ۲۲٦، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۳ ، ۲۳٤ ، ۲۳۹ ، ۲٤۰ .
صادق سلطان کرد محله‌ای : ٤۰۷ ، ٤۰۹ .
صالح [خواجه ...] : ٥٦ .
صالح [شیخ ...] : ۲٤۱ ، ۲٤۲ .
صالح ورسنی [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
صحرای دوستعلی کل : ۲۳۹ .
صحرای کربلا : ۳۸۷ ، ۳۸۸ ، ٥٦٦ .
صدرالدین بن عبدالجبار ترك : ۲۸۳ .
صدرالدین بن فخرالدین حسینی : ۲۹۹ .
صدرالدین سماکی : ۲٥ .
صدرالدین محمد بن حسین الحسینی : ۲۹۱ .
صدرالدین محمد الموسوی : ۲۱ .
صدیقة الطاهره سلام‌الله علیها : ٤۱۱ ، ٥٦٦ ، ٥٦۷ .
صفهٔ درب‌شمشاد (از صفه‌های مشهد مقدس): ۳٥٦ .
صفی [شاه ...] ، (۱۰٥۲ ــ ۱۰۳۸) : ۲٤ .
صفی‌الله [شیخ ...] : ۲٤۱ ، ۲٤۸ ، ۲٥۰ .
صفی‌خان [کربلائی ...] : ۲۳۹ .
صفی قلی بیگ قیناق (قورچی‌سپر) : ٤۷۱ .
صفی قلی بیگ یوزباشی : ٥۰۱ .

صنیع‌الله بن اویس اردبیلی لطیفی : ۲۹۸ .

ض

ضرب‌آباد محله : ٥۳٦ .
ضیاءالدین [حاجی ...] : ۳۱۸ ، ۳٥٤ .

ط

طالب (از رعایای ساکن محله) : ٥۳۱ .
طالب‌آباد [قریهٔ ...] : ۲٤۹ .
طالب‌آباد (از مزرعه‌های فندرسك) : ۳٦۷، ۳۷۳ .
طالش [سواران ...] : ۱٤۲ .
طاهر بن شیخ قاسم کلعلائی : ۲۷۲ ، ۲۹۰، ۲۹۹ .
طاهر مجتهد استرابادی [حاجی سید ...] : ۲۰۰ ، ۲۰۸ ، ۲٤۲ ، ۲٤۸ ، ۲٥۰ .
طایفهٔ بنی‌کریم : ٥۷٥ .
طایفهٔ پلنگ : ۳۸۷ .
طایفه تمسکنی : ٥۳۲ .
طایفهٔ کهنه‌لو : ٥٤۱ .
طبرستان : ۱۲٤ ، ٥۳٥ .
طغار [طاحونهٔ ...] : ۲٤۹ ، ۳۷۳ .
طوا (از دهکده های فخر عمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
طهماسب اول [شاه ...] ، (۹۸٤ ــ ۹۳۰): ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱٤ ، ۲٥ ، ۲۹ ، ٥۲۱ .

ظ

ظهیرالدین ابراهیم [امیر ...] ، (از اولاد سید محمد نجفی) : ٥٦ .

ع

عابدآباد [قریهٔ ...] : ٢٧٥ .
عادل‌آباد [قریهٔ ...] : ٢٨٦ .
عباس [استاد ...] : ٤٤٢ .
عباس (حاکم نظامی استراباد) : ١٤٠ .
عباس‌آباد خرابه : ٤٣٦ .
عباس اول [شاه ...] ، (١٠٣٨ ـ ٩٨٩) : ١٥ ، ١٧ ، ٢٠ ، ٢٢ ، ٥١٩ ، ٥٢١ .
عباس بن ملا رجبعلی : ٤٤٠ .
عباس بیگ : ٥٩٧ .
عباس بیگ ملك لطفعلی اسفندیار : ٣٢٧ .
عباس ثانی [شاه ...] ، (١٠٧٧ ـ ١٠٥٢) : ٢٥ ، ٢٩ ، ٣١ ، ٣٧ ، ٣٩ .
عباس خان قاجار (بیگلر بیگی استراباد) : ١٢٤ ، ١٣٦ ، ١٤٣ ، ١٤٤ ، ١٤٧ ، ١٥٧ ، ١٦٩ ، ١٧٣ ، ١٧٥ ، ١٧٨ ، ٢١٥ ، ٢١٦ ، ٢١٩ ، ٢٢٦ ، ٢٢٨ ، ٢٢٩ ، ٥٦٥ .
عباس خان فندرسکی کتوج استرابادی : ١٥٣ ، ١٥٤ ، ١٩٩ .
عباس دائی : ٥٦٥ .
عباسعلی [کربلائی ...] : ٥٦٤ .
عباسقلی آقای عزالدینلو : ٥٣٨ .
عباسقلی خان کرلو : ٥٤٠ .
عبدالجبار [ملا ...] : ٦٣ .
عبدالقادر حسنی استرابادی [میر ...] : ٥٠ ، ٥١ .
عبدل‌آباد : ٤٨ .
عبدالله [امامزاده ...] ، (در خواسته‌رود) : ٢١ ، ٤١ ، ٤٩ ، ٦٢ ، ١٠٤ ، ١٦٣ ، ١٨٦ .
عبدالله [امیر سید ...] : ٢٦٢ .
عبدالله[میرزا...]، (ولدمیرزا عبدالواسع) : ١٥٦ .
عبدالله استرابادی : ٢٩٠ .
عبداللهبن حاجی شیخ‌لطف‌الله قاضی [آقا...] : ٤٠١ .
عبدالله بن میرکمال‌الدین حسینی استرابادی [امیر ...] : ٥٢١ ، ٥٢٣ .
عبدالله‌بیگ فراش عدلیه : ٥٥٧ .
عبدالله الحسنی (پیشکار مالیه و خالصجات استراباد) : ١٤٠ .
عبدالله خان [میرزا ...] : ١٥٤ .
عبدالله خان قراموسی‌لوی قاجار : ٥٤٢ ، ٥٨٢ .
عبدالله میرزا [شاهزاده ...] : ٤٤٧.
عبدالله ولد محمد : ٥٤٤ ، ٥٤٧ ، ٥٤٩ .
عبدالحسین [آقا شیخ ...] : ٤٢١ .
عبدالحسین بسطامی [حاجی شیخ ...] : ٢٤٨ .
عبدالحسین رامیانی استرابادی [شیخ ...] : ٢٥٠ ، ٢٥٢ .
عبدالحق بتکچی [خواجه ...] : ٢٧٠ .

عبدالحی عبدالوهاب علی الحسینی : ۲۹۷ .
عبدالخالق : ٤۲۸ .
عبدالخالق بن طاهر حسین قاضی : ۲٦٥ .
عبدالرحیم [ملا ...] : ۲۰۱ .
عبدالرحیم بن محمد الحسینی : ۲٦٦ .
عبدالرزاق [آقا شیخ ...] : ۲٤۰ ، ۳۰۷ .
عبدالصمد خان (پسر محمدخان مقصودلو) : ۱٤۷ ، ۱٤۸ ، ۱٥٥ ، ۱۷۷ ، ۱۸٤ ، ۱۸۸ .
عبدالصمد خان امیرپنجه (نایب‌الحکومه و امیر تومان) : ۲۰۱ .
عبدالعالی [میر ...] ، (لشکر نویس) : ٤٥۷ .
عبدالعزیز بن امیرسید عزیز [امیرسید ...]: ۲٦۲ .
عبدالعظیم بن قاسمعلی الوفنی : ۳۸۲ .
عبدالعلی بن عبدالله : ۲۸٤ .
عبدالعلی نصیرالدین : ۲۸۹ .
عبدالغنی بن قاسمعلی الوفنی : ۳۸۲ .
عبدالغنی الحسینی : ۳۲٦ .
عبدالقادر بن حکیم : ۲۸۹ .
عبدالکریم : ۳۱۰ .
عبدالکریم بن عبدالمجید انصاری : ۲٦٦ .
عبدالکریم بن میر عبدالله [سید ...]: ٥۲۱، ٥۲۱ .
عبدالمؤمن بن عبدالمطلب بهرام : ۲۹۰ .
عبدالمغیث بن قاسمعلی الوفنی : ۳۸۲ .
عبدالوهاب : ۳٤۰ .
عبدالوهاب بن قاسمعلی الوفنی : ۳۸۲ .
عبدالوهاب طبیب [میرزا ...] : ۱٥٦ .
عبدالهادی کلبادی ابن ابراهیم : ۳٤۱ .
عتبات عالیات : ۱۳۳ ، ۱۳٤ ، ۲٥۷ .
عثمان کلاته : ٥٥٥ .
عراقی محله : ۲۸۰ ، ۲۸۱ .
عراقین : ٤ .
عزالدین بن بایار : ۲۸۲ .
عزالدین حسن بن امیر سید علی نقی [امیر سید ...] : ۲۸۱ .
عزالدین حسن نجفی [امیر سید ...] : ۲۸۰ .
عزالدین الحسینی : ۳۳٥ .
عزالدین کردچمنی [امیر سید ...] : ۲٦۲ .
عزالدین محمد انصاری بن شیخ نظام‌الدین محمود : ۳۲٦ ، ۳۳۲ ، ۳۳۳ ، ۳۳٥.
عزالدین محمود [سید ...] : ۳ ، ٤ .
عزیزالله [آقا ...] : ۲٦ .
عزیزالله حسینی : ۳۷۸ .
عزیز بن امیر سید عزالدین کردچمنی [امیر سید ...] : ۲٦۲ .
عزیز بن شیخ طاووس [شیخ ...] : ۲۸۳ .
عشقی محله (از دهکده‌های فندرسك) : ۲٤۹ ، ۳۷۳ .
عطاءالله : ۲۹۸ .
عطاءالله بن فضل‌الله مشتهر به جمال‌الدین محدث حسینی : ۲۹۸ .
علاءالدین بن سید عبدالله سبز مشهدی [سید ...] : ۲۸۱ .
علاءالدین کرم : ۲۸۳ .
علاءالدین مسعود [خواجه حاجی ...] : ۲۷٤ .
علوی کلاته = آلوکلاته (از دهکده های

استراباد رستاق) : ۹ ، ۱۳ ، ۱٤ ، ۱۷ ، ٦٥ ، ٦۸ ، ۲۷۳ ، ۲۷۵ ، ۲۷۷، ۳۰۹ ، ٤۳۲ .
علوی محله (از دهکده هـای رامیان) : ۳۳۹ .
علی [حاجی ...] ، (کسی که قنات چوپلانی را کنده است) : ۲٤۵ .
علیاباد [قریهٔ ...] : ۲۷٤ .
علیاباد ایمن‌آباد : ۲۷٤ .
علی‌اکبر [شیخ ...] : ۲۵۰ .
علیاربیگ‌ایمور : ۱۷ ، ۱۸ .
علی‌اصغرخان : ۱٥٤ ، ٥٤۹ .
علی اکبر خان (پسر امیر الامرا اکرم‌الملك ایلخانی) : ۲۰٦ .
علی‌اکبر خلف حاجی محمد مهدی استرابادی [آقا ...] : ٥۸۲ .
علی اکبر شاهرودی [حاج ...] : ۲٤۸ .
علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام = امیرمؤمنان: ۳۷۰ ، ٤۱۱ ، ٤٥۳ ، ٥۱۳ ، ٥۱۷ ، ٥٦٦ ، ٥٦۷ .
علی بن حسن الحسنی : ۲٦٥ .
علی بن حسین زین‌العابدین [امام ...] : ۳۷۰ ، ۳۷٥ .
علی بن خواجـه مشهدی محمـد ساوری [خواجه ...] : ۳۸٥ .
علی بن سعدالدین لـوری [میر ...] : ۳۰۰ .
علی بن سید جمال‌الدین [میر سید ...] : ۲۸٤ .
علی بن سید شمس‌الدین علی سعدالله [امیر سید ...] : ۲۸۱ .
علی بن محمد بن طی : ۲۹۲ .
علی بن ملك محمدکیا : ۲۷٦ .
علی بن موسی‌الرضا [امام ...]: ۳۷۰، ۳۸۱، ۳۸۳ ، ۳۹۲ .
علی پالان‌دوز [کربلائی ...] : ۲۳٦، ۲۳۷، ۲۳۸ .
علی حافظ : ۲٦٥ .
علی خادم الحسینی ابـن فتح‌الله الحسینی الاسترابادی : ۳٥۸ .
علی خان ظل‌السلطان (از فرزندان فتحعلی شاه) : ۱۲۲ .
علی دنگلانی [آقاملا ...] : ۳۰٦ .
علی دوست امیر : ٤۲۸ .
علی دیاجاقی [آقا شیخ ...] : ٥٦٤ .
علی شاه پسندی [خواجه ...] : ۲۷۰ .
علیشقلو : ۳۸۱ ، ۳۸۲ .
علی شمس‌العلما [آقا شیخ ...] : ۳۰٦ .
علی طبیب ابن حاجی حسین استرابادی : ۲٦٥ ، ۲۷۷ ، ۲۹۱ .
علی عزالدینلو : ۳۹۰ .
علی فخرالدین الحسینی : ۲۹۱ .
علی‌قلی آقای حاجیلر : ٥۰۰ .
علی محمد (از رعایای عثمان کلاتـه) : ٥٥٥ .
علی محمد (از آدمهای محمد قلی دولو) : ٥۲۸ .
علی محمد (از ساکنان کتول) : ۱۷۸ .
علی محمد آقا بن محمود خان دولوی‌قاجار: ٤۰٥ .
علی محمد ابورضا استرابادی : ۲٦٦ .
علی‌محمد اشرفی [آقاملا ...] : ۱۷٤ .

علی المهیمن : ۲۶۵ .
علی النقی علیه‌السلام [امام ...] : ۳۷۰ .
علینقی بن امیر سید بهاءالدین : ۲۶۲ .
علی نقی‌بن حسنعلی استرابادی مشهور به‌بالو: ۴۰۳ .
علی نقی خان [میرزا ...] : ۱۲۵ .
علی نقی فندرسکی معروف به سرتیب خان [آقا میرزا ...] : ۴۱۴ .
علی نور [شیخ ...] : ۵۲۱ .
علی ورسنی [مشهدی ...] : ۲۳۹ .
عماد بن میر فرج‌الله [سید ...] : ۴۲۹ .
عمادالدین [ملا ...] : ۶۳ .
عمادالدین اجل‌بن سیدجمال‌الدین [سید...]: ۲۶۲ ، ۲۶۳ .
عمادالدین بن حسن عبا : ۲۸۳ .
عمادالدین حسن بهرام : ۲۹۱ .
عمادالدین شهریار : ۲۸۵ .
عمادالدین فندرسکی [سید ...] : ۲۷۳ .
عمادالدین کمانگر روشنابادی : ۲۶۵ .
عمادالدین مسعود [امیر ...] ، (برادرامیر کمال‌الدین محمود) : ۱۳ ، ۱۴ ، ۶۵ .
عمارات شاهی استراباد : ۱۱۰ .
عمارت [موضع ...] : ۲۷۳ .
عمیدالدوله (حکمران استراباد) : ۱۹۷ ، ۱۹۸ .
عوض بهرام نوکر : ۵۴۴ ، ۵۴۷ .
عوض‌خان بیگ نجرلو : ۵۰۲ .
عیسی خان خلف محمد ولی آقا قاجار : ۵۸۱ .
عیسی محله (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۲۸۱ ، ۳۸۲ ، ۵۹۵ .

غ

غلامحسین خان قاجار : ۵۶۵ .
غلامرضا : ۵۹۱ .
غلامرضا ورسنی [کربلائی ...] : ۲۴۰ .
غلامعلی : ۵۴۴ ، ۵۴۷ .
غلامعلی (آدم مصطفی خان) : ۵۳۷ .
غلام‌علی بن جلال : ۲۸۴ ، ۲۸۵ .
غلام ورسنی : ۲۳۹ .
غیاث‌الدین بن عبدالله : ۲۸۵ .
غیاث‌الدین بن میر روح‌الله الحسینی الاسترابادی [میر ...] : ۴۳۲ .
غیاث‌الدین علی بتکچی [خواجه ...] : ۲۷۲ ، ۲۸۱ .
غیاث‌الدین محمد بن میر کمال‌الدین‌محمود: ۶۷ ، ۶۸ ، ۴۲۶ ، ۴۲۷ .
غیاث‌الدین محمود : ۶۸ .
غیاث‌الدین مسعود الحسینی : ۵۵ .

ف

فارس : ۴ .
فارسك [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
فارلق [قریهٔ ...] : ۵۸۴ .
فاضل میان آبادی : ۳۰۵ .
فاطمه بنت آقاعبدالله : ۴۰۱ .
فاطمه بنت امیر علی المفضل خادم حسینی: ۳۵۴ ، ۳۵۵ .

فاطمه بنت میر فرج‌الله : ٤٢٩ .
فاطمة الزهرا بنت رسول خدا : ۳۷۰ ، ٤١١، ٥٧٤ .
فتح‌آباد [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .
فتح‌الله بن خواجه ابوالقاسم ساوری : ۳۸٥.
فتح‌الله خان لشکر نویس [میرزا ...] : ١٩٤ .
فتحعلی خان بیگلربیگی استراباد : ٥٠٨ ، ٥٠٩ .
فتحعلی خان قاجار : ٤٥ ، ٤٨ ، ٥٠ ، ٦٠ .
فتحعلی شاه قاجار (١٢٥٠ — ١٢١٢) : ١٠٤ ، ١٠٥ ، ١٠٨ ، ١١١ ، ١١٣ ، ١١٤ ، ١١٦ ، ١١٧ ، ١١٩ ، ١٢٠ ، ١٢١ ، ١٢٢ ، ١٢٣ ، ١٢٤ ، ١٢٥ ، ١٢٨ ، ١٣٣ ، ١٣٦ ، ١٣٧ ، ٥٢٦ ، ٥٢٧ ، ٥٢٨ ، ٥٢٩ ، ٥٣٠ ، ٥٣٢ ، ٥٣٣ ، ٥٣٥ .
فخرالدین احمد بتکچی : ٢٦٩ ، ٢٧٠ .
فخرالدین بن امیر سید باقر کیاوسری : ٢٧٤ .
فخرالدین بن تاج‌الدین درازگیسو الحسینی: ٢٦٦ ، ٣٢٨ .
فخرالدین بن عبدالله ترك : ٢٨٣ ، ٢٨٤ .
فخرالدین سهام کلاته بهجانی [حاجی ...]: ٢٦٥ .
فخرالدین پولکی : ٢٨٦ ، ٢٩٣ .
فخرالدین کفشگر : ٢٦٥ .
فخرالدین کوشککی [ملك ...] : ٢٧٣ .
فخرعمادالدین [طایفهٔ ...] : ١١٦ ، ١٨٤.
فخرعمادالدین [محال ...] = فخرعمادی : ٥٩ ، ٦١ ، ١٨٥ ، ١٨٦ ، ١٨٧ ، ١٩٠ ، ١٩٢ ، ٢٠٥ ، ٢٦٨ ، ٢٧٤ ، ٢٧٥ ، ٥٤٢ ، ٥٨٨ .
فخرالنسا خانم : ٣٦٩ .
فرسناکی : ١٢٩ .
فریچمن (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ٣٢٣ ، ٣٢٤ .
فریدون‌بیگ غلام (قورچی تفنگ) : ٤٧٠ .
فریدون خان : ٣٥ .
فسرك [قریهٔ ...] : ٢٧٢ .
فضل الکاظم [امامزاده ...] : ٢١ .
فضل‌الله‌خان [میرزا ...] : ١٥٤ .
فضل‌الله مجتهد استرابادی [سید ...] ، (از اولاد میر ابوطالب استرابادی) : ٥٥، ١٣٦ ، ١٤٣ ، ١٥٠ ، ١٥٤ ، ١٥٦ ، ١٥٧ ، ١٥٨ ، ١٦٠ ، ١٦١ ، ١٦٢ ، ١٦٤ ، ١٦٥ ، ١٦٦ ، ١٦٨ ، ١٦٩ ، ١٧٠ ، ١٧١ ، ١٧٢ ، ٢٢٩ ، ٢٦٤ .
فضل‌الله قاضی [سید ...] : ٢٦١ .
فضلعلی‌خان (حاکم مازندران) : ٥٥١ .
فغانعلی‌خان دولو : ٥٣٧ ، ٥٣٨ .
فلخورجه [قریهٔ ...] (؟) : ٢٧٧ .
فندرسك [محال ...] : ١٦ ، ٥٩ ، ٦٠ ، ٦١ ، ١٠٨ ، ١٢٥ ، ١٥١ ، ١٥٣ ، ٢٤٧ ، ٣٦٢ ، ٣٦٨ ، ٣٧٠ ، ٣٧٣ ، ٤١٨ ، ٤٢٠ .
فندرسك [قریهٔ ...] : ٦١ ، ٢٤٨ ، ٥٠٢ .
فندرسکی : ١٠٩ .
فوجرد [قریهٔ ...] : ٢٧٥ ، ٢٧٧ ، ٢٧٨ ، ٢٧٩ ، ٢٨٠ ، ٣٠٨ ، ٣٠٩ ، ٥٩٦ .
فوجرد خالصه [قریهٔ ...] : ٥٩٥ .
فولاد بن حاجی محمد صالح استرابادی

[حاجی ...] : ۳۹۸ ، ۳۹۹ .
فیرنگی : ۱۲۹ .
فیروزقند [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
فیض‌آباد : ۲۷۰ .
فیوج استراباد : ٤۹۳ .

ق

قاجار [ایل ...] = ایل قاجار : ۱۱٤، ۱۱۵، ۱۳۳ ، ٥٤۳ .
قاسمَ (کدخدای مصطفی خان قاجار دولو) : ٥۳٦
قاسم [کربلائی ...] ، (از رعایای آهنگر- محله) : ٥٥٦ .
قاسم بن جمال‌الدین استرابادی : ۲۹۱ ، ۳۰۰ .
قاسم بن علی نجفی : ۲۹۲ .
قاسم بن محمد سرخاب : ۲۹۳ .
قاسم بن ملك حسین استرابادی [حاجی ...]: ٥۸۸ .
قاسم‌بیگ بن خواجه مرشد : ۳۳۹ .
قاسم سماکی [امیر سید ...] : ۲۸٤ ، ۲۸۵.
قاسمعلی الوفنی [حاجی ...] : ۳۸۱ ، ۳۸٤.
قاسمعلی باغبان : ۳۰۰ .
قاسم کلعلائی [شیخ ...] : ۲۷۲ .
قاسم ولد کربلائی صالح (ساکن قلعه) : ٥۳۱ .
قاضی حسن : ٤۹۱ .
قاضی خان (شیخ‌الاسلام ولایت ری) : ۳٦٦.
قاضی رفیع : ۳٤۹ .
قاضی کفشگر [خواجه ...] : ۲۷٤ .
قاضی محله [قریهٔ ...] : ۲۷۵ ، ۲۷۸ .
قانچی [قریهٔ ...] ، ۱۲۹ ، ۱۵۱ .
قانچی محله [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
قراباغی [سواران ...] : ۱٤۲ .
قراچه منکوش [موضع ...] : ۲۸٦ .
قراقاج (از دهکده‌های بلوك فخرعمادی): ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
قراقاچك [قریهٔ ...] : ۲۷۳ .
قراکول (از دهکده‌های بلوك فخرعمادی): ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
قراموسی‌لوی قاجار [جماعت ...] : ۱۱۷ ، ٤٦۷ .
قرانقاج : ۲۷۲ ، ۲۷٤ .
قربان [کربلائی ...] : ۲۳۹ .
قربان علم شاهی [مشهدی ...] : ٥۸٤ .
قربانعلی (ساکن سنگ‌دوین) : ٥۳۱ .
قربانعلی [حاجی ...] : ٦۰ .
قربانعلی آقای قاجار : ۱٦۲ .
قربانعلی ورسنی [مشهدی ...] : ۲٤۰ .
قربانعلی ولد علیقلی : ٥٤٤ ، ٥٤۷ ، ٥٤۹ .
قرق‌رضای عطار (ازاراضی رامیان): ۳۳۷، ۳۳۹ .
قزانچائی [طایفهٔ ...] : ۱۸۲ .
قزل‌النگ [قریهٔ ...] : ۲۷٤ ، ۲۷۵ .
قزلق [مزرعهٔ ...] : ۳۵۵ .
قطب‌الدین احمد بتکچی : ۲۷۳ .
قلعه : ٥۳۲ ، ٥۳۳ ، ٥۳٤ ، ٥۳۹ .
قلعهٔ بوبك : ۳۵۵ .
قلعهٔ مبارکاباد : ٤٦۷ ، ٤٦۹ ، ٤۷٦ .
قلعهٔ میرزاخان : ٥۳۹ ، ٥٤۰ ، ٥٤۱ ، ٥٤۲.
قلندرمحله (از دهکده‌های سدن رستاق) :

۲٤۲ ، ۵۹۵ .
قلیجان‌بیگ‌بن محمدآقا قوانلو ینگی‌قاجار (کشیکچی‌باشی) : ٤۷٦ .
قلیج‌بیگ بن یوسف‌بیگ زنگنه (قورچی‌ـ زره) : ٤۷۱ .
قلیچی (از تیره‌های ساکن استراباد) : ۱۰۹، ۱۲۹ .
قنات باقرآباد : ٤۱٤ ، ٤۱۵ .
قنات بالمقطع : ٤۲۹ ، ٤۳٤ .
قنات بزرگ تلشبان (؟) : ۳۹۲ .
قنات‌بند : ٤۳٤ .
قنات تلیکی : ٤۳٤ .
قنات جدید : ۳۹۲ .
قنات حاجی محمد آقائی : ۵۸۱ .
قنات ذخیرةالعصا : ۳۹۱ .
قنات چشمه سرك (در قریهٔ مرز بانکلاته) : ٤۲۹ .
قنات حسنعلی تبلیکی : ٤۲۹ ، ٤۳۰ .
قنات دارونکهٔ کلوکن : ٤۱٤ ، ٤۱۵ .
قنات زمان : ۳۹۱ .
قنات سپردوزان : ۳٦۷ .
قنات شیراباد فندرسك : ٤۱۸ ، ٤۱۹ .
قنات عباسخانی : ٤٤٦ .
قنات عباسقلی‌بیگ : ٤۱٤ ، ٤۱۵ .
قنات محمد کمالك : ۳۳۷ .
قنات ملاابراهیم : ۳۹۱ .
قنات میرنقی : ۳۹۱ .
قنات‌نو : ٤۲۹ ، ٤۳۰ .
قنبرعلی‌سلطان علی آملی : ٤۸۵ ، ٤۹۰ .
قندهار : ۳٤ .
قنقرآباد (از دهکده‌های فندرسك) : ۲٤۹ ، ۳۷۳ .
قوام‌الدین بن عبدالله ترك : ۲۸۳ .
قورقانو [قریهٔ ...] : ۲۷۵ .
قوزلق [قریهٔ ...] : ۲۷٤ .
قوسون آقاج : ۲۷٤ .
قیصرآباد = قیصروال : ۵۹ ، ٦۰ ، ٦۱ .
قیصروال : ۵۹ .

ك

کارکنده [قریهٔ ...] : ۲۸٦ ، ۲۹۳ .
کاروانسرای آقاعلی درمحلهٔ میدان‌استراباد: ۵۷۸ .
کاروانسرای انار فروشان : ۳۸۱ ، ۳۸۳ .
کاریزالیاس بلاغ : ۲۷۹ .
کاریز امیر سید علی بن امیر شمس‌الـدین سماکی : ۲۸٤ .
کاریز رنگرز : ۲۸٤ ، ۲۸۵ .
کاریز سید حسام‌الدین : ۲۸۵ .
کاظم بن زکی‌الدین الحسینی : ۲٦۵ .
کاظم تمسکنی مرزن‌کلاتـه (از رعایـای آهنگر محله) : ۵۵٦ .
کافردوین (از دهکده‌های فخرعمـادی) · ٦۰ ، ٦۱ .
کامران میرزا [شاهزاده ...] : ۵۸۰ .
کبود جامهٔ استراباد [بلوك ...] : ۲٤ ، ۲٦۸ ، ۲٦۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲ .
کبود جامه [دستهٔ ...] : ۱۲۵ .
کتل‌وال : ۲۳۹ .
کتول [بلوك ...] : ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ٤٤٤ .
کسرائی محله (از دهکده‌های فخرعمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .

کرپان [قریهٔ ...] ، (از دهکده‌های بلوك نواحی) : ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۵۱ .
کرمان : ٤ .
کرمعلی (از رعایای آهنگر محله) : ٥٥٦
کسوان [قریهٔ ...] : ۲٦۲ .
کشته (از دهکده‌های استراباد) : ۲۰ .
کفتهٔ رامیان : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
کفشگیری [قریهٔ ...] : ۲۸۲ ، ٥٤۲ .
کلاتچهٔ شاهجان [قریهٔ ...] : ٥۷ .
کلاتهٔ بزرسکی [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
کلاتهٔمیر : ۲۷۲ .
کلاته نصری = کلاته نصیری (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۱۲ ، ۳۱۳ .
کلاته نصیری : ۲٦۳ .
کلاجان (طایفهٔ مازندرانی) : ۱۸۲ .
کلاجان (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۱۸۲ ، ۱۸۹ ، ۱۹۳ ، ۱۹۷ ، ٥۸۱ .
کلاسنگیان [قریهٔ ...] : ٥۸۲ .
کلباد (یك سامان استراباد) : ٤۷۸ .
کلبعلی‌خان : ۱۲۷ ، ۱۲۸ .
کلبعلی‌خان [حاجی ...] : ٥۳۹ .
کلبعلی‌خان سپاقلو : ٥۸۰ .
کلخون [قریهٔ ...] : ۲۷٦ ، ۲۷۷ .
کلعلا [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
کلو [قریهٔ ...] : ۲۷۷ ، ۲۸۲ .
کلوادره (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
کله‌چنار (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
کماس [قریهٔ ...] : ٥۹٦ .
کمال‌الدین‌بن سیدجمال‌الدین [امیرسید...]: ۲٦۲ .
کمال‌الدین‌بن میرروح‌الله‌الحسینی استرابادی [میر ...] : ٤۳۲ .
کمال‌الدین حسن بن محمد الحسینی : ۲۹۰.
کمال‌الدین حسین بن عبدالرحیم استرابادی (شیخ‌الاسلام استراباد) : ٥۱۳، ٥۱٤، ٥۱٦ ، ٥۱۷ ، ٥۱۹ ، ٥۲۱ .
کمال‌الدین حسین بن غیاث‌الدین بهرام : ۳۲۳ ، ۳۷۸ .
کمال‌الدین حسین حسینی : ۳۲٦ .
کمال‌الدین سرخ‌آبادی [امیر ...] : ۱۹ .
کمال‌الدین غریب (از دهکده‌های فخر ـ عمادی) : ۲۷٥ ، ۳۲۳ ، ۳۲٥ .
کمال‌الدین محسن استرابادی [امیر ...] : ۷ .
کمال‌الدین محمد بن میرغیاث‌الدین محمد: ٤۲٥ .
کمال‌الدین محمود [امیر ...] : ۳ ، ٤ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ٦٤ ، ٦٦ ، ٦۷ ، ٦۸ ، ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳٤٤ ، ۳٤٥ ، ۳٥۰ .
کمال‌الدین محمود افلاطون : ۲۷۳ .
کمال‌کرم : ۲۸٤ .
کمانگر محله : ٥۸۳ .
کناره (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
کنگرچی‌وال : ۲٦۲ .
کولك‌تپه : ۳٥۱ .
کوندی [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
کوه‌ارقنو : ۲۷۳ .
کوه‌انزان : ۲۸۷ ، ۲۹۳ .
کوه‌اياوه : ۲۷۰ .
کوه خالدینی : ۲۷۲ .

کوه سراگاه : ۲۷۱ .
کوه شاهملك : ۲۷۱ .
کوه فنجام : ۲۷۳ .
کوه‌کومل کوکچه غزل ابدال : ۲۷۲ .
کوه نردبان : ۵۹ .
کوه نورآباد : ۲۷۳ .
کهنه‌گز [اراضی ...] : ۲۸۷ .
کیله‌جوبن : ۲۸۶ ، ۲۹۳ .

گ

گاوانی محله (از دهکده‌های بلوك فخر ــ عمادی) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ ، ٥۸٤ .
گذر باغشاه (در شهر استراباد) : ٤٤۲ .
گذربنی‌کریم (از مضافات محلهٔ میــدان استراباد) : ۵۷۲ ، ۵۷۳ ، ۵۷۷ ، ۵۷۸ .
گذر سرپیر (در شهر استراباد) : ۵۷۰ .
گرایلی (یك سامان‌استراباد) : ٤۷۸ ، ٤۹۰ .
گرجی‌محله (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۱۸۹ ، ۱۹۳ ، ۱۹٦ ، ۱۹۸ .
گرزانکلاته = مواضع عبدالکریم : ٤۹۵ .
گرشاسف بن خواجه شرف‌الدین گــرشاسف [خواجه حاجی ...] : ۲۷۵ ، ۲۷۸ .
گرگان = جرجان : ۱٤۲ .
گرگان [شهرستان ...] : ۳۱۷ ، ۳٤۳ .
گرمابه‌سرای = گرماوه‌سرا : ۵۳ .
گرماوه‌سرا (از دهکده‌های استرابادرستاق) : ۲۷٦ ، ۲۷۸ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
گز (از دهکده‌های بلوك انزان) : ۲۸۷ ، ۲۹۳ ، ۲۹٤ .
گستهم‌بن خواجه مسیب‌کفشگیر : ۲۷٤ .
گشته (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
گلباغ امیر سید فخرالدین سماکی : ۲۸۵ .
گلبن (از دهکده‌های فخرعمادی) : ۲۰ ، ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
گلپان [قریهٔ ...] : ۲۷۵ .
گلدستهٔ مسجد جامع استراباد : ٤۰۵ ، ٤۰٦ .
گوکلان [جماعت ...] : ۵۲ ، ۱۲۵ ، ۲۰۲ .
گوهرخانم‌بنت عبدالله‌خان قاجار قراموسی‌لو: ۵۹٤ .
گیلانات : ٤ .
گیلان بیه‌پیش : ٦۱ ، ٦۲ .

ل

لامیلنگ [قریهٔ ...] : ۲۸۱ ، ۲۸۲ .
لطف‌الله [شیخ ...] ، (قاضی شهراستراباد) : ۳۲۱ ، ٤۰۱ .
لطفعلی‌خان : ۵۳ .
لطیف الحسینی ولد محمد زکی : ۳۸۵ .
لطیف شاه الحسینی [امیر سید ...] : ۳۰۸، ۳۰۹ ، ۳۱۳ .
لله‌پیشان : ۲۳۹ .
لله‌دوین سدن رستاق مشهور به‌رودی : ۵۵، ۵٦ ، ۵۷ ، ۲۰۱ ، ۲۳۸ ، ۲٤۰، ۲٤۲، ۲۸۱ .
لله‌فن = لله‌فین (ازدهکده‌های سدن‌رستاق) : ۲۰۲ ، ۲۸۱ ، ۵۹۵ .
لله‌فین : ۱۹۵ ، ۲۰۰ .
لمسك [قریهٔ ...] = لیمسك : ۵۹٤ .

لنجاباد [قریهٔ ...] : ۲۷۰ .
لوان [قریهٔ ...] = درودارگوران : ۲۸۶ ، ۲۹۳ .
لیاواتی [قریهٔ ...] : ۲۷۲ .
لیمسك = لمسك : ۲۸۱ .

م

مؤمن [شیخ ...] : ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۹ .
مؤمن [کربلائی ...] : ۵۸۱ .
مارانکلاته : ۵۸۳ ، ۵۸٤ .
مازندران [ولایت ...] : ۱۲۰ ، ۱۳۳ ، ۱۸۱ ، ۵۵۰ ، ۵۵۱ .
مازندرانات : ٤ .
مازندرانی [طایفهٔ ...] : ۱۸۳ .
مازو (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷ ، ۳۳۹ .
مازوستان (از دهکده‌های فندرسك) : ۳۷۳.
مبشر همایون (رئیس تلگرافخانهٔ مرکزی استراباد) : ۱٤۰ .
مجدالدین بن قوام‌الدین : ۲٦٦ .
مجیب‌آباد (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
محب علی بیگ فردوسی بیگ‌گرایلی : ۳٤۳ ، ٤۹۱ .
محراب‌خان بیگلربیگی استراباد : ٤۸۸ .
محسن [آقا ...] : ۵۳۵ ، ۵٤۲ .
محسن [حاجی سید ...] : ۳۰٤ .
محسن بیارجمندی : ۳۷۸ .
محسن الحسینی بن محمد هاشم : ۳۹۷ .
محسن موسوی [میر ...] ، (متولی قریهٔ
بهادر کلاته) : ۱۱۷ .
محلهٔ پای سرو (از محلات استراباد) = محلهٔ پاسرو : ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳٤٤ ، ۳٤۵ .
محلهٔ درب‌نو : ٤۱۲ .
محلهٔ سرپیر استراباد : ۵۷۰ .
محلهٔ کاسه‌گران استراباد : ۳۸۱ ، ۳۸۳ .
محلهٔ کوسان : ٤۸۱ .
محلهٔ میدان استراباد : ۲۳٦ ، ۲۳۷ ، ٤۹۷، ۵۷۲ ، ۵۷۳ .
محلهٔ میر [قریهٔ ...] : ۱۵۱ .
محلهٔ نعلبندان استراباد: ٤۱٤، ٤۱۵، ٤۱٦، ۵٦۲ .
محمد [سید ...] : ۳۹ .
محمد [سید ...] : ۱۵۷ .
محمد [کربلائی ...] : ۳۲۸ .
محمدآقا قوام‌الدین [آقا ...] : ۳۰٤
محمد آقای قاجار : ۵۲ .
محمد آقای کهنه‌لو : ۵٤۲ .
محمد ابراهیم : ۳۵۸ .
محمد ابراهیم آقا [کربلائی ...] : ۲۳۹
محمد ابراهیم بن زین‌العابدین النصر بن طوسی (وزیر و بیگلربیگی استراباد) : ۳۷۸ .
محمد ابراهیم‌خان : ۱۹۱ .
محمد ابراهیم خان سپانلو : ۵۳۹ .
محمد ابراهیم رنگ مخله‌ای مازندرانی : ٤۱۲ .
محمد ابراهیم کرباسی [حاجی ...] : ۱٦۵، ۱۷۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱۵ ، ۲۱۹ .
محمد اسماعیل [میرزا ...] : ۳٦۹ .

محمد اشرف الحسینی : ۳۲۵ .
محمد اشرف نقیب استراباد [میر ...] : ٤٨ .
محمد اشرفی [مـلا ...] : ۲۱۹ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ .
محمدامین [ملا ...] : ٤۳۱ .
محمد امین بسطامی [خواجه ...] : ۳٤۲ .
محمد امین بن ابراهیم رضوی : ۲۹۹ .
محمد امین بن امیر عماد انزانی : ۳۸۵ .
محمد امین الخادم الحسینی ابن عبدالوهاب: ۳٦۰ .
محمد امین شهیر به آقا ملا [امیر ...] : ۳۰۹ .
محمد امین صحبتی بسطامی : ۳٤۲ .
محمد امین موسوی : ۳۷۸ .
محمد انصاری استرابادی [شیخ ...] : ٥۰۱.
محمدالباقر علیه‌السلام [امام ...] : ۳۷۰ .
محمدباقر [سید ...] : ۲۱٤ .
محمدباقر [میرزا ...] ، (صدر خاصه شریفه ونایب صدرممالك محروسه) : ٥٨ ، ٦٦ .
محمد باقر بن حاجی گرشاسف استرابادی : ۲۹۱ .
محمدباقر بن عبدالقادر الحسینی : ۳۲٦ .
محمدباقربیگ (مهتر رکـابخانه ودواتدار سرکار عالی) : ٤٦۲ .
محمدباقرالحسینی : ۳۳٥ ، ۳۳٦ .
محمدباقر خراسانی : ۳۸۰ .
محمدباقر ستون [ملا . . .] : ۳۰٥ .
محمدباقر طالبان [میر . . .] : ۲۲ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ٤٤ .
محمدباقر مروی [ملا . . .] : ۳۰٦ .
محمدباقر منجم [ملا . . .] : ٤۰۰ .
محمدبن آقاکوچك‌بن آقاکاظم از طـایفهٔ بنی‌کریم [آقا . . .] : ٥۷٥ .
محمدبن امیرسیدرضی‌الدین[امیرسید . . .]: ۲٦۳ .
محمدبن امیر سید محمد روشنابادی [امیر سید . . .] : ۲۸٦ .
محمدبـن بـابـا عزیـز شهری نعلبندانـی [کربلائی ...] : ۳۲۲ .
محمدبن باباعلی : ۲۸٦ ، ۲۹۳ .
محمدبن تاج‌الدین معلم استرابادی : ۲۹۹ .
محمدبن حاجی قاسم [آقا . . .] : ٥۹۰ .
محمدبن حسنان : ۲۸٤ .
محمدبن حسن‌الحسینی : ۲۹۱ .
محمدبن حسین : ۲٦ .
محمدبن خواجه علاءالدین مسعود [خواجه حاجی . . .] : ۲۷٤ .
محمدبن خواجه علی بتکچی [خواجه . . .]: ۲۷۳ .
محمدبن شاه خواجه : ۲۸۳ .
محمدبن شیخ داود : ۲٦٥ .
محمدبن عباسعلی‌بن رضی‌الله : ۳۲۲ .
محمدبن عبدالقادربن عبدالوهـاب‌بن حسن هروی مدعو به‌نورقاضی : ۲۹۷ .
محمدبن عبدالله رسول اکرم = رسول‌الله = خاتم‌الانبیا = ختمی مرتبت : ۲٦۱ ، ۲۹۷ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۱۲ ، ۳۱۷ ، ۳۳۲ ، ۳۳۳ ، ۳۳۸ ، ۳٦۲ ، ۳۷۰ ، ۳۸۷ ، ۳۸۹ ، ٤۱۰ ، ٤۱۱ ، ٤٥۳ ، ٥۱۳ ، ٥۱۷ ، ٥٦٦ ، ٥٦۷ ، ٥۷۰ ، ٥۷٤ .

محمدبن عبدالله‌الحسینی : ۳۲۶ .
محمدبن عبدالله مجاور[حاجی. . .]: ۲۸۳.
محمدبن عبدالمجید استرابادی : ۲۹۰ ، ۲۹۹ .
محمدبن عزالدین طالب استرابادی : ۲۸۹ .
محمدبن علی بلاغ : ۲۷۹ .
محمدبن علی عقیلی : ۲۹۰ ، ۳۰۰ .
محمدبن قاسمعلی الوفنی : ۳۸۲ .
محمدبن قوام‌الدین حسینی : ۳۱۱ .
محمدبن محمد طاهر : ۳۸٤ .
محمدبن ملانصربن جعفرالحسینی : ۲۹۱ .
محمدبن مولانا لطف‌الله [مولانا . . .] : ۲۸۵ .
محمدبن یوسفعلی : ٤۰۰ .
محمدبیگ : ٤۸۰ ، ٤۸٤ .
محمدبیگ رایض عرب [شیخ . . .] ، (میرآخورباشی) : ٤٦٦ .
محمدبیگ سرکشیك ایل‌نوا : ۵۹ ، ٦۰ .
محمدبیگ قاجار قورچی‌باشی [میرزا ...]، (قراسوران‌کل بلوکات و احشامات استراباد) : ٤۷۷ .
محمدبیگ مقصودلو [میرزا . . .] ، (سرکرده و ریش‌سفید طایفهٔ مقصودلو)=
محمد خان : ۱۱٦ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ .
محمد پیشنماز [ملاآقا . . .] : ٤۰۰ .
محمدتقی‌بن استاد میرزابابا [شیخ . . .] : ٤۳۷ .
محمدتقی تیرگربن حیدربیگ استرابادی : ٤۹۲ .
محمدتقی [آقامیر . . .] : ۲۱۵ ، ۲۵۵ ، ۲۵۷ .
محمدتقی‌الحسینی : ٥٦٤ .
محمدتقی علیه‌السلام [امام . . .] : ۳۷۰ .
محمدتقی قره‌بیگی[حاجی‌ملا . . .] : ۱٦۸، ۱٦۹ ، ۱۷٦ ، ۱۷۹ .
محمد جعفر (از مراجع شرع) : ۲۲۷ .
محمد جعفربن یوسف‌البکائی : ۳٤۰ .
محمد جعفربیگ یساول صحبت : ٦۱ .
محمد جعفرالحسینی شیرنگی : ٥٤ .
محمد جعفر منشی [میرزا . . .] : ٤۸۰ ، ٤۸۲ ، ٤۸۳ .
محمد حاجیلری استرابادی : ۳٤۱ .
محمد حسن : ٥٤٥ ، ٥٤۷ .
محمد حسن [حاجی . . .] ، (ملازم‌کامران میرزا) : ٥۸۰ .
محمد حسن آقا قاجار : ۱۱٤ ، ۱۱٥ .
محمد حسن‌خان قاجار : ۱۳۲ .
محمد حسن مفیدی [حاجی‌آقا . . .] ، (از سادات بنی‌مفید) : ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸.
محمد حسن موسوی [آقا . . .] : ۲۳۷ ، ۳۰۷ .
محمد حسن‌میرزا (صاحب‌اختیار ولایت مازندران و استراباد) : ۱۲۰ .
محمد حسن ولد قاسم : ٥۳۲ ، ٥٤٤ .
محمد حسین : ۲۳۹ .
محمد حسین : ٥٤٥ .
محمد حسین (نمایندهٔ استراباد) : ۱٤۰ .
محمد حسین استرابادی [حاجی شیخ . . .]: ۲٥۲ ، ۳٤۲ .
محمد حسین‌بیگ : ۱٥٤ .
محمد حسین‌جعفر (از رعایای آهنگرمحله): ٥٥٦ .

محمد حسین‌خان قاجار بیگلربیگی : ۳۱۸ ، ۳۴۵ .
محمدحسین ساوری : ۳۸۶ .
محمدحسین شیخ‌الاسلام [آقا . . .] : ۵۴۴، ۵۴۶ ، ۵۴۸ .
محمدحسین‌کتولی‌الاصل [مشهدی . . .] : ۴۴۴ .
محمدحسین ملاحسن استرابادی : ۳۳۵ .
محمد حسین ملك ایمانی [آقا . . .] ، (سرکشیك زیادلو) : ۵۸۳ ، ۵۸٤ .
محمدحسین موسوی : ٤۰٤ .
محمدحسین ولد حاجی‌کله : ۵۳۲ ، ۵۳٤ .
محمدحسین ولد میرزاکافردوینی : ٤۳٦ .
محمدالحسینی : ۱٤۰ .
محمدالحسینی [آقا . . .] : ۳٤۹ .
محمدخان : ٤۸ ، ۵۹ ، ٦۰ ، ۵٤۷ .
محمدخان آسایش‌اغلی : ۱۰ ، ۱۱ .
محمد خـان‌بیگ (سرکرده و ریش سفید مقصودلو) : ۱۱٦ .
محمدخان قاجار [آقا . . .] : ٤۰۷ .
محمدخان مقصودلو [میرزا ...] : ۱۱٦ ، ۱٤۰ ، ۱٤۱ ، ۱٤٤ ، ۱٤۵ ، ۱٤٦ ، ۱٤۷ ، ۱۷۷ .
محمد خلیفه ذوالقدر : ۳٤ .
محمد درزی‌بن علی : ۲۸۵ .
محمد دنگلانی : ۳۰۷ ، ۳۰۸ .
محمد رحیم بن کربلائی کریم [ملا ...] : ۵۷۸ .
محمد رحیم بن مؤمن عقیلی [میرزا ...] : ۳۸۰ .
محمد رحیم خان : ۵۲٤ .
محمد رحیم یوزباشی : ۱۸۷ .
محمدرضا [آقا ...] : ۵٤۵ .
محمدرضا [ملا ...] = حاجی ملارضا: ۱۹۱، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۳ ، ۲۲٦ ، ۵٦۰ .
محمدرضا [میر ...] ، (مستوفی) : ۱٦۷ .
محمدرضا آقا شامبیاتی : ۵٤۰ .
محمدرضا بن عبدالله : ۳۳۵ .
محمدرضا الحسینی استرابـادی : ۳٤۷ ، ٤۳۹ .
محمدرضا خان قوانلوی قاجار [حاجی ...]: ٤۳۸ .
محمدرضا رئیس شهید [آقا ملا ...] : ۵۸۲.
محمدرضا طبیب الحسینی : ٤۲۷ .
محمد رضی بن کربلائی سردار علم شاهی : ۵۸۳ .
محمد رفیع [ملا ...] : ۳٤۹ .
محمد رفیع [میرزا ...] ، (وزیر): ٤۵۵ .
محمد زکی : ۳۱۰ .
محمد زمان بن ابراهیم (کلانتر جماعت‌فیوج استراباد) : ٤۹۳ .
محمد زمان‌بیگ بن گرگین‌بیگ (قورچی شمشیر) : ٤۷۲ ، ٤۸۷ .
محمد زمان خان (حاکم استراباد) : ۱۳۲ .
محمد زمان مفیدی [آقا ...] ، (از سادات بنی‌مفید) : ۱۹۷ .
محمد سعید : ۵٤٤ ، ۵٤۷ .
محمد شاه قاجار (۱۲٦٤ ـ ۱۲۵۰) : ۱٤۰، ۱٤۱ ، ۱٤۲ ، ۱٤۳ ، ۱٤٤ ، ۱٤۵ ، ۱٤۷ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱٦۰ ، ۱٦٤ ، ۱٦۵ ، ۱٦٦ ، ۱۷۱ ، ۵۵۰ .
محمد شریف بن ابراهیم الحسینی استرابادی:

۵۶ ، ۵۷ ، ۳۳۵ ، ۴۲۸ .
محمد شریف بن کربلائی سردار علم شاهی : ۵۸۳ .
محمد شریف السنائی [کمال‌الدین ...] : ۲۶۴ .
محمد شفیع [حاجی ...] : ۴۰۰ .
محمد شفیع بن آخوند ملا اسماعیل زیارتی [کربلائی ...] : ۴۱۰ ، ۴۱۱ ، ۴۱۲، ۴۱۳ .
محمد شفیع [میرزا ...] ، (صاحب توجیه) : ۴۵۸ .
محمد شفیع‌بن‌امیرعلی‌المفضل خادم‌الحسینی: ۳۵۶ ، ۳۵۹ .
محمد شفیع هزار جریبی : ۳۲۸ .
محمد صادق الحسینی الاسترابادی : ۳۲۹ .
محمد صادق خان : ۱۸۲ .
محمد صادق عقیلی [آقا ...] : ۲۲۶ ، ۲۳۶.
محمد صالح (ساکن قلعه) : ۵۳۱ .
محمد صالح [شیخ ...] ، (از اولاد شیخ مؤمن) : ۲۳ ، ۵۸ .
محمد صالح استرابادی [حاجی ...] : ۳۹۸، ۳۹۹ .
محمد صالح بن حاجی ملامحمدتقی [آقا شیخ ...] : ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۳۰۴ .
محمد صالح بن میر کمال‌الدین محمود [میر ...] : ۶۴ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۴۲۶ ، ۴۲۷ ، ۴۲۸ .
محمد صالح بهرام : ۴۲۸ .
محمد صالح ساوری : ۳۸۶ .
محمدطاهر مجتهد استرابادی[حاجی‌سید...]: ۱۹۵ ، ۲۰۴ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ .
محمد طبیب بن میرزا محمد طاهر وزیر [میرزا ...] : ۴۶۱ .
محمد الطبیب الفارسی ابن محمود : ۲۶۵ ، ۳۹۹ .
محمد علی (از رعایای آهنگر محله) : ۵۵۶ .
محمدعلی (از رعایای عثمان‌کلاته) : ۵۵۵.
محمدعلی (رئیس کابینه) : ۱۴۰ .
محمد علی [سید...]، (از سادات بنی‌مفید): ۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۶ ، ۱۸۷ ، ۲۲۴ .
محمدعلی (ساکن رستم‌کلاته) : ۵۵۶ .
محمدعلی [میرزا ...] ، (یکی از موقوف علیهم قریهٔ چوپلانی) : ۴۳۴ .
محمد علی آهنگر [اوستاد ...] : ۳۱۸ ، ۳۴۵ .
محمدعلی استرابادی : ۳۸۰ .
محمدعلی اشرفی [ملا ...] = حاجی ملا محمد اشرفی = شریعتمدار اشرفی : ۱۶۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۴۰۶ .
محمدعلی الاصفهانی : ۳۵۸ .
محمد علی بن گل علی بن جعفر : ۳۳۵ .
محمد علی الحسینی [میر ...] : ۴۴۳ ، ۴۴۴ .
محمد علی خان (از رعایای ساکن عثمان‌کلاته) : ۵۵۶ .
محمد علی خان عزالدینلوی قاجار : ۴۳۲ .
محمد علی خان کلانتر : ۲۰۸ .
محمد علی شاه قاجار (۱۳۲۷ ــ ۱۳۲۴) : ۲۰۶ ، ۲۰۷ .

محمد علی کرمنی [ملا ...] : ۲٤۸ .
محمد علی معلم : ۳۳۵ .
محمد علی نوکندی : ۳۸٦ .
محمد علی ولد ساروخان : ۵۳۲ ، ۵٤٤ .
محمد علی ولد کلبعلی (ساکن قلعه) : ۵۳۱، ۵۳۲ ، ۵٤٤ .
محمد علی هروی [میرزا ...] : ۲۵۵ .
محمد فاضل بن شیخ ابوجعفر الخادم : ۳٦۰.
محمد قاسم [حاجی ...] : ۵۹۰ .
محمد قاسم بن حکیم ابراهیم استرابادی : ٤٦۲ .
محمد قاسم بن عیسی الحسینی : ۵٤ .
محمد قاسم‌بیگ بن امیرخان عزالدینلو : ٤۲۹ .
محمد قلی بیگ : ٤۸۲ .
محمد قلی خان کهنه‌لو : ۵٤۰ .
محمد قلی دولو : ۵۲۸ .
محمد قلی قاجار شامبیاتلو : ۱۰۵ .
محمد قلی میرزا ملک‌آرا (صاحب اختیار ولایت استرابادمازندران) = ملک‌آرا= شاهزاده ملک‌آرا : ۱۰۷ ، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳ ، ۱۱٤ ، ۱۲۱ ، ۱۲٤ ، ۱۲٦ ، ۱۲۷ ، ۱۳۳ ، ۱٦۱ ، ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۵۲۷ ، ۵۳۵ ، ۵۸۵ .
محمد قلی ولد تیمورخان : ۵٤۵ ، ۵٤۷ .
محمد کاظم [شیخ ...] : ۵٦٤ .
محمد کاظم (از احفاد درویش حسین خادم امامزاده عبدالله) : ۱۸٦ .
محمد کاظم حاجی آبادی [حاجی ...] : ۳۰۵ ، ۵۸٤ .
محمد کاظم الموسوی : ٤۰٤ .
محمد کرد [آقا ...] : ۵٤۷ .
محمد کمانگر محله‌ای [ملا میرزا ...] : ۵۸۳ ، ۵۸٤ .
محمد مؤمن پیشنماز [ملا ...] : ۳۲۱ .
محمد مؤمن حسینی [میر ...] ، (مستوفی): ٤۵٦ .
محمد مؤمن عقیلی [میر ...] : ۳۷۹ .
محمد مجتهد [ملاآقا ...] : ۳۰۵ .
محمد محسن (شیخ‌الاسلام استراباد) : ۱۰۷.
محمد محسن (مشرف بیوتات و اصطبل و شتر خان سرکار عالی) : ٤٦۳ .
محمد محسن شهری [آقا ...] : ۵۷۳ .
محمد معصوم بن خواجه مرشد : ۳۳۹ .
محمد مفیدی [حاج سید ...] : ۲٦۷ .
محمد مقیم : ۳۸٦ .
محمد مقیم [آقا شیخ ...] : ۵٦٤ .
محمد مقیم‌استرابادی[میرزا...]، (اوارجه‌نویس) : ٤۵۹ .
محمد مقیم بن میر عبدالله [میر ...] : ۵۲۱، ۵۲۲ ، ۵۲۳ .
محمد الموسوی : ٤۰٤ .
محمد موسوی استرابادی [سید ...] : ۵۰ .
محمد موسوی‌بن سیدمحمدباقر [آقا سید...]: ۳۰٤ .
محمد مهدی : ۵٤۵ ، ۵٤۷ .
محمد مهدی [حاج ...] : ۲٤۳ .
محمد مهدی اصفهانی [آقا ...] ، (پسر شریعتمدار حاجی محمد ابراهیم) : ۲۱۳ ، ۲۱٤ ، ۲۱۵ ، ۲۱٦ ، ۲۱۷ ، ۲۱۸ ، ۲۲۰ ، ۲۲٦ ، ۲۲۹ ، ۲۰۳ .
محمد مهدی الحسینی : ۲۵۰ ، ۳۱۰ ، ۵۸۲.

محمد مهدی الخادم ابن محمد مؤمن : ۳۶۰.
محمد مهدی صاحب‌الزمان علیه‌السلام : ۳۷۰ .
محمدمهدی صدرممالک‌محروسه [میرزا...]: ۲۷ ، ۳۰ .
محمد مهدی موسوی : ۲۳۷ .
محمد میرزا نجفی استرابادی [سلطان ...]: ۱۳۷ .
محمد ناتلی [میرزا ...] : ۲٤ .
محمد ناصرخان (حاکم استراباد) : ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶٤ ، ۱۶۵ ، ۵۵۳ .
محمدالنامنی : ۲۶۶ .
محمد نبی نوکندی [ملا ...] : ۳۰۶ .
محمد نجفی [میر ...] : ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ .
محمدنصرآبادی [آخوند ملا ...] : ۳۰۶ .
محمد نظام فارسکی : ۲۹۰ .
محمد نعیم‌بن محمدمؤمن عقیلی [میرزا ..]: ۳۸۰ .
محمد ورسنی [کربلائی ...] : ۲٤۰ .
محمد وزیر [آقامیرزا ...] : ٤٤۱ .
محمدولی (از رعایای آهنگر محله) : ۵۵۶.
محمدولی [آقاملا ...] : ۵۶۳ .
محمدولی آقای شامبیاتی : ۵۳۹ .
محمدولی کرد محلی [ملا ...] : ۳۰۵ .
محمد ولی مرزبانکلاته [حاجی ...] : ۳۲۷.
محمدولی میرزا : ۱۷۸ .
محمد ویردی آقای کهنه‌لو : ۵٤۰ .
محمد هادی : ۳٤۸ ، ۳۵۹ .
محمد هادی [آخوند ملا ...] : ۲٤۹ .
محمد هادی بن کربلائی محمد ابراهیم استرابادی : ۵۸۸ .
محمد هاشم بن محمد هادی : ۳۵۸ .
محمد هزار جریبی [ملا ...] : ۳۰۸ .
محمدی‌بیگ : ٤۸۹ .
محمدی پروانچی : ۲۹۸ .
محمد یحیی الخادم الحسینی : ۳۶۰ .
محمد یوسف‌بیگ (توشمال مطبخ سرکار-عالی) : ۳۸۹ ، ۳۹۰ ، ٤۶۵ .
محمد یوسف عقیلی : ٤۲۸ .
محمود [ملامیرزا ...] ، (قاضی وناظم‌مهام شرعی استراباد) : ۱۳۷ .
محمود افلاطون [خواجه ...] : ۲۷۰ .
محمود بن آقا محمد علی بن آقا محمدباقر [آقا ...] : ۲۱۸ .
محمود بن رستمعلی : ۵۰۱ .
محمود بن محمد الحسینی [کمال‌الدین ...]: ۲۶۵ .
محمود خان دولوی قاجار : ٤۰۵ ، ٤۰۶ .
مدارس استراباد : ۲۹۶ .
مدرسهٔ دارالشفا = مدرسهٔ شفائیه : ۱۳۸ ، ۲۲۷ .
مدرسهٔ عمادیهٔ استراباد : ۳۷۹ .
مدرسهٔ محلهٔ‌کاسه‌گران : ۳۸۹ ، ۳۹۲ .
مراد کفشگیری [حاجی...] : ۵۸٤ .
مرتضی [سید ...] ، (از اولاد میرابوطالب استرابادی) : ۵۵ ، ۳۲۰ .
مرتضی [میر ...] : ۱۸ .
مرتضی بن سید محمد [سید ...] : ۲۸٤ .
مرتضی قلی [ملا ...] : ۳٤۹ .
مرتضی قلی‌خان‌پرناك (حاکم وامیر الامرای استراباد و دامغان و بسطام و هزار-

جریب) : ۵۱۴ .
مرتضی مرزبانکلاته [کربلائی ...] : ۳۲۷ .
مرزانجوی [قریهٔ ...] : ۲۷۵ .
مرزانکلاته : ۴۴۳ .
مرزبانکلاته (ازدهکده‌های استرابادرستاق) : ۲۳۰ ، ۲۳۳ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۴۴ ، ۲۷۶ ، ۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۴۲۹ ، ۴۳۰ ، ۴۴۴ .
مرزبانکلاتهٔ جنوبی : ۲۳۰ .
مرزلانه‌چنار : ۲۸۲ .
مرزنکلائی [اربابان ...] : ۱۸۷ .
مرشد قلی بن خواجه سفیان [خواجه ...] : ۳۳۷ ، ۳۳۹ ، ۳۴۱ .
مزرعهٔ حسن کیاسیاه‌بال : ۲۸۲ .
مزرعهٔ دوستعلی کل : ۲۴۲ .
مزرعهٔ عبدالغنی (ازاراضی استرابادرستاق) : ۳۸۹ ، ۳۹۱ .
مزرعهٔ عبدالمؤمن : ۳۹۰ .
مسجد بزرگ بنی‌کریم در استراباد : ۵۷۴ ، ۵۷۵ ، ۵۷۸ .
مسجد جامع استراباد : ۱۴۳ ، ۳۳۲ ، ۳۳۳، ۳۳۴ ، ۴۱۶ ، ۵۶۳ .
مسجد روشن‌آباد (متصل به‌گنبد مزار) : ۲۶۳ .
مسجد قریهٔ مرزبانکلاته : ۲۳۴ .
مسجدکوچك بنی‌کریم در استراباد : ۵۷۸ .
مسعود السلطان : ۵۵۷ .
مسلم بن عقیل : ۵۷۴ .
مسله‌وار (؟) [قریهٔ ...] : ۱۵۱ .
مسیب افلاطون [خواجه ...] : ۲۷۲ .
مسیب کفشگر [خواجه ...] : ۲۷۴ .
مشتنك‌قطب‌الدین (ازمواضع‌استرابادرستاق) : ۳۲۴ .
مشهدی قلی‌بیگ (ریش‌سفید غـازیان ـ ینگچری‌نرلو) : ۴۹۴ .
مشهد مقدس : ۳۷۵ ، ۳۸۹ ، ۴۹۱ .
مشهدی محله [قریهٔ ...] : ۲۷۵ ، ۲۸۰ .
مشیرالسلطنه (وزیر اعظم) : ۲۰۶ .
مصطفی [حاجی آقا سید ...] : ۳۰۶ .
مصطفی بن آقـا محمد رفیع استرابـادی [آقا ...] : ۴۰۰ .
مصطفی بیگ بن برجعلـی بیگ روملـو (قورچی ترکش) : ۴۶۹ .
مصطفی‌خان استرابادی: ۵۳۵ ، ۵۳۶ ، ۵۳۷، ۵۳۸ ، ۵۳۹ ، ۵۴۰ ، ۵۴۱ ، ۵۴۲ .
مصطفی خان قاجار دولو : ۵۳۷ .
مصطفی العقیلی [حاجی سید ...] : ۲۴۸ ، ۳۱۱ .
مطلب خان (حاکم دامغان) : ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ .
مظفر (ازمتولیان امامزاده عبدالله) : ۱۰۴
مظفر بتکچی بن فخرالدین [خواجه ...] : ۱۰ ، ۲۶۸ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸ .
مظفر کفشگر [خواجه ...] : ۲۷۴ .
مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۲۴ ـ ۱۳۱۳) : ۲۰۲ ، ۲۰۴ .
معصوم ابری [خواجه ...] : ۳۴۲ .
معصوم علم شاهی : ۵۸۴ .
معصومعلی (از رعایای آهنگر محله) : ۵۵۶.
معین بن خصال‌الدین الحسینی : ۲۹۷ .
مفتوکلاته (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۲۷۷ ، ۳۹۰ .

مفید [سید ...] ، (از اولاد میرابوطالب استرابادی) : ۵۵ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۸ ، ۱۲۶ ، ۱۳۳ ، ۱۳۵ ، ۱٤۹ ، ۳۲۰ ، ۳۳۱ ، ٤۰۳ .
مقصودلو [طایفهٔ ...] : ۱۱٦ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱٤۰ ، ۱٤۱ ، ۱٤٥ ، ۱٤۷ ، ۱٤۸ ، ۱٥۹ ، ۱۷۷ ، ۱۸٤ .
مقیم [حاجی میرزا...]، (محاسب سلیمان خان و لشکرنویس دیوان اعلی) : ۱٦۷ ، ۲٤۲ .
ملاآقا باباپلنگ : ۳۰۷ .
ملاآقامحمد [آقا ...] : ٥٦۳ .
ملاعیدی : ٤٤۱ .
ملایر : ٥۲۱ .
ملک‌ابدال کفشگیری : ٥۸٤ .
ملک ابراهیم بن ملک قاسم نالینی : ۲۸۲ .
ملک‌ابراهیم شاه‌ویردی : ۳۲۷ .
ملک‌احمد ولد ملک محمد زمان رامیان : ۳٤۱ .
ملک‌اصغر بن ملک‌محمد علی استرابادی : ٥۸٥ ، ٥۸٦ ، ٥۹۱ ، ٥۹۲ .
ملک‌ایمانی کفشگیری : ٥۸۳ ، ٥۸٤ .
ملک‌تقی بن ملک محمد حسین استرابادی : ٥۹۱ ، ٥۹۲ .
ملک حسن بن ابوالحسن سماك [حاجی ...]: ۲۹۰ .
ملک حسن ناتلی : ۲٤ .
ملک رستم بابلی : ۳٤۱ .
ملک سلطان بابلی : ۳٤۱ .
ملک شاهقدم میان بلوکی : ٥۰۰ .
ملک شهاب‌الدین بن ملک محمد بن ملک شهاب‌الدین نوشیروان : ۲٦۲ .
ملک شهاب‌الدین نوشیروان : ۲٦۲ .
ملک عباس یوزباشی غلامان استرابادی : ٥٥۳ .
ملک غلامرضا بن ملک کاظم استرابادی : ٥۹۱ ، ٥۹۲ .
ملک فرامرز هزار جریبی : ۲۸٥ .
ملک قربان‌گیل : ٤۲٥ .
ملک کاظم (متصرف ملک چوپلانی ومیر محله) : ۱۷۱ .
ملک محمد بن ملک شهاب‌الدین نوشیروان : ۲٦۲ .
ملک محمدخان الوستانی : ۳۲۷ .
ملک محمد رودیانی : ۲۷۷ .
ملک محمد علی سنگ‌دوین : ۳۲۷ .
ملک محمد کوهی : ٤۲٥ .
ملیارستان اسکندر بن جلال : ۲۸۳ .
ملیارستان حسین بن کمال : ۲۸۳ .
ملیارستان حمید حسنان : ۲۸٤ .
ملیارستان درویش قبول : ۲۷۸ .
ملیارستان رنگرز : ۲۸٥ .
ملیارستان سید شاهمیر : ۲۸۲ .
ملیارستان سید نعمت‌الله لامیلنگی : ۲۸٤ .
ملیارستان فخرالدین زرگر : ۲۷۸ .
ملیارستان نورالدین زرگر : ۲۷۸ .
منشی‌الممالك : ۱٥۸ .
منصور بتکچی [خواجه ...] : ۲۷۰ .
منگلی سلطان : ٤۹۰ .
مواضع عبدالکریم = گرزانکلاته : ٤۹٥ .
مورجاباد [قریهٔ ...] : ۲۷۱ ، ۲۷٥ .
موسی‌آقای قوانلو : ٥۳٥ .

موسی الحسینی الاسترابادی [آقا سید ...] (ازسادات درازگیسو) : ۱۲٤ ، ۱٤۳، ۱٤٤ ، ۱۷۹ ، ۲۱۳ ، ۲۲۰ ، ۲۲٤ ، ۲۲٦ ، ۲۵۵ ، ۲۵۷ .
موسی الخادم الحسینی : ۳۵۹ .
مولاعلی اسفندیار : ۳۲۷ .
مهتر شاه بن علیشاه یامچی : ۲۸۳ .
مهدی [آقا ...] : ۵٤۹ .
مهدی [سید ...]، (برادرآقا سید فضل‌الله) : ۱۵۸ ، ۱٦۵ ، ۱٦٦ ، ۱٦۷ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷٦ .
مهدی [کربلائی ...] ، (ازرعایای آهنگرـ محله) : ۵۵٦ .
مهدی استرابادی [سید ...] : ۱۵۷ ، ۵۵۲ .
مهدی بن اسماعیل : ۳۸٦ .
مهدی بن جعفر [کربلائی ...] : ۵۷۷ ، ۵۷۸ .
مهدی بن خواجه اسد ابری بسطامی [خواجه ...] : ۳٤۲ .
مهدی‌خان‌آقا : ۵۲٤ .
مهدی قلی‌خان قاجار (بیگلربیگی‌استراباد) : ۱۱۷ ، ۱۱۹ ، ۵۳۰ ، ۵۳۳ .
میان‌آباد (از دهکده‌های فخر عمادی) : ۵۸۸ .
میدان شور استراباد : ۳۸۱ ، ۳۸۳ .
میرحاجی آقای کهنه‌لو : ۵٤۲ .
میرزابیگ الحسینی : ۳۲٦ .
میرزابیگ موسوی‌فندرسکی (نقیب) : ۱۵۰، ۲٤۷ ، ۳٦۲ ، ۳٦٦ ، ۳٦۹ ، ۳۷۲ ، ۳۸٦ .
میرزا جان متولی دامغانی : ۵۰۵ .
میرزا خان بن قاسمعلی الوفنی : ۳۸۲ .
میرزا شاه‌بیگ : ٤۲٦ ، ٤۲۷ .
میرزا علیرضا (شیخ‌الاسلام دارالسلطنهٔ ـ اصفهان) : ۳٦٦ .
میرزا کاظم (شیخ‌الاسلام مازندران) : ۳۷۸.
میرزا ولی (عموی سیدآقا بزرگ) : ۱۹۹.
میرسمرقندی : ۲۹۹ .
میرقنبر [مزرعهٔ ...] ، (از بلوك نواحی) : ۵۱ .
میرکلان استرابادی : ۲۱ .
میرمؤمن [آقا ...] : ۲۱ .
میر محله [قریهٔ ...] = میرومحله : ۱۲٤ ، ۱۳٦ ، ۱۳۷ ، ۱٤۳ ، ۱٤٤ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱٦۲ ، ۱٦٤ ، ۱٦۵ ، ۱٦۷ ، ۱٦۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۹ ، ۲۱۳ ، ۲۱۵ ، ۲۱٦ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲٤ ، ۲۲٦ ، ۲۲۷ ، ۲۳٤ ، ۲۵۷ ، ۳٤٤ ، ۳٤۵ ، ۵۵۳ .
میرمیران : ٤۲٦ .
میرمیران استرابادی : ٦٤ ، ٦۵ ، ٦۷ ، ٦۸ .
میرنظام علی : ٤۸۹ .
میرومحله = میرمحله (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۲۰ ، ۵۳ ، ۵٤ ، ۱٦۰، ۱٦٦، ۱٦۷، ۲۲۳، ۳۱۷، ۳۱۸.

ن

نادر مسلم گرائیلی : ۳٤۳ .
نارمك = نارمکی [مزرعهٔ ...] : ۲۹ .

نارمکی : ۲۲ .
ناصرالدین بن علی : ۲۶۶ .
ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ – ۱۲۶٤) : ۱۷۷ ، ۱۸۳ ، ۱۸٤ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۰ ، ۱۹٤ ، ۱۹۵ ، ۱۹۸ ، ۵۵۳ .
ناصرالدین محمد بن خواجه قاضی کفشگر: ۲۷٤ .
ناصرالدین محمد سیاوشکی [خواجه ...] : ۲۷۰ .
ناصر مسیح : ۵۳ .
نامن [قریهٔ ...] : ۲۶۲ .
نجف خان مشهدی [میرزا ...] ، (مشرف بیوتات و اصطبل و شترخان سرکار عالی) : ٤۶۳ .
نجف ورسنی [مشهدی ...] : ۲٤۰ .
نجفی کلاته : ۲۷۷ .
نجم‌الدین [آقا سید ...] : ۵۶۵ .
نرگس چال (از دهکده‌های رامیان) : ۳۳۷، ۳۳۹ .
نسرکان (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳۵۰ .
نسك [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
نسکران [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
نسی‌دیر [قریهٔ ...] : ۲۶۹ .
نسیم‌الدین بن محمد بن جمال‌الدین : ۲۹۷ .
نشان [قریهٔ ...] : ۲۷۱ .
نصرالله الحسینی : ۲۱۵ ، ۲۲۰ .
نصرالسلطنه (امیرتومان وحکمران استراباد) : ۱۹۳ ، ۱۹۵ .
نصیرالقاضی الانصاری [شیخ‌ملا...] : ۳٤۸.
نظام بن ابوتراب نیشابوری : ۲۹۰ .
نظام الحسینی : ۲۹۸ .
نظام‌الدین : ۲۹۲ .
نظام‌الدین احمد الحسینی [امیر ...]: ۵ ، ۶ ، ۸ ، ۳۲۶ .
نظام‌الدین بن جمال‌الدین : ۲۹۱ .
نظام‌الدین شیخ باباعلی : ۲۷۶ .
نظام‌الدین عبدالحق اشرف [امیر سید ...] : ۲۶۲ .
نظام‌الدین علی : ۳۲۶ .
نظام‌الدین محب : ۲۶۵ .
نظام‌الدین محمدباقر [امیر ...] ، (از اولاد سید محمد نجفی) : ۵۶ .
نظام‌الدین محمود انصاری [شیخ ...] : ۳۳۲ ، ۳۳۳ .
نظام‌الدین‌محمودبتکچی ولدخواجه‌فخرالدین احمد : ۲۷۱ .
نظام‌الدین المفضل الحسینی ابن خلیل‌الله الخادم : ۳۵۸ .
نظر الك (الك نام طایفه است) : ۳٤۱ .
نظرخان آقا یوزباشی : ۵۷۰ .
نظرکربلائی‌یوسف ساکن قریهٔ دو دانگه : ۳۲۷ .
نعمت‌الله‌بن سید شمس‌الدین لامیلنگی [سید ...] : ۲۸۳ ، ۲۸٤ ، ۲۸۵ .
نفطو (از دهکده‌های استراباد رستاق) : ۳۲۳ ، ۳۲٤ .
نقدعلی‌خان‌کتول : ۵٤۲ .
نقیب‌آباد [قریهٔ . . .] : ۲۸۱ .
نواحی [بلوك . . .] : ۲۶۸ .
نوچمن [قریهٔ . . .] : ۶۵ ، ۶۸ .
نوح علیه‌السلام : ۳ .

نودرك چشمه : ٤٣٤ .
نوده [قريهٔ . . .] : ٢٧٦ ، ٢٧٨ ، ٢٧٩ ، ٢٨٠ .
نوده بزرگ [قريهٔ . . .] : ١٥١ .
نوده سابق‌آباد : ٢٧٥ ، ٢٧٨ .
نوده علوی‌کلاته [قريهٔ . . .] : ٢٧٥ .
نوده‌کوچك : ١٥١ .
نوده ميرزا اسماعيل‌خان : ١٠٩ .
نوديجه [قريهٔ . . .] : ٢٨٦ .
نوذربن‌نظام‌الدين مسيح باباعلی[امير . . .]: ٢٧٦ ، ٢٧٨ .
نورآباد [قريهٔ . . .] : ٢٧٠ .
نورالدين عبدالصمدبن‌كمال‌الدين عبدالعلی: ٣١٣ .
نورالدين محمد[ميرزا . . .] ، (دخترزادهٔ ميرزا ابراهيم استرابادی) : ٦٥، ٦٧، ٦٨ .
نور محمد [كربلائی . . .] : ١٤٩ .
نور محمدبيگ (غلام و ضابط ساری) : ٥٢٩ .
نورمحمد تخشی‌محله‌ای [مشهدی . . .] : ٢٣٩ .
نوروزبيگ ينگچری (علمدار) : ٤٦٨ .
نورالهدی [شيخ . . .] : ٥١٩ .
نوزر (معمولا با ذال می‌نويسند) : ٢٩٠ .
نوشاباد [قريهٔ . . .] : ٥٣٩ ، ٥٨٠ ، ٥٩٧ .
نوكر استرابادی : ٥٥٤ .
نوكنده [قريهٔ . . .] : ٢٨٦ ، ٢٨٧ ، ٢٩٣.
نومل (از دهكده‌های استراباد رستاق) : ٣٥٤ ، ٣٥٥ ، ٣٩١ ، ٣٩٧ .
نهربند قوچانی=بند قوچانی : ٤٤٣ ، ٤٤٥.
نهر پيچاك‌محله : ٣٨٧ .
نهر قوچانی : ٤٤٥ .
نيازقلی‌خان قاسملو : ٥٣٩ .
نيمردان : ٢٨٦ .
نيملله (از دهكده‌های برزمهين رستاق) : ٣٨٩ ، ٣٩١ ، ٣٩٥ .
نينوا : ٥٧٤ .

و

واتيه [قريهٔ ...] : ٣٧٨ .
واكانو (از دهكده‌های فندرسك) : ٢٤٩ ، ٣٦٢ ، ٣٦٨ .
وال : ٢٣٩ .
وخلی‌كلاته : ٢٧٢ .
ورسن : ٢٣٩ ، ٥٩٥ .
ورنه [قريهٔ . . .] : ٢٧٠ ، ٢٧٣ .
وطن (از دهكده‌های راميان) : ١٥١ ، ٣٣٧ ، ٣٣٩ .
وطن [محال . . .] : ١٠٨ .
وطنا : ٣٨١ ، ٣٨٢ .
وكجاباد [قريهٔ . . .] : ٢٧٧ .
ولاش‌باغ (دراستراباد رستاق) : ٣٢٣،٣٢٤.
ولاشكی (از دهكده‌هـــای سدن رستاق) : ٣١٢ ، ٣١٣ .
ولفيج (در بلوك برزمهين رستاق) : ٢٧٣ .
ولنگه [قريهٔ . . .] : ٢٤٩ .
وله افرا (از دهكده‌های انزان) : ٢٨٧ ، ٢٩٣ .
ولی استرابادی : ٢٩٠ ، ٢٩٩ .

ولی‌خان پسر محمدکاظم : ۲۲۷ ، ۲۲۸ .
ولی‌بیگ بنه : ۶۰ .
ولی‌بیگ ناتلی : ۲٤ .
ولیک‌آباد [قریهٔ . . .] : ۵۹٦ .
ولیگ تنگه : ۳۸۷ .
وندخانی [قریهٔ . . .] : ۲٦۹ .
ویر احمدبیگ [طایفهٔ . . .] : ۱۳۰ .
ویر محمد شریف‌بیگ[طایفهٔ . . .] : ۱۳۰ .

ه

هادی : ٥٤٥ ، ٥٤٧ .
هادی‌بن آقاشیخ حسن مجتهد [آقا شیخ . . .] : ٥٦٥ .
هادی خان‌آقا : ٥۲٤ .
هادی سرپیری [آقا شیخ . . .] : ٥٦٤ .
هادی(سررشته‌دار دارائی استراباد): ٥٦٥ .
هارونه رود : ۲۷٤ .
هاشم [ملا . . .] : ۲۳۹ .
هاشم‌آباد : ۲٤۲ .
هدایت‌الله‌خان [میرزا . . .] : ۱٥٤ .
هرات : ٤۹۱ .
هزارجریب : ۱۲۷ ، ٥۱٤ .
هزاجریبی [طایفهٔ . . .] : ۱۳۸ .
هیبت‌الله‌بن حبیب‌الله استرابادی : ۳۰۰ .
هیبت‌الله‌بن فضل‌الله : ۲۸۹ .
هیبت‌الله‌بن نعمت‌الله استرابادی : ۲۹۱ .
هیبت‌الله ساوری : ۲۹۱ .

ی

یاجنو [قریهٔ ...] : ۲۸۲ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲ .
یادگاربیگ : ٤۸۰ .
یارعلی‌بن احمد یامچی : ۲۸۳ .
یالو [قریهٔ . . .] : ۱۲٦ ، ۱۲۷ ، ٥۳۷ .
یامچیان [جماعت . . .] : ۲۸۳ .
یساقی (از دهکده‌های سدن رستاق) : ۱۸۹، ۱۹۳ ، ۱۹٦ ، ۱۹۸ .
یعقوب (ازآدمهای محمدقلی دولو) : ٥۲۸.
یعقوب‌بن اوزون‌حسن (۸۹٦ ، ۸۸٤) [سلطان . . .] : ۳ .
یعقوب‌بن محمد : ۲۹۰ .
یموت [جماعت . . .] : ٥۲.

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰٤
۲	آثار ملّی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰٤
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد ــ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه در بارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمدعلی فروغی و هرتسفلد و هانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت‌جمشید (نوشتهٔ پروفسور هرتسفلد)	بهمن‌ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن‌ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر دراحوال وزندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی‌سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو درفلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم‌آبادی)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (بتصحیح آقای سیدمحمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت وکیفیت سلسلهٔ موجودات (به‌تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن‌سینا (ازآقای دکتر غلامحسین صدیقی)	—
۱۹	معراج‌نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	—
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	—
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب بابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	—
۲۲	ظفرنامه منسوب به‌ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳٤۸
۲۳	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیارالعقول ــ جرثقیل ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ــ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۷	ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعیدنفیسی)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا)	۱۳۳٤
۳۲	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن‌سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳٤
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر ومقابلهٔ خیام (به‌تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (با تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳٤۰
۴۱	شرح احوال ونقدو تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳٤۰
۴۲	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به‌تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳٤۰
۴۳	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی‌اصغر حریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳٤۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی	۱۳٤۱
۴۵	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی (باتصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار)	۱۳٤۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳٤۲

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۴۷	نادرهٔ ایام ، حکیم عمرخیام ورباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیهٔ تاریخی فارس) تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش‌نامهٔ انجمن آثار ملی	اردیبهشت ۱۳۴۴
۵۰	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیرهٔ خوارزمشاهی ، تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (بەاهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمدحسین‌اعتمادی ــ دکترمحمد شهراد ــ دکترجلال‌مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵شهریور ۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب ، با حواشی و تصحیح بخط خوداستاد ــ مقدمه و شرح حال بخط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس‌الجواهر و نفایس‌الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری به‌کوشش‌آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان(مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهری به‌عهدآبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی‌نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال‌الدین‌همائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶	فردوسی و شعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه........	آبان ۱۳۴۶
۵۷	خردنامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف‌بن‌علی مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸	فرهنگ واژه‌های‌فارسی در زبان عربی تألیف‌آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتابشناسی فردوسی . فهرست آثار وتحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰	روزبهان‌نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱	کشف‌الابیات فردوسی (جلداول) بکوشش دکترمحمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳	آثار باستانی‌کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴	بزرگان شیراز تألیف‌آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج‌فارس ودریای عمان تألیف‌آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفرشعار	دی ۱۳۴۸
۶۷	عهد اردشیر برگرداننده‌بفارسی سید محمد علی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸	یادگارهای یزد (جلداول) تألیف‌آقای ایرج‌افشار	بهمن ۱۳۴۸

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۶۹	ری‌باستان (مجلد دوم) تألیف آقای دکتر حسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰	ازآستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱	یادنامهٔ فردوسی، حاوی مقالات و چکامه‌ها به‌مناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳	فیلسوف ری ــ محمدبن‌زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به‌اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی، سنهٔ ۵۰۴ هجری به‌اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی ــ (کتاب دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷	نظری اجمالی به‌تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران وراهنمای کاخ گلستان نوشتهٔ آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹	کشف‌الابیات شاهنامهٔ فردوسی جلد دوم ــ بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰	آثار باستانی و تاریخی لرستان ــ جلد نخست ــ تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱	در دربار شاهنشاه ایران ــ تألیف ا. کمپفر آلمانی ــ ترجمهٔ آقای کیکاووس جهانداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳	مونس‌الاحرار فی‌دقایق‌الاشعار (جلد۲) تألیف محمدبن‌بدرجاجرمی بسال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میرصالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴	مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازاده شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶	دانش و خرد فردوسی فراهم‌آوردهٔ دکتر محمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ عکسی) از روی نسخهٔ مورخ به‌سال ۷۰۹ قمری زیرنظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰
۸۸	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۸۹	از استارا تا استارباد(مجلد دوم) آثار وبناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰	نصیحة‌الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه وتصحیح وتحشیهٔ استاد جلال‌الدین همایی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱	آثار باستانی آذربایجان(جلد اول آثار تاریخی شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱
۹۳	مجموعهٔ مقالات فروغی دربارهٔ شاهنامه و فردوسی به‌اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۵۱
۹۴	داستان داستانها (داستان رستم و اسفندیار) تنظیم متن وشرح و توضیح به‌کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن ۱۱هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال محدث	خرداد ۱۳۵۲
۹۶	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمد جواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰٤هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی (جلد سوم)	شهریور ۱۳۵۲
۹۸	ترجمهٔ يك فصل از آثارالباقیهٔ ابوریحان بیرونی بخامهٔ علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت با مقدمه والحاقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰	سیر فرهنگ ایران دربریتانیا یا تاریخ دویست‌سالهٔ مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱	آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲	سیراف (بندر طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴	کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد فقید دانشگاه به‌کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵	تاریخ بافت قدیمی شیراز ، تألیف آقای کرامت‌الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶	فرار از مدرسه ، در بارهٔ زندگی و اندیشهٔ ابوحامد غزالی ، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب	مرداد ۱۳۵۳

تاریخ انتشار		نام کتاب	شماره
۱۳۵۳	مهر	بیرونی‌نامه ، پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	۱۰۷
۱۳۵۳	آبان	جامع جعفری ، تاریخ یزد در دوران‌نادری وزندیه وعصرسلطنت فتحعلی‌شاه ، تألیف محمد جعفربن محمد حسین نائینی متخلص به «طرب» ، به‌کوشش‌آقای ایرج افشار	۱۰۸
۱۳۵۳	دی‌ماه	کتاب‌التفهیم لاوائل صناعة‌التنجیم ، تألیف ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدیدنظر و مقدمهٔ تازه به‌خامهٔ استاد جلال‌الدین همائی	۱۰۹
۱۳۵٤	اردیبهشت	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین، بخش اول ، تألیف آقای احمد اقتداری	۱۱۰
۱۳۵٤	اردیبهشت	«دیار شهریاران» آثار و بناهای تاریخی خوزستان ، جلدنخستین، بخش دوم ، تألیف آقای احمد اقتداری	۱۱۱
۱۳۵٤	خرداد ماه	احوال واقوال شیخ‌ابوالحسن خرقانی به‌ضمیمهٔ«منتخب‌نورالعلوم» تألیف آن عارف بزرگوار ، به‌اهتمام استاد مجتبی مینوی	۱۱۲
۱۳۵٤	تیرماه	شرح احوال و آثار و دوبیتی‌های باباطاهر عریان به‌انضمام شرح و ترجمهٔ‌کلمات قصار وی منسوب به‌عین‌القضاة همدانی (؟!) با اصل وترجمهٔ‌کتاب«الفتوحات‌الربانیة فی‌مزج‌الاشارات‌الهمدانیه» به‌شرح وتفسیر محمدبن ابراهیم مشهور به‌خطیب وزیری‌به‌کوشش دکتر جواد مقصود	۱۱۳
۱۳۵٤	شهریورماه	کتاب «الغارات» تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی کوفی اصفهانی به‌اهتمام و تصحیح استاد میرجلال‌الدین محدث (بخش نخست)	۱۱۴
۱۳۵٤	شهریورماه	کتاب «الغارات» به‌شرح مذکور در شمارهٔ ۱۱٤ (بخش دوم)	۱۱۵
۱۳۵٤	شهریورماه	یادگارهای یزد (جلد دوم ــ شهر یزد) تألیف آقای ایرج‌افشار	۱۱۶
۱۳۵٤	مهرماه	تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قارجاریه تألیف و تدوین‌آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	۱۱۷